Quasiparticle interference in unconventional superconducting phases

Akbari,Alireza

Asia Pacific Center for Theoretical Physics (APCTP)

Abstract

Bogoliubov quasiparticle interference (QPI) spectroscopy has emerged as an important tool to understand the pairing symmetry in unconventional and high Tc superconductors. This method is based on scanning tunneling microscopy (STM) and essentially involves investigating how the local density of states (LDOS) is modulated due to the presence of impurities. In recent years, QPI been used to determine the gap symmetry of unconventional superconductors, e.g. CeCoIn5. It has also been developed for non-centrosymmetric (NCS) superconductors with mixed singlet-triplet gap function. Qualitatively new effects in the QPI pattern originate from Rashba spin-orbit coupling and its associated coherence factors. This is discussed for a gap model with accidental node lines due to its composite singlet-triplet nature.

ساخت و کاربردهای زیستی آشکارساز های پیشرفته ابررسانا در محدوده مادون قرمز و تراهر تز

میرزایی، سید ایمان آزمایشگاه ادوات و مدارهای ابررسانا، دانشگاه صنعتی شریف

چکیدہ

Fabrication and some bio-applications of advanced high-Tc superconducting radiation detectors (IR and THz)

Mirzaei, Seyed Iman

Superconducting Electronics Research Laboratory (SERL) Sharif University of Technology

Abstract

Superconductivity and its rich collection of physics provide scientists with a variety of devices that can detect electromagnetic radiation at different wavelengths. In this talk, after a brief introduction to different types of superconducting radiation detectors, our recent progress in design and fabrication of some of these detectors in the IR and THz range will be presented. The high temperature superconductive bolometric and JJ based detectors for operation in wide band applications from optical to microwave and millimeter waves have been designed and fabricated using superconductive YBCO thin films. The films have been developed by a combination of magnetron sputtering and/or MOD techniques on various engineered crystalline substrates such as SrTiO3 and LaAlO3 substrates. We will mainly focus on biomedical applications of such detectors.

ابررسانایی و آخرین دستاوردها

حميده شاكرى پور

دانشکاره فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان ۱۱ ۸۳۱۹۶-۸۴۱۵۶

چکیدہ

یکی از سوالات بنیادین در زمینه ابررسانایی، فهم مکانیزم میکروسکوپی ابررسانایی در ترکیبات جدید ابررساناها، برای رسیدن به هدف والاتر یعنی دست یابی به ابررسانایی در دمای اتاق بوده است. طبق تئوری میکروسکوپی باردین-کوپر-شریفر (BCB)، عامل رسانش در ترکیبات ابررسانا، جفت الکترون ها با میانجیگری فونون ها می باشد. اما، کشف ابررسانایی در گروه های بسیاری از مواد ماند مواد فرمیون سنگین، ابررساناهای کوپراتی، موادآلی و سپس در مواد با پایه آهن، که در نمودان ها می باشد. اما، کشف ابررسانایی در گروه های بسیاری از مواد ماند مواد فرمیون سنگین، ابررساناهای کوپراتی، موادآلی و سپس در مواد با پایه آهن، که در نمودان ها می باشد. اما، کشف ابررسانایی در گروه های بسیاری از مواد مانند مواد فرمیون سنگین، ابررساناهای کوپراتی، موادآلی و سپس در مواد با پایه آهن، که در و فران ها می جنتی می می در مواد با پایه آهن، که در امواد فاز هم حزیستی دو فاز به ظاهر متفاوت ابررسانایی و مغناطیس فرد، موجب شد که فرضیه هم بستگی بین مکانیزم ابررسانایی و مغناطیس و یا به عبارتی مدل های جفت شدگی مغناطیسی الکترون ها [8-1] مورد توجه اساسی قرار بگیرند، به طوری که در حدود سی سال ذهن جامعه ابررسانایی به دنبال و یا به عبارتی مدل های جفت شدگی مغناطیسی الکترون ها [8-1] مورد توجه اساسی قرار بگیرند، به طوری که در حدود سی سال ذهن جامعه ابررسانایی به دنبال و یا به عبارتی مدل های جفت شدگی اکترون ها ای در ترکیبات کار براسانایی با دنبال می یافتان ابررسانایی با دماهای بالاتر براساس مکانیزم جفت شدگی اکترون-فونون در این مواد، شوک بزرگی را به ذهن ها وارد کرد (با انجام آزمایش مشابه بر روی گیگایاسکال، در ترکیب که طبق تئوری SBB بیانگر برهمکنش الکترون-فونونی است، تایید شد). علیرغم مخالفت های بعضی از تئوریسین ها با این پیشنهاد و بر روی گیگایاسکال، در ترکیب که طبق تئوری SBB بیانگر برهمکنش الکترون-فونونی است، تایید شد). علیرغم مخالفت های بعضی از بانی پیشنهاد و بر روی وی یار وی نوری در ترکیب می بروگی با در ای در تا در تا در تا در یا در تا این بروی می برگی م مخالف بیر روی کوی ای بر رویوپ، که طبق تئوری SBB بیانگر برهمکنش الکترون-فونونی است، تایید شد). علیرغم مخالفت های به عمل از این پیشنهاد و بی نیز روی وی بروی می بروگا با در تا در تا دسان بر تایند مواد و به اندیشنای یا نور شکونه که ما فکر می کن

مکانیزم جفت شدگی الکترون ها، با ساختار گاف یک ابررسانا رابطه ی مستقیم دارد. در ادامه، نشان می دهیم که اندازه گیری هدایت گرمایی در دماهای زیر یک کلوین و در راستاهای مختلفی از شبکه بلوری، بهترین ابزار برای تعیین ساختار گاف ابررسانایی بوده [12] و در این راستا، مشاهده سه فاز متفاوت ابررسانایی، برای اولین بار در خانواده فرمیون سنگین ۱۱۵ [15-13]، ارائه خواهد شد.

واژه های کلیدی: مکانیزم جفت شدگی الکترون ها، ابررساناهای جدید، ابررساناهای هیدروژن دار، ساختار گاف، هدایت گرمایی

Superconductivity and the Latest Findings

Hamideh Shakeripour

Departement of Physics, Isfahan University of Technology, Isfahan AE107-AT111, Iran

Abstract

One of the main questions in the field of superconductivity is: what leads to the cooper-pairing in new superconductors. The answer paves the road to reach to the room temperature superconductivity. In the BCS theory the electrical conduction is through cooper pairs mediated by phonon. However, while many new compounds like Heavy fermions, Cuprates, Organics and Fe-based compound show superconductivity in proximity to or coexistence with magnetic order in their phase diagram, this led scientists to accept and pay attention mainly to the spin fluctuations models, to provide glue for pairing [1-8], and to search for new high Tc superconductivity with Tc=203 K in H_2S compound under about 150 GPas pressure [9] (the pronounce isotope shift of Tc in D_2S is evidence of an electron-phonon mechanism of superconductivity, consistent with the BCS scenario.) shocked the superconducting scientist community. Although many theoreticians believed that it needs more evidences and experiments to be confirmed, however, in 13 Dec 2018, the German group discovered

another conventional superconductor with the highest temperature yet in LaH_{10} : Tc=250 K (under 170 GPas pressure), or -23 degrees Celsius below the melting ice temperature [10-11]. This gave a lesson that the nature does not behave as we think or want.

There is a direct relation between the pairing mechanism and the gap structure in superconductors. At the end, in short, we show the thermal conductivity measurements below 1K is a key tool to identify the gap structure [12]. In this road, we present the first observation of three different gap structures in heavy-fermion 115 family [13-15].

Key words: Electron pairing mechanism, New superconductors, Hydrogenated superconductors, gap structure, heat transport.

- [1] N.D. Mathur, et al., Nature **394**, 39 (1998).
- [2] C.C. Tsuei and J. R. Kirtley, Rev. Mod. Phys. 72, 969 (2000).
- [3] A.V. Chubukov, D. Pines, and J. Schmalian, edited by K. H. Bennemann & J. B. Ketterson (Springer Berlin Heidelberg, 2003), p. 495-590.
- [4] P. Monthoux and G.G. Lonzarich, PRB 71, 054504 (2005).
- [5] T. Moriya and K. Ueda, Advances in Physics 49, 555 (2000).
- [6] D.J. Scalapino, Physics Reports 250, 329 (1995).
- [7] D. Pines, Physica B: Cond. Matt. 199-200, 300 (1994).
- [8] P. Monthoux, A.V. Balatsky, and D. Pines, PRL. 67, 3448 (1991).
- [9] A.P. Drozdov, M.I. Eremets, et al., Nature 525, 73 (2015); arxiv. 1412.0460.
- [10] A.P. Drozdov, M.I. Eremets, et al., arxiv. 1812.01561 (2018).
- [11] D. Castelvecchi, Nature **565**, 12 (2019)
- [12] H. Shakeripour, et al., NJP. 11, 055065 (2009).
- [13] H. Shakeripour, et al., PRL. 99, 187004 (2007).
- [14] H. Shakeripour, et al., PRB 82, 184531 (2010).
- [15] H. Shakeripour, et al., Submitted to PRX.

Spin-orbit coupling and magnetic fluctuations: new pairing mechanisms and topological superconductivity

Kargarian, Mehdi

Department of Physics, Sharif University of technology

Abstract

Many novel states of matter stem from the close interplay between strong correlations and spin-orbit coupling. In this talk I discuss that the helical electron states such as the surface of topological insulators or electron states in the presence of Rashba spin-orbit coupling are unstable to exotic superconducting states when coupled to magnetic fluctuations. The transverse components of in-plane ferromagnetic fluctuations lead to attractive current-current interactions between electrons: The Amperean pairing. The out-of-plane fluctuations mediate an attractive interaction in channels that breaks the time-reversal symmetry spontaneously. In our settings, the order parameter spontaneously breaks the time-reversal symmetry and has a non-zero phase winding number around the Fermi surface. Our setting provides a concrete example of a two-dimensional topological superconductor.

مغناطش و ناهمسانگردی در لایههای نازک فریت کبالت

کاملی، پرویز دانشکده فیزیک، دانشگاه صنعتی اصفهان

چکیدہ

مغناطش لایه های نازک فریت کبالت اغلب زیر مقدار مربوط به نمونه های حجمی (¹ VA55 KAm⁻¹) به دست می آید. این مقدار مغناطش نمونه ی حجمی ناشی از توزیع کاتیونها در ساختار اسپینلی معکوس است. بعلاوه سهم قابل توجه گشتاور مداری به اندازه ی ۶.۰ مگتون بور مربوط به یونهای کبالت در جایگاه هشت وجهی است. همچنین گشتاور مداری عامل ایجاد مغناطو تنگش و ناهمسانگردی مغناطویلوری می باشد که به مقدار تنش ناشی از زیرلایه هشت وجهی است. همچنین گشتاور مداری عامل ایجاد مغناطو تنگش و ناهمسانگردی مغناطویلوری می باشد که به مقدار تنش ناشی از زیرلایه هم حساس است. ما ویژگیهای ساختاری و مغناطیسی لایه های نازک فریت کبالت را که با استفاده از لیزر پالسی روی زیر لایه های , (TiO2, دم حساس است. ما ویژگیهای ساختاری و مغناطیسی لایه های نازک فریت کبالت را که با استفاده از لیزر پالسی روی زیر لایه های , (TiO2, دم حساس است. ما ویژگیهای ساختاری و مغناطیسی لایه های نازک فریت کبالت را که با استفاده از لیزر پالسی روی زیر لایه های , در (TiO2, دم حساس است. ما ویژگیهای ساختاری و مغناطیسی لایه های نازک فریت کبالت را که با استفاده از لیزر پالسی روی زیر لایه های , در (TiO2, دم حصور می استفاده از لیزر پالسی روی زیر لایه های , در (TiO2, دم حصورت سیستمانیک مطالعه کردیم. مغناطی مادران و مغناطیسی لایه ی (C¹⁰ O700 O70) و فشار اکسیژن (A O10⁻⁴-0) لایه نشانی شده است را به صورت سیستمانیک مطالعه کردیم. مغناطش در مای اتاق از ۶۰ تا ¹ MgO و C²⁰ O700 کردی تک محوره ی القا شده توی زیر لایه به صورت سیستمانیک مطالعه کردیم. مغناطش در مای اتاق از ۵۰ تا MgO و C²⁰ MgO و C²⁰

Magnetization and anisotropy of cobalt ferrite thin films

P. Kameli,

Department of Physics, Isfahan University of Technology, Isfahan 84156-83111, Iran

Abstract

The magnetization of thin films of cobalt ferrite frequently falls far below the bulk value of 455 kAm⁻¹, which corresponds to an inverse cation distribution in the spinel structure with a significant orbital moment of about 0.6µB that is associated with the octahedrally coordinated Co^{2+} ions. The orbital moment is responsible for the magnetostriction and magnetocrystalline anisotropy and its sensitivity to imposed strain. We have systematically investigated the structure and magnetism of films produced by pulsed-laser deposition on different substrates (TiO2, MgO, MgAl₂O₄, SrTiO₃, LSAT, LaAlO₃) and as a function of temperature (500–700 °C) and oxygen pressure $(10^{-4}-10 \text{ Pa})$. Magnetization at room-temperature ranges from 60 to 440 kAm⁻¹, and uniaxial substrate induced anisotropy ranges from +220 kJm⁻³ for films on deposited on MgO (100) to -2100 kJm⁻³ for films deposited on MgAl₂O₄ (100), where the room-temperature anisotropy field reaches 14 T. No rearrangement of high-spin Fe³⁺ and Co^{2+} cations on tetrahedral and octahedral sites can reduce the magnetization below the bulk value, but a switch from Fe³⁺ and Co²⁺ to Fe²⁺ and low-spin Co³⁺ on octahedral sites will reduce the low temperature magnetization to 120kAm⁻¹, and a consequent reduction of Curie temperature can bring the room temperature value to near zero. Possible reasons for the appearance of low-spin cobalt in the thin films are discussed.

ابرشارگی در گازهای فرمیونی دوقطبی در ساختارهای لایهای

عابدين پور، سعيد

دانشکده فیزیک، دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان

چکیدہ

سیستمهای فراسرد بستر منحصر به فردی برای آزمودن و شبیه سازی نظریه های فیزیک ماده چگال فراهم کرده اند. از این منظر اتمهای مغناطیسی و مولکولهای قطبی به دلیل برهمکنشهای بلند برد دوقطبی-دوقطبی بین ذراتشان شاید قرابت بهتری با سیستمهای الکترونی مورد علاقه در ماده چگال داشته باشند. در این سخنرانی رقابت بین فازهای مختلف در ساختارهای دولایه ای از گازهای دوقطبی فرمیونی فراسرد را بررسی خواهم کرد. بطور مشخص نشان خواهم داد که چکونه جفت شدگی و فاز موج چگالی میتواند در پیکربندی های مختلفی از این ساختارهای خود را نشان دهد. در نهایت ناپایداری ساختارهای دوقطبی با چگالی نامقتارن به سوی فازهای ابرشاره عجیب را بحث خواهم کرد.

Superfluidity in layered dipolar Fermi gases

Abedinpour, Saeed

Department of Physics, Institute for Advanced Studies in Basic Sciences (IASBS), Zanjan 45137-66731, Iran

Abstract:

Ultra-cold systems have provided a unique platform for testing and simulating condensed matter theories. In this regard, polar molecules and magnetic atoms with long-range dipolar interactions have much better correspondence with electronic systems. In this talk, I will discuss the competition between different orders in double layer systems of dipolar fermions. I will show how superfluid pairing and/or density modulated phases can emerge in different setups of these systems. Moreover, I will also discuss instabilities toward exotic superfluid phases in density imbalanced bilayers of dipolar fermions.

تقویت اثر مگنتو اپتیکی کر به وسیله نانو لولههای کربنی

مرادی، مهرداد دانشکده فیزیک دانشگاه کاشان

*چکید*ہ

شاخه مگتواپتیک یکی از زمینه های تحقیقاتی است که از پیداش نانوفناوری بهرهمند شده است. اثرات مگتواپتیکی فارادی و کر دو اثر مهم مگتواپتیکی هستند. اثر کر به طور معمول ضعیف بوده و برای استفاده در کاربردهای مختلف نیازمند تقویت و افزایش است. نانولوله های کربنی با توجه به خواص منحصر به فرد خود میتوانند پتانسیل خوبی در استفاده به این منظور در ساختارهای مگتواپتیکی از خود نشان دهند. یکی از فرآیندهای افزایش اثر کر معمول ضعیف بوده و برای استفاده به این منظور در ساختارهای مگتواپتیکی از خود نشان دهند. یکی از فرآیندهای افزایش اثر کر منتهی میشود. علاوه بر این نانولوله های کربنی را کر افزایش اثر کر منتهی میشود. علاوه بر این نانولوله های کربنی را کر افزایش اثر کر منتهی میشود. علاوه بر این نانولوله های کربنی را میتوان یک عامل مفید در حسگرهای زیستی بر پایه تحریک پلاسمون سطحی نیز در نظر گرفت که با تقویت اثر کر افزایش حساسیت حسگر را میکن میتوان به عنوان یک عامل مفید در حسگرهای زیستی بر پایه تحریک پلاسمون سطحی نیز در نظر گرفت که با تقویت اثر کر افزایش حساسیت حسگر را میکن میتوان به عنوان یک عامل مفید در حسگرهای زیستی بر پایه تحریک پلاسمون سطحی نیز در نظر گرفت که با تقویت اثر کر افزایش حساسیت حسگر را میکن میکند. دستیابی به اهداف بحث شده با طراحی نانوساختارهای چندلایه شامل ماده مغناطیسی و لایه نانولوله های کربنی امکن یاد راین راه میکن را است. در این راه میکن میکند. دستیابی به اهداف بحث شده با طراحی نانولوله های کربنی بر پاسخ مگتواپتیکی ساختار تاثیرگذار خواهد بود. تحقیقات انجام شده مندان داده است که پوشش دهی نانولوله های کربنی با لایه فلزات پلاسمونیک مانند طلا و نقره میتوانند به تقویت و تغییر خواص پلاسمونیک نانولوله های کربنی بر نام مرد. میتوانند به تقویت و تغییر خواص پلاسمونیک نانولوله های کربنی بر نانولوله های کربنی بر پاسخ مگذاور از می می مندانو در می و تغییر خواص پلاسمونیک نانولوله های نانولوله های کربنی بر نام مرد. نر می میتوان داده است که پوشش دهی نانولوله های کربنی با لایه فلزات پلاسمونیک مانند طلا و نقره میتوانند به تقویت و تغییر خواص پلاسمونیک نانولوله های کربنی بر نیر نیر می میتون می میرد.

در این تحقیق از لایهای از نانولوله های کربنی برای افزایش جذب نور درون ساختار و بررسی اثر آن بر افزایش اثر مگنتواپتیکی کر بهره گرفته شده است. در این راه از روش های لایه نشانی مختلف از جمله لایه نشانی غوطه وری و لایه نشانی چرخشی برای لایه نشانی نانولوله های کربنی استفاده شده است. لایه نشانی نانولوله های کربنی به روش غوطه وری دارای پیچیادگی بیشتر و وجود عامل های تعیین کننده بیشتری می باشد، به نحوی که نیازمند زیرلایه ایندیوم برای افزایش چسبندگی بر بستر شیشه ای بوده و عوامل لایه نشانی از جمله غلظت محلول، زمان غوطه وری، زمان خشک شدن و تعاد دفعات غوطه وری بر پاری افزایش چسبندگی بر بستر شیشه ای بوده و عوامل لایه نشانی از جمله غلظت محلول، زمان غوطه وری، زمان خشک شدن و تعداد دفعات غوطه وری بر پاسخ مگنتواپتیکی ساختار تاثیر گذار بوده و باعث تغییر خواص ساختار می شوند. در این تحقیق با بررسی و ساخت ساختارهای مختلف نحوه تاثیر گذاری این عوامل بر پاسخ مگنتواپتیکی ساختار شامل نانولوله های کربنی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان دادند هر کدام از عوامل بحث شده یک حالت بهینه داشته که در بهترین حالت بررسی شده سیگنال مگنتواپتیکی کر فقط به اندازه ۱۷ درصد افزایش یافت. در ادامه لایه نشانی نانولوله های کربنی به روش چرخشی بر روی لایه نیکل انجام شد که پیچیاگی های کمتری نسبت به روش غوطه وری داشت. نتایج نشان دادند هر کدام از عوامل بحث شده یک حالت بهینه پرخشی مر روی لایه نیکل انجام شد که پیچیاگی های کمتری نسبت به روش غوطه وری داشت. نتایج نشان داد که لایه پوششی نانولوله های کربنی به روش بهترین حالت باعث افزایش ۱۸۸ درصدی اثر مگنتواپتیکی کر می شود. در همین راستا نتایج طیف جذب نیز نشان داد که لایه پوششی نانولوله های کربنی در تایید فرآیند پیش نیمان ده در مان را مگنتواپتیکی کر می شود. در همین راستا نتایج طیف جذب نیز نشان داد که لایه پوششی نانولوله های کربنی در می فرد در می فره فروری در ساختار و فرایش در ان روی را خولی می دان در دان و فرد می در ساختار و رساخت فرای در ماختار و فرنی را سی داخل باخین داد که لایه پوششی نانولوله کربنی در ساختار و خرفی در تایز بی بین دان داد که نو یه در در ساختار و فر فر فره مرفره در می بر فر داند و فرای دان داد که نو یه در در می در در ساختار و فر نو در ساختار و فری در در یک دان و فریش می دان در در ساختار و در در ساخار در

Amplify the magneto-optical Kerr effect using carbon nanotubes (CNTs)

Moradi Mehrdad

Department of Physics, University of Kashan,

Abstract

Magneto-optical (MO) branch is one of the research areas that has benefited from nanotechnology. The Faraday and Kerr effects are the two most important effects in this field. The Kerr effect is usually weak and for using in different application, it needs amplification. Carbon nanotubes (CNTs) due to their special properties show a great poetical to be employed in MO structures in order to full fit this matter. One of the common approaches to amplify Kerr effect is enhancement of light absorbance in nanostructures which leads to amplifying the interaction of light and magnetic materials. In addition, CNTs can be considered as a useful agent in surface plasmon resonance (SPR) based biosensors where they enhance sensor's sensitivity by amplify the Kerr signal. Achieving discussed proposes is possible by designing multilayer nanostructures containing magnetic and CNT layers. Magnetic layer's thickness along with method and deposition details of the CNT coating have an important role in MO response of the structure. Recent studies showed coating CNTs with plasmonic metals such as gold and silver thin film can improve and change plasmonic properties of CNTs.

In this research, CNTs are used for enhancement of the light absorption and its effect on MO Kerr effect have been investigated. Spin-coating and dip-coating methods have been carried out for deposition of CNT thin film. Deposition of CNTs with dip-coating method has more complication. It needs indium as interface layer to enhance layer adhesion on glass substrate. Also coating factors such as solution concentration, dipping time, dry time and number of dipping have effect on MO Kerr response and change the structure properties. In this research, effect of these factors on MO Kerr effect response of the structures containing CNTs have been investigated. Results showed each one of these factors has its optimum which in best case enhancement of 17% in MO Kerr signal obtained. In the next step, the deposition of CNTs was carried out using spin-coating. The results of spin-coating the CNT layer on Ni layers led to 188% enhancement of the MO Kerr effect in the best conditions. Absorbance spectra of the samples were approved our discussion on the physics of MO enhancement and showed higher absorbance in CNT coated samples.

Induced superconductivity in Dirac/Weyl solids

Jafar, Seydakbar

Department of Physics, Sharif University of Technology

Abstract

In this talk I will show that induced superconductivity in Dirac solids can have novel forms including but not limited to pseudoscalar form of superconductivity. I discuss experimental signatures of this form of superconductivity from transport to NMR measurements. Finally I discuss how the superconductivity is induced in Fermi arc states of Weyl semimetals.

آلایش ترکیبات Sm123 و Sm358 با پراسیدیمیوم

صندوقچی، محمد ٰ ؛ اخوان، محمد ٔ

ا آزمایشگاه پژوهشی مغناطیس، دانشکاره فیزیک، دانشگاه صنعتی شریف، خیابان آزادی، تهران

چکیدہ

مطالعه رفتار مقاومت بر حسب دمای ترکیبات Sm_{1-x}Pr_xBa₂Cu₃O₇ و Sm_{3-x}Pr_xBa₅Cu₈O₁₉ به ازای درصد های آلایش مشابه پراسیدیمیوم انجام شد. نتایج نشان دادند که کاهش دمای گذار این دو ترکیب با آلایش بصورت خطی می باشد. نزدیکی شیب این رفتار کاهشی نشان می دهد که این دو فاز در عمل شبیه هم رفتار می کنند. در توجیه کاهش دمای گذار به صورت خطی، با استفاده از نظریه شکست جفت ابریکوسوف-گُرکوف نشان داده شد که احتمالاً کاهش دمای گذار ترکیب در توجیه کاهش دمای گذار به صورت خطی، با استفاده از نظریه شکست جفت ابریکوسوف-گُرکوف نشان داده شد که احتمالاً کاهش دمای گذار ترکیب Sm_{1-x}Pr_xBa₂Cu₃O₇ ، مشابه ترکیب O 2p-Cu 3d به علت هیبرید شدن اوربیتال های Pr 4f با حالتهای O 2p-Cu 3d می باشد.

Doping of Sm123 and Sm358 Compounds with Praseodymium

Sandoghchi, Mohammad¹; Akhavan, Mohammad²

¹Magnet Research Laboratory (MRL), Department of Physics, Sharif University of Technology, Tehran

Abstract

Investigation of doping effect on electrical resistivity of $Sm_{1-x}Pr_xBa_2Cu_3O_7$ and $Sm_{3-x}Pr_xBa_5Cu_8O_{19}$ compounds for different values of x has been done. The results indicate that transition temperature reduces almost linearly in both compounds. The slopes of this reduction in transition temperature are nearly the same which suggest that these phases behave like each other under the Pr doping. According to application of Abrikosov- Gor'kov pair-breaking theory, it is concluded that, like the case of $Sm_{1-x}Pr_xBa_2Cu_3O_7$ compound, hybridization of Pr 4f states with O 2p-Cu 3d states is important in depression of transition temperature of $Sm_{3-x}Pr_xBa_5Cu_8O_{19}$.

PACS No. 70, 74

ترکیب (۲358) Y₃Ba₅Cu₈O₁₈ (۲358) توجهات زیادی را جلب کرده است. با این حال مطالعات بعدی شباهت یا همزیستی میان دوفاز Y123 و Y358 را پیشنهاد میکنند [6–3]. به علاوه آلایش Ca, Ag, Nd, Sm, Lu, مختلف از جمله R358, با عناصر مختلف از جمله Gd بهبودی در دمای گذار این ترکیب نشان نمیدهد [71–7]. با این حال افزایش دما با آلایش F نیز گزارش شده است [11,18] که در تضاد با نتیجهای دیگر [19] است. این نتایج یاد آور رفتار ترکیبات R123 است که مطالعه های وسیعی روی آن صورت گرفته است. با توجه به موارد اشاره شده به نظر میرسد که ساخت ترکیب تک فاز R358 با دمای گذار بالای ۱۰۰ کلوین مشکل میباشد. همچنین آلایش این ترکیبات معمولاً باعث بهبود دمای

مقدمه

ترکیبات ابررسانای REBa₂Cu₃O₇ خانوادهای از ابررساناهای اکسید مس را تشکیل میدهند (خانواده R123) که دارای دمای گذار حدود ۹۰ کلوین می باشند (در اینجا RE شامل Y و همه عناصر خاکی نادر بجز Pr, Ce, Tb میشود). این ترکیبات به دلایل مختلف از جمله دمای گذار بالا، چگالی جریان بحرانی زیاد و سادگی ساختشان مورد مطالعه زیادی قرار گرفته اند. بسیاری از این تحقیقات به بررسی عوامل مؤثر برروی دمای گذار این ترکیبات پرداخته اند، که از جمله آنها میتوان به آلایش های متفاوت ترکیبات انداره کرد. برای مثال افزایش دمای گذار به بیش از ۱۰۰ کلوین از طریق افزایش تعداد صفحات موثر در

مخرب روی دمای گذار ترکیب R358 را با R123 مقایسه کرد. مناسب ترین گزینه برای این کار آلایش ترکیب با پراسیدیمیم است؛ از آن جهت که داده های فراوانی برای ترکیبات R123 آلاییده شده با این عنصر وجود دارد[20].

از این رو در این مقاله اثر آلایش Pr روی دمای گذار ترکیبات Sm_{1-x}Pr_xBa₂Cu₃O₇ و Sm_{3-x}Pr_xBa₅Cu₈O₁₉ مورد مطالعه قرارگرفته است. برای مقایسه بهتر مقادیر آلایش در ترکیب طوری انتخاب شده اند که مضرب ۳ متناظر مقدار x در ترکیب 123باشد (درصدها آلایش برابر).

جزئیات ساخت و اندازه گیری

چندین نمونه Sm_{1-x}Pr_xBa₂Cu₃O₇ (Sm_{1-x}Pr_x23) به ازای $Sm_{3-x}Pr_xBa_5Cu_8O_{19}$ $ext{ = [0, 0.1, 0.2, 0.3, 0.4]}$ (Sm_{3-x}Pr_x58) به ازای [2.4 (x=[0, 0.3, 0.6, 0.9, 1.2] به روش استاندارد حالت جامد ساخته شدند. برای این منظور پودرهای با خلوص بالا Sm₂O₃, Pr₆O₁₁, BaCO₃, CuO به نسبت مناسب وزن شدند. سپس پودرها با افزودن مقدار کافی ایزوپروپیل الکل آمیخته و آسیاب شدند، سپس پودر اولیه حاصل به مدت ۲٤ ساعت در دمای C°۸۵۰ کلسینه شد. این فرایند یک بار دیگر برای پودر سیاه حاصله تکرار شد. پودرهای نهایی تحت فشار تقریبی ۱۰ ton/cm² به صورت قرص درآمدند. قرصهای حاصل در دمای ۲۰۰۰°C تحت اتمسفر اکسیژن کلوخهسازی شدند، سیس با آهنگ دمایی کمتر از ۱°C/min تا دمای C°۰۰ سرد شده و در این دما به مدت ۲٤ ساعت در معرض اکسیژن نگهداشته شده و سیس کاهش دما با آهنگ دمایی آهسته تا دمای اتاق انجام شد. برای داشتن نمونه های مناسب کاهش آهسته دما و وجود اتمسفر اکسیژن در فرایند کلوخه سازی ضروری است.

اندازه گیری مقاومت نمونه ها به روش استاندارد چهار میله انجام شد. برای این منظور از جریان ۹٫۲٤ mA و فرکانس ۹٫۲٤ m استفاده گردید. اندازه گیری اختلاف پتانسیل توسط دستگاه تقویت کننده قفلی Princeton Applied Research 124A انجام شده، کنترل و اندازه گیری دما توسط دستگاه Lake Shore 330 و مقاومت Pt-100 صورت گرفت.

نتايج و بحث

شكل ۱ نتيجه اندازه گيرى مربوط به تغييرات مقاومت نمونه ها را نسبت به مقاومت دماى $2^{\circ} \cdot 14$ نشان مى دهد. همان طور كه از اين شكل ديده مى شود، در تركيب $Sm_{1-x}Pr_x23$ با افزايش مقدار X به مقدار بيش از ۲,۰ رفتار مقاومت نمونه بر حسب دما از حالت خطى خارج مى شود. همچنين به ازاى مقادير $0.3 < x \le 0.4$ ابررسانايى در اين تركيب از بين مى رود كه سازگار با مقدار آلايش بحرانى $7, \cdot -$ گزارش شده قبلى براى اين تركيب مى باشد [21]. در مورد تركيب $87_x - 87_x$ نيز رفتار مشابهى ديده مى شود. در اين تركيب ابررسانايى به ازاى مقدار آلايش $0.9 < x \le 12$. از بين مى رود. با در نظر گرفتن تعداد عناصر Sm در دو تركيب مى رود. با در نظر گرفتن تعداد عناصر Sm در دو تركيب مى رود. با در نظر گرفتن تعداد عناصر Sm در دو تركيب مى رود. با در نظر گرفتن تعداد عناصر Sm در دو تركيب مى رود. با در نظر گرفتن تعداد عناصر Sm در دو تركيب مى رود. با در نظر گرفتن تعداد عناصر Sm در دو تركيب مى رود. با در نظر گرفتن تعداد عناصر Sm در دو تركيب مى رود. با در نظر گرفتن تعداد عناصر Sm در دو تركيب مى رود. با در نظر گرفتن تعداد عناصر Sm در دو تركيب مى رود. با در نظر گرفتن تعداد عناصر Sm در دو تركيب مى افتان اتفاق آلايش بحرانى Pr براى دو تركيب در بازه درصدى يكسانى اتفاق مى افتد، كه تاييد دوباره اى بر شباههت يا همزيستى دو فاز ذكر شده است.



.(b) $\operatorname{Sm}_{3-x}\operatorname{Pr}_{x}\operatorname{Ba}_{5}\operatorname{Cu}_{8}\operatorname{O}_{19}$ (a) $\operatorname{Sm}_{1-x}\operatorname{Pr}_{x}\operatorname{Ba}_{2}\operatorname{Cu}_{3}\operatorname{O}_{7}$

است. هر چند که بنظر اثر تخریبی روی ترکیب Sm358 کمی بیشتر است. همچنین صرف نظر از اثر آلایش، دمای گذار ترکیب Sm123 و Sm358 بسیار نزدیک به هم است. در نتیجه بنظر میرسد، حداقل در ارتباط با خواص رسانندگی، ترکیب Sm358 نسبت به ترکیبSm123 مزیت محسوسی ندارد.

برای توجیه کاهش دمای گذار با آلایش، ناکافی بودن مدل پرشدگی حفره به واسطه حضور یونهای دارای ظرفیت متغییر Pr (با ظرفيتي ميان ٣+ تا ٤+) موضوعي شناخته شده است[20,21]. به زبان ساده اگر تنها نقش یونهای Pr پرکردن حفرههای صفحات CuO₂ بخاطر داشتن ظرفیت متفاوت با ظرفیت ۳+ عنصر خاکی نادر بود، با توجه به شباهت ساختار شبکههای R123 انتظار مقدار آلایش بحرانی Pr یکسانی (مستقل از شعاع عنصر R) را باید داشت، که خلاف شواهد تجربی است[21]. سازوکار دیگری که در ارتباط با کاهش دمای گذار با آلایش Pr مطرح است هیبرید شدن حالتهای Pr 4f با حالتهای O 2p -Cu 3d میباشد [20,21]. از طرف دیگر مساله تغییر دمای گذار ابررسانایی به واسطه حضور یونهای پارامغناطیس از مدت ها پیش شناخته شده است [22] که امروزه از آن تحت عنوان نظريه شكست جفت ابريكوسوف-گُركوف (نظريه AG) ياد مي شود [21,23,24]. بر اساس نظريه AG تغییرات دمای گذار برحسب یونهای ناخالصی یارامغناطیس به صورت زير خواهد بود:

$$\ln\left(\frac{T_c}{T_{c0}}\right) = \psi\left(\frac{1}{2}\right) - \psi\left(\frac{1}{2} + \frac{\rho}{2}\right), \rho = \frac{\hbar}{\pi k_B T_c \tau_s} \tag{1}$$

$$\sum_{b \in C} \sum_{i=1}^{n} \frac{1}{i} \sum_{j=1}^{n} \frac{1}{j} \sum_{i=1}^{n} \frac{1}{i} \sum_{j=1}^{n} \frac{1}{i} \sum_$$

 $\hbar/\tau_s = 2\pi n_l N(0) (g-1)^2 J_{ex}^2 J(J+1)$ (Y)

کمیت n_I نشان دهنده غلظت ناخالصیهای جفت-شکننده (در اینجا یونهای T_{c0} (Pr دمای گذار در حالت بدون ناخالصی، ψ تابع دیگاما، (Pr) چگالی حالتها در تراز فرمی، g ضریب لانده عنصر مغناطیسی جفت-شکننده و J اندازه حرکت زاویهای کل است. Jex ثابت برهمکنش تبادلی میان اسپین یون مغناطیسی و الکترونهای رسانش است. در حد مقادیر غلظت کم (1»م) معادله ۱به شکل زیر در میآید:

$$T_c - T_{c0} = -\frac{\hbar\pi}{4k_B\tau_s} \tag{(Y)}$$

برای بررسی بهتر تغییرات دمای گذار این دو ترکیب با آلایش مقدار Pr در شکل ۲ نشان داده شده است. همانطور که دیده می شود، کاهش دمای گذار آستانه T^{on} برای هر دو ترکیب تقریباً خطی است. مقایسه شیب (با در نظر گرفتن درصد آلایش) این دو خط مقدار تقریباً برابری را نشان می دهد (۲۱۸~۲۱۹=۳×۷۳).



شكل ۲: تغییرات دمای گذار آستانه بر حسب آلایش Pr برای تركیبات (b)Sm_{3-x}Pr_xBa₅Cu₈O₁₉ و (a)Sm_{1-x}Pr_xBa₂Cu₃O₇).



شکل ۳: مقایسه تغییرات دمای گذار آستانه بر حسب آلایش برای ترکیبات Sm_{3-x}Pr_xBa₅Cu₈O₁₉ (*خط چین*) و Sm_{3-x}Pr_xBa₅Cu₈O₇ (*خط پر*). شکل ۳ نتایج مربوط به شکل ۲را با هم مقایسه میکند. ملاحظه میشود که اثر آلایش پراسیدیمیم روی هر دو ترکیب تقریباً مشابه

کاهش دمای گذار با افزایش آلایش برای هر دو ترکیب به صورت خطی میباشد که قابل بررسی با نظریه شکستگی جفت ابریکوسوف-گُرکوف است. با استفاده از این نظریه، مقدار Jex =104 meV یوی Sm_{3-x}Pr_x58 تخمین زده شد که به مقدار متناضر برای ترکیب Sm_{1-x}Pr_x23 تخمین زده شد که به اندازه Jex میتوان سازوکار هیبرید شدن حالتهای Pr 4*f* با حالتهای O 2*p*-Cu 3*d* در این ترکیب را عامل مهم در کاهش دمای گذار آن دانست. در نهایت بنظر می رسد که فرایند ساخت ترکیبات R358 به روش حالت جامد معمول منجر به تجزیه این ترکیب به فاز غالب R123 می شود.

مرجعها

- A. Aliabadi, Y. Akhavan Farshchi, M. Akhavan, Phys. C Supercond. 469 (2009) 2012–2014.
- [2] A. Tavana, M. Akhavan, Eur. Phys. J. B 73 (2010) 79-83.
- [3] S. Gholipour, V. Daadmehr, A.T. Rezakhani, H. Khosroabadi, F. Shahbaz Tehrani, R. Hosseini Akbarnejad, J. Supercond. Nov. Magn. 25 (2012) 2253–2258.
- [4] H. Khosroabadi, M. Rasti, M. Akhavan, Phys. C Supercond. Its Appl. 497 (2014) 84–88.
- [5] P. Udomsamuthirun, T. Kruaehong, T. Nilkamjon, S. Ratreng, J. Supercond. Nov. Magn. 23 (2010) 1377–1380.
- [6] S.P.K. Naik, M. Santosh, J. Supercond. Nov. Magn. 31 (2018) 3415– 3421.
- [7] M. Rekaby, M. Roumié, A. Abou-Aly, R. Awad, M. Yousry, J. Supercond. Nov. Magn. 27 (2014) 2385–2395.
- [8] A.O. Ayaş, A. Ekicibil, S.K. Çetin, A. Coşkun, A.O. Er, Y. Ufuktepe, T. Fırat, K. Kıymaç, J. Supercond. Nov. Magn. 24 (2011) 2243–2252.
- [9] A. Ekicibil, S.K. Cetin, A.O. Ayaş, A. Coşkun, T. Fırat, K. Kıymac, Solid State Sci. 13 (2011) 1954–1959.
- [10] A. Esmaeili, H. Sedghi, M.M. Golzan, M. Amniat-Talab, J. Supercond. Nov. Magn. 24 (2011) 2237–2242.
- [11] K. Srinivasan, C. George Thomas, P. Padaikathan, others, J. Miner. Mater. Charact. Eng. 10 (2011) 1277.
- [12] U. Topal, M. Akdogan, J. Supercond. Nov. Magn. 25 (2012) 239– 244.
- [13] D. Martinez Buitrago, N.C. Reyes-Suarez, J.P. Peña, O. Ortiz-Diaz, J. Otálora, C.A. Parra Vargas, J. Supercond. Nov. Magn. 26 (2013) 2269–2271.
- [14] J.L. Pimentel, D.M. Buitrago, I. Supelano, C.A. Parra Vargas, F.R. Mesquita, P. Pureur, J. Supercond. Nov. Magn. 28 (2015) 509–512.
- [15] N. Zarabinia, V. Daadmehr, F.S. Tehrani, M. Abbasi, Procedia Mater. Sci. 11 (2015) 242–247.
- [16] D.A. Castellanos Coronado, F. Maloberti, E. Bonizzoni, Cult. Científica 14 (2016) 104–109.
- [17] M.Z. Shoushtari, G. Heidarzadeh, S.E.M. Ghahfarokhi, J. Supercond. Nov. Magn. 3 (2018) 3475–3483.
- [18] K. Srinivasan, C. George Thomas, P. Padaikathan, N.V. Ashoka, Int. J. Eng. Res. Appl. IJERA 3 (2013) 927–930.
- [19] T. Kruaehong, J. Aust. Ceram. Soc. Vol. 51 (2015) 109-115.
- [20] M. Akhavan, Phys. B Condens. Matter 321 (2002) 265–282.
- [21] S.K. Malik, C.V. Tomy, P. Bhargava, Phys. Rev. B 44 (1991) 7042– 7045.
- [22] A.A. Abrikosov, L.P. Gor'kov, Sov Phys JETP 12 (1961) 1243-1263.
- [23] P. Fulde, Mod. Phys. Lett. B 24 (2010) 2601–2624.
- [24] A.A. Abrikosov, Sov. Phys. Uspekhi 12 (1969) 168.
- [25] S.K. Malik, A.M. Umarji, G.K. Shenoy, Phys. Rev. B 32 (1985) 4426–4430.

با افزایش بیشتر ρ و در نتیجه کاهش T_c سرانجام تحت شرط زیر ابررسانایی از بین میرود:

 $\frac{1}{\tau_s} = \left(\frac{\pi k_B T_{c0}}{2\hbar\gamma}\right), \gamma = 1.78 \tag{(1)}$

با توجه به رابطه ۲ و ۳ دیده می شود که در مقادیر غلظت کم، دمای گذار بصورت خطی با افزایش ناخالصی مغناطیسی کاهش پیدا میکند، که سازگار با نتایج شکل ۲ است. از روی این رابطه می توان مقدار Jex را برای ترکیب Sm_{3-x}Pr_x58 تخمین زد. با پیروی از روش استفاده شده در [25] برای مقادیر کم ناخالصی با استفاده از معادله ۳ و ۲ می توان نوشت:

 $\frac{dT_c}{dn_I} = 3\frac{dT_c}{dx} = -\frac{\pi^2 N(0) (g-1)^2 J_{ex}^2 J(J+1)}{2k_B} \qquad (\diamond)$

که در آن با توجه به حضور 3 اتم به ازای هر سلول واحد $x=3n_{I}$ از رابطه $Sm_{3-x}Pr_{x}Ba_{5}Cu_{8}O_{19}$ از رابطه $Sm_{3-x}Pr_{x}Ba_{5}Cu_{8}O_{19}$ از اثر پرشدگی فرض آنکه یونهای پراسیدیمیم در حالت Pr^{3+} (از اثر پرشدگی حفره ها چشم پوشی میکنیم) باشند مقدار J برابر 4 و در نتیجه مقدار g=0.8 مقدار g=0.8 مقدار g=0.8 مقدار g=0.8 مقدار $T_{c}/dx=-73$ K/atom meV.state

$$N(0) J_{ex}^2 \approx 4.78 \left(\frac{mev.state}{atom spin}\right)$$
(\$)

که نزدیک به مقدار محاسبه شده ٤,٥ (در همان واحد) مرجع[21] است. با توجه به شباهت رفتار دو ترکیب 2523 و 25358 اگر فرض کنیم چگالی حالت ها در سطح فرمی مقدار مشابهی داشته باشند، یعنی Jex=104 meV 200 [21] آنگاه مقدار Jex =104 meV بدست میآید. این مقدار یه میتواند نشانه ای از علت کاهش دمای گذار به واسطه سازوکار هیبرید شدن حالتهای Pr 4f با حالتهایSm3-xPrx58 باشد.

نتيجه گيرى

مقایسه اثر آلایش پراسیدیمیوم روی ترکیبات Sm_{1-x}Pr_xBa₂Cu₃O₇ و Sm_{1-x}Pr_xBa₂Cu₃O₇ نشان داد که در Pr عمل ابررسانایی این ترکیبات در درصد آلایش تقریباً برابری از از بین میرود. با این حال دمای گذار آستانه ترکیب Sm_{1-x}Pr_xBa₂Cu₃O₇ نسبت به Sm_{1-x}Pr_xBa₅Cu₈O₁₉ کمی حساس تر به مقدار آلایش است. همچنین دیده شد که رفتار

خواص مغناطیسی و گذار فاز در نقاط کوانتومی سهموی: اثرات دما، فشار و میدانهای خارجی مهناز خسروی،کاووس عباسی،بهروز واثقی،قاسم رضایی گروه فیزیک،دانشکده علوم پایه،دانشگاه یاسوج

چکیدہ

تأثیرات همزمان فشار، دما و میدان مغناطیسی خارجی بر پذیرفتاری مغناطیسی یک نقطه کوانتومی استوانهای با پتانسیل سهموی مورد بررسی قرار گرفته است. برای به دست آوردن ویژه توابع و ویژه مقادیر نقطهی کوانتومی، معادله شرودینگر سیستم را در دستگاه مختصات استوانهای حل کرده و سپس با استفاده از فرمول بندی آنسامبل کانونی پذیرفتاری مغناطیسی سیستم مورد نظر را محاسبه میکنیم. نتایج به دست آمده نشان می دهد که دما، فشار و میدان مغناطیسی خارجی تاثیر قابل توجهی بر پذیرفتاری مغناطیسی سیستم دارد، به طوری که با تغییر این پارامترها گذار فازی از حالت دیامغناطیس به پارامغناطیس اتفاق می افتد و نقطه گذار تابعی از فشار، دما و میدان مغناطیسی خارجی است.

Magnetic properties and phase transition in parabolic quantum dot: Temperature, pressure and external field

M. Khosravi, K. Abbasi, B. Vaseghi, G. Rezaei

Department of Physics, College of Sciences, Yasouj University

Abstract

Pressure, temperature and external magnetic field effects on magnetic susceptibility of a cylindrical parabolic quantum dot have been investigated. Energy eigenvalues and eigenfunctions are obtained by solving the Schrödinger equation in cylindrical coordinates and then, the canonical ensemble formalism is used to calculate the magnetic susceptibility of the system. Our results reveal that, the pressure, temperature and magnetic field have a great influence on the magnetic susceptibility. It is clearly seen that phase transition from diamagnetic to paramagnetic state occurs with modifying these parameters and transition points depend on pressure, temperature and magnetic field.

PACS No. 75

جالب ترین موضوعها در علم فیزیک است [۹]. از بین خواص مغناطیسی، پذیرفتاری مغناطیسی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. به عنوان مثال: خرداد در سال ۲۰۱۸ اثر همزمان برهمکنش الکترون – الکترون ، اسپین مدار راشبا و میدان مغناطیسی را بر روی پذیرفتاری نقاط کوانتومی بررسی کرد و به این نتیجه دست یافت که پذیرفتاری در میدانهای مغناطیسی کم منفی است و با افزایش میدان مثبت می شود [۱۰]. علاوهبراین، در سالهای اخیر اثرات دما و فشار بر خواص مغناطیسی و نوری نقاط کوانتومی بررسی شده است. از جمله واثقی و همکاران در سال ۲۰۱۵ خواص نوری نقاط مقدمه

نانو بلورهای نیمرسانا، که همان نقاط کوانتومی نامیده می شوند، طیف گسترده ای از خواص را دارا می باشند [۱]. نقاط کوانتومی با روش های مختلفی از جمله لیتوگرافی شیمیایی [۲]، لیتوگرافی پرتو الکترونی [۳]و سنتز کلوئیدی [٤] تهیه می شوند. امروزه نقاط کوانتومی به علت ویژگی های فیزیکی منحصربه فردخود، مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفته اند. در این رابطه خواص الکترونی [٥]، نوری [٦]، مکانیکی [۷] و مغناطیسی [۸] آنها بسیار مهم است. مطالعه خواص مغناطیسی از مهم ترین و

کوانتومی سهموی را در حضور ناخالصی بررسی کرده و اثرات فشار، دما و شدت میدان لیزری قوی را با استفاده از روش قطری سازی ماتریسها بر ویژگیهای نوری سیستم به دست آوردند[۱۱]. همچنین اوجی در سال ۲۰۱۷ اثرات دما و فشار را بر ویژگیهای نوری نقاط کوانتومی استوانهای با روش عددی محاسبه کرد و به این نتیجه رسید که با افزایش فشار (دما) خواص نوری تغییر میکند[۱۲]. بنابراین، در این مقاله یک نقطه کوانتومی استوانهای با پتانسیل سهموی را در نظر گرفته و اثرات همزمان فشار، دما و میکندان مغناطیسی خارجی را برپذیرفتاری مغناطیسی آن بررسی میکنیم.

تئوري مسئله

در تقریب جرم موثر، هامیلتونی الکترون محبوس در نقطه کوانتومی تحت تاثیر دما، فشار و میدانهای الکتریکی و مغناطیسی خارجی بهصورت زیر نوشته میشود.

$$H = \frac{-\hbar^{2}}{2m^{*}} \left[\frac{1}{\rho} \frac{\partial}{\partial \rho} \left(\rho \frac{\partial}{\partial \rho} \right) + \frac{\partial^{2}}{\partial z^{2}} + \frac{1}{\rho^{2}} \frac{\partial^{2}}{\partial \varphi^{2}} \right]$$

$$+ \frac{1}{2} \omega_{c z}^{1} + \frac{m^{*} \Omega^{2} \rho^{2}}{8} - eFz + \frac{m^{*} \omega_{0}^{2} z^{2}}{2}$$

$$(1)$$

که درآن $_{z}^{1}$ مؤلفه z اندازه حرکت زاویهای مداری، $m + \pi$ جرم مؤثر الکترون، F میدان الکتریکی، $_{c}^{0}$ فرکانس سیکلوترونی و $_{0}^{0}$ فرکانس محدودیت کوانتومی بهصورت $\Omega = \sqrt{\omega_{c}^{2} + 4\omega_{0}^{2}} = \Omega$ میباشد. با توجه به تقارن موجود از جداسازی متغییرها در مختصات استوانهای استفاده کرده و تابع موج سیستم را بهصورت زیر مینویسیم.

$$\psi = f(\rho, \varphi)g(z) \tag{(1)}$$

بەطورى كە[١١]

$$g(z) = \frac{1}{\sqrt{2^{n_{z}} n_{z}!}} \left(\frac{-m^{*}\omega_{0}}{2\hbar}\right)^{\frac{1}{4}} exp[\frac{-m^{*}\omega_{0}}{2\hbar} \\ (z - \frac{eF}{m^{*}\omega_{0}})^{2}]H_{n}[\sqrt{\frac{m^{*}\omega_{0}}{\hbar}}(z - \frac{eF}{m^{*}\omega_{0}})]$$
(7)

$$\begin{split} E &= \hbar \Omega (n + \frac{1 + |m|}{2} + \frac{m \hbar \omega_c}{2}) + \hbar \omega_0 (n_z + \frac{1}{2}) \\ &- \frac{e^2 F^2}{2m^* \omega_0^2} \end{split} \tag{6}$$

اثر دما و فشار

برای بررسی دما و فشار بر ویژگیهای فیزیکی سیستم، تغییرات جرم مؤثر (m*(T,P با دما و فشار را میتوان بهشکل زیر تعریف کرد[۱۴و۱۳]

$$\frac{m_{e}}{m^{*}(T,P)} = 1 + E_{P}^{\Gamma} [\frac{2}{E_{g}^{\Gamma}(T,P)} [E_{g}^{\Gamma}(T,P) + \Delta_{0}]^{-1}] \quad (\Im)$$

که در این رابطه $\Delta_0 = 0.341$ eV جدا شدگی ناشی از اسپین مدار، m_e مدار، m_e مدار، m_e قابت نواری در فقطه Γ و (T,P) گاف انرژی وابسته به دما و فشار در این نقطه می باشد. برای GaAs در نقطه Γ این انرژی به شکل زیر نوشته می شود.

$$E_{g}^{T}(T,P) = E_{g}^{T}(0,0) - \frac{\alpha T^{2}}{T+204} + \delta P + \mu P^{2}$$
 (V)

که در این رابطه:

$$\delta = 1.26 \times 10^{-2} (\frac{\text{eV}}{\text{kbar}}), \alpha = 5.405 \times 10^{-4} (\frac{\text{eV}}{\text{K}})$$

 $E_g^T(0,0) = 1.519 \text{eV}$ و $\mu = 3.77 \times 10^{-5} (\frac{\text{eV}}{\text{kbar}^2})$

گاف انرژی برای GaAs در نقطه Γ در دمای 0 = T و فشار P = 0 میباشد. علاوهبراین، اثرات فشار بهدست آمده از تغییرات جزئی در حجم با فشار هیدرواستاتیک به صورت زیر داده می شود. $\Delta V/V = -3P(S_{11} + S_{12})$ (۸)

$$d(P) = d_0 [11 - 3P(S_{11} + S_{12})]^{1/3}$$
(9)

که در آن
$$d_0$$
 شعاع اصلی نقطه و
 $S_{12} = 3.7 \times 10^{-4} (kbar^{-1})$ و $S_{11} = 1.16 \times 10^{-3} (kbar^{-1})$
ثابتهای الاستیک GaAs میباشد. همچنین فرکانس محدودیت
نقطه کوانتومی با توجه به رابطه زیر تعیین میشود

$$\omega_0 \sim \frac{\hbar}{m^* d^2 \sqrt{\frac{\hbar^2}{m^{*2} d^2 s^2} + 1}}$$
 (1.)

که در این رابطه (s=10⁸(cm/s) ، پارامتر اثرات غیر سهموی نوارهای انرژی می باشد.

مغناطش و پذیرفتاری

به طور کلی برای محاسبه خواص ترمودینامیکی یک سیستم ابتدا
تابع پارش را بدست می آوریم. که تابع پارش با جمع بندی مستقیم
بر روی سطح انرژی دسترس پذیر سیستم محاسبه شود[۱۰].
$$Q = \sum_{s} e^{-\beta E_{s}}$$
 (۱۱)

در این رابطه
$$\beta = 1/k_B T$$
 و k_B ثابت بولتزمن است.
از طرفی، مغناطش سیستم به صورت زیر نتیجه می شود
$$M = \frac{1}{Q} \sum_{s} \left(-\frac{\partial E_s}{\partial B} \right) e^{-\beta E_s}$$
(۱۲)

در نهایت پذیرفتاری را م*ی*توان با توجه به رابطه زیر محاسبه کرد MG

$$\chi = \frac{\partial M}{\partial B} \tag{17}$$

نتيجه گيري

در این قسمت به بررسی نتایج حاصل از محاسبات پذیرفتاری مغناطیسی سیستم، میپردازیم. محاسبات را برای یک نقطه کوانتومی از جنس گالیم- آرسناید با m_e) m^{*} = 0.067m جرم الکترون آزاد میباشد) در حضور میدان الکتریکی ثابت(15

و میدان مغناطیسی متغیر و در دما و فشارهای متفاوت انجام داده و نتایج زیر را بهدست آوردهایم.

هرچند تا کنون تحقیقاتی بر روی خواص الکترونی و اپتیکی و تا حد کمتر بر روی خواص مغناطیسی سیستم مورد مطالعه قرار گرفته است اما بررسی تاثیر همزمان دما, فشار و میدان مغناطیسی خارجی بر روی خواص مغناطیسی سیستم مذکور صورت نگرفته است[۱۰و.۰].

از مزایای این روش امکان بررسی شرایط تغییر فاز مغناطیسی و نقاط بحرانی در مقادیر مشخص از پارامتر های ذکر شده که امکان کنترل آنها وجود دارد میباشد.



شکل۱: پذیرفتاری بر حسب تابعی از دما و به ازای مقادیر مختلف میدان مغناطیسی و فشار و به ازای $\omega_0 = 1 \times 10^{13} {
m s}^{-1}$.

در شکل ۱ پذیرفتاری به ازای مقادیر متفاوتی از B و P بر حسب تابعی از دما رسم شده است. همان طور که ملاحظه می شود در دماهای پایین برای میدان های مغناطیسی بزرگ گذار فازی از حالت دیامغناطیس به پارامغناطیس در دمای حدود XOS، 201= و B=10T مشاهده می گردد. با کاهش میدان مغناطیسی سیستم کوانتومی خاصیت دیامغناطیسی خود در تمامی دماها را حفظ می کند. نکته جالب توجه در این است که برای مقادیر کوچکتر با افزایش فشار X کاهش می یابد ولی برای XOK مای مغناطیسی فشار X افزایش می یابد. علاوه براین، در میدان های مغناطیسی بیشتر اثرات میدان بر اثرات فشار غالب است. را برای سیستم مهیا نمیکند و در رقابت با اثرات B و T اثرات فشار کمتر می باشد. مقایسه شکلهای ۲و ۳ نشان می دهد که با افزایش B و P ، پذیرفتاری به سمت یک مقدار اشباع (تقریبا صفر) رفته و ماده پارامغناطیس می شود. این رفتار در شکل ۱ مشاهده نمی گردد زیرا اثرات دمایی مانع از سمتگیری مغناطیسی شده و ماده دیا مغناطیس می ماند.

مرجعها

[1] P. Yin, Yi Tan, H. Fang, M. Hegde and Pavle V. Radovanovic; "Plasmon-induced carrier polarization in semiconductor nanocrystals"; *Nature nanotechnology* **13**, (2018) 463–467.

[Y] S. Hersee, J. P. Duchemim, "Low-Pressure Chemical Vapor Deposition"; Annu. Rev. Mater. Sci. 12, (1982) 65.

[r] Yuan Pu, Fuhong Cai, Dan Wang, Jie-Xin Wang, and Jian-Feng Chen; "Colloidal Synthesis of Semiconductor Quantum Dots toward Large-Scale Production"; *A Review*, Ind. Eng. Chem. Res. **57**, (2018) 1790–1802.

[¥] Yu Hong, Ding Zhao, Dongli Liu, Binze Ma, Guangnan Yao, Qiang Li, Anpan Han, and Min Qiu; "Three-dimensional in situ electron beam lithography using water ice"; *Nano let* **18**, (2018) 5036–5041.

[] A. L. Efros, J. B. Delehanty, A. L. Huston, I. L. Medintz, M.

Barbic, T. D. Harris; "Evaluating the potential of using quantum dots for monitoring electrical signals in neurons"; *Nature Nanotechnology* **13**, (2018) 278–288.

[7] S. Chen, N. Ullah, T. Wang and R. Zhang;" Tuning the optical properties

of graphene quantum dots by selective oxidation: a theoretical perspective"; *J. Mater. Chem. C* **6**, (2018) 6875-6883.

[v] B. Karimi, B. Ramezanzadeh, "A comparative study on the effects of ultrathin Luminescent graphene oxide quantum dot (GOQD) and graphene oxide (GO) nanosheets on the interfacial interactions and mechanical properties of an epoxy composite", *Journal of Colloid and Interface Science* **17**, (2017) 30013-9.

 $[\land]$ J. S. Nascimento, D. R. da Costa, M. Zarenia, Andrey Chaves, and J. M. Pereira, Jr, "Magnetic properties of bilayer graphene quantum dots in the presence of uniaxial strain", *Phys. Rev. B* **96**, (2017)115428.

[9] L. Pei, S. Tao, S. Haibo, X. Song; "Structural stability, electronic and magnetic properties of MoS₂ quantum dots based on the first principles", *Solid State Commun* **218**, (2015) 25-30.

[1] R. Khordad, "Simultaneous effects of electron-electron interactions, Rashba spin-orbit interaction and magnetic field on susceptibility of quantum dots"; *J. Mag. Mag. Mat.* 449, (2018) 510–514.
 [1] B. Vaseghi, G. Rezaei, T. Sajadi, "Optical properties of parabolic quantum dots with dressed impurity: Combined effects of pressure, temperature and laser intensity"; *Physica B* 456, (2015)171-175.

[Y] E. Owji, H. Mokhtari, A. Keshavarz, "Effects of Temperature, Pressure, and Size on Different Transitions of Optical Properties of Spherical Quantum Dot"; *Iran J. Sci. Technol. Trans.* Sci. **42**, (2017) 1669-1675.

[19] A. Zamani, F. Setareh, T. Azargoshasb, E. Niknam, "Electronic structure and Lande g-factor of a quantum ring in the presence of spinorbit coupling: Temperature and Zeeman effect"; *Superlattices and Microstructures* **110**, (2017) 243-251.

[1^{\pm}] W.Wang, J.Y.Fu, "Temperature dependence of the Rashba and Dresselhaus spin-orbit interactions in GaAs wells", *Phys. B* **482**,(2016) 14-18.

[^{\o}] F. Bzour, M. K.Elsaid, A. Shaer "The Effects of Pressure and Temperature on the Magnetic Susceptibility of Semiconductor Quantum Dot in A Magnetic Field", *Appied Phys. Res.* **9**, (2017) 77-85.



شکل۲: پذیرفتاری بر حسب میدان مغناطیسی و دما و فشار مختلف و به ازای $\omega_{\rm o} = 1 imes 10^{13} {
m s}^{-1}$.

در شکل ۲ پذیرفتاری بر حسب میدان مغناطیسی به ازای مقادیر متفاوت از T و P رسم شده است. در دماهای پایین و میدان مغناطیسی ضعیف گذار فازی رخ نداده است ولی با افزایش B در دمای T = 50K به ازای مقادیر وسیع تری از B سیستم در حالت پارا مغناطیسی می باشد. علاوه براین، اثرات همزمان میدان مغناطیسی خارجی و فشار در تطابق کامل با شکل ۱ می باشد.



شکل۳: پذیرفتاری بر حسب تابعی از فشار و به ازای مقادیر مختلف میدان مغناطیسی و دما و $\sigma_0 = 1 \times 10^{13} {
m s}^{-1}$

در شکل ۳ پذیرفتاری مغناطیسی بر حسب تابعی از فشار و مقادیر مختلف دما و میدان مغناطیسی ترسیم شده است. ملاحظه می گردد که اثرات فشار در دماهای بالاتر بیشتر است و این اثرات با کاهش دما کاهش مییابد. علاوهبراین، تغییرات فشار در مقایسه با عوامل دیگر امکان گذار از حالت یارامغناطیس به دیامغناطیس و بالعکس

ساخت، ویژگی ساختاری و الکتریکی ابررسانای بر پایهی آهن NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2} مساخت، ویژگی ساختاری و الکتریکی ابررسانای بر پایه و مید

[/] آزمایشگاه تحقیقاتی مغناطیس و ابررسانا، دانشکده فیزیک و شیمی دانشگاه الزهرا سلام الله علیها، ونک میدان شیخ بهایی ، تهران

چکیدہ

پلی کریستال ابررسانای بر پایهی آهن با ترکیب اسمی NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2} به روش واکنش حالت جامد تکمرحلهای ساخته شد. با استفاده از تحلیل الگوی پراش اشعهی ایکس توسط نرم افزار MAUD پارامترهای شبکه، حجم سلول واحد، زوایای چهاروجهی FeAs-4 و ضخات لایهی ابررسانشی FeAs در این ترکیب محاسبه و با نمونهی خالص آن مقایسه شد. در بررسی دمای گذار ابررسانشی برای نمونهی NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2} کاهشی را نسبت به دمای گذار نمونهی خالص ابررسانای بر پایهی آهن مشاهده کردیم. هر چه زاویهی چهاروجهی FeAs-4 در این ترکیبات به زاویهی چهاروجهی ایدهآل نزدیکتر باشد دمای گذار نمونهی خالص ابررسانای بر پایهی آهن مشاهده کردیم. هر چه زاویهی چهاروجهی FeAs-4 در این ترکیبات به زاویهی چهاروجهی ایدهآل نزدیکتر باشد دمای گذار ابررسانایی بالاتری را میتوان مشاهده کرد.

Synthesis, structural and electrical properties of the Iron-based superconductor $NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2}$

Z. Alborzi¹ and V. Daadmehr¹

¹Magnet and Superconducting Res. Lab., Faculty of Physics & Chemistry, Alzahra University, Tehran

Abstract

Polycrystalline of Iron- based superconductor with nominal composition $NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2}$ was synthesized by one-step solid state reaction method. By using of analyzing of X-ray diffraction pattern with MAUD software, the lattice parameters, unit cell volume, FeAs-4 tetrahedron's angles and superconducting layer thicknesses of FeAs were calculated and compared with the pure sample. In the study of the superconducting transition temperature of $NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2}$, we observed a decrease in the superconductivity transition temperature than the pure sample of iron-based superconductor. Generally, if the FeAs-4 tetrahedron angles in these compounds are closer to the ideal FeAs-4 tetrahedron angles, it can be observed the higher superconducting transition temperature.

PACS No. (11 Times New Roman, italic)

کشف ابررسانایی با فرمول LaO_{1-x}F_xFeAs را با دمای گذار ۲۶ کلوین گزارش کردند[۳] و این باعث شد تا دریچهای تازه به سوی دنیای ابررسانایی باز شود. بیدرنگ بعد از آن محققین، تحقیقات گستردهای را برای ترکیبات مشابه آن و فهم مکانیسم ابررسانایی در این خانواده آغاز کردند.

مشاهدهی ابررسانایی در ترکیبات حاوی عناصر با ممان مغناطیسی بالا از جمله آهن و حضور همزمان پدیدهی ابررسانایی اولین مشاهده یابررسانایی در ترکیبات آهندار توسط کامیهارا ^۱ و همکارانش در سال ۲۰۰۶ میلادی، با دمای گذار ۳/۵ کلوین برای ترکیبی که اولین بار توسط زیمر^۲ و همکارانش کشف شده بود[۱]، مشاهده شد[۲]. در فوریه ی ۲۰۰۸ کامیهارا و همکارانش

مقدمه

¹ Kamihara

² Zimmer

حرارتی کوره خاموش شده و اجازه میدهیم به دمای اتاق برسد. در این مرحله از آنجایی که نمونهی حاصل ظاهری پودری در لولهی کوارتز دارد، آن را از لولهی کوارتز خارج کرده و دوباره به صورت قرص در میآوریم و فرآیند حرارتی مذکور را بر نمونه تکرار میکنیم. بعد از این مرحله قرصی محکم و مشکی به دست میآید. نتایج و بحث

تكنیك پراش اشعهی ایكس برای تعیین ساختار بلوری ابررسانای بر پایهی آهن نمونههای مذكور توسط دستگاه اشعهی ایكسYert PRO MPD, PANalytical Company انجام شد. با استفاده از نرمافزار تحلیلی مواد با استفاده از تكنیك پراش (MAUD)^{*} پارامترهای ساختار بلوری این نمونه در مقایسه با نمونهی بدون آلایش بررسی شد. در شكل ۱ میتوانید الگوی تحلیل شدهی پراش اشعهی ایكس این نمونهها را توسط نرمافزار MAUD مشاهده بفرماید.

در این بررسی، ساختار بلوری هر دو ترکیب یک پلی-کریستال با ساختار تتراگونال در تقارن فضایی P4/nmm:2 به دست آمد.

در نمونهی بدون آلایش تقریباً هیچ فاز ناخالصی مشاهده نمی شود. برای نمونهی آلاییده با آنتیمونی دو پیک در زوایای ۲۷/۵ و ۲۸/۵۹ درجه ظاهر شد که با محاسبات انجام شده توسط نرم-افزار MAUD، می توان آنها را با فاز ناخالصی MdF₂,Sb مرتبط دانست.



Materials Analysis Using Diffraction (MAUD)^[£]

و خاصیت مغناطیسی در ناحیههای مختلف ماده، تصور تضاد این دو خاصیت با یکدیگر را از بین برد. از بین این ترکیبات، در سال ۸۰۱۸، دمای گذار ابررسانایی نمونه که $NdFeAsO_{0.8}F_{0.2}$ ساخته-شده به روش واکنش حالت جامد تکمرحله ی ۵۶ کلوین گزارش شد[۴]. امروزه اثر آلایش عناصر هم ظرفیت^۳ در دمای گذار ابررسانایی در ترکیبات ابررسانای بر پایه ی آهن موضوع مورد توجه بسیاری از محققین است[۵, ۶]. در این راستا بر آن شدیم تا اثر آلایش عنصر آنتیمونی با مقدار آلایش ۵۰/۰ به جای آرسنیک در ترکیب ابررسانای بر پایه ی آهن $NdFeAsO_{0.8}F_{0.2}$ را بررسی کنیم.

روش ساخت نمونه

پلیکریستال ابررسانای بر پایهی آهن با ترکیب اسمی - به روش واکنش حالت جامد تک NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2} مرحلهای ساخته شد. پیش مواد اولیه برای ساخت این ترکیب برابر با شمش Ndو پودرهای FeF_3 ، Fe_2O_3 ، As ، Fe و Sb با درصد خلوص ۹۹/۹۹ است. بعد از استوکیومتری دقیق پیشمواد اولیه در جعبهدستکش حاوی اتمسفر نیتروژن با ترازوی دیجیتالی با دقت ^{۵–}۱۰ گرم توزین شد و درون هاون عقیق به مدت دو ساعت سائیده شد. پودر حاصل را درون قالب قرص ریخته و تحت فشار ۴۵ کیلوگرم بر سانتیمتر مربع به صورت قرص درآوردیم. قرص را درون لولهی کوارتز در فشار ۷۰ میلی تور مهروموم میکنیم. در روش واکنش حالت جامد انتخاب فرآیند حرارتی برای تشکیل صفحات بلوری از اهمیت بالایی برخوردار است. البرزی و همکارش با استفاده از آنالیز حرارتی TGA از نمونهی NdAs فرایند حرارتی مطلوبی برای ساخت این ابررسانا به دست آوردند[۴]. بر قرص مهر و موم شده در لولهی کوارتز، فرایند حرارتی زیر را در کورهی استوانهای اعمال میکنیم:در دمای ۳۵۰ سانتیگراد به مدت ۵ ساعت، دمای ۶۴۰ سانتیگراد ۱۴ ساعت، دمای ۸۸۰ درجه سانتیگراد ۲۰ ساعت و در نهایت دمای ۱۱۵۰ سانتیگراد به مدت ۲۰ ساعت. لازم به ذکراست آهنگ تغییر دما در این فرایند حرارتی ۲ درجه بر دقیقه است. بعد از اتمام فرآیند

Isovalent "

6.0 1.100 4.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 2.0 0.0 1.100 1.100 2.0 0.0 1.1000 1.1000 1.1000 1.1000 1.1000 1.1000 1.1

(a) شکل ۱. طیف پراش اشعهی ایکس از نمونهی ابررسانای بر پایهی آهن (a) NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2} نمونهی NdFeAsO_{0.8}F_{0.2}



P4/nmm: 2 نمایی از ساختار کریستالی تتراگونال با تقارن فضایی 2: indiview نمایی از ساختار کریستالی تتراگونال با تقارن فضایی نمایی از ساختار کریستالی تتراگونال با تقارن فضایی 2: P4/nmm معای P4/nmm مشاهده بفرمایید. P4/nmm: 2 مشاهده بفرمایید. در شکل ۲ مشاهده بفرمایید. P4/nmm: 2 مشاهده بغرمایید. P4/nmm: 2 مشاهده بغرمایید. P4/nmm: 2 معارت P4 معای و 2 مشبکه بال المترهای هو 7 میلی P4/nmm: 2 معامت لایه PeAs و V حجم سلول واحد دراین دو ترکیب P4/nmm: 2 معامت لایه معاده است. بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل P4/nmm: 2 معاون المان المان الماده میشود که با P4/nmm: 2 معاون المان الماده میشود که با P4/nmm: 2 معاون المان المان

درنمونهی بدون آلایش به ترتیب افزایش و کاهش پیدا کردهاست. اگر بخواهیم این زوایا را با چهاروجهی ایدهآل مقایسه کنیم مشهود است که زاویهی α در نمونهی $\Omega_{0.05}O_{0.8}F_{0.2}$ مقایسه کنیم مشهود است که زاویهی α در نمونهی α دمیتری نسبت به نمونهی بدون آلایش پیدا کرده است. این میتواند به دلیل اثر الکترونگاتیوی عنصر آنتیمونی نسبت به آرسنیک در این ساختار باشد. از آنجایی که الکترونگاتیوی اتم آنتیمونی(۲/۰۵) نسبت به اتم آرسنیک(۲/۱۸) کوچکتر است به همین دلیل طول باند در ارتباط مقابل با زاویهی α است کاهش پیدا میکند. در ارتباط مقابل با زاویهی α است کاهش پیدا میکند.

جدول ۱. پارامترهای شبکه، زوایای α و β چهاروجهی FeAs – 4، ضخامت d کالیهی eAs - 4 جم سلول واحد دو ترکیب ابررسانای بر پایهی آهن d d VdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2}

| نمونه | NdFeAsO _{0.8} F _{0.2} | $NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2}$ |
|----------------------|---|--|
| a (nm) | 0.3967 | 0.3962 |
| c (nm) | 0.8596 | 0.8560 |
| V (nm ³) | 0.135276 | 0.134370 |
| α (deg.) | 111.20 | 111.93 |
| β (deg.) | 108.61 | 108.26 |
| d: FeAs (nm) | 0.2716 | 0.2675 |

طبق تحقیقات قبل در این دسته از ترکیبات ابررسانای بر پایهی آهن، هر چه زاویهی چهاروجهی آن ترکیب نزدیک به زاویه-ی «FeAs = 109.47 چهاروجهی ایدهآل FeAs - 4، باشد بیشترین دمای گذار را برای آن نمونه انتظار دارند[۷]. از اینرو انتظار می-رود در اندازه گیری مقاومت الکتریکی نمونه ها با کاهش دمای گذار در نمونهی آلاییده مواجه باشیم.

برای بررسی مقاومت الکتریکی نمونهها بر حسب دما و بررسی گذار ابررسانایی در این نمونهها، ما روش چهارمیله را استفاده کردیم.

در اندازه گیری مقاومت الکتریکی از دستگاه 20 K Closed Cycle Cryostat (QCS 101), ZSP Croygenics استفاده شده است. شکل ۳ مقاومت الکتریکی نرمالایز شده به مقاومت دمای اتاق را برای هر دو نمونهی بدون آلایش و آلاییده نشان می دهد. با آنتیمونی ۴۶ درجهی کلوین به دست آمد که نسبت به دمای گذار ابررسانایی نمونهی بدون آلایش یعنی ۵۶ درجهی کلوین، کاهش مشهودی پیدا کرده است که این میتواند متاثر از تغییر در زاویهی چهاروجهی FeAs و تغییر در چگالی حاملین بار در صفحات ابررسانشی در این ترکیب باشد.

مرجعها

[1] B. I. Zimmer, W. Jeitschko, J. H. Albering, R. Glaum, M. Reehuis, Journal of Alloys and Compounds, $\Upsilon \P (1992) . \Upsilon \Upsilon TA$

[Υ] Y. Kamihara, H. Hiramatsu, M. Hirano, R. Kawamura, H. Yanagi, T. Kamiya, H. Hosono, J. AM. CHEM. SOC. Y. Y. Y. Y. Y. Y. Y.

[r] Y. Kamihara, T. Watanabe, M. Hirano, H. Hosono, J. AM. CHEM. SOC., $1r \cdot (r \cdot \lambda) \cdot rr q v \cdot rr q \hat{r}$.

[$\mathring{}$] Z. Alborzi, V. Daadmehr, *Physica C: Superconductivity and its* Applications, $\Delta \mathring{}^{\varphi} \mathring{}^{(\Upsilon + 1A)}$ 114-11 $\mathring{}^{\gamma}$

[$\hat{\tau}$] S. J. E. Carlsson, F. Levy-Bertrand, C. Marcenat, A. Sulpice, J. Marcus, S. Pairis, T. Klein, M. Núñez-Regueiro, G. Garbarino, T. Hansen, V. Nassif, P. Toulemonde, *Physical Review* $B_i \wedge^{\hat{\tau}} (\hat{\tau} \cdot \hat{\tau}) \stackrel{j.f \otimes \hat{\tau} \hat{\tau}}{\gamma}$

[Y] C. H. Lee, A. Iyo, H. Eisaki, H. Kito, M. T. Fernandez-Diazi, T. Ito, K. Kihou, H. Matsuhata, M. Braden, K. Yamada, *Journal of the Physical Society of Japan*, $VV(Y \cdot \cdot \Lambda) \cdot \cdot \Lambda^{T}V \cdot Y$



شکل ۳. مقاومت الکتریکی نرمالایز شده بر حسب دما برای نمونهی ابررسانای بر پایهی آهن NdFeAsO_{0.8}F_{0.2} (نقاط آبی رنگ) و نمونهی ابررسانای بر پایهی آهن NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2} (نقاط قرمز رنگ)

همانطور که مشهود است نمونه ابررسانای بر پایه ی آهن NdFeAsO_{0.8}F_{0.2} دمای گذار ابررسانایی از نقطه ی تقریبی ۶۲ درجه ی کلوین شروع شده و در دمای ۵۰ درجه ی کلوین به مقاومت زمینه ی تقریبی صفر می رسد و دمای گذار ابررسانایی متوسط ۵۶ درجه ی کلوین را از خود نشان داده است. در ترکیب متوسط ۵۶ درجه ی کلوین را از خود نشان داده است. در ترکیب دمای ۵۶ درجه کلوین را از خود نشان داده است. در ترکیب دمای ۵۶ درجه کلوین به مقدار تقریبی صفر می رسد. دمای گذار ابررسانایی متوسط برای این نمونه در محدوده ۶۶ درجه ی کلوین مشاهده شد. از شکل ۳ مشهود است که هر دو ترکیب در ناحیه ی نرمال رفتاری فلز گونه با شیب تقریباً یکسانی را از خود نشان می دهند.

نتيجهگيرى

به طور خلاصه باید یادآوری شود که نمونهی ابررسانای بر پایهی آهن $NdFeAs_{0.95}Sb_{0.05}O_{0.8}F_{0.2}$ به روش واکنش حالت جامد تکمرحلهای ساخته شد. با استفاده از تحلیل الگوی پراش اشعه ایکس این نمونهی آلاییده و مقایسهی آن با نمونهی بدون آلایش به این نتیجه رسیدیم که زوایای α و β در چهاروجهی این ترکیب نسبت به نمونهی بدون آلایش به ترتیب افزایش و کاهش داشته است. پارامترهای شبکه در ساختار آلاییده نسبت به نمونهی بدون آلایش کاهش داشته است. دمای گذار ابررسانایی در ترکیب آلاییده

مقایسه فراماده تراهر تز برپایه ابررسانای دما بالا YBa2Cu3O7 و Bi2Sr2CaCu2O₈₊₆

کلهر، سمانه^۱ ؛ دلفان آذری، کاوه^{۲و۳}، قناعت شعار، مجید^۱

^۱ آزمایشگاه نانو مغناطیس و نیم رساناهای مغناطیسی، پژوهشکده لیزر و پلاسما، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۲ گروه مهندسی برق، دانشکده مهندسی، دانشگاه کمبریج، کمبریج، انگلستان ۳ آزمایشگاه کاوندیش، دانشکده فیزیک، دانشگاه کمبریج، کمبریج، انگلستان

چکیدہ

در این مقاله یک فراماده تراهرتز مبتنی بر رزوناتورهای حلقه شکافته به شکل C ارائه داده شده و به مقایسه پاسخ الکترومغناطیسی فراماده ساخته شده از 6+8 Bi2Sr2CaCu2O (بیسکو) با دمای گذار ۸۵ کلوین با YBa2Cu3O7 (ایبکو) با دمای گذار ۸۸ کلوین پرداخته شده است. برای هر دو فراماده در پایینترین دما، در اینجا دمای ۱۰ کلوین، قویترین رزونانس را مشاهده کردیم. همانطور که دما افزایش پیدا میکرد قدرت رزونانس کاهش پیدا می کرد که منجر به افزایش کمینه عبور و پهنای فرکانسی رزونانس میشد. کوک پذیری فرکانسی نسبی برای هر دو فراماده تقریبا یکسان بدست آمد. در مقابل، فراماده ایبکو نرخ بالاتر تغییرات کمینه عبور در نزدیکی دمای گذار را داشت. سپس به منظور تبیین بهتر پاسخ الکترومغناطیسی این دو فراماده از امپدانس سطحی بهره بردیم. این مطالعه در توسعه ادوات تراهرتزی میتواند راهگشا باشد.

A comparison of high- T_c superconducting YBa₂Cu₃O₇ and Bi₂Sr₂CaCu₂O_{8+ δ} THz metamaterials

Kalhor, Samane¹, Delfanazari, Kaveh^{2,3}, Ghanaatshoar, Majid¹

¹Laser and Plasma Research Institute, Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran ²Electrical Engineering Division, Engineering Department, University of Cambridge, Cambridge CB3 0FA, U.K. ³Cavendish Laboratory, University of Cambridge, Cambridge CB3 0HE, U.K.

Abstract

We report terahertz metamaterial (MM) split ring resonators made from high-Tc superconducting $Bi_2Sr_2CaCu_2O_{8+\delta}$ (BSCCO) with transition temperature $T_c=85$ K and $YBa_2Cu_3O_7$ (YBCO) with $T_c=88$ K and compare their electromagnetic response at temperatures close and below Tc. As the temperature decreases, the resonance strength increases resulting in a sharp dip in the transmission versus frequency curves of both MMs. We find a resonance relative frequency tuning of around 6% for both metasurfaces. However, a larger relative transmission minimum tuning, close to T_c , is found for YBCO MM. We explain this difference by the temperature dependence surface impedance of superconducting thin films. This study may be helpful for the development of terahertz devices for bridging the terahertz gap.

PACS No. 74-78-84

تصویربرداری زیستی دارند [۲]. فرامادههای مرسوم از موادی با رسانندگی بالا همانند طلا برای کاهش تلفات اهمی ساختهمی شوند. در این نوع از فرامادهها کوک پذیری توسط مجتمع سازی با سایر موادی که قابلیت کوک پذیری دارند انجام می شود. در مقابل، فرامادههای مبتنی بر ابررسانا نه تنها تلفات اهمی پایینی دارند بلکه

ویژگیهای منحصر به فرد فرامادهها به عنوان ماده ساخت بشر از فرا–اتمها این امکان را فراهم میکند تا این مواد قابلیت کاربری به منظور پر کردن گاف تراهرتزی را داشته باشند [۱]. ادوات تراهرتزی کاربردهای فراوانی همانند تستهای غیر مخرب و

مقدمه

دارای کوک پذیری ذاتی در پاسخ به المانهای خارجی همچون دما، میدان مغناطیسی، جریان و غیره هستند [۳]. این کوک پذیری ذاتی ناشی از پاسخ زوجهای کوپر به این المانهای خارجی است. تاکنون، تمامی فرامادههای ابررسانای دمای بالا بر روی ابررسانای yBa₂Cu₃O (ایبکو) به جهت دسترسی تجاری آسان و تابع پاسخ اپتیکی (ضریب گذردهی) شناخته شده متمرکز شدهاند [۳و٤]. در این مقاله برآنیم تا به مقایسه پاسخ تراهرتزی دو فراماده ساخته شده از دو نمونه مهم از ابررساناهای دما بالا مبتنی بر مس اکسید هده از دو نمونه مهم از ابررساناهای دما بالا مبتنی بر مس اکسید هدای گذار این دو ابررسانا به ترتیب ۸۵ و ۸۸ کلوین است. یسکو با ناهمسانگردی بالا به جهت ساختاربلوری خاص خود به عنوان پایه فرستندههای مبتنی بر پیوند جوزفسون استفاده میشود مطالعه و مقایسه فراماده ساخته شده از این دو ابررسانای مس اکسید بوده است.



شکل ۱: فرا–اتم به شکل تشدیدگر حلقه c با شعاع داخلی R_i =۳۵ μm شعاع خارجی R_o =٤۰ μm اندازه گاف g =۱ μm و تناوب P =۹۰ μm بر روی زیر لایه سفایر. قطبش نور تابیده شده موازی جهت گاف انتخاب شده است.

روش

از یک تشدیدگر حلقه ای به شکل C به عنوان فرا–اتم با ضخامت $R_0 = \epsilon \mu m$, شعاع خارجی $\mu m \epsilon_i = r \mu m$ $r = r \mu m$, شعاع خارجی μm , $r = r \mu m$ أندازه گاف $\mu m = 1$ و تناوب $\mu m \epsilon_i = r e^{-1}$ استفاده کردیم. طرحواره ای از فرا–اتم در شکل ۱ نشان داده شده است. این اعداد برای بدست آوردن بالاترین ضریب کیفیت تشدید در دمای ۱۰ کلوین بهینه شده است. این تشدیدگر به منظور ایجاد تشدید مغناطیسی استفاده شده و آرایهای از این تشدیدگرها بر روی زیرلایه از جنس سفایر در نظر گرفته شده است. جهت تابش موج

الکترومغناطیسی به صورت عمود و در صفحه *a-b* بلور ابررسانا به دلیل رسانندگی بالاتر ابررسانای مس اکسید در این صفحه انتخاب شد. جهت قطبش میدان الکتریکی موج تابیده شده موازی گپ متا–اتم است. ضریب عبور فراماده در بازه فرکانسی ۰/۱ تا ۸/۱ تراهرتز در دمای ۱۰ تا ۱٤۰ کلوین با استفاده از روش المان محدود مورد بررسی قرار گرفت. ضریب گذردهی مختلط ابررسانا بیسکو از اندازه گیری طیف سنجی زمانی تراهرتز استخراج شد [۱۵] و برای ضریب گذردهی مختلط ایبکو از مدل معروف دو– سیال استفاده شد [۱۲].

امپدانس سطحی لایه نازک این دو ابررسانا میتواند در فهم پاسخ متفاوت رزونانسی فراماده ساخته شده از این دو ابررسانای مس اکسید کمک کند. معادله زیر امپدانس سطحی مختلط یک لایه نازک رسانا با رسانش o و ضخامت d را میدهد:

(۲) $Z_s = R_s + iX_s = \sqrt{\frac{i\omega\mu_0}{2\sigma}} \coth(d\sqrt{i\omega\mu_0\sigma})$ (۲) که $R_s + iX_s = \sqrt{\frac{i\omega\mu_0}{2\sigma}} \coth(d\sqrt{i\omega\mu_0\sigma})$ و $R_s + iX_s$ مقاومت سطحی، رآکتانس سطحی، فرکانس زاویه ای و تراوایی خلاء هستند. مقاومت سطحی لایه نازک دو ابررسانا در شکل ۲(۵) نشان داده شده است. در هر دو ابررسانا افزایش دما منجر به افزایش مقاومت سطحی می شود. از آنجا که کمینه ضریب عبور فراماده متناسب با مقاومت سطحی ماده سازنده تشدیدگر آن است ([12]) انتظار می رود با افزایش دما این کمینه افزایش پیدا کند. همچنین این کمینه در مورد فراماده بیسکو بزرگتر از فراماده ایبکو خواهد بود زیرا همانطور که شکل ۲(۵)

رآکتانس سطحی این دو ابررسانا در شکل ۲(b) نشان داده شده است. از آنجاییکه رآکتانس ماده متناسب با خودالقایی آن است و طبق رابطه $2A/4L^2 = 0$ فرکانس رزونانس (ω_0) یک تشدیدگر نسبت وارون با خودالقایی آن دارد، بنابراین تغییرات رآکتانس منجر به شیفت فرکانسی رزونانس میشود. در این رابطه R مقاومت، C ظرفیت خازنی و L خودالقایی ماده است. با توجه به رآکتانس دو ابررسانا، در هر دو فراماده انتظار شیفت قرمز سپس شیفت آبی و درنهایت دوباره شیفت قرمز فرکانسی را با افزایش

دما خواهیم داشت. راکتانس بیشتر بیسکو نشان میدهد فراماده مبتنی بر این ابررسانا در فرکانس کمتری رزونانس خواهد داد.



شکل ۲: وابستگی دمایی (a) مقاومت سطحی و (b) رآکتانس سطحی لایه نازک بیسکو (خط قرمز) و ایبکو (خط آبی) در فرکانس ۰/٥ تراهرتز.

رفتار متفاوت امپدانسی این دو ابررسانا ناشی از ساختار شبکهای متفاوت و تفاوت در نحوه چگال شدن حامل های ابررسانایی در این دو ماده است. چگالی حاملهای ابررسانایی وابسته به دما است و با کاهش دما از مقدار چگالی حاملهای نرمال کاسته شده و به چگالی حاملهای ابررسانایی اضافه میشود. انتظار میرود که در نزدیک دمای صفر کلوین کلیه حاملهای ابررسانایی چگال شوند. در ایبکو به طور کامل این انتظار براورده میشود اما بررسی رسانش بیسکو نشان میدهد که قریب به سی درصد حاملهای بار آن چگال نشده است [10].

نتايج

در شکل۳ ضریب عبور بیسکو و ایبکو نشان داده است. این ضریب عبور به ضریب عبور سفایر نرمال شده است تا آرایه فراماده به صورت مستقل از زیرلایه در نظر گرفته شود. برای هر دو فراماده ساخته شده از ایبکو و بیسکو ۱۰ کلوین کمترین عبور کمینه (قویترین رزونانس) را دارد. با افزایش دما در هر دو فراماده

کمینه عبور افزایش پیدا میکند که منجر به کاهش ضریب کیفیت رزونانس میشود که در تطابق با افزایش مقاومت سطحی ماده است.



شکل۳: منحنی ضریب عبور فراماده بر حسب فرکانس به ازای دماهای مختلف برای (a) فراماده بیسکو و (b) فراماده ایبکو.

همانطور که شکل ٤(۵) نشان میدهد برای هر دو فراماده فرکانس رزونانس با دما شیفت پیدا میکند. به این صورت که در ابتدا با افزایش دما به سمت فرکانسهای پایینتر جابه جا میشود، سپس به سمت فرکانس های بالاتر برمیگردد. در مورد خاص فراماده ایبکو بالاتر از دمای گذار شاهد شیفت قرمز مجدد هستیم. این شیفت در فراماده بیسکو به دلیل میرا شدن رزونانس مشاهده نمیشود. همچنین فراماده ایبکو در فرکانس بالاتری رزونانس میدهد. تغییرات دمایی رآکتانس سطحی این روند را تایید میکرد. بعلاوه، بیشینه کوکپذیری فرکانسی نسبی یسی ۲ (رسه اربر فراماده ایبکو ۳/۲ درصد و فراماده بیسکو ۵/۲ درصد و تقریبا برابر

فراماده ایبکو ۲/۳ درصد و فراماده بیسکو ۲/۵ درصد و تقریبا برابر با فراماده ایبکو است که دراینجا f_{max} و f_{min} فرکانس رزونانس کمینه *و* بیشینه است. 105 (2010) 1-4.

- [5] U. Welp, K. Kadowaki and R. Kleiner; "Superconducting emitters of THz radiation" *Nat. Photonics* 7 (2013) 702–10.
- [6] K. Delfanazari, H. Asai, M. Tsujimoto, T. Kashiwagi, T. Kitamura, T. Yamamoto, M. Sawamura, K. Ishida, C. Watanabe, S. Sekimoto, H. Minami, M. Tachiki, R.A. Klemm, T. Hattori and K. Kadowaki; "Tunable terahertz emission from the intrinsic Josephson junctions in acute isosceles triangular Bi₂Sr₂CaCu₂O_{8+δ} mesas" *Opt. Express* **21** (2013) 2171–84.
- [7] K. Delfanazari, H. Asai, M. Tsujimoto, T. Kashiwagi, T. Kitamura, T. Yamamoto, M. Sawamura, K. Ishida, M. Tachiki, R.A. Klemm, T. Hattori and K. Kadowaki; "Study of coherent and continuous terahertz wave emission in equilateral triangular mesas of superconducting Bi₂Sr₂CaCu₂O_{8+δ} intrinsic Josephson junctions" *Phys. C Supercond. its Appl.* **491** (2013) 16–9.
- [8] K. Delfanazari, H. Asai, M. Tsujimoto, T. Kashiwagi, T. Kitamura, K. Ishida, C. Watanabe, S. Sekimoto, T. Yamamoto, H. Minami, M. Tachiki, R.A. Klemm, T. Hattori and K. Kadowaki; "Terahertz oscillating devices based upon the intrinsic josephson junctions in a high temperature superconductor" *J. Infrared, Millimeter, Terahertz Waves* 35 (2014) 131–46.
- [9] M. Tsujimoto, T. Yamamoto, K. Delfanazari, R. Nakayama, T. Kitamura, M. Sawamura, T. Kashiwagi, H. Minami, M. Tachiki, K. Kadowaki and R.A. Klemm; "Broadly tunable subterahertz emission from Internal Branches of the current-Voltage characteristics of superconducting Bi₂Sr₂CaCu₂O_{8+δ} single crystals, *Phys. Rev. Lett.* **108** (2012) 1–5.
- [10] K. Delfanazari, H. Asai, M. Tsujimoto, T. Kashiwagi, T. Kitamura, T. Yamamoto, W. Wilson, R.A. Klemm, T. Hattori and K. Kadowaki; "Effect of Bias Electrode Position on Terahertz Radiation from Pentagonal Mesas of Superconducting Bi₂Sr₂CaCu₂O_{8+δ}" *IEEE Trans. terahertz Sci. Technol.* 5 (2015) 505–511.
- [11] K. Kadowaki, M. Tsujimoto, K. Delfanazari, T. Kitamura, M. Sawamura, H. Asai, T. Yamamoto, K. Ishida, C. Watanabe, S. Sekimoto, K. Nakade, T. Yasui, K. Asanuma, T. Kashiwagi, H. Minami, M. Tachiki, T. Hattori and R.A. Klemm; "Quantum terahertz electronics (QTE) using coherent radiation from high temperature superconducting $Bi_2Sr_2CaCu_2O_{8+\delta}$ intrinsic Josephson junctions" *Phys. C Supercond. its Appl.* **491** (2013) 2–6.
- [12] T. Kashiwagi, T. Yamamoto, H. Minami, M. Tsujimoto, R. Yoshizaki, K. Delfanazari, T. Kitamura, C. Watanabe, K. Nakade, T. Yasui, K. Asanuma, Y. Saiwai, Y. Shibano, T. Enomoto, H. Kubo, K. Sakamoto, T. Katsuragawa, B. Marković, J. Mirković, R.A. Klemm and K. Kadowaki; "Efficient Fabrication of Intrinsic-Josephson-Junction Terahertz Oscillators with Greatly Reduced Self-Heating Effects" *Phys. Rev. Appl.* 4 (2015) 054018.
- [13] T. Kashiwagi, T. Yamamoto, T. Kitamura, K. Asanuma, C. Watanabe, K. Nakade, T. Yasui, Y. Saiwai, Y. Shibano, H. Kubo, K.O Sakamoto, T. Katsuragawa, M. Tsujimoto, K. Delfanazari, R. Yoshizaki, H. Minami, R.A. Klemm and K. Kadowaki; "Generation of electromagnetic waves from 0.3 to 1.6 terahertz with a high-Tc superconducting Bi₂Sr₂CaCu₂O_{8+δ} intrinsic Josephson junction emitter" *Appl. Phys. Lett.* **106** (2015) 092601.
- [14] S. Kalhor S, M. Ghanaatshoar, T. Kashiwagi, K. Kadowaki, M.J. Kelly and K. Delfanazari; "Thermal Tuning of High-T_c Superconducting Bi₂Sr₂CaCu₂O_{8+δ} Terahertz Metamaterial" *IEEE Photonics J.* 9 (2017) 1–8.
- [15] R. Mallozzi, J. Corson, J. Orenstein, J.N. Eckstein and I. Bozovic; "Terahertz conductivity and c-axis plasma resonance in Bi₂Sr₂CaCu₂O₈₊₆" J. Phys. Chem. Solids **59** (1998) 2095–2099.
- [16] A. Tsiatmas, V.A. Fedotov, F. Abajo and N.I. Zheludev ; "Low-loss terahertz superconducting plasmonics" *New J. Phys.* 14 (2012) 115006.
- [17] J.R. Schrieffer and J.S. Brooks; "handbook of high temperature superconductivity theory and experiment", Springer (2007) 655.



شکل ٤: (a) فرکانس رزونانس و (b) کمینه ضریب عبور در فرکانس رزونانس بر ای فراماده ایبکو و بیسکو.

افزون بر این، شکل ٤(b) نشان میدهد که در مورد فراماده ایبکو با افزایش دما تغییرات ضریب عبور در ابتدا بسیار کم است. این تغییرات در نزدیکی دمای گذار سرعت مییابد. در مقابل برای فراماده بیسکو این تغییرات روند نرمی را دارد.

نتيجه گيرى

ما به مقایسه فراماده ساخته شده از تشدیدگر حلقه C شکل ایبکو با بیسکو پرداختیم. کوک پذیری دمایی در هر دو فراماده مشاهده شد. فراماده بیسکو بیشینه کوک پذیری فرکانسی نسبی تقریبا برابری با بیسکو نشان داد. در مقابل کوک پذیری دمایی فراماده ایبکو در نزدیک دمای گذار نرخ بالاتری نسبت به فراماده بیسکو داشت. ما انتظار داریم که این بررسی کمک به فهم مطلوبتر تفاوت های ذاتی این دو ابررسانا و توسعه ادوات تراهرتزی کند.

مرجعها

- V. Savinov, K. Delfanazari, V.A. Fedotov and N.I. Zheludev, "Giant nonlinearity in a superconducting sub-terahertz metamaterial"; *Appl. Phys. Lett.* **108** (2016) 101107.
- [2] M. Tonouchi; "Cutting-edge terahertz technology" Nat. Photonics, 1 (2007) 97–105.
- [3] J. Gu, R. Singh, Z. Tian, W. Cao, Q. Xing, M. He, J.W. Zhang, J. Han, H.T. Chen and W. Zhang; "Terahertz superconductor metamaterial" *Appl. Phys. Lett.* 97 (2010) 3–6.
- [4] H.Y. Chen, H. Yang, R. Singh, J.F. O'Hara, A.K. Azad, S.A. Trugman, Q.X. Jia and A.J. Taylor; "Tuning the resonance in hightemperature superconducting terahertz metamaterials" *Phys. Rev. Lett.*

بررسی تاثیرگرادیان میدان مغناطیسی بر زمان آرامش اسپین–اسپین در پروتون پریسژن مگنتومتر

سرداری، هادی ؛ محبوبیان، فائزه ؛ سررشتهداری، فرخ

آزمایشگاه تحقیقاتی تشدید مغناطیسی، دانشکده فیزیک دانشگاه تهران، انتهای خیابان کارگر شمالی، تهران، ایران

چکیدہ

در این مقاله تاثیر گرادیان میدان مغناطیسهای متفاوت بر زمان آرامش اسپین-اسپین هسته های پروتون در یک مگنتومتر پروتون پریسژن بصورت تجربی و تئوری بررسی شده است. در این راستا یک سیستم کویل ماکسول برای ایجاد میدان مغناطیسی با گرادیان ثابت پیاده سازی شده و از مگنتومتر پروتون پرسیژن که پیش از این برای اندازه گیری دقیق میدان مغناطیسی زمین ساخته ایم بهره برده شده است. مگنتومترهای پروتون پریسژن براساس ساختاری که دارند به ناهمگنی در میدان مغناطیسی خارجی حساس بوده و این ناهمگنی تاثیر زیادی بر اندازه ی سیگنال آنها و زمان آرامش اسپین-اسپین آنها دارد. در این کار نتایج بدست آمده از اندازه گیریهای تجربی تاثیر گرادیان بر سیگنال NMR، با نتایج قابل انتظار از مدل تئوری مقایسه شده و مشاهده می شود که توافق بسیار خوبی بین نتایج تجربی و مقادیر قابل انتظار وجود دارد. این نتایج میتوانند در بهینه کردن ساختار سنسور پروتون پریسیژن مورد استفاده قرار بگیرند.

Investigation of the magnetic field gradient on the spin-spin relaxation time in a Proton Precession Magnetometer

Hadi Sardari, Faeze Mahboubian, Farrokh Sarreshtedari

Magnetic Resonance Research Laboratory, Department of Physics, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

In this paper, the effect of different magnetic field gradients on the proton nuclei spin-spin relaxation time for a proton precession magnetometer have been experimentally and theoretically investigated. To produce a magnetic field gradient a Maxwell coil system has been implemented. Proton precession magnetometer, based on its structure, is sensitive to the inhomogeneity of external magnetic field and this inhomogeneity has a strong effect on the amplitude of the NMR signal including spin-spin relaxation time. In this work, the obtained experimental results have been compared to expected theoretical results which have a good agreement. These results could be used to optimize the configuration of proton precession sensor.

$$\omega_L = \gamma B \tag{7}$$

مگنتومتر پروتون پریسژن مگنتومتری اسکالر است که عملکرد آن بر اساس تشدید مغناطیسی هستهای است (NMR) [۱]. این مگنتومتر به طور گسترده در کاربردهای مختلفی از جمله ژئوفیزیک و اندازهگیری میدان مغناطیسی زمین مورد استفاده قرار می گیرد [۲]-[۱]. این نوع مگنتومترها با استفاده از اصول مربوط به پدیده تشدید مغناطیسی هستهای اساسا قادر به اندازه گیری تغییرات بسیار کوچک میدان مغناطیسی زمین هستند. از آنجایی که پروتونها بار الکتریکی و اسپین دارند، دارای ممان دوقطبی

مقدمه

ثابت زمان آرامش اسپین – اسپین کاهش خواهد یافت و سیگنال پریسژن سریعتر افت میکند زیرا بسامد لارمور در نمونه مورد نظر تغییر خواهد کرد و تداخل حاصل منجر به افت سریعتر سیگنال میشود. بعد از قطبیده کردن، پروتونها شروع به چرخش از راستایی یکسان میکنند، اگرچه به خاطر گرادیان، میدانها در دو انتهای نمونه متفاوت اند.



شکل۱: تفاوت میدان مغناطیسی در دونقطه انتهایی

زمانی که $\pi = \varphi \Delta$ ، قطبش دو انتهای حسگر پادموازی می وند، و سیگنال NMR به صورت قابل توجهی کاهش می یابد. با استفاده از معادله ٦، T_2 به دست می آید: $T_2 = \pi / (\gamma_p \cdot \frac{\partial B}{\partial r} \cdot \Delta r)$ (v)

نتایج و بررسی

کویل ماکسول نوعی پیکربندی است که با استفاده از دو جریان یکسان و در خلاف جهت، تولید گرادیان میدان مغناطیسی میکند. این کویل ها شعاع یکسان **R** دارند و فاصله بینشان باید **R√** باشد. این پیکربندی به صورت تقریبی گرادیان میدان مغناطیسی یکنواختی را در مرکز کویل ها ایجاد میکند. با این ملاحظه، میدان مغناطیسی ایجاد شده کل در مرکز آن صفر میباشد و در راستای

زمانی که مایعی مملو از پروتون نظیر آب یا اتانول در میدان مغناطیسی زمین قرار گیرد، مغناطش سراسری بسیار کوچکی در امتداد میدان مغناطیسی زمین تولید خواهد شد. میتوان به مایع میدانی مغناطیسی که بسیار قویتر از میدان مغناطیسی زمین و عمود بر آن است، اعمال کرد. این میدان مغناطیسی شدید، مغناطشی جدید ایجاد میکند که عمود بر جهت میدان مغناطیسی زمین و بسیار قوی تر از مغناطش اولیه است. اگر ما میدان مغناطیسی شدید را قطع کنیم، مغناطش ثانویه شروع به حرکت تقديمي حول ميدان مغناطيسي زمين ميكند. فركانس اين حركت تقدیمی متناسب با میدان مغناطیسی زمین است. اگر ما تنها یک ذره در میدان مغناطیسی زمین داشته باشیم، این ذره تا ابد حول میدان مغناطیسی زمین حرکت تقدیمی خواهد کرد، اما به سبب آنکه با مجموعهای از ذرات سر و کار داریم و آنها با همدیگر اندرکنش خواهند داشت، هر ذره میدانی مغناطیسی که اندکی متفاوت از ذرات دیگر است را احساس خواهد کرد. بنابراین سیگنالهایی که از هر ذره ساطع می شوند بسامدهای لارمور متفاوتي خواهند داشت. دامنه اين سيگنالها به خاطر تداخلشان، با یک ثابت زمانی که به نام ثابت زمان آرامش اسپین-اسپین شناخته می شود، کاهش می یابد. می توان مولفه های طولی و عرضی مغناطش را تجزیه کرد. تغییر مغناطش عرضی (M_{xy}) که منجر به تولید ولتاژ میشود، با معادله زیر داده میشود:

$$\frac{M_{XY}}{dt} = -\frac{M_{XY}}{T_x} \tag{(7)}$$

که در آن T_2 زمان آرامش اسپین–اسپین است. با استفاده از این معادله، وابستگی زمانی مغناطش از این طریق داده خواهد شد:

(۴) $M_{xy}(t) = M(0) \exp(-\frac{t}{T_2})$ (۴) در اینجا در حالی که از مگنتومتر پروتون پریسژن طراحی و ساخته شدهمان استفاده میکنیم [۳]، تاثیر گرادیان میدان مغناطیسی را بر روی پارامتر T_2 در معادله ۴ بررسی میکنیم. بدین منظور یک سیستم کویل ماکسول برای اعمال گرادیان میدان یکنواخت عمود بر راستای کویل های مگنتومتر ساخته شده است.

تاثیر گرادیان میدان مغناطیسی خارجی اگر گرادیان میدان مغناطیسی خارجی در اطراف حسگر تولید شود، در شکل ٤ نحوه چیدمان ابزار آزمایش را مشاهده می کنیم که شامل دستگاه پروتون پرسیژن و همچنین کویل های ماکسول می باشد. طول سنسور شامل مخلوطی از آب و الکل ١٥ سانتی متر بوده و آنرا به گونه ای در میان کویل ماکسول قرار می دهیم که هر دو دارای یک محور مشترک باشند. در نتیجه میدان حاصل از کویل ماکسول در مرکز سنسور صفر خواهد بود.

باید به این نکته توجه داشت که هر نوع ماده فرومغناطیس خود به عنوان یک منشا تولید کننده گرادیان میدان مغناطیسی خواهد بود. در نتیجه برای محدود کردن هرچه بیشتر این گرادیان های میدان ناخواسته، آزمایش را در بیرون ساختمان و در حیاط دانشکده فیزیک انجام دادیم.



شکل۳: نحوه چیدمان ابزار آزمایش در حضور گرادیان میدان

برای بررسی وابستگی زمان آرامش اسپین-اسپین نسبت به گرادیان میدان مختلف، سیگنال پروتون پرسیژن را به ازای جریان های متفاوت گذرنده از کویل ماکسول اندازه گیری کرده ایم. شکل های (A)-(A) نتایج بدست آمده به ازای گرادیان میدان های متفاوت می باشد. مطابق انتظار با افزایش گرادیان میدان، زمان آرامش اسپین-اسپین کاهش می یابد. باید در نظر داشت که در شکل های ۵ محور عمودی دامنه ولتاژ سیگنال بدست آمده با مقیاس Volt/div 2 و محور افقی زمان برحسب ۲۰۰ میلی ثانیه در مورت نظری و با استفاده از فرمول(۷) محاسبه کرده ایم. جدول ۱ مشخصه های اندازه گیری شده ومقایسه آن ها با نتایج نظری را نشان می دهد. محور به صورت خطی به سمت خارج کویلها تغییر میکند. شکل ۲ خطوط میدان مغناطیسی این سیستم را نشان میدهد.



شکل ۲: خطوط میدان مغناطیسی کویل های ماکسول [٤] باید توجه شود که اگرچه طول کویل های مگنتومتر ما حدود cm ۱۵ است، کویل های ماکسول به نحوی طراحی شدهاند که خطای گرادیان میدان در دو انتهای نمونه کمتر از ۱ درصد شود. به این علت که ابعاد کویل برای چنین دقتی باید به اندازه کافی بزرگ باشد. سیستم کویل ساخته شده شعاعی برابر با (cm) ۲۵=R دارد و فاصله بین کویل ها (cm) ۱۱۵=b است. تعداد دورهای هر کویل ۳۱ = n بار است و برای داشتن دامنه جریان یکسان به طور سری بسته شدند. واضح است که با افزایش جریان اعمال شده به کویلها، گرادیان میدان مغناطیسی نیز افزایش مییابد. رابطه جریان اعمال شده و گرادیان میدان ایجاد شده برابر است با:

(٨)
(٨)
(٨)
(٨)
شکل ٣ تغییرات میدان مغناطیسی در طول کویل مگنتومتر را به
ازای جریانهای متفاوت نشان میدهد. توجه شود که میدان
مغناطیسی ذکرشده باید با میدان مغناطیسی زمین که توسط
مگنتومتر اندازه گیری شده بود، جمع شود.



شکل۳: مقایسه گرادیان میدان مغناطیسی به ازای جریانهای متفاوت در طول

شکل ٦ تغییرات زمان آرامش را با توجه به گرادیان میدان مغناطیسی برای نتایج تجربی ونتایج بدست آمده به صورت تئوری نشان می دهد. هر دو مورد در توافق خوبی با یکدیگر بوده و تقریبا به طور یکسان رفتار می کنند. ما بر این باوریم که تفاوت جزئی بین نتایج تجربی و عملی بدلیل ناهمگنی میدان مغناطیسی زمین ناشی از حضور مواد فرومغناطیسی می باشد. همچنین با کاهش دامنه سیگنال تمایز بین سیگنال و نویز سخت تر شده سبب ایجاد خطا در محاسبه زمان آرامش اسپین-اسپین به صورت تجربی می شود.



شكل٦: تغييرات زمان آرامش اسپين –اسپين بر حسب گراديان ميدان مغناطيسي

نتيجه گيرى

در این مقاله تغییر زمان آرامش اسپین-اسپین را برای گرادیان میدان مغناطیسی های متفاوت بررسی کرده ایم.در این راستا یک مگنتومتر پروتون پرسیژن برای اندازه گیری سیگنال NMR و همچنین یک سیستم کویل ماکسول برای ایجاد گرادیان میدان مغناطیسی طراحی و ساخته شده است. با بررسی نتایج تجربی و مقایسه آنها با نتیج تحلیل، توافق بسیار خوبی بین نتایج مشاهده شد به گونه ای که خطای نسبی در بدترین حالت ۲۰ میباشد. این نتایج به وضوح ثابت می کنند که زمان آرامش اسپین-اسپین با معکوس گرادیان میدان مغناطیسی اعمالی رابطه دارد.

مرجعها

[1] Pavel Ripka; "Magnetic Sensors and Magnetometer"; Artech House Publication. (2001).

[2] Asaf Grosz, Michael J. Haji-Sheikh, Subhas C. Mukhopadhyay, "High Sensitivity Magnetometers", Springer. 2017.

- [3] F.Mahboubian and H. Sardari and S. Sadeghi and F. Sarreshtedari; "Design and Implementation of a Low Noise Earth Field Proton Precession Magnetometer"; *To be accepted in ICEE2019- 27rd Iranian Conference on Electrical Engineering, Yazd* (2019).
- [4] web address;; http://mriquestions.com/how-do-z-gradients-work.html.

| l Nagar 11 Marada anggar 4 Karla sebarag kulandar k | A Montrol Kapadi Jacques Middalla |
|--|--|
| y <mark>na si dina ji kana dina kana si kana kana kana kana kana kana kana kan</mark> | ylenen yned yn Arlik ferlân yn fri ar yn dy arhefyr |
| The plant de la complete de la comp | B |
| and the second | d is hall for a norther strategy and the second strategy and the second strategy and the second strategy and the |
| | C |
| pailed in the production of the second | nden foren er en |
| | D |
| WHITE AND A REAL PROPERTY OF A DESCRIPTION OF A DESCRIPTI | ypelly ale a fin the firm of the second |
| line interview of the part of the section of the | E |
| aliteretaleretaren berenteretari | u hanal memorala ay baa daray dar |
| Alionard Survivation Statements | F |
| akatini intoni piana anta but | hanna han na an a |

. شكل ٥: سيگنال هاى بدست آمده براى گراديان ميدان متفاوت $A: \frac{\partial B}{\partial r} = 0.368 \ \mu T/m, \qquad B: \frac{\partial B}{\partial r} = 0.368 \ \mu T/m, \qquad C:$ $\frac{\partial B}{\partial r} = 0.368 \ \mu T/m, \qquad D: \qquad \frac{\partial B}{\partial r} = 0.368 \ \mu T/m, \qquad E:$ $\frac{\partial B}{\partial r} = 0.368 \ \mu T/m, \qquad F: \frac{\partial B}{\partial r} = 0.368 \ \mu T/m$

| قادير تحليلي | مقايسه با م | ه تجربی و | گیری شد | ای اندازه ٔ | مشخصه ه | جدول ۱: |
|--------------|-------------|-----------|---------|-------------|---------|---------|
|--------------|-------------|-----------|---------|-------------|---------|---------|

| Case | 8B | $T_{-}(S)$ | $T_{-}(S)$ | Relative |
|------|---|--------------|------------|----------|
| | $\frac{\partial r}{\partial r} (\mu T/m)$ | (Experiment) | (Analysis) | error |
| А | 0.368 | 0.24 | 0.21 | 0.14 |
| В | 0.21 | 0.48 | 0.37 | 0.29 |
| С | 0.123 | 0.82 | 0.63 | 0.29 |
| D | 0.062 | 1.12 | 1.25 | 0.1 |
| E | 0.057 | 1.24 | 1.36 | 0.08 |
| F | 0.051 | 1.28 | 1.52 | 0.15 |

بررسی تونلزنی کوانتومی با استفاده از ضرایب آندریف در اتصال عایق توپولوژیک/ابررسانای وایل با تقارن اسپین تکتایی و تابع موج-s

نوروزی، میلاد؛ سیدیزدی، جمیله گروه فیزیک، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان م

چکیدہ

در این پژوهش به صورت نظری به بررسی تونلزنی کوانتومی با استفاده از ضرایب بازتاب آندریف در فصل مشترک ساختار غیرمتجانس (ناهمگن) ابررسانای وایل تکتایی موج-8 با حالتهای سطحی عایق توپولوژیک سه بعدی پرداخته شد. با استفاده از معادله دیراک انرژی پاشندگی حاملهای دیراک مربوط به سطح رسانای بدون گاف با نقاط کم انرژی دیراک در حالتهای سطحی عایق توپولوژیک مورد مطالعه قرار گرفت. با استفاده از معادله دیراک-بوگولیوبوف-دوژن، هامیلتونی، انرژی پاشندگی و اسپینورهای شبه-ذرات و شبه-حفرهها محاسبه شدند. در پایان با استفاده از قابلیت تنظیم پتانسیل الکترواستاتیکی شیمیایی در هر دو طرف اتصال و اثر جابجایی بورستین ناشی از اعمال ولتاژ و به وجود آمدن حالتهای entype در دو طرف اتصال، رسانندگی ناشی از تونلزنی کوانتومی بررسی شد. نتایج نشان داد که بسته به پتانسیل نسبی دو ناحیه، رسانندگی بر حسب انرژی نزولی یا دارای تشدید میباشد.

Investigation of quantum tunneling via Andreev reflection coefficients in topological insulator/Weyl superconductor with s-wave singlet

Norouzi, Milad; Seyedyazdi, Jamileh

Department of Physics, Faculty of Science, Vali-e-Asr University of Rafsanjna, Iran.

Abstract

In the present study, we quantified the quantum tunneling using the Andreev reflection coefficients at the interface of the non-homogeneous s-wave singlet Weyl superconductor induced by proximity effect on the surface states of a three-dimensional topological insulator. Using the Dirac equation, the dispersion energy of Dirac carriers related to the gapless conductive surface with low energy Dirac points studied in topological insulating surface states. Using the Dirac-Bogoliubov-de Gennes formalism, Hamiltonian, electron-hole quasiparticle excitation energy and spinors has been calculated. Finally, based on the ability adjusting the electrostatic chemical potential on both sides of the junction and the effect of Burstein shift due to the applied voltage, and the creation of n-type and p-type modes, conductivit due to quantum tunneling has been investigated. The result show that depends on the relative potential between two regions, conductivity versus energy is either descending or it shows a resonance peak.

PACS No.(74.20)

میکنند. نیمی از یک فرمیون دیراک باردار با یک کایرالیتی مشخص، یک فرمیون وایل میباشد [۱]. فرمیون های وایل ممکن است به صورت شبه ذرات متحرک در یک سیستم ماده چگال با

فرمیونهای وایل'، فرمیونهای کایرال بدون جرمی هستند که در نظریهی میدان کوانتومی و مدل استاندارد نقش مهمی را ایفا

¹Weyl

مقدمه

انرژی کم تحقق یابند که اولین بار توسط هرینگ^۲ در زمینهی ساختار نواری سیستمهای حالت جامد مانند کریستالهای الکترونیکی پیش بینی شد [۲–٤]. با توجه به توپولوژی غیر بدیهی، از نیم رسانای وایل انتظار می رود که حالتهای الکترونی با قوس فرمی در سطح آن دیده شود [۵, ۲]. رفتار شبه فلز وایل با اثر مجاورت ابر رسانا، می تواند تقارن معکوس زمانی را با توجه به شکست پاریته در گرههای وایل حفظ کند، که می توان آن را با کمک کوانتش دوم هامیلتونی دیراک-بوگولیوبوف-دوژن امکان تحقق اتصال ناهمگن حالتهای فلزی عایق توپولوژیک با ابر رسانای وایل با اسپین تکتایی موج-۶ و رسانندگی ناشی از ابر رسانای وایل با اسپین در هر دو طرف اتصال و اثر جابجایی الکترواستاتیکی شیمیایی در هر دو طرف اتصال و اثر جابجایی بورتسین^۵ ناشی از اعمال ولتاژ را مورد بر رسی قرار می دهیم.

مدل و فرماليسم

حالتھای سطحی فلزی عایق توپولوژیک

سیستم حالتهای سطحی عایق توپولوژیک به وسیله معادله زیر توصیف میشود [۸].

 $H\psi(r) = E\psi(r) \quad , \quad r = (x, y, 0) \tag{1}$

هامیلتونی مؤثر عایق توپولوژیک به دلیل وجود فرمیونهای سنگین و جفت شدگی اسپین-مدار در توده^٦ ساختار، حالتهای سطحی تقارن معکوس زمانی را حفظ میکنند و حالتهای کایرال رسانای پایدار را در سطح عایق توپولوژیک به وجود میآورند. هامیلتونی مؤثر حاملهای فرمیونی دیراک عایق توپولوژیک، در سطح و در فضای بردار موج و اسپین به صورت کلی زیر است [۹–۱۲].

² C. Herring
³Dirac-Bogoliubov-de Gennes
⁴Blonder-Tinkham-Klapwijk
[°]Burstein shift

^٦ Bulk

$$\widehat{H}_{TI_{S}}(\boldsymbol{k}) = \begin{pmatrix} H_{0}(\boldsymbol{k}) & 0\\ 0 & -H_{0}^{*}(-\boldsymbol{k}) \end{pmatrix}$$
(Y)

که در آن $\mu_N \sigma_0 - \mu_N \sigma_0$ هامیلتونی ذرات نسبیتی دیراک را در سطح دوبعدی عایق توپولوژیک توصیف میکند و همچنین v_f سرعت فرمی حاملهای نسبیتی دیراک است. μ_N پتانسیل الکترواستاتیکی اعمالی عایق توپولوژیک میباشد که قابل تنظیم است. انرژی پاشندگی عایق توپولوژیک (شکل ۱) به صورت زیر محاسبه میشود:



ابررسانای وایل

توصيف سيستم مربوط به ابررساناى وايل با تک مد وايل^v را به روش DBdG و با در نظر گرفتن حالتهاى پايه نامبو[^] (الکترون-حفره) $\psi_{wsc}^{e(h)}(\mathbf{k}) = \left[\psi_{\uparrow}(\mathbf{k})\psi_{\downarrow}(\mathbf{k})\psi_{\uparrow}^{\dagger}(-\mathbf{k})\psi_{\downarrow}^{\dagger}(-\mathbf{k})\right]^{\dagger}$ به صورت زير مىتوان نوشت:

$$\begin{pmatrix} v_{f}\sigma \cdot \boldsymbol{k} - \mu_{s}\sigma_{0} & \frac{\Delta}{2}\mathbb{I} \\ \frac{\Delta}{2}\mathbb{I} & -v_{f}\sigma \cdot \boldsymbol{k} + \mu_{s}\sigma_{0} \end{pmatrix} \psi_{wsc}^{e(h)} = \varepsilon_{wsc}^{e(h)}\psi_{wsc}^{e(h)}$$

$$(\Upsilon)$$

 μ_s که در آن σ ماتریس های پاولی و v_f سرعت حامل ها و μ_s پتانسیل شیمیایی اعمالی در منطقه ابررسانای وایل است. همچنین پارامتر نظم ابررسانایی وابسته به تقارن اسپینی و اوربیتالی جفت کوپر را با ماتریس گاف $|a_s| = \Delta$ با تقارن اسپین تکتایی و تابع موج-8 در نظر می گیریم. برانگیختگی شبه الکترون-حفره برای

^vWeyl node

[^]Nambu basis

منطقه ابررسانای وایل از رابطه ۳ باتوجه به این که kz=0 باشد، به صورت زیر حساب می شود (شکل ۲).

$$\varepsilon_{wsc}^{e(h)} = \zeta \sqrt{\mu_s^2 + \frac{\Delta^2}{4} + 2\eta \mu_s v_f |\mathbf{k}| + |\mathbf{k}|^2 v_f^2}$$
(£)

که $\pm = \zeta$ برانگیختگی های شبه الکترون و شبه حفره را مشخص می کند و $\pm = \eta$ جداکننده نوار رسانش و نوار ظرفیت است و همچنین با در نظر گرفتن $k_z = 0$ $k_x^2 + k_y^2$ $k_z = |\mathbf{k}|$ خواهد بود. پارامتر نظم مربوط به ابررسانایی در $T \to T_c$ از معادله زیر محاسبه می شود.



۰،۲ شکل۲: انرژی برانگیختگی شبه الکترون و شبه حفره با پارامتر نظم ابررسانای ۲. و پتانسیل شیمیایی منطقه ابررسانا ۰.۱

تابع موج منطقه ابررسانای وایل شامل ترکیبی از هر دو شبه الکترون و شبه حفره به صورت زیر محاسبه می شود.

$$\cosh(\theta_s) = \frac{2\varepsilon_{wsc}^{e(h)}}{\Delta_s} \tag{(2)}$$

با استفاده از رابطه ٥ زاویه θ_s در منطقه ابررسانا برای شبه-الکترونها و شبه-حفرهها با توجه به انرژی برانگیختگی هر کدام از آنها تعریف می شود. **اتصال هیبرید عایق توپولوژیک/ابررسانای وایل تابع موج-s N** S **Topological Insulator Weyl Superconductor**

شکل۳: شماتیک مربوط به ساختار عایق توپولوژیک/ابررسانای وایل.

خواص انتقال در ساختار هیبرید حالتهای سطحی عایق x-y خواص انتقال در ساختار هیبرید حالتهای سطحی عایق x-y توپولوژیک/ابررسانای وایل تابع موج-s بر روی یک صفحه y مربوط به عایق توپولوژیک مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به شماتیک شکل ۳، عایق توپولوژیک در منطقه 0 > x است و همچنین قسمت ابررسانای وایل در منطقه x > 0 قرار دارد. در ضمن پارامتر نظم در منطقه نرمال به صفر میرسد. با توجه به شرایط مرزی مسأله $((x = 0) = \psi_{wsc}(x = 0))$ در نقطه 0 = x، انتقال الکترون (یا حفره) از ناحیه نرمال به ناحیه ابررسانایی با زاویه زیر رخ خواهد داد.

$$\theta_{s} = ArcSin\left[\frac{k_{y}^{y}y}{k_{wsc}^{y}}Sin(\theta_{e})\right]$$

با توجه به تنظیم پتانسیل شیمیایی منطقه نرمال و اعمال اختلاف پتانسیل به ساختار و اثر جابجایی، پتانسیل شیمیایی منطقه نرمال p-type و منطقه ابررسانا n-type در نظر گرفته شد.

با استفاده از شرایط مرزی می توان ضرایب آندریف را در فصل مشترک اتصال به صورت زیر محاسبه کرد (شکل ٤).

$$\begin{pmatrix} 1\\ e^{i\theta_e}\\ 0\\ 0 \end{pmatrix} + r \begin{pmatrix} -e^{-i\theta_h}\\ 0\\ 0 \end{pmatrix} + r_A \begin{pmatrix} 0\\ 0\\ 1\\ -e^{-i\theta_h} \end{pmatrix}$$

$$= t \begin{pmatrix} e^{\theta_s}\\ -e^{-\theta_s}\\ -1\\ 1 \end{pmatrix} + t \begin{pmatrix} -e^{-\theta_s}\\ -e^{-\theta_s}\\ 1\\ 1 \end{pmatrix}$$

$$r = \frac{(M_4 - M_3)(e^{i\theta_e} + e^{-i\theta_h})}{M_1M_3 - M_2M_4}$$

$$r_A = \frac{(M_4 e^{\theta_s} - M_3 e^{-\theta_s})(e^{i\theta_e} + e^{-i\theta_h})}{M_1M_3 - M_2M_4} - 1$$

نتیجه گیری در این پژوهش انرژی پاشندگی مربوط به ابررسانای وایل مورد بررسی قرار گرفت. در اتصال نرمال-ابررسانا با در نظر گرفتن پتانسیل شیمیایی منطقه ابررسانا به میزان 8.0 = مµ و 1 = م و پتانسیل شیمیایی 20.9 = µ۸ برای منطقه نرمال با زاویه ورودی صفر حاملها، تونلزنی کوانتومی در اتصال عایق توپولوژیک/ابررسانای وایل تابع موج-۶ رخ میدهد.با توجه به پتانسیل نسبی دو ناحیه، رسانندگی بر حسب انرژی نزولی یا دارای تشدید میباشد.

مرجعها

[1] H. Weyl, "Elektron und gravitation. I", ZeitschriftfürPhysik, 56(5-6) (1929) 330-352.

[2] C. Herring, "Accidental degeneracy in the energy bands of crystals", *Phys. Rev.*, **52**(4) (1937) 365.

[3] P. V. McClintock, "The Universe in a helium droplet, Contemporary" *Physics* **45**(2) (2004) 187-188.

[4] S. Murakami, "Phase transition between the quantum spin Hall and insulator phases in 3D: emergence of a topological gapless phase", *New J. Phys.*, **9**(9) (2007) 356.

[5] S.-Y. Xu, I. Belopolski, N. Alidoust, M. Neupane, G. Bian, C. Zhang, R. Sankar, G. Chang, Z. Yuan, C.-C. Lee, "Discovery of a Weyl fermion semimetal and topological Fermi arcs", *Science* **349**(6248) (2015) 613-617.

[6] A. Burkov, L. Balents, "Weyl semimetal in a topological insulator multilayer", *Phy. Rev. Lett.*, **107**(12) (2011) 127205.

[7]T. Meng, L. Balents, "Weyl superconductors" *Phys. Rev. B*, **86**(5) (2012) 054504.

[8] G. Tkachov, "Topological insulators: The physics of spin helicity in quantum transport", Pan Stanford 2015.

[9] H. Goudarzi, M. Khezerlou, J. Alilou, "Transport Properties of Topological Insulator-Based Ferromagnet/f-Wave Superconductor Junction", J. Supercond. Nov. Magn., **26**(12) (2013) 3355-3362.

[10] H. Goudarzi, M. Khezerlou, S. Asgarifar, "Novel Majorana mode and magnetoresistance in ferromagnetic superconducting topological insulator", *Physica E: Low-dimensional Systems and Nanostructures*, **87** (2017)155-160.

[11] M. Khezerlou, H. Goudarzi, S. Asgarifar, "Dominant Majorana bound energy and critical current enhancement in ferromagnetic-superconducting topological insulator", *Eur. Phys. J. B*, **90**(3) (2017) 44.

[12] J. Linder, Y. Tanaka, T. Yokoyama, A. Sudbø, N. Nagaosa, "Interplay between superconductivity and ferromagnetism on a topological insulator." *Phys. Rev. B*, **81**(18) (2010) 184525.

[13] G. Blonder, M. Tinkham, T.M. Klapwijk, "Transition from metallic to tunneling regimes in superconducting microconstrictions: Excess current, charge imbalance, and supercurrent conversion", *Phys. Rev. B*, **25**(7) (1982) 4515.



با توجه به شکل ٤، برای زاویه تابشی صفر، انعکاس آندریف با احتمال واحد اتفاق خواهد افتاد و احتمال انعکاس عادی برابر با صفر خواهد بود و در نتیجه در زاویه تابشی صفر، بیشترین مقدار رسانش را خواهیم داشت.با توجه به فرمالیسم BTK میتوان رسانندگی ناشی از تونلزنی کوانتومی را در این اتصال مورد بررسی قرار داد [۱۳].

 $\begin{aligned} G(eV) &= G_0 \int_0^{\theta_c} d\theta_e \cos(\theta_e) [1 + |r_A|^2 - |r|^2] \end{aligned} \tag{7} \\ & \text{ So } G_0 \text{ and } \mu_e \sin(\theta_e) \left[1 + |r_A|^2 - |r|^2 \right] \end{aligned}$



شکل ٥: رسانندگی ناشی از تونلزنی کوانتومی با استفاده از ضرایب آندریف.

⁴Normalization Factor

گرافن عاملدار شده با گروه متیل (CH₃) به عنوان نیمرسانای مغناطیسی دوقطبی

گرگیان، حمیدہ ؛ صفایی، رزا؛ دهقانی، سجاد

دانشکده فناوریهای نوین، دانشگاه شیراز ، شیراز

چکيده

در مقاله حاضر، به بررسی خصوصیات هندسی و الکترونی گرافن عاملدار شده با گروه (متیل) CH₃ بر پایهی نظریهی تابعی چگالی پرداخته شده است. نتایج محاسبات نشان می دهند که جذب گروه CH₃ روی گرافن از طریق پیوند شیمیایی کوولانسی همراه با ایجاد اعوجاج ساختاری در شبکهی آن می باشد. این تغییرات ساختاری منجر به شکسته شدن تقارن وارونی در شبکه گرافن و از بین رفتن تبهگنی حالتهای اسپینی در آن می شود. همچنین در حضور گروه متیل گرافن از یک نیمرسانای غیرمغناطیسی با گاف صفر به یک نیمرسانای مغناطیسی دوقطبی با گاف غیرصفر تبدیل می شود که درافزارههای اسپینترونیکی کاربرد زیادی دارد.

Methylated Graphene as a Bipolar Magnetic Semiconductor

Gorgian, Hamideh; Safaiee, Rosa; Dehghani, Sajjad

Faculty of Advanced Technology, Shiraz University, Shiraz

Abstract

In the present article, the geometrical and electronic properties of CH_3 functionalized (methylated) graphene are investigated based on the density functional theory. The results of calculations demonstrate that the adsorption of CH₃ onto graphene occurs via a chemical covalent bond, causing the structural distortion in the graphene lattice. Inversion-symmetry breaking of the graphene structure, due to lattice distortion, leads to spinstates degeneracy removal. Furthermore, the presence of CH_3 on graphene converts it from a nonmagnetic zero-gap semiconductor to a gapped bipolar magnetic one, having vast applications in the spintronic devices. PACS No.68.73

اسپینی جریان در این دسته از مواد، نیاز به اعمال میدان مغناطیسی خارجی دارد [1]. اما از آنجایی که میدان الکتریکی، بر خلاف ميدان مغناطيسي، به سادگي مي تواند به طور جايگزيده روي تراشه تولید شود، ایجاد وارونگی در قطبش اسپینی جریان حاملها نیـز بـا استفاده از آن در قطعات الكترونيكي مطلوبتر است [1-4]. دسته جدیدی از مواد کے بے نیمے ہادیہای مغناطیسے دوقطبے 2 (BMS) موسوم هستند، می توانند جریانهای کاملاً قطبیدهی اسپینی با قطبش اسپینی قابل تنظیم بوسیله اعمال یک گیتِ پتانسیل تولید كنند [1-4]. در این نوع نیمه هادیها، نوارهای هـدایت و ظرفیت از كانالهاي اسپيني مخالف هـم هسـتند. ايـن سـاختار الكترونـي منحصر بفرد مواد نيمه هادي مغناطيسي دوقطبي، امكان دستيابي به خاصیت نیمفلزی با قطبش اسیینی قابل تنظیم از طریق تغییر مقدار انرژی فرمی با اعمال گیت پتانسیل را فراهم میکند [1-4]. ایس

² Bipolar Magnetic Semiconductors

درنظر گرفتن درجه آزادی اسیینی الکترونها علاوه بر بار آنها یا

مقدمه

تنها اسيين الكترونها در قطعات الكترونيكي منجر به ايده جديـدي به نام اسیبنترونیک شده است [4-1]. از مزایای این قطعات، مصرف انرژی کم و سرعت بالاست. به دست آوردن قطعات اسپينترونيكى با كارايى بالا، با چالش هايى از جمله تزريـق حامـل های قطبیدهی اسپینی، انتقال اسپینی (قطبیده) بلندبرد، دسـتکاری و تشخیص موثر جهـت گیـری اسـپینی حاملهـا روبـه روسـت [1]. بنابراین شناسایی موادی که دستکاری حالتهای اسپینی و در نتیجه جريان اسييني امكان يذير باشد، از اهميت ويژهاي برخوردار است. یک نوع از این مواد، نیم فلزات¹ هستند که یک کانال اسپینی فلزی و یک کانال اسیینی نیمه هادی دارند که منجر به تولید جریان كاملاً قطبيدهي اسييني توسط آنها مي شود [1]. تغيير جهت قطبش

¹ Half Metals

بدان معناست که تنها با تغییر علامت ولتاژ گیت (به جای اعمال میدان مغناطیسی) میتوان جریان کاملاً قطبیدهی اسپینی در جهت مخالف را در مدار ایجاد کرد که منجر به ساخت قطعات اسپینترونیکی قابل کنترل به صورت الکتریکی میشود.

علاوه بر این، برای کاربردهای عملی نانومواد کربنی مانند نانولول. کربنی، گرافان، گرافن و ... به خاطر تحرک پذیری بالای حاملها، اندازههای خیلی کوچک (مینیاتوری) و طولهای بلندِ پراکندگی اسپینی نامزدهای مطلوبی هستند [5]. اما با وجود این خصوصیات، مواد مذکور از جمله گرافن غیرمغناطیسی هستند و جریان قطبیدهی اسپینی را نمی توانند تولید کنند. برای حل این مشکل، راهکارهایی مانند ایجاد نقص در ساختار [6]، آلاییدن و یا آراییدن با عناصر فلزى مختلف (به ويژه فلزات واسطه) [7]، اصلاح شيميايي مانند اکسید شدن یا هیدروژندار کردن سطح [1و2و8] و عاملدار کردن سطح با گروههای عاملی مختلف [9] پیشنهاد شده است. بنابراین، در مقاله حاضر، با استفاده از نظریه تابعی چگالی، تأثیر جذب گروه عاملی متیل (CH₃) بر خواص هندسی و الکترونی گرافن، با توجه ویژه به قطبش اسپینی حاملها بررسی شده است. محاسبات ما نشان میدهند که عاملدار شدن گرافن با گروه عاملی CH₃، آن را از یک نیمه هادی غیرمغناطیسی با گاف صفر به یک نیمه هادی مغناطیسی دو قطبی با گاف غیرصفر تبدیل میکند.

روش محاسبات

برای بررسی ساختار الکترونی سامانه های بس ذره ای، از نظریه تابعی چگالی که بر پایه اصول مکانیک کوانتومی بنا شده است، استفاده می شود. محاسبات در مقاله حاضر، بر اساس این نظریه و رهیافت کوهن-شم با استفاده از بسته محاسباتی کوانتوم اسپرسو [10] انجام شده است. در رهیافت کوهن-شم با در نظر گرفتن یک سامانهی کمکی غیر برهمکنشی، معادله شرودینگر بس ذرهای به یک معادله شرودینگر تک ذرهای برای سامانه کمکی تبدیل می-شود. خواص حالت پایه سامانهی بس ذرهای از حل معادله کوهن-شم به روش شبه پتانسیل به دست میآید. شبهپتانسیلهای مورد استفاده در محاسبات ما از نوع فوق نرم همراه با پتانسیل تبادلی-

همبستگی در تقریب گرادیان تعمیم یافته¹ (GGA) [11] است. علاوه بر آن، اثر برهمکنشهای بلندبرد واندروالسی از طریق بكارگيرى روش[12] Grimme DFT-D2 لحاظ شده است. با توجه به تحقیقات انجام شده [13]، در جذبهای فیزیکی و حتی شیمیایی، نتایج این روش در مورد ساختار هندسی (ارتفاع جذب، طولها و زوایای پیوندی)، انرژی جذب و خصوصیات الکترونی ترکیب حاصل به نتایج تجربی نزدیکتر است. ابریاختهی به کار رفته در محاسبات، شامل **32** اتم کربن (ابریاختهی 4×4) میباشد که در آن فضای خالی Å 15 در راستای عمود بر صفحات گرافن، برای به حداقل رساندن برهمکنش بین آنها در نظر گرفته شده است. مقادیر بهینهی انرژی قطع در بسط توابع موج بر حسب امواج تخت و تعداد نقاط k برای انتگرالگیریها در منطقه اول بريلوئن به ترتيب برابر با Ry و 1×18×18 بدست آمده است. برای ساختارهای مورد مطالعه، فرآیند واهلش ساختاری تا جایی که اندازه تک تک مؤلفههای نیروی وارد بر هر اتم کمتر از 0/001 Ry/Bohr شود، انجام شده است.

اعتبارسنجی محاسبات: گرافن خالص

ساختار هندسی ابریاختهی 4×4 گرافن در شکل1 آمده است.



شكل 1: ساختار هندسي ابرياختەي 4×4 گرافن.

نتایج حاصل از محاسبات ما نشان می دهند که طولهای پیوندهای C-C و زوایای پیوندی در این ساختار، به ترتیب برابر با Å 1/42 و C-C می اشند که با نتایج گزارشات قبلی کاملاً مطابقت دارند [14] $(E_+, k) = E_+$ می موجود در صفحه گرافن $(\bar{K}_-)_+ = E_+(\bar{K})$ به همراه تقارن تحت وارونی زمان اول بریلوئن را به دنبال دارد که در ساختار نواری آن به طور واضح دید. می موجود می در مان مور واضح دید. می مود. بدیهی است که عواملی که باعث شکستن هر کدام از دو تقارن مو توان گرافن دید. می موجود می موجود واضح واضح واضح واضح واضح واضح اول بریلوئن را به دنبال دارد که در ساختار نواری آن به طور واضح دید. می شود. بدیهی است که عواملی که باعث شکستن هر کدام از دو تقارن موجود شوند، تبهگنی اسپینی در ساختار الکترونی گرافن

¹ Generalized Gradient Approximation
را از بین خواهند برد. ساختار نواری به دست آمده از محاسبات ما برای گرافن به تفکیک اسپین در شکل 2 نمایش داده شده است. با توجه به شکل، ساختار نواری گرافن در دو حالت اسپینی نمایانگر این است که گرافن یک نیمرسانای غیر مغناطیسی با گاف صفر در نقطهی K (شبه فلز) میباشد. به بیان دیگر، جریان حاصل از حاملهای بار در گرافن خالص هیچ گونه قطبش اسپینی نخواهد داشت. این نتیجه نیز در تطابق با نتایج به دست آمده توسط دیگران است [14و1].



اثرگروه متیل بر خصوصیات هندسی و الکترونی گرافن

برای شروع محاسبات در زمینه عاملدار کردن گرافن با گروه عاملی CH3، با توجه به تقارنهای صفحه گرافن و احتمال بیشتر حضور الکترونهای π در اطراف اتمهای کربن، مکان تقریبی اولیه برای قرار گرفتن عامل متیل را به این صورت به نرم افزار معرفی کردیم که اتم کربن آن در بالای یکی از اتمهای کربن در صفحه گرافن باشد. پس از انجام واهلش ساختاری، ساختار به دست آمده برای گرافن با وجود گروه عاملی CH3 به همراه طول و زوایای پیوندی در شکل 3 نمایش داده شده است. همان طور که مشاهده اشتراک گذاردن تک الکترونهای خود (با اسپین مخالف)، یک پیوند کووالانسی تشکیل دادهاند. با توجه به شمای کیفی از ترازهای انرژی گروه CH3 و گرافن که در شکل 4 ارائه شده است، درمی-یابیم که نزدیک بودن تراز انرژی اوربیتال اتمی p کربن CH3 به برای می بود

با تشکیل پیوند مذکور، هیبرید هر دو اتم کربنِ درگیر در پیوند از sp³ به s²s³ تبدیل شده است.



شکل 3: ساختار واهلیده گرافن عاملدار شده با گروه متیل. بنابراین ساختار هر دوی آنها از حالت مسطح به ساختار چهاروجهی تبدیل شده و اعوجاجی (انحراف از صفحه) به اندازه-ی Å $d_z = 0/557$ Å را در شبکهی گرافن ایجاد کرده است. همانطور که در بخش قبل اشاره شد، شکسته شدن تقارن وارونی صفحهی گرافن در اثر اعوجاج، تبهگنی اسپینی را از بین می برد.



شکل 4: شمایی از ترازهای انرژی گروه متیل در مقایسه با تراز فرمی گرافن. علاوه بر این، الکترونخواهی بیشتر کربن نسبت به هیدروژن، باعث تجمع الکترونهای پیوندهای C-H گروه عاملی بر روی اتم کربن آن میشود. در نتیجه جفت الکترون پیوندی در پیوند کوولانسی اتم کربن گروه عاملی با اتم کربن گرافن، از گروه عاملی به سمت صفحه گرافن دفع شده و جابهجایی بار به اندازهی e 20/0 را به دنبال دارد. این جابهجایی بار، در مکان جذب یک میدان الکتریکی عمود بر صفحه گرافن را ایجاد میکند. میدان الکتریکی به همراه اعوجاج ایجاد شده در مکان جذب، همارزی شیمیایی زیرشبکه-های حاصل از کربنهای نوع A و نوع B را به طور موضعی از بین برده است. تأثیر مهم عدم تقارن موضعی زیرشبکهها و عدم تقارن وارونی شبکه، تشکیل گاف در ساختار نواری گرافن عاملدار (شکل 5) میباشد. همان طور که از شکی 5 **نتیجه گیری** در این مقاله با استفاده از بسته محاسباتی کوانتوم اسپرسو و نظریه تابعی چگالی به بررسی اثر جذب گروه عاملی CH₃ بر ساختار هندسی و الکترونی گرافن پرداخته شده است. نتایج حاصل نشان می دهند که جذب این گروه عاملی تاثیر زیادی بر روی خواص الکتریکی و مغناطیسی گرافن دارد، به گونه ای که گرافن که یک نیمههادی غیرمغناطیسی با گاف صفر است، در اثر جذب عامل CH₃ به یک نیمههادی مغناطیسی دو قطبی تبدیل می گردد.

مرجعها

- X. Li, X. Wu, Z. Li, J. Yang, J.G. Hou, "Bipolar Magnetic Semiconductors : A New Class of Spintronic Materials", *Nanoscale* 4 (2012) 5680-5685.
- [2] X. Li, J. Yang, "Bipolar magnetic materials for electrical manipulation of spin-polarization orientation", *Phys. Chem. Chem. Phys.* 15 (2013) 15793-15801.
- [3] L. Yuan, Zh. Li, J. Yang, "Hydrogenated bilayer wurtzite SiC nanofilms: a two dimensional bipolar magnetic semiconductor material", *Phys. Chem. Chem. Phys.* 15 (2013) 497-503.
- [4] J. He, G. Ding, C. Zhong, S. Li, D. Li, G. Zhang, "Cr₂TiC₂-based double MXenes: novel 2D bipolar antiferromagnetic semiconductor with gate-controllable spin orientation toward antiferromagnetic spintronics", *Nanoscale* **11** (2019) 356-364.
- [5] B. Gharekhanlou, S. Khorasani, R. Sarvari, "Two-Dimensional Bipolar Junction Transistors", *Mater. Res. Express* 1 (2014) 015604.
- [6] A.L. Ivanovskii, "Magnetic effects induced by sp impurities and defects in nonmagnetic sp materials", *Phys.-Usp.* 50 (2007) 1031-1052.
- [7] Y. Li, Zh. Zhou, P. Shen, Zh. Chen, "Spin Gapless Semiconductor-Metal-Half-Metal Properties in Nitrogen-Doped Zigzag Graphene Nanoribbons", ACS Nano 3 (2009) 1952–1958.
- [8] W. Chen, Y. Li, G.Yu, Ch. Li , Sh.B. Zhang, Zh. Zhou, Zh. Chen, "Hydrogenation: A Simple Approach To Realize Semiconductor-Half-Metal-Metal Transition in Boron Nitride Nanoribbons", J. Am. Chem. Soc. 132 (2010) 1699-1705.
- [9] Ch. Si, J. Zhou, Zh. Sun, "Half-Metallic Ferromagnetism and Surface Functionalization-Induced Metal-Insulator Transition Graphene-like Two-Dimensional Cr₂C Crystals", ACS Appl. Mater. Interfaces 7 (2015) 17510-17515.
- [10] P. Giannozzi, S. Baroni, N. Bonini, M. Calandra, R. Car, C. Cavazzoni, A. Dal Corso, "QUANTUM ESPRESSO: a modular and open-source software project for quantum simulations of materials", J. Phys. Condens. Matter 21 (2009) 395502.
- [11] J.P. Perdew, K. Burke, M. Ernzerhof, "Generalized gradient approximation made simple", *Phys. Rev. Lett.* **77** (1996) 3865.
- [12] S. Grimme, "Semiempirical GGA-type density functional constructed with a long range dispersion correction", J. Comput. Chem. 27 (2006) 1787–1799.
- [13] P. Janthon, F. Viñes, S. M. Kozlov, J. Limtrakul, and F. Illas, "Theoretical assessment of graphene-metal contacts", *J. Chem. Phys.* 138 (2013) 244701.
- [14] Sh. Nasresfahani, R. Safaiee, M.H. Sheikhi, "Influence of Pd/Pd₂ decoration on the structural, electronic and sensing properties of monolayer graphene in the presence of methane molecule: A dispersion-corrected DFT study", *Surface Science* 662 (2017) 93–101.
- [15] R. Ghanbari, R. Safaiee, M.M. Golshan, "A dispersion-corrected DFT investigation of CH4 adsorption by silver decorated monolayer graphene in the presence of ambient oxygen molecules", *Applied Surface Science* **457** (2018) 303–314.

ساختارهای الکترونی اسپینهای بالا و پایین، نمایانگر نیمه هادی-هایی به ترتیب از نوع P با گاف نواری vo 75 eV و نوع N با گاف نواری vo 88/0 هستند. از ادغام این دو ساختار نواری، یک نیمه هادی با گاف vo 2000 (گاف نواری لازم برای وارونگی اسپین) داریم که نوارهای هدایت و ظرفیت آن از کانالهای اسپینی مختلفی است. این امر میتواند ناشی از ظهور نوارهای حاصل از اوربیتال P اتمی نیمه پر گروه متیل در نزدیک انرژی فرمی باشد.



شکل 5: ساختار نواری گرافن عاملدار شده با CH₃ به تفکیک اسپین. بنابراین گرافن همراه با گروه متیل از یک نیمههادی غیر مغناطیسی با گاف صفر به یک نیمههادی مغناطیسی دوقطبی تبدیل شده است. در چنین نیمههادیهایی، با تنظیم میزان انرژی فرمی از طریق اعمال ولتاژ گیت (میدان الکتریکی) می توان به نیمفلزاتی با قطبش اسپینیِ معکوسپذیر دست یافت. به عبارت دیگر، گرافن همراه با گروه متیل، در مدارات الکترونیکی به مثابه یک فیلتر اسپینیِ اثر -میدانی دوقطبی (شکل 6) رفتار میکند.



در این افزاره، ماده BMS بین دو لایهی فلزی با مسافت پراکندگی اسپینی زیاد ساندویچ میشود. اعمال ولتاژ گیت مثبت به BMS سبب کاهش انرژی فرمی و تولید جریان کاملا قطبیده اسپینی با اسپین بالا میشود و برعکس.

آشکارسازی بایاس تبادلی در نمونه Ni₈₀Fe₂₀ اکسید شده در بازه دمایی ۱۸ تا ۳۰۰ کلوین کنه، نرجس : شافعی، مهدی : طهرانچی، محمدمهدی (۲

، دانشکاره فیزیک، دانشگاه شهید بهشتی، ولنجک، تهران 2 پژوهشکاده لیزر و پلاسما، دانشگاه شهید بهشتی، ولنجک، تهران

جكىدە

به دلیل واستگی شدید خواص مغناطیسی به دما، مطالعات وسیعی در این زمینه انجام شده است. در این مقاله، به جهت مشخصه پایی مواد مغناطیسی در دمای پایین، یک سیستم اپتیکی بر پایهی اثر مغناطو نوری کر طولی، طراحی شده است که در آن از یک دستگاه سرماساز سیکل بستهی هلیومی، جهت پایین آوردن دما استفاده می شود. اثر دما بر روی حلقه های پسماند اثر مغناطو نوری کر طولی نمونه ی پرمالوی (Ni₈₀Fe₂₀)، از دمای اتاق تا دمای ۱۸ کلوین بررسی شده و تغییرات میدان وادارندگی، بر حسب دما بر اساس بایاس تبادلی بحث شده است.

Exchange Bias Detection in oxidized $Ni_{80}Fe_{20}$ in temperature range of 18 K to 300K

Konh, Naries¹: Shafei, Mahdi²: Tehranchi, Mohammad Mahdi^{1,2}

¹ Department of Physics, University of Shahid Beheshti, Tehran ² Laser and Plasma institute, University of Shahid Beheshti, Tehran

Abstract

Due to the strong dependence of magnetic properties on the temperature, this subject has been extensively studied. In this paper, for characterizing the materials at low temperature, an optical system based on the Magneto-optical Kerr Effect (MOKE) is designed, in which, a closed-cycle Helium Cryostat is used to lower the temperature. The effect of temperature variations on the MOKE hysteresis loops of a Permalloy sample ($Ni_{80}Fe_{20}$), from room temperature up to 18 K is investigated, and coercive field changes due to the temperature variations, based on exchange bias are discussed.

PACS No. 75.30.Et, 75.30.Gw, 75.30.Sg, 75.50.-v, 75.50.Bb, 75.60.Ej, 07.20.Mc

چیدمان تجربی اثر مغناطو نوری کر طولی،

چيدمان ايتيکي کر طولي شامل، ليزر ديودي mW ۵ ميلي وات، منشور گلن- تیلور، منشور ولاستون، سه عدسی با فاصله کانونی ۱۰ cm، دو آشکارساز مشابه، الکترومگنت با هسته های آهنی، تقویت کننده قفل شونده و منبع تغذیه قابل کنترل است. بخش های تقويتكننده قفل شونده، منبع تغذيه و كامپبوتر با كابل هاي GPIB و رابط PCI به هم متصل اند. همچنین لیزر و آشکارسازها با کابل های BNC به تقویت کننده قفل شونده متصل هستند و دادهها با برنامهی لبویو کنترل می شوند. چیدمان کر طولی در شکل ۱ نشان داده شده است.

مواد مغناطیسی، اغلب در دماهای پایین و یا بالا، رفتاری از خود بروز می دهند که کاملا متفاوت از رفتار آن ماده در دمای اتاق است. پس دانستن اینکه مواد مغناطیسی در محدوده دمایی که مورد استفاده قرار می گیرند، چطور رفتار می کنند، حائز اهمیت است. یکی از روشهای مشخصهیابی مواد در دماهای مختلف، اثر مغناطو نوری کر است. نمونهی مورد بررسی، فیلم نازک پرمالوی (Ni₈₀Fe₂₀)، با ضخامت ۴۰ نانومتر با زیرلایهی سیلیکون بدون لايه محافظ در برابر اكسيد شدن است. به دليل فيلم نازك بودن، و ناهمسانگردی شکلی، پیشبینی میشود مغناطش نمونه در صفحهی فیلم باشد، بنابراین، چیدمان کر در هندسه طولی مورد استفاده قرار گرفته است.

¹Lock-in amplifier

مقدمه



در این چیدمان، زاویهی پرتو فرودی به سطح نمونه، ۳۰°، است. برای تولید میدان مغناطیسی از الکترومگنتی که توانایی تولید میدان تا ۳٫۰ تسلا را دارد، استفاده می شود و توسط منبع تغذیه قابل كنترل، تغذيه مي شود. مقاومت سيم پيچ هاي اين الكترومگنت ۲۵ اهم است و برای ارتقای دقت و تفکیک پذیری اندازه گیری، سه مقاومت ۱۰ اهم با سیمپیچهای الکترومگنت سری شده است. نمونه بین دو هستهی الکترومگنت و در محفظهی دستگاه سرماساز قرار دارد و با اعمال میدان مغناطیده می شود. برای مدولاسیون لیزر، با استفاده از تقویت کننده قفل شونده، یک موج مرجع سینوسی با دامنه ۵ ولت و فرکانس ۹۲۲ هرتز روی پرتو لیزر سوار میشود. پرتو لیزر مدوله شده پس از عبور از منشور گلن-تیلور، قطبیدهی خطی شده و از یک عدسی عبور کرده و روی نمونه کانونی می شود. پرتو بازتابیده از نمونهی مغناطیده، از طریق عدسی مجاورش موازی شده و سپس از منشور ولستون عبور میکند و به علت چرخش قطبش نور، به دو پرتو با شدتهای متفاوت تبدیل می شود. هر دو پرتو توسط یک عدسی روی دو آشکارساز متمرکز می شوند. شدت هر دو پرتو در آشکارسازها ثبت شده و توسط تقویت کننده قفل شونده که در مد تفاضلی A-B قرار دارد، خوانده می شوند. کامپیوتر سیستم را توسط برنامه لب ویو کنتـرل کـرده و دادهها را پردازش و ذخیره میکند. با استفاده از این چیدمان کـر و همچنین دستگاه سرماساز، می توان از دمای اتاق تا دمای ۱۸ کلوین را اندازه گېږې کړد.

دستگاه سرماساز، یک یخچال سیکل بستهی هلیومی بر پایهی تراکم و انبساط گاز هلیوم، در محدوده دمای ۱۸ کلوین تا دمای اتاق میباشد که با استفاده از کنترلکنندهی دما، قابلیت ثابت نگه

داشتن دما با دقت ۰٫۱ کلوین در دماهای پایین و با دقت ۱ کلوین در دماهای بالاتر از ۸۰ کلوین را فراهم میسازد.

نتايج و بحث

از بررسی حلقه های پسماند و نمودار H_c بر حسب دما، سه پدیده مشاهده می شود:

- ۱) با کاهش دما از دمای اتاق تا دمای ۳۰ کلوین، H_c افزایش یافته و با کاهش دما از دمای ۳۰ کلوین، H_c کاهش می یابد(شکل ۲). این بیشینه، در دمای ۳۰ کلوین در شکل ۳ نشان داده شده است.
- ۲) در شکل ۲ب، یک جابجایی در راستای محور میدان به سمت چپ در منحنی های پسماند، مشاهده می شود که تقریبا از محدوده ۳۰ کلوین آغاز شده و با کاهش دما، این جابه جایی افزایش می یابد. شکل ۴، منحنی جابه جایی حلقه های پسماند با کاهش دما از دمای ۳۰ کلوین را نمایش می دهد.
- ۳) در منحنی های پسماند، بعد از دمای ۳۰ کلوین، نمودارها به آرامی شکل مربعی خود را از دست میدهند (شکل۵).

همانطور که گفته شد، در حلقه های پسماند، یک جابجایی در راستای محور میدان به سمت چپ و همچنین افزایش H_c کاهش دما، مشاهده شده است. این جابجایی و افزایش H_c می تواند از مشخصه های بایاس تبادلی باشد. بایاس تبادلی در سیستم هایی مشاهده می شود که یک فیلم نازک فرومغناطیس در تماس با یک لایه ی پادفرومغناطیس قرار گیرد. هنگامی که چنین ساختاری با مغناطش ثابت شده ی فرومغناطیس، از دماهای بالا مرد می شود، اسپینهای پادفرومغناطیس، از طریق نیروهای تبادلی، خودشان را همراستا با جهت اسپین های فرومغناطیس ممان مغناطیسی خواهند کرد. از آنجایی که پادفرومغناطیس، ممان مغناطیسی خالصی ندارد، حداقل در تقریب اول با میدان مغناطیسی برهمکنش نمی کند و حلقه ی پسماند در امتداد محور میدان جابه جا می شود [۲]. باعث یک انرژی اضافی شده و H_c افزایش مییابد. رفتاری مشابه در میدان برعکس مشاهده میشود. در این صورت، میدان مغناطیسی مورد نیاز برای برگشتن مغناطش در هردو شاخهی مثبت و منفی بزرگتر شده و حلقهی پسماند پهنتر میشود. این روند تا دمای ۳۰ کلوین ادامه دارد و با کاهش دما، H_c افزایش مییابد.



شکل ۲: الف) افزایش H_c از دمای اتاق تا ۳۰ کلوین و کاهش آن از دمای ۳۰ تا ۸۸ کلوین. ب) مقایسه ی جابجایی منحنی پسماند به سـمت چـپ در دماهـای پایین تر از ۳۰ کلوین



 $(Ni_{80}Fe_{20})$ شکل ۳: منحنی H_c بر حسب دمای نمونه پرمالوی H_c

نمونهی پرمالوی اندازه گیری شده، یک فیلم نازک Ni₈₀Fe₂₀، به ضخامت ۴۰ نانومتر با زیرلایهی سیلیکون است. اما این نمونه، مدت زیادی بدون حفاظ در معرض هوا قرار گرفته است و یک لایه اکسید نیکل NiO، روی سطح نمونـه تشکیل شـده اسـت و جفت شدگی تبادلی شدیدی را نشان میدهد. در گزارشات چاپ شده، در نمونهی پرمالوی بدون اکسید، هیچ نشانهای از جابجایی حلقهی پسماند مشاهده نشده است. به این ترتیب، نتایج به دست امده، مشخصهی فیلم پرمالوی نیستند بلک ، برهمکنش با اکسید سطح را نمایش میدهند[۲-۲]. اکسید نیکل NiO در سطح، مانند مجموعهای از ذرات پادفرومغناطیس کوچک هستند، کـه هرکـدام تنها با فیلم فرومغناطیس برهمکنش میکنند و حساس به سرعت نوسان های گرمایی در بالای دمای انسداد مستند [۲, ۳]. وجود یدیدہ یایاس تبادلی رابطہ ی نزدیکے با نظم مغناطیسے یادفرومغناطیس دارد، از این رو با افزایش دما تا دمای نیل اکسید و یا پایین تر از آن، اثرهای بایاس تبادلی ناپدید می شوند. دمایی که میدان بایاس تبادلی در آن صفر می شود، $H_E = 0$ ، یا به بیان دیگر، دمایی که دیگر در آن جابجایی حلقهی پسماند نداریم، به عنوان دمای انسداد T_B ، شناخته شده است، یعنی در این دما ممانهای مغناطیسی یادفرومغناطیس ثابت (مسدود) خواهند شد. بنابراین در نمونهی پرمالوی اکسیدشده، دمای انسداد در نزدیکی ۳۰ کلوین قرار دارد که جابجایی حلقهی پسماند H_E تقریبا از آن دما شروع شده و با کاهش دما، افزایش می یابد.

در دماهای خیلی بالاتر از دمای انسداد، مثلا در محدودهی دمای اتاق، نظم پادفرومغناطیس، از بین می رود و به پارامغناطیس تبدیل می شود و اثرشان بر روی فیلم فرومغناطیس ضعیف می شود. پس ممانهای فرومغناطیس به راحتی با اعمال میدان معکوس، می چرخند و پدیدهی بایاس تبادلی در ان دیده نمی شود و H_c نزدیک به میدان وادارندگی زیرلایهی فرومغناطیس است.

با کاهش دما از دمای اتاق تا بالاتر از دمای انسداد، با اعمال میدان مغناطیسی معکوس، اسپین ها در فرومغناطیس شروع به چرخیدن میکنند، همچنین اسپین های پادفرومغناطیس توسط اسپین های فرومغناطیس کشیده می شوند و با هم می چرخند که

²Blocking temperature

با اعمال میدان مغناطیسی خارجی به نمونه، فرآیند تغییر مغناطش از طریق حرکت دیوار حوزه ها، آغاز می شود. این حرکتها، هنگام مواجه شدن با نقص های ماده نامنظم می شوند و باعث تغییر شکل حلقه ی پسماند در دماهای پایین شده و شکل مربعی خود را از دست می دهد. همچنین ممکن است، نمونه دارای ناهمسانگردی باشد که جهت آن با جهت میدانی که نمونه درآن سرد شده و جهت میدان اعمالی در طول اندازه گیری حلقه های پسماند، متفاوت است و این باعث خارج شدن حلقه های پسماند از حالت مربعی در دماهای پایین می شود [۱].

نتيجه گيرى

در این مقاله، به اندازه گیری اثر مغناطو نوری کر نمونه ی پرمالوی $Ni_{80}Fe_{20}$ ، از دمای اتاق تا ۱۸ کلوین، پرداخته شده و نمودارهای H_c و H_r بر حسب دمای این نمونه بررسی شده است. نمودار H_c ، یک رفتار دمایی غیر عادی نشان می دهد، همچنین در دماهای پایین حلقه های پسماند، شکل مربعی خود را از دست می دهند و یک جابه جایی در طول محور میدان مغناطیسی دیده می شود. بررسی و تحلیل داده های دما پایین، نشان می دهد که روی سطح نمونه یک لایه NiO تشکیل شده است و دلیل این رفتارهای دمایی، سطح اکسید شده است که پدیده ی بایاس تبادلی را رقم میزند. از این روش می توان برای تشخیص اکسید شدن سطح مغناطیسی استفاده کرد.

مرجعها

- .¹ Nogués, J., et al., *Exchange bias in nanostructures*. Physics reports, 2005. **422**(3): p. 65-117.
- Y Fulcomer E, Charap S. Temperature and frequency dependence of exchange anisotropy effects in oxidized NiFe films. Journal of applied physics. 1972;43(10):4184-90.
- .* Fulcomer E, Charap S. Thermal fluctuation aftereffect model for some systems with ferromagnetic- antiferromagnetic coupling. Journal of applied physics. 1972;43(10):4190-9.
- .* Lin T, Tsang C, Fontana RE, Howard JK. Exchange-coupled ni-fe/femn, ni-fe/ni-mn and nio/ni-fe films for stabilization of magnetoresistive sensors. IEEE transactions on magnetics. 1995:31(6):2585-90.
- ^A Khapikov A, Harrell J, Fujiwara H, Hou C. Temperature dependence of exchange field and coercivity in polycrystalline NiO/NiFe film with thin antiferromagnetic layer: Role of antiferromagnet grain size distribution. Journal of applied physics. 2000;87(9):4954-6.
- .* Charap S, Fulcomer E. Magnetic Aftereffect in Oxidized Ni–Fe Films. Journal of applied physics. 1971;42(4):1426-8.
- .Y Carey M, Berkowitz A. Exchange anisotropy in coupled films of Ni81Fe19 with NiO and Co x Nil- x O. Applied Physics Letters. 1992;60(24):3060-2.



شکل ۴: منحنی جابهجایی حلقههای پسماند. با کاهش دما از دمای ۳۰ کلوین، جابهجایی حلقهی پسماند افزایش مییابد.



شکل۵ : با کاهش دما از دمای ۳۰ کلوین تا ۱۸ کلوین، منحنی پسماند شکل مربعی خود را از دست میدهند.

در دماهای به اندازهی کافی پایین، یعنی زیر دمـای انسـداد، در محدودهی ۳۰ کلوین، اسپینهای سطح پادفرومغناطیس نمی توانند همراه با اسپینهای فرومغناطیس بچرخند و ذرات پادفرومغناطیس، ثابت می شوند. با اعمال میدان مغناطیسی معکوس، اسیین های فرومغناطیس شروع به چرخیدن میکنند، در حالی کـه اسـیین.هـای يادفرومغناطيس، ثابت خواهند ماند. در نتيجه به دليل جفتشـدگي در سطح مشترک، یک گشتاور میکروسکویی به اسپین، ای فرومغناطیس وارد می شود و سعی می کند آن ها را در موقعیت اصلی نگه دارد. پس نیاز به یک میدان مغناطیسی اضافی برای غلبه بر گشتاور میکروسکوپی اعمال شده توسط اسپین های یادفرومغناطیس، دارد و میدان وادارندگی، H_c، در شـاخهی میـدان منفی افزایش می یابد. برعکس، زمانی که میدان مغناطیسی به مقادیر مثبت برمی گردد، چرخش اسپین در فرومغناطیس راحت در است، زيرا اسيين هاي يادفرومغناطيس يک گشتاور ميکروسکويي در جهت مشابه با میدان اعمال خواهد کرد. پس میدان وادارندگی، H_c، در شاخهی میدان مثبت کاهش خواهد یافت. در نهایت اثر خالص، یک جابجایی حلقهی پسماند در طول محور مغناطیسی، به سمت چپ خواهد بود. بنابراين، با توجه به استدلال باياس تبادلي که به دلیل اکسید شدن نمونه اتفاق می افتد، توانستیم رفتار بیشینه غیرعادی نمونهی پرمالوی را توجیه کنیم.

ساخت فریت لیتیوم به روش مکانوشیمیایی و بررسی ویژگیهای مغناطیسی آن اسلامی فر ، رضا ٔ ؛ مظفری، مرتضی ٔ ا گروه فيزيک ، دانشگاه اصفهان ۲ گروه فیزیک، دانشگاه اصفهان

چکیدہ

در این پژوهش فاز منظم فریت لیتیوم (α-LiFe₅O₈) با روش مکانوشیمیایی دو مرحلهای، با پودرهای آهن، کربنات لیتیوم و پخت در دمای C[°] ۲۰۰۰ به مدت دو ساعت تهیه شد. دمای کوری، مغناطش اشباعی و نیروی وادارندگی به ترتیب C[°] ۹۳ emu/g ۶۲۰ و Ve به دست آمد که با مقدارهای به دست آمده برای فریت لیتیوم کپهای در پژوهشهای پیش هم-خوانی خوبی دارد. برتری این روش با روش متداول سرامیکی، کاربرد پودرآهن به جای اکسید آهن است که معمولا در این روش به کار برده می شود. این به دستیابی به فاز منظم فریت لیتیوم در دمای برشتن C[°] ۲۰۰۰ می انجامد که نسبت به دمای معمول برشتن در روش متداول سرامیکی (C[°] ۲۰۰۰) پایین تر است.

Synthesis of Lithium Ferrite by Mechanochemical Method and Investigation on its Magnetic Properties Eslamifar, Reza¹; Mozafari, Morteza²

¹ Department of Physics, University of Isfahan ² Department of Physics, University of Isfahan

Abstract

In this research, order phase of lithium ferrite $(\alpha-LiFe_5O_8)$ were prepared via two steps mechanochemical processing with Fe and Li_2CO_3 powders and subsequent heat treatment at 1000°C for two hours. Curie temperature, magnetic saturation and coercive force obtained 620°C, 63 emu/g and 10 Oe respectively. These values have good agreement with bulk lithium ferrite in literature. The advantage of this method to conventional is application of iron powder instead of Fe_2O_3 that is usually used in this method. It is about to reach order phase of lithium ferrite in calcination temperature of 1000°C which is less than the usual calcination temperature in conventional method (; 1200°C).

برای گارنتها و فریتهای اسپینلی دیگر در ابزارهای ریزموجی و همچنین به عنوان ماده اولیه در گسترش فناوری ساخت قوس پلاسما مورد توجه قرار گرفته است[۲]. با توجه به حساسیت به تنش و هزینهی ساخت و همچنین تلفات مغناطیسی کمتر و آستانه قدرت بالا، فریت لیتیوم نسبت به گارنتها برتر است [۳]. فریت لیتیوم در دو ساختار اسپینلی فاز منظم(Ω) و نامنظم(β) متبلور

فریتهای اسپینلی به سبب داشتن ویژگیهای الکتریکی و مغناطیسی ویژه کاربردهای بسیاری در زمینههای گوناگون از جمله ابزارهای ریزموجی، حسگرها و حافظههای مغناطیسی دارند [۱]. فریت لیتیوم با فرمول شیمیایی LiFe₅O₈ به عنوان جایگزینی

مقدمه

الگوی بیناب جذبی فروسرخ (FT-IR) نمونه با یک دستگاه بینابسنج ساخت شرکت JASCO ژاپن ثبت شد. منحنی پسماند نمونه با یک دستگاه مغناطشسنج نمونه مرتعش ساخت شرکت Lake Shore Cryotronics آمریکا رسم و پارامترهای مغناطیسی نمونه به دست آمد. منحنی تغییرات مغناطش برحسب دمای نمونه برای اندازه گیری دمای کوری با یک ترازوی حساس فارادی و ترموکوپل در یک میدان مغناطیسی ناچیز (OO ∞ ≈) رسم و دادهها با نرمافزار CassyLab ساخت شرکت MeyBold

نتايج و بحثها

شکل ۱ الگوی پراش پرتو ایکس نمونه پس از پخت در دمای 0° شکل ۱ الگوی پراش پرتو ایکس نمونه که دیده می شود افزون بر قله-های پراش صفحه های ((۲۲۰)، (۳۱۱)، (۴۰۰)، (۴۲۲) و ...) ساخنار اسپینلی، قله های دیگری نیز وجود دارد که مربوط به ویژگی ساختاری فاز منظم فریت لیتیوم ($BcitesO_8$) است. این قله های پراش صفحه های مربوط به: (۲۱۰)، (۲۱۱)، (۲۱۱)، (۲۱۱)، (۳۰۰)، (۳۰۱)، (۴۲۱)، (۴۲۱)و ... است که در میان آن ها قله های (۲۱۰)، (۳۰۱) و (۴۲۱) پر شدت تراند. این الگو نشان از تک فاز بودن نمونه ی تهیه شده است. میانگین اندازه بلورک ها پیرامون ۲۰۲ نانومتر و ریزکرنش^۴-۱۰× γ ۲ با رابطه ویلیامسون هال برآورد شد. می شود [۴]. روش های تهیه ی گوناگونی برای دستیابی به ساختارهای بلورین منظم یا نامنظم فریت لیتیوم وجود دارد [۵]. معمولا تهیه ی فریت لیتیوم به روش مرسوم سرامیکی با پخت دوگانه صورت می گیرد که مخلوط اکسید آهن و کربنات لیتیوم با واکنش حالت جامد در دمای نسبتا بالا (2° ۱۲۰۰) واکنش می-دهند که بیشتر به تشکیل فاز ناخواسته هماتیت (αFe₂O₃) می-انجامد [۷–۶]. در این پژوهش فاز منظم فریت لیتیوم از پودر آهن فلزی و کربنات لیتیوم با دمای 2° ۱۰۰۰ به روش مکانوشیمیایی تهیه و ویژگی های ساختاری و مغناطیسی آن بررسی شد.

روش ساخت و شناسایی

فریت لیتیوم با فرمول شیمیایی ${\rm EiFe}_5{\rm O}_8$ به روش مکانوشیمیایی دو مرحلهای تهیه شد. پودر آهن فلزی (Fe) و کربنات لیتیوم (Li₂CO₃) هر دو از شرکت مرک آلمان با کمینه خلوص ۹۹ درصد به نسبت مولی پنج به یک وزن و مخلوط حاصل به مدت ۲ ساعت دریک دستگاه آسیاب سیارهای فریچ تک مخزنه با سرعت ۳pm در یک مخزن زیرکونیوم و گلولههایی از همین جنس آسیابکاری شدند. سپس مخلوط آسیابکاری شده به مدت دو ساعت در یک کورهی قابل برنامهریزی لولهای با آهنگ افزایش دو ساعت در یک کورهی قابل برنامهریزی لولهای با آهنگ افزایش دمای اسی م

الگوهای پراش پرتو ایکس با یک دستگاه پراش سنج پرتو ایکس شرکت Ricago ژاپن و با پرتو ایکس لامپ مسی(λ=1.5406Å) ثبت شد. میانگین اندازه بلورکها با ویلیامسون-هال به دست آمد [۸].

 $\beta \cos\theta = 0.9\lambda/d + 2\epsilon \sin\theta$

heta که در آن b میانگین اندازهی بلورکها، λ طول موج پرتو ایکس، θ زاویه براگ پر شدتترین قله، β پهنای آن قله در نیم شدت و \mathfrak{z} ریز کرنش است.



شکل ۱ الگوی پراش پرتو ایکس نمونه تهیه شده در دمای °C ۱۰۰۰

شکل ۲ بیناب جذبی فروسرخ (FT-IR) نمونه را نشان میدهـد. بیشتر فریتهای اسپینلی سه بانـد فعـال فروسـرخ در نـواحی زیـر دارند:

ر ۵۶۰ تا ۳۹۰ م.) v_2 (۴۵۰ cm^{-1} تا ۳۹۰ v_2 (۴۸۵ cm^{-1} و v_1 (۵۶۰ تا v_1

فاز منظم فریت لیتیوم علاوه بر سه باند فعال بالا دو باند دیگر V4 و V5 پیرامون ۶۵۰ تا ۲۰۰ cm⁻¹ دارد. همانگونه که در شکل ۲ دیده می شود باندهای فاز منظم فریت لیتیوم در نمونه پخت شده در C⁰ ۱۰۰۰ به خوبی دیده می شود که نشان از تشکیل فاز -مLiFe₅O₈ است.



شکل ۳ چرخه ی پسماند نمونه را نشان می دهد. همان گونه که دیده می شود مغناطش اشباعی نمونه ه ۶۳ emu/g است که با مقدارهای گزارش های ۶۵ emu/g ۹۵ [۹] و ۶۷ emu/۶ [۳] مقایسه شدنی است و نشان از فری مغناظیس بودن نمونه دارد. همچنین نیروی وادارندگی آن پیرامون ۱۰ Oe است که نشان دهنده این است که این فری مغناطیس یک فریت مغناطیسی نرم است.



شکل ۴ منحنی مغناطش – دمای نمونه را نشان میدهد. همان گونـه که دیده میشود دمای کوری نمونه C°C ± ۶۲۰ است که با مقـدار گزارش داده شده برای فاز مـنظم فریـت لیتیـوم کپـهای (C° ۲۷



[۳]) همخوانی خوبی دارد. همانگونه که انتظار داریم فریتها زیر دمای کوری فریمغناطیس هستند بنابراین نمونه تهیه شده زیـر



شكل۴: منحنى تغييرات مغناطش برحسب دما

4. N. Todorov, V. M. Iliev, V. Ivanov, Marinova, M. Abrashev, R. Petrova, Y.-Q. Wang, and A. Litvinchuk, "Lattice dynamics of the α and β phases of LiFe 5 O 8," Physical Review B **83**, 174111 (2011).

5. E. Wolska, P. Piszora, W. Nowicki, and J. Darul, "Vibrational spectra of lithium ferrites: infrared spectroscopic studies of Mn-substituted LiFe5O8," International Journal of Inorganic Materials **3**, 503-507 (2001).

6. S. Soreto, M. Graça, M. Valente, and L. Costa, "Lithium Ferrite: Synthesis, Structural Characterization and Electromagnetic Properties," in *Magnetic Spinels-Synthesis, Properties and Applications*(InTech, 2017).

7. S. Mazen, and N. Abu-Elsaad, "Structural, magnetic and electrical properties of the lithium ferrite obtained by ball milling and heat treatment," Applied Nanoscience **5**, 105-114 (2015).

 C. Suryanarayana, *Mechanical Alloying* and *Milling* (Marcel Decker, New York, 2004).
 J. Smit, *Magnetic Properties of Materials* (McGraw Hill, New York, 1971).

نتيجه گيري

این پژوهش نشان میدهد که میتوان فاز منظم فریت لیتیوم (αLiFe5O₈) را با آسیابکاری پرانرژی و به کارگیری پودر آهن به دست آورد. بدینمنظور پودرهای آسیاب شده در دمای C[°] ۱۰۰۰ برشته شد که از دمای برشتن همین ترکیب با روش متداول سرامیکی (C[°] ۱۲۰۰) پایینتر است. پارامترهای مغناطیسی نمونه-ی تهیه شده هم خوانی خوبی با مقادیر گزارش شده در پژوهش-های پیشین دارد.

مرجعها

1. G. M. Argentina, and P. Baba, "Microwave lithium ferrites: An overview," IEEE Transactions on Microwave Theory and Techniques **22**, 652-658 (1974).

 J. D. Adam, L. E. Davis, G. F. Dionne, E.
 F. Schloemann, and S. N. Stitzer, "Ferrite devices and materials," IEEE Transactions on Microwave Theory

and Techniques **50**, 721-737 (2002).

3. G. White, and C. Patton, "Magnetic properties of lithium ferrite microwave materials," Journal of Magnetism and Magnetic Materials **9**, 299-317 (1978).

بررسی رسانندگی نانوکامپوزیت مغناطیسی گرافن کبالت تولید شده به روش رسوبدهی الکتروشیمیایی آقائی دوست رودبنه ، سیده فاطمه ^۱؛ انصاری، نرگس^۱*

چکیدہ

در سالهای اخیر نانوکامپوزیتهای مغناطیسی گرافن به علت خواص ویژه نظیر قابلیت کنترل با میدان مغناطیسی ، جداسازی آسان و رسانندگی بالا بسیار مورد توجه پژوهشگران قرارگرفته است. در این مقاله به بررسی رسانندگی نانوکامپوزیت مغناطیسی گرافن-کبالت تولید شده با کاتدهای پلاتین و نیکل به روش تک مرحله ای رسوبدهی الکتروشیمیایی پرداخته شده است. آنالیز فازی این نانوکامپوزیت توسط پراش پرتو ایکس (XRD) و پراش انرژی پرتو ایکس (EDX)، نوع پیوندها و گروه ها عاملی نمونه با کمک طیف سنجی مادون قرمز (FTIR)، مورفولوژی سطح نانوکامپوزیت به وسیله تصاویر میکروسکوپ الکترونی عبوری (SEM)، نوع پیوندها و معناطیسی نمونه با کمک طیف سنجی مادون قرمز (FTIR)، مورفولوژی سطح نانوکامپوزیت به وسیله تصاویر میکروسکوپ الکترونی عبوری (SEM)، خواص مغناطیسی نمونه از طریق منحنی پسماند مغناطیسی (VSM) و رسانندگی نانوکامپوزیت با استفاده نمودار V-۱ بررسی شد. نانو کامپوزیت مغناطیسی تولید شده متشکل از پوسته های گرافن کم لایه و کریستال های کبالت که دارای رسانندگی بالا با مغناطش grave از و grave ایجاد گردید که قابلیت کاربرد در دارورسانی هدفمند، پاک کنندگی آب، حسگرهای مغناطیسی و ... را دارد.

Study of magnetic graphene cobalt nanocomposite's conductivity synthesized via electrochemical deposition method

Aghaie doost roodbaneh, seyedeh fatemeh¹; ansari, narges^{1*}

¹ Department of Physics, University of alzahra, Tehran.

Abstract

Recently, magnetic graphene nanocomposites have been of Significantly interest to researchers due to their special properties such as magnetic field control, easy separation and high conductivity. In this paper, the conductivity of magnetic graphene/cobalt nanocomposite produced with platinum and nickel cathodes using a one-step electrochemical deposition method is studied. The phase analysis of this nanocomposite has estimated by X-ray diffraction (XRD) and energy-dispersive X-ray (EDX) spectroscopy, the type of bonds and groups of the sample, using Fourier transform infrared spectroscopy (FTIR), surface morphology of the nanocomposite by means of scanning electron microscopy (SEM), the magnetic properties of the sample, through the vibration sample magnetometer (VSM) and the conductivity of the nanocomposite using Chart I-V are characterized. The produced magnetic nanocomposite consists of few-layer graphene flakes and cobalt crystals which have high conductivity with 124 emu/g and 119 emu/g magnetism. It can be used in targeted medicine deliveries, water purifiers, magnetic sensors, and so on.

Keywords: magnetic nanocomposite, graphene, cobalt, conductivity, electrochemical deposition. PACS No. 70,75,81.

آهن، نیکل وکبالت به علت مغناطش بالا عناصر رایجی برای تولید کامپوزیتهای مغناطیسی میباشند. در بین این عناصر کبالت با توجه به خواص الکتریکی و مغناطیسی، رسانندگی بالا و واکنش پذیری کمتر نسبت به آهن و مغناطش بالاتر نسبت به نیکل از اهمیت بالایی برخوردار است[0]. از سوی دیگر صفحات گرافن با سطح مقطع زیاد نیز رسانای خوب جریان الکتریکی هستند. در نتیجه انتخاب گرافن به عنوان فاز زمینه در نانوکامپوزیت مغناطیسی کبالت سبب تولید ماده ای با رسانندگی بسیار زیاد می گردد بنابراین کامپوزیت این دو ماده نیز رسانا خواهد بود.

برای تولید نانوکامپوزیت مغناطیسی بر پایه گرافن روش های متعددی مانند سنتز شیمیایی، رسوب بخار شیمیایی (CVD) و رسوب دهی الکتروشیمیایی وجود دارد. سنتز نانوکامپوزیت مغناطیسی گرافن به روش رسوبدهی الکتروشیمیایی به علت سادگی، تک مرحلهای و مقرون به صرفه بودن از اهمیت بالایی برخوردار است. این روش با قابلیت تغییر پارامترهای کلیدی مانند pH محیط، مولاریتهی محلول، جنس کاتد و چگالی جریان یا افزودن سورفکتانت جهت کنترل مورفولوژی، رسانندگی و مغناطش مواد سنتز شده، بسیار مناسب می باشد.

در این روش با قرار دادن گرافیت به عنوان آند به علت تشکیل اکسیداسیون بالا برای انجام واکنشهای زنجیرهای گرافن در یک مرحله از آند گرافیتی لایه برداری شده و با نانوذرات مغناطیسی کامپوزیت می شود.

جنس و پتانسیل الکتروشیمیایی کاتدها، روی واکنش های درون الکترولیت و تشکیل فازهای پایدار مختلف از ماده بسیار تاثیر گذار است. موادی که ظرفیت بالا و هزینه ی کمی داشته باشند و سمی یا رادیواکتیویته نباشند، ماده ی مناسبی برای انتخاب کاتد هستند. الام و همکارانش اثر جنس کاتد در ابعاد نانومواد و میزان ناخالصی وارد شده به ماده در روش الکتروشیمیایی را بررسی کردهاند و با نسته بندی کاتدها به سه دستهی عناصر گروه پلاتین، عناصر انتقالی گروه غیر پلاتین و عناصر غیر انتقالی دریافتند که مواد تولیدی با گروه پلاتین مورفولوژی، ساختار وابعاد بهتری داشته و میزان ناخالصی وارد شده به ماده درهنگام استفاده از این مواد به عنوان کاتد کمتر بوده است[7].

در این مقاله با استفاده از روش رسوبدهی الکتروشیمیایی با استفاده از کاتدهای پلاتین و نیکل (عناصر گروه پلاتین) به تولید نانو کامپوزیت مغناطیسی گرافن–کبالت پرداخته شده است و رسانندگی این نمونه ها بعد از مشخصه یابی بررسی شدند.

سنتز نمونه و مکانیزم تشکیل نانوکامپوزیت

سنتز نمونهها به روش رسوب دهی الکتروشیمیایی در سلول دو الکترودی با اعمال ولتاژ مستقیم ثابت ۱۰ ولت به مدت ۹۰ دقیقه انجام شده است که در آن از گرافیت فشرده به عنوان آند و از دو ماده پلاتین و نیکل به صورت جداگانه به عنوان کاتد استفاده شده است. الکترولیت در این چیدمان، محلول ۰/۱ مولار سولفات کبالت ۷ آبه (CoSO4.7H2O شرکت مرک) صورتی رنگ با pH اولیه ۵ میباشد. در انتهای آزمایش مادهی مغناطیسی تولید شده با استفاده از آهنربا جدا شده و پس از شستشو خشک می شود. با اعمال ولتاژ به الکترودها، مولکول های آب درون محلول به

با اعمال ولنار به الكترودها، مولكول های آب درول محلول به تدریج به ^+H و ^-OH تجزیه می شوند. برخورد یونهای ^-OH با لبهها و مرزهای گرافیت، باعث اکسایش در لبهها و منبسط شدن ورقههای گرافیت از هم می شود. از سوی دیگر یونهای سولفات با بار منفی به راحتی بین صفحات گرافیت باز شده وارد می شوند. بعد از ورود این یونها بین صفحات گرافیتی فرآیند کاهش اتفاق می افتد و یون سولفات بر اساس واکنش

(1) (1) $SO_4^{2-} -SO_2 + O_2 + 2 e$ (1) به گازهای SO_2 و SO_2 تبدیل شده و باعث جداشدن ورقههای گرافیت می شود. در این مرحله صفحات گرافن لایه برداری شده از آند گرافیتی به صورت گرافن کم لایه وارد محلول می شود. الکترونهای آزاد شده از فرآیند کاهش سولفات روی صفحات گرافن نشسته و یونهای کبالت دو مثبت را به دام می اندازد و نانوکامپوزیت مغناطیسی گرافن متورق شده-کبالت (EG-CO) را تشکیل می دهند.

نمونه ها با نام کاتدی که در ستاپ از آن استفاده شده است نامگذاری می شوند نمونه تولیدی با استفاده از کاتد پلاتین، -EG Co/Pt و نمونه تولیدی با استفاده از کاتد نیکل EG-Co/Ni گفته می شود.

مشخصه يابى

برای مشخصه یابی نانو کامپوزیت مغناطیسی EG-Co ساختار بلوری و آنالیز فازی توسط پراش پرتو ایکس (XRD)، نوع پیوندها و گروههای عاملی با کمک طیف سنجی مادون قرمز (FTIR)، مورفولوژی سطح، اندازه ذرات، نحوه ی ترکیب مواد و توزیع فازها بهوسیله تصاویر میکروسکوپ الکترونی عبوری (SEM)، خواص مغناطیسی از طریق منحنی پسماند مغناطیسی (VSM) و رسانندگی نمونه با استفاده از نمودار I-V بررسی شده است.

جهت آنالیز فازی، الگوی پراش پرتو ایکس با فیلمان مس A°XRD از نمونه گرفته شده است. تصویر XRD از نمونه گرفته شده است. تصویر μ کام اشعه بالا برای مشاهدهی ذرات کریستالی کبالت با بلورینگی بالا در شکل ۱ و بار دیگر با گام اشعه پایین برای مشاهدهی تپهی گرافن با بلورینگی کم داخل شکل ۱ گرفته شده است.



شکل ۱ طیف XRD نانوکامپوزیت EG-Co

الگوی پراش شامل پیکهای ٤١، ٤٤ و ٤٧ درجه مربوط به کبالت خالص (Co) و پیکهای ۳۰، ۳۷، ٤٤ و ٥٥ درجه مربوط به درصد کمی از Co₃O4 میباشد و دو پیک پهن در ۲۵ و ٤٤ درجه مربوط به صفحات گرافن میباشد. نتایج حاصل از XRD در بررسی فازهای تشکیل دهنده و اندازهی نانو بلورکها تشکیل نانوکامپوزیت گرافن_کبالت با درصد کمی اکسید کبالت با اندازهی نانوبلورک در حدود ۱۹ تا ۲۳ نانومتر را تایید میکند.

تصاویر SEM/EDX نمونهها از نقاط مختلف نانوکامپوزیتهای تشکیل شده شامل فاز ماتریکس و تقویت کننده، در بزرگنمایی ۱۰، ۵، ۱ و ۵/۰میکرومتر گرفته شده است و از داخل کادرهای زرد

رنگ EDX گرفته شده است که نمودار و درصد اتمهای آن در هر شکل نشان داده شده است. تصاویر SEM نمونههای تولید شده با کاتد پلاتین در شکل ۲ (الف – ج) و کاتد نیکل در شکل ۲ (د-و) آورده شده است. تصاویر SEM و EDX گرفته شده از نمونههای سنتز شده نشان می دهد که گرافن پوسته شده به صورت فاز زمینه و نانو ذرات کروی کبالت به عنوان تقویت کننده مغناطیسی رشد کردهاند و نانوکامپوزیت گرافن کبالت تشکیل شده است.



شكل ۲ تصوير SEM/EDX نانوكامپزيت EG-Co/Pt (الف-ج) و نانوكامپوزيت EG-Co/Ni (د-و)

برای تشخیص پیوندهای آلی موجود در نانوکامپوزیت تولید شده از طیف سنجی مادون قرمز (FTIR) استفاده شد که نمودار آن در شکل ۳ نشان داده شده است. پیک ¹⁻۱۷٤۱ مربوط به گروه کربوکسیل C=O و پیک ¹⁻۲۵۱ مربوط به ارتعاشات کششی پیوند C=C در کربن ^۲SP است. پیک ¹⁻۱۵۵ مربوط به پیوند کووالانسی C-C است که به دلیل شکستگی در لبههای ورقه گرافیتی به وجود آمده است. زوج پیک کوچک ¹⁻۲۹۳ مراف کرفیتی به موجود آمده است. زوج پیک کوچک ¹⁻۲۹۳ مراف کرفیتی به علت کشش متقارن و نامتقارن CH² است. پیکهای در محدوده ¹⁻ ۲۰۰۲۳ به علت ارتعاش کششی H-O از لایه هیدروکسید فلزی متصل به هیدروژن و مولکولهای آب بین لایهای ناشی از خمش مولکولی آب جذب شده در نانو ذرات کبالت است. پیک در ¹⁻۲۰۰ متناظر با ارتعاشهای کششی

بواسطه واکـنش بین اکسیژن و کاتیونهای موجود در مکانهای اکتاهدرال است که وجود درصد کمی اکسید کبالت را در کامپوزیت تایید میکند. پیکهای FTIR گرفته شده از نانوذرات نشان دهندهی تشکیل ساختار کامپوزیت EG-Co است.





شکل ٤ منحنی پسماند مغناطیسی نانوکامپوزیت با کاتدهای پلاتین و نیکل

Gr با توجه به نمودار پسماند مغناطیسی، نانوکامپوزیتهای -Gr ک فرومغناطیسی بوده و برای کاتدهای پلاتین و نیکل به ترتیب مغناطش اشباع N۲٤ emu/g و ۱۱۹ ه بسماند مغناطیسی ۲/۸ emu/g و ۲/۸ emu/۶ میدان وادارندگی ۲۸ و ۱۱۷ اورستد، نسبت مربعیت ۵۰/۰ و ۲۰۰۷ اندازه گیری شده است. مغناطش اشباع نانوکامپوزیت گرافن کبالت به علت وجود صفحات غیر مغناطیسی گرافن از مغناطش اشباع کبالت حجمی (۱۹۲۸) کمتر میباشد با این وجود این مقادیر بسیار بیشتر از اعداد گزارش

شده در مقالات دیگر است[٤]. رسانندگی نانوکامپوزیت با رسم منحنی ولتاژ-جریان آن مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور ابتدا از پودر نانوکامپوزیت با اعمال فشار قرص تهیه کرده و سپس رسانندگی از طریق چیدمان دو نقطه ای به کمک دستگاه (Keithley) اندازه گیری شد که نمودار جریان بر حسب ولتاژ نمونه در شکل ٥ رسم شده است. همان طور که مشاهده می شود این نمودار خطی است که نشان دهندهی رسانندگی نمونهها می باشد.



نتيجه گيرى

ما در این مقاله با روش ساده و تک مرحلهای رسوبدهی الکتروشیمیایی با استفاده از دو کاتد متفاوت پلاتین و نیکل نانوکامپوزیت EG-Co را تولید کردیم. مغناطش نانو کامپوزیتهای تولیدی IN4 emu/g و ۱۲٤ emu/g بوده و رسانندگی خوبی از خود نشان دادهاند.

مرجعها

[1] C. Liu, F. Su, J. Liang, "Producing cobalt-graphene composite coating by pulse electrodeposition with excellent wear and corrosion resistance", *Appl. Surf. Sci.* **351** (2015) 889–896.

[2] Z. Yang, C. Lei, X. Sun, Y. Zhou, Y. Liu, "Enhanced GMI effect in tortuous-shaped Co-based amorphous ribbons coated with graphene", *J. Mater. Sci. Mater. Electron.* **27** (2016) 3493–3498.

[3] N. Danesh, M. Hosseini, M. Ghorbani, A. Marjani, "Fabrication, characterization and physical properties of a novel magnetite graphene oxide/Lauric acid nanoparticles modified by ethylenediaminetetraacetic acid and its applications as an adsorbent for the removal of Pb (II) ions", *Synth. Met.* **220** (2016) 508–523.

[4] K.-Y.A. Lin, F.-K. Hsu, W.-D. Lee, V.A. Online, "Magnetic cobaltgraphene nanocomposite derived from self-assembly of MOFs with graphene oxide as an activator for peroxymonosulfate", *J. Mater. Chem. A.* **3** (2015) 9480–9490.

[5] A.J. Ahamed, P.V. Kumar, G. Srikesh, "Low temperature synthesis and characterization of rGO-CoO nanocomposite with efficient electrochemical properties", *J. Environ. Nanotechnol.* **4** (2015) 1–8.

[6] N.K. Allam, C.A. Grimes, "Effect of cathode material on the morphology and photoelectrochemical properties of vertically oriented TiO2 nanotube arrays", *Sol. Energy Mater. Sol. Cells.* **92** (2008) 1468–1475.

اثر فشار شیمیایی بر چگالی بار الکترونی و ویژگی های پیوندی در آرسنایدهای آهن ۱۲۲

آقاجانی، مهدیه ^۱ ؛ هادی پور، حنیف^۲ ؛ اخوان، محمد^{۳۰۱} ^۱ آزمایشگاه تحقیقاتی مغناطیس، دانشکاه فیزیک، دانشگاه صنعتی شریف، خیابان آزادی، تهران ۲ گروه فیزیک، دانشگاه گیلان، رشت، گیلان ۳ قطب علمی ماده چگال و سیستمهای پیچیده، دانشگاه صنعتی شریف، خیابان آزادی، تهران

چکیدہ

محاسبات ابتدا به ساکن در چهارچوب نظریه تابعی چگالی برای بررسی ویژگیهای پیوندی، توزیع چگالی بار الکترونی و چگالی حالتهای جزئی در سه ترکیب آرسناید آهن ۲۱۲، AeFe₂As2 (Ae⁻Ba, Sr, Ca) انجام شدهاند. طول پیوندهای مختلف و گشتاور مغناطیسی اتمهای آهن در اثر فشار شیمیایی انقباضی کاهش می یابند. اور بیتالهای 2₄ ه و d_x نسبت به سه اور بیتال دیگر Fe-3d از نظر مغناطیسی فعال تر هستند و در فاز پادفرومغناطیسی دارای چگالی بار بیشتری هستند. فشار شیمایی انقباضی منجر به افزایش ضخامت لایههای Fe-As و در نتیجه کاهش (افزایش) قادرت برهمکنش های درونلایهای (بین لایهای) می شود. همچنین توزیع بار حول اتمهای Fe مکه کاهش و حول As افزایش می یابد که اثری مشابه با اثر آلایش حفره در آرسنایدهای آهن است.

Chemical Pressure Effects on Electron Charge Density and Bonding Properties in 122 Iron Arsenides

Aghajani, Mahdieh¹; Hadipour, Hanif²; Akhavan, Mohammad^{1,3}

¹ Department of Physics, Sharif University of Tehran, Tehran ² Department of Physics, University of Guilan, Rasht, Iran ³ Center of Excellence in Complex Systems and Condensed Matter, Sharif University of Technology, Tehran, Iran

Abstract

First principle calculations in the framework of density functional theory have been done to investigate the bonding properties, the electron charge density distribution and the partial density of states in three 122 iron arsenides, $AeFe_2As_2$ (Ae=Ba, Sr, Ca). Different bond lengths and the magnetic moment of Fe atoms decrease by compressive chemical pressure The d_{z^2} and d_{xy} orbitals are magnetically more active than three other Fe-3d orbitals and have more charge density in the antiferromagnetic phase. The compressive chemical pressure results in the increase of Fe-As layer thickness and thus the strength of intera-(inter-)layer interactions decreases (increases). Also, charge distribution decreases around Fe and Ae atoms, and it increases around the As atoms. These effects are same as the hole doping effects in the iron arsenides.

PACS No. 70, 71, 74.

شبکه راست گوشه (گروه تقارنی Fmmm) هستند. CCP باعث می شود تا گذار فازهای ساختاری، مغناطیسی و ابررسانایی ناشی از فشار در فشارهای کمتری رخ دهد [۲]. نویسندگان در تحقیق قبلی [۳]، به بررسی ویژگیهای فیزیکی این ترکیبات در اثر فشارهای شیمیایی و به ویژه فشار مکانیکی پرداختهاند و نیاز به بررسی دقیق تر برخی از ویژگیهای فاز فشار صفر فاز پادفرومغناطیسی، احساس شد. اثر CCP بر چگالی حالتهای (DOS) جزئی مربوط به هر یک از پنج اوربیتال Fe-34 و نیز هر یک از سه اوربیتال -As

مقدمه

با کشف بروز ابررسانایی در ترکیب BaFe₂As₂ در اثر آلایش یا اعمال فشار [۱]، علاقه دانشمندان به مطالعه و توجیه ویژگیهای فیزیکی این ترکیب افزایش یافته است. با جانشینی عنصر Ba با عناصر همظرفیت با شعاع اتمی کوچکتر، از قبیل Sr و CCP، فشار شیمیایی انقباضی (CCP: Compressive Chemical Pressure) در ترکیب BaFe₂As₂ ایجاد میشود. آرسنایدهای آهن ۱۲۲، در دماهای پایین و فشار محیط، فلزات پادفرومغناطیسی با ساختار

Ap. چگالی بار الکترونی (ECD: Electron Charge Density) در صفحات مختلف و ارتباط آن با ویژگیهای پیوندی فاز پادفرومغناطیسی BaFe₂As₂ در مقاله حاضر بررسی شدهاند.

روش محاسبات

محاسبات نسبیتی اسکالر با روش شبه پتانسیل بر پایه نظریه تابعی چگالی و تقریب گرادیان تعمیم یافته انجام شده اند [۳]. برای در نظر گرفتن نظم پادفرومغناطیسی نواری [٤]، محاسبات بهصورت اسپین قطبیده هم خط در یک ابرسلول (شکل ۱) انجام شده اند. ویژگی های پیوندی از محاسبات واهلش ساختاری برای ساختار شبکه راست گوشه با پارامترهای شبکه آزمایشگاهی [٥-٧] بدست آمده اند. شعاع اتم های Ae (Ba, Sr, Ca) و پارامترهای شبکه ترکیبات AeFe₂As در جدول ۱ نوشته شده اند. ویژگی ECD روی صفحات مختلف درون ابرسلول در شکل ۱، از توابع موج بدست آمده از محاسبات میدان خودسازگار بدست آمده اند. به منظور دقت بیشتر در محاسبه بار الکترون های ظرفیت، از شبه پتانسیل هایی با تصحیحات مغزه غیر خطی استفاده شده است.

نتايج و بحث

برای هر ترکیب، محاسبات به دو صورت غیرمغناطیسی (NM) و پادفرومغناطیسی (AFM) انجام شدهاند. ابرسلول در فاز AFM به مقدار meV 0 ± 0 پایدارتر از فاز NM بدست آمد. نمودارهای DOS برای اوربیتالهای Fe-3*d* و As-*4p* در شکل ۲ نشان داده شدهاند. اختلاف ZOD مرتبط با اسپینهای بالا و پایین نشاندهنده گشتاور مغناطیسی غیرصفر برای اتم آهن است. اوربیتال 2_x^2 در راستای اسپین اتمهای Fe است و بیشترین مقدار گشتاور مغناطیسی را دارد. پس از آن، اوربیتال v_xb که بین دو نوع مغناطیسی را دارد. پس از آن، اوربیتال راد دارای بیشترین مغناطیسی ایدفرو و فرومغناطیسی قرار دارد دارای بیشترین ترین گشتاور مغناطیسی است. در نتیجه، این دو اوربیتال از نظر مغناطیسی نسبت به بقیه فعالتر هستند. اوربیتال $2_{v-2}b$ دارای مغناطیسی است. گشتاور مغناطیسی اتمهای Fe مغناطیسی اتمهای Pac-122 و Call می دارای CCP اید ترکیبات ۲.۲۹ پدست آمده است که با اعمال کاهش مییابد. سهم اسپینهای بالا و پایین اوربیتالهای Jac

یکسان بوده و مجموع آنها در شکل ۲ نشان داده است. این عنصر غیرمغناطیسی است و انتقال حالتهای الکترونی در آن به نواحی عمیقتر و پر انرژیتر با اعمال CCP بیشتر از اوربیتالهای Fe-3*d* است. این انتقال نشان دهنده کاهش انرژی ابرتبادلی است.



شکل ۱: الف تا ۵) محل صفحههای مختلف در محاسبه چگالی بار در ابرسلول. هر صفحه با نماد عنصر(های) موجود در آن و شاخص میلر صفحه همراستا با آن نامیده شده است. و) جهت اسپینهای Fe در دو صفحه Fe موجود در ابرسلول. نکته مهم: محور مختصات چرخانده شده برای لحاظ کردن اسپینهای درونصفحهای در محاسبات اسپینقطبیده همخط نیز نشان داده شده است.



شکل ۲: نمودارهای DOS جزئی مرتبط با پنج اوربیتال Fe-3*d و سه اوربیتال* As-4p روی یک اتم در ترکیبات ۱۲۲. نمودارهای مربوط به اوربیتالهای درونصفحهای _{zx} *b* و _{zy} یکسان هستند.

نتایج ویژگیهای پیوندی در ترکیبات ۱۲۲، از قبیل طول (b) پیوندهای Fe-As (درونلایهای)، As-As (بینلایهای) و Ae-As و همچنین ضخامت لایه Fe-As در واحد c (LT_{Fe-As}) در جدول ۱ بیان شدهاند. طول تمام پیوندها با اعمال CCP کاهش مییابد. امّا این امر به تنهایی معنای افزایش نسبی قدرت این پیوندها نیست. افزایش حدول در افزایش نسبی قدرت این پیوندها نیست. افزایش در TFe-As با CCP نشاندهنده کاهش (افزایش) قدرت برهمکنشهای درونلایهای (بینلایهای) است. بیشترین کاهش در برهمکنش های درونلایهای (بینلایهای) است. بیشترین کاهش در افزایش در مدهده است. این امر نتیجه افزایش در امری در معادل بحرانی معامل گذار فاز ساختاری است، در مقدار بحرانی مقدار بحرانی، تایید آ.م. نزدیکی محمده مده است، این مقدار بحرانی، تایید کننده گذار فاز ساختاری در فشارهای مکانیکی کمتر برای این ترکیب است [Error! Bookmark not defined.]

جدول ۱ : شعاع اتمی عناصر *Ae* (r_{Ae}) به همراه پارامترهای شبکه آزمایشگاهی و ویژگیهای پیوندی در ترکیبات ۱۲۲.

| CaFe ₂ As ₂ | SrFe ₂ As ₂ | BaFe ₂ As ₂ | كميّت |
|-----------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|---|
| ۱.۸۰ [٩] | ۲.۰۰ [٩] | ۲.۱٥ [٩] | $\mathbf{r}_{Ae}\left(\mathbf{\mathring{A}}\right)$ |
| 0.0717 [0] | 0.0747 [7] | 0.7127 [V] | a (Å) |
| 0.2017[0] | 0.01/1 [7] | ٥.٥٧٤٣ [٧] | b (Å) |
| 11.7481 [0] | 17.7970 [7] | 17.920T [V] | <i>c</i> (Å) |
| 7.5779 | 7.7787 | 7.3929 | d _{Fe-As} (Å) |
| ۳.117. | T.ETVV | r.vvt 1 | d _{As-As} (Å) |
| r.1011 | ٣.٢٦٣٣ | ٣.٣٧٣٦ | d _{Ae-As} (Å) |
| • . ٢٣٣٣ | ۰.۲۲۰٤ | | LT_{Fe-As}/c |

به منظور بررسی انتقال بار الکترونی در اثر CCP، چگالی بار کل بدست آمده روی چهار صفحه مختلف در شکل ۳ نشان داده شده است. تمامی شکلها در بازه معینی، بین ۲۰۰۰۰ تا e/a_B^3 شده است. تمامی شکلها در بازه معینی، بین ۲۰۰۰۰ تا هماند. همانطور که در شکل ۳-الف(۳) دیده میشود، توزیع بار کوچکی از اتمهای As در میانه ضلعهای صفحه DB-010 وجود دارد. این توزیع بار در ترکیب Ca-010 (شکل ۳-الف(۱)) بسیار افزایش یافته است. همچنین در اثر CCP، شعاع ناحیههای با چگالی بار زیاد حول Ae کاهش می یابد که با کاهش شعاع اتمی Ac متناظر است. در تمامی این صفحات، بیشترین چگالی بار در صفحه -Fe ست. هم زیاد که با کاهش شعاع اتمی Ac متناظر است. در تمامی این صفحات، بیشترین چگالی بار در صفحه -IC



شکل ۳: توزیع چگالی بار کل روی صفحات مختلف در ترکیبات ۱۲۲. پیکانها جهت افزایش مقدار چگالی بار را نشان میدهند.

Fe-Fe از نوع فلزی است و به صورت زمینه ای یکنواخت از بار در صفحه Fe-010 دیده می شود. در اثر CCP عمده بارهای حول از مرکز اتم دورتر شده و در این صفحه پخش می شوند. تغییر در مکان ایزو خط ها در صفحه O10-AS (شکل ۳-ج) با اعمال CCP نشان می دهد که بارها در این صفحه، به ویژه در راستای پیوند -AS موری قطر، افزایش یافته اند. توزیع بار روی صفحه ای شامل دو نوع اتم AB و AS را می توان در شکل ۳-د مشاهده کرد. در اثر نوع اتم AD و AS را می توان در شکل ۳-د مشاهده کرد. در اثر بنوع اتم AS روی مفحه ای مامل دو نوع اتم AS روی مورد موان در شکل ۳-د مشاهده کرد. در اثر بوع اتم AS رو می می در ایر ۲۰۵۵ موجود در دو لایه مجاور Fe-AS به نود. Fe-AS می شود تا پیوند کوالانسی AS-AS تشکیل شود. به طور کلی نتیجه می شود که در اثر CCP، توزیع بار حول Fe و به طور کلی نتیجه می شود که در اثر CCP منجر به انتقال بار از مفحه AS می مود ایش می یابد. توزیع مجدد CCP تحک منجر به انتقال بار از مفحه AS می AC می می نود.

نتیجه مشابهی در اثر آلایش حفره در ترکیبات CaFeAsF. نتیجه مشابهی در اثر آلایش حفره در ترکیبات CaFeAsF. SrFeAsF [۱۰] و K_xSr_{1-x}Fe₂As₂ [۱۱] گزارش شده است. همچنین گستردگی بستههای حفره گونه در سطح فرمی در اثر CCP گزارش شده است [۳].



شکل ٤: توزیع Δρ روی صفحات مختلف در ابرسلول ترکیبات ۱۲۲. پیکانها جهت افزایش مقدار چگالی بار را نشان میدهند.

به منظور بررسی اثر m_{Fe} بر روی چگالی بار، اختلاف ECD بین فازهای AFM و $m_{Fe} \wedge M$ و $\Delta \rho = \rho_{AFM} - \rho_{NM}$ برای ترکیبات ۱۲۲ محاسبه شده است (شکل ٤). مقدار $\Delta \rho$ در صفحات شامل اتمهای غیرمغناطیسی AS و AS غیر صفر است. بنابراین در نظر گرفتن نظم مغناطیسی به توزیع مجددی حول تمامی اتمها منجر می شود. همچنین، وجود نظمهای AFM و FM در راستای صفحات ۰۰۱ و

۱۰۰ به تفاوت توزیع چگالی بار در این دو راستا شده است. توزیع Δρ در صفحههای Fe-001 و Fe-100 به ترتیب مشابه مقطعی از اوربیتالهای d_{xv} و d_z2 است که در شکل ۲ بهعنوان اوربیتالهایی با بیشترین گشتاور مغناطیسی شناخته شدهاند.

نتيجه گيرى

محاسبات ابتدا به ساکن برای توصیف ویژگیهای پیوندی و چگالی حالتها و چگالی بار الکترونی در فاز AFM ترکیبات ۱۲۲ انجام شدهاند. ابرسلول فاز AFM به مقدار mev 0 ± 0 پایدارتر از فاز NM است و مقدار m_{Fe} در ترکیبات ۱۲۲ با اعمال ۹۵۲، از فاز NM است و مقدار m_{Fe} در ترکیبات ۲۲۲ با اعمال ۲۵۲، از حالتهای الکترونی p_{Fe} از تراز فرمی و نشانه کاهش انرژی ابرتبادلی است. اوربیتالهای $z_z b$ و $v_x b$ نسبت به سه اوربیتال دیگر ابرتبادلی است. اوربیتالهای $d_z c$ و $v_x b$ نسبت به سه اوربیتال دیگر ابرتبادلی است. اوربیتالهای $d_z c$ و $v_x b$ نسبت به سه اوربیتال دیگر ابرتبادلی است. اوربیتالهای $d_z c$ و $v_x b$ نسبت به سه اوربیتال دیگر مغناطیسی فعال تر هستند. توزیع $q \Delta$ نیز پُر بودن و نقش این اوربیتالها در فاز AFM را نشان می دهد. افزایش درون لایهای اوربیتالها در فاز MFA را نشان می دهد. افزایش درون لایهای اوربیتالها در فاز MFA را نشان می دهد. افزایش درون لایهای اوربیتالها در فاز MFA را نشان می دهد. افزایش درون یهای درون این میان دهنده کاهش (افزایش) قدرت برهمکنشهای درون یها و این لایهای است. در اثر CCP توزیع بار حول Fe و A کاهش و ایین لایهای است. در اثر MEC توزیع بار حول SA و A کاهش و می دهد. این امر پیامد افزایش حاملهای حفره در این ترکیبات می دهد. این امر پیامد افزایش حاملهای حفره در این ترکیبات

مرجعها

- S. Uchida, "High Temperature Superconductivity"; Springer, Japan, Tokyo, 2015.
- [2] A.S. Sefat, Rep. Prog. Phys. 74, No. 12 (2011) 124502.
- [3] M. Aghajani, H. Hadipour and M. Akhavan, Computational Materials Science, 160 (2019) 233.
- [4] Q. Huang, Y. Qiu, W. Bao, M.A. Green, J.W. Lynn, Y.C. Gasparovic, T. Wu, G. Wu, X.H. Chen, Phys. Rev. Lett. 101 (2008) 257003.
- [5] A. Kreyssig, M.A. Green, Y. Lee, G.D. Samolyuk, P. Zajdel, J.W. Lynn, S.L. Bud'ko, M.S. Torikachvili, N. Ni, S. Nandi, J.B. Leão, S.J. Poulton, D.N. Argyriou, B.N. Harmon, R.J. McQueeney, P.C. Canfield, A.I. Goldman, Phys. Rev. B. 78 (2008) 184517.
- [6] M. Tegel, M. Rotter, V. Weiß, F.M. Schappacher, R. Pöttgen, D. Johrendt, J. Phys.: Condens. Matter. 20 (2008) 452201.
- [7] M. Rotter, M. Tegel, D. Johrendt, I. Schellenberg, W. Hermes, R. Pöttgen, Phys. Rev. B 78 (2008) 020503.
- [8] A. Sanna, G. Profeta, S. Massidda, E.K.U. Gross, Phys. Rev. B. 86 (2012) 014507.
- [9] <u>www.webelements.com</u>.
- [10] D.C. Freitas, G. Garbarino, R. Weht, A. Sow, X. Zhu, F. Han, P. Cheng, J. Ju, H.H. Wen, M. Núñez-Regueiro, J. Phys. Condens. Matter. 26 (2014) 155702.
- [11] M. Gooch, B. Lv, B. Lorenz, A.M. Guloy, C.-W. Chu, Phys. Rev. B. 78 (2008) 180508.

پیش بینی ضریب برهمکنش الکترون– فونون عناصر ابررسانا با استفاده از یادگیری ماشینی

علیزاده، زهرا؛ محمدی زاده، محمدرضا

آزمایشگاه پژوهشی ابررسانایی، دانشکده فیزیک، دانشگاه تهران

چکیدہ

پیا، کردن خواص جدید مواد توسط ابزارهای یادگیری ماشینی یک شاخه جدید و رو به رشد در علم مواد است. در میان مواد مختلف، ابررسانایی با وجود مطالعات و پژوهش های فراوان به خوبی شناخته نشده است در این مقاله، اثر چهارده خاصیت مهم در ابررسانایی را بر روی عناصر جدول تناوبی مورد بررسی قرار داده و این ویژگی ها را با استفاده از الگوریتمهای انتخاب بهترین ویژگی برحسب اهمیتشان اولویت بندی کردهایم. سپس، با استفاده از الگوریتم جنگل تصادفی، یکی از مهمترین عوامل در ابررسانایی با یعنی ضریب برهمکنش الکترون- فونون، مورد بررسی قرار گرفته است. در این مدل دمای دیبای و دمای گذار به ابررسانایی به عنوان ویژگی های توصیف کننده برای پیش بینی هدف یعنی ضریب برهمکنش الکترون- فونون، مورد بررسی قرار گرفته است. در این مدل دمای دیبای و دمای گذار به ابررسانایی به عنوان ویژگی های توصیف کننده برای پیش بینی هدف یعنی ضریب برهمکنش الکترون- فونون برای ۲۸ عنصر جادول تناوبی استفاده است. نتایج پیش بینی شده با دقت ۸۸٪ مطابق با مقادیر تجربی و محاسباتی موجود در کارهای دیرگران است. بابراین ما قادر به ساخت یک مدل برای پیش بینی ضریب برهمکنش الکترون- فونون برای معاد برای پیش بینی ضری

Predicting Electron-Phonon Coupling Constants of Superconducting Elements by Machine Learning

Z. Alizadeh and M.R. Mohammadizadeh

Superconductivity Research Laboratory (SLR), Department of Physics, University of Tehran

Abstract

Finding new properties of materials by machine learning is an active branch in materials research. Among the various materials groups, superconductivity is not well known despite numerous studies. In this work, we have investigated the effect of fourteen important properties in superconductivity on the elements of periodic table by the SELECT BEST ATTRIBUTE algorithm. Then, one of the most important factors in superconductivity, i.e. electron-phonon coupling constant is investigated using Random Forest algorithm. Our predicted electron-phonon coupling constant results are in accordance with the available values by 88% accuracy. So, we are able to build up a model to predict the unavailable electron-phonon coupling constant of elements.

PACS No. 07.05.Mh, 71.38.Cn, 74.70.-b.

مقدمه

یکیده [۵]، دستهبندی پروسکایتها [۲،۷] و کارهای انجام شده در ابررسانایی [۸،۹] و سایر مطالعات [۱۰،۱۱] اشاره کرد. ابررسانایی بیش از یک قرن است که در علوم مختلف فیزیک، شیمی و مواد مطالعه و تحقیق می شود ولی هم چنان یکی از موضوعات ناشناخته است. با گذشت سالها از توسعه نظریهها هنوز نمی توان براساس ویژگیهای در علم مواد مطالعات بر پایه داده کاوی به سرعت در حال رشد است [۱-۳]. با استفاده از اطلاعات موجود و معنی دار و الگوریتم های یادگیری ماشینی می توان خاصیت فیزیکی مورد نیاز را پیش بینی کرد. کارهای مختلفی در این زمینه انجام شده است که می توان به محاسبه تابع کار نیمهرساناها [٤]، محاسبه انرژی سطح فلزات هگزاگونال تنگ

فیزیکی و شیمیایی مشخص کرد که یک ماده ابررسانا هست یا خیر؟ در این مقاله تاثیر ۱٤ خاصیت در ابررسانایی بررسی شده و به ترتیب اهمیت در ابررسانایی مواد دستهبندی شدهاند. سپس یکی از مهمترین ویژگیها، ضریب برهمکنش الکترون- فونون با استفاده از الگوریتم جنگل تصادفی بر حسب ورودیهای دماهای دیبای و گذار به ابررسانایی پیشبینی شده است.

جزئيات محاسبات

ویژگیهای مختلفی می توانند در خانوادههای مشخصی از ابررساناها تأثیرگذار باشند. در این مورد می توان به مطالعهی Hirsch [۱۲] اشاره کرد که سیزده ویژگی مهم در ابررسانایی را بر روی مجموعه دادههای 33 عنصر از جدول تناوبی [۱۳–۱۰] مورد بررسی قرار داده است. دادههای ما شامل نمونهها و ویژگیهای Hirsch است. وی در کار خود تاثیر ویژگیهای مختلف بر ابررسانایی عناصر را با روشهای آماری بررسی کرده تا به پاسخ این سؤال دست یابد که چرا برخی عناصر در دماهای پایین ابررسانا می شوند و برخی خیر.

ما در این کار از روشهای "sequential forward selection" و "wrapper" [۱۹] که در نرمافزار WEKA [۱۹] اعمال شده و "wrapper" [۱۰–۱۸] که در نرمافزار WEKA [۱۹] اعمال شده است، استفاده کرده و از نتایج میانگینگیری کردهایم. در روش Subset Eval زیرمجموعهای از ویژگیها را انتخاب کرده و احتمال پیش بینی نمونهها در کلاس ابررسانایی برحسب این زیرمجموعه از ویژگیها، نمونهها سنجیده می شوند. سپس با اضافه و کم کردن ویژگیها به زیرمجموعه و با دستیابی به بیشترین همبستگی بین ویژگیها و توانایی کلاس بندی، ویژگیها اولویت بندی می شوند. ویژگیها و توانایی کلاس بندی، ویژگیها را با استفاده از یک الگوریتم یادگیری شروع به پردازش می کند و ویژگی که بیشترین قدرت تفکیک نمونهها در کلاس ابررسانایی / غیرابررسانایی را دارد به ترتیب انتخاب می شود.

نتايج و بحث

نتایج نشان میدهد که تمام پارامترها بهجز در دو مورد مدول حجمی و دمای دیبای که در این کار در مرتبه پایین تری نسبت به کار Hirsch قرار گرفته با کار Hirsch یکسان هستند.

| نتايج Hirsch | نتايج ما | اهميت |
|--------------------|--------------------|---------|
| | | ويژگىھا |
| ضریب هال | ضريب هال | ١ |
| تابع کار | تابع کار | ٢ |
| مدول حجمى | دمای ذوب | ٣ |
| دمای ذوب | حجم اتمی | ۴ |
| حجم اتمی | انرژی یونش دوم | ۵ |
| دمای دیبای | جرم يونى | ۶ |
| انرژی یونش دوم | انرژی یونش اول | ٧ |
| جرم يونى | مدول حجمى | ٨ |
| انرژی یونش اول | دمای دیبای | ٩ |
| پذیرفتاری مغناطیسی | پذیرفتاری مغناطیسی | ١٠ |
| رسانندگى الكتريكى | رسانندگى الكتريكى | 11 |
| ظرفیت گرمایی ویژه | ظرفیت گرمایی ویژه | ١٢ |
| رسانندگی گرمایی | رسانندگی گرمایی | ١٣ |

جدول ۱: مقایسه نتایج حاصل از یادگیری ماشینی با نتایج Hirsch

از نتایج حاصل شده در جدول (۱) می توان به این نتیجه مهم پی برد که ضریب هال و تابع کار عناصر نقش مهمی در ابررسانایی آنان دارند.

طبق رابطه زیر برای دمای بحرانی، نظریهی BCS بیان میکند که ضریب برهمکنش الکترون-فونون در ابررسانایی و دمای بحرانی نقش مهمی را ایفا میکند.

$$T_c \approx \theta_D exp(^{-1}/_{N(0)}V) \tag{(1)}$$

که $N_{(0)}$ چگالی الکترونی در سطح فرمی $heta_D$ دمای دیبای و V پتانسیل برهمکنش ا لکترون– الکترون است که شامل پتانسیل جاذبه الکترون–

| ویژگیهای جدول ۱ با در نظر گرفتن ضریب | اهميت |
|--------------------------------------|---------|
| برهمكنش الكترون-فونون | ويژگىھا |
| ضریب هال | ١ |
| ثابت جفت شدگی الکترون- فونون | ٢ |
| تابع کار | ٣ |
| دمای ذوب | ۴ |
| حجم اتمى | ۵ |
| انرژی یونش دوم | ۶ |
| مدول حجمی | ٧ |
| انرژی یونش اول | ٨ |
| دمای دیبای | ٩ |
| رسانندگی الکتریکی | ١٠ |
| پذیرفتاری مغناطیسی | 11 |
| ظرفیت گرمایی ویژه | ١٢ |
| جرم يونى | ۳۱ |
| رسانندگی گرمایی | 14 |
| (\mathbf{U}) | \ · · |

| روي دادهها | مدل بر | عملكرد | ۲: | جدول |
|------------|--------|--------|----|------|
|------------|--------|--------|----|------|

فونون (V_{e-ph}) و پتانسیل دافعه الکترون- الکترون (V_{e-e}) زوج کوپر است.

$$\mu = N_{(0)} V_{e-e} \tag{7}$$

 $\lambda = N_{(0)} V_{e-ph} \tag{(7)}$

نظریههای مختلفی در رابطه با مقادیر μ وجود دارد که در این میان طبق نظریه Allen و Dyne [۲۰] که $0.1 = \mu$ را برای تمام فلزات در نظر گرفتهاند. چون تقریباً مقدار ثابتی است و از یک عنصر به عنصر دیگر تفاوت آنچنانی ندارد، به عنوان ویژگی وارد نمیکنیم و Λ ضریب برهمکنش الکترون- فونون است. در گام بعد، ضریب برهمکنش الکترون- فونون به عنوان یک ویژگی دیگر به مجموعه ویژگیها اضافه میکنیم تا نتایج را در حضور این ویژگی بررسی کنیم. همان طور که در جدول (۲) مشاهده می شود این ویژگی در اولویت دوم و بعد از ضریب هال به عنوان مؤثرترین ویژگی در ابررسانایی محاسبه شده

تغییرات دمای بحرانی ترکیبات پیچیده ای مانند RBCO ها نباشد و حتی ممکن است این به خاطر نقص دانش ما از این پدیده باشد. ولی با این حال، برهمکنش الکترون – فونون یکی از پارامترهای اساسی خانواده بزرگی از ابررساناهاست. در جدول (۱) و (۲) برای گزارش تاثیر هر ویژگی نمی توان از اعداد و درجه استفاده کرد. این نتایج صرفا با این تعداد و ویژگی ها صحیح است و اگر ویژگی دیگری اضافه شود ممکن است ترتیب این اولویتها عوض شود.

این نتایج ما را بر آن داشت تا مدلی برای پیش بینی مقدار این ضریب برای ابررساناها ایجاد کنیم. این مدل را با دو ویژگی دمای دیبای که به نوعی معرف جفت شدگی فونونی سیستم و دمای گذار به ابررسانایی که دربردارنده چگالی حالات سطح فرمی است و با تعداد ۲۸ عنصر ابررسانای جدول تناوبی ساختیم. با استفاده از این دو ویژگی دمای دیبای و دمای بحرانی، مدلی با استفاده از جنگل تصادفی و تکنیک cross-validation ساخته و توانستهایم ویژگی هدف یعنی ضریب برهمکنش الکترون- فونون را پیشبینی کنیم. در جدول (۳) ضریب همبستگی بین ویژگیها آورده شدهاند که همبستگی ویژگیهای توصيفکننده با ويژگی هدف را دارد و چون اعداد به يک نزديک هستند پس توصیفگرهای مناسبی برای مدل میباشند. در انجام یک داده کاوی انتخاب الگوریتم مناسب گام مهمی است. اما مهمترین بخش، انتخاب دادههای معنی دار ویژگی های مرتبط و سازگار با خروجی است. نتایج حاصل در نمودار شکل (۱) تحلیل شدهاند که تقریباً بر روی یک خط راست قرار گرفتهاند که مقدار دقت به دست آمده ۸۸٪ است که دقتی قابل قبول از یک داده کاوی در علم مواد است. اگر می توانستیم در حالت ایده آل خطا را به صفر برسانیم و مقادیر پیش شده دقیقاً مساوی مقادیر واقعی بودند تمام نقاط بر روی خط قرار میگرفت. بزرگترین مشکلی که در این کار وجود y = xداشت، نبودن مقدار یکتای تجربی یا محاسباتی برای مقادیر این ضریب است. به همین دلیل از مقادیر موجود این ضریب برای هر عنصر

مراجع

[¹] S. Curtarolo, G.L.W. Hart, M. B. Nardelli, N. Mingo, S. Sanvito, O. Levy, *Nat. Mater.* **12** (2013) 191.

[^Y] G. Ceder, MRS Bull. 35 (2010) 693.

[^{*}] S. Curtarolo, D. Morgan, K. Persson, J. Rodgers, G. Ceder, *Phys. Rev. Lett.* 91 (2003) 135503.

[[¢]] T.O. Owolabi, K.O. Akande, S.O. Olatunji, Appl. Phys. Res. 6 (2014) 122.

[4] T.O. Owolabi, K.O. Akande, S.O. Olatunji, *Mater. Sci. Eng. C* 3 (2015) 104.

[^{*}] G. Pilania, P.V. Balachandran, J.E. Gubernatis, T. Lookman, Acta Cryst. B 71 (2015) 507.

[Y] G. Pilania, P.V. Balachandran, C. Kim, T. Lookman, Front. Mater. 3 (2016) 19.

[^A] T.O. Owolabi, K.O. Akande, S.O. Olatunji, J. Supercond. Novel Magn. 28 (2015) 75.

[⁴] V. Stanev, C. Oses, A.G. Kusne, E. Rodriguez, J. Paglione, S. Curtarolo, I. Takeuchi, *Npj Comput Mater* 4 (2018) 9.

['•] O.P. Isikaku-Ironkwe, arXiv. (2012) 1204.0233.

[11] L. Ward, A. Agrawal, A. Choudhary, C. Wolverton, *Npj Comput Mater* 2 (2016) 16028.

[17] J.E. Hirsch, Phys. Rev. B 55 (1997), 9007.

[19] C. Kittel, P. McEuen, P. McEuen, Introduction to solid state physics, New York: Wiley (1996).

[15] R.C. Weast, *CRC Handbook of Chemistry and Physics*, West Palm Beach (1978).

[1°] C.M. Hurd, S.P McAlister, J. Appl. Phys. 50 (1979) 7526.

[17] R. Kohavi, G.H. John, artificial intelligence 1-2 (1997) 273.

[¹Y] M.A. Hall, Correlation-based feature subset selection for machine learning PhD thesis, Department of Computer Science, University of Waikato, Hamilton, New Zealand, Apr. 1999.

[1^] K. Kira, L. A. Rendell, In Machine Learning Proceedings (1992) 249.

[19] M. Hall, E. Frank, G. Holmes, B. Pfahringer, P. Reutemann, I.H. Witten, ACM SIGKDD explorations newsletter 1 (2009) 1.

[^Y ·] P.B. Allen, R. C. Dynes, *Phys. Rev. B* 12, (1975), 905.

میانگین گرفتیم و عمل دادهکاوی با میانگین روی هر عنصر انجام شده است. البته در بعضی موارد مقادیر پرت کنار گذاشته شده و در میانگینگیری در نظر گرفته نمیشوند.



شکل ۱: همبستگی بین ضرایب برهمکنش الکترون– فونون پیشبینی شده و مقادیر

موجود

جدول ۳: ضریب همبستگی ویژگیها با مقدار ضریب همبستگی ویژگیها T_c, λ_{e-ph} ،۹۷ θ_D, λ_{e-ph} ،۸۹

نتيجهگيرى

در این کار با استفاده از دادههای آموزشی شامل دماهای دیبای و گذار به ابررسانایی و به کمک الگوریتم یادگیری جنگل تصادفی توانستیم مدلی برای پیشبینی ضریب برهمکنش الکترون – فونون بسازیم. مقادیر پیشبینی با دقت ۸۸٪ با مقادیر موجود منطبق هستند. در ادامه قصد داریم این روش را به ترکیبات چند اتمی ابررسانایی تعمیم دهیم.

سیاسگزاری

بخشی از هزینههای این پژوهش توسط معاونت پژوهشی دانشگاه تهران تأمین شده است که نهایت تشکر و قدردانی را داریم. اثر جوزفسون با ابررسانایی آمیخته در عایق توپولوژیک خضرلو، مریم^{۲۰۱}؛ گودرزی ، هادی^۱ ^{اگروه فیزیک، دانشکاه علوم، دانشگاه ارومیه} ^۲ بنیاد ملی نخبگان

چکیدہ

در کار حاضر به بررسی القای ابررسانایی با تقارن آمیخته اسپین تکگانه و سهگانه بر حالتهای سطحی یک عایق توپولوژیک سه بعدی بواسطه اثر مجاورت می-پردازیم. جفتشدگی ابررسانایی آمیخته باعث نتایج جالب توجهی در انرژی برانگیختگی شبه ذرات الکترون – حفره و گاف ابررسانایی مؤثر میگردد. طیف انرژی بدون گاف دیراک در عایق توپولوژیک، در حضور ابررسانایی آمیخته به حالت فرمیونهای جرمدار تبدیل شده و جریان جوزفسون ساختار تحت تاثیر این گاف ناشی از تقارن آمیخته قرار میگیرد.

Josephson effect with mixed superconductivity in topological insulator

Khezerlou, Maryam^{1,2}; Goudarzi, Hadi¹

¹ Department of Physics, Faculty of Science, Urmia University ² National Elites Foundation

Abstract

We investigate proximity-induced mixed spin-singlet and spin-triplet superconducting state on the surface states of a topological insulator. Such hybrid structure features fundamentally distinct electron-hole excitations and also effective superconducting subgap. We find, interestingly, the role of mixed superconducting state as representing a mass-like gap in a topological insulator. The mixed superconductivity in topological insulator manifests itself in Josephson effect.

PACS No. 68, 74

رفتار میکنند. این حالات سطحی دارای تقارن معکوس زمانی بوده و در برابر اختلالات و بی نظمیها مقاوم میباشند. خواص ویژه این مواد آنها را برای استفاده در صنعت اسپینترونیک و ابزار کوانتومی توپولوژیکی توانا میسازد [۳و۴]. در کنار این خواص، القای خاصیت ابررسانایی با استفاده از اثر مجاورت در عایق توپولوژیک در سالهای اخیر توجه بسیار زیادی به خود جلب کرده است. پتانسیل جفتشدگی میتواند در سیستم نرمال عایق توپولوژیک، بدون هیچ اندرکنش بلکه به واسطه نفوذ چگالش جفت کوپر از یک ابررسانا ایجاد شود [۵و۶].

مقدمه

شکست تقارن وارونی در عایق توپولوژیک امکان بررسی ابررسانایی آمیخته اسپین تک گانه و سهگانه را فراهم میکند که گزارشهای تجربی اخیر نیز مؤید این مطلب است [۱]. قبل از این، ابررسانایی آمیخته در کوپراتها گزارش شده بود که در این مواد نیز شکست تقارن وارونی منجر به اندرکش قوی اسپین – مدار می شود [۲]. در فیزیک ماده چگال، عایق توپولوژیک به علت فاز غیر بدیهی توپولوژیکی، در مقایسه با عایقهای معمول دارای ویژگی -های منحصربفرد الکترونیکی می باشد. در سطح عایق توپولوژیک سه بعدی حاملهای بار به صورت فرمیونهای دیراک بدون جرم سرعت حامل های بار و μ پتانسیل شیمیایی است. تقارن ذره-حفره با عملگر پادیونیتاری Ξ توصیف می شود که بر روی هامیلتونی دیراک و پتانسیل جفت شدگی ابررسانا اثر می کند. قطری سازی هامیلتونی(۱) منجر به رابطه انرژی پاشندگی می شود: $\varepsilon_{mix} = \alpha \sqrt{v_F^2 k^2 + \widetilde{\Delta}_1 + \mu^2 + \beta \sqrt{\varepsilon_R}},$ (۲) که $\mathcal{F}_R = \alpha \sqrt{v_F^2 k^2 + \widetilde{\Delta}_1 + \mu^2 + \beta \sqrt{\varepsilon_R}},$ (۲) که $\mathcal{F}_R = \mathcal{F}$ بازبهنجارش مربوط به جفت شدگی آمیخته می باشد. $\mathfrak{L} = \mathfrak{L}$ نوارهای ظرفیت و رسانش را نشان می دهد. $\widetilde{\Delta}$ تابعی

از دو کانال اسپینی $\Delta_{1(2)}=\Delta_s\pm\Delta_p e^{i\chi heta}$ میباشد.



نمودار ۱: انرژی پاشندگی ابررسانایی آمیخته در عایق توپولوژیک و ایجاد گاف دیراک ناشی از دو نوع تقارن جفت شدگی

اگر این انرژی را با انرژی ابررسانایی نامتقارن معمول (بدون حضور سیستم دیراکی) دارای جفتشدگی آمیخته مقایسه کنیم به نتایج جالبی می رسیم. یکی از نکات مهم آن است که هامیلتونی و انرژی ابررسانایی نامتقارن معمول به ازای دو کانال اسپینی (2₁ مرار) جدا می شوند، بطوریکه تغییر علامت بردار موج باعث تغییر طیف انرژی می شود [۸]. از اینرو پتانسیل جفتشدگی به تنهایی با جهت حرکت در ارتباط است. اما در حضور عایق توپولوژیکی، انرژی پاشندگی تابعی آمیخته از دو کانال اسپینی (2₁ می باشد. در طیف انرژی پاشندگی حالت تکگانه یا سه گانه، نوار رسانش و ظرفیت همدیگر را در نقطه دیراک قطع می کنند که این موضوع از نظر الکترونیکی دارای اهمیت ویژهای می باشد. اما در حالت

گزارشهای تجربی در القای ابررسانایی اسپین تک گانه و سه گانه در حالتهای سطحی عایق توپولوژیک سه بعدی ارائه شده است. در این حوزه، یکی از کاربردی ترین نتایج، مشاهده فرمیونهای مایارونا در حالات مقید آندریف تشکیل شده در فصل مشترک ابررسانا/فرومغناطیس بر پایه عایق توپولوژیک میباشد. فو و کین در مطالعات خود نشان دادند که معادله بوگولیوبوف-دوژن با ابررسانای معمول نوع ۲، جفت شدگی غیر معمول با مولفه های اسپین سهگانه را در عایق توپولوژیکی القا میکند [۷]. این موضوع به علت قفل شدگی اسپین⊣ندازه حرکت رخ میدهد که منجر به شکست تقارن دورانی اسپین می شود. همچنین انرژی شبه ذرات عایق توپولوژیک در مجاورت ابررسانا با تقارن سهگانه، دارای گاف موثر ابررسانایی صفر است که منجر به توقف فرآیند آندریف در اتصالات مربوطه می شود. در کار حاضر، اثر تقارن آمیخته بر روی خواص دینامیکی عایق تویولوژیک با جزییات مورد بحث و بررسی قرار میگیرد. سطوح انرژی آندریف و جریان جوزفسون برای جفت شدگی آمیخته محاسبه و تحلیل می شود.

گاف موثر ابررسانایی آمیخته

ساختار عایق توپولوژیک را بر پایه اثر مجاورت به گونهای که دارای پتاسیل جفت شدگی آمیخته تکگانه و سهگانه باشد در نظر میگیریم. فرم عمومی پتانسیل جفتشدگی آمیخته به صورت

 $\hat{\Delta}(\vec{k}) = [\Delta_s(\vec{k})\hat{\sigma}_0 + \vec{d}(\vec{k})\cdot\vec{\sigma}]i\hat{\sigma}_2 e^{i\varphi}$

میباشد که ماتریس های پائولی بر روی فضای اسپینی اثر میکنند و φ بیانگر فاز ابررسانایی میباشد. مولفه اسپین تکگانه تابعی زوج از عدد موج میباشد که فرض بر ثابت بودن آن است. پارامتر نظم حالت سهگانه با تابع فرد (\vec{k}) توصیف میشود. برای محاسبه رابطه انرژی پاشندگی حالات سطحی عایق توپولوژیک در مجاورت ابررسانا از هامیلتونی دیراک بوگولیوبوف-دوژن استفاده میشود:

$$\mathbf{H} = \begin{pmatrix} \hat{h}_{TI}(\vec{k}) & \hat{\Delta}(\vec{k}) \\ \Xi \hat{\Delta}(\vec{k}) \Xi^{-1} & \Xi \hat{h}_{TI}(\vec{k}) \Xi^{-1} \end{pmatrix}$$
(1)

که در این رابطه هامیلتونی ذره آزاد $\hat{h}_{TI}(ec{k}) = v_F(\hat{\sigma}_1k_x + \hat{\sigma}_2k_y) - \mu$ معرف

به جای یک طیف دیراک بدون گاف، شاهد گاف انرژی در نقطه دیراک خواهیم بود که اندازه آن به دامنههای پراکندگی پتانسیلهای جفتشدگی ابررسانایی ${}_{s} \Delta e \ {}_{q} \Delta$ مرتبط است (نمودار ۱). در واقع جرم مؤثر نقطه دیراک به همبستگی دامنههای ${}_{s} \Delta e \ {}_{q} \Delta$ مرتبط است. به روش ریاضی میتوان با یک تبدیل یونیتاری بر روی هامیلتونی (۱)، فرم دقیق هامیلتونی گافدار را بدست آورد. گاف مؤثر ابررسانایی نیز تحت تاثیر دامنههای جفتشدگی اسپین تکگانه و سهگانه میباشد. فرم دقیق گاف مؤثر ابررسانایی برای

$$\begin{split} \Delta_{eff} &= \sqrt{\widetilde{\Delta}_1 - \frac{\left|\Delta_1 - \Delta_2\right|^2}{4}} - \frac{\widetilde{\Delta}_2^2}{\mu' + \sqrt{\mu'^2 + 4\widetilde{\Delta}_2^2}} \ (\ref{eq:model}) \end{split}$$

 Example to the end of the e

سطوح انرژی آندریف و جریان جوزفسون

جفت شدگی آمیخته میتواند در کمیتهای آزمایشگاهی مانند رسانندگی و جریان جوزفسون نمود پیدا کند. لذا ویژگیهای دینامیکی بحث شده میتواند این کمیتها را تحت تاثیر قرار دهد. برای مطالعه جریان جوزفسون در یک ساختار ابررسانا/عایق/ابررسانا، ویژه حالات هامیلتونی دیراک-بوگولیوبوف-دوژن باید محاسبه شود. این ویژه حالات بر حسب توابعی از دو کانال اسپینی (1₂) معرفی میشود:

$$\psi_{mix.} = \sqrt{\frac{2}{A}} \begin{pmatrix} M_1 \\ v_F |k| M_2 e^{i\theta} \\ v_F |k| M_2 e^{i\theta} \\ M_4 \end{pmatrix}$$
(*)

که در این رابطه

غیرنسبیتی مشاهده نمی شود. در اتصال جوزفسون، این ویژه حالات را برای دو ناحیه چپ و راست و به ازای شبه ذرات الکترون و حفره مینویسیم. پتانسیل جفت شدگی ابررسانا در ناحیه عایق برابر صفر است و عرض این ناحیه کوچکتر از طول همدوسی ابررسانا می باشد. پتانسیل شیمیایی این ناحیه امکان وقوع تونل زنی کلین را در فصل مشترک فراهم می کند. در این شرایط با اعمال شرط مرزی میتوان رابطه زیر را بین ویژه حالات ناحیه چپ و راست ابررسانایی در نظر گرفت:

$$\psi^{L}_{mix.}(x=0) = \begin{bmatrix} 1+iZ\sigma_{x} & 0\\ 0 & 1-iZ\sigma_{x} \end{bmatrix} \psi^{R}_{mix.}(x=0),$$

$$\sum_{k=1}^{n} \sum_{j=1}^{n} \sum_{k=1}^{n} \sum_{j=1}^{n} \sum_$$

پو را بو با ویژه حالات ابررسانایی آمیخته در این رابطه، به از جایگذاری ویژه حالات ابررسانایی آمیخته در این رابطه، به چهار معادله جبری بر حسب احتمالات گذار می رسیم. با اعمال شرط لازم برای داشتن پاسخ این معادلات و انجام محاسبات تحلیلی و عددی طاقت فرسا سطوح انرژی آندریف در این ساختار محاسبه می شود. همانطور که در محاسبات تحلیلی شاهد بودیم، با افزایش دامنه جفت شدگی نوع سه گانه، گاف مؤثر ابررسانایی کاهش یافته و به ازای ابررسانایی نوع – q، مقدار آن به صفر می-رسد. لذا باید انتظار داشته باشیم با افزایش q، فرآیند آندریف در فصل مشترک عایق /ابررسانا متوقف شود. این موضوع به وضوح در نمودار سطوح انرژی آندریف (نمودار ۲) دیده می شود.



نمودار ۲: سطوح انرژی آندریف به ازای زاویه تابش صفر بر حسب اختلاف فاز دو ناحیه ابررسانا

دینامیک غیرنسبیتی می گردد. به علت نقش گاف مؤثر ابررسانایی در فرآیند انعکاس آندریف، محاسبه جریان جوزفسون از نظر کاربردی و مقایسه با داده های تجربی اهمیت فراوانی دارد. این نتایج را می توان با نتایج تجربی حوزه ابررسانایی آمیخته مورد مقایسه قرار داد.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از حمایت مالی معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری و بنیاد ملی نخبگان کمال تشکر و قدردانی را دارند.

[1] M. P. Stehno, N. W. Hendrickx, M. Snelder, T. Scholten, Y. K. Huang, M. S. Golden and A. Brinkman, Semicond. Sci. Technol. 32, 094001 (2017).

- [2] P. A. Frigeri, D. F. Agterberg, A. Koga, and M. Sigrist, *Phys. Rev. Lett.* **92**, 097001 (2004).
- [3] C. L. Kane, E. J. Mele, Phys. Rev. Lett. 95, 146802 (2005).
- [4] M. Z. Hasan, C. L. Kane, Rev. Mod. Phys. 82, 3045 (2010).
- [5] J. Wang, C. Z. Chang, H. Li, K. He, D. Zhang, M. Singh, X. C. Ma, N. Samarth, M. Xie, Q. K. Xue and M. H. W. Chan, *Phys. Rev. B*, 85, 045415 (2012).
- [6] G. Koren, T. Kirzhner, E. Lahoud, K. B. Chashka and A. Kanigel, *Phys. Rev. B*, **84**, 224521 (2011).
- [7] L. Fu, C. L. Kane, Phys. Rev. Lett. 100, 096407 (2008).
- [8] P. Burset, F. Keidel, Y. Tanaka, N. Nagaosa and B. Trauzettel, *Phys. Rev. B*, **90**, 085438 (2014).

سطوح انرژی بدون گاف با دوره تناوب π که به ازای زاویه تابش صفر بدست میآید، بیانگر حضور حالات مایارونا در این سیستم میباشد. شیب این سطوح تحت تاثیر پارامتر ابررسانایی قرار میگیرد و باید انتظار داشت جریان جوزفسون نیز تغییر کند. اگر زاویه تابش ابررسانایی مقداری مخالف صفر داشته باشد سطح انرژی گافدار در $\pi = -\varphi$ نتیجه خواهد شد.

در ادامه به بررسی جریان ناشی از سطوح انرژی آندریف در دمای صفر میپردازیم. جریان جوزفسون نرمالیزه ناشی از سطوح انرژی آندریف از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$I(\Delta \varphi) = I_0 \int_{-\pi/2}^{\pi/2} d\theta \cos \theta \frac{d\varepsilon(\phi)}{d\phi},$$

که (¢) سطوح انرژی آندریف میباشد. جریان سینوسی با دوره $arepsilon(\phi)$ تناوب π در نمودار ۳ نشان داده شده است.



نمودار ۳: جریان جوزفسون بر حسب اختلاف فاز به ازای مقادیر مختلف جفت شدگی آمیخته

همانطور که انتظار داشتیم با افزایش دامنه جفتشدگی سهگانه از میزان جریان جوزفسون کاسته می شود.

نتيجه گيرى

با معرفی هامیلتونی دیراک- بوگولیوبوف-دوژن در حضور جفتشدگی ابررسانایی آمیخته، فرم دقیق انرژی پاشندگی بر پایه عایق توپولوژیک محاسبه شد. تابعیت پیچیده انرژی برانگیختگی حالت آمیخته برای دو کانال اسپینی در عایق توپولوژیک منجر به اهمیت مطالعه این سیستمها در مقایسه با سیستمهایی دارای

تاثیر شرایط مرزی و شدت برهمکنش بر جابجایی جمعیت در سیستمهای سه ذرهای در مدل لاندائو زنر

سید آرش معروفیان، سید مهدی حسینی

دانشگاه صنعتی شیراز، دانشکده فیزیک، شیراز، ایران

چکيده

در این مقاله به بررسی جابجایی جمعیت در سیستمهای متشکل از سه ذرهی دو ترازه توسط میدان مغناطیسی خارجی با شرایط مرزی دوره ای و خطی میپردازیم. برای این کار همیلتونی سیستم سه ذره ای را بدست آورده، معادله شرودینگر وابسته به زمان را حل می کنیم و احتمال گذار هر ذره را به حالت برانگیخته محاسبه میکنیم. نتایج نشان میدهد که برای شرایط مرزی دورهای، در حوالی شدت برهمکنش صفر که به معنی تغییر خواص مغناطیسی ماده است تغییرات احتمال گذار ناگهانی رخ میدهد، درحالی که برای مقادیر دیگر شدت برهمکنش، احتمال گذار، تغییرات نوسانی کمی دارد. اما برای شرایط مرزی باز، شدت برهمکنش تأثیر کمتری بر احتمال گذار دارد.

The Effect of boundary condition on population transfer for tree particle system in Landau-Zener model

Maroufian Seyed Aarash, Hosseini Seyed Mehdi

Shiraz University of Technology, Physics Dep., Shiraz, Iran

Abstract

In this paper the magnetic field induced population transfer for a three atoms system with periodic and free boundary conditions have been investigated. For this purpose the mentioned system Hamiltonian is obtained, with the time depended Schrodinger equation is solved and the transition probability from ground state to exited state is calculated. Results show that in periodic boundary condition, around J = 0, where the magnetic properties of matter changes, there is a drastic change in transition probability, while in open boundary condition, the transition probability has small oscillatory changes.

مطالعه ی سیستمهای دو ترازه کاربردهای گسترده ای دارند. در این زمینه می توان از پردازش اطلاعات کوانتومی [۱]، کنترل دینامیک مولکولی [۲] ، تشدید مغناطیسی هسته ای [۳] و طیف سنجی و بیوفیزیک [٤] به عنوان مواردی یاد کرد که از این مدلسازی استفاده می کنند. سیستم های کوانتومی مختلف چند ترازی را می توان با تقریب خوبی به عنوان سیستمهای دوترازه در نظر گرفت. یکی از مدلهای شناخته شده در مدل سازی سیستمهای کوانتومی، مدل لاندائو – زنراست که با استفاده از میدان مغناطیسی وابسته به زمان جابجایی جمعیت ترازها را مورد بررسی قرار می دهد [۵] . در این

مقدمه



شکل ۱ – احتمال گذار با شدت برهمکنش های متفاوت برای ذرات اول و دوم شرط مرزی باز، الف – ذرهی اول با 1 = J+ ب – ذرهی دوم با 1 = J + ج – ذرهی اول با 1 = J + د – ذرهی اول با 1 = -1 و ه - 0 = J

شکل ۱ احتمال گذار برای ذرهی اول و دوم در شرط مرزی باز تحت پتانسیل لاندائو زنر را نشان میدهد. از آنجایی که شرایط

$$H_{LZ}(t) = \begin{pmatrix} \alpha t/2 & g \\ g & -\alpha t/2 \end{pmatrix} \tag{1}$$

α نرخ تغییر انرژی در مدل لاندائو-زنر است که متناسب با تغییر میدان مغناطیسی میباشد و عددی حقیقی است. g نرخ تونلزنی بین ترازها در t = 0 میباشد. همانطور که مشخص است همیلتونی لاندائو-زنر اولیه برای سیستمی دو ترازهی تک ذرمای تعریف شده است که به روش زیر آن را برای سیستمی سه ذرمای تعمیم میدهیم:

$$H = H_{LZ} + H_1 \tag{(Y)}$$

$$H_{LZ} = H_{in} \otimes I_{2x2} \otimes I_{2x2} + I_{2x2} \otimes H_{in} \otimes I_{2x2} + I_{2x2} \otimes I_{2x2} \otimes H_{in}$$
(°)

$$\begin{split} H_{\text{int}} &= J(\sigma_z \otimes \sigma_z \otimes I_{2x2} + I_{2x2} \otimes \sigma_z \otimes \sigma_z + \sigma_z \otimes \\ I_{2x2} \otimes \sigma_z) \end{split} \tag{ξ}$$

در نتیجه همیلتونی اولیه و همیلتونی برهمکنشی دو ماتریس 8×8 خواهند بود. *I*_{2x2} ماتریس یکه 2×2 و σ_z ماتریس پاوولی هستند. پارامتر J را به عنوان شدت جفتشدگی تبادلی بین ذرات تعریف میکنیم که عددی صحیح است.

در این مقاله کمیتها را به روش زیر بی بعد کردیم: $\hat{f} = t / \tau$ همچنین تعریف می کنیم f = f / t = f / gf = f / g. همچنین تعریف می کنیم $\pi = h / g$ و $\alpha = \alpha \hbar / g$ بعد هستند. اکنون معادله شرودینگر را به صورت زیر بازنویسی می کنیم.

$$i\frac{\partial\psi(\hat{t})}{\partial t} = (\alpha\hat{t} + g)\psi(\hat{t}) \tag{6}$$

حالا با حل معادله شرودینگر و بدست آوردن معادله موج مربوط به گذارهای مربوطه می توانیم احتمال گذار را حساب کنیم. **نتایج و بحث** شکلهای ۲ – الف و ۲ – ب نشاندهنده یا حتمال گذار در شرایط مرزی باز با شدت برهم کنش های ۱ و ۱ – می باشند. چون در شرط مرزی دوره ای شرایط برای هر سه ذره یکسان است، نمودارهای احتمال گذار مربوط به هر سه ذره یکسان می باشد. در این شکل مشاهده می شود که برای شدت برهم کنش برابر ۱ احتمال نهایی گذار ۲/۰ است در حالی که برای ۱ – \mathbf{I} این مقدار به حدود ۰/۰ کاهش می یابد. در این حالت نیز افت و خیزهایی قبل از رسیدن احتمال گذار به مقدار نهایی مشاهده می شود. در این شرط مرزی علامت \mathbf{I} در احتمال نهایی گذار موثر است، درحالی که همانطور که در شکل ۱ دیدیم علامت شدت برهم کنش تاثیر قابل مشاهده ای در احتمال نهایی گذار ندارد.

در ادامه به بررسی دقیق تر تاثیر شدت برهم کنش بر احتمال نهایی گذار در این دو شرط مرزی می پردازیم. برای این منظور احتمال نهایی گذار را بصورت میانگین ده درصد پایانی احتمال گذار بر حسب زمان محاسبه می کنیم.





شکل ۳ نشاندهندهی تغییرات احتمال نهایی گذار بر حسب J در شرط مرزی دورهای است. در این شرط مرزی احتمال گذار در حوالیU=J تغییرات شدیدتری دارد. محدودهی تغییر علامت J در واقع محدودهی تغییر خواص ماده از فرومغناطیس (برای J های منفی) به پادفرومغناطیس (برای J های مثبت) است. برای J های مثبت رفتار نواسانی با دو فرکانس دیده می شود در حالیکه برای J های منفی رفتار نوسانی نامحسوس است. مرزی برای ذرهی اول و سوم یکسان است از نشان دادن نتایج برای ذرهی سوم صرف نظرکردیم. شکل ۱– الف نشان میدهد که ذره اول که در حالت پایه قرار داشته است با گذشت زمان از حالت پایه خارج می شود و نهایتا با احتمال ۰/٦ در حالت پایه می ماند و با احتمال ٤/٢ به حالت برانگیخته گذار می کند. شکل ۱- ب نیز نشان میدهد که ذره دوم نیز اتفاق مشابهی را تجربه میکند، اما احتمال برحسب زمان دارای افت و خیزهای اضافه ای نیز است. دلیل تفاوت آن است که برهم کنش ذره دوم از هر دو سمت است در حالي كه ذره اول تنها از يك طرف برهم كنش دارد. شدت برهمکنش در این دو شکل برابر ۱ است. شکل های ۱- ج و ۱- د احتمال گذار برای ذرههای اول و دوم با شدت برهمکنش ۱- را نشان میدهد. در این شکلها دیده می شود که احتمال نهایی گذار مشابه حالت قبل است. شکل ۱ – ، احتمال گذار برای شرط مرزی باز با مقدار J برابر با صفر را نشان میدهد. در این حالت شرایط مرزی برای هر سه ذره یکسان است. همچنین با شدت برهمکنش برابر با صفر احتمال گذار برای هر سه ذره در هر دو شرط مرزی دقیقا برابر با هم است. از مقایسه این شکل ها دیده می شود که برای شدت برهمکنش مثبت زمان گذار به سمت زمان های منفی و برای شدت برهمکنش منفی زمان گذار به سمت برهمکنش مثبت انتقال می یابد که با نتایج سیستم دو ذره ای نیز همخوانی دارد [۷].



شکل ۲ – احتمال گذار در شرط مرزی دورهای برای شدت برهم کنش ۱ (الف)، ۱ – (ب)

[°] F. Sarreshtedari and M. Hosseini:"Tunable Landau-Zener transitions using continuous-and chirped-pulse-laser couplings": Physical Review A 95, No. 3 (2017) 033834, 1-6.

[¹] Y. Avishai and Y. B. Band; "*Landau-Zener problem with decay and dephasing*": Physical Review A **90**, No. 3 (2014) 032116, 1-15.

[Y] M. Hosseini, and F. Sarreshtedari: "Investigation of the laser controlled Landau–Zener mechanism in a coupled quantum system": Journal of the Optical Society Of America B 34, No 10 (2017) 2097 -2103



شکل ٤ – نمودار تغییرات احتمال گذار بر حسب J برای ذرات اول (الف) و دوم (ب) در شرط مرزی باز.

شکل های ٤ الف و ب برای ذرات اول و دوم در شرط مرزی باز هستند. در این شکلها مشاهده میشود که تغییرات J تنها باعث تغییر نوسانی کوچکی در احتمال گذار نهایی میشود.

نتيجه گيري

در این مقاله تاثیر شرایط مرزی و شدت جفتشدگی بین ذرات را در سیستمهای سه ذرهای با شرایط مرزی دورهای باز بر میزان احتمال گذار بررسی کردیم. دیدیم که در شرایط مرزی دورهای، تغییرات J تفاوت زیادی در احتمال گذار بوجود می آورد. هرچند تغییر مقدار J تاثیری بر میزان احتمال گذار در شرط مرزی باز ندارد. احتمال گذار برحسب J نشان می دهد که نظم ماده از فرومغناطیس به پادرفرومغناطیس تغییر میکند.

مراجع

[¹] M. Saffman, T. G. Walker and K. Mølmer: "*Quantum information with Rydberg atoms of Modern Physics*": **82**, No. 3 (2010) 2313-2363

[1] W. S. Warren: "Effects of pulse shaping in laser spectroscopy and nuclear magnetic resonance": Science 242, No. 4880 (1988) b878-884.

[[]Y] S. A. Diddams, J. C. Bergquist, S. R.and C. W. Oates: "Standards of time and frequency at the outset of the 21st century"; Science **306**, No. 5700 (2004) 1318-1324.

^{[&}lt;sup>v</sup>] M. Shapiro and P. Brumer: "Coherent control of molecular dynamics": Reports on Progress in Physics 66, No. 6 (2003) 859-942.

بررسی پایداری ساختاری، ساختار الکترونی و ویژگیهای نیمفلزی و مغناطیسی ترکیبات نیم-هویسلر KXC (X=Sc, Ti, V, Cr, Mn, Fe, Co) d⁰-d

دهقان، على؛ دعوت الحق، سعيد

بخش فیزیک، دانشکاه علوم، دانشگاه شیراز، شیراز ۷۱۹٤۲

چکیدہ

با استفاده از محاسبات اصول اولیهٔ ساختار الکترونی و در چارچوب نظریهٔ تابعی چگالی، ویژگیهای الکترونی، مغناطیسی و پایداری ساختاری ترکیبات جاید نیم-هویسلر 4-0 KCC KTC KVC KTIC مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می دهد که KCC KTC مو KMn کو ومغناطیس-های نیم فلزی می باشند در حالی که بقیهٔ ترکیبات رفتار فلزی بروز می دهند. بررسی دقیق چگالی حالتهای الکترونی جزئی اتمی نشان داد که هیبریداسیون کو والانی بین ترازهای 3d فلزات واسطه با اوربیتال تراز 2p اتم C موجب بروز رفتار نیم فلزی می شد. گشتاورهای مغناطیسی کل به دست آمده برای ترکیبات نیم فلز ت مطالعه در توافق با رابطهٔ اسلیتر –پاؤلینگ 8–M₁₀ حاس⁴ می باشد. با توجه به انرژی تشکیل منفی، شبه پایداری ترمودینامیکی، دمای کوری بالا و گاف نیم فلزی بزرگ، ترکیبات فوق نامزدهای خوبی برای کاربردهای اسپیترونیکی محسوب می شوند.

Study of structural stability, electronic structure, half-metallic and magnetic properties of d⁰-d half-Heusler compounds KXC (X=Sc, Ti, V, Cr, Mn, Fe, Co)

Dehghan, Ali; Davatolhagh, Saeed

Dept. of Physics, College of Sciences, Shiraz University, Shiraz 71946

Abstract

Using first-principles electronic structure calculations based on density functional theory, the electronic, magnetic, and structural properties of novel d^0 -d half-Heusler compounds KXC (with X=Sc, Ti, V, Mn, Fe, Co) are investigated. The results indicate that KTiC, KVC, KCrC and KMnC are half-metallic ferromagnets, while the other compounds behave like metals. A detailed study of the partial density of states showed that the covalent hybridization between transition metal 3d and C 2p states is mainly responsible for the half-metallic behavior. The total magnetic moments of the half-metallic compounds under study are in agreement with $M_{tot}=Z_{tot}$ -8. In the light of their negative formation energies, thermodynamic metastability, high Curie temperatures and large half-metallic gaps, the above compounds are good candidates for spintronic applications.

PACS No.

دیگر به منظور انتقال اطلاعات انجام گرفته که منجر به ظهور علم اسپینترونیک در دههٔ ۱۹۸۰گردید [۱]. هدف نهایی اسپینترونیک استفاده عملی از ترابرد اسپینی در پردازش، ذخیره و انتقال اطلاعات میباشد. در بسیاری از مواد به علت وجود تقارنهای برگشت زمان و وارونی فضا، الکترونها با اسپین بالا و پایین تبهگن بوده و مانند یکدیگر رفتار میکنند؛ لذا قطبش اسپینی در

مقدمه

علم الکترونیک تنها از درجهٔ آزادی فضایی الکترونها برای انتقال اطلاعات استفاده میکند و پیشرفتهای این علم به حرکت انتقالی الکترون محدود می شود. با کشف درجهٔ آزادی اسپینی، علاوه بر بار الکتریکی، به عنوان یکی از مشخصههای مهم الکترون، تلاشهای زیادی برای استفاده از اسپین به عنوان خاصیت ذاتی



شکل (۱): ساختار نواری انرژی و چگالی حالتهای الکترونی (DOS) ترکیب KCrC. ساختار نواری قطعه سمت راست و چپ به ترتیب مربوط به اسپین بالا و پایین می،باشد.

این مواد وجود نداشته و خواص ترابرد مستقل از اسپین الکترون است. از آنجایی که وجود قطبش اسپینی از ملزومات ابزارهای اسپینترونیکی میباشد، دستیابی به موادی که در آنها اسپین الکترون در حالت بالا و پایین رفتار کاملاً متفاوتی از خود نشان دهند و منجر به قطبش اسپینی کامل گردند از اهمیت بالایی برخوردار میباشد.

در سال ۱۹۸۳ دستهٔ جدیدی از مواد تحت عنوان نیمفلز معرفی شدند که در نزدیکی تراز فرمی برای یک کانال اسپینی رفتاری فلزی داشته و برای کانال اسپینی دیگر مانند عایق رفتار می کردند و در نتیجه منجر به قطبش اسپینی کامل در تراز فرمی می گردید [۲]. با توجه به اهمیت خاصیت نیمفلزی در توسعه صنعت اسپینترونیک، مطالعات زیادی به منظور کشف، بررسی و ساخت آلیاژهای نیمفلزی انجام گرفت که منجر به معرفی ساختارهای نیم-فلزی بسیاری گردید. در میان ترکیبهای نیمفلزی معرفی شده، ساختارهای نیم-هویسلر به دلیل سهولت در ساخت، دمای کوری بالا و سازگاری ساختاری با نیمرساناهای مرسوم، بیشتر از دیگر بار ترکیبات مورد بررسی قرار می گیرند [۲۶]. به تازگی و برای اولین بار ترکیبات نیم-هویسلر له 0^{0} که از جایگزین کردن فلز واسطه پایین-ظرفیتی در نیم-هویسلرهای مرسوم، با یک اتم 0^{0} فلزات

حاصل می شوند، به عنوان یکی از جذاب ترین گروه های بروز دهنده رفتار نیم فلزی معرفی گردیده اند [۵،٦]. در این مقاله ساختار الکترونی، ویژگی های مغناطیسی، و پایداری ساختاری ترکیبات نیم هویسلر KXC (X=Sc, Ti, V, Cr, Mn, Fe, Co) d⁰-d بر مبنای محاسبات اصول اولیه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می دهد که خاصیت نیم فلزی در حالت پایهٔ ٤ مورد از این ترکیبات شامل KTrC، KVC، KTiC و KMnC بروز می کند.

روش محاسبات

محاسبات بر پایه نظریه تابعی چگالی و با استفاده از بسته محاسباتی Wien2k [۷] انجام شده است. این بسته محاسباتی، معادلات تک ذرهای کوهن-شم را با استفاده از روش امواج تخت بهساختهی خطی با پتانسیل کامل (FPLAPW) حل میکند. از Theory تابعی تبادلی همبستگی در تقریب شیب تعمیمیافته (GGA) استفاده گردید. مقدار پارامتر مهم RmtKmax که در آن Rm و Kmax به ترتیب بیانگر کوچکترین شعاع کره مافین-تین و بزرگترین بردار موج قطع میباشند، ۸ انتخاب گردید. انرژی جداسازی الکترون-های مغزه و رسانشی ٦- ریدبرگ و تعداد نقاط در منطقهٔ اول بریلوئن ۲۷×۲۷×۲۷ در نظر گرفته شدهاند.

نتايج و بحث

ساختار بلوری ترکیبات سهتایی نیمهویسلر (گروه تقارنی $F\overline{4}3m$ ، شمارهٔ بلورشناسی ۲۱٦) شامل یک شبکهٔ براوهٔ fcc با پایهٔ سه اتمی است که اتمها بر روی قطر مکعب و در موقعیتهای پایهٔ سه (0, 0, 0)، (0.25, 0.25, 0.25) و (0.50, 0.50) قرار گرفتهاند.

خواص الکترونی: به منظور مطالعهٔ ساختار الکترونی ترکیبات نیم-هویسلر مورد بررسی؛ ابتدا انرژی کل بر حسب حجم یاختهٔ بسیط بلور محاسبه و با استفاده از برازش منحنی توسط معادلهٔ حالت مورناگان [۸] ثابت شبکهٔ بهینهٔ هر ترکیب حاصل گردید. سپس محاسبات ساختار نواری و چگالی حالتهای الکترونی کل برای هر ترکیب در ثابت شبکهٔ بهینه انجام گرفت. نتایج نشان میدهد که از مجموع ۷ ترکیب تحت مطالعه، KTiC، KVC، CrO و KMnC در نزدیکی تراز فرمی برای یک کانال اسپینی رفتاری فلزی دارند و برای کانال دیگر مانند عایق رفتار میکنند و در نتیجه



شکل (۲). منحنی چگالی حالتهای جزئی اتمی (PDOS) اتمی ترکیب نیم-هویسلر KCrC.

منجر به بروز خاصیت نیمفلزی با قطبش اسپینی کامل در تراز فرمی می گردند. شکل (۱) ساختار نواری و چگالی حالتهای الکترونی کل مربوط به ترکیب KCrC را به عنوان نمونه نشان می-دهد. ثابت شبکه بهینه (تعادلی) و گاف انرژی نیمفلزی (حداقل انرژی لازم برای برانگیختگی اسپینی) ترکیبات نیمفلز در جدول (۱) گزارش شدهاند. از مشخصههای قابل ذکر این ترکیبات گاف انرژی نیمفلزی بزرگ و ثابت شبکههای بهینه کوچک در مقایسه با نیمفلزات نیمهویسلر معمولی میباشد [۳،٤].

جدول (۱): ثابت شبکهٔ تعادلی *a* بر حسب آنگستروم و گاف انرژی نیمفلزی E_{HM} بر حسب الکترونولت برای ترکیبات نیمفلز تحت مطالعه.

| $>\!$ | KTiC | KVC | KCrC | KMnC |
|---|-------|------|-------------------|------|
| a (Å) | ٥٫٩٧ | ৹ৢঀ٦ | ٦ _/ •٧ | ٦٫١٣ |
| E _{HM} (eV) | •,• ٤ | •,72 | • ,٧٢ | •,7• |

به منظور بررسی ماهیت نوارهای مختلف انرژی و نیز منشأ خصوصیت نیمفلزی ترکیبات تحت مطالعه، چگالی حالتهای جزئی اتمی به صورت وابسته به اسپین مورد محاسبه قرار گرفت که برای ترکیب CrC در شکل (۲) به عنوان نمونه نشان داده شده است. لازم به ذکر است که رفتار ترکیبات نیمفلز دیگر کاملاً مشابه این ترکیب بوده و در اینجا نشان داده نشدهاند. با دقت در نحوهٔ مشارکت اوربیتالهای مختلف اتمها در شکل (۲) مشاهده می شود که نقش حالتهای Cr-3d و C2-2 در انرژیهای نزدیک به تراز فرمی بسیار برجسته ر از اوربیتالهای K می باشد (مقیاس چگالی حالتهای جزئی در مورد اتمهای Cr و C نسبت به فلز

قلیایی K در شکل (۲) به میزان ۱۰ برابر بزرگتر است). بنابراین پر واضح است که هیبریداسیون *p*-*d* بین ترازهای اتم فلزات واسطه و اتم کربن نقش اساسی در بروز خاصیت نیمفلزی در بلورهای مورد مطالعه ایفا میکند؛ همچنین عدم بروز این خاصیت در ترکیبات دیگر را نیز میتوان به ضعیف بودن هیبریداسیون *p*-*d* مطلوب، نسبت داد.

خواص مغناطیسی: شرط لازم برای بروز رفتار نیمفلزی در یک ترکیب، عدد صحیح بودن گشتاور مغناطیسی کل میباشد. گشتاورهای مغناطیسی جزیی و کل برای ترکیبات نیمفلز تحت مطالعه مطابق با جدول (۲) محاسبه شدند. مشاهده می گردد که گشتاورهای مغناطیسی کل اعدادی صحیح میباشند که در توافق کامل با رابطه 8–_{tot} M_{tot} اسلیتر –پاؤلینگ قرار دارند (در Z_{tot} تعداد کامل با رابطه 8–M_{tot} معناطیسی جزیی ملاحظه می شود که سهم مقادیر گشتاورهای مغناطیسی جزیی ملاحظه می شود که سهم غالب در هر ترکیب عمدتاً ناشی از فلزات واسطه Tr، V، P و Mn میباشد که این نتیجه سازگار با شکاف تبادلی بزرگ در اوربیتال *b* این اتمها، نمایش داده شده در شکل (۲) میباشد.

جدول (۲): گشتاورهای مغناطیسی جزیبی و کل ترکیبات KVC، KTiC، ترکیبات KVC، KTiC، و Mint .KMnC بیانگر گشتاور مغناطیسی در ناحیه بین جایگاهی بلور است. (همه مقادیر بر حسب *µ* می باشند.)

| KXC | KTiC | KVC | KCrC | KMnC |
|------------------|-------|--------------------|---------------|--------------------|
| M _K | ٠,٠٤ | •,•۲ | -•,•) | • ⁄• ۱ |
| M _X | •/٩• | ۲/۳۷ | ٣/٧٣ | ٤٦٣٢ |
| M _C | -•,77 | -• _/ ٥٩ | -٠/٩٢ | -• _/ ٥٥ |
| M _{int} | •,7٨ | •,7• | •,7• | •,77 |
| M _{tot} | ۱,۰۰ | ۲,۰۰ | ٣,٠٠ | ٤,٠٠ |
| T _c | 770 | 11.4 | 1170 | 971 |

از ویژگیهای یک ترکیب نیمفلز با جذابیتهای کاربردی، وجود دمای کوری به حد کافی بالاتر از دمای اتاق میباشد. جهت تخمین این مشخصهٔ مهم در ترکیبات مورد مطالعه، ابتدا با اندازه-گیری اختلاف انرژی کل در حالتهای فرومغناطیسی و غیرمغناطیسی، ثابتهای جفتشدگی تبادلی توسط رابطهٔ زیر محاسبه گردید [۹]:

$$J = \frac{\Delta E_{NM-FM}}{12 \left| M_{TM} \right|^2},\tag{1}$$

ترکیبات نیمفلز تحت مطالعه مطابق جدول (۳) محاسبه گردید. لازم به ذکر است که به دلیل تقارن مکعبی ساختارهای نیمهویسلر تنها سه ضریب مستقل ۲۱۱، ۲۱۵ و ۲۵ وجود خواهد داشت. مدول حجمی ترکیبات نیز طبق رابطهٔ $(C_{11}+2C_{12})$ محاسبه و در جدول (۳) گزارش شده است. معیار پایداری مکانیکی (یا شبه پایداری ترمودینامیکی) یک ترکیب با تقارن

 $\begin{aligned} &: [1 \cdot] \times \mathbb{R}^{-1} \in [1 \cdot] \\ &: [1 \cdot C_{11} > 0 \\ &: [1 \cdot C_{11} - C_{12}) > 0 \\ &: [1 \cdot C_{11} - C_{12}) > 0 \\ &: [1 \cdot C_{44} > 0 \\ &: [1 \cdot V) \cdot C_{12} < B < C_{11}. \end{aligned}$

مطابق با نتایج جدول (۳) ملاحظه می شود که تمامی ترکیبات نیم-فلز مورد مطالعه، شرایط پایداری مکانیکی فوق را در ثابت شبکهٔ بهینه خود دارند که از دیدگاه عملی بسیار حائز اهمیت می باشد. نتیجه گیر ی

ویژگیهای الکترونی، مغناطیسی و پایداری ساختاری ترکیبات نیمهویسلر A⁰-d جدید (X=Sc,Ti,V,Cr,Mn,Fe,Co) با استفاده از محاسبات اصول اولیهٔ ساختار الکترونی و در چارچوب نظریهٔ تابعی چگالی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان میدهد که ٤ مورد از این ترکیبات شامل KTiC، KVC، میدهند. که ۲ مورد از این ترکیبات شامل KTiC بروز میدهند. گشتاورهای مغناطیسی کل به دست آمده برای این مواد در توافق با گشتاورهای مغناطیسی کل به دست آمده برای این مواد در توافق با رابطه اسلیتر-پاؤلینگ A₀-21 قرار دارد. با توجه به انرژی تشکیل منفی، شبه پایداری ترمودینامیکی، دمای کوری بالا و گاف نیمفلزی بزرگ، ترکیبات فوق نامزدهای خوبی برای کاربردهای اسپینترونیکی محسوب میشوند.

مرجعها

- [1] S. Bhatti, et al., Mater. Today 20, 530 (2017).
- [2] R. A. de Groot, F. M. Mueller, P. G. van Engen, and K. H. J. Buschow, *Phys. Rev. Lett.* 50, 2024 (1983).
- [3] S. Esteki, F.Ahmadian, J. Magn. Magn. Mater. 438, 12 (2017).
- [4] I. Galanakis, P. H. Dederichs, and N. Papanikolaou, *Phys. Rev. B* 66, 174429 (2002).
- [5] A. Dehghan, S. Davatolhagh, J. Alloys Compd. 772, (2019) 132.
- [6] S. Davatolhagh, A. Dehghan, Physica C 552, (2018) 53.
- [7] K. Schwartz, P. Blaha, Comput. Mater. Sci. 128, 259 (2003).
- [8] F. D. Murnaghan, Proc. Natl. Acad. Sci. U.S.A. 30, 244 (1944).
- [9] N. Sivadas, M. W. Daniels, R. H. Swendsen, S. Okamoto, D. Xiao, *Phys. Rev. B*. 91, 235425 (2015).
- [10] M. Born and K. Huang, Dynamical Theory and Experiment I, Springer Verlag, Berlin, (1982).

که صورت کسر بیانگر اختلاف انرژی کل در حالتهای فرومغناطیسی و غیرمغناطیسی و M_{TM} گشتاور مغناطیسی اتم فلزات واسطه میباشند. سپس با شبیهسازی مونت کارلو مدل آیزینگ، دمای کوری توسط رابطهٔ $\frac{J}{k_B} = 9.79$ مطابق با جدول (۲) حاصل گردید (k_B ثابت بولتزمن میباشد). ملاحظه می گردد که دمای کوری ترکیبات نیمفلز KCrC ، KVC و KMnC بسیار بالاتر از دمای اتاق است.

پایداری: همان طور که در مقدمه بیان شد یکی از مشکلات اساسی در مسیر کاربردی کردن ترکیبات نیم فلزی، ناپایداری شیمیایی و یا ساختاری آنهاست؛ به گونه ای که آلیاژهای نیم فلزی با جذابیت های فراوان نظری، در عمل تنها به صورت لایه های نازک و با ضخامت بسیار اندک، قابل ساخت یا به روب رداری عملی هستند. انرژی تشکیل هر ساختار که از تفاضل انرژی کل و مجموع انرژی های عناصر سازنده آن ساختار حاصل می شود، معیار مناسبی برای پایداری شیمیایی می باشد. منفی بودن انرژی تشکیل دلالت بر ترجیح هرکدام از عناصر به تشکیل بلور نسبت به مجزا بودن از یکدیگر دارد. مقادیر انرژی تشکیل ملاح برای نیم فلزات تحت مطالعه در جدول (۳) گزارش شده است؛ که ملاحظه می شود برای همه ترکیبات مقادیر منفی حاصل شده است و این دلیلی بر پایداری شیمیایی این ترکیبات می باشد.

جدول (۳): انرژی تشکیل ΔE_f بر حسب الکترونولت، ضرایب الاستیک C₁₁. C₄₄ C₁₂ بر حسب گیگاپاسکال و مدول حجمی B بـر حسب گیگاپاسکال برای نیمفلزات تحت مطالعه.

| \ge | KTiC | KVC | KCrC | KMnC |
|--------------------|-------|-------|--------------------------|-------|
| $\Delta E_{\rm f}$ | -1,•A | -•,71 | -•,10 | _•,•٩ |
| C ₁₁ | ۱۱۳٫۷ | ۱٤٠,٠ | ٩٠٫٤ | ۳٧/٢ |
| C ₁₂ | ۱۰/۱ | ١٣٫٢ | ۸ ٥ ۱ | ١٦,٤ |
| C ₄₄ | ۱۹٫۳ | ٥٫١ | $\Lambda_{/}\Lambda_{/}$ | ۱۲,۰ |
| В | ٤٤,٤ | ٥٥,٥ | ٤٠٫٥ | ۲۳٫٤ |

یکی از ملاکهای اساسی کاربردیکردن ترکیبات نیمفلز در صنعت اسپینترونیک، پایداری مکانیکی آنهاست. محاسبه ضرایب الاستیک و مطالعه روابط بین آنها معیاری مناسب جهت بررسی پایداری مکانیکی یک ترکیب میباشد. بدین منظور ضرایب الاستیک

گشتاور اسپینی القائی توسط کوپلاژ اسپین–مدار راشبا و درسلهاوس در نانودیواره مغناطیسی

وحيد فلاحى

گروه مهندسی اپتیک و لیزر، دانشگاه بناب، ۱۱۳۳۱۱۳۵ بناب، ایران

چکیدہ

ترابرد نظری از یک دیواره مغناطیسی سنجاق شده در یک نانوتنگش ایجاد شده در نانوسیمهای Ga,Mn)As) در حضور برهمکنشهای اسپین-مدار راشبا و درسلهاوس مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلفههای آدیاباتیک و غیرآدیاباتیک گشتاور اسپینی که بر حسب گرادیان چگالی جریان اسپینی بیان می شوند، محاسبه شده است. یک رفتار نوسانی در گشتاور انتقال اسپینی به دلیل بازتابهای شدید در دیوارهای تیز با گرادیان مغناطش بزرگ مشاهده گردیده است. نشان داده شده است که شدت نوسانات برای گشتاور اسپینی غیرآدیاباتیک با مقدار منفی پارامتر راشبا x^A افزایش یافته، در حالی که با افزایش مقادیر مثبت x^A رفتار کاهشی دارد. با این حال، گشتاور اسپینی غیرآدیاباتیک با مقدار |ایم| مدون توجه به علامت آن، افزایش مییابد. بعلاوه، کوپلاژ درسلهاوس β به طور قابل ملاحظهای نمیتواند مؤلفه Z دهند، در حالی که دو مؤلفه دیگر به طور موثرتری توسط برهمکنش اسپین-مادار درسلهاوس تغییر مییابند.

Spin Torque Induced by the Rashba and Dresselhaus Spin-orbit Couplings in Nano-magnetic Domain Wall

Fallahi, Vahid

Department of Laser and Optical Engineering, University of Bonab, 5551761167 Bonab, Iran

Abstract

The transport through a domain wall pinned at a nanoconstriction in (Ga,Mn)As wires is investigated theoretically by considering the Rashba and Dresselhaus spin-orbit interactions. The adiabatic and nonadiabatic components of the spin torque, expressed in terms of the gradient of the spin current density, are computed. An oscillatory behavior in the spin-transfer torque is observed within the atomically sharp domain walls, due to the strong reflections at the wall caused by the large magnetization gradient. It is demonstrated that the strength of the oscillations for nonadiabatic spin torque increases by the negative Rashba parameter α_x , while it decreases with increasing positive values of α_x . However, the nonadiabatic spin torque increases with $|\alpha_y|$, regardless of its sign. Furthermore, it is shown that the Dresselhaus coupling β does not considerably alter the z component of the spin torque, while the other two components are effectively changed by the Dresselhaus spin-orbit coupling.

PACS No.

چرخش دیواره مغناطیسی $w_{Wall} = \pi v_F/d$ ، در چارچوب مرجع لخت الکترون متحرک با سرعت فرمی v_F در مقایسه با فرکانس w_{sd} توسط انرژی برهمکنش تبادلی Δ_{ex} به صورت $\omega_{sd} = \omega_{sd}$ تعیین میشود، قابل چشمپوشی است؛ بنابراین محور پولاریزاسیون حاملها به طور بی دررو راستای مغناطش موضعی را طی خواهند کرد و رژیم ترابرد پخشی، رژیم غالب خواهد بود.

مقدمه

پس از پیش بینی پدیده گشتاور انتقال اسپینی در اثر اعمال جریان الکتریکی توسط اسلونوسکی [۱] و برگر [۲]، فرمول بندی های متفاوتی برای بررسی برهمکنش بین ممان های مغناطیسی موضعی و جریان پولاریزه اسپینی در دو رژیم ترابرد بالیستیک و پخشی پیشنهاد گردید. برای یک دیواره مغناطیسی عریض با پهنای d، فرکانس مبانی نظری

من یک ساختار فرومغناطیسی شامل یک دیوارهٔ مغناطیسی باریک از نوع سر به سر با پهنای یک نانومتر در نانوسیم نیمرسانای مغناطیسی نوع q را در نظر می گیرم. ممانهای مغناطیسی موضعی تحت زاویه $\left[\left(\frac{\pi^2 z}{2d}\right)\right]^{-1} = \cos^{-1}\left[-\tanh\left(\frac{\pi^2 z}{2d}\right)$ در صفحه دیواره مغناطیسی به ازای $\infty + \ge z \ge \infty$ چرخیده و یک دیوارهٔ مغناطیسی ۱۸۰ درجه را تشکیل میدهند. هامیلتونی سیستم در تقریب جرم مؤثر و در حضور جفتشدگی اسپین – مدار راشبا و درسلهاوس را می توان بصورت زیر نوشت:

$$H = \frac{p_z^2}{2m^*} - \frac{\Delta_{ex}}{2} \hat{\boldsymbol{\sigma}} \cdot \boldsymbol{m}(z) + \frac{\beta}{\hbar} \sigma_z p_z - \frac{1}{\hbar} (\alpha_x \sigma_y - \alpha_y \sigma_x) p_z$$
(1)

که در آن $[(z), 0, \cos \theta(z), 0, \cos \theta(z)] = [\sin \theta(z), 0, \cos \theta(z)]$ مغناطش موضعی و $\widehat{\sigma}$ عملگر ماتریس پائولی است. پارامترهای $\alpha_{x(y)}$ و β به ترتیب قدرت برهمکنشهای راشبا و درسلهاوس را نشان میدهند. معادلات شرودینگر جفت شده برای مؤلفههای توابع موج اسپین بالا و پائین به صورت زیر است:

$$-\left(\frac{d^{2}}{dz^{2}}+k_{F}^{2}\right)\left(\begin{array}{c}\Phi^{\uparrow}(z)\\\Phi^{\downarrow}(z)\end{array}\right)$$

$$=\left[\begin{pmatrix}k_{ex}^{2}\cos\theta(z) & k_{ex}^{2}\sin\theta(z)\\k_{ex}^{2}\sin\theta(z) & -k_{ex}^{2}\cos\theta(z)\end{pmatrix}\right]\left(\begin{array}{c}\Phi^{\uparrow}(z)\\\Phi^{\downarrow}(z)\end{array}\right)$$

$$+2\begin{pmatrix}-ik_{D} & -k_{R}e^{-i\phi_{R}}\\k_{R}e^{i\phi_{R}} & ik_{D}\end{array}\right)\left(\begin{array}{c}\Phi^{\prime\uparrow}(z)\\\Phi^{\prime\downarrow}(z)\end{aligned}\right)$$

$$k_{ex}=\sqrt{\frac{2m^{*}\Delta_{ex}}{\hbar^{2}}}, \quad \lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}, \quad \lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}, \quad \lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}, \quad \lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}, \quad \lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}, \quad \lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}, \quad \lambda_{ex}^{2}\in\lambda_{ex}^{2}$$

تابع موج کلی برای حاملهای فرودی از طرف چپ با انرژی فرمی ϵ_F را میتوان بصورت زیر بیان کرد: $\Phi = e^{\pm i k_{i(r,t)} z} inom{A_{i(r,t)}}{B_{i(r,t)}}$

در فرایند کاملاً بیدررو، سهم غالب گشتاور انتقال اسپینی به دلیل از بین رفتن تکانه زاویهای اسپینی حامل ها در حین عبور دیواره مغناطیسی است. این گشتاور انتقال اسپینی بیدررو یک گشتاور انفعالی است که تمایل به پیچش مغناطیش دیواره دارد. این نوع گشتاور اسپینی که تقارن وارونی زمانی را حفظ میکند متناسب با است که در آن بردار یکه $\boldsymbol{u}_M(r)$ در راستای – ($\boldsymbol{j}\cdot \nabla)\boldsymbol{u}_M(r)$ مغناطش بوده و **j** بردار چگالی جریان بار را نشان میدهد. برای ديوارەھاى مغناطيسى نسبتاً عريض، ناجھتمندى اسپينى بين اسپين حامل ها و مغناطش موضعی منجر به گشتاور اسپینی غیرآدیاباتیک متناسب با $-oldsymbol{u}_M(r) imes(oldsymbol{j}\cdot
abla)$ شدہ که عمود بر مؤلفه گشتاور اسپینی آدیاباتیک است. چنین گشتاوری تحت تبدیل وارونی زمانی ناوردا نبوده ($m{u}_M(r)
ightarrow -m{u}_M(r)$ و بنابراین به یک فرايند اتلافي منجر خواهد شد. اگرچه قدرت گشتاور غيرآدياباتيكي دو مرتبه کوچکتر از گشتاور آدیاباتیک در دیوارههای عریض است، اما چگالی جریان بحرانی مورد نیاز برای به حرکت درآوردن دیوار مغناطیسی در میدان مغناطیسی صفر را تعیین میکند. علاوه بر این، گشتاور غیرآدیاباتیک پس از اعمال جریان dc مستقیماً به دیواره مغناطیسی فشار ایجاد میکند، در حالیکه در حالت جریان ac به حرکت دیواره کمک می کند [۳،٤]. از سوی دیگر، در حد دیوارههای مغناطيسي باريک ($d \ll k_F^{-1}$)، فرايند بيدررويي انجام نمي گيرد و بازتاب شدید توسط دیواره ممکن است رخ دهد. یک دیواره مغناطیسی در ابعاد اتمی مقدار مقاومت مغناطیسی بالیستیکی قابل ملاحظهای را نشان میدهد. مقاومت مغناطیسی بالیستیکی بزرگ می تواند در افزایش تجمع اسپینی و در نتیجه افزایش هر دو مولفه گشتاور اسپینی آدیاباتیک و غیرآدیاباتیک نقش بسزایی داشته باشد .[٥]

مکانیسم دیگری که میتواند گشتاور انتقال اسپینی جریان-تحریکی را تحت تأثیر قرار دهد، بر پایه برهمکنش اسپین-مدار دیاکونوف-پرل استوار است [۸–٦]. در این مقاله، من یک دیواره مغناطیسی بالیستیک محصور شده بین دو ناحیه فرومغناطیسی پادموازی را در نظر میگیرم و اثر جفتشدگی اسپین-مدار راشبا و درسلهاوس را بر روی گشتاور انتقال اسپینی در رژیم ترابردی بالیستیک مطالعه و بررسی میکنم.
که در آن $k_{i(r,t)}$ بردار موج طولی در سطح تراز فرمی برای حالت های اسپینی (اندیسهای i و (r(t)) به ترتیب امواج فرودی و بازتابی (عبوری) را نشان میدهند) است. برای یافتن بردار موج فرودی (عبوری) را نشان میدهند) است. برای یافتن بردار موج فرودی $k_i^{\uparrow(4)}$ و بازتابی (عبوری) $k_{r(t)}^{\uparrow(4)}$ برای حالتهای اسپینی بالا و پائین، دترمینان ماتریس $H - \epsilon_F I$ را برابر صفر قرار میدهیم:

 $(k^2 - k_F^2)^2 - (k_{ex}^2 \mp 2kk_D)^2 - 4k^2k_R^2 = 0$ سپس با جایگذاری بردارهای موج $k_i^{\uparrow(\downarrow)}$ در معادله مشخصه ماتریس H می توانیم ضرایب تابع موج اسپینی A_i و B_i را برای حالتهای اسپینی بالا و پایین بدست آوریم. در ادامه در طی فرآیند مشابهی ویژه توابع موج بازتابی و عبوری را محاسبه می کنیم.

ویژه حالتهای سیستم در فواصل دور از دیوارهٔ مغناطیسی (z >> d) به صورت امواج تخت بوده و میتوان برای امواج فرودی از طرف چپ (L)، توابع موج در دو طرف نانودیوارهٔ مغناطیسی را به صورت زیر نوشت:

$$\begin{split} \Psi_{k,\mathcal{R}}(z) &= t^{\uparrow} \binom{A_t}{B_t^{\uparrow}} e^{ik_t^{\uparrow} z} + t^{\downarrow} \binom{A_t}{B_t^{\downarrow}} e^{ik_t^{\downarrow} z} \qquad (-7) \\ \text{ clustering of a state of the state of t$$

غیرقطبیدهای هستند که از $\infty - z = z$ به طرف راست (\mathcal{R}) آمده و به غیرقطبیدهای هستند که از $\infty - z = z$ به طرف راست (\mathcal{R}) آمده و به طور جزئی در دو کانال اسپینی بازتاب و عبور پیدا می کنند. ضرایب $^{\downarrow\uparrow\uparrow} = t^{\uparrow\uparrow} + t^{\downarrow\downarrow} = t^{\downarrow\uparrow} + t^{\downarrow\downarrow} = t^{\uparrow\uparrow} + t^{\uparrow\downarrow} + t^{\uparrow\downarrow} = t^{\uparrow\uparrow} + t^{\uparrow\downarrow} + t^{\uparrow\uparrow} + t^{\uparrow\downarrow} + t^{\downarrow\downarrow} + t^{\uparrow\downarrow} + t^{\downarrow\downarrow} + t^{\downarrow\downarrow} + t^{\uparrow\downarrow} + t^{\downarrow\downarrow} + t^$

چگالی جریان بار (
$$\boldsymbol{i}$$
) و چگالی جریان اسپینی (\boldsymbol{Q}) در حضور
برهمکنش اسپین-مدار به صورت زیر تعریف می شود:
 $\boldsymbol{j}^{\mathcal{L} \neq \mathcal{R}} = \frac{e}{m} \operatorname{Re} \left\langle \boldsymbol{\psi} \middle| \boldsymbol{\pi}^{\mathcal{L} \neq \mathcal{R}} \middle| \boldsymbol{\psi} \right\rangle$
 $\boldsymbol{j}^{\mathcal{L} \neq \mathcal{R}} = \frac{\mu_B}{m} \operatorname{Re} \left\langle \boldsymbol{\psi} \middle| \boldsymbol{\hat{\sigma}} \otimes \boldsymbol{\pi}^{\mathcal{L} \neq \mathcal{R}} \middle| \boldsymbol{\psi} \right\rangle$

 $L^{\mathbb{R}^{\mathcal{R}}}_{\pi_{Z}} = \pm p_{Z} \pm \frac{m}{\hbar} (\alpha_{y}\sigma_{x} - \alpha_{x}\sigma_{y} + \beta\sigma_{z}) \quad f^{\mathbb{L}^{\mathcal{R}}}_{x(y)} = 0$ $\text{ we adde solve the solve the set of the$

$$\langle j_z(z) \rangle = \frac{3epI_0}{4G\epsilon_F} \cdot \frac{\langle J_z(z) \rangle + \langle J_z(z) \rangle}{2} \\ \langle \mathbf{Q}(z) \rangle = \frac{3epI_0}{4G\epsilon_F} \cdot \frac{\langle \mathbf{Q}(z) \rangle + \langle \mathbf{Q}(z) \rangle}{2} \\ \overline{\mathbf{Q}(z)} = \frac{3epI_0}{4G\epsilon_F} \cdot \frac{\langle \mathbf{Q}(z) \rangle + \langle \mathbf{Q}(z) \rangle}{2} \\ \overline{\mathbf{Q}(z)} = \frac{3epI_0}{4G\epsilon_F} \cdot \frac{\langle \mathbf{Q}(z) \rangle + \langle \mathbf{Q}(z) \rangle}{2}$$

که در آن I_0 شدت جریان خارجی، p چگالی حجمی حفرهها، g رسانندگی دیواره و $\frac{3p}{4\epsilon_F}$ چگالی حالات را بر حسب انرژی فرمی نشان میدهد.

گشتاور انتقال اسپینی موضعی بر واحد سطح (بر واحد طول) توسط رابطه زیر بدست میآید:

$$\mathbf{\widetilde{N}}_{\mathrm{STT}}(z) = -\frac{\partial}{\partial z}\mathbf{\widetilde{Q}}(z).$$

نتايج و بحث

مطالعه بر روی رسانندگی مغناطیسی در یک نانواتصال شامل یک نانودیوارهٔ مغناطیسی باریک به طول یک نانومتر از جنس نیمرسانای مغناطیسی رقیق شده Ga,Mn)As) با انرژی شکافتگی اسپینی Δ_{ex} = 500 meV، جرم مؤثر حفره me = 0.47m که در آن me جرم الکترون آزاد است، انجام شده است.

محاسبات انجام شده در ترابرد بالیستیک حاملها، نشان می دهد که گشتاور انتقال اسپینی در غیاب برهمکنشهای اسپین-مدار به صورت نوسانی می تواند در یک سیستمی با یک دیواره مغناطیسی در مقیاس اتمی در اثر کوپلاژ غیر آدیاباتیک بین اسپین حاملها و مغناطش موضعی پدیدار گردد. گشتاورهای انتقال اسپینی آدیاباتیک (در سطح) و همچنین غیر آدیاباتیک در ابعاد بسیار پائین دیوار مغناطیسی دیگر به صورت گرادیان مغناطش داده نمی شود.



لمحور بعد المعام (ع) المحمد المحمد (محمد المحمد المح

همانطور که مشاهده می شود، پارامتر کوپلاژ راشبا با علامت منفی اثر بیشتری بر روی گشتاور اسپینی دارد، در حالی که مقادیر مثبت آن چندان در افزایش مؤلفه های گشتاور اسپینی مؤثر نیست. همچنین این پارامتر کوپلاژ، یک گشتاور نوسانی خارج از سطح را در پایانه ها ایجاد می کند که می تواند بافت مغناطیسی پایانه را تغییر دهد. همچنین، پارامتر کوپلاژ راشبا می تواند گشتاور اسپینی را چه در حالت منفی و چه در حالت مثبت افزایش دهد. کوپلاژ درسلهاوس نمی تواند مؤلفه گشتاور اسپینی را به طور چشمگیری تغییر دهد، در حالی که دو مؤلفه دیگر با در نظر گرفتن برهمکنش درسلهاوس به طور مؤثر تغییر می یابند.

در این مقاله، تأثیر مکانیسم دیاکونوف-پرل را بر روی گشتاور انتقال اسپینی در دیواره و نواحی اطراف آن بررسی شد. نشان داده شد که هر دو گشتاور اسپینی در سطح و خارج از سطح در مقیاس طولی یک نانومتر از دیواره مغناطیسی دیگر به گرادیان مغناطش وابسته نیست. به طور خاص، مؤلفههای گشتاور اسپینی در پایانهها و در فواصل دور از نانوتنگش در حضور کویلاژ اسیین-مدار رفتار نو سانی دارند. همچنین، وابستگی قوی گشتاور ا سپینی به علامت یارامتر های اسـیین–مدار بدسـت آمد. نشــان داده شــد که پارامتر کویلاژ راشبا با علامت منفی α_{χ} اثر مؤثرتری بر روی گشتاور اسپینی داشته، در حالی که مقادیر مثبت آن به طور مؤثر قادر به تغيير مؤلفههای گشـتاور اسـپينی نيسـت. همچنين، افزايش پارامتر راشبا $\left| lpha_{y} \right|$ بدون توجه به علامت آن باعث افزایش گشتاور اسپینی می گردد. نشان داده شد که کویلاژ درسلهاوس به طور قابل ملاحظهای نمی توانند مؤلفه z گشــتاور اسـیینی را تغییر دهند، در حالي كه دو مؤلفه ديگر به طور موثرتري توسط بر همكنش اسيين-مدار تغيير مي يابند.

قدرداني

این مقاله مطابق قرارداد به شماره ۲۹۰۲/آپ/د/۹۶ مورد حمایت مالی توسط دانشگاه بناب قرار گرفته است.

مرجعها

- J. C. Slonczewski; "Current-driven excitation of magnetic multilayers"; J. Magn. Magn. Mater. 159 (1996) L1-L7.
- [2] L. Berger, "Emission of spin waves by a magnetic multilayer traversed by a current"; Phys. Rev. B 54 (1996) 9353.
- [3] P. B. He, X. C. Xie, and W. M. Liu; "Domain-wall resonance induced by spinpolarized current in metal thin films with stripe structures"; Phys. Rev. B, 72 (2005) 172411.
- [4] E. Martinez, L. Lopez-Diaz, O. Alejos, and L. Torres; "Resonant domain wall depinning induced by oscillating spin-polarized currents in thin ferromagnetic strips"; Phys. Rev. B 77 (2008) 144417.
- [5] S. Bohlens and D. Pfannkuche; "Width dependence of the nonadiabatic spin-transfer torque in narrow domain walls"; Phys. Rev. Lett. 105 (2010) 177201.
- [6] A. K. Nguyen, H. J. Skadsem, and A. Brataas; "Giant current-driven domain wall mobility in (Ga,Mn)As"; Phys. Rev. Lett. 98 (2007) 146602.
- [7] Z. Yuan and P. J. Kelly; "Spin-orbit-coupling induced torque in ballistic domain walls: Equivalence of charge-pumping and nonequilibrium magnetization formalisms"; Phys. Rev. B 93 (2016) 224415.
- [8] K. Obata and G. Tatara; "Current-induced domain wall motion in rashba spin-orbit system;" Phys. Rev. B 77 (2008) 214429.
- [9] V. Fallahi; "Spin density and spin torque induced by the D'yakonov-Perel' mechanism in magnetic semiconductor nanowires with a constriction"; Phys. Rev. B 99 (2019) 024408.

$\mathbf{Y}_{\mathbf{x}}\mathbf{B}\mathbf{a}_{\mathbf{y}}\mathbf{C}\mathbf{u}_{\mathbf{z}}\mathbf{O}$ پیش بینی و ساخت فاز جدید ابررسانای پایه

قديمي نوران ، اميررضا ؛ عمويي ، مهتاب ؛ راستي، محمد ؛ محمدي زاده ، محمدرضا

آزمایشگاه پژوهشی ابررسانایی، دانشکاه فیزیک، دانشگاه تهران،

چکیدہ

برای پیشربینی و ساخت ماده جدید که خاصیت ابررسانایی داشته باشد از یک فضای انتزاعی با پایه های ضرایب استکیومتری (X ضریب ایتیریم، Yضریب باریم و Z ضریب مس) استفاده می کنیم. با استفاده از این فضا چند نمونه را پیشربینی کردیم و 11-7-44 را ساختیم که خاصیت ابررسانایی دارد. برای پیش بینی دمای بحرانی، دما را به عنوان بعد چهارم به این فضا اضافه می کنیم و با قرار دادن ضرایب استکیومتری در معادله های به دست آمده دمای بحرانی را نیز با خطایی از مرتبه چند کلوین پیش بینی می کنیم. پیش بینی دمای بحرانی، دما را به عنوان بعد دمای بحرانی را نیز با خطایی از مرتبه چند کلوین پیش بینی می کنیم. پیش بینی دمای بحرانی را نیز با خطایی از مرتبه چند کلوین پیش بینی می کنیم. پیش بینی دمای بحرانی ترکیب ۲۰۱۱ ۲۰۹۹ درجه کلوین است که ما دمای ۸۷ درجه کلوین را در آزمایشگاه مشاهده کردیم.

Pridiction and preparation of a new superconducting structur of Y_xBa_yCu_zO

Ghadimi Nooran, Amirreza ; Amooei, Mahtab ; Rasti, Mohammad ; Mohammadizade, Mohammad Reza

Superconductivity Res. Lab. (SRL), Department of Physics, University of Tehran, Tehran

Abstract

We introduce an abstract space with stoichiometric coefficients basis(X, Y, Z) to predict and construct new materials that have superconductivity property. Using this space, we obtained some theoretical candidates and produced Y4-7-11 which has the anticipated property. For predicting the critical temperature, we added the temperature to this space, as the fourth dimension. By putting the stoichiometric coefficients in the obtained formula, we are able to predict the critical temperature with a reasonable error. In the case of Y4-7-11, our prediction for the critical temperature is 90.9 K which is in a very good agreement with our experimental result 87 K.

PACK NO. 74.72.-h, 74.72.BK

باشند. فرض می کنیم که برای ابررسانایی شرایط خاصی وجود دارد و این شرایط باعث به وجود آمدن خانواده های مختلفی می شود. برای پیدا کردن این خانواده ها ضرایب استوکیومتری (X,Y,Z) را مانند پایه های فضایمان در نظر می گیریم. در این صورت هر کدام از ابررساناها در این فضای انتزاعی مانند یک نقطه از فضا هستند و وجود خانواده به معنای شکل خاصی در این فضا یا به عبارت دیگر وجود یک معادله برای استوکیومتری های ممکن است. به عنوان تقریب اول این شکل خاص را یک صفحه ی تخت در نظر می گیریم. پس برای پیدا کردن ترکیب جدید که پایدار باشد فرض می کنیم که اگر نقطه ای در اکثر صفحات (به دست آمده از سه نقطه هایی که

از خانواده YBCO ترکیبات بسیاری مانند YBCO, Y124, Y123.... ساخته شدهاند که دارای دمای بحرانی متفاوتاند. ما به دنبال پیدا کردن ترکیب جدیدی از این خانواده هستیم که دمای بحرانی بالایی داشته باشد.

پیدا کردن استوکیومتری جدید

مقدمه

در این قسمت سعی میکنیم تا با بررسی ساختار ابررساناهای خانواده ایتیریوم باریوم کوپرات اکسایدها ضرایب استوکیومتری جدیدی بهدست آوریم که خاصیت ابررسانایی داشته باشند و البته پایدار نیز

Y5-6-11, Y7-9-16, Y1-1-2, Y3-4-7

تمام مواد ابررسانای ساخته شده تا به امروز دو ویژگی دارند $X \le Y < Z$) که ما نیز این ویژگیها را در برنامه اعمال میکنیم.

حال برای این که تاثیر 11-6-Yو ۲3-4-7 و ۲3-7-16, Y1-1-2, Y3 کم شود، با انتخاب دو ترکیب دلخواه از این چهار ترکیب و یازده ترکیب دیگر، این سیزده نقطه را در برنامه قرار داده و اجرا می کنیم. بنابراین شش بار برنامه را اجرا کرده و تمام نقاطی را که در تمام این شش بار اجرای برنامه تکرار شده بودند را انتخاب می کنیم که این نقاط در جدول ۱ آمده اند. می گیریم) باشد، یعنی در اکثر خانواده ها وجود دارد و با احتمال بیشتری پایدار خواهد بود. با در نظر گرفتن این حقیقت که از هر سه نقطه یک صفحه (هر صفحه به معنی یک خانواده است) یکتا می گذرد، سه تا سه تا، نقاط را گرفته و معادلات صفحات به دست می آید. با قطع کردن هر سه صفحه با یکدیگر دو حالت به وجود می آید که یا یکدیگر را در یک نقطه قطع می کنند یا نمی کنند، که نقاط به دست آمده پیش بینی ما از ضرایب ممکن است. البته صفحات لزوماً در یک نقطه یکدیگر را قطع نمی کنند بلکه می توانند در یک خط همدیگر را قطع کنند یا اصلاً همدیگر را قطع نکنند که ما به طور دستی این حالت ها را کنار می گذاریم. ما برای اجرای برنامه از سیزده نقطه استفاده می کنیم؛ یازده ترکیب : (با مراجع معتبرتر) [۷–۱]

Y1-2-3, Y1-2-4, Y1-4-5, Y1-5-6, Y2-4-7, Y3-5-8, Y3-8-11, Y7-11-18, Y5-8-13, Y13-20-33, Y2-1-1

| رديف | ايتيريم | باريم | مس | | رديف | ايتيريم | باريم | مس | | رديف | ايتيريم | باريم | مس | |
|------|---------|-------|-----|---|------|---------|-------|-----|---|------|---------|-------|-----|---|
| | (x) | (y) | (z) | | | (x) | (y) | (z) | | | (x) | (y) | (z) | |
| ١ | ١ | ١ | ٢ | * | ۲۱ | ۴ | ۵ | ٩ | | ۲۳ | ٩ | ١٧ | 79 | |
| ٢ | ١ | ٢ | ٣ | * | ١٣ | ۴ | ٧ | 11 | | 74 | 11 | ۲. | ۳۱ | |
| ٣ | ١ | ٣ | ۴ | * | 14 | ۴ | 11 | 10 | | ۲۵ | ۱۳ | 14 | 77 | |
| ۴ | ١ | ۴ | ۵ | * | ۱۵ | ۵ | ۶ | 11 | * | 79 | ۱۳ | ۲. | ٣٣ | * |
| ۵ | ١ | ۵ | ۶ | * | 18 | ۵ | ٧ | ١٢ | | 77 | ۱۳ | ۲۳ | 39 | |
| ۶ | ٢ | ٣ | ۵ | * | ١٧ | ۵ | ٨ | ١٣ | * | ۲۸ | ۱۹ | ۲. | ٣٩ | # |
| ٧ | ٢ | ۵ | V | * | ١٨ | ۵ | ٩ | 14 | | ۲۹ | ۱۹ | ٣٢ | ۵١ | # |
| ٨ | ٢ | ٧ | ٩ | | ١٩ | ۵ | 19 | 21 | | ۳. | ۲۳ | ۳۸ | ۶١ | # |
| ٩ | ٣ | ۴ | V | * | ۲. | V | ٨ | ۱۵ | | ٣١ | ۳۷ | ۵۹ | ٩۶ | # |
| ١. | ٣ | ۵ | ٨ | * | ۲۱ | V | 11 | ١٨ | * | ٣٢ | ۵۵ | ٨۶ | 141 | # |
| 11 | ٣ | ٨ | 11 | * | 77 | V | 17 | ١٩ | | ٨٣ | ٧٩ | 177 | 7.1 | # |

جدول۱: تمام نقاطی که در همهی برنامهها تکرار شدهاند

تمام ابررساناهای ساخته شده در آزمایشگاه دارای ضریب استوکیومتری کمتر از چهارده برای ایتیریوم هستند (نقاطی که دارای# در جدول ۱هستند از این شرط پیروی نمیکنند) پس سیزده نقطه از برنامه سه بعدی گزینهی مناسبی برای ساخت هستند. از پانزده ترکیب ساخته شده که در شرط X+Y=Z صدق میکنند چهارده نتیجه اجرای برنامهی۳ بعدی این است که ۳۳ ترکیب جدول(۱) به احتمال زیاد باید پایدار باشند که از این مقدار ۱۴ عدد (*دارها در جدول ۱)قبلاً در آزمایشگاه ساخته شدهاند.[۷–۱] تمام دادههای یاد شده در جدول ۱ قید X+Y=Z را دارند و این انتخاب به این دلیل است که اکثر مواد ساخته شده در آزمایشگاه دارای این خاصیت اند و

ترکیب در تمام برنامهها وجود داشت (به جز۱۶–۹–۷ ۷ که در آزمایشگاه ساخته شدهاست ولی برنامه ۳بعدی ما آن را پیشبینی نکرده است).

پیش بینی دمای بحرانی نمونهها

ما دمای بحرانی را نیز به عنوان یک پایه از فضا می گیریم. پس هر یک از ابررساناها به عنوان یک نقطه از فضای ۴ بعدی ما هستند. در فضای ۴ بعدی به ازای هر ۴ نقطه یک ابرصفحهی یکتا داریم و با قطع ۳ ابرصفحه دو حالت بهوجود میآید، یا خط بهوجود می آید یا بهوجود نمی آید که ما فقط حالتی که خط بهوجود می آید را انتخاب میکنیم که با جایگذاری نقاط، دما را پیشبینی میکنیم.

 $\frac{\mu X+a}{A} = \frac{\sigma Y+b}{B} = \frac{\gamma Z+d}{D} = \frac{\alpha T+e}{E}$ (1) ضرایب X,Y,Z از استوکیومتری و مابقی ضرایب موجود در معادله (1) نیز از معادله خطی که از برنامه ۲ بعدی حاصل می شود به دست می آید. با جایگذاری ضرایب استوکیومتری یک ابررسانا در معادله بالا ۳ دمای بحرانی به دست می آید. اگر عددهای به دست آمده دقیقا ۳ دمای بحرانی به دست می آید. اگر عددهای به دست آمده دقیقا ۳ مای بخانی به دست می آید. اگر عددهای به دست آمده دقیقا می کند. پس دمای می کند. پس دمای می کند را به دست آمده دمای بحرانی ابررساناست. با جایگذاری نقاط در معادلات خطهای به دست آمده نقاطی که در خطها صدق می کند را به دست آوردیم و سپس تمام دماهای به دست آمده را میانگین می گیریم و در جدول ۲ قرار می دهیم.

معادلهی خط در فضای ۴ بعدی به صورت ذیل است:

| تركيب | دمای تجربی(کلوین) | بازه دمای پیش بینی(کلوین) | میانگین دما(کلوین) | خطا (كلوين) |
|-----------|-------------------|---------------------------|--------------------|-------------|
| Y1-2-3 | 91.7 | 0.7.1-00.71 | 91.77 | ۰.۳ |
| Y5-8-13 | ٩٠٨ | ۸۶.۵۸–۹۹.۷۵ | ٨٩.٧٨ | 1.•۲ |
| Y7-11-18 | ٩٠٨ | ٧٩.٨-٩۵.٩۵ | ٨٩.١٣ | 1.97 |
| Y2-5-7 * | ٩٠.۵ | 9 | ٩٠.٩٢ | •.47 |
| Y3-5-8 | 91.0 | ۸۴.۴–۱۰۶ | ٩٠٨٨ | ۰.۶۲ |
| Y7-9-16 | AV | 9. JE-97.VV | ۹۱۸ | ۴۸ |
| Y1-3-4 | ٩١ | ۵۸.۱۹–۹۱.۸۵ | ٩٠.۶٩ | •.٣١ |
| Y13-20-33 | ۴.۹۸ | VV AV-1 · 1.0 | ۵۹.۶۵ | ۰.۲۵ |

جدول ۲: پیش بینی دمای بحرانی ابررساناهای ساخته شده بهوسیلهی برنامه چهار بعدی

فقط هشت ترکیب از ترکیبات ساخته شده در خطها صدق می کردند و بقیه صدق نمی کنند که یک ترکیب (*دار جدول۲) از دادههای اولیهی برنامه نبود. حال باید ترکیباتی را که از برنامه ی ۳ بعدی بهدست می آید. را برداشت و با پیدا کردن خط مناسب از برنامه ۴ بعدی دمای بحرانی آن را پیش بینی کرد و با ساخت آن ترکیب، درستی فرضیه را بررسی کرد. برای استخراج دمای بحرانی از برنامه، ضرایب هر ماده را در معادله (۱) قرار می دهیم که هرکدام از ضرایب

یک دمای بحرانی به ما میدهد. اگر ۳ دمای داده شده برابر بود پس این عدد برای دمای بحرانی قابل قبول است.

پیش بینی دمای بحرانی دادههای برنامه ۳ بعدی

تنها بعضی از نمونه های به دست آمده از نتایج برنامه ی ۳ بعدی در خطهای به دست آمده از برنامه ۴ بعدی صدق میکنند که این نمونه ها چون در هردو برنامه صدق میکنند نمونه های مناسبی برای

ساخت هستند، یکی از این نمونهها ۲1-۲-۷4 است که دمای پیش بینی شده از برنامهی۴ بعدی ۹۰.۹ کلوین است.

ساخت نمونه Y4-7-11

نمونه Y4-7-11 را به روش استاندارد حالت جامد می سازیم و مقاومت بر حسب دمای آن را اندازه گیری می کنیم که در شکل ۱ نشان داده شده است. و همچنین آزمایش های XRD (شکل ۲)، SEM (شکل ۳) و EDS (شکل ۴) را تهیه کر دیم.



شکل ۱: نمودار مقاومت بر حسب دمای نمونهی ۲۴.۷.۱۱



با توجه به أناليز شكل ۲ معادله شيميايي نمونه Y4Ba_{6.21}Cu_{10.2}O_{24.23}





شکل ۳: SEM نمونهی ۲۴.۷.۱۱

با توجه به شکل ۳ اندازه دانه ها تقریباً از ۱۲ نانومتر تا ۲.میکرومتر



باتوجه به شکل ۴ وجدول ۳ Y4.7.11 XRD با نمونه Y1.2.3 تقریبا یکسان است.

نتيجه گيرى

با اتخاذ ضرایب استوکیومتری موجود از ترکیبات YBCO توانستیم ترکیب جدیدی را پیش بینی کنیم که دارای خاصیت ابررسانایی است و دمای ترکیبات را نیز میتوانیم پیش بینی کنیم. **سپاسگزاری** بخشی از هزینههای این پژوهش توسط معاونت پژوهشی دانشگاه

تهران تامین شده که نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

مراجع

- [1] S. Tajima, et al., Phys. Rev. B 55, (1997) 6051.
- [2] P.Udomsamuthirun, et al., Magn. 23, (2010) 1377
- [3] SSUJINNAPRAM, et al., Bull. Mater. Sci.34, (2011) 1053
- [4] Georgeta Alecu, Romanian Reports in Physiscs 56 (2004) 404
- [5] S.Horii, et al., Physica C 302 (1998) 10
- [6] D.E. Morris, et al., Phys.Rev.B39, (1989) 7347
- [7]T.Panklang, et al., scientific.net 851 (2016) 57

ساخت لایه نازک ابررسانای YBCO به روش لایهنشانی از محلول شیمیایی

با تركيبات آلى بدون فلوئور

راستی، محمد^۱؛ محمدیزاده، محمدرضا^۱

ا آزمایشگاه پژوهشی ابررسانایی، دانشکاه فیزیک، دانشگاه تهران

چکیدہ

روش لایه نشانی از محلول شیمیایی با ترکیبات آلی (metal organic chemical solution deposition) برای ساخت لایه نازک ابررسانای YBCO به کار گرفته شده است. در این روش لایه مورد نظر با روش لایه نشانی چرخشی تهیه شده و تحت عملیات حرارتی تکلیس و کلوخه سازی قرار می گیرد. نتایج آنالیز ساختاری نشان دهنده رشد جهتمند لایه در جهت محور C و اندازه گیری مقاومت بر حسب دما نشاندهنده دمای گذار حدود ۲۰ کلوین و پهنای ۱۰ درجه است. کیفیت نهایی نمونه ابررسانا به شدت به عوامل مختلف ساخت وابسته است و بهینه سازی های بیشتر برای دستیابی به نمونه ایدهآل در حال انجام است.

Fabrication of YBCO Superconducting Thin Film by Fluorine-Free Metal Organic Chemical Solution Deposition Route

Rasti, Mohammad¹; Mohammadizadeh, Mohammadreza¹

¹ Superconductivity Research Lab. (SRL), Department of Physics, University of Tehran

Abstract

Metal organic chemical solution deposition route was used to prepare YBCO thin film. Precursor solution was spin coated on the substrate and then the as-deposited film heat treated for calcination and sintering processes. XRD analysis and four point probe measurement show good epitaxy in the c direction and $T_c=70K$ ($\Delta T_c=10K$), respectively. Final quality of the films strongly related on the experimental condition and more optimizations are in processing to obtain an ideal film.

PACS No. 74.72.-h; 74.78.Bz; 84.71.Mn.

گرفته است [۱و۲]. محققان توانستهاند با این روش که نیاز به تجهیزات خلأ ندارد، نمونههای با کیفیت ابررسانای YBCO که دمای گذار و چگالی جریان بحرانی بالایی دارند، تولید کنند. دو رویکرد عمده در ساخت نمونههای YBCO با این روش وجود دارد: استفاده از پیش مادههای فلوئوردار (MOD-TFA) و استفاده

مقدمه

لایهنشانی ترکیبات اکسید فلزی به روش رسوب از محلول آلی در سالیان اخیر برای ساخت لایه نازک ابررسانای اکسید مسی به جهت کاربردهایی که در ساخت سیمهای نسل دوم ابررسانا، قطعات مایکروویو، سیستمهای قدرت و ... دارند، بسیار مورد توجه قرار

از پیش مادههای فاقد فلوئور (FF-MOD) [۳و ٤]. در روش اول تركيبات آلى موجود در فيلم پس از مرحله تكليس به اكسى فلوريد تبديل مي شود؛ به طور خاص به جاي فاز مياني BaCO₃، فاز BaF تشكيل مي شود [٥]. اين موضوع از اين جهت حائز اهميت است كه کربنات باریوم که به عنوان یکی از پیش مادههای ساخت ابررسانای YBCO مورد استفاده قرار می گیرد پایداری بالایی حتی در دماهای بالا دارد و باقی ماندن آن در مرزدانهها، باعث اتصال ضعیف بین دانهای و کاهش چگالی جریان بحرانی می شود. روش MOD-TFA برای ساخت نمونههای با چگالی جریان بحرانی بالا موفقیت آمیز بوده است اما دو عیب کلی نیز دارد: زمان های طولانی برای تجزیه ترکیبات آلی به اکسی فلورید و آزاد شدن گاز HF در مرحله کلوخهسازی. از طرف دیگر در روش FF-MOD زمانهای واکنش کوتاهتر و با محیط زیست سازگار است. برای تجزیه کامل باریوم کربناتی که در این روش به عنوان فاز میانی تشکیل میشود باید شرایط کلوخهسازی یعنی دما و فشار جزئی اکسیژن را به دقت کنترل کرد تا نمونه های با چگالی جریان بحرانی بالا حاصل شود.

در روش FF-MOD و FF-MOD در نمونه تشکیل میشود. در مرحله کریستالی BaCO₃ و CuO در نمونه تشکیل میشود. در مرحله کریستالی شدن از واکنش کربنات باریوم و اکسید مس، ترکیب BaCuO₂ تشکیل می شود که واکنش این فاز با CuO موجب می شود که یک فاز مذاب در نمونه به وجود آید. در نهایت واکنش این فاز مذاب با P₂O₃ فاز نهایی YBCO را نتیجه می دهد [۲]. تمامی این واکنش ها شدیداً به دما و فشار جزئی اکسیژن وابسته هستند و باید طبق دیاگرام فاز دما و فشار جزئی اکسیژن انتخاب شوند. مزیت تشکیل فاز مذاب این است که هم سرعت رشد لایه را بالا می برد و هم با کاهش زاویه مرزدانه ها، چگالی جریان بحرانی را افزایش می دهد [۷۵].

جزئيات آزمايش

ابتدا پودرهای استات ایتریوم، باریوم و مس با استوکیومتری ۱:۲:۳ در پروپیونیک اسید و محلول آمونیاک به مدت یک ساعت در

دمای C°۸۰ حل می شوند. محلول آمونیاک یا مشتقات آن مثل دىاتانول آمين، ترىاتانول آمين، پايريدين و... نقش چنگالەسازى دارند؛ به این صورت که اتمهای نیتروژن با فلز مرکزی پیوند برقرار کرده و باعث می شود محلول همگن تری به دست آید. پس از آن اجازه میدهیم که حلال کاملاً تبخیر شده و ژل به دست آمده در متانول حل می شود. غلظت نهایی محلول ۱/۵ مولار است. محلول حاصل با روش لايەنشانى چرخشى روى زيرلايە تكبلور (LAO(100) با سرعت ۳۰۰۰rpm لایهنشانی شده و در دمای ۲۰۰°C روی صفحه داغ خشک میشود. سپس بلافاصله نمونه در کوره استوانهای با نرخ C/min تا دمای C°۰۰ در اتمسفر اکسیژن مرطوب تکلیس می شود. مرحله کریستالی شدن یا کلوخهسازی با گرم کردن نمونه با نرخ C/min°د تا دمای ۲°۸۳۰ و نگه داشتن در این دما به مدت یک ساعت و در اتمسفر آرگون/اکسیژن با نسبت تقریبی ۱/۱۰ انجام شد. در نهایت نمونه به مدت ۳ ساعت در دمای °C اکسیژندهی میشود. ضخامت نهایی لایه با این شرایط ساخت، حدود ۲۰۰ نانومتر میشود. به منظور یافتن شرایط مناسب برای تجزیه ترکیبات آلی آنالیز TGA/DSC انجام شده است. آنالیز XRD برای بررسی تشکیل فاز مورد نظر و جهتمندی رشد لایه انجام شده است. همچنین آنالیز SEM و EDS برای بررسی مورفولوژی سطح و رشد دانهها و توزیع عناصر فلزی و اندازهگیری مقاومت بر حسب دما برای تعیین دمای گذار نمونه انجام شده است.

تحليل نتايج

مقداری از محلول نهایی برای به دست آوردن پودر جهت آنالیز TGA/DSC خشک می شود. نتایج نشان می دهد که با افزایش دما، جرم پودر کاهش پیدا می کند. کاهش جرم در ۲°۱۰۰ درجه به علت از دست دادن رطوبت است. همچنین کاهش وزن شدیدی از دمای حدود ۲°۲۰۲ شروع شده و تا ۲°۲۰۰ ادامه دارد. این کاهش وزن heat Flow نمودار تالی است. قلههای نمودار What Flow نشاندهنده واکنش های مربوط به تجزیه ترکیبات آلی است (شکل ۱). استات ها در اثر حل شدن در پروپیونیک اسید به پروپیونات

تبدیل شده و در نهایت در مرحله تکلیس به ترکیبات اکسید فلزی تبدیل می شوند [٦و ٩].



شکل ۱: نمودار TGA/DSC پودر پیش ماده در اتمسفر اکسیژن

نتایج آنالیز XRD نشان می دهد که لایه ابررسانا به صورت جهت مند در جهت محور c رشد یافته است. همچنین هیچ گونه قله مربوط به فازهای میانی دیده نمی شود (شکل ۲). در اینجا دمای کلوخه سازی ۵۳۰۰۲ و فشار جزئی اکسیژن حدود ۱۵th جایی بین دو خط c2 (رشد در جهت c) و c1 (رشد شدیداً در جهت c) است که معادلات این دو خط به شکل زیر هستند [۱۰]:

$$Log(P)_{c2} = -5.07 \left(\frac{10000}{T}\right) + 45.70$$
$$Log(P)_{c1} = -5.28 \left(\frac{10000}{T}\right) + 45.32$$

در معادلات فوق P فشار جزئی اکسیژن بر حسب atm و T دمای کلوخهسازی بر حسب کلوین است.

اندازه گیری مقاومت بر حسب دما نشان می دهد که دمای گذار نمونه برابر ۷۰ کلوین با پهنای تقریبی ۱۰ درجه است (شکل ۳). همچنین رفتار نمونه در فاز هنجار فلزگونه است. رفتار ابررسانایی لایههایی که به این روش ساخته میشوند شدیداً به شرایط ساخت وابسته است. تغییر کوچکی در شرایط ساخت باعث میشود که نمونه در فاز هنجار رفتار عایق گونه داشته باشد یا اصلاً ابررسانا نشود. دلیل این موضوع آن است که در مرحله تشکیل فاز YBCO اگر شرایط

دما و فشار جزئی اکسیژن مطابق دیاگرام فاز دما-فشار جزئی اکسیژن نباشد، واکنشهای مربوطه به خوبی انجام نمی شوند [۱۱].



شکل ۲: نمودار طیف XRD لایه نازک YBCO



شکل ۳: منحنی مقاومت بر حسب دمای لایه نازک YBCO

از آنجا که دمای گذار نمونه کمتر از ۷۷ کلوین بود امکان اندازه گیری چگالی جریان بحرانی وجود نداشت و تغییر شرایط ساخت برای بهبود دمای گذار نیز تاکنون منجر به نتیجه بهتر نشده است.

تصویر SEM سطح لایه ابررسانا (در دو مقیاس ۱ و ۵ میکرون) و طیف EDS آن در شکل ٤ نشان داده شده است. اندازه دانههای کوچکتر و دایرهای شکل که دانههای تکبلور YBCO هستند زیرمیکرونیاند. دانههای بزرگی که روی سطح تشکیل شده به خاطر به هم پیوستن دانهها به دلیل کند سرد شدن نمونه از دمای تجزیه می شود. دمای سینترینگ نمونه C^{° ۲}۸۳۰ و فشار جزئی اکسیژن حدود ۸۵۲۸۰ بود که این پارامترها بین دو خط c2 و c1 قرار می گیرد. نتایج XRD نیز نشان می دهد که نمونه با این شرایط ساخت، به طور کامل در جهت محور C رشد یافته است. دمای گذار نمونه در حدود ۷۰ کلوین و پهنای آن ۱۰ درجه است.

سپاسگزاری

مراجع

بخشی از هزینههای این پژوهش توسط معاونت پژوهشی دانشگاه تهران تأمین شده که نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

[1] T. Schneller, "Chemical Solution of Functional Oxide Thin Films", *Springer*, (2013).

[2] X. Obradors et al., "Chemical solution deposition: a path towards low cost coated conductors" *Supercond. Sci. Technol.* **17** (2004) 1055-1064.

[3] T. Araki and I. Hirabayashi, "Review of chemical approach to YBa₂Cu₃O₇ coated conductors –metal organic deposition using trifluoroacetates", *Supercond. Sci. technol.* **16** (2003) R71-R94.

[4] Y. Zhao et al., " Structural and superconducting characteristics of $YBa_2Cu_3O_7$ films grown by fluorine-free metal-organic deposition route", *Acta mater.* **144** (2018) 844-852.

[5] L. H. Jin et al., "Evolution of low fluorine solution in decomposition and crystallization for $YBa_2Cu_3O_y$ film growth" *J. Alloy. Compd.* **568** (2013) 36-41.

[6] P. Vermeir et al, "Elucidation of the Mechanism in Fluorine-Free Prepared $YBa_2Cu_3O_{7-\delta}$ Coatings" *Inorg. Chem.*, **4** (2010) 4471–4477.

[7] P. Y. Chu and R. C. Buchanan, "Reactive liquid phase sintering of solution-derived YBa₂Cu₃O₇ superconducting thin films: Part I. Ambient and precursor effects on BaO-CuO liquid phase formation" *J. Mater. Res.*, **8** (1993) 2134-2142.

[8] P. Y. Chu and R. C. Buchanan, "Reactive liquid phase sintering of YBa₂Cu₃O₇ superconducting thin films: Part II. Sintering mechanism and film properties" *J. Mater. Res.*, **9** (1994) 844-851.

[9] M. Nasui et al., "Fluorine-free propionate route for the chemical solution deposition of $YBa_2Cu_3O7_x$ superconducting films" *Ceram. Int.* **41** (2015) 4416-4421.

[10] Y. Xu et al., "Processing Dependence of Texture, and Critical Properties of YBa₂Cu₃O₇ Films on RABiTS Substrates by a Non-Fluorine MOD Method" *J. Am. Ceram. Soc.*, **89** (2006) 914–920.

[11] P. Vermeir et al., "Influence of sintering conditions in the preparation of acetate-based fluorine-free CSD YBCO films using a direct sintering method" *Mater. Res. Bull.* **47** (2012) 4376–4382.

کلوخهسازی است. همچنین دانههایی که در راستای *a-b* رشد یافته باشند (میلهای شکل) دیده نمیشود که با نتایج XRD مطابقت دارد. طیف EDS نیز برآورد نسبی از نسبت کاتیونهای فلزی لایه به دست میدهد. برای نمونه مورد نظر این نسبت برابر 1:2.04:2.52 است.







جمعبندى

لایه نازک ابررسانای YBCO با روش MOD با استفاده از ترکیبات بدون فلوئور ساخته شد. نمونه لایه نشانی شده با گرم کردن تا دمای ۲°۰۰۰ تکلیس شده و تمام ترکیبات آلی موجود در فیلم

بررسی خواص مغناطیسی ابررسانایYBCO آلایش داده شده با منگنز

امیری مقدم، مهشید؛ حسینی، سید سجاد؛ شاکری پور، حمیده؛ سلامتی، هادی

دانشکاهٔ فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان ۲۳۱۱۱–۸٤۱۵

چکیدہ

خواص مغناطیسی نمونه های ابررسانای بس بلور کپه ای ۸۵-۷ Y_{1-x}M_xBa₂Cu₃O کر یاده شده با عنصر مغناطیسی (۲۰/۰، ۲۰۰٬۰۰۰ (×=۰/۰، ۸۳ در جایگاه ایتریم که با روش سل ژل ساخته شدند، و نیز تغییر دمای پخت بر روی دمای گذار، بررسی شد. آنالیز پراش ایکس نمونه ها، تشکیل فاز ۱۲۳ را نشان داد و ناخالصی قابل آشکاری در طیف پراش نمونه ها دیده نشد. با اندازه گیری پذیرفتاری مغناطیسی AC دیده شد، با آلایش ۲ درصد عنصر مغناطیسی، که انتظار می رود کاهش شدیدی در دمای گذار ابررسانایی نشان دهد، دمای گذار تغییر چندانی نکرد.

Investigation of superconducting properties of YBCO doped by Mn

Amiri-Moghadam, Mahshid; Hosseini, Seyed Sajjad; Shakeripour, Hamideh; Salamati, Hadi

Department of Physics, Isfahan University of Technology, Isfahan 84156 -83111, Iran

Abstract

Magnetic properties of superconducting $Y_{1-x}M_xBa_2Cu_3O_{7-\delta}$ samples doped by magnetic element Mn (x = 0.00, 0.004, 0.02) for the yttrium site were investigated. The samples were prepared by sol-gel method. The analysis of X-ray diffraction of the samples showed that all the samples are crystallized in single phase 123 with no detectable impurity phases. As demonstrated by AC magnetic susceptibility measurements, the transition temperature of 2% doped sample, which was expected to strongly reduce T_c , did not decrease and showed nearly the same T_c as the pure ones.

PACS No. 74

درون صفحات 2 CuO را II و مس در زنجیره مس که در راستای d قرار دارد را Cu-I می نامند. آزمایش های پراش نوترون در این تحقیقات نشان می دهند که منگنز در جایگاه Cu-I قرار می گیرد [۲]. همچنین آلایش منگنز بیش از ۱ درصد، پهن شدگی گذار و کاهش دیامغناطیس ابررسانایی را نشان می دهد. با آلایش منگنز، نیکل، آهن و روی در جایگاه مس با مقدار آلایش ۲/۵ درصد، کاهش دمای گذار برای نمونه حاوی منگنز، کمتر از سایر عناصر جاینشانی شده، بوده است [۳]. در کارهای انجام شده با مقادیر آلایش های متفاوت عنصر مغناطیسی منگنز در جایگاه مس،

پس از دست یابی محققین به تکنولوژی سرد سازی، پدیده ابررسانایی برای اولین بار در عنصر جیوه مشاهده شد [۱]. با کشف ابررسانای دمابالای YBCO محققین برای بهبود این ترکیب و استفاده کاربردی آن تلاش های فراوانی همچون آلایش عناصر در جایگاه عناصر متفاوت این ترکیب انجام دادند. در ترکیب ابررسانای VBCO، جاینشانی عناصر مغناطیسی در جایگاه های متفاوت ابررسانا، باعث تخریب ابررسانایی می شود. محققین با جاینشانی های فراوان در جایگاه مس، سعی در مطالعه خواص ابررسانایی و بهبود خواصی مانند مراکز میخکوبی کرده اند. مس دو جایگاه متفاوت در ساختار کریستالی ترکیب، دارا می باشد. مس

مقدمه

جاینشینی منگنز و کبالت در جایگاه مس، به دلیل ممان مغناطیسی این عنصر، موجب کاهش دمای گذار شده است [٥].

در کارهای قبلی گروه دیده شد که با اضافه کردن مقدار ۲۰۰۴ نیکل یا آهن و نیز ۲۰/۰۱ × کبالت به جای ایتریم دمای گذار کاهش نیافت. منگنز دارای شعاع یونی نزدیک به آهن و کبالت می باشد. با جاینشانی مقادیر مشابه از عنصر مغناطیسی منگنز در پی فهم این مشاهده بودیم. در این تحقیق، با جاینشانی عنصر مغناطیسی منگنز با مقادیر آلایش ۲۰/۰، ۲۰۰۶، ۰۰/۰ درجایگاه ایتریم و با تغییر دمای پخت، به بررسی خواص مغناطیسی این ترکیب پرداخته شد. نمونه ها با روش سل ژل ساخته شدند. در روش سل ژل نمونه ها دارای همگنی بیشتر و اندازه ذرات کوچکتری می باشند. بررسی خواص مغناطیسی توسط پذیرفتاری مغناطیسی AC انجام شد.

ساخت

نمونه های M = Mn، $Y_{1-x}M_xBa_2Cu_3O_{7-\delta}$ با مقادیر متفاوت استوکیومتری آلایش ۲۰ ۰/۰۰، x=۰/۰۰، ۲۰۰/۰۰ به روش سیترات ژل، که فرایندی متداول برای ساخت نمونه های ابررساناىYBCO مى باشد، ساخته شدند. جهت تهيه محلول سل، اوليه Ba(NO₃)₂ ،Y(NO₃)₃.6H₂O. نيترات فلزات Cu(NO₃)₂.3H₂O، الارصد خلوص ۹۹/۹٪ Mn(NO₃)₂.3H₂O درون آب مقطر حل می شوند. پس از تهیه سل و تنظیم pH بر روی عدد ۲/۸، سل نهایی را در دمای ۲۵ درجه سانتیگراد قرار داده و ژل حاصل طی فرایند خوداحتراقی و افزایش دما تا ۵۲۰ درجه، پودري به رنگ قهوه اي تيره به دست مي دهد. پودر حاصل را پس از سایش و دو مرحله کلسینه در دمای ۸۸۰ درجه سانتی گراد، جهت فرايند پخت نهايي به صورت مكعب مستطيل با ابعاد ۹۰۰ دمای ۲۰×۳×۱۰ تحت فشار دمای ٤٠ bar تهیه کرده سپس در دمای ۳۰۰ و ۹۳۰ درجه سانتی گراد برای ۲٤ ساعت تحت شار اکسیژن خالص و با نرخ یک حباب بر ثانیه، باقی می مانند و مرحله زینتر انجام می شود. سپس به آرامی و تحت شار اکسیژن مشابه تا دمای اتاق خنک می شوند.

پس از تهیه نمونه ها، جهت بررسی خواص مغناطیسی اندازه گیری پذیرفتاری مغناطیسی AC توسط دستگاه پذیرفتاری مغناطیسی انجام گرفت. دستگاه پذیرفتاری شرکت Lake-shore مدل ۷۰۰۰ دارای قابلیت اندازه گیری در محدوده دمایی مدل ۷۰۰۰ کاوین می باشد. اندازه گیری در میدان مغناطیسی متناوب به بزرگی ¹⁻ A.m /۰ و فرکانس Hz انجام شد. همچنین آنالیز پراش پرتو ایکس نمونهها به منظور بررسی تشکیل فاز اصلی و تک فازه بودن نمونهها در محدوده ۱۰۰<u>ک</u>

نتايج و تحليل

با بررسی و مقایسه طیف پراش نمونههای خالص و دارای ۲٪ ناخالصی منگنز در دمای اتاق، مطابق شکل ۱، نشان میدهد که فاز ۱۲۳ در کلیه نمونهها ایجاد شده و فاز ناخالصی قابل مشاهده ای دیده نمی شود.

پذیرفتاری مغناطیسی مواد، که واکنش نمونه در مقابل میدان مغناطیسی می باشد، شامل دو جمله حقیقی و موهومی است. جمله حقیقی، رفتار دیامغناطیسی در نمونه را نشان می دهد و جمله موهومی، بیانگر مقدار اتلاف انرژی است. با اندازه گیری پذیرفتاری مغناطیسی می توان دمای گذار ابررسانا و نیز درصد حجم نمونه که ابررسانا شده است را به دست آورد.

اندازه گیری پذیرفتاری نمونه ها، شکل ۲، نشان می دهد، دمای گذار نمونه منگنز با آلایش ۲۰۰٤، کاهش بیشتری نسبت به آلایش ۲۰/۲ داشته است. نمونه منگنز با آلایش ۲۰/۲ دمای گذاری در محدوده نمونه خالص نشان می دهد. طبق نظریه BCS انتظار می رود با آلایش ۲ درصد عنصر مغناطیسی، دمای گذار شدیدا کاهش یابد. ممان مغناطیسی منگنز ۷۲/۵ مگنتون بور می باشد [۲]. این مشاهده ممکن است بیانگر تبعیت کردن این ترکیبات از نظریه های جدید جفت شدگی الکترون ها با واسطه گری نوسانات اسپینی باشد [۷].

جهت بررسی اثر دمای پخت، دو نمونه حاوی ۰/۰۲ منگنز، در دو دمای ۹۳۰ و ۹۰۰ درجه سانتی گراد، زینتر شدند. همانگونـه کـه

در شکل۳ مشاهده می شود در نمونه با دمای پخت ۹۳۰ درجه، دو فاز تشکیل شده است. فاز اول، فاز اصلی ۱۲۳ با دمای گذار حدود ۹۲ کلوین بوده و فاز ناخالصی دوم، دمای گذار حدود ۸۹ کلوین نشان می دهد. این مشاهده نشان می دهدکه دمای ۹۳۰ درجه جهت پخت، بالا بوده و احتمالا باعث ذوب منطقه ای و منجرشدن به تشکیل فاز دومی با دمای گذاری پایین تر در نمونه شده است. بنابراين ديده شد بهترين دما جهت يخت نمونه با آلايش منگنز، ۹۰۰ درجه سانتی گراد می باشد.



شكل ۱: نمودار XRD مربوط به نمونه خالص و آلايش يافته توسط ۲٪ منگنز.





منگنز، زینتر شده در دمای ۹۰۰ و ۹۳۰ درجه سانتی گراد.

نتيجه گيري

با آلایش ترکیب Sa2Cu3O7-6 با عنصر مغناطیسی منگنز تا مقدار ۲ درصد، ساخته شده به روش سل ژل، دمای گذار برای نمونه حاوى منگنز، برخلاف انتظار نظريه BCS، كاهش قابل ملاحظه ای را نشان نداد و دمای گذار در محدوده دمای گذار نمونه خالص است. این مشاهده ظاهرا بیانگر تبعیت کردن این ترکیبات از نظریه های جدید جفت شدگی الکترون ها با واسطه گرى نوسانات مغناطيسى مى باشد.

سیاسگزاری

بدینوسیله از همکاری آقای خالید رحمانی و خانم بهناز هادی، صمیمانه تشكر ميكنيم.

- ['] de Bruyn Ouboter, R., Superconductivity: Discoveries during the early years of low temperature research at Leiden 1908-1914. IEEE Transactions on magnetics, 1987. 23(2): p. 355-370.
- [۲] Saini, N., et al., Neutron diffraction and Hall effect measurements on YBa2(Cu1-xMnx)3O7 system. Solid state communications, 1992. 82(11): p. 895-899.
- [٣] Samuel, E.I., et al., Dc magnetic properties of Mn doped $YBa_2Cu_3O_{7-\delta}$ superconductor. Superconductor Science and Technology, 2001. 14(7): p. 429.
- [۴] Gahtori, B., et al., Thermal transport in $(Y,Gd)Ba_2(Cu_{1-x}Mn_{x)3}O_{7-\delta}$ for $x \le 0.02$. Journal of Physics: Condensed Matter, 2007. **19**(25): p. 256212.

- [2] Isaac Samuel, E. and V. Seshu Bai, *Temperature and field variation of AC susceptibility on Mn doped YBa*₂Cu₃O_{7-δ} superconductor. International Journal of Modern Physics B, 2003. 17(03): p. 383-392.
- [[†]] Salama, A., et al., Effect of magnetic and nonmagnetic nano metal oxides doping on the critical temperature of a YBCO superconductor. Advances in Natural Sciences: Nanoscience and Nanotechnology, 2015. 6(4): p. 045013.
- [Y] Mathur, N., et al., Magnetically mediated superconductivity in heavy fermion compounds. Nature, 1998. 394(6688): p. 39.
- [A] Chubukov, A.V., D. Pines, and J. Schmalian, A spin fluctuation model for d-wave superconductivity, in The physics of superconductors. 2003, Springer. p. 495-590.
- [4] Monthoux, P., A. Balatsky, and D. Pines, *Toward a theory of high-temperature superconductivity in the antiferromagnetically correlated cuprate oxides*. Physical Review Letters, 1991. **67**(24): p. 3448.
- [1] Moriya, T. and K. Ueda, Spin fluctuations and high temperature superconductivity. Advances in Physics, 2000. 49(5): p. 555-606.
- Pines, D., Understanding high-temperature superconductivity: a progress report. Physica B: Condensed Matter, 1994. 199: p. 300-309.
- Scalapino, D.J., The case for dx2- y2 pairing in the cuprate superconductors. Physics Reports, 1995. 250(6): p. 329-365.
- [17] Tsuei, C. and J. Kirtley, Pairing symmetry in cuprate superconductors. Reviews of Modern Physics, 2000. 72(4): p. 969.

نقاط ویل در کایرال مگنت–ابررسانا بروکانلو، سمیه'؛ گودرزی ، هادی' ؛ خضرلو ، مریم'^{۲۰} المروه فیزیک، دانشکاره علوم، دانشگاه ارومیه ^۲ بنیاد ملی نخبگان

چکیدہ

در این مقاله، ابرساختاری متشکل از یک ابررسانا نوع-۶ و یک مگنت کایرال مکعبی را درنظر میگیریم. این سیستم دارای بافت اسپینی توپولوژیک، یعنی یک اسکیرمیون میباشد. نشان می دهیم که در طیف انرژی شبه ذرات باگالیوباف در این سیستم، نقاط ویل جدید و برانگیختگیهای حفره ای ظاهر می شوند که میتوان نقاط ویل را با استفاده از جفت شدگی اسپین-مدار جابجا کرد.

Weyl points in superconducting-chiral magnet

Broukanlou, Somayeh¹; Goudarzi, Hadi¹; Khezerlou, Maryam^{1,2}

¹ Department of Physics, Faculty of Science, Urmia University ² National Elites foundation

Abstract

In this paper, we investigate a heterostructure including s-wave superconductor and a cubic chiral magnet. Chiral magnet stabilizes a topological spin texture, which is described by a Skyrmion. We study the band structure of Bogoliubov quasiparticles and introduce existence of hole excitations and new Weyl points, that position of Weyl points can be controlled by the magnetization.

PACS No. 74, 75

مطالعات در ساختارهای اسپینی، توجه ویژهای به اسکیرمیون^۲ مغناطیسی دارد، که با یک عدد توپولوژیکی صحیح مشخص می-شود[۸-۹]. اسکیرمیونها یک برآشفتگی موضعی در فضا هستند که در میدانی از اسپینها ایجاد میشوند. این نواحی، مغناطشهای معکوس دارند که با اسپینهای چرخان احاطه شدهاند. شبه ذرات اسکیرمیون میتوانند نمایش کلی از میدانهای مغناطیسی و الکتریکی گردابی باشند، که در برخی از آهنرباهای کایرال همچون ترکیبات B20 مکعبی (مانند MnSi و Fe_{0.5}Co_{0.5}SI) بصورت ترکیبات مشاهده شدهاند [۱۰]. ساختار توپولوژیکی اسکیرمیونها

در سال های اخیر ساختارهای توپولوژیکی به دلیل کاربردهای فراوانی که در فناوری دارند توجه خاصی را به خود جلب کردهاند، که به علت ناوردایی توپولوژیکی ویژگیهای خاصی دارند. این مواد دارای مخروط های سطحی دیراک هستند و حاملهای بار روی سطح آنها، با اسپین قطبیده حرکت میکنند[1-7]. حضور نقاط ویل در ساختار نواری، وجود پدیدههای بسیاری، از جمله حالتهای سطحی قوس فرمی، ناهنجاریهای کایرال و اثر غیرعادی هال را پیش بینی میکند[۳-۷].

Skyrmion ^{*}

Weyl points '

مقدمه

که در آن $\vec{\sigma}$ ماتریس های پائولی در فضای اسپینی و $\mathcal{E}_k = -t \sum_{i=\{x,y,z\}} \cos(k_i a)$ \mathbf{a} انرژی بستگی با ثابت شبکه ی \mathbf{a} است. جهت گیری جفت شدگی اسپین مدار در یک مدل شبکه ای مکعبی را می توان با بردار زیر توصیف کرد: \vec{g} (\vec{k}) = (sin ($k_x a$), sin ($k_y a$), sin ($k_z a$)). (۲) J (۲) J پتانسیل شیمیایی با \mathcal{H} و ضریب جفت شدگی تبادلی نیز با \vec{M} \vec{m} مشخص شده است. گشتاور مغناطیسی موضعی نیز با \vec{n} (۲) $\vec{n} = (\cos\phi\sin\theta, \sin\phi\sin\theta, \cos\theta)$ مگایرال مگنت نشان داده شده است. ویژه مقادیر هامیلتونی برای کایرال مگنت

بصورت زیر بدست می آید: $E_{CM} = (\varepsilon_k - \mu) \pm \sqrt{(J_x - \alpha_x)^2 + (J_y - \alpha_y)^2 + (J_z - \alpha_z)^2}$ (۳)

که توسط پارامتر های زیر معرفی می شود:

$$\alpha_x = \alpha_{so} \sin \theta \cos \varphi, \ \alpha_y = \alpha_{so} \sin \theta \sin \varphi,$$

 $\alpha_z = \alpha_{so} \cos \theta$
 $J_x = JM \sin \theta_1 \cos \varphi_1, \ J_y = JM \sin \theta_1 \cos \varphi_1,$
 $J_z = JM \cos \theta$



نمودار ۱: اثر جفت شدگی اسپین-مدار برروی انرژی کایرال مگنت برحسب k_x, k_y طیف انرژی کایرال مگنت برای پارامترهای $t = 0.1, \Delta = 0.2, JM = 2.0, \mu = -4.8, \alpha_{SO} = 0.6$ $= \theta, \varphi = \frac{\pi}{4}$ رسم شده است.

در نمودار ۱ انرژی کایرال مگنت را به ازای دو مقدار مختلف جفت شدگی اسپین-مدار $(\alpha_{SO}=0$ و $\alpha_{SO}=1)$ رسم کرده ایم.

باعث ایجاد نیروی مگنوس" میشود که مانند نیروی لورنتس بر اسکرمیونها تاثیر میگذارد[11]. این نیرو از اسکیرمیونها در مقابل ناخالصیها یا نقص شبکه، محافظت میکند.گشتاور انتقال اسپینی یک نوع گشتاور اسپینی القا شده توسط جریان است که حضور آن به بافت اسپینی غیرخطی نیاز دارد[17]. جفت شدگی اسپین-مدار نیز نوع دیگری از گشتاور ناشی از جریان، به اسم گشتاور اسپین-مدار(SO) را ایجاد میکند که میتواند اسکیرمیون-ها را از طریق جریان حرکت دهد[۱۳]. جفت شدگی اسپین-مدار ها را از طریق جریان حرکت دهد[۱۳]. جفت شدگی اسپین-مدار فو فاز کریستالی اسکیرمیون میباشد. در اثر مجاورت مگنت با ابررسانا، در ساختاری نواری این سیستم نقاط ویل ظاهر میشوند، که با توجه به قدرت جفت شدگی اسپین-مدار میتوان شیب مخروطهای ویل را تغییر داد[۱۲].

مطالعات اخیر نشان داده است که ابررسانایی دیدگاههای جدیدی در مورد اسپینترونیک ارائه میدهد. از دیدگاه تئوری، سیستمهایی با مغناطیس و ابررسانایی از نظر بررسی توپولوژی نواری شبه ذرات باگالیوبوف⁶ بسیار جالب توجه هستند. با جفت شدگی اسپین-مدار راشبا، حالتهای شبه ذرات باگالیوباف میتواند توپولوژی غیر بدیهی داشته باشد [18].

در این مقاله طیف انرژی مگنت کایرال MnSi را در حضور جفت شدگی اسپین-مدار مورد مطالعه قرار میدهیم. از مجاورت یک ابررسانای نوع-s با این کایرال مگنت میتوانیم شاهد تشکیل نقاط ویل و برانگیختگی های حفره ای باشیم.

فرمالیسم هامیلتونی موثر و طیف پاشندگی هامیلتونی کایرال مگنت در حضور بردار مغناطش و جفت شدگی اسپین-مدار به صورت زیر تعریف میشود: $H_0(\vec{k}) = (\varepsilon_k - \mu) - JM \vec{n} . \vec{\sigma} + \alpha_{SO} \vec{g} (\vec{k}) . \vec{\sigma}$ (۱)

Magnus force "

Dzyaloshinskii-Moriya[£]

Bogoliubov quasiparticle °

$$\eta_{1} = (\alpha_{so}(k_{x}\cos\varphi\sin\theta + k_{y}\sin\varphi\sin\theta + k_{z}\cos\theta),$$

$$\eta_{2} = \left\{ \varepsilon_{k} - JM - \mu - \frac{|\Delta|}{2\mu} + \left[\frac{\alpha_{so}^{2}}{2JM}\right] \left[(k_{x}^{2} + k_{y}^{2} + k_{z}^{2}) \right] \right\}$$

 $-(k_x\cos\varphi\sin\theta+k_y\sin\varphi\sin\theta+k_z\cos\theta)^2]\}^2,$

$$\eta_{3} = \left(\frac{\left|\Delta\right|\alpha_{so}\left(JM + \left|\mu\right|\right)}{2JM\left|\mu\right|}\right)^{2}\left[\left(k_{x}^{2} + k_{y}^{2} + k_{z}^{2}\right) - \frac{1}{2}\left(k_{x}^{2} + k_{y}^{2}\right)\right]^{2}\left[\left(k_{x}^{2} + k_{y}^{2}\right)^{2}\right]^{2}\left[\left(k_{x}^{2} + k_{y}^{2}\right)^{2}\right]^{2}\left[\left(k_{y}^{2} + k_{y}^{$$

 $(k_x \cos \varphi \sin \theta + k_y \sin \varphi \sin \theta + k_z \cos \theta)^2$]



نمودار۲: اثر جفت شدگی اسپین-مدار برروی انرژی ابرساختار متشکل از ابررسانای نوع-s و یک کایرال مگنت مکعبی. که انرژی برای پارامترهای $t = 0.1, \Delta = 0.2, JM = 2.0, \mu = -4.8, \alpha_{so} = 0.6$ $\theta = 0, \varphi = \frac{\pi}{4},$ و $k_y = 0$ رسم شده است.

نمودار(۲) طیف انرژی این سیستم را تحت تاثیر جفت شدگی اسپین-مدار برحسب k_x, k_z نشان می دهد، که α_{SO} در این نمودار برابر ۲/۰ است. تشکیل حالات حفره و قوس فرمی در این نمودار مشاهده می شود. همانطور که مشاهده می شود افزایش جفت شدگی اسپین-مدار باعث افزایش انرژی می گردد، اما جهت گیری طیف انرژی تغییری نمیکند.

در ادامه یک ابرساختار متشکل از ابررسانای نوع-s و یک مگنت کایرال مکعبی را در نظر میگیریم (شکل ۱)، این سیستم با هامیلتونی باگالیوباف-دی جنس (BdG) (\vec{k}) زیر تعریف می شود:

$$H(\vec{k}) = \begin{pmatrix} H_0(\vec{k}) & -i\Delta\sigma_y \\ i\Delta^*\sigma_y & -H_0(-\vec{k})^T \end{pmatrix}.$$
 (٤)

جفت شدگی ناشی از ابررسانایی را با Δ مشخص می کنیم. با اثر دادن یک ماتریس تبدیل یونیتاری (\vec{k}) برهامیلتونی BdG به فرم $(\vec{k})U(\vec{k})$ ماتریس تبدیل یونیتاری $U^{\dagger}(\vec{k})$ بوامی اسپینی و فضای فرم حفره-ذره اثر می کند، و بسط هامیلتونی سیستم، نهایتا به یک هامیلتونی موثر ۲×۲ برای توصیف این سیستم بدست می آید. برای حالات حدی $MM - - \mu \ (t, \alpha_{so}, \Delta) <<(|\mu|, M]$ هامیلتونی برای شبه ذرات با انرژی پایین به فرم زیر تبدیل می شود [۱۵]:

$$H_{eff}(\vec{k}) = \alpha_{SO}\vec{k}.\vec{n} + \begin{pmatrix} \xi_{eff}(\vec{k}) & \Delta_{eff}\vec{\gamma}.\vec{k} \\ \Delta_{eff}\vec{\gamma}^*.\vec{k} & -\xi_{eff}(\vec{k}) \end{pmatrix} \quad (\circ)$$

$$\Delta_{eff} = \frac{\left|\Delta\right| \alpha_{SO}(JM + \left|\mu\right|)}{2JM\left|\mu\right|}, k_{\perp}^{2} = k^{2} - (\vec{k}.\vec{n})^{2}$$

- [1] M. Z. Hasanand C. L. Kane, Rev. Mod. Phys.82, 3045(2010).
- [Y] X. L. Qi and S. C. Zhang, Rev. Mod. Phys. 83, 1057 (2011).
- [r] G.E. Volovik, The Universein a Helium Droplet (Oxford University Press, Oxford, 2003).
- [1] S. Murakami, New J. Phys. 9, 356 (2007).
- [o] W.Witczak- Krempa and Y. B. Kim, Phys. Rev. B 85, 045124 (2012).
- [7] V. Aji, Phys. Rev. B85, 241101 (2012).
- [v] C.-X. Liu, P. Ye, and X.-L. Qi, Phys. Rev. B 87, 235306 (2013).
- [λ] U. K. R[°]ossler, A. N. Bogdanov, and C. Pfleiderer, Nature (London) 442, 797 (2006).
- [4] N. Nagaosa and Y. Tokura, Nat. Nanotechnol. 8, 899 (2013).
- [v] W. Munzer, A. Neubauer, T. Adams, S. Mühlbauer, C. Franz, F. Jonietz, R. Georgii, P. Böni, B. Pedersen, M. Schmidt, A. Rosch, C. Pfleiderer, Phys. Rev. B 81, 041203(R) (2010).
- [11] M. Stone, Phys. Rev. B 53, 16573 (1996).
- [17] J. Slonczewski, J. Magn. Magn. Mater.159, L1 (1996).
- [17] K.M.D.H alsandA. Brataas, Phys. Rev. B 89, 064426(2014).
- [11] R. Taka, S. Fuji, Phys. Rev. B 94 (2016) 235117.



نمودار۳: اثر جفت شدگی اسپین-مدار برروی انرژی ابرساختار متشکل از ابررسانای نوع-s و یک کایرال مگنت مکعبی برحسب k. نمودار برحسب y. نمودار برحسب k. نمودار برحسب y. نمودار برحسب $t = 0.1, \Delta = 0.2, JM = 2.0, \mu = -4.8, \alpha_{SO} = 0.6$ پارامترهای $\theta = 0.1, \Delta = 0.2, JM = 2.0, \mu = -4.8, \alpha_{SO} = 0.6$ و $\theta = 1 - \pi/4, \varphi = \pi/4, \varphi = \pi/4, \varphi = 0.5$

در نمودار(۳) طیف انرژی سیستم برحسب k رسم شده است که در آن $\frac{1}{2} \frac{1}{2} \frac{1}{2} \frac{1}{2} \frac{1}{2} \frac{1}{2}$ است. نمودار طیف انرژی این سیستم تحت تاثیر مقادیر مختلف جفت شدگی اسپین-مدار رسم شده است. مشاهده می شود که به ازای مقادیر مختلف α_{so} نمودار طیف انرژی سیستم چرخش پبدا کرده است.

نتيجه گيرى

در این مقاله هامیلتونی موثر ابرساختار متشکل از ابررسانای نوع- \mathcal{S} و یک کایرال مگنت را برحسب مولفه های مختلف $\overline{\mathcal{K}}$ مورد بررسی قرار دادیم و بازه تغییرات ضریب جفت شدگی اسپین-مدار \mathcal{O}_{so} را از • تا ۱ در نظر گرفتیم. از طریق حل تحلیلی، ساختار نواری و انرژی برانگیختگی الکترون-حفره را محاسبه کرده و نقاط ویل جدید در منطقهی اول بریلوئن نمایش داده شده است. مشاهدات بدست آمده نشان می دهد که به ازای مقادیر مختلف \mathcal{O}_{so} نمودار طیف انرژی سیستم برحسب \mathcal{K} جابجا می شود. همچنین وجود نقاط ویل را در باند انرژی شبه ذرات مشاهده کردیم و اینکه موقعیت این نقاط ویل می تواند با مغناطش شدگی اسپین-مدار تغییر کند.

بررسی اثر ناخالصی در مدل دیراک یک بعدی

پویان، سیامک ؛ حسینی، میروحید

دانشکده فیزیک دانشگاه زنجان، زنجان

چکیدہ

در این مقاله اثرات پراکندگی ناخالصی/ بینظمی روی ویژگیهای طیفی مدل دیراک یک بعدی در تقریب خودسازگار بورن را بررسی کردهایم. بینظمی نقش اساسی را در سیستمهای الکترونی ابعاد پایین ایفا میکند. ما بینظمی القا شده در مدل دیراک یک بعدی را به دو روش تکراری و غیرتکراری و در حد مرتبه صفر تقریب بورن به صورت تحلیلی بررسی کرده و مشاهده کردهایم که در مدل یک بعدی وجود شدت بینظمی بحرانی به مقدار انرژی فرمی بستگی دارد و با افزایش شدت بینظمی انرژی فرمی به آهستگی کاهش می اید.

PACS No.(68)

Impurity effect on a one-dimensional Dirac model

Pooyan, Siamak; Hosseini, Mir Vahid

Department of Physics, University of Zanjan, Zanjan

Abstract

We investigate the effects of disorder/impurity scattering on the spectral properties of a one-dimensional Dirac model within the self-consistent Born approximation. Disorder plays a fundamental role in low-dimensional electronic systems. We investigated the induced disorder in the one-dimensional Dirac model with both iterative and non-iterative methods and also zero-order Born approximation analytically. We observed that in a one-dimensional model the existence of the critical disorder strength depends on the amount of Fermi energy, and with increasing disorder strength the Fermi energy decreases slowly.

مطالعه اثرات ناخالصی در مدل دیراک جرمدار پرداخته شده است [5,6]. بررسی اثرات ناخالصی در مدل دیراک جرمدار به ویژگیهای جدیدی منجر میشود. که مهمترین نمونه در این مورد تقریب بورن خودسازگار است. با اضافه کردن ناخالصی مغناطیسی انتظار میرود که گاف حالتهای سطحی باز شود. در صورتی که گشتاورهای مغناطیسی در جهت عمود بر سطح اعمال شوند، طیف حاصل همانند طیف فرمیونهای دیراک جرمدار بدست میآید [7]. بینظمی همچنین زیربنای بسیاری از پدیدهها همچون اثر هال کوانتومی صحیح است [8]. پیشرفتهای اخیر نشان میدهد که فازی شبیه به عایق

اثرات بس ذرهای (همانند برهمکنش الکترون –الکترون، الکترون -فونون و یا پراکندگی ناخالصی) به طور تعیین کننده ای با گرافن در ارتباط هستند [1,2]. از دیدگاه کلی مخروطهای دیراک ذاتی بدون جرم (بدون اسپین) در گرافن برابر اختلال های تکذره ای و بس ذره ای تا زمانی که برهمکنش منجر به شکست خودبه خودی تقارن نشود محافظت شده اند [3,4]. از میان منابع موجود، برهمکنش پراکندگی ناخالصی/ بی نظمی نشان دهنده یکی از ساده ترین موارد است. از این رو اثرات ناخالصی/ بی نظمی در گرافن و مدل دیراک بدون جرم مورد بررسی قرار گرفته و کمتر به

مقدمه

$$=\tilde{\varepsilon}_{f}-\sum_{\mu}\Sigma_{\mu}\sigma_{\mu}, \qquad (4)$$

،در اینجا عبارت $arepsilon_x = arepsilon_f - lpha k_x \sigma_x$ را تعریف کردهایم

$$\left[\varepsilon_{f} - H_{0}(\vec{k}) - \Sigma(\vec{k})\right]^{-1} = \frac{\varepsilon_{f} + \sum_{\mu} \Sigma_{\mu} \sigma_{\mu}}{\tilde{\varepsilon}_{f}^{2} - \sum_{\mu} \Sigma_{\mu}^{2}}, \qquad (5)$$

با جایگذاری رابطهی بالا در معادله 2 داریم:

$$\Sigma(\vec{k}) = \Lambda \int_{BZ} dk \, \frac{\tilde{\varepsilon}_f + \sum_{\mu} \Sigma_{\mu} \sigma_{\mu}}{\tilde{\varepsilon}_f^2 - \sum_{\mu} \Sigma_{\mu}^2}, \tag{6}$$

که می توانیم آن را به دو معادله زیر تجزیه کنیم،

$$\Sigma_{0} = A \int_{BZ} dk \, \frac{\varepsilon_{f} - \alpha k_{x} + \Sigma_{0}}{D(\vec{k})},$$

$$\Sigma_{i} = A \int dk \, \frac{\Sigma_{i} \sigma_{i}}{\vec{\sigma}},$$
(7)

در اینج
$$D(k)'$$

در اینج $D(k)$ $A = \frac{U_0^2}{12} \left(\frac{a}{2\pi}\right)$ e مخ
 $A = \frac{U_0^2}{12} \left(\frac{a}{2\pi}\right)$ e مخ
 $D(\vec{k}) = \tilde{\varepsilon}_f^2 - \sum_{\mu} \Sigma_{\mu}^2$
 Σ_{μ}^2 $\Sigma_{$

$$\overline{\varepsilon}_{f} = \varepsilon_{f} - \operatorname{Re}\Sigma_{0} = \overline{\varepsilon}_{f} - \operatorname{Re}\left[\int_{BZ} dk \, \frac{\varepsilon_{f} - \alpha k_{x}}{D(\vec{k})}\right], \tag{8}$$

$$D(\vec{k}) = \tilde{\varepsilon}_f^2 - \sum_{\mu} \Sigma_{\mu}^2 = \tilde{\varepsilon}_f^2, \qquad (9)$$

در سمت راست معادله بـالا بـرای خـود–انـرژی و انـرژی فرمـی بازبهنجارشده در حد مرتبه صفر تقریب بورن داریـم $0 \to \Omega_{\mu} \to 0$ و بازبهنجارشده در حد مرتبه صفر تقریب بورن داریـم $\overline{\mathcal{E}}_{f} \to \mathcal{E}_{f}$ و $\overline{\mathcal{E}}_{f} \to \mathcal{E}_{f}$ در این حد $\Sigma_{i} = \Sigma_{0}$ ، به این دلیل که ما یک انتگـرال فرد روی حد زوج داریم [10]. انتگرال تنها به dk بسـتگی دارد و برای پیدا کردن جواب آن برش Λ را اعمال میکنیم

$$\overline{\varepsilon}_{f} = \varepsilon_{f} - A \int_{0}^{\Lambda} dk_{x} \frac{\varepsilon_{f} - \alpha k_{x}}{\left(\varepsilon_{f} - \alpha k_{x} \sigma_{x}\right)^{2}},$$
(10)

در اینجا مقدار
$$\displaystyle \frac{\pi}{a}$$
 است،

توپولوژیک دو بعدی را میتوان با اعمال بینظمی غیرمغناطیسی درون فلز دو بعدی با جفت شدگی اسپین مدار قوی ایجاد کرد [9,10]. معادله دیراک نقش اساسی را در زمینههای مختلف فیزیک مدرن و ریاضیات ایفا میکند و برای توصیف برهکمنش ذرات مهم است (11]. در این مقاله القای بینظمی را در مدل دیراک یک بعدی بررسی در این مقاله القای بینظمی را در مدل دیراک یک بعدی بررسی مدل برای پراکندگی ناخالصی/ بینظمی است را به کار گرفته ایم. مدل برای پراکندگی ناخالصی/ بینظمی است را به کار گرفته ایم. مدل برای پراکندگی ناخالصی/ بینظمی است را به کار گرفته ایم. مدل این مقاله هامیلتونی مدل دیراک یک بعدی بدون گاف را نظر \mathcal{R}_{0} ، (1) در اینجا پارامتر α به ماده بستگی دارد، σ_{x} ماتریس پائولی است

و _k بردار موج در یک بعد است. معادله خود−انرژی با استفاده از تقریب بورن خودسازگار و همـراه با ناخالصی شبه نقطهای به صورت زیر به دست میآید:

$$\Sigma(\vec{k}) = Nu^{2}(\frac{a}{2\pi})\int dx \, [\varepsilon_{f} - H_{0}(\vec{k}) - \Sigma(\vec{k}) + i \, 0^{+}]^{-1},$$
(2)

 H_0 به عنوان هامیلتونی تمیز (هامیلتونی بـدون بینظمـی) معرفـی H_0 شده است (U=0)، \mathcal{E}_f انرژی فرمی است و u^2 واریانس توزیـع شده است (U=0) متغیر تصادفی در دامنه $[-u_0/2, u_0/2]$ است کـه بـه صورت زیر به دست میآید:

$$u^{2} = \frac{1}{NU_{0}} \int_{-u_{0}/2}^{u_{0}/2} u^{2} du = \frac{U_{0}^{2}}{12N}.$$
 (3)

به منظور ایجاد انتگرال همگرا، به یک بخش موهومی بی نهایت کوچک نیاز داریم. هر زمان که \mathcal{E}_f درون انتگرال ظاهر می شود، در اینصورت انتگرال دارای یک بخش موهومی بسیار کوچک می باشد. برای سادگی خود انرژی را به صورت می باشد. $\Sigma = \sum_{\mu} \Sigma_{\mu} \sigma_{\mu}$ (2) داریم:

$$\varepsilon_{f} - H_{0}(\vec{k}) - \Sigma(\vec{k}) = \varepsilon_{f} - \alpha k_{x} \sigma_{x} - \sum_{\mu} \Sigma_{\mu} \sigma_{\mu}$$

$$I_1 = \int_{BZ} dk_x \, \frac{\varepsilon_f}{D(\vec{k})}, I_2 = \int_{BZ} dk_x \, \frac{\alpha k_x}{D(\vec{k})}, \tag{12}$$

با جایگذاری در معادله (8) برای $\overline{\mathcal{E}}_f = 0$ داریم:

$$\varepsilon_{f} = \mathbf{A} \int_{BZ} dk_{x} \frac{\varepsilon_{f} - \alpha k_{x}}{D(\vec{k})} = \mathbf{A} (I_{1} - I_{2}).$$
(13)

$$\hat{H}\psi(\vec{k}) = E\psi(\vec{k}) \Longrightarrow E(\vec{k}) = \alpha k_x \sigma_x.$$
 (14)
 $\hat{H}\psi(\vec{k}) = E\psi(\vec{k}) \Longrightarrow E(\vec{k}) = \alpha k_x \sigma_x.$ (14)
 $E_0(\vec{k}) - \alpha k_x \sigma_x = 0; D(\vec{k}) = 0$
 $\omega = c_f, \quad \omega = c_f, \quad \omega$

بررسی مرتبه صفر تقریب بورن

به منظور مطالعه تحلیلی مرزهای فاز، مرتبه صفر تقریب بورن را با قرار دادن $\Sigma = 0$ در سمت راست معادله (7) به دست آوردهایم. همانطور که در بالا توضیح داده شد $\Sigma_i = 0$ جواب خودسازگار معادله است، بنابراین ما دو معادله زیر را داریم،

$$\Sigma_{0} = \int_{BZ} dk \, \frac{\varepsilon_{f} - \alpha k_{x}}{D(\vec{k})},$$
(16)

$$\Sigma_{i} = \int_{BZ} dk \, \frac{\Delta_{i} O_{i}}{D(\vec{k})} = 0,$$
c. (1)
c. (1)
c. (2)

c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)

c. (2)
c. (2)
c. (2)

c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)

c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)
c. (2)

c. (2)
c. (2)
c. (2)

c. (2)

c. (2)

c. (2)

c. (2)

c. (2)

c. (2)
c. (2)
c. (2)

c. (2)
c. (2)

c. (2)

$$D(\vec{k})\big|_{\Sigma=0} = \tilde{\varepsilon}_f^2, \tag{17}$$

در حد مرتبه صفر تقریب بـورن
$$\Sigma_i=0$$
. پـس فقـط Σ_0 بـاقی می ماند، بنابراین:

$$\Sigma_0 = \mathbf{A} \int_0^{\Lambda} dk_x \, \frac{\varepsilon_f - \alpha k_x}{\left(\varepsilon_f - \alpha k_x \sigma_x\right)^2},\tag{18}$$

$$\Sigma_0 = -\frac{U_0^2}{24\Lambda\alpha} \ln \left| \frac{\Lambda\alpha}{\varepsilon_f} - 1 \right|.$$
⁽¹⁹⁾

$$\overline{\varepsilon}_{f} = \varepsilon_{f} + \frac{U_{0}^{2}}{24\Lambda\alpha} \ln \left| \frac{\Lambda\alpha}{\varepsilon_{f}} - 1 \right|, \qquad (20)$$

$$\overline{\varepsilon}_{f} = \varepsilon_{f} + \frac{U_{0}^{2}}{24\Lambda\alpha} \ln \left| \frac{\Lambda\alpha}{\varepsilon_{f}} - 1 \right|.$$
(11)

روش تکراری

معادلههای خود-انرژی را می توان با تکرار خودسازگار به صورت عددی حل کرد. همانطور که در بالا توضیح داده شد $\Omega = i^{\Sigma}$ جواب خودسازگار برای دو معادله (7) می باشد، به طوری که تنها می باقی می ماند. ما قصد داریم که تنها مرزهای فاز را جست وجو کنیم، جست وجوی تمام فضای فاز یک روش طولانی است. استفاده از یک مقدار اولیه موهومی و اضافه کردن بخش موهومی بسیار کوچک به i^3 ضروری است، در غیراینصورت معادله (11) همگرا نمی شود. در نتیجه روش تکراری سازگار است، با این حال برای پارامترهای خاص به اندازه کافی دقیق نیست. ما از تابع fsolve متاب برای برطرف کردن این مشکل استفاده کردیم.



شکل 1: انرژی فرمی E _F برحسب شدت بینظمی U در مدل یک بعدی. با افزایش شدت بینظمی انرژی فرمی به آهستگی کاهش مییابد.

روش غیرتکراری قصد داریم که گذار فاز را به طور مستقیم جستوجو کنیم. برای این کار از عبارت (9) استفاده می کنیم. هنگامی که در مرجع ها [1] S. Das Sarma, E. H. Hwang, and W.-K. Tse, *Phys. Rev. B* **75**, 121406(R) (2007).

[2] A. Bostwick, F. Speck, T. Seyller, K. Horn, M. Polini, R. Asgari,

A. H. MacDonald, and E. Rotenberg, Science 328, 999 (2010).

- [3] T. Appelquist, D. Nash, and L. C. R. Wijewardhana, *Phys. Rev. Lett.*60, 2575 (1988).
- [4] E. Cappelluti, L. Benfatto, M. Papagno, D. Pacile, P. M. Sheverdyaeva, and P. Moras, *Ann. Phys.* (Berlin) **526**, 387 (2014).
- [5] V. M. Pereira, F. Guinea, J. M. B. Lope's dos Santos, N. M. R. Peres, and A. H. Castro Neto, *Phys. Rev. Lett.* **96**, 036801 (2006).
- [6] B. Yu-Kuang Hu, E. H. Hwang, and S. Das Sarma, *Phys. Rev. B* 78, 165411 (2008).
- [7] Andrew M. Essin, Joel E. Moore, and David Vanderbilt,
- Phys. Rev. Lett. 102:146805, (2009).
- [8] Ferdinand Evers and Alexander D. Mirlin, *Rev. Mod. Phys.* 80:1355–1417, (2008).
- [9] Jian Li, Rui-Lian Chu, J.K. Jain, Shen, Shun-Qing, *Phys. Rev. Lett.*102, 136806 (2009).
- [10] Gilad Amir Rosenberg, A Study of Topological Insulators in Three
- Dimensions, The University of British Columbia (2012).
- [11] H. Wang, H. Z. Tang, J. Comput. Phys. 222, 176 (2007).

در ابتدا تقریب بورن مرتبه صفر با $\Sigma = 0$ را در انتگرال در نظر گرفته ایم، سپس $\mathcal{E}_f \to \mathcal{E}_f$ را در معادله (18) جایگزین کردیم و برش $\frac{\pi}{a} \to \Lambda$ را اعمال کرده ایم و در نهایت در انرژی های پایین تقریب زده ایم. با این حال ما عبارت بورن کامل را در تقریب انرژی های پایین در نظر گرفته ایم، در نتیجه می توانیم دقیقا همان نتایج را داشته باشیم. این نتایج نمی توانند تقریب بورن مرتبه صفر باشند، اما تقریبا می توانند تقریب انرژی های پایین باشند. باتعریف $0 = \overline{f}_f$ داریم:

$$U_{0} = \sqrt{\frac{-24\Lambda\alpha\varepsilon_{f}}{\ln\left|\frac{\Lambda\alpha}{\varepsilon_{f}} - 1\right|}},$$
(21)

در معادله بالا برای $\Lambda lpha < 2\varepsilon_f$ عبارت زیر رادیکال مثبت می شود و در اینصورت شدت بی نظمی بحرانی داریم و برای م عبارت زیر رادیکال منفی می شود و در اینصورت شدت بی نظمی بحرانی نداریم.

نتيجه گيري

با استفاده از دو روش تکراری و غیرتکراری اثرات بی نظمی را در مدل دیراک یک بعدی بررسی نمودیم. در مدل دیراک یک بعدی شدت بی نظمی بحرانی برای مقادیر خاصی از انرژی فرمی وجود دارد. در این مدل انرژی فرمی ع با شدت بی نظمی U_0 رابطه عکس دارد و با افزایش شدت بی نظمی انرژی فرمی به آهستگی کاهش می یابد.

ابررسانای توپولوژیک در شبکه مثلثی

حسنعلی، روح انگیز؛ احمدخانی، سمیه؛ حسینی، میروحید دانشکده فیزیک، دانشگاه زنجان ، زنجان

چکیدہ

در این مقاله، حالتهای نانو نوار شبکه مثلثی در حضور برهمکنش اسپین مدار راشبا و در مجاورت ابررسانای موج-۵ مورد مطالعه قرار گرفته است. با بررسی ویژه مقادیر، ویژه حالتها و تقارنهای موجود در سیستم، در بازههای محدودی از اندازه حرکت، تبهگنیهایی در انرژی سیستم مشاهده می شود. نتیجهی بررسی حالتهای مربوط به این ناحیه، وجود حالتهای لبهای در سیستم می باشد. این حالتها نشاندهندهی وجود فاز توپولوژیک در سیستم است. سپس با اعمال میدان زیمن به سیستم، تغییرات حالتهای لبهای را بررسی می کنیم و مشاهده می کنیم که با اعمال میدان مغناطیسی، تبهگنی موجود در انرژیها از بین می رود. در نهایت با در معان به سیستم، تغییرات حالتهای لبه ای را بررسی می کنیم و مشاهده می کنیم که با اعمال میدان مغناطیسی، تبهگنی موجود در انرژیها از بین می رود. در نهایت با محاسبهی عدد چرن، فاز سیستم را به ازای مقادیر مشخصی از پارامتر نظم ابررسانایی و جفت شدگی اسپین مدار راشبا مشخص می کنیم.

Topological superconductivity in triangular lattice

Hassanali, Rouhangiz; Ahmadkhani, Somayeh; Hosseini, Mir Vahid;

Department of physics, University of Zanjan, Zanjan

Abstract

In this work, we investigated edge state existence in nanoribbons of triangular lattice in present of Rashba spin-orbit interaction and induced s-wave superconductivity by proximity effect. Therefore, after discussion about symmetries, eigenvalues and eigenstates, we saw some degeneracy in spectrum and edge states in related eigenvectors in finite energies of nanoribbon. Further we discussed about edge states by applying Zeeman field and saw that edge states are broken in nonzero magnetic fields. Finally, by calculating Chern number, we districted Topological and Normal phases in different superconducting order parameter and spin orbit coupling intensity.

PACS No. 74.00

جدیدی از ابررسانایی کشف شد که با نظریههای شناخته شده، قابل توجیح نبودند. این نوع ابررسانایی با عنوان ابررسانای نامتعارف مورد بررسی قرار گرفت. با وابستگی فضایی حالتهای ابررساناهای نامتعارف و بسته به تقارنهای فضایی موجود، میتوان آنها را به صورت ابررسانای موج-8، موج-9 و ... دسته بندی کرد[2].

نوع جدید دیگری از فاز مواد کشف شده در دهمهای اخیر، فاز توپولوژی است که در طی تغییر شکلها، ضربه خوردنها و کشیده شدن اشیاء، بهطور ثابت حفظ می شوند، از طبقه بندی های امروزه مفهوم ابررسانایی و ابررسانای توپولوژیک توجه زیادی را به خود جلب کرده است. ابررسانایی ویژگی است که در دماهای بسیار پایین برای برخی از مواد رخ می دهد. این اثر در سال ۱۹۱۱ با پایین بردن دمای جیوه تا حدود 4 کلوین کشف شد. در این نوع مواد، مقاومت الکتریکی صفر شده و ماده خاصیت دیامغناطیس پیدا می کند. در سال ۱۹۵۷ نظریهای با عنوان BCS توسط سه دانشمند با نامهای جان باردین، رابرت شریفر و لئون کوپر برای توجیح ابررسانایی مطرح شد[1]. در سال ۱۹۸۶ نوع

مقدمه

توپولوژیکی می توان ناوردهای سیستم را تشخیص داد، در این طبقه بندیها هر سیستمی توسط تعدادی از تقارنها حفظ می شود که هر کدام دارای ناورداهایی در ابعاد مختلف هستند.

ساختار نواری دو ماده به لحاظ توپولوژیک زمانی با یکدیگر برابر هستند که به واسطه یک تغییر بی دررو، گاف در ساختار نواری بسته نشود. به واسطه مشخص شدن ناوردایی سیستم می توان تشخیص داد که ماده در کدام طبقه بندی بر اساس تقارن و ناوردایی آنها قراردارد. از ترکیب این دو مفهوم به یک تعریف جدید به نام ابررسانای توپولوژیک می رسیم. ابررسانای توپولوژیک گونهای از مواد در فاز ابررسانا می باشند که دارای فاز توپولوژیک است [3]. در ادامه به بررسی این ویژگیها می پردازیم.

بنابر اصل مکانیک کوانتومی، هر مشاهده پذیر فیزیکی را باید توسط یک هامیلتونی هرمیتی در فضای هیلبرت توصیف کرد. با استفاده از هامیلتونی انتخابی در مدل هابارد که تعامل بین برهمکنش جنبشی و کولنی را نشان میدهد و به کمک تقریب میدان متوسط میتوان یک هامیلتونی ابررسانای موج-8 دو بعدی را در نظر گرفت، سپس با استفاده از تبدیل فوریه، هامیلتونی را در فضای وارون بازنویسی میکنیم[4].

در این کار با اضافه کردن جمله جفت شدگی اسپین مدار راشبا و میدان مغناطیسی زیمن به هامیلتونی یاد شده، محاسبات را برای شبکه مثلثی انجام میدهیم. در این حالت چون درجه آزادی اسپین در نظر گرفته میشود، نتایجی که به دست میآید، متفاوت با زمانی است که جمله جفت شدگی اسپین مدار راشبا در سیستم حضور ندارد. سپس تغییرات ایجاد شده در سیستم را بررسی میکنیم و به مطالعه ویژگیهای این شبکه، مانند تقارنها و ناوردای توپولوژیکی میپردازیم. تحت تغییر مقادیر پارامترهای انرژی، حالتهای لبهای در انرژیهای محدود در سیستم مشاهده میشود.

مدل

شبکه مورد نظر برای بررسی حالتهای بیان شده به صورت یک نانو نواری از شبکه مثلثی می باشد که ساختار هندسی، بردارهای همسایه اول و ثابت شبکه در شکل ۱ نشان داده شده است. همانطور که در شکل یک مشاهده می شود di بردار همسایه اول و ai بردار شبکه مثلثی می باشد. در ادامه، نانو نواری از شبکه مثلثی

بررسی میشود؛ به صورتی که در راستای x تقارن انتقالی داریم پس در این راستا میتوان از سیستم تبدیل فوریه گرفت و در راستای y تعداد محدودی سلول واحد درنظر میگیریم(N=50).



شکل l: یک طرح کلی از شبکه مثلثی ، (a) a و a بردارهای شبکه مثلثی هستند و a ثابت شبکه مثلثی را نشان می دهد. (b) di (i=1-6 جهش به همسایه اول را نشان می دهد.

هامیلتونی مربوط به شبکه مثلثی را در حضور جمله راشبا ودر مجاورت ابررسانای موج-s بررسی می کنیم که جزئیات آن به صورت زیر است.

$$H = H_0 + H_R + H_z , \qquad (1)$$

$$H_{0} = -\mu \sum_{j,\alpha} c_{j,\alpha}^{\dagger} c_{j,\alpha} - t \sum_{\langle i,j \rangle,\alpha} c_{j,\alpha}^{\dagger} c_{j+1,\alpha} + \Delta \sum_{\alpha} c_{j,\downarrow} c_{j,\uparrow} + h. c, \qquad (2)$$

$$H_{R} = -i\lambda \sum_{\langle i,j \rangle} c^{\dagger}_{i,\alpha} (d \times \sigma)^{z}_{\alpha\beta} c_{j\beta}, \qquad (3)$$

$$H_{z} = -g / 2\sum_{j} c_{j,\alpha}^{\dagger} \sigma_{\alpha\beta} c_{j,\beta} . B , \qquad (4)$$

که $_{s,\beta}$ ($_{j,\beta}^{\dagger}$) عملگ و فنا(خلق) الکترون در جایگ اه j و با اسپین (β) است. هامیلتونی کل سیستم همان طور که در رابط (1) مشاهده می شود، شامل چندین جمله است که عبارت اول سال شامل عبارت های پتانسیل شیمیایی(μ)، شدت جهش الکترون میان همسایه های اول(t) و ابررسانایی القا شده موج – 8 تحت اثر مجاورت می باشد. عبارت دوم H_{R} هامیلتونی مربوط به جمله اسپین مدار راشبا است که در آن (f m + m) سائولی است و بردارهای همسایه اول و σ مشخصه ماتریس های پائولی است و آخرین عبارت، هامیلتونی زیمن تحت اعمال میدان مغناطیسی B در راستای محور Z به سیستم می باشد، ثابت بوهر(μ_{B}) حذف شده و مقدار 2=8 در نظر گرفته شده است.

با بررسی تقارنهای سیستم مشاهده میکنیم که سیستم دارای تقارنهای پاریته($\sigma_z \otimes \sigma_z$)، وارون زمانی($\sigma_y \otimes \sigma_y$)، الکترون – حفره ($\sigma_x \otimes \sigma_z$)و کایرال($\sigma_x \otimes \sigma_0$) است که درآن σ_0 ماتریس یکانی ۲ در ۲ میباشد.

با توجه به تقارنهایی که وجود دارد، عدد چرن را می توان محاسبه کرد[5]. نتایج محاسبات مربوط به آن در نمودار فاز مربوط به نانو نوار شبکه مثلثی در مقدارهای مشخصی از پارامترها در شکلهای ۲و۳ نشان داده شده است.



شکل۲: عدد چرن نوار دوم برحسب پارامتر نظم ابررسانایی و جفتشدگی اسپین مدار راشبا در غیاب میدان زیمن

در شکل ۲ نمودار فاز عدد چرن در غیاب میدان زیمن بر حسب پارامتر نظم ابررسانایی و اسپین مدار راشبا برای نوار دوم رسم شده است. همانطور که مشاهده میکنید دو طیف رنگی مختلف در شکل وجود دارد که نواحی قرمز رنگ، مشخصه عدد چرن صفر و نواحی بنفش رنگ، نشاندهندهی عدد چرن ۱ میباشند. این نمودار در غیاب و حضور میدان مغناطیسی زیمن به ترتیب در شکلهای ۲و تمایش داده شده است. همانطور که در تصاویر مشاهده می شود در پارامتر نظم ابررسانایی و شدت جفت شدگی اسپین مدار کم، وجود عدد چرن غیر صفر حالت های توپولوژیک را

در حالتی که سلولهای واحد در راستای X را دورهای و تعداد سلولهای واحد در راستای y را محدود در نظر میگیریم ساختار

نواری سیستم را در پتانسیل شیمیایی صفر و تحت مقادیر $\lambda = 0.6, 0.9$ ، $\Delta = 0.9, 0.2$ و B = 0.0, 0.5 در نمودارهایی متفاوت، در تصاویر ۴و۵ رسم شده است.



شکل۳: عدد چرن نوار دوم برحسب پارامتر نظم ابررسانایی و جفتشدگی اسپین مدار راشبا در حضور میدان زیمن



شکل۴: طیف انرژی نانو نوار مثلثی برای حالتی که N=50 است. نوارهای سبز رنگ مشخصه ترازهای مرزی می باشد که در متن به آن اشاره شده است. تصاویر پایین حالتهای لبه ای هر یک از آن تراز های مشخص شده را نشان می دهد.مقادیر در نظر گرفته شده برای پارامترها در تصاویر به قرار زیر است. **۵.6** = **۱** و **0.9 B** = **0.5**



شکل۵: طیف انرژی نانو نوار مثلثی برای حالتی که N=50 است. نوارهای سبز رنگ مشخصه ترازهای مرزی می،اشد که در متن به آن اشاره شده است. تصاویر پایین حالتهای لبه ای هر یک از آن تراز های مشخص شده را نشان میدهد.مقادیر در نظر گرفته شده برای پارامترها در تصاویر به قرار زیر است. Δ= 0.6 هر Δ= 0.9, B = 0.0

در شکل ۴و۵ نمودار طیف انرژی سیستم در پارامترهای متفاوت رسم شده است. در این شکلها چهار نوار به رنگهای سبز و قرمز وجود دارد که هر کدام از این نوارها خود شامل n تراز است که به واسطه ترازهای این نوارها میتوان گاف در نانو نوار را مشاهده کرد. به این صورت که بالاترین تراز نوار N و پایین ترین تراز نوار N و همچنین بالاترین تراز نوار N و پایین ترین تراز نوار سبز رنگ میباشد و رنگ قرمز در نمودار طیف، نشاندهنده ترازهایی با کمترین مقدار انرژی است. در حضور میدان زیمن در لبهها شکافتگی در این ترازها وجود دارد و در بعضی از حالتها نیز تبهگنی مشاهده میشود که نوارهای سبز یا قرمز در این صورت برهم منطبق هستند. در تصویر پایین شکلهای ۴و۵ حالتهای باله به پایین رسم شده و حالتهای لبهای به ترتیب برای نوار دوم و سوم، مشخصه بسته شدن گاف در انرژیهای محدود میباشد و حالت دوم مربوط به انرزی صفر است.

نتیجه گیری با توجه به بررسی های انجام شده در نمودارهای مربوط به ویژه مقادیر و ویژه حالت ها می توان حالت های لبهای را در انرژی -های محدود مشاهده کرد. همانطور که در نمودارهای فاز در حضور و غیاب میدان زیمن مشاهده کردیم، اعمال میدان مغناطیسی تأثیر به سزایی در گذار فاز توپولوژیکی سیستم دارد. از نتایج برجسته این کار، می توان به وجود حالت های لبهای محدود در ساختار نواری نانو نوار شبکه مثلثی اشاره نمود که این حالت ها در تصاویر ۴و ۵۵ نشان داده شدهاند.

مرجعها

[1] M. Tinkham, "Introduction to Superconductivity", 2nd ed., Dover Books on Physics". ISBN: 0-486-43503-2(2004)

- [2] T. Yu and M. W. Wu, Phys. Rev. B **93**, 195308 (2016).
- [3] B. Zhou and Sh. Qi. Shen, Phys. Rev. B **84**, 054532(2011).

[4] Sh. Qi. Shen, "*Topological insulator*", Springer-Verlag Berlin Heidelberg, (2012).

[5] T. Fukui, Y. Hatsugai and H. Suzuki, *Physical Society of Japan*, **74** (6), 1674–1677(2005).

بررسی عددی ویژگی های انتقالی پیوندگاه جوزفسون پخشی ابررسانا-فرومغناطیس- ابررسانا

خالدى، پريناز¹؛ عابدينى، يوسفعلى ^{2و3}

¹دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی ارومیه ، جاده بند، ارومیه ^{3روگ}گروه فیزیک دانشگاه زنجان و پژوهشکده تغییر اقلیم و گرمایش زمین، دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان

چکیدہ

در این مقاله ویژگی های انتقالی پیوندگاه جوزفسون پخشی ابررسانا-فرومغناطیس-ابررسانا را با دو نوع فرومغناطیس ناهمگن و به همراه فصل مشترک های فعال اسپین به طور عددی بررسی کردیم و نشان دادیم که تنها برای مورد فرومغناطیس ناهمگن جریان اسپینی وجود دارد که این جریان اسپینی پرش ناپیوسته ای در گذار π - •جریان بحرانی بار از خود نشان می دهد. این تغییرات را برای دو نوع فرومغناطیس ناهمگن ساختار حوزه ای و ساختار مخروطی بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که برای مقادیر ویژه ای از _F طریان بار بحرانی صغر می شود در حالی که جریان اسپین غیر صغر است و در نتیجه نشان دادیم که تنها یک جریان اسپینی خالص از دستگاه عبور خواهد کرد.

Numerical study of the transitional properties of superconducting superconducting superconductor superconductivity

Khaledi, Parinaz¹; Abedini, Yousefali^{2,3}

¹ Department of Physics, Urmia University of Technology ^{2,3}Physics Department, University of Zanjan and Center for Research in Climate Change and Global Warming(CRCC), Institute for Advanced Studies in Basic Sciences, Zanjan

Abstract

In this paper, we examine numerically the transitional characteristics of the superconducting superconductor superconductor junction with two heterogeneous ferromagnets with active spin interfaces, and we showed that there is only a spin-flow heterogeneous ferromagnet for this spin current A discontinuous jump in the passage of a critical flow of load. We examined these changes for two heterogeneous heterogeneous cone structure structures and cone structure, and we concluded that for special values of critical load flow zero is zero while the spin current is nonzero and therefore we showed that only one flow The pure spin will pass through the device.

به دلیل پدیده های جالبی که ساختار های ابررسانا – فرومغناطیس از خود نشان می دهند و همچنین کاربرد های بالقوه ی آن ها در زمینه های اسپینترونیک و مکانیک کوانتمی محاسبات کوانتمی آن ها به گونه ی وسیعی مورد توجه قرار گرفته اند[2-1]. وسیله های الکترونیکی معمولی بر اساس شارش الکترون ها در مدارها طراحی می شوند. در حالی که وسیله های اسپینترونیکی براساس جهت و تعداد اسپین های عبوری طراحی می شوند در اکثر وسایل اسپینترونیکی مثل پیوند های تونلی مغناطیسی، جریان قطبیده ی

ابررسانایی به حالتی از ماده اطلاق می شود که جریان الکتریسیته بدون مقاومت، از ماده عبور خواهد کرد ابر رسانایی برای اولین بار در سال 1911 در جیوه توسط فیزیکدان هلندی ، کمرلینگ اونز از دانشگاه لایدن مشاهده شد. او مشاهده نمود که با سرد کردن جیوه تا دمای هلیوم مایع 4K ، مقاومت آن ناگهان حذف می شود. وی در سال 1913جایزه فیزیک نوبل را بدلیل تحقیق در جهت مطالعه پدیده ی ابررسانایی از آن خود کرد.

مقدمه

اسپینی موقعی رخ می دهد که ناتوازنی ای بین حاملین اسپین بالا و اسپین پایین به وجود بیاید این ناتوازنی با به کار گیری ماده ی فرومغناطیسی یا اعمال میدان مغناطیسی می تواند تولید شود. امکان وجود حالت در دستگاههای ابررسانا- فرومغناطیس –ابررسانا – به طور نظری پیشگویی شد[3] ودر نزدیکی چنین نقطه ی گذاری انرژی حالت پایه ی پیوند گاه دو کمینه برحسب ¢ در 0 = φ و = π = ◊ دارد.



شکل ۱ مالف) پیوندگاه ابررسانا – فرومغناطیس - ابررسانا برای فرومغناطیسی با ساختار حوزه ای بلاخ و ب) ساختار مخروطی . بردارآبی رنگ نشان دهندهٔ گشتاور مغناطیسی لایهٔ فرومغناطیس است.

برای بررسی رفتار پیوند جوزفسون فرومغناطیسی پخشی ابررسانا -فرومغناطیس-ابررسانا از حل عددی کامل معادلات شبه کلاسیکی ابررسانایی در حد Dirty [4] استفاده می کنیم، که دسترسی به محدوده ی اثر مجاورت کامل را برای ما فراهم می کند. همچنین انتقال های فاز وابسته ی اسپینی را در فصل مشترک ها به صورت میکروسکوپیکی در محاسبات خود در نظر گرفتیم به منظور پایداری بیش تر در محاسبات عددی، از پارامتری کردن ریکاتی برای پارامتری کردن تابع گرین استفاده می کنیم. در حد پخشی معادله ی تابع گرین به صورت زیر خواهد بود:

$$D\partial(gog) + i \left[E \rho_{3} + diag \left[h.\sigma, (h.\sigma)^{T} \right] g \right] = 0$$
⁽¹⁾

که در این جا ${
m D}$ ضربیب ثابت پخشی فرومغناطیس، ${
m h}$ گشتاور مغناطیسی لایه ی فرومغناطیس، σ و $ho_{_3}$ به ترتیب ماتریس های 2×2 و 4×4 پائولی هستند.

al cr and a cr and a

در این جا $\frac{\partial}{\partial x} \equiv \theta$ ونسبت مقاومت بین ناحیه ی سد و مقاومت ناحیه ی فرومغناطیس را به صورت $\frac{R_B}{R_F} = \xi$ تعریف می کنیم.



شکل ۲ .تغییرات جریان بهنجارشدهٔ بحرانی بار و جریان اسپینی مربوط به آن بر حسب افزایش طول بهنجار شدهٔ لایهٔ ^۲ قطبش فرومغناطیس با ساختار حوزهای بلاخ.

رسانش سد به وسیله ی $G_{\rm s}$ داده می شود، در حالی که $G_{\rm r}$ انتقال فاز فصل مشترکی وابسته ی اسپینی را نشان می دهد که $G_{
m r}$ در طرف فرومغناطیس رخ می دهد. در محاسبات خود از مقادیر

می شود برای اینگونه از فرومغناطیس های ناهمگن تنها یک مولفه ی قطبش جریان اسپینی از دستگاه عبور می کند. چنانچه دیده می شود مولفه ی Xقطبش اسپینی در نقطه ی گذار مریان بحرانی بار برحسب پهنای لایه ی فرومغناطیس تغییرات سریع و ناگهانی را از خود نشان می دهد.



شکل ۳ .تغییرات جریان بهنجار شدهٔ بحرانی بار و جریان اسپین مربوط به آن بر حسب افزایش طول بهنجار [^]Z - و [^]Y و [^]X قطبشهای شدهٔ لایهٔ فرومغناطیس با ساختار مخروطی . هر سه مولفهٔ قطبش اسپینی در تمام محدودهٔ ^d بزرگی قابل ملاحظهای دارند

در آخر مورد فرومغناطیس ناهمگن با ساختار مخروطی را بررسی می کنیم برای سادگی فرض می کنیم که در مرز ها انتقال فاز وابسته ی اسپینی، برابر صفر باشد. فاصله ی بین صفحات اتمی را $\beta = \frac{\pi}{6}$ و زاویه چرخش $\frac{\pi}{6} = \beta = \beta$ و زاویه چرخش $\frac{\pi}{6} = \beta = \frac{\pi}{6}$ و زاویه پرخش ماه مقادیر برلایه ی بین اتمی در نظر می گیریم این مقادیر براساس مقادیر واقعی مربوط به H_0 انتخاب شده اند نتایج بررسی های ما برای چگونگی وابستگی جریان بحرانی بار و جریان اسپینی مربوطه به پهنای لایه ی فرومغناطیس در شکل 3 نشان داده شده اند جنبه ی جدیدی که برای جریان بحرانی بار دیده می شود نوسانات سریع

نزدیک به مقادیر واقعی یعنی مقادیر میکروسکوپیکی برای و G_{r} استفاده میکنیم. برای ساختار حوزه ای فرض میکنیم که G_{r} پس زمینه ی مغناطیسی در مرکز لایه ی فرومغناطیس قرار داشته باشد، در این صورت برای ساختار بلاخ خواهیم داشت: که ساختار آن در شکل 1 نشان داده $ec{h} = higl(\cos heta y + \sin heta zigr)$ و d_w و $\theta = -2Arc \tan \left| \frac{x}{1} \right|$ دامنه ای می باشد.[5] برای مورد مخروطی میتوان ساختار شکل 1 را توسط فرمول $\vec{h} = h \left| \cos ax + \sin \alpha \right| \sin \left(\frac{\beta x}{m} \right) y + \cos \left(\frac{\beta x}{m} \right) z$ توصيف کرد که lpha زاويه راس و etaزاويه ی چرخش گشتاور مغناطیسی و a زاویه ی بین لایه های اتمی رانشان می دهد [6] در این مقاله چگونگی وابسته بودن جریان بحرانی بار و جریان اسپین وابسته به آن را بر حسب تغییر طول لایه ی فرومغناطیس مجنین چگونگی وابسته بودن *م*چنین چگونگی وابسته بودن *d* گرمای ویژه ی الکترونی پیوند گاه به اختلاف فاز پایانه های ابررسانا را بررسی میکنیم. دما و میدان تبادلی را در و $\frac{h}{15mev} = 15mev$ در سرتاسر محاسبات ثابت فرض $T = 0.2 T_c$ میکنیم. و از مقادیر میکروسکوپیکی برای انتقال فاز وابسته ی اسپینی در مرزها استفاده می کنیم. یافته های ما نشان می دهند که برای تمام شدت های میدان تبادلی و انتقال فاز وابسته ی اسپینی، در مورد فرومغناطیس یکنواخت، جریان اسپینی وجود ندارد. برای مورد فرومغناطیس ناهمگن با ساختار حوزه ای فرض میکنیم که طول این ساختار حوزه ای d_w برابر 0.5 $=rac{d_w}{r}$ و در مرکز لايه ي فرومغناطيس x=0 باشد. شكل 2 تغييرات جريان بحراني بار و جریان اسپینی بهنجار شده ی وابسته به آن برحسب تغییرات طول فرومغناطیس ناهمگن با ساختار حوزه ای را نشان می دهد. برای بررسی ساختار حوزه ای تنها لازم است که مولفه ی yیا مولفه یzدر فرومغناطیس جابجا شود. همانگونه که از شکل 2دیده



شکل ۴ مطرفیت گرمای ویژهٔ الکترونی بهنجار شده بر حسب اختلاف فاز بین دو ابررسانای یکتا یی در پیوندگاه جوزفسون ابررسانا-فرومغناطیس-ابررسانا در حد پخشی برای لایهٔ فرومغناطیسی با ساختار حوزه ای بلاخ .بردارها، افزایش میدان تبادلی را دنبال میکنند.

یافته های ما برای این دو نوع لایهٔ ناهمگن فرومغناطیس نشان می دهد که چگونگی وابسته بودن جریان بحرانی بار به طول لایهٔ فرومغناطیس، بگونه ای شدید به ساختار فرومغناطیس ناهمگن بستگی دارد .

همان گونه که از شکل ۳ می تواند دیده شود، نمودار جریان بار بحرانی دارای پنج کمینه می باشد که تنها سه تای آن ها نقطه ی گذار هره هستند.

شکل ۴ افزایش بسیار زیاد ظرفیت گرمای ویژهٔ الکترونی بهنجار شده را با تغییر اختلاف فاز بین دو ابررسانا از ۲۰ تا نزدیکی π برای یک پیوندگاه جوزفسون پخشی ابررسانا - فرومغناطیس – ابررسانا نمایش میدهد .از شکل ۴ دیده میشود که ظرفیت گرمایی، برای میدان های تبادلی تا 3 $\cong \frac{h}{\Delta_0}$ افزایش بسیار زیادی را از خود نشان می دهد و برای مقادر بزرگتر میدان تبادلی، ظرفیت گرمایی با افزایش اختلاف فاز بین دو ابررسانا به صورت یکنوا گونه ای روشن با استفاده از چگالی حالت ها توضیح داد. در پایان، ما در این مقاله، انتقال با ر و انتقال اسپین را در پیوندگاه های نانو مقیاس جوزفسون ابررسانا – فرومغناطیس–ابررسانا با دو فرومغناطیس ناهمگن، به گونه ای ویژه ساختار حوزه ای (بلاخ)و ساختار مخروطی، همراه با انتقال فاز وابستهٔ اسپینی در مرزها را

مورد بررسی قرار دادیم. یافته ها نشان می دهند که جریان اسپینی تنها در مورد فرومغناطیس ناهمگن ازدستگاه ابررسانا -فرومغناطیس - ابررسانا با ابررساناهای یکتایی عبور خواهد کرد . در مورد فرومغناطیس با ساختار حوزه ای یافته های ما نشان می دهند که تنها یک مولفه از قطبش اسپینی از دستگاه عبور خواهد کرد در حالی که برای فرومغناطیس با ساختار مخروطی هر سه مولفهٔ قطبش اسپینی از دستگاه عبور خواهند کرد و همچنین نشان دادیم که ظر فیت گرمای ویژهٔ آن با تغییر اختلاف فاز بین دو ابررسانا می تواند افزایش بسیار زیادی از خود نشان دهد.

نتيجه گيرى

برای مورد فرومغناطیس ناهمگن جریان اسپینی وجود دارد که این جریان اسپینی پرش ناپیوسته ای در گذار م- مجریان بحرانی بار از خود نشان می دهد. برای مقادیر ویژه ای از d_F جریان بار بحرانی صفر می شود در حالی که جریان اسپین غیر صفر است و تنها یک جریان اسپینی خالص از دستگاه عبور خواهد کرد.

مرجعها

[1]Wolf, D D Awschalom, R A Buhrman, J M Daughton, S von Molnar, M L Roukes, A Y Chtchelkanova, D M Treger, "Spintronics: A Spin-Based Electronics Vision for the Future", *Science* 294 (2001) 1488.
[2]. I Zutic, J Fabian, and S D Sarma, *Rev. Mod. Phys.* 76 (2004) 323.

- [3]. A I Buzdin, L N Bulaevskii, and S V Panyukov, Pis'ma Zh. Eksp. Teor. Fiz. 35 (1982) 147. JETP
- [4] K Usadel, Phys. Rev. lett. 25 (1970) 507.
- [5] J Linder, T Yokoyama, and A Sudbø, *Phys. Rev. B* 79 (2009) 054523[6]Alexander Konstandin, Juha Kopu, and Matthias
- Eschrig, Phys. Rev. B 72 (2005) 140501.

بررسی و مقایسه ابررسانای Y123 و Y358 تحت فشار هیدرواستاتیک

خرمشاهی ، محیا^۱ ؛ محمدی زاده ، محمدرضا^۱

ازمایشگاه تحقیقاتی ابررسانایی ، دانشکده فیزیک دانشگاه تهران ، انتهای خیابان کارگر شمالی ، تهران

چکیدہ

بعد از ساخت ۲ نمونه ابررسانای YBa2 Cu3 O7 و Y3Ba5 Cu8 O19 با روش حالت جامد (تحت شرایط یکسان)، رفتار دمای گذار و نمودار مقاومت بر حسب دمای آنها تحت فشار هیدروستاتیکی بررسی شد. آهنگ دمای گذار نسبت به فشار برای دو نمونه، به ترتیب K/GPa ا /۱ K/Gpa و به شباهت در ساختار این دو ترکیب، تفاوت این مقادیر نشان از تفاوت مقدار انتقال بار در این دو ترکیب است.

Analysis and Comparison of Superconductor Bulks Y123 and Y358 under hydrostatic pressure

Khoramshahi, Mahya1; Mohammadizadeh, MohammadReza¹

¹Superconductivity Research Laboratory (SLR), Department of Physics, University of Tehran, Tehran

Abstract

After fabrication of 2 superconducting compounds, $YBa_2Cu_3O_7$ and $Y_3Ba_5Cu_8O_{19}$, using solid state method (under similar conditions), the behavior of transition temperature and resistance under hydrostatic pressure were analyzed. Variation of transition temperature respect to pressure was derived as 1.1 and 1.4 K/GPa respectively. Regarding the similarity of the suggested structure in two samples, the small difference of these values is corresponding to different amounts of charge transport in two samples.

مقدمه

است [۳]. گزارشهای بسیاری برای معرفی ویژگیهایی از جمله ساختار بلوری و خواص ترابردی برای ترکیب Y358 و به ویژه Y123 ارائه شده است، در کنار این مطالعات، رفتار دمای گذار و مقاومت نمونههای ترکیب Y123 تحت فشار بررسی و توسط گروههای مختلف گزارش شده است. این در حالی است که هیچ آزمایش تحت فشاری برای نمونه X358 صورت نگرفته است. چنین اطلاعاتی ما را برآن داشت که با توجه به اهمیت مطالعه اثر استوکیومتری روی ویژگیهای ابررسانایی، دو نمونه کپه این ترکیبات را در شرایط یکسانی ساخته و رفتار نمودار مقاومت بر مقایسه کنیم.

با توجه به نبود یک نظریه دقیق برای ابررساناهای دمای بالای کوپراتی [۱]، مطالعهی ویژگیهای فیزیکی این مواد، چه در حالت ابررسانایی و چه در حالت هنجار، با استفاده از آزمایشهای تجربی بسیار با اهمیت است. در میان این روشهای تجربی، اعمال فشار هیدروستاتیک، بسیار پرکاربرد است [۲]، زیرا علاوه بر این که اطلاعات مفیدی جهت بررسی درستی مدلهای ابررسانایی زیادی که ارائه شده است، میدهد، روشی برای افزایش دمای گذار این ترکیبات نیز هست. اعمال فشار موجب تغییراتی در چگالی حامل-های حفره، فضاهای داخل صفحهای و بین صفحهای و چگالی الکترونها در سطح فرمی میشود که نتیجه کلی آن افزایش دمای گذار با اعمال فشار برای تمام ابررساناهای دمای بالای کوپراتی

جزئيات تجربى

دو نمونه کپهای Y123 و Y358 با قطر یک سانتیمتر، به روش متعارف واکنش حالت جامد ساخته شد. پودرهای BaCO₃، روش متعارف واکنش حالت جامد ساخته شد. ودرهای CuO

استوکیومتری مناسب ترکیب و آسیاب شدند. عمل کلسینه ۲ بار و در دمای ۲۵۰٬C به مدت ۲۴ ساعت انجام گرفت. پودر سیاه حاصل، قرص شده و کلوخهسازی در حضور اکسیژن در دمای ۹۳۰۰C به مدت ۲۴ ساعت انجام شد.

برای ایجاد اتصالات الکتریکی به روش استاندارد چهار نقطه ای، از لایه نشانی تیتانیوم و طلا روی محل اتصال نمونه به سیم مسی و از لحیم ایندیوم برای اتصال سیمهای مسی استفاده شد. مقاومت اتصالات، کمتر از ۱ اهم بود و اندازه گیری مقاومت نمونه ها در جریان ثابت انجام گرفت. در تمامی تستهای تحت فشار بازه دمایی بین ۸۰ تا ۱۵۰ کلوین قرار داشت و هنگام گرم شدن نمونه اندازه گیری انجام می شد. جهت اندازه گیری دما از حسگر دمای Pt1000 با دقت MK (/۰ جه بهره گرفتیم.

نمونه در محفظه تفلونی و غوطهور در روغن سیلیکون به عنوان مایع واسط فشار، قرار داشت و اعمال فشار توسط سلول قفل فشار سیلندر پیستونی از جنس مسس- بریلیوم صورت گرفت. کالیبراسیون دستگاه با روشی که در مرجع [۴] ارائه شده است، انجام گرفت.

نتايج و بحث

شکل ۱ طیف XRD هر دو نمونه را نشان می دهد که اکثر قلههای طیف استاندارد Y123 در طیف به دست آمده از Y358 دیده می-شود. قلههای مشخص شده در طیف XRD برای Y358 مربوط به ناخالصی CuO و Y211 است. اختلاف دو طیف تنها در چند قله با ارتفاع اندک است که تنها در طیف Y358 مشاهده می شود. بنابراین تشخیص تمایز این نمونه ها از هم با استفاده از طیف XRD بسیار دشوار است بنابراین تصمیم گرفتیم به مقایسه این دو با آزمایش های تحت فشار بیردازیم.



شكل ۱ : طيف XRD نمونه Y123 و Y358

همانطور که در شکل ۲ و ۳ مشاهده میکنیم، دمای گذار برای هر دو نمونه در بازه ۹۰ تا ۹۵ کلوین قرار دارد. در گزارشهای منتشر شده برای نمونه Y358، دماهای گذار در محدوده ۸۰ تا ۱۲۵ کلوین وجود دارند. اکثر این گزارشها (شامل نمونه تک کریستال) در بازه ۹۰ تا ۹۵ قرار دارند که با دمای گذار بدست آمده توسط ما هم خوانی دارد.



شکل۲ : نمودار مقاومت ویژه بر حسب دما برای نمونه Y123

GPa/K4/1 و 1/1 GPa/K به دست آمد که برای ترکیب Y123 در توافق خوبی با گزارشهای قبلی است [۶]. از روش [۷] برای پیدا کردن Tc استفاده شد. همانطور که در شکلها دیده میشود، تقعر در نمودار دمای گذار بر حسب فشار اعمالی برای ترکیب Y123 رو به پایین به دست آمده و در ترکیب X358، این تقعر به سمت بالا است. همچنین نزدیکتر بودن نقاط تجربی به خط برازش، در نمودار مربوط به نمونه Y358، به خوبی مشهود است.







شکل ۶ : منحنی تغییرات دمای گذار برحسب فشار برای نمونه Y123 (نقطه-چین جهت راهنمایی چشم است)



شکل۳: نمودار مقاومت ویژه بر حسب دما برای نمونه Y358

همچنین شکل ۴ و ۵ نمودار مقاومت بر حسب دمای هر دو نمونه را تحت فشارهای مختلف نشان میدهد. در هر دو نمونه رفتار مقاومت در فاز هنجار، فلزگونه است و با افزایش فشار کاهش پیدا می کند. این افزایش در رسانندگی، ناشی از افزایش چگالی بار با اعمال فشار است [۵].



شکل ۴ : نمودار مقاومت بر حسب دما برای نمونه Y123

اعمال فشار همراه با کاهش مقاومت، موجب افزایش Tc نیز می-شود، همانطور که در شکل ۶ و ۷ میبینیم، آهنگ افزایش دمای گذار نسبت به اعمال فشار برای نمونه Y358 و Y123 به ترتیب



شکل ۷: منحنی تغییرات دمای گذار برحسب فشار برای نمونه Y123 (نقطه-چین جهت راهنمایی چشم است)

اعمال فشار هیدروستاتیک بر نمونه Y123، موجب تغییر در ساختار شبکه این ترکیب می شود. کاهش طول پیوندها در جهت محور c برای (1) O – (1) و (2) O – (2) c از جمله این تغییرات به حساب می آید [۳]. کم شدن طول این پیوندها، به نزدیک شدن صفحه CuO2 و همچنین زنجیر CuO به صفحه نزدیک مندر می شود که نتیجه آن کم تر شدن فاصله بین صفحه CuO₂ و زنجیر CuO است.

در نتیجه اعمال فشار با کاهش در پارامترهای شبکه موجب افزایش در انتقال حفره از زنجیر CuO به صفحه CuO₂ و افزایش تراکم حفره می شود. افزایش چگالی حفرهها در صفحه CuO₂ برای هر دو ترکیب Y123 و Y358 رخ می دهد که این امر به افزایش دمای گذار و مثبت شدن مقدار (dT/dP) در اثر اعمال فشار می انجامد. هر دو ساختار متقارن و نامتقارن معرفی شده برای نمونه Y358 نتایج آنالیز XRD به دست آمده به نمونه Y123 نزدیک است و ساختار متقارن معرفی شده به ساختار نمونه Y123 نزدیک ر ساختار متقارن معرفی شده به ساختار متوان است. می توان گفت، ارجحیت با ساختار متقارن است. علی رغم شباهت بسیار در ساختار دو ترکیب، در شبکه ساختار Y358

زنجیرههای CuO و صفحههای CuO₂ تراکم بیشتری نسبت به ترکیب Y123 دارند، که علت می تواند تاثیر جزئی بیشتر اعمال فشار بر دمای گذار ترکیب Y358 معرفی شود. نتیجه حاصل با نتایج قبلی مبنی بر تاثیر افزایش تراکم حفرهها [۹] بر افزایش دمای گذار، هم خوانی دارد و تایید دیگری بر درستی این فرض محسوب می شود.

۲ نمونه کپه ۲۱23 و ۲358، به روش حالت جامد ساخته شد. با اعمال فشارهای مختلف، نمودار مقاومت بر حسب دمای آنها رسم شد. براساس مدل انتقال بار، با اعمال فشار، دمای گذار هر دو نمونه افزایش پیدا کرد. تاثیر جزئی اعمال فشار بر افزایش دمای گذار به تراکم بیشتر تعداد زنجیرهای CuO و تعداد صفحات مدار به تراکم بیشتر تعداد زنجیرهای CuO و تعداد صفحات اکر می توان نتیجه گرفت به علت تفاوت اندک در ساختار ۲ ترکیب، اعمال فشار برای بهبود خواص ابررسانایی برای ترکیب S358 موثرتر از ترکیب ۲123 است.

مرجعها

- [1] J. Ashkenazi, J. Supercond. Nov. Magnet. 24(4) (2011) 1281–130 P.
- [Y] J. S. Schilling and S. Klotz, in Physical Properties of High Temperature Superconductors, edited by D. M. Ginsberg (World Scientific Singapore, 1992), Vol. 3, p. 59.
- [^r] H. Khosroabadi, M. R. Mohammadizadeh, and M. Akhavan, Physica C 370, 85 (2002)
- [*] A. Eiling and J. S. Schilling, J. Phys. F 11, 623 ~1981!
- [Δ] J.Bardeen, *Phys.usp.*25 (1) (1941)19. (translationfrom J.Appl.Phys.11 (1940)88).
- [^{*}] R.V. Vovk, et al., Journal of Alloys and Compounds. 453 (2008) 69-74
- [Y] H. Yoshida, H. Morita, K. Noto, T. Kaneko, and H. Fujimori, *Jpn. J. Appl. Phys.* 26, L867 (1987).
- [A] H. Khosroabadi., M.Rasti, M.Akhavan., Structural analysis of Y3Ba5Cu8O19-x high-Tc superconductor by ab initio density functional theory, *Physica C*: "Superconductivity" 2014, Vol. 497, s. 84–88.
- [⁴] J. Neumeier, H. Zimmermann, Pressure dependence of the superconducting transition temperature of YBa2Cu3O7 as a function of carrier concentration: a test for a simple charge-transfer model, Phys. *Rev. B* 47 (1993) 8385.

هدایت الکتریکی اضافی ناشی از افتوخیزهای ابررسانایی درMgB2 آلاییده به مالیک اسید

خسروى، صبا¹؛ قربانى، شعبانرضا $^{1^{*}}$ ؛ كيا فيروزكوهى ، نرجس سادات 1 ؛ عربى، هادى 2

¹ آزمایشگاه مواد و الکتروسرامیک، گروه فیزیک، دانشکا.هی علوم پایه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد ²آزمایشگاه انرژی های تجدید پذیر، مغناطیس و نانوتکنولوژی، گروه فیزیک، دانشکادهی علوم پایه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد

چکیدہ

افتوخیزهای ابررسانایی منیزیم دیبراید آلاییده به مالیک اسید برای میدان های مغناطیسی مختلف بررسی شد. دمای بحرانی از تغییرات مقاومت ویژهی الکتریکی بر حسب دما و بعد رسانندگی اضافی از روی اختلاف مقدار مقاومت ویژه بعد از دمای گذار با مقدار آن در حالت عادی، برای این نمونه مورد بررسی قرار گرفت. همچنین دمای گذار از سه به یک بعد T3D-1D و طول همدوسی در جهت محور α (0)ξ ، در میدانهای مغناطیسی مختلف، چگالی جریان بحرانی در میدان مغناطیسی صفر محاسبه شد. این محاسبات نشان میدهد، که دمای گذار و طول همدوسی با افزایش میدان مغناطیسی کاهش می یابند.

Fluctuation Excess conductivity in malic acid-doped MgB2

Khosravi, Saba¹; Ghorbani, Shaban Reza^{1,*}; KiaFiroozkoohi, Narjess Sadat¹; Arabi, Hadi²

¹Materials and Electroceramic Lab, Department of Physics, Faculty of Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad ²Renewable, Magnetic, and Nanotechnology Lab, Department of Physics, Faculty of Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Abstract

The Fluctuation excess conductivity of MgB_2 superconductor doped with malic acid has been investigated in different magnetic fields. The critical temperature and the conductivity dimension has been obtained from temperature dependence of electrical resistivity and the difference between the resistivity in superconducting and normal state, respectively. The temperature of transition from three to one dimension T_{3D-1D} and the coherence length in the c- direction $\xi(0)$ has been determined as a function of magnetic fields. Result shows that both the T_{3D-1D} and the $\xi(0)$ decrease by the field increasing. The critical current has been calculated in zero field.

PACS No. 74

همچنین نشان دادند که این افتوخیزها علاوه بر تاثیری که روی خواص ترمودینامیکی دارند بر خواص دینامیکی هم موثرند.

معمولاً سیستمهای فیزیکی در دمای معین دارای افتو-خیزهایی هستند که می توانند سیستم را از حالت تعادل خارج سازند. اما این حالت نامتعادل نمیتواند به همان حال باقی بماند، بلکه فرآیندهایی به طور متوالی رخ میدهند که میتوانند منجر به برگشت سیستم به حالت تعادل شوند. بنابراین میتوان گفت که مقدمه

اولین آزمایشی که اثر افتوخیزهای ابررسانایی بر روی رسانش را نشان داد، در سال 1967 توسط گلاور برروی فیلمهای بیسموت صورت گرفت [1]. در سال 1986 در مقالههایی که توسط آسلامازو-لارکین و ماکی و کمی بعد تامسون ارائه شد. مقدمات نظری میکروسکوپی افت و خیزها در فاز عادی یک ابررسانا در مجاورت دمای بحرانی فرمول بندی شد[2-4]. آنها

حول حالت تعادل افت وخیزهای پیوسته ای در جریانند. مطالعه ی افت و خیزها می تواند در حل بسیاری از خواص ابررسانش و درک ابررسانایی کمک شایانی داشته باشد.

در هر سیستم با دمای متناهی که اجزای آن دارای حرکت آماری کاتورهای باشند، افتوخیزها قابل مشاهده هستند. در یک ابررسانا نیز افتوخیزهای ترمودینامیکی وجود دارند. انحرافات از حالت تعادل می توانند در دماهای بالاتر از T_c، یعنی در حالت عادی رخ دهند، که حاصل آن ظهور حالت ابررسانشی در بعضی نواحی، یعنی بهوجود آمدن جفتهای کوپر است. این انحرافات از حالت تعادل، بهطور طبیعی ناپایدارند و کموبیش به سرعت ناپدید میشوند. بنابراین در بالای دمای Tc جفتهای کوپر ناشی از افت-وخیزهای ترمودینامیکی تولید و نابود میشوند. هرچه دما بالاتر باشد، این پدیده بهندرت اتفاق میافتد. زیرا هرچه دما بالاتر رود حالت عادی در مقایسه با حالت ابررسانشی پایدارتر میشود و برای تشکیل حالت ابررسانشی انحراف بیشتری از تعادل لازم است. جفتهای کوپر در ابررسانا بدون اتلاف میتوانند حرکت کنند. در نتیجه در دمای بالای T_c ظهور جفتهای کوپر باعث ایجاد رسانش اضافی در حالت عادی می گردد که مقدار آن با نزدیک شدن به T_c افزایش می یابد. بنابراین با استفاده از درک حالت ابررسانشی و با به حساب آوردن حضور افتوخیزهای ترمودینامیکی انتظار میرود که حتی در بالاتر از دمای T_c، ابررسانایی برحسب کاهش اضافی در مقاومت (افزایش در رسانش) قابل مشاهده باشد.

رسانش اضافی ناشی از افتوخیزها را می توان از روی اندازه گیری مقاومت الکتریکی بر حسب دما تعیین کرد. انحراف مقاومت الکتریکی از حالت عادی و کاهش آن، طبق رابطهی 1، منجر به ایجاد رسانندگی اضافی می شود[5]. مقاومت حالت عادی برای ابررسانای MgB2 به صورت تابع درجهی 2 می باشد.

 $\Delta \sigma = \sigma(T) - \sigma_n(T) \tag{1}$

که (o(T) رسانش الکتریکی اندازهگیری شده و (on(T رسانش الکتریکی حالت عادی در صورت عدم انحراف منحنی مقاومت است.

آسلامازو -لارکین رابطهای دیگر برای رسانش الکتریکی اضافی، مانند رابطهی 2، ارائه دادند که در ناحیه میدان میانگین(MFR) مانند رابطهی 2، ارائه دادند که در ناحیه میدان میانگین(MFR).
 میاشد[6،7] .
 میاشد معتبر میباشد[6،7] .
 میباشد. *A*e^A = 4e^A (2)
 که در رابطه فوق *T*mf /(*T*mf *T*) = 3 میباشد. *T*mf دمای میدان میدان میانگین است که از روی قله منحنی dp/dT برحسب T بهدست میآید. A ضریبی مستقل از دماست که برای سه ناحیهی مختلف میآید. A ضریبی مستقل از دماست که برای سه ناحیهی مختلف ابررسانایی یعنی سه بعدی، دوبعدی و یک بعدی به مورت روابط میره در استاهای مختلف بستگی دارد. وقتی ترابرد در سه بعد انجام گیرد، راستاهای مختلف بستگی دارد. وقتی ترابرد در سه بعد انجام گیرد،

مقدار آن برابر با (5/0-)، در دو بعد برابر با (1-) و برای ترابرد یک بعدی (1/5-) می باشد[11].

$$A(3D) = \frac{e^2}{32\hbar\xi(0)\sigma_{200}}$$
(3)

$$A(2D) = \frac{e^2}{16h\xi(0)\sigma_{a00}}$$
(4)

$$A(1D) = \frac{g^{2}\xi(0)}{32\hbar s\xi(0)\sigma_{B00}}$$
(5)

که در آنها (0) کې طول همدوسی در جهت محور c در دمای صفر، b ضخامت موثر لایه در سیستم دو بعدی، s مساحت سطح مقطع سیم در سیستم یک بعدی و σ_{300} رسانایی الکتریکی در دمای 300K میباشد. چگالی جریان بحرانی، J_c طبق رابطه δ ، محاسبه می شود:[21و 13]. (6)

نتايج و بحثها

شیوه ی مناسب برای تعریف دمای بحرانی T_o،دمایی مطابق با 50% افت مقاومت است. بنابراین دمای میدان میانگین، T_{mf}^c،به عنوان دمای بحرانی در نظر گرفته می شود.


شکل 1. نمودار مشتق مقاومت ویژه الکتریکی بر حسب دما برای نمونه MgB₂ آلاییده به مالیک اسید برای میدان مغناطیسی B = 2T .

شکل 2 نمودار Δσ بر حسب *z* را نشان میدهد، که در میدان 2 تسلا، با ثابت در نظر گرفتن ترابرد الکتریکی در سه بعد، دو بعد و یک بعد و با معادله 2 برازش داده شد. همان طور که مشاهده میشود، رسانندگی از سه بعد به یک بعد انتقال مییابد و رسانندگی در دو بعد برای ابررسانای MgB2 وجود ندارد. جدول 1، دادههای محاسبه شده را نشان میدهد، که با افزایش میدان مغناطیسی ضریب (A(3D) و (A(1D) در محدوده میدان 0 تا 6 تسلا افزایش مییابد.



شکل2. نمودار رسانندگی اضافی الکتریکی بر حسب€ برای نمونهی MgB₂ آلاییده به مالیک اسید در میدان مغناطیسی B = 2T

جدول 1. دادههای ضریب رسانندگی در سه و یک بعد در میدانهای مغناطیسی مختلف.

| B(T) | 0/25 | 0/5 | 1 | 2 | 4 | 6 |
|----------|------|-----|-----|-----|-----|-----|
| A_{3D} | 330 | 350 | 450 | 550 | 560 | 750 |

جدول 2، دمای میدان میانگین، $T_{
m mf}^c$ ، و دمای گذار سه به یک بعدی، T_{3D}-1D, را در میدانهای مغناطیسی مختلف نشان میدهد. هردو دمای فوق با افزایش میدان مغناطیسی کاهش مییابند. چراکه میدان مغناطیسی مانند دما عامل کاهش ابررسانایی است.

جدول 2. تغییرات دمای میدان میانگین و دمای گذار سه به یک بعدی بر حسب میدان مغناطیسی.

| <i>B</i> (T) | 0/25 | 0/5 | 1 | 2 | 4 | 6 |
|--------------------------|-------|-------|-------|-------|-------|----------------|
| $T_{\rm mf}^{\rm c}$ (K) | 34/58 | 33/99 | 32/88 | 31/03 | 28/3 | 25 / 91 |
| T_{3D-1D} (K) | 34/91 | 34/21 | 33/14 | 31/44 | 28/87 | 26/5 |

با استفاده از رابطهی 3 ، $\frac{e^2}{32\hbar A(3D)\sigma_{300}} = (0)$ ¢، طول همدوسی برای میدانهای مغناطیسی مختلف مطابق جدول 3 محاسبه گردید. دادهها نشان میدهد، که با افزایش میدان مغناطیسی طول همدوسی کاهش یافته است. میدان مغناطیسی سبب کاهش طول مسیرآزاد میانگین الکترونها در شبکه می شود. از طرفی به دلیل این که طول همدوسی ارتباط تنگاتنگی با مسیر آزاد میانگین دارد، شاهد کاهش آن با میدان مغناطیسی هستیم.

جدول 3. تغييرات طول همدوسي بر حسب ميدان مغناطيسي.

| <i>B</i> (T) | 0/25 | 0/5 | 1 | 2 | 4 | 6 |
|--------------|------|-----|-----|------|------|-----|
| ξ (nm) | 3/6 | 3/4 | 2/6 | 2/18 | 2/14 | 1/6 |

با داشتن طول همدوسی پارامتر ابررسانایی چگالی جریان بحرانی طبق رابطه 6، محاسبه شده است. چگالی جریان بحرانی محاسبه شده A/cm² × 2 می باشد، که بیشتر از چگالی جریانی است که برای نمونههای خالص گزارش شده است. این افزایش به دلیل

افزودن مالیک اسید به ترکیب MgB₂ و در نتیجه افزایش مراکز میخکوبی می باشد.

نتيجه گيري

در نمونه MgB₂ آلاییده به مالیک اسید گذار از ناحیهی سه بعدی به یک بعدی صورت می گیرد و ناحیهی دو بعدی مشاهده نمیشود. با افزایش میدان مغناطیسی دمای گذار T_{3D-1D} کاهش مییابد. همچنین افزایش میدان مغناطیسی سبب افزایش ضریب A(3D) و A(1D) و کاهش طول همدوسی میشود.

مرجعها

[1] R. E. Glover, "Ideal resistive transition of a superconductor", Phys, Lett. A 25 (1967) 542

[2] L.G. Aslamasov, A.I. Larkin, "*The influence of fluctuation pairing of electrons on the conductivity of normal metal*", Phys. Lett. A **26 (6)** (1968) 238.

[3] K. Maki, "The Critical fluctuation of the order parameter in Type II Superconductors" Prog. Theor. Phys. **39** (1968) 897.

[4] R. S. Thompson, "Microwave, Flux Flow, and Fluctuation Resistance of Dirty Type-II Superconductors", Phys. Rev. B 1 (1970) 327.

[5] S. A. Saleh, S. A. Ahmed, E. M. Elsheikh, "A Study on Thermoelectric Power and Electrical Properties of Bi-2223 Superconductors Sintered for Different Time Period", J. Supercond. Nov. Magn. 21 (2008) 187.

[6] L. G. Aslamazov, A. L. Larkin, "Effect of Fluctuations on the Properties of a Superconductor Above the Critical Temperature" Sov. Phys. Solid State 10 (1968) 875.

[7] M. P. Rojas Sarmiento, M. A. Uribe Laverde, E. Vera Lopez, D. A. Landinez Tellez, J. Roa-Rojas, "Conductivity fluctuation and superconducting parameters of the YBa $_2Cu_{3-x}(PO_4)_xO_{7-\delta}$ material" Physica B **398** (2007) 360.

[8] A. L. Abou-Ali, Awad, I. H. Ibrahim, W.Abdeen, "*Excess conductivity analysis for Tl*_{0.8} $Hg_{0.2}Ba_2Ca_2Cu_3O_{9-\delta}$ substituted by Sm and Yb" Solid State Commun. **149** (2009) 281.

[9] A. K. Pradhan, S. B. Roy, P. Chaddha, C. Chan, B. M. Wanklyn, "Anomalous magnetic behavior in Bi2Sr2CaCu2O8+y single crystals near the superconducting-transition regime" Phys, Rev. B **52** (1995) 6215.

[10] F. Sharifi, A. V. Herzog, R. C. Dynes, "Crossover from two to one dimension in in situ grown wires of Pb" Phys, Rev. Lett **71** (1993)428.

[11] S. H. Han. J. Axnas, B. R. Zhao, O. Rapp, "Fluctuation conductivity at high temperatures in polycrystalline Hg, Tl-1223--Is there 1D fluctuation behavior?" Physica C, **408** (2004) 679.

[12] A. Petrovie, Y. Fasano, R. Lortz, M. Pecrouc, M. Potel, R. Chevrel, O.Fischer, "Unconventional resistive transitions in the extreme type-II superconductor Tl2Mo6Se6" Physica C 460 (2007) 702.

[13] P. Charles Poole Jr, A. H. Farach, J. R. Creswich, R. Przorov, "*Superconductivity*", second edition, Academic Press (2007).

Nd_{1-x}Ca_xFeAsO_{0.8}F_{0.2} بررسی خصوصیات ساختاری و ابررسانایی ترکیبات بر پایه آهن Nd_{1-x}Ca_xFeAsO_{0.8}F_{0.2}

آزمایشگاه پژوهشی مغناطیس و ابررسانا، دانشکاده فیزیک و شیمی، دانشگاه الزهراس، تهران، ایران

چکیدہ

تركيبات Nd_{1-x}Ca_xFeAsO_{0.8}F_{0.2} با مقدار آلايش No.0.5, 0.05 به روش واكنش حالت جامد تك مرحله اى سنتز شده اند. الكوى پراش اشعه X نمونه ها، تشكيل ساختار بلورى تتراگونال با گروه فضايى P4/nmm:2 را در تمامى نمونه ها نشان داد. به منظور تحليل دقيق ساختارى، الكوى پراش اشعه X نمونه ها با استفاده از نرمافزار MAUD بر پايه تحليل ريتولد، ظريفسازى شد. براساس برازش داده ها، ثابت شبكه "a" با افزايش آلايش كلسيم ثابت مى ماند، درحالى كه ثابت شبكه "c" و حجم سلول واحد كاهش يافته است. در اندازه گيرى خاصيت ابررسانايى نمونه ها، مشخص شد كه دماى گذار ابررسانايى از دماى X مرعا نمونه خالص (x=0) به دماى X هم براى نمونه آلاييده با 20.01 مى در نمونه مى يابد. همچنين ابررسانايى با افزايش آلايش كليم م در نمونه نمونه خالص (x=0) به دماى K براى نمونه آلاييده با 20.01 مى در نمان مى يابد. همچنين ابررسانايى با افزايش آلايش كليم

The study of structural and superconductivity properties of Nd_{1-x}Ca_xFeAsO_{0.8}F_{0.2} ironbased compounds

Shahbaz Tehrani, Fatemeh; Daadmehr, Vahid

Magnet & Superconducting Research Lab., Faculty of Physics & Chemistry, Alzahra University, Tehran, Iran Abstract

The $Nd_{1-x}Ca_xFeAsO_{0.8}F_{0.2}$ compounds with x=0, 0.01, 0.05 have been synthesized through the one step solidstate reaction method. The X-ray diffraction patterns of the samples have indicated the formation of tetragonal structure with the space group P4/nmm:2. In order to exact structural analysis, the X-ray diffraction patterns of samples have been refined using the MAUD software based on Rietveld's analysis. From the data refinement, the lattice parameter "a" remains constant by increasing the calcium content, while the lattice parameter "c" and the cell volume decreased. In superconductivity measurement of the samples, it was found that the superconductivity transition temperature has been reduced from 55 K for the pure sample (x = 0) to 48 K for the doped sample with x = 0.01. Also, the superconductivity has suppressed with the increase in calcium content in $Nd_{0.95}Ca_{0.05}FeAsO_{0.8}F_{0.2}$ sample (x=0.05).

PACS No. 74, 61

فلزات کمیاب خاکی مانند La وغیره می باشند) دارای بیشترین دمای گذار بین دیگر گروه های ابررساناهای برپایه آهن هستند. در این ترکیبات، لایه FeAs به عنوان صفحه ابررسانشی و لایه (Re(O/F) به عنوان مخازن بار عمل می کنند. تاکنون تحقیقات و پژوهش های فراوانی در زمینه سنتز و مشخصه یابی خصوصیات ابررسانایی و اثر آلایش های مختلف بر خصوصیات ترکیبات برپایه آهن از جمله دمای گذار صورت گرفته است [5-3]. در این مقاله برای نخستین بار، اثر جانشینی Ca/Nd بر خصوصیات ساختاری و ابررسانایی ابررسانای برپایه آهن Soure-800 بررسی شده ابررسانایی ابررسانای معی داریم تاکید نماییم که رابطه ای بین

در سال ۲۰۰٦، پدیده ابررسانایی در ترکیبات حاوی آهن و به طور مشخص در ترکیب LaFePO، با دمای گذار حدود ۳٫۵ کلوین گزارش شد [1]. دو سال بعد، پدیده ابررسانایی در ترکیب دمتهده شد [2]. دو سال بعد، پدیده ابررسانایی در ترکیب مشاهده شد [2]. ابررساناهای برپایه آهن به عنوان گروهی از ابررساناهای دمای بالا، به علت دارا بودن خصوصیات مغناطیسی و ابررسانایی، به طور همزمان، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می باشند. این نوع ابررساناها همانند ابررساناهای کوپراتی دارای ساختار لایه ای می باشند. در میان ابررساناهای برپایه آهن، گروه-ساختار لایه ای می باشند. در میان ابررساناهای برپایه آهن، گروه-

مقدمه

خصوصیات ساختاری و ابررسانایی در ترکیبات برپایه آهن وجود دارد.

آزمایشات تجربی

تركيبات پلی كريستال برپايه آهن Nd_{1-x}Ca_xFeAsO_{0.8}F_{0.2} با مقدار آلایش x=0, 0.01, 0.05 به روش واکنش حالت جامد تک مرحله ای سنتز شده اند. نمونه های سنتز شده NdFeAsO0.8F0.2، $Nd_{0.95}Ca_{0.05}FeAsO_{0.8}F_{0.2}$ $\int Nd_{0.99}Ca_{0.01}FeAsO_{0.8}F_{0.2}$ ىە ترتيب با نمادهاى Nd-Ca0.01 ،Nd-1111 و Nd-Ca0.05 نامگذاری شده اند. برای ساخت یک گرم از نمونه مورد نظر، مقادیر محاسبه شده براساس علم وزن سنجی از پودرهای نئوديميوم Nd، آهن Fe، اكسيد آهن Fe₂O₃، آهن (III) فلورايد FeF₃، کلسیم فلوراید CaF₂ و تکه های آرسنیک As (تمامی مواد اولیه دارای خلوص ٪ ۹۹/۹ هستند) توسط ترازویی با دقت °۰۰ گرم توزین شدند. سپس این مواد به مدت ۲ ساعت با یکدیگر ساییده و مخلوط شدند. تمامی مراحل توزین و ساییدن درون گلاوباکسی حاوی گاز نیتروژن انجام شد. پودر همگن بدست آمده توسط پرس و با فشار Kg/cm² به شکل قرص درآمده و درون لوله كوارتز قرار گرفت. بعد از آن، لوله كوارتز توسط پمپ خلاء تا فشار mbar، تخليه شده و سپس مهر و موم شد. لوله كوارتز مهر و موم شده درون کوره استوانه ای قرار گرفته و با آهنگ دمایی C/min تا دمای C° 350 حرارت داده شد و به مدت ۵ ساعت در این دما قرار گرفت. سپس با آهنگ دمایی ذکر شده تا دمای °C 640 (و باقی ماندن در این دما به مدت ۱٤ ساعت) و بعد از آن تا دمای C° 880 (و حرارت دادن در این دما به مدت ۲۰ ساعت) و در آخر تا دمای C° 1150 (و باقی ماندن در این دما به مدت ۲۰ ساعت) حرارت داده شد. در این مرحله پودر حاصله، دوباره به مدت ۲ ساعت ساییده شده و به شکل قرص درمی آید. سپس قرص بدست آمده درون لوله کوارتز قرار گرفته و بار دیگر مهر وموم مي شود. در آخر تمامي فرآيند حرارت دهي ذكر شده دوباره تكرار مي شود.

برای بررسی مشخصات ساختاری نمونه ها از جمله ثوابت شبکه ای، اندیس های میلر و فازهای غالب و ناخواسته، از دستگاه XRD مدل PW3050/60 متعلق به شرکت [®]PANalytical با تابش

λ ۰ ۸-۵ درجه، استفاده (λ=1.54056 Å) Cu Kα کردیم. برازش داده های حاصل از اندازه گیری XRD توسط نرم افزار (MAUD) "Material Analysis Using Diffraction" صورت گرفت. مقاومت الکتریکی نمونه ها با استفاده از روش پروب چهار نقطه ای، با جریان مستقیم MA 10 اندازه گیری شد. مقاومت الکتریکی نمونه ها در دمای اتاق کمتر از ۰٫۰ اهم بوده و دقت اندازه گیری ولتاژ دو سر نمونه ها میکروولت است.

بحث و بررسی

شکل ۱ الگوی XRD ترکیبات سنتز شده را نشان می دهد. برای تعیین مشخصات و ساختار بلوری نمونه ها، با استفاده از نرم افزار MAUD و تحلیل ریتولد، طیف XRD نمونه ها را ظریف سازی نمودیم. براساس این تحلیل، ساختار بلوری تتراگونال با گروه تقارنی P4/nmm:2 در تمامی نمونه ها تشکیل شده است. صفحات میلر مربوط به این ساختار بلوری برای نمونه های سنتز شده است. منحص Nd-Ca0.01 و Nd-Ca0.05 در شکل ۱ مشخص شده است. جابه جایی صفحات به سمت زوایای بزرگتر، نشان شده است. همچنین شده نده کاهش ثابت شبکه با جانشینی کلسیم است. همچنین براساس تحلیل نرم افزار MAUD، حضور فازهای ناخالصی (که در شکل ۱ علامت گذاری شده است) در نمونه ها مشخص شد و درصد حجمی فاز خالص در نمونه های ۱۱۱۲-N۸ دام. Nd-Ca0.05 به می از مال





شکل۲. تصویر شماتیکی از ترکیبات سنتز شده Sea Sea Sea Sous Fo2 ، محینین ، هیچ پیک دیگر نیز، مشاهده و گزارش شده است [6-8]. همچنین، هیچ پیک ناخالصی مربوط به فازهای یون کلسیم مانند CaO، CaF2 و غیره در الگوی XRD نمونه های Nd-Ca0.01 و Nd-Ca0.05 مشاهده نمی شود که نشان دهنده جانشینی کامل یون های ⁺²Ca به جای یون های ⁺¹Ma در ترکیبات مذکور بوده است. این جانشینی توسط نرم افزار MAUD نیز تایید شد.

پارامترهای ساختاری محاسبه شده با نرم افزار MAUD برای نمونه های سنتز شده در جدول ۱ آورده شده است. همان طور که در جدول ملاحظه مي نماييد، ثابت شبكه "a" با افزايش آلايش کلسیم ثابت می ماند، در حالی که ثابت شبکه "c" و حجم سلول واحد كاهش مي يابد. از أن جايي كه شعاع يوني (Å 1.12 Å و (۱.11 Å) تفاوت چندانی با یک دیگر ندارد، لـذا بـرای بیـان علت تغییر ثابت شبکه ۵ باید پارامترهای ساختاری دیگری چون طول باند و زوایای بین پیوندی را در ترکیبات سنتز شده محاسبه نماييم. در تركيبات برپايه آهن در لايه ابررسانشي FeAs، هـر يـون آهن به صورت چهار وجهی توسط چهار یون آرسنیک احاطه شده اند، که این چهار وجهی های-FeAs4 به عنوان یک بلوک مهم و کلیدی در این مواد هستند. به علاوه، در لایه مخزن بار (Nd(O/F، هـر يـون نئوديميـوم بـه شـكل چهـاروجهي توسـط چهـار يـون اکسیژن/فلوئور احاطه شده است (شکل ۲ چهاروجهی های مذکور را نشان می دهد). پارامترهای محاسبه شده براساس برازش داده های XRD، برای نمونه ها در جدول ۱ ذکر شده است.

همان طور که از جدول ۱ آشکار است، با افزایش جانشینی کلسیم، طول پیوندهای Fe-As و Nd-(O/F) کاهش یافته است. به علاوه، زوایای بین پیوندی As-Fe-As "" و "β" به ترتیب، کاهش و افزایش می یابد. همان طور که در شکل ۲ نیز قابل مشاهده است، همراه با کاهش طول پیوند Fe-As و کاهش و افزایش یافتن زوایای "۵" و "β" به ترتیب، ضخامت لایه Fe-As با جانشینی یون کلسیم، کاهش خواهد یافت. همچنانکه نتایج محاسبات ضخامت لایه Fe-As (جدول ۱) این مسئله را تایید می نماید. به علاوه با ثر کاهش طول پیوند (O/F)-Nd-(O/F) افزایش می یابد. اثر کاهش طول پیوند (O/F)-Nd-(O/F) افزایش می یابد. نتایج محاسبات ضخامت لایه (O/F)-Nd-(O/F) نتایج محاسبات ضخامت لایه (O/F)-Nd-و(O/F) این موضوع است. بنابراین، با کاهش ضخامت لایه های Fe-As و این موضوع است. بنابراین، با کاهش ضخامت لایه مای در جدول ۹، تایید کننده واحد کاهش می یابد.

شکل ۳، مقاومت الکتریکی نرمال شده نمونه های سنتز شده Nd-Ca0.01 ،Nd-1111 و Nd-Ca0.05 را نشان می دهد. همان طور که در شکل ملاحظه می نمایید، مقاومت الکتریکی نمونه Nd-1111 با کاهش دما به صورت خطبی کاهش مبی یابد و در دمای Tc^{mid}= 55 K گذار ابررسانایی رخ می دهـد. بـرای نمونـه Nd-Ca0.01 در محدوده دمای K 125 یک برآمدگی دیده می شود که به گذار ساختاری از ساختار تتراگونال به اورتورومبیک نسبت داده می شود. این گذار ساختاری در ترکیبات برپایه آهن معرف این نکته است که ابررسانایی در این ترکیبات در فاز اورتورومبیک رخ مي دهد [9]. با كاهش بيشتر دما، مقاومت الكتريكي نمونـه Nd-Ca0.01 کـاهش یافتـه و گـذار ابررسـانایی در ایـن نمونـه در دمای T_C^{mid}= 48 K اتفاق می افتـد. بـه عـلاوه، بـا افـزایش بیشـتر آلایش کلسیم، ابررسانایی در نمونه Nd-Ca0.05، از بین رفته و این نمونه به صورت یک ماده نیمرسانا رفتار می کند. بنابراین با افزایش آلایش کلسیم، دمای ابررسانایی در نمونه های سنتز شده کاهش می یابد. همان طور که در قبل بیان نمودیم، چهاروجهی های-FeAs4 در ترکیبات برپایه آهن، نقش مهمی را

| نمونه | شبكه | ثابت | حجم | ند (Å) | طول با | (° | ی بین پیوندی (| زوايا | ضخامت لايه | ضخامت لايه |
|-----------|---------|-------------------------|-------------------|----------------|----------|-----------|----------------|-----------|------------|------------|
| | a(Å) | c(Å) | سلول واحد | Fe-As | Nd- | As-F | e-As | (O/F)-Nd- | Fe-As | Nd-(O/F) |
| | | | (Å ³) | | (O/F) | α | β | (O/F) | (Å) | (Å) |
| | | | | | | | | | | |
| Nd-1111 | ٣,٩٦(٧) | ٨,٥٩(٦) | 180,17(7) | ۲, ٤ • ۱ (•) | ۲٫۳۱۳(٤) | ۱۰۸٫٥۱(٥) | 111/2 • (7) | 117,90(.) | 1,707(1) | ١,٢٠٩(٦) |
| Nd-Ca0.01 | ٣,٩٦(٤) | $\Lambda_{00}(\Lambda)$ | 182,27(2) | ٢,٣٩٦(٤) | ٢,٣٠٩(٤) | ۱۰۸,٤٢(٤) | ۱۱۱٫٦٠(٧) | ۱۱۷/۱۳(Λ) | 1,722(1) | 1,7.2(7) |
| Nd-Ca0.05 | ٣/٩٦(١) | ٨,٥١(٠) | 188,01(V) | ۲,۳۹.(۹) | ۲٫٣•٤(٧) | ۱۰۸,۲۹(٤) | 111/A7(V) | 117/11 | 1,779(2) | 1,197(0) |

جدول ۱. پارامترهای ساختاری محاسبه شده توسط نرم افزار MAUD

ایفا می کنند. نومارا و همکاران [9] اثر اعوجاج چهاروجهی های-ایفا می کنند. نومارا و همکاران [9] اثر اعوجاج چهاروجهی های-FeAs4 را از چهاروجهی منظم (° CaFe_{1-x}Co_xAsF) روی دمای گذار در ترکیبات CaFe_{1-x}Co_xAsF بررسی کردند. همچنین، لی و همکاران [10] نتیجه گرفتند که دمای گذار ترکیبات _v. InFeAsO₁ ای دور شدن از مقدار چهاروجهی منظم کاهش می یابد. در پژوهش جاضر، با مقایسه نتایج حاصل از محاسبات ساختاری و اندازه گیری مقاومت الکتریکی، درمی یابیم که با افزایش آلایش کلسیم، زوایای $\alpha \in \beta$ نمونه های سنتز شده ما، از مقدار چهاروجهی منظم (° 1094–β=۵) دورتر شده و بنابراین دمای گذار ابررسانایی کاهش می یابد. لذا، این پژوهش، موید نتایج پژوهش های مذکور درباره رابطه بین خصوصیات ساختاری و ابررسانایی در ابررساناهای بریایه آهن است.



نتيجه گيرى

در این تحقیق، اثر آلایش کلسیم بر خصوصیات ساختاری و ابررسانایی ترکیبات Nd_{1-x}Ca_xFeAsO_{0.8}F_{0.2} با مقدار آلایش ,x=0 ابررسانایی ترکیبات Nd_{1-x}Ca_xFeAsO_{0.8}F_{0.2} نمونه ها، ماتد، درحالی که xalpha برای بررسان تحلیل الگوی XRD نمونه ها، ثابت شبکه "a" با افزایش آلایش کلسیم ثابت می ماند، درحالی که ثابت شبکه "a" و حجم سلول واحد کاهش می یابد. علت این مسئله کاهش ضخامت لایه های Fe-As و (Nd-O)-N با افزایش مسئله کاهش ضخامت لایه های Fe-As و (Nd-O)-N با افزایش آلایش کلسیم است. دمای گذار ابررسانایی از دمای X 55 برای نمونه Nd-Ca0.01 کاهش می یابد. Nd-Ca0.05 این مسئله افزایش اعوجاج چهاروجهی از بین رفته است. علت این مسئله افزایش اعوجاج چهاروجهی های-FeAs4 از مقدار چهاروجهی منظم با افزایش آلایش کلسیم است.

مرجعها

- [1]Y. Kamihara, H. Hiramatsu, M. Hirano, R. Kawamura, H. Yanagi, T. Kamiya, H. Hosono, *J. Am. Chem. Soc.* **128**, No. 31(2006) 10012-10013.
 [2]Y. Kamihara, T. Watanabe, M. Hirano, H. Hosono, *J. Am. Chem. Soc*, **130**, No. 11 (2008) 3296–3297.
- [3] S.V.Chong, G.V.M. Williams, S. Sambale, K. Kadowaki, *Physica C: Superconductivity and its Applications* **507**, (2014) 35-40.
- [4] Z.-A. Ren, J. Yang, W. Lu, W. Yi, X.-L. Shen, Z.-C. Li, G.-C. Che, X.-L. Dong, L.-L. Sun, F. Zhou, Z.-X. Zhao, EPL (Europhysics Letters) 82, (2008) 570021-570022.
- [5] N.D. Zhigadlo, S. Weyeneth, S. Katrych, P.J.W. Moll, K. Rogacki, S. Bosma, R. Puzniak, J. Karpinski, B. Batlogg, *Physical Review* 86, (2012) 214509-1-214509-12.
- [6] P. M. Aswathy, J. B. Anooja, Neson Varghese, U. Syamaprasad, *Journal of Applied Physics* **115**, (2014) 053903-1-053903-6.
- [7] J.B. Anooja, P.M. Aswathy, N. Varghese, K. Vinod, A. Bharathi, U. Syamaprasad, *Journal of Alloys and Compounds* **566**, (2013) 43-49.
- [8] Poonam Rania, A.K. Hafiz, V.P.S. Awana, *Physica C:* Superconductivity and its applications **520**, (2016) 1–7.
- [9] T. Nomura, Y. Inoue, S. Matsuishi, M. Hirano, J. E. Kim, K. Kato, M. Takata, H. Hosono, *Supercond. Sci. Technol.* 22, (2009) 055016-1-055016-7.
- [10] C.-H. Lee, A. Iyo, H. Eisaki, H. Kito, M. Teresa Fernandez-Diaz, T. Ito, K. Kihou, H. Matsuhata, M. Braden, K. Yamada, *Journal of the Physical Society of Japan*, **77** (2008) 083704-083706.

صائب، فاطمه؛ تن سازان، شيما؛ اعتصامي، محمد

دانشکده فیزیک، دانشگاه یزد، خیابان پژوهش، یزد

ما در یک رویکرد پدیده شناسانه عام برای بررسی حالتها و تغییرات حالتهای دستگاههای فیزیکی مختلف به ویژه انواعی از چگالههای جدید میدانهای نظم تانسوری مناسب درنظر میگیریم و روش کلی تعیین دستگاه معادله دیفرانسیل مرتبههای مختلف میدان نظم را به صورت تعمیمی از نظریه گینزبرگ-لاندائو معرفی میکنیم و نشان میدهیم که آثار ذاتی نظمها به خوبی در نمونههایی از دستگاه که بزرگی ابعاد هندسی آنها از مرتبه طولهای مشخصه فیزیکی باشد به خوبی قابل آشکار شدن می باشد.

Ordering in Relatively Small Extents Saeb, Fatemeh; Tansazaan, Shima; Eatesami, Mohammad Department of Physics, Yazd University, Pajohesh Street, Yazd

Abstract

In a general phenomenological approach, we consider appropriate order field tensors to survey states and changes of states for different physical systems especially for some kinds of novel condensates. We consider a generalization of the Ginzburg- Landau theory to obtain a system of differential equations for the fields and demonstrate effects of intrinsic orders are well appearable in the samples have geometrical dimensions of the same orders of magnitude of their characteristic lengths.

PACS No. 85.25.Dq, 74.50.+r, 85.25.Am, 85.25.Cp گازی، مایع و جامد برای مواد مشاهده می شود. در این روند افزایش چگالی و چگالش، برهمکنش های بین ذرات ماده نقش مهمی دارند. ولی در چگالهها و ابرشارههای جدید ماجرای چگالش یک ماجرای متفاوتی میباشد. به طور مشخص چگالش بوز- اینشتین یک گذار فاز کوانتومی است که در غیاب هر گونه برهمکنشی بین بوزونها هم روی میدهد. در طی این چگالش یک کسری ماکروسکویی از بوزونها با همدیگر در یک حالت پایه انرژی قرار می گیرند. در چگالههای فرمیونی مانند ابررساناها، ابرشاره He و چگالههای گازهای فرمیونی فوق سرد قلیایی، فرمیون ها به ترتیب با مبادله کوانتاهای برانگیختگی های جمعی، برهمکنش های مایع فرمی و برهمکنش تشدید فشباخی دو به دو با همدیگر جفت میشوند به گونهای که رژیم طبقاتی فرمیونی ناپایدار و همراه با ایجاد یک گاف انرژی در طیف برانگیختگیهای بنیادی، گذار به یک وضعیت پایدارتر برای حالتهای مجاور سطح فرمی فراهم میشود. در هر صورت، چگالش معمولاً با افزایش نظم و کاهش انرژی دستگاه همراه میباشد ولی نظم و انرژیی که شاید از قبل برای ما کاملاً شناخته شده نباشند و در نتیجه باید به صورت خودسازگار تعیین شوند. از این رو مدلها و نظریههای یدیده شناسانه در بررسی چگالهها و رونق بخشی به نظریههای

مقدمه

یک ابررسانا در حضور میدان مغناطیسی فازهای مختلفی مانند فازهای مایسنر، شبکه گردشار، شیشه گردشار و مایع گردشار ممکن است داشته باشد. گشتاورهای دوقطبی مغناطیسی در مواد مغناطیسی هم در آرایشهای گوناگونی مانند فازهای پارا، فرو، فری، پادفرو و پادفری ممکن است به حالت پایدار قرار گیرند. این در حالی است که ساختار بلوری یک ماده ابررسانا یا یک ماده مغناطیسی هم خود فازهای مختلفی می تواند داشته باشد.

پیشرفتهای دو دهه اخیر در مشاهده چگالههای بوزونی و فرمیونی گوناگون و حتی مشاهده گذر بین چگالههای باردین-کوپر-شریفری و بوز- اینشتینی، به علاوه شناخته شدن چگالههای زیر سطح اتمی و در مقابل فرازمینی [۱]، یک نونگری به حالت چگالیده فارغ از نوع ماده و سازوکار میکروسکوپی چگالش را ضروری نمایانیده است.

چگالی جرمی مواد، بین صفر (خلاء مطلق فرضی) یا به عبارت بهتر بین ³⁻¹⁰ kgm مربوط به فضای بین ستارهها، تا 10¹⁷ kgm⁻³ (مربوط به هسته اورانیوم) یا شاید بیشتر میتواند باشد که در این بازه بسته به دما و فشار حالتهای اصطلاحاً

چکيده

تانسوری مرتبه صفر هستند که هر یک در (**r**,*t*) با یک عدد با واحد مربوطه یا تابع نردهای (که البته ممکن است مختلط باشد) مشخص می شوند و چرخش دستگاه مختصات هم روی این عدد یا تابع تاثیری ندارد.

سرعت بسته موج وابسته به الکترون، شیب توابع موج، شیب توابع پتانسیل نردهای، مغناطش و پتانسیل برداری از جمله تانسوریهای مرتبه یک میباشند که هر یک در (**r**,*t*) با یک آرایه سهتایی از اعداد با توابع نردهای مشخص میشوند که تحت چرخش دستگاه مختصات به گونهای تغییر میکنند تا بزرگی و راست و جهت فیزیکی ناوردا باقی بمانند.

جرم حاملهای بار در نظریه نواری جامدات و ویژگیهای فیزیکی یک تک بلور مانند پاسخ دیالکتریکی، رسانندگی اپتیکی و پذیرفتاری مغناطیسی از جمله کمیتهای تانسوری مرتبه دو هستند که هر یک در (**r**,*t*) با یک آرایه نه تایی از اعداد یا توابع (ماتریس ۳×۳) مشخص می شوند که تحت چرخش دستگاه مختصات به گونهای تغییر میکنند تا سرشت (جمع سه عنصر روی قطر ماتریس) تغییری نکند و در دستگاه مختصاتی که محورهای آن منطبق بر محورهای اصلی بلور است عناصری که روی قطر نیستند صفر شده و ماتریس قطری شود.

به عنوان فرض اول، ما در نظریهمان برای توصیف نظم، استفاده از مرتبه های تانسوری مذکور را لازم می دانیم. البته در اینجا برای سادگی، به مرتبه صفر و یک که یک میدان نظم نرده ای (سف سادگی، به مرتبه صفر و یک که یک میدان نظم برداری (وف (وف **Y**(**r**,*t*) (scalar order field)، باشد اکتفا می کنیم.

در ترمودینامیک و مکانیک آماری وجود متغیرهای حالت ترمودینامیکی مهمی مانند دما، انرژی داخلی و انتروپی برای کلیه دستگاههای فیزیکی، به ترتیب بر اساس قانون صفرم، اول و دوم ترمودینامیک پذیرفته شده است. علاوه بر اینها، چندین تابع حالت که انرژی آزاد هم نامیده میشوند، به صورت توابعی از مختصات ترمودینامیکی دستگاه تعریف و به صورت رایج استفاده میشوند. یکی از معروفترین اینها در عرصه گذارهای فاز، انرژی آزاد گیبس میباشد. به عنوان فرض دوم، ما هم طبق معمول فرض می-کنیم که دستگاه فیزیکی از همه درجات آزادی یا عوامل نظم خود میکروسکوپی مربوطه جایگاه بسیار مهمی تری را به عهده می گیرند. دو مجموعه از غنی ترین و جالب ترین نظریه های پدیده شناسانه و میکروسکوپی که تاثیرات مهمی در تکمیل و استحکام بخشی به همدیگر هم داشته اند، نظریه گینزبورگ-لاندائو (GL) [۲] و تعمیمهای آن و نظریه باردین-کوپر-شریفر(BCS) [۳] و تعمیم-های آن می باشد. بررسی استاتیک و دینامیک ساختار شار مغناطیسی در ابررساناها [۴] که بخش مهمی از عرصه اشتراک ابررسانایی و مغناطیس می باشد با استفاده از نظریه های مستقل از زمان و وابسته به زمان GL صورت گرفته است. یک جستجوی ساده با کلید واژه گینزبورگ-لاندائو به خوبی آشکار می کند که امروزه «مدل جهانی گینزبورگ-لاندائو» تصور درستی است [۵] نه «نظریه گینزبورگ-لاندائو ایه نظر ما این مدل ظرفیت قابل توجهی برای فرمول بندی افزایش نظم و کاهش انرژی به صورت خودسازگار دارد.

نظریه و فرمولبندی

در یک مدل پدیده شناسانه معمولاً دستگاه فیزیکی در فضا-زمان چهاربعدی (\mathbf{r},t) مورد توجه قرار می گیرد. که t تانسور مرتبه صفر (نردهای) و \mathbf{r} تانسور مرتبه یک (برداری) می باشد. باید توجه داشت که (\mathbf{r},t) یک نقطه ریاضی بی بعد در فضای چهار بعدی مانند مرکز جرم یک الکترون یا یک فوتون را نشان گذاری می کند و با توجه به روابط اصول عدم قطعیت انرژی-زمان $\hbar \leq \Delta E \Delta t$ و تکانه-مکان $\hbar \leq {}_i \Delta r_i \Delta t$ ،برخلاف توصیفهای کلاسیکی ظرفی برای هیچ هویت فیزیکی نمی باشد. برای توصیف هر موجود فیزیکی حداقل به یک ناحیه از فضای چهاربعدی (\mathbf{r},t) باید توجه کنیم.

یک طبق بندی اصولی و عام برای کمیتهای فیزیکی و حتی بعضی از ابزارهای ریاضی غیرکلاسیکی مربوطه، طبقهبندی بر حسب سرشت تانسوری آنها میباشد که در واقع طبقهبندی بر حسب تعداد عوامل ریاضی ضروری برای مشخص کردن آنها و نحوه تغییر این عوامل در اثر چرخش دستگاه مختصات میباشد.

جرم الکترون در نظریه درود، همچنین در نظریه زومرفلد، تابع موج معادله شرودینگر، تابع موج ماکروسکوپی در معادلههای GL و پتانسیلهای نردهای الکتریکی و مغناطیسی از جمله کمیتهای

$$\begin{split} \Psi_{M_{x},M_{y},M_{z},N_{x},N_{y},N_{z}}(x,y,z) &= \\ \Psi_{0,M_{x},M_{y},M_{z},N_{x},N_{y},N_{z}} \times \\ & \left\{ (-1)^{N_{x}} \cos\left((M_{x}+1/2)\pi x/a_{x}\right) \right\} \times \\ & \left\{ (-1)^{N_{x}+1} \sin\left(M_{x}\pi x/a_{x}\right) \right\} \times \\ & \left\{ (-1)^{N_{y}} \cos\left((M_{y}+1/2)\pi y/a_{y}\right) \right\} \\ & \left\{ (-1)^{N_{y}+1} \sin\left(M_{y}\pi y/a_{y}\right) \right\} \\ & \left\{ (-1)^{N_{z}+1} \sin\left(M_{z}\pi z/a_{z}\right) \right\} \\ & \left\{ (2\times 2\times 2) \right\} \\ & \left\{ m_{x}\pi / a_{x}\right)^{2} \\ & \left\{ \left((M_{x}+1/2)\pi / a_{x}\right)^{2} \\ & \left((M_{y}\pi / a_{y}\right)^{2} \\ & \left((M_{x}\pi / a_{x})^{2} \right)^{2} \right\} + \\ & \left\{ \left((M_{y}+1/2)\pi / a_{y}\right)^{2} \\ & \left((M_{y}\pi / a_{y}\right)^{2} \\ & \left((M_{y}\pi / a_{y})^{2} \\ \end{array} \right) \\ & \left((m_{x} + 1/2)\pi / a_{x}\right)^{2} \\ & \left$$

$$+ \begin{cases} \left((M_{z} + 1/2)\pi/a_{z} \right)^{2} \\ \left(M_{z}\pi/a_{z} \right)^{2} \end{cases}, \\ M_{x}, M_{y}, M_{z} = 0, \pm 1, \pm 2, \cdots, N_{x}, N_{y}, N_{z} = 1, 2 \end{cases}$$

عامل Γ طول موج میدان سف و β تقریباً مستقل از دماست و به خصوصیات ذاتی چگاله بستگی دارد. برای وف تحت شرایط مرزی $0 = [n \times A]_{boun} = 0 = [n \times A]_{boun}$ هشت مد $n_{ct}(\Sigma = 0, \lambda = 0]_{boun}$ و $0 = n_{ct}(\Sigma \times \nabla)$ هشت مد $n_{ct}(\Sigma = 0, \lambda = 0)_{boun}$ و $0 = n_{ct}(\Sigma \times \nabla)$ است که کروی $n_{ct}(\Sigma = 0, \lambda = 0)_{boun}$ می e عرضی هم بسته به مورد نامیده می شوند) همراه با شرط فعال $n_{ct}(\Delta + 0, \lambda = 0)_{ct}(\Delta + 0,$ بهره می گیرد تا به حالتی برود که در آن انرژی آزاد آن بهینه (یک کمینه، ترجیحاً کمینه مطلق) شود.

فرض سوم ما در مورد سهمهای میدانهای مذکور در چگالی انرژی آزاد دستگاه میباشد که ضمن رعایت ملاحظات ریاضی و فیزیکی، با الهام از نظریه گینزبورگ-لاندائو [۲] این تابع حالت نردهای حقیقی را به صورت بسطی از توانهای مناسب میدانهای نظم و مشتقات آنها در نظر میگیریم.

به تازگی ما امکان ترکیب نقشهای همبستگیهای بوزونی با وابستگیهای جفتشدگی در ایجاد چگالههای جدید و نقش این ترکیب در رفتارهای رسانندگی اپتیکی با نگاه به ابررساناهای ویژه را مورد بررسی قرار دادهایم [۶]. با اتکاء به این نظریه، در یک مقاله دیگر[۷] ما امکان چگالش فوتونها در مقیاس بزرگ در یک مخزن فوتونی دارای تقارن مرکزی و محوری را نشان دادهایم. دستگاه معادلههای دیفرانسیل سف و وف در [۷] معرفی شدهاند. در اینجا، بر اساس جواب هایی که ما برای سف و وف ذاتی (فارغ از آثار همبستگیها و آثار ناخطی) در موارد: الف- یک نمونه مکعب مستطیلی شکل به ابعاد $2a_x \times 2a_y \times 2a_z$ در یک دستگاه دکارتی که مبداء آن در مرکز قرار دارد، ب- یک نمونه استوانهای شکل به شعاع *a*و ارتفاع *b*2 در یک دستگاه استوانهای که مبداء آن در وسط محور قرار دارد، و پ- یک نمونه دارای تقارن مرکزی و محوری در یک دستگاه کروی که مرکز آن در مرکز قرار دارد و هر یک از سطوح کروی آن در r=R و دو سطح مخروطی آن در و $\theta = \pi - \theta_0$ و $\theta = \theta_0$ ، بدست آورد<ایم چند موضوع جالب و $\theta = \theta_0$ قابل پیگیری را مورد بحث قرار میدهیم. لب فیزیکی که ما به دنبال ارائه آن هستیم در هر سه مورد به طور مشابه ظاهر میشود. بنابراین در اینجا به دلیل محدودیتها تنها تعدادی از روابط مربوط به نظمیافتگی در نمونه مکعب مستطیلی را عرضه میکنیم. برای نمونه دارای تقارن مرکزی و محوری مشروح این مباحث را در [۷] ارائه دادهایم.

در نمونه مکعب مستطیلی برای سف تحت شرایط مرزی بسیار محدود کننده $0 = \mathbf{n} \nabla \Psi \Big|_{\text{bound.}} = 0$ توام با $0 = \left| \Psi \right|_{\text{bound.}}$ هشت مد $(2 \times 2 \times 2)$ به صورت زیر بدست میآوریم:

٣

موردتوجهاست. نسبت طول موج وف به سف *λ*/۲ که وابسته به ویژگیها و شرایط چگاله است، را میتوان یک پارامتر فرض کرد. **جمع بندی و نتیجه گیری**

وف کل حجم نمونه را به صورت یک آرایه تنگیکیده منظم از بستهها یا حوزههایی که دارای تقارنهایی متناظر با تقارنهای نمونه هستند شبکهبندی میکند به گونهای که در هر نقطه هر وجه هر بسته در طول زمان شار وف $\hat{\mathbf{h}} = \mathbf{0}$ همیشه صفر باقی می ماند. اين نظميافتگى بلندبرد وفى با نظميافتگى بلندبرد سفى كه به صورت تشکیل خانوادههای سطوح همسف ظاهر میشود از جهات مختلف صوري و فيزيكي تعامل هاي بسيار جالب و سازندهای میتوانند داشته باشند. رفتارهای سهمهای مختلف وفی و سفی در چگالی انرژی آزاد و قواعد جادویی توزیع انرژی آزاد در بسته ها بین درجات نظم مستقل همچنین در نظام توزیع انرژی آزاد بين بستههاي مختلف واقعاً به بستهها هويت ياختههاي بسيط نظم را میبخشد. چنین نظمیافتگی ترکیبی بلند برد خود می تواند مرحله یا فاز اولیه از تغییر حالت یا تغییر فاز در حداقل بعضی از چگالهها باشد. این پیش بینی به خوبی در نمونههایی که ابعاد هندسی آنها از مرتبه طولهای مشخصه چگاله باشند قابل رصد میباشد. به علاوه در حالت ترازمندی ترمودینامیکی معمولاً شرایط بسیار مناسبی در داخل بستهها برای نظمیافتگی میکروسکویی کوتاهبرد مانند چگالش بوز- اینشتینی یا چگالشهای همراه با جفت شدگی وجود دارد. با در نظر گرفتن این دو مرحله نظم-یافتگی به عنوان مدلی برای بعضی از گذارهای فاز، بحثهای مشترک جالبی مربوط به بعضی از چگالههای جدید و ابررساناها؛ به ویژه در ابعاد یایین اهمیت پیدا می کنند.

مرجعها

 K. H. Bennemann and J. B. Ketterson (Eds.), *Novel Superfluids*, Vol 1&2 Oxford Science Publications (2013&2014).

[Y] V. L. Ginzburg, L. D. Landau, Zh. Eksp. Teor. Fiz. 20, 1064 (1950).

[٣] J. R. Schrieffer, *Theory of Superconductivity*, Benjamin, New York (1964).

[*] G. Blatter, M. V. Feigelman, V. B. Geshkenbein, A. I. Larkin, V. M. Vinokur, *Rev. Mod. Phys.* 66, 1125-1388 (1994).

[Δ] I. S. Aranson and L. Kramer, Rev. Mod. Phys. 74, 99 (2002).

[[†]] F. Saeb, M. Eatesami, Physica B 550, 263 (2018).

[Y] F. Saeb, M. Eatesami, *Large Extent Condensation of Photons in a Centre-Axial Symmetric Photon Container*, under revision.

$$\begin{split} \mathbf{A}_{i} &= A_{0i}(-1)^{n_{i}+n_{j}+n_{i}} \times (\mathbf{Y}) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \frac{a_{x}}{2m_{x}} \cos\left(\frac{m_{x}\pi x}{a_{x}}\right) \sin\left(\frac{m_{y}\pi y}{a_{y}}\right) \sin\left(\frac{m_{z}\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{y}} \sin\left(\frac{m_{x}\pi x}{a_{x}}\right) \frac{a_{y}}{2m_{y}} \cos\left(\frac{m_{y}\pi y}{a_{y}}\right) \sin\left(\frac{m_{z}\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(-\hat{\mathbf{z}} \sin\left(\frac{m_{x}\pi x}{a_{x}}\right) \sin\left(\frac{m_{y}\pi y}{a_{y}}\right) \left(\frac{2a_{z}}{2m_{z}}\right) \cos\left(\frac{m_{z}\pi z}{a_{z}}\right) \right) \\ &\mathbf{A}_{1}, \quad \left(\frac{m_{x1}}{s_{x}}\right)^{2} + \left(\frac{m_{y1}}{s_{y}}\right)^{2} + \left(\frac{m_{z1}}{s_{z}}\right)^{2} = 1 \\ &\mathbf{A}_{z} = A_{02}(-1)^{n_{z}+n_{z}+n_{z}+1} \times (\mathbf{Y}) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \frac{a_{x}}{2m_{x}} \cos\left(\frac{m_{x}\pi x}{a_{x}}\right) \sin\left(\frac{m_{y}\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{z}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \frac{a_{x}}{2m_{x}} \cos\left(\frac{m_{x}\pi x}{a_{x}}\right) \sin\left(\frac{m_{y}\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{z}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \sin\left(\frac{m_{x}\pi x}{a_{x}}\right) \sin\left(\frac{m_{y}\pi y}{a_{y}}\right) \left(\frac{2a_{z}}{2m_{z}+1}\right) \sin\left(\frac{(m_{z}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \right) \\ &\mathbf{A}_{2}, \quad \left(\frac{m_{x}x}{a_{x}}\right)^{2} + \left(\frac{m_{y2}}{s_{y}}\right)^{2} + \left(\frac{(m_{z2}+1/2)}{s_{z}}\right)^{2} = 1 \\ &\mathbf{A}_{s} = A_{0s}(-1)^{n_{s}+n_{s}+n_{s}} \times (\mathbf{X}) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \frac{a_{x}}{2m_{x}} \cos\left(\frac{m_{x}\pi x}{a_{x}}\right) \cos\left(\frac{(m_{y}+1/2)\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{z}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \frac{a_{x}}{2m_{x}} \cos\left(\frac{(m_{y}+1/2)\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{z}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \sin\left(\frac{m_{x}\pi x}{a_{x}}\right) \cos\left(\frac{(m_{y}+1/2)\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{z}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \right) \\ &\mathbf{A}_{5}, \quad \left(\frac{m_{x}s}{s_{x}} \right)^{2} + \left(\frac{(m_{y}s+1/2)}{s_{y}} \right) \cos\left(\frac{(m_{z}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi x}{a_{x}}\right) \cos\left(\frac{(m_{y}+1/2)\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{z}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi x}{a_{x}}\right) \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi x}{a_{x}}\right) \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi x}{a_{x}}\right) \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi x}{a_{x}}\right) \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi y}{a_{y}}\right) \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi z}{a_{z}}\right) \\ &\left(\hat{\mathbf{x}} \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi x}{a_{x}}\right) \cos\left(\frac{(m_{x}+1/2)\pi$$

ابعاد نمونه نظمیافته را آزمایشگر انتخاب میکند. انتخابهایی که در آنها هر سه بعد مضرب دقیقاً درستی از طول موج وف *لا*باشند،

برانگیختگی های الکترون-حفره در ساختار گرافن-TMDC ابررسانا عبادزاده، سیده فاطمه^ا؛ گودرزی، هادی^ا؛ خضرلو، مریم^{او۲} الحروه فیزیک، دانشکده علوم، دانشگاه ارومیه، ارومیه محقق بسا دکتری، بنیاد ملی نخبگان ایران

چکیدہ

القای نظم ابررسانایی از طریق اثر مجاورت در ساختار هیبریدی گرافن-فلز واسطه دوکالکوژن مطالعه می شود. در این کار، عملگر مناسب تقارن حفره-ذره معرفی می شود که تحت آن هامیلتونی موثر کم انرژی دیراک-باگالیوباف-دوژن ناورادا می باشد. برانگیختگی های الکترون-حفره ابررسانا نشان می دهد که پارامترهای اساسی دینامیکی برهمکنش اسپین-اوربیت $\lambda_1^{A,B}$ و $\lambda_1^{A,B}$ تاثیر به سزایی در انرژی پاشندگی و گاف موثر ابررسانایی دارد. با در نظر گرفتن تقارن جفت شدگی های P-wave در مقایسه با تقارن S-wave شاهد افزایش گاف موثر ابررسانایی هستیم.

Electron-hole excitations in superconducting graphene-TMDC structure

Ebadzadeh¹, Seyydeh Fatemeh ; Goudarzi¹, Hadi ; Khezerlou^{1,2}, Maryam

¹Department of Physics, Faculty of Science, Urmia University, Urmia ²Post-doctoral researcher, National Elites foundation, Iran

Abstract

We study superconducting order induction by proximity-effect in the graphene-TMDC hybrid structure. We introduce a particle-hole symmetry operators, under which the 8×8 Dirac-Bogoliubov-de Gennes low-energy effective Hamiltonian is invariant. Resulting superconducting electron-hole excitations shows that, the essential dynamical parameters $\lambda_1^{A,B}$ and λ_R affect significantly superconducting excitations, and effective subgap as well. The signature of spin triplet p-wave pairing symmetry in the system is found to increase the subgap superconducting energy, in comparing to s-wave symmetry.

PACS No. 68, 74 ابررسانایی معمول با تقارن جفت شدگی s-wave می توان ابررسانایی با جفت شدگیهای غیر معمول مانند تقارنها اسپین تکتایی (d-wave) و اسپین سه تایی (p-wave) به ترتیب با عدد کوانتومی اندازه حرکت زاویهای غیر صفر 2=l و l=l القا کرد. القا ابررسانایی با تقارن جفت شدگی p-wave به طور آزمایشگاهی با قرار دادن الکترود ابررسانا Sr_2RuO_4 در مجاورت این ساختارهای دوبعدی مشاهده شده است[٤].

گاف نواری صفر و جفت شدگی اسپین-مدار ناچیز در گرافن باعث میشود که امکان استفاده از تمام پتانسیل بالقوه آن در دستگاههای الکترونیکی و ترابرد اسپینی وجود نداشته باشد. یکی از ایده آل ترین راهها برای افزایش جفت شدگی اسپین-مدار و القای خاصیت ابررسانایی از طریق اثر مجاورت در ساختارهای دوبعدی مانند گرافن و تک لایه مولیبدن دی سولفاید موجب ظهور حالتهای الکترون- حفره برانگیخته کم انرژی می شود. در سال-های اخیر القای ابررسانایی در گرافن و تک لایه مولیبدن دی سولفاید به صورت تئوری و آزمایشگاهی مورد بررسی قرار گرفته است[۳-۱]. با مشاهده پدیدهای القا ابررسانایی در ساختارهای دوبعدی کنار هم قرار گرفتن ابررسانایی و نسبیت به عنوان یک واقعیت فیزیکی اجتناب ناپذیر جلوه می نماید. طیف انرژی ابررسانایی در گرافن و تک لایه مولیبدن دی سولفاید مشابه کلاه

مقدمه

در ساختار هیبریدی گرافن-TMDC همانند گرافن به آسانی می-توان فاز ابررسانایی را از طریق اثر مجاورت در آن القا کرد. این اتفاق زمانی میافتد که توابع موج جفت کوپر ابررسانا معمول به ورقه گرافن-TMDC تونل زنی میکنند و یک جفت کوپر مشابه در آن القا میکنند. الکترون حفره برانگیخته کم انرژی در ساختار ابررسانا گرافن-TMDC توسط معادله دیراک باگالیوباف دی جنیس³ به صورت زیر توصیف میشود:

$$H_{DBdG} = \begin{pmatrix} H_{eff}^{K(K')} - \mu_s & \Delta_s(k) \\ \Delta_s^*(k) & \mu_s - H_{eff}^{K(K')} \end{pmatrix}, \qquad (1)$$

 μ_s پتانسیل شیمیایی، $(\Delta_s(k), \Delta_s(k))$ پتانسیل جفت شدگی ابررسانا است که الکترون و حفره برانگیخته را با هم جفت میکند. $(\Lambda)_s \Delta_s c$ در اینجا یک ماتریس قطری میباشد. $H_{eff}^{K(K)}$ هامیلتونی موثر ساختار هیبریدی گرافن-TMDC است. با قطری کردن معادله (۱) می-توانیم انرژی برانگیختگی ناحیه ابررسانا را بدست بیاوریم. ما برای هامیلتونی ۸×۸ دیراک باگالیوباف دی جنیس (۱) اپراتور تقارن حفره-ذره $(C_s \otimes \sigma_z \otimes \sigma_z)$ را معرفی میکنیم که الزاما هامیلتونی (۱) تحت تقارن حفره-ذره ناوردا است:

 $pH_{DBdG}p^{-1} = -H^*_{DBdG}(-k),$ که C اپراتور همیوغ مختلط میباشد. اگر پتانسیل جفت شدگی ابررسانا را اسپین سه تایی (*p*-wave) در نظر بگیریم آنرا با استفاده از بردار $(\vec{d}(k))$ به صورت زیر تعریف میکنیم:

$$H_{orb} = v_F \hbar \left(\tau \sigma_x k_x + \sigma_y k_y \right) + \Delta \sigma_z, \qquad (\Upsilon)$$

ایجاد گاف نواری در گرافن استفاده از ترکیبات فلزات واسطه دوكالكوژن' (TMDC) همانند (MoS₂ يا WS₂) به عنوان زير لایه است[٥]. این ساختارهای فلزات واسطه دوکالکوژن در فرم تک لایه دارای گاف نواری مستقیم و جفت شدگی اسپین-مدار قابل توجهی هستند. ساختار هیبریدی گرافن-TMDC به صورت تجربی و تئوری مورد بررسی قرار گرفته است به عنوان مثال مطالعاتی بر روی خواص دینامیکی و نیمه عمر اسپین در این ساختارها انجام شده است[٧–٦]. جفت شدگی اسیین-مدار در ساختار هيبريدي گرافن-موليبدن دي سولفايد تک لايه در حدود 1meV است که در مقایسه با گرافن ذاتی بسیار بزرگ می-باشد[٥]. كاهش تقارنهای فضایی و افزایش جفت شدگی اسیین-مدار در اینجا منجر به ایجاد گاف نواری در نقاط دیراک همراه با جداشدگی اسپین در نوارهای ظرفیت و هدایت می شود. در ساختار گرافن-TMDC جفت شدگی اسپین-مدار راشبا^۲ و ذاتی وجود دارد که این جفت شدگیها روی رسانندگی آندریف تاثیر می گذارند به عنوان مثال در سال ۲۰۱۶ یانگ و همکارانش تاثیر جفت شدگی اسپین-مدار راشبا و درسلهاوس" را بر روی رسانندگی آندریف در گرافن مورد بررسی قرار دادند. آنها نشان دادند که اگر تنها جفت شدگی اسیین مدار راشبا وجود داشته باشد رسانندگی آندریف ناشی از جداشدگی کایرالتی افزایش می یابد در حاليكه اگر تنها جفت شدگی اسپين-مدار درسلهاوس وجود داشته باشد رسانندگی آندریف متوقف می شود[۸]. در این مقاله انرژی برانگیخته ساختار هیبریدی گرافن-TMDC در حالتی که ابررسانایی در آن القا شده است را بدست می آوریم و تاثیر جفت شدگیهای اسپین-مدار را بر روی آن مشاهده میکنیم. همچنین تاثیر جفت شدگی ابررسانا اسیین تکتایی(s-wave) و اسیین سه تایی (p-wave) بر گاف موثر ابررسانایی را مورد مطالعه قرار می-دهيم.

فرماليسم مسئله

⁴ Bogoliubov-de Gennes

¹ Transition-metal dichalcogenides

² Rashba

³ Dresselhaus

اندازه گاف موثر ابررسانا ناچیز میشود. از این رو میتوان انتظار داشت که در یک اتصال نرمال/ابررسانا بر پایه ساختار هیبریدی گرافن-TMDC انعکاس آندریف در غیاب جملات جفت شدگی اسپین-مدار متوقف شود. بر هم کنش اسپین-مدار راشبا اغلب هیچ تاثیری بر روی انرژی برانگیختگی ابررسانا نمی گذارد ولی زمانیکه $0 = A_L^{A,B}$ افزایش گاف دیراک را مشاهده می کنیم.



نمودار(۱): قسمت (a) انرژی برانگیختگی حالت ابررسانا ساختار هیبریدی گرافن- MOS و قسمت (b) انرژی برانگیختگی حالت ابررسانا در ساختار هیبریدی گرافن- MoSe را نشان میدهد.

درنمودارهای (۲) انرژی برانگیختگی ابررسانا ساختار هیبریدی گرافن-فلز واسطه دو کالکوژن، برای اتم تنگستن W رسم شده است. به دلیل اینکه عدد اتمی W بیشتر از اتم Mo است، جفت شدگی اسپین-مدار افزایش مییابد. به همین دلیل در نمودارهای (۲) شاهد افزایش گاف موثر ابررسانایی در مقایسه با نمودارهای (۱) هستیم. در نمودار (a-۲) ساختار هیبریدی ابررسانا گرافن-SW رسم شده است، مشاهده میکنیم که در غیاب برهم کنش های اسپین-مدار گاف دیراک به شدت افزایش مییابد. البته اندازه گاف موثر ابررسانایی به صفر نزدیک میشود. در نمودار (t-۲) ساختار هیبریدی ابررسانا گرافن-SW شاهد شکل نوار انعکاسی یا به اصطلاح کلاه کابویی میباشیم. این ویژگی باعث میشود که Δ که v_F سرعت فرمی حاملهای بار است و گاف نواری با Δ نمایش داده می شود. $\sigma_{x,y}$ ماتریس های پائولی شبه اسپین است که روی زیر شبکه A و B عمل می کنند. (1-)+= τ اندیس چاهک (K(K) است. هامیلتونی اسپین-مدار دارای سه مولفه ذاتی، راشبا و عدم تقارن انعکاسی شبه اسپین مدگی اسپین-مدار ذاتی، راشبا و عدم تقارن انعکاسی شبه اسپین (PIA) را به صورت زیر تعریف می کنند:

$$H_{I} = \frac{1}{2} \left(\lambda_{I}^{A} (\boldsymbol{\sigma}_{z} + \boldsymbol{\sigma}_{0}) + \lambda_{I}^{B} (\boldsymbol{\sigma}_{z} - \boldsymbol{\sigma}_{0}) \right) \tau \boldsymbol{\sigma}_{z}, H_{R} = \lambda_{R} \left(\tau \boldsymbol{\sigma}_{x} \boldsymbol{s}_{y} - \boldsymbol{\sigma}_{y} \boldsymbol{s}_{x} \right),$$
(7)

جدول۱ : پارامترهای دینامیکی هامیلتونی گرافن-TMDC [۹]. تمامی مقادیر در جدول بر جسب (meV) میباشد.

| TMDC | Δ | $\lambda^{\scriptscriptstyle A}_{\scriptscriptstyle I}$ | $\lambda^{\scriptscriptstyle B}_{\scriptscriptstyle I}$ | λ_{R} |
|-------------------|------|---|---|---------------|
| MoS ₂ | •/07 | -•/٣٣ | •/٢٨ | ۰/۱۳ |
| MoSe ₂ | •/٤٤ | -•/١٩ | •/١٦ | •/7٦ |
| WS ₂ | ١٣١ | -1/•7 | 171 | • /٣٦ |
| WSe ₂ | •/0٤ | -1/77 | ١/١٦ | •/0٦ |

نتايج و بحث

با القای ابررسانایی در ساختار هیبریدی گرافن-TMDC از طریق اثر مجاورت، ما رفتار الکترون حفره برانگیخته را در حضور و عدم حضور جفت شدگیهای اسپین-مدار به طور ویژه برای دو گروه متفاوت فلزات واسطه دوکالکوژن (MoS₂, MoSe₂) و , WS (WS₂) مورد بررسی قرار میدهیم. در نمودارهای (۱) انرژی برانگیختگی ابررسانا بدست آمده که از هامیلتونی (۱) به ازای فلز واسطه اتم MO بدست آمده رسم شده است. در غیاب برهم کنش اسپین-مدار راشبا و ذاتی گاف دیراک افزایش مییابد و اغلب در این مقاله ما تاثیر برهم کنشهای اسپین-مدار روی انرژی برانگیختگی ابررسانا ساختار هیبریدی گرافن-TMDC بررسی کردیم. به دلیل اینکه عدد اتمی فلز واسطه اتم W بیشتر از اتم MO است برهم کنش اسپین-مدار آن بزرگتر است و ما مشاهده میکنیم که گاف موثر ابررسانایی در ساختار هیبریدی گرافن-TMDC ابررسانا که فلز واسطه آن اتم W است بیشتر میباشد.



نمودار (۳): مقایسه گاف موثر ابررسانایی در جفت شدگیها wave و -q wave در ساختار هیبریدی گرافن-SW2 و گرافن-Swe را نشان می دهد. اندازه گاف دیراک و گاف موثر ابررسانایی با اندازه جملات جفت شدگی اسپین-مدار تنظیم می شود. لازم به ذکر است که در ساختار هیبریدی گرافن-SW2 زمانیکه تمام جملات جفت شدگی اسپین-مدار صفر است اندازه گاف دیراک خیلی افزایش می یابد. نکته جالب توجه در ساختار هیبریدی گرافن-Se2 ابررسانا ساختار نواری انعکاسی یا کلاه کابویی آن است که در اینجا نیز زمانیکه تمامی جملات جفت شدگی اسپین-مدار صفر باشند ساختار نوار انعکاسی آن از بین می رود ولی برخلاف گرافن-SW2 گاف دیراک ثابت باقی می ماند. زمانیکه ابررسانایی با تقارن Pwave در این ساختار دوبعدی القا می شود گاف موثر ابررسانایی نسبت به زمان

[¹]. H. B. Heersche et al., Nature **446** (2007) 56; J.T. Ye et al., Science **338** (2012) 1193.

- [^Y]. C. W. J. Beenakker, Phys. Rev. Lett. **97** (2006) 067007; L. Majidi, H. Rostami, and R. Asgari, Phys. Rev. B **89** (2014) 045413.
- [^r]. M. A. Rahimi, and A. G. Moghaddam, Phys. Rev. B. 95 (2017) 104515.
- [[¢]]. E. Di Grezia, S. Esposito, and G. Salesi, Phys. Lett. A **373** (2009) 2385.
- [^Δ]. M. Gmitra and J. Fabian, Phys. Rev. B. 92 (2015)155403.
- [⁷]. Z. Wang et al., Nat. Commun. 6 (2015) 8339; C.-P. Lu et al., Phys. Rev. Lett. 113 (2014) 156804.
- [^V]. A. W. Cummings, PRL.119 (2017) 206601; L. A. Benitez, Nature Phys. 14 (2018) 303.
- [^A]. Y. Yang et al., Scientific Reports 6 (2016) 29279.
- [⁴]. M. Gmitra et al., Phys. Rev. B **93** (2016) 155104.

جفت الکترون-حفره دوبار برای دو بردار موج فرمی متفاوت رخ دهند. بر خلاف ساختارهای هیبریدی گرافن- (, MoS_2 (MoS_2) برانگیختگی حفره در مجاورت بردار موج صفر اتفاق میافتد ما در اینجا مشاهده میکنیم که برانگیختگی الکترون حول WSe_2 می دهد. در ساختار هیبریدی ابررسانا گرافن-WSe در زمانیکه جمله جفت شدگی اسپین-مدار راشبا صفر است نوار ظرفیت و هدایت یکدیگر را در $\mathrm{O2}\cong|k|$ به یکدیگر میرسند. گاف دیراک ساختار هیبریدی گرافن-WSe در مجاورت با ابررسانایی زمانیکه تمامی جملات جفت شدگی اسپین-مدار صفر است ثابت باقی میماند و فقط شکل نوار انعکاسی آن از بین می-



نمودار(۲): قسمت (a) انرژی برانگیختگی حالت ابررسانا ساختار هیبریدی گرافن- WS₂ و قسمت (b) انرژی برانگیختگی حالت ابررسانا در ساختار هیبریدی گرافن- WSe₂ را نشان می دهد.

نمودار (۳) رفتار برانگیختگیهای ابررسانا با تقارن p-wave را نشان میدهد که مشابه رفتار برانگیختگیها با تقارن s-wave است اما گاف موثر ابررسانایی در p-wave افزایش چشمگیر دارد. برهم کنش بین جفت شدگی اسپین-مدار تک لایه TMDC و عدد کوانتومی اوربیتالی غیر صفر (l=1) در تقارن p-wave منجر به افزایش گاف موثر ابررسانایی میشود.

مرجعها

تاثیر روش ساخت بر خواص ابررسانایی نمونههای ابررسانای BSCCO

فخارى اسفريزى، محمد؛ سلامتى، هادى؛ شاكرى پور، حميده؛ شمس الدينى، محسن

دانشکده فیزیک، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان

چکیدہ

نمونههای ابررسانای BSCCO با استفاده از روش سل ژل آمادهسازی شدند. در مرحله ساخت، پس از اتمام مراحل تکلیس و آسیابکاری، از دو روش متفاوت (CP) Cold Press و (SPS) و Spark Plasma Sintering جهت فشردهسازی نمونه ها استفاده شده است. نتایج اندازه گیری ها از بهتر بودن خواص ابررسانایی نمونه های Cold Press دست. نتایج اندازه گیری ها از بهتر بودن خواص ابررسانایی نمونه های Cold Press دست. فارم مراحل تکلیس و آسیابکاری، از دو روش متفاوت (CP) Cold Press خبر می دهند. واژهای کلیدی: ابررسانای BSCCO (SPS) (SPS) Spark Plasma Sintering و Cold Press

The Effect of fabrication process on the superconductivity of BSCCO superconductors

Fakhari Esferizi, Mohammad; Salamati, Hadi; Shakeripour, Hamideh; Shamsedini, Mohsen

Department of Physics, Isfahan University of Technology, Isfahan

Abstract

The BSCCO superconductivity samples were prepared by sol-gel method. In fabrication process two different methods of Cold Press (CP) and Spark Plasma Sintering (SPS) were used to compress the samples after, the completion of their calcination and grinding. The results of the measurements indicate better superconducting properties in Cold Press samples with respect to the samples prepared by SPS method.

Keywords: BSCCO superconductor, Spark Plasma Sintering (SPS) and Cold Press (CP)

فشرده سازی نمونه ها استفاده شده است. SPS یک روش غیر معمول برای چگالش پودرها است. این فرآیند با برقراری یک جریان الکتریکی مستقیم، از طریق قالبهای گرافیتی و اعمال فشار بر روی نمونه، انجام می پذیرد [۳, ۴]. انگیزه اصلی ما از انجام فرآیند SPS بر روی نمونه ها، ذوب کردن فاز ۲۲۱۲ و جلوگیری از تبلور مجدد این فاز، در طی مرحله سردسازی بوده که این فاز به شکل گیری بهتر فاز ۳۲۲۳ در مرحله کلوخه سازی کمک خواهد کرد [۵].

نمونههای حجمی Pb-BSCCO با استفاده از روش سل ژل ساخته شدند. در مرحلهی فشردهسازی و تولید قرص، از دو روش

مقدمه

یکی از مهمترین پودرهای ابررسانا که در ساخت سیم و نوار ابررسانای نسل اول استفاده می گردد BSCCO فاز Bitttr می-باشد [۱]. در سیستم BSCCO فاز Bitttr به دلیل داشتن دمای گذار بالا K ۱۰ - T، پایداری شیمیایی بیشتر در مقابل آلودگی-های محیطی، وابستگی ضعیف ابررسانایی بر استوکیومتری اکسیژن و توانایی نورد شدن به سیمها یا نوارهای طولانی، نسبت به سایر ترکیبات ابررسانای دمای بالا، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است [۲]. در این مقاله، به منظور بررسی تاثیر فرآیند ساخت بر خواص ابررسانایی نمونههای حجمی BSCCO از دو روش متفاوت ابررسانایی نمونههای حجمی Spark Plasma Sintering (SPS) Spark Plasma کوره برنامه ریزی شده در دماهای متفاوت برای مدت زمان ۴۰ یومتری مشخصه-یومتری مشخصه- ساعت تحت عملیات حرارتی کلوخهسازی قرار گرفتند. (در اولیه از نیتراتها ساخت محلول سل ژل یک محلول پایه و یک محلول مواد مورد صد استفاده شد... نیاز است. در مرحله ساخت، پودرها فقط با استفاده از محلول مواد نمونهها در دمای که شامل پودرهای مواد اولیه و آب مقطر است آمادهسازی شدند و انجام شد که در میزان PH محلول روی ۶ تنظیم شد). یرای مدت زمان جدول ۱ روند نماد گذاری سل ژل را به ازای دو فرآیند

۸۳۵

 متفاوت (Cold Press (CP) و Cold Press (CP) متفاوت (CP) متفاوت (CP) و مواد استوکیومتری مشخصه-استفاده شده است. برای ساخت نمونه ها از استوکیومتری مشخصه-ی Bi_{۱/۸۴}Pb./۳۲</sub>Sr_{۱/۹1}Ca_{۲/۰۳} Cu_{7/۰}۶O_{۱۰+×} و مواد اولیه از نیترات ها ساخت شرکت مرک با درجه خلوص ۹۹ درصد استفاده شد.. پودرها به میزان ۱۵ گرم آماده شدند. تکلیس نمونه ها در دمای °C • ۷۹۰ برای سه مرتبه در مدت زمان ۶ ساعت انجام شد که در بین مراحل تکلیس، آسیابکاری به صورت دستی برای مدت زمان ۴۵ min یک قسمت برای تولید قرص SPS و بقیه برای تولید تیغه هایی با استفاده از دستگاه پرس هیدرولیکی سرد. در مرحله بعد، قرص SPS تولید شده برش داده شد و همراه با نمونه های پرس سرد در

| نوع فرآيند | دمای کلوخهسازی (C°) | كد نمونه |
|-----------------------|---------------------|--|
| نمونههای آماده شده با | ۵۲۸ | Sol Gel - Cold Press - ATD (SG - CP ATD) |
| استفاده از پرس | ۸۳۰ | Sol Gel - Cold Press - $\Lambda \mathfrak{r} \cdot (SG - CP \land \mathfrak{r} \cdot)$ |
| ھيدروليكى سرد | 140 | Sol Gel - Cold Press - <pre>ATA (SG - CP <pre>ATA)</pre></pre> |
| نمونههای آماده شده با | ۵۲۵ | Sol Gel - SPS - Atd (SG - SPS Atd) |
| استفاده انفآبنا | ۸۳. | Sol Gel - SPS - Are (SG - SPS Are) |

جدول ۱: نماد گذاری نمونه های ساخته شده به روش سل ژل با ترکیب Bi_{۱/۸۴}Pb.,۳۶Sr_{۱/۹۱}Ca_{۲/۰۳}Cu_{۳/۰۶}O_{۱۰+۲}.

پس از ساخت نمونهها، آنالیز پذیرفتاری مغناطیسی ac نمونهها توسط دستگاه پذیرفتاری سنج ac، مدل ۷۰۰۰، ساخت شرکت Lake Shore اندازه گیری شد که در بخش بعدی به آن می پردازیم.

Sol Gel - SPS - ATD (SG - SPS ATD)

نتايج و بحث

با اندازه گیری پذیرفتاری مغناطیسی ac نمونه ها در میدان های مختلف، می توان اطلاعات با ارزشی را در رابطه با خواص ابررسانندگی دانه ای و بین دانه ای نمونه ها به دست آورد. در شکل های ۱ تا ۶، وابستگی دمایی مؤلفه ی حقیقی و موهومی پذیرفتاری مغناطیسی ac نمونه ها در فرکانس HZ ۳۳۳ و میدان های مختلف نشان داده شده است. از روی این منحنی ها پیداست که مؤلفه ی حقیقی پذیرفتاری بر حسب دما، شامل گذار دو مرحله ای است. مرحله ی اول گذار، مربوط به افت نسبتاً تیزی در قسمت حقیقی

پذیرفتاری (T_c^{onset}) است که نشان دهنده ی گذار درون دانه ای می-باشد. در دماهای پایین تر، گذار آهسته ی ثانویه ای در مولفه ی حقیقی ظاهر شده است که نشان دهنده ی گذار بین دانه ای (T_c) می باشد. در همه ی این نمونه ها گذارهای دو مرحله ای، شامل گذار درون دانه ای همه ی این نمونه ها گذاره ای دو مرحله ای، شامل گذار درون دانه ای است. گذار در قسمت حقیقی پذیرفتاری قابل مشاهده است. گذار در قسمت حقیقی پذیرفتاری برای نمونه های پرس سرد کمتر مؤلفه ی حقیقی پذیرفتاری به از ای میدانه ای بالاتر برای نمونه های پرس سرد، بیانگر قوی تر بودن اتصالات بین دانه ای در این نمونه ها می باشد. در قسمت برآمدگی یا موهومی پذیرفتاری و این نمونه ها می باشد. در قسمت برآمدگی یا موهومی پذیرفتاری و در دمای T_r قله ای در نمودار ظاهر شده که این نشان دهنده شروع نفوذ شار مغناطیسی به داخل ناحیه ی بین دانه ای است. در نوک قله و در دمای T_r شار کاملاً در نواحی بین دانه ای نفوذ کرده است. هر چه قله ی ظاهر شده در قسمت موهومی پهن تر باشد، نشان دهنده ی

SPS

موهومی پذیرفتاری با افزایش دما یکی از نشانههای ضعیف بودن اتصالات بین دانهای و نفوذ شار به داخل این نواحی می باشد، می-توان گفت که در نمونههای SG-SPS پهن شدگی قلهی قسمت موهومی بیشتر بوده و اتلاف بین دانهای در این نمونهها نسبت به نمونههای پرس سرد بیشتر شده است (قلههای مربوط به میدانهای بالاتر برای بعضی از نمونهها جابه جایی زیادی داشته اند که در محدوده اندازه گیری دستگاه نمی باشد). شکل ۷ تغییرات دمایی قسمت موهومی پذیرفتاری مغناطیسی را برای نمونههای مختلف در میدان ۲۰۰ مراز می دهد با مقایسه ی سطح زیر قلهی مربوط به اتلاف بین دانه ای برای این نمونه ها مشاهده می کنیم که میزان اتلاف بین دانه ای برای این نمونه ها مشاهده می کنیم نمونه های پرس سرد نسبت به نمونه های پرس سرد نسبت به نمونه های یشتر بودن



شکل ۲ : تغییرات دمایی پذیرفتاری مغناطیسی نمونه SG-SPS ۸۲۵ در میدانهای مختلف.



شکل ۴ : تغییرات دمایی پذیرفتاری مغناطیسی نمونه SG-SPS ۸۳۰ در میدانهای مختلف.

میخکوبی شار در نمونه است. در این نمودارها مشاهده می کنیم که با افزایش میدان مغناطیسی اعمالی، نفوذ میدان در بین دانههای ابررسانا در دماهای پایین تری اتفاق می افتد و قلهی مربوط به قسمت موهومی به سمت دماهای پایین تر منتقل شده است. در همهی نمونهها با افزایش میدان، قلهی مربوط به اتلاف انرژی در مرزدانهها به سمت دماهای پایین تر جابهجا می شود و میزان جابهجایی برای نمونههای مختلف متفاوت است. این جابهجایی معرف میزان نیروی میخکوبی شار در مرزدانههاست که هر چه میزان این جابهجایی کمتر باشد نیروی میخکوبی شار در مرزدانهها بزرگ تر خواهد بود با توجه به این مطالب می توان گفت که نیروی میخکوبی شار در نمونهی میدان، پهنای نمونهی موهومی افزایش می بلد که دلیل آن نفوذ شار مغناطیسی در قسمت بیشتری از ماده است. از آنجا که پهن شدگی قلهی قسمت



شکل ۱ : تغییرات دمایی پذیرفتاری مغناطیسی نمونه SG-CP ۸۲۵ در میدانهای مختلف.



شکل ۳: تغییرات دمایی پذیرفتاری مغناطیسی نمونه ۸۳۰ SG-CP در میدانهای مختلف.



شکل ۵ : تغییرات دمایی پذیرفتاری مغناطیسی نمونه SG-CP ۸۳۵ در میدانهای مختلف.



شکل ۷: تغییرات دمایی قسمت موهومی پذیرفتاری مغناطیسی برای نمونههای مختلف در میدان ۲۰۰ A/m.

نتيجهگيري

در این مقاله تأثیر فرآیند ساخت بر روی خواص ابررسانایی نمونههای BSCCO مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله فشردهسازی و تولید قرص، از دو روش متفاوت Ocld Press (CP) و Spark Plasma Sintering استفاده شده است. در نمودارهای پذیرفتاری مغناطیسی مشاهده شد که در شده است. در نمودارهای پذیرفتاری مغناطیسی مشاهده شد که در نمونههای پرس سرد (CP)، گذار بین دانهای (T_{cj}) گذار تیزتری داشته و گذار به حالت ابررسانایی سریعتر اتفاق افتاده است اما دهندی قوی تر بودن اتصالات بین دانهای در نمونههای پرس سرد برای نمونههای SPS شده این گذار پهنتر شده است که این نشان دهندی قوی تر بودن اتصالات بین دانهای در نمونههای پرس سرد است. در قسمت موهومی پذیرفتاری با مقایسهی سطح زیر قلهی مربوط به اتلاف بین دانهای (T_p) ، برای نمونهها مشاهده شد که



شکل ۶: تغییرات دمایی پذیرفتاری مغناطیسی نمونه SG-SPS ۸۳۵ در میدانهای مختلف.

نسبت به نمونههای SPS شده کمتر است. که این نشاندهندهی بیشتر بودن انرژی میخکوبی شار در نمونههای پرس سرد است.

مراجع

[۱] کوهانی، حسین؛ فلاح آرانی، حسام؛ سخایی، کمیل و جعفری ندوشین، ناصر "سیتز پودر ابرر سانای BSCCO ۲۲۲۳ در مقیاس نیمه صنعتی به دو روش حالت جامد و سل ژل و مقایسه دو روش" بیست و نهمین کنفرانس بین المللی برق, ۱۳۹۳.

[Y] V. Rouessac, J. Wang, J. Provost, and G. Desgardin, "Rapid synthesis of the Bi (Pb)- 11. YYYYK superconductor by the EDTA sol-gel method," *Journal of materials science*, vol. **Y**1, pp. YYAV-YY4., 1449.

[٣] E. Govea-Alcaide, J. Pérez-Fernández, I. Machado, and R. Jardim, "The spatial distribution of temperature and oxygen deficiency in sparkplasma sintered superconducting Bi-based materials," *Physica B: Condensed Matter*, vol. ۴ΔΔ, pp. ۴Δ–۴Α, Υ-Υ۴.

[F] R. Orru, R. Licheri, A. M. Locci, A. Cincotti, and G. Cao, "Consolidation/synthesis of materials by electric current activated/assisted sintering," *Materials Science and Engineering: R: Reports*, vol. *9*°, pp. 1YY-YAY, Y...4.

[d] G. R. Rao, U. Varadaraju, S. Venkadesan, and S. Mannan, "Synthesis of (BiPb) vSrvCavCurrOySuperconductors by the Sol-Gel Process," *Journal of Solid State Chemistry*, vol. 179, pp. 64-97, 1949.

مطالعه تاثیر پارامترهای ابررسانا بر انرژی کل محدود کننده جریان خطای ابررسانای مقاومتی

فرخیان ، محمد ؛ حسینی ، سید مهدی

دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شیراز ، بلوار مدرس ، فارس

چکيده

برای جلوگیری از آسیبهای اتصال کوتاه و جریان خطا در سیستمهای قدرت، استفاده از محدود کننده جریان خطا در سیستمهای قدرت، نامزد جدی برای قرار گرفتن در شبکههای برق هستند. در این مقاله ابتدا با توجه به مدلهای مقاومتی شناخته شده و با در نظر گرفتن وابستگی زمانی مقاومت تغییرات انرژی نسبت به تغییرات مقاومت محاسبه شده است. سپس با توجه به وابستگی مقاومت به پارامترهایی که به نوع ابررسنا وابستهاند به مطالعه تغییرات انرژی نسبت به این بارامترها پرداخته شده است. نامزد می مقاومت نشان می دهد که با کاهش مقاومت ماکزیمم و افزایش زمان خاموشی انرژی اتلافی افزایش می یابد در حالی که زمان بازیابی تأثیر چندانی در میزان انرژی اتلافی ندارد.

Study of superconducting parameters effect on the total energy of resistance superconducting fault current limiter

Farokhiyan, Mohammad; Hosseini, Seyyed Mehdi

Department of Physics, Shiraz University of Technology, Fars

Abstract

To prevent short circuit and fault current damages in power system, the fault current limiters emerged as predominant candidates. In this paper, by considering the time dependence of the resistance, energy changes are calculated as a function of resistance changes. Then, due to the dependence of the resistance to the parameters that depend on the superconductor material, the energy changes respect to these parameters are studied. The results show that by decreasing the maximum resistance and increasing the quenching time, dissipative energy increases, while recovery time does not change the dissipative energy significantly.

PACS No. 74,80

بالا میرود و به همین دلیل محدود کننده ی جریان خطای ابررسانا به نوع غیر ابررسانا ترجیح داده می شود. بیشتر محدود کننده های جریان خطای ابررسانا با استفاده از سیم های ابررسانای نوع دوم ساخته می شوند و براساس ساختار و عملکرد آنها به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شوند. [۲] از انواع محدود کننده جریان خطای ابررسانای غیر مستقیم میتوان به انواع، القایی، ترکیبی و پوسته مغناطیسی اشاره کرد [۳] مهم ترین محدود کننده جریان خطای ابررسانای مستقیم را میتوان محدود کننده جریان خطای ابررسانای مستقیم را میتوان محدود کننده جریان خطای ابررسانای مقاومتی [٤] نام برد که در این مقاله به مطالعه انرژی اتلافی این نوع

از بزرگترین مشکلات سیستمهای قدرت، جریان خطا و اتصال کوتاه هستند که سالانه هزینههای زیادی را بر سیستمهای قدرت تحمیل میکنند. برای جلوگیری از این مشکل، ابزار و وسایل گوناگونی تولید شدهاند. یکی از این وسایل محدود کننده یجریان خطای ابر رسانا نام دارد. با توجه به دو ویژگی مهم ابررساناها، مقاومت الکتریکی صفر و دیامغناطیس کامل بودن و از آنجاییکه گذار به حالت ابررسانایی یک گذار تیز است[۱]، زمانیکه جریان در ابررساناها از حد بحرانی بیشتر میشود، به سرعت به حالت با مقاومت

مقدمه

جزئيات محاسبات

محدود کننده جریان خطای ابررسانا را می توانیم به عنوان یک مقاومت متغیر با زمان در نظر بگیریم. مدلهای ریاضی متفاوتی برای نشان دادن تغییرات مقاومت نسبت به زمان وجود دارد. رابطه ۱، یک مدل ریاضی برای محاسبه مقاومت در شرایط عادی و هنگام وقوع خطا و زمان بعد از رفع جریان خطا، نشان می دهد. در این مدل در شرایط عادی مقاوت کل برابر با مقاومت ابررسانا در حالت ابررسانایی است.هنگامی که جریان خطا وارد مدار می شود،مقاومت کل به صورت نمایی به بیشینه مقدار مقاومت ابررسانا در حالت عادی میل میکند و پس از پاکسازی خطا به صورت خطی به مقاومت ابررسانا در حالت ابررسانایی می رسد.[٥]

(1)

$$R_{FCL}(t) = \begin{cases} R_n & t \le t_f \\ R_{\max}(1 - e^{\frac{t_f - t}{T_o}})^{0.5} + R_n & t_f \le t \le t_c \\ R_{\max}(1 - \frac{t - t_c}{T_r}) + R_n & t > t_c \end{cases}$$

که در آن Rn مقاومت در حالت ابررسانایی است که تقریبا از مرتبه Tq مقاومت در حالت ابررسانایی در حالت عادی است، Tq ۰/۰۱ اهم است. Rmax مقاومت نهایی در حالت عادی است، t_o t_f ثابت زمانی quench که تقریبا بین ۱ تا ۲ میلی ثانیه است، t_f و مدت زمان خطا و زمان بازیابی هستند.

در مقاله [۲] انرژی اتلافی محدود کننده جریان خطا با در نظر گرفتن مقاومت ثابت نسبت به زمان، محاسبه شده است. در این قسمت به بررسی تغیرات انرژی کل در بازههای زمانی مختلف و با در نظر گرفتن مقاومت متغییر نسبت به زمان می پردازیم. انرژی کل یک ابررسانا در مدار الکتریکی را می توانیم از طریق رابطه ۲ بدست: [۷]

$$Q = \int i_{SFCL}(t)^2 R_{SFCL} dt \tag{7}$$

که در رابطه RSFCL ۲، مقاومت ابررسانا توسط رابطه ۱ در زمانهای مختلف داده شده است و isfcL با حل معادله دیفرانسیل زیر بدست میآید:

$$V \sin(\omega t + \alpha) = i(t)R + L\frac{di(t)}{dt}$$
(°)

که در آن L مولفه القایی امپدانس منبع ولتاژ است. با حل رابطه ۳ برای جریان بدست میآوریم:

$$i(t) = \frac{V}{Z} \left[\sin(\omega t + \alpha - \phi) - \sin(\alpha - \phi)e^{\frac{-Rt}{L}} \right] \quad (\varepsilon)$$

که در آن Z امپدانش کل سیستم است کع از طریق رابطه o بدست میآید:

$$Z = \sqrt{R^{2} + L^{2}\omega^{2}} \qquad (\Delta)$$

$$R = R_{source} + R_{SFCL}$$

$$P = \int \frac{V^{2}R_{SFCL}}{Z^{2}} \left[\sin(\omega t + \alpha - \phi) - \sin(\alpha - \phi)e^{\frac{-Rt}{L}} \right]^{2}$$

$$(\gamma)$$

اگر در رابطه ۵ از بخش میرای جریان صرف نظر کنیم، رابطه ۵ به صورت زیر در میآید:

$$Q = \int \frac{V^2 R_{SFCL}}{Z^2} \left[\sin(\omega t) \right]^2 \quad (\forall)$$

مقاومت ابررسانا تا قبل از ورود جریان خطا به سیستم قدرت ثابت است و R_{SFCL}=R_n. انرژی کل در حالت عادی و قبل از وقوع خطا توسط رابطه ۷ محاسبه میشود:

$$Q = \int_{0}^{t_f} R_n \frac{V^2}{Z^2} (\sin(\omega t))^2 dt =$$

$$R_n \frac{V^2}{Z^2} \left[\frac{t_f}{2} - \frac{\sin(2\omega t_f)}{4\omega} \right]$$
(A)

زمانی که جریان خطا وارد سیستم می شود، ابرسانا در مدت زمان کمتر از چند میلی ثانیه از حالت ابر رسانایی به حالت با مقاومت بالا میرود و به صورت نمایی به بیشینه مقدار مقاومت میل میکند و باعث میشود که جریان خطا محدود شود. برای محاسبه انرژی کل در هنگام ورود جریان خطا به سیستم از قسمت دوم رابطه ۱ و رابطه ۲ استفاده میکنیم:

(9)
$$Q = \int_{t_f}^{t_c} \frac{V^2}{Z^2} (\sin(\omega t))^2 \times (R_{\max}(1 - e^{\frac{t_f - t}{T_Q}})^{0.5} + R_n) dt$$

که جواب معادله ۸ از تابع فوق هندسی (2F1(a,b;c;d پیروی میکند [۸] . بعد از برطرف شدن خطا، مقاومت ابر رسانا طبق قسمت سوم رابطه ۱ به صورت خطی کاهش مییابد و بعد از گذشت زمان Tr+tc به کمینه مقدار خود میرسد.

نتايج و بحث

در شکل ۱ نمودار تغییرات جریان برای یک نمونه از این محدود کننده جریان خطا رسم شده است.



شکل ۱: تغییرات جریان نسبت به زمان در شرایط مختلف

محدود کننده جریان خطایی مطلوب است که جریان محدود شده ای نزدیک به مقدار جریان اولیه داشته باشد.

با استفاده از روابط ۷ و ۸ و ۹، انرژی در شرایط مختلف محاسبه شد. با توجه به ثابت بودن مقاومت در شرایط عادی، انتظار داریم که تغییرات انرژی در بازه زمانی مختلف ثابت باشد .شکل ۲ نمودار توان اتلافی بر حسب زمان برای هر سه حالت شرایط عادی و شرایط

خطا و زمان بازیابی را نشان میدهد. در شکل ۲ قسمت ۱ (در بازه زمانی کمتر از ۱۰ میلی ثانیه) سطح زیر نمودار برابر با انرژی قبل از وقوع خطا است و همانطور که مشخص است، توان رفتار نوسانی منظم دارد. در هنگام خطا با توجه به زیاد شدن مقاومت، انتظار داریم که انرژی نیز به نسبت زیاد شود که در شکل ۲ قسمت ۲ مقدار افزایش توان و در نتیجه انرژی، هنگام خطا، نشان داده شده است. پس از برطرف شدن خطا، مقاومت به صورت خطی کاهش پیدا میکند تا به مقدار اولیه خود برسد. در نتیجه با کاهش انرژی کل ابررسانا بر حسب زمان روبرو هستیم که در شکل ۲ قسمت ۳ آمده است.



شکل۲: تغییرات انرژی(ژول) در سه شرایط عادی و خطا و زمان بازیابی

و در شکل ۳ تغییرات انرژی خطا نسبت به مقاومت کل ابررسانا و زمان خاموشی (TQ) در بازه زمانی خطا نشان داده شده است. این شکل نشان میدهد که در آن هر چه مقاومت کل کمتر ولی زمان خاموشی بیشتر باشد، اتلاف انرژی بیشتر است. در هنگام خطا، انرژی اتلافی توسط ابررسانا، با مقاومت کل ابررسانا رابطه عکس دارد. پس با افزایش مقاومت کل، انرژی اتلافی کاهش مییابد. اما با افزایش زمان خاموشی ابررسانا، به علت اینکه ابررسانا دیرتر به



مراجع

[1] K. Fossheim., and A. Sudbø.. "Superconductivity: physics and applications". John Wiley & Sons.(2005)

[2] Y. Jiang., S. Dongyuan,,, D. Xianzhong,, T. Yuejin., and C. Shijie.," *Comparison of superconducting fault current limiter in power system.*" In 2001 Power Engineering Society Summer Meeting. Conference Proceedings (Cat. No. 01CH37262). *IEEE*.(2001)

[3] M. Alam., M. Abido, and I. El-Amin. (2018). "Fault current limiters in power systems: A Comprehensive Review." Energies 11, No. 5 (2018): 1025.

[4] B. C. Sung., D. K. Park., J. W. Park., and T. K. Ko,. "Study on a series resistive SFCL to improve power system transient stability: modeling, simulation, and experimental verification." IEEE transactions on industrial electronics **56**, No. 7 (2009): 2412-2419. (2009)

[5] S. Alaraifi., M. S. El Moursi., and H. Zeineldin.. "Transient analysis on different types of super conducting fault current limiters." 2013 IEEE Grenoble Conference. IEEE .(2013)

[6] S. M. Blair, C. D. Booth., N. K. Singh., G. M. Burt., and C. G. Bright. (2011). "Analysis of energy dissipation in resistive superconducting faultcurrent limiters for optimal power system performance." IEEE Transactions on Applied Superconductivity **21**, No. 4 (2011): 3452-3457.

[7] T. Hoshino., I. Muta., T. Nakamura., K. M. Salim., and M. Yamada. (2005). "Non-inductive variable reactor design and computer simulation of rectifier type superconducting fault current limiter." *IEEE transactions on applied superconductivity* **15**, No. 2 (2005): 2063-2066.

[8] F. Beukers, *Gauss" hypergeometric function*. In Arithmetic and geometry around hypergeometric functions" 23-42. Birkhäuser Basel. (2007)

شکل ۳: تغییرات انرژی (ژول) نسبت به مقاومت کل و افزایش زمان خاموشی T_Q

بعد از رفع خطا و کاهش مقاومت، ابررسانا با گذشت زمان بازیابی Tr به حالت با مقاوت صفر برمی گردد و تغییرات انرژی اتلافی ابررسانا در این بازه زمانی نسبت به مقاومت کل ابررسانا و زمان بازیابی در شکل ٤ نشان داده شده است. از این شکل دیده می شود که با افزایش مقاومت کل همانند قسمت قبل باعث کاهش انرژی اتلافی می شود، اما با افزایش زمان بازیابی به علت اینکه ابررسانا دیرتر به حالت با مقاومت صفر می رسد و باعث اتلاف انرژی می-شود.



شکل ٤:تغییرات انرژی(ژول) نسبت به مقاومت کل و زمان بازیابی

نتيجه گيرى

تغییرات جریان نسبت به تغییرات مقاومت و تغییرات انرژی نسبت به تغییرات مقاومت و تغییرات پارامترهای ابررسانایی برای بازه زمانی خطا و بازه زمانی بازیابی بررسی و محاسبه شد.در هنگام خطا، اتلاف بهینه انرژی توسط ابررسانا، مساله مهمی است. اگر اتلاف انرژی کم باشد جریان خطا به میزان کم محدود می شود که باعث آسیب رسیدن به وسایل می شود و اگر اتلاف انرژی زیاد باشد با افت ولتاژ روبه رو هستیم که مشکلات خود را به دنبال دارد. با توجه به وابستگی انرژی به پارامترهای ابررسانایی و محاسبات انجام شده، می توانیم ابررسانای مناسب جهت بهینه اتلاف انرژی را انتخاب کنیم.

بررسی ساختار وخواص ابررسانایی YBa₂Cu₃O₇₋₆ در اثر آلایش نانو ذرات غیر مغناطیسی دی

اكسيد قلع

قائدشرفي ، نجمه ؛ شمس، غلامعباس

گروه فیزیک، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیدہ

در این تحقیق، اثر آلایش نانوذرات فلزی و غیر مغناطیسی SnO2 بر ساختار کریستالی و خواص ابررسانایی سرامیک (Y-123) ه-YBa2Cu₃O7-6 به طور سیستماتیکی انجام گرفته است. نمونه ها با استفاده از روش واکنش حالت جامد قراردادی ساخته و با مقادیر مختلف نانوذرات دی اکسید قلع به ترتیب ۰٬۰، ۲/۰ ، ۲٫۰ درصد وزنی (% wt) ترکیب شدند. از پراش پرتوی X (XRD)، با تکنیک پالایش Rietveld و تجزیه و تحلیل SEM برای مشخص کردن ساختار کریستالی نمونه ها و توزیع نانوذرات فوق در طول مرز دانه های 2013 استفاده شده است. نتایج بیانگر این مطلب هستند که، پارامترهای شبکهٔ کریستالی (a,b,c) نمونه ها که با استفاده از نرم افزار MAUD ظریف سازی شد، با افزایش میزان آلایش، تغییرات کاهشی قابل توجهی را نسبت به نمونه خالص از خود نشان نمی دهند نمودارهای مقاومت ویژه بر حسب دما نیز نشان می دهند، که دمای گذار این نمو نه ها با افزایش میزان ناخالصی SnO کاهش داشته است، در حالی که در نمونه های آلایش یافته با افزایش ناخالصی ها دمای گذار آنها بهبود می یابد.

The Effect of Doping Nonmagnetic Nano Particles Tin Dioxide on The Structure and Superconducting Properties of $YBa_2Cu_3O_{7-\delta}$

Ghaedsharafi, Najme ; Shams, GholamAbbas

Department of Physics, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Abstract

In this research, the effect of Tin dioxide nano particles and either nonmagnetic SnO_2 doping on the crystal structure and superconducting properties of $YBa_2Cu_3O_{7-\delta}(Y-123)$ ceramics was systematically carried out. Samples were prepared using conventional solid state reaction method and combined with different amounts of SnO_2 nanoparticles 0.0, 0.2, 0.6 wt%. X-ray diffraction (XRD) with the Rietveld refinement technique and SEM analysis were used to characterize the samples crystal structure and distribution of SnO_2 nanoparticles along the Y-123 grain boundaries. The crystal lattice parameters (a,b,c) have no significant changes related to the pure Y-123. The temperature dependence of resistivity, is shown that by increasing of SnO_2 doping, the superconducting transition temperatures decreased compare to the pure sample, while the critical temperature for the higher doped sample with SnO2 improved in comparison with the lower doped one.

PACS No() تغییر در استوکیومتری در یک خانواده از ابررساناهای دمای بالا درصدد بهبود دمای گذار در همان خانواده می باشند. بنابراین در میان ابررساناهای کوپه ای،ابررسانای ₆-YBa₂Cu₃O₇ به دلیل دمای بحرانی و چگالی جریان بحرانی بالایی که دارا می باشد، مناسبترین ماده جهت بکارگیری در دمای ۷۷ کلوین(دمای نیتروژن مایع) است،که دمای گذار این ترکیب شدیدا به ساختار بلوری آن بستگی

با توجه به اینکه دست یابی به ابررسانایی دمای اتاق و فهم و سازوکار ابررسانایی در حالت ابررسانش از مهمترین اهداف محققین در این زمینه است، دانشمندان با اعمال موارد مختلف همانند تغییر در استوکیومتری اکسیژن نمونه، آلایش های مختلف،

مقدمه

دارد.[۱]. حال با توجه به اینکه عوامل بسیاری در ترکیب های با پایه Y وجود دارد که خواص مختلفی را از خود نشان می دهند، از این رو محققین با افزودن ناخالصی هایی همانند Ag, ,Ag CeO₂, [۲] ، [۳] ، [٤] و موارد دیگر، درصدد بهبود خواص الکتریکی و حرارتی ابررساناهای دمای بالا هستند. در این مقاله ما تركیب جدیدی از ابررسانای دمای بالا با پایه Y-123 را با افزودن نانوذرات فلزی دی اکسید قلع(SnO₂) با درصدهای وزنی ۰/۰. ۰/۲ ، ۰/۲ با روش استاندارد حالت جامد ساختیم، با توجه به اینکه نمونه مورد تحقیق با درصد وزنی ۲/۰ با روشهای ذوب، ۱-مایکروموج و ۲ – رشد بافت سریع مورد بررسی قرار گرفته است [٥و٦]، همچنین آلایش نانوذرات فلزی و غیر مغناطیسی SnO₂در ابررسانای سرامیکی (Y-123) با درصدهای وزنی متفاوتی تا ۰/۰ (wt%) مجدد توسط آ.اچ.سالاما و همکارانش [۷ و ۸] آماده و مورد تحقیق انجام گرفت ، اما در همه موارد تا به حال بهبودی در دمای گذار آن نمونه ها نسبت به نمونه خالص مشاهده نشده است. بنابراین در این پژوهش تلاش ما بر آن بود تا بتوانیم خواص ساختاری والکتریکی SnO₂ آلاییده شده (بادرصدهای وزنی ذکر شده) در Y-123 را مورد تحقیق و نیز نتایج بدست آمده را در مقایسه با کارهای انحام گرفته مورد بحث قراردهیم، که در این رابطه نمودارهای مقاومت ویژه بر حسب دما و پراش پرتوی X و تجزیه و تحلیل SEM بسیار راه گشا بودند.

جزئيات آزمايش

Y₂O₃, BaCO₃ کسیدی اکتر این از پودرهای اکسیدی Y₂O₃, BaCO₃ و CuO و CuO با خلوص(۹۹/۹ درصد) تهیه شدند، سپس با اضافه کردن پودر نانو ذرات دی اکسید قلع(اندازه۳۰–۵۰ نانومتر) با درصدهای وزنی متفاوت به ترتیب ۰/۰، ۲/۰ ،۲/۰ سه نمونه از Y-123 با روش واکنش حالت جامد با استوکیومتری مناسب ساخته شدند. بدین ترتیب که پودرهای آماده شده به وسیله هاون دستی آسیاب شدند و سپس در حضور مایع اتانول درون قالبهایی تحت فشار درآمدند. در فرآیند تکلیس در نخستین مرحله برنامه کوره با آهنگ درآمدند. در جهی سانتیگراد بر ساعت تا ۲۰۰ درجهی سانتیگراد، گرم

شد و در ادامه برای ۱۲ ساعت در دمای فوق قرار داشته و در ادامه با آهنگ ۱۹۰ درجهی سانتیگراد بر ساعت تا دمای ۹۳۰ درجهی سانتیگراد کوره گرم شد و به مدت ۲۵ ساعت قبل از رسیدن به دمای اتاق در این دما کشتهسازی انجام گرفت و درآخر با آهنگ ۱۰ درجهی سانتیگراد بر ساعت نمونه به دمای محیط رسید. برای افزایش همگنی پودرهای پخته شده، آنها مجدد در هاون دستی به مدت ۳۰ دقیقه سائیده شدند، تا اندازهی ذرات پودر کمتر از ۱۰ میکرومتر شود. پودرهای به دست آمده در دستگاه پرس سرد دوباره به شکل قرص درآمدند. سپس قرصها درون کوره در بوته -های مخصوص با روند مشخصی تحت عملیات سختسازی قرار گرفتند. برای تعیین اکسیداسیون کامل نمونه ها، یک باز پخت اضافی در دمای ۲۰۵ درجه سانتیگراد تحت اکسیژن انجام گرفت و ی ابررسانا، آزمایش اثر مایسنر در مورد آنها انجام شد و تمامی نمونه ها این اثر را نشان دادند.

۲ – پراش پرتوی X متعلق به نمونه های ₅-۲ YBa₂Cu₃O₇ آلاییده با نانوذرات SnO₂ توسط دستگاه XRD (مدل SnO₂ و با نانوذرات Advance) اندازه گیری شد، سپس برای تشخیص مورفولوژی نمونه ها از میکروسکوپ الکترونی روبشی (مدل3200 EM– KYKY) استفاده گردید.

نتايج و بحث

شكل (۱) پراش اشعه ايكس نمونه هاى Y-123 آلاييده با نانوذرات مختلف SnO_2 با انديس هاى ميلر صفحات مربوطه در نمونه خالص را نشان مى دهد. تجزيه و تحليل ها نمايانگر اين است كه به طور برجسته يك ساختار تك فاز پروسكايت از YBCO با تقارن P_{mmn} كه داراى مقادير كمى فازهاى ثانويه است، وجود دارد. لازم به ذكر است كه هيچ قله اى مربوط به SnO_2 يا تركيباتى بر پايهٔ Sn در الگوهاى پراش پرتوى X وجود ندارد.قله اصلى در زاويه اى در حدود ۳۳ درجه قرار دارد، كه قله مذكور در نمونه آلايش يافته ٦/٠ نسبت به بقيه نمونه ها، تيزتر و بلندتر و داراى پهناى كمترى مى باشد.همچنين شايان ذكر است كه قله هاى نمونه هاى آلايش يافته نسبت به نمونه خالص به مقدار جزئى

جابه جایی داشته اند که به نظر می رسد به دلیل ورود نانو ذرات SnO₂ به شبکه کریستالY-123 باشد که سبب تغییرات ساختاری و همچنین ابعادی شده است.



مشخصات ساختار بلوری برای نمونه های آلاییده با نانوذرات دی اکسید قلع در جدول (۱) با نرم افزار ریتولد گردآوری شده است. بر اساس آن اگرچه پارامتر شبکهٔ a نسبت به نمونه خالص تقريباً ثابت مي ماند، اما پارامتر c شبكه با افزايش آلايش نانوذرات SnO₂ به میزان اندکی به اندازه ۲۰۰۸۲ کاهش می یابد،مقدار c کوچکتر می تواند مسئول تغییر تبادل بین لایه ای باشد و در نتیجه می تواند خواص ابررسانایی را بهتر فراهم کند. همچنین در جدول (۱) ملاحظه می گردد، اختلاف بین ثابت های شبکهٔ a و b با افزودن آلایش SnO₂ مقدار کمی کاهش می یابد و این باعث می شود که درجه اورترومبيسيتي نمونه هاي آلايش يافته با افزايش میزان ناخالصی کاهش داشته باشد و بیشترین مقدار اورترومبیسیتی مربوط به نمونه ی خالص است که می تواند نتیجه ی بیشترین مقدار اکسیژن در جایگاه (O(1) در زنجیره ی CuO (در طول محور b) باشد، كه با نتايج تحقيقات گروه آ.اچ.سالاما.[٧] مطابقت دارد. در شکل(۲) وابستگی دمایی مقاومت ویژه نمونه های YBCO با آلایش مقادیر مختلف نانو ذرات SnO₂ نشان داده شده است. با توجه به اینکه ناحیه ی نرمال این منحنی ها عمدتا نمایانگر رفتار فلزی هستند (بالای2*7*) که از رابطه ای خطی در دمای اتاق پیروی می کنند. اما دومین منطقه به علت وجود جفت های کوپر سهمی از نوسانات رسانایی را دارا می باشد.

جدول ۱ : پارامترهای ساختاری شبکهٔ نمونه های Y-123 با مقادیر مختلف آلایش نانوذرات SnO₂

| $Y_{123} + x \text{ wt.\% SnO}_2$ | | | | | | | |
|-----------------------------------|--------|--------------|---------|---------------------------------------|--------------------------|--|--|
| Х | a (Å) | <i>b</i> (Å) | с (Å) | Volume of cell (\AA^3) | $\delta = b - a / b + a$ | | |
| •/• | ۳/۸۲۸۱ | 37983 | 11/711 | 175/175 | •/••^٣٨ | | |
| ۰/۲ | ٣/٨٢٣٧ | ۳/AAVA | 11/7/4/ | ۱۷۳/٦٣٥ | •/••۸۳۰ | | |
| ۰/٦ | ۳/۸۲۵۷ | ۳/۸۸۷۱ | 11/7/4/ | 174/19/ | •/••\90 | | |

همان طوری که در شکل(۲) نمایان است با افزودن نانو ذرات دی اکسید قلع دمای گذار ((T_c)) این نمو نه ها نسبت به نمونه ی ابررسانای (Y-123) کاهش داشته است. که می تواند بیانگر CuO₂ از اشغال Sn در جایگاه (2+)Cu در صفحات 2uO₂ نسبت به نمونه خالص Y-123 باشد[۸]. همچنین ممکن است ناشی از نزدیکی شعاع یونی ⁴⁺Sn به ³⁺Cu، نیز باشد. قابل ذکر است در نمونه ی آلایش یافته ۲/۰ دمای گذار بالاتری نسبت به نمونه ی آلایش یافته ۲/۰ مشاهده می گردد (شکل ۲)، که مشابه کارهای آ.اچ.سالاما و همکارانش می باشد.[۷].



شکل ۲ : وابستگی مقاومت ویژه به دمای نمونه های Y-123 با آلایش مقادیر مختلف نانوذرات SnO₂

پهنای گذار با افزایش غلظت آلایش ها نسبت به نمونه خالص مقداری افزایش می یابد (جدول (۲))، که ممکن است به دلیل وقوع تدریجی فاز اضافی غیر ابررسانایی و اثر ناهمگنی میکروسکوپی باشد. پهنای گذار نمونه ها در جدول (۲) نسبت به آزمایشهای آ.اچ.سالاما نتایج مطلوبتر با عرض کمتری را دارد، که نشان می دهد نمونه ها در این کار دارای کیفیت بالاتری بوده اند. میکروسکوپی در ترکیب باشد. در همین راستا پارامترهای شبکهٔ کریستالی تغییرات کاهشی چشمگیری را نسبت به نمونه خالص از خود نشان نمی دهند. همچنین اورترومبیسیتی کاهش می یابد زیرا که اختلاف بین پارامترهای شبکه a و b کاهش می یابد و کاهش مقدار اکسیژن نیز ممکن است دلیل دیگری باشد. از طرفی دیگر احتمال دارد، با افزایش آلایش ها تغییرات محور a آهسته تر شود و تغییرات در حجم سلول واحد باعث شود که Sn با ساختار کریستالی ترکیب شود. از نمودارهای مقاومت ویژه بر حسب دما مشخص می شود که مقاومت ویژه در نمونه های آلایش یافته، نیز دارای شیب مثبت است و با افزایش ناخالصی کاهش می یابد. در حالی که دمای گذار آنها در نمونه ی با درصد وزنی بیشتر بهبود یافته است. قابل ذکر است تفاوت در کاهش دمای گذار برای نمونه های آلایش یافته در مقایسه با Y-123 خالص ممکن است در نتيجه افزايش مقاومت اتصالات ضعيف جوزفسون يا تشكيل فازهای ثانویه ی جزئی در فرایند جامد سازی باشد. بنابراین اعتقاد ما بر این است که می توان با کار بر روی درصدهای وزنی دیگر یک حالت بهینه یافت که در آن T_c بهبود بیشتری نست به SnO_2 نمونه آلاييده با غلظت ٦/٠ داشته باشد.

مرجعها

[۱]اخوان، محمد، يمنى، زهرا سادات؛ «پی*شرفتهاى ابررسانايى دماى بالا*» موسسه

- [2]B. A. Malik, M. A. Malik, R. Meena, and K. Asokan, "*Effect on critical current density of YBCO by the addition of Ag. Results and Discussion*"; (2015).
- [3]X. Cui, G. Liu, J. Wang, Z. Huang, Y. Zhao, B. Tao, and Y. Li, "Enhancement of critical current density of yba2cu3o7-δ thin films by nanoscale ceo2 pretreatment of substrate surfaces"; Physica C, Superconductivity, Vol. 466, No. 1-2 (2007) 1-4.
- [4]M. S. M. Suan and M. R. Johan, "Synthesis of Al2O3 nanoparticles highly dis- tributed in YBa2Cu3O7 superconductor by citrate-nitrate auto-combustion reaction"; Physica C, Superconductivity, Vol. 492, (Sep 2013) 49-54.
- [5]S. Msrinel, G. Desgardin, "Effect of nano-particles SnO and CeO addition on the Y123/Y211 sample grown in a microwavefurnace"; Journal of the European Ceramic Society, No. 21 (2001) 1919-1923.
- [6]Z. He, T. Habisreuther, G. Bruchlos, D. Litzkendorf, and W. Gawalek, "Investigation of microstruc-ture of textured YBCO with addition of nanopowder SnO2"; Physica C, Superconductivity, Vol. 356, No.4 (Aug 2001) 277–284.
- [7]A. H. Salama, M. El-Hofy, Y.S. Rammah and M. Elkhatib; "Pinning Behaviour of Nano Nonmagnetic CuO, SnO2 and Magnetic Mn3O4 Substitutions in YBCO Bulk Superconductors"; InterCeram: International Ceramic Review.65, (April 2016) 017-024.
- [8] A. H. Salama, M. El-Hofy, Y.S. Rammah and M. Elkhatib; "Effect of Magnetic and Nonmahnetic Nano Metal Oxides Doping on The Critical Temperature of a YBCO Superconductor" ;Adv. Nat. Sci.;Nanosci. Nanotechnol.6 (Dec 2015).

| $Y_{123} + x$ (wt.%) | ذار SnO ₂ | و یهنای گ | بحراني | : دمای | جدول ۲ |
|----------------------|----------------------|-----------|--------|--------|--------|
|----------------------|----------------------|-----------|--------|--------|--------|

| Samples | Х | $T_{c(\rho=0)}$ | $T_c(K)$ | ΔT |
|--|-----|-----------------|----------|------------|
| | | (K) | | |
| $\mathbf{V} \rightarrow \mathbf{v} (\mathbf{w} \mathbf{t} \ \boldsymbol{\psi}) \mathbf{S} \mathbf{n} \mathbf{O}$ | •/• | ۹١/٥٨ | ۹۱/۸۰ | •// |
| $1_{123} + X(wt.70) ShO_2$ | ۰/۲ | ۷۷/۲۱ | VV/٣٣ | ١/٢ |
| | •/٦ | ٨٤ | ٨٤/١٣ | ١/١٢ |

برای تشخیص مورفولوژی نمونه ها از میکروسکوپ روبشی استفاده گردید (شکل۳)، که میکرو ساختار نمونه های ساخته شدهٔ با نانوذرات SnO₂ آلاییده شده را (با بزرگی2.5kx) به نمایش می گذارد و بیانگر این می باشد که نانوذرات دی اکسید قلع تمایل دارند با افزایش مقدار آلایش،در برخی نقاط بین دانه ها جمع شوند و باعث تشکیل منطقه ای غنی تر از Sn شوند (مربع قرمز رنگ در شکل(۳)) و به نظر می رسد همانند یک نقص بر پارامتر های کریستالی تاثیر می گذارند و منجر به کاهش دمای بحرانی نسبت به نمونه خالص می شوند.



شکل ۳: تصاویر SEM نمونه های Y-123 در اثر آلایش نانوذرات دی اکسید قلع با مقادیر : (a) (۰/۰) ، (b) (۱/۰) ، (c) (۱/۰) ، درصد وزنی

نتيجه گيرى

در این پژوهش آلایش نانو ذرات غیر مغناطیسی دی اکسید قلع با غلظت های متفاوت به ابررسانای Y-123, سبب تغییرات ساختاری و همچنین ابعادی در خواص ترابردی الکتریکی شده است که می تواند ناشی از ناهمگنی های مزوسکوپی و

انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف؛ صفحه ۱٤۱ تا ۲۲۷.

تعیین دمای کاری بهینه برای مگنت ابررسانای دمای بالا

ٔ پژوهشکاده فیزیک پلاسما و گداخت هسته ای، پژوهشگاه علوم و فنون هسته ای، سازمان انرژی اتمی

چکیدہ

در این مقاله، برای بهینهسازی دمای کاری مگنتهای ابررسانای دمای بالا (HTS) یک طرح حرارتی ارائه شاره که نتیجهی آن دست یابی همزمان به مگنتهایی با ابعاد کوچک و مصرف توان پایین تر است. در دماهای پایین، بهدلیل عملکرد ضعیف مبرد توان سرماسازی افزایش می یابد. مدلسازی و تحلیل اثر ابعاد مگنت روی محاسبات اتلاف نشان میدها. که برای دمای کاری، مقارار بهینهای وجود دارد که توان مصرفی را کمینه میسازد. این توان بهینه بهشارت به دمای حایل حرارتی وابسته است .

Determination of Optimum Operating Temperature for HTS Magnet

Abdollahi Ghahi, Nayereh¹; Abdollahi Dargah, Mahnaz¹

¹Plasma Physics and Nuclear Fusion Research School, Nuclear Science and Technology Research Institute, AEOI Tehran – Iran: nayereh_abdollahi@yahoo.com

Abstract

In this paper, a thermal design is proposed to optimize the operating temperature of high temperature superconducting (HTS) magnets, which results in a simultaneous reduction in the magnets with small dimensions and lower power consumption. At low temperatures, cooling power increases due to poor cryocooler performance. The modeling and analyzing of the effect of magnets on loss calculations show that there is an optimal temperature that minimizes power consumption. This optimum power is strongly dependent on the temperature of the thermal shield.

PACS No. 70.74

محاسبهی اتلاف حرارتی متناظر با ابعاد مگنت

در مگنتهای ابررسانای DC، اتلاف در تجهیزات سردسازی با سه سازوکار فیزیکی متفاوت ایجاد میشود؛ رسانش حرارتی از طریق نگهدارندههای مکانیکی، تابش حرارتی، انتقال گرما از طریق هادی-های جریان.

رسانش نگهدارنده: رسانش حرارتی از طریق نگهدارنده با سطح مقطع A_s از رابطهی زیر محاسبه میشود:

$$Q_k(T_L) = \frac{A_s(T_L)}{L_s} \int_{T_L}^{T_H} k_s(T) dT \qquad (1)$$

 T_L که در آن $k_s(T)$ رسانندگی حرارتی، L_s طول نگهدارنده، $r_s(T)$ دمای جسم سرد و T_H دمای اتاق است. سطح مقطع نگهدارنده متناسب با جرم مگنت، M، است به طوری که:

پس از کشف ابررسانای دمای بالا، بهدلیل سردسازی آسان و مقرون بهصرفهی آن با نیتروژن مایع این نوع ابررسانا موردتوجه قرار گرفت، با وجود این به سردسازی در دماهای کمتر از ۷۷K نیاز است تا به چگالی جریان بزرگتر در ابررساناهای دمای بالا و در نتیجه به کاهش قابل ملاحظه در اندازه و وزن مگنت دست یابیم [۱]. میزان اتلاف حرارتی توسط دمای کاری و ابعاد مگنت تعیین میشود. برای رسیدن به سردسازی زیر دمای ۷۷K میتوان از چرخهی بستهی مبرد استفاده کرد. در این مقاله، دمای سردسازی بهینه را در شرایط پایا بهمنظور کمینهشدن توان مصرفی پیدا خواهیم کرد.

مقدمه

$$A_{s}(T_{L}) = s \frac{M(T_{L})g}{\sigma_{y}}$$
(Y)

فاکتور ایمنی مکانیکی، *S*، ثابت درنظر گرفته میشود و تاب ارتجاعی مادهی نگهدارنده، _v م، در بازهی دمایی بهصورت قابل-توجهی تغییر نمیکند. جرم مگنت HTS بهطور معکوس با چگالی جریان بحرانی (J_c(T_L) متناسب است. وابستگی دمایی جرم مگنت بر حسب دمای مرجع VVK را بهصورت زیر میتوان نوشت:

$$M(T_L) = M(\text{VV K}) \frac{J_c(\text{VV K})}{J_c(T_L)} \qquad (\text{``)}$$

با کاهش دمای T_L ، بازهی دمایی در انتگرال معادلهی (۱) افزایش می کاهش دمای افزایش $J_c(T_L)$ ، کاهش می یابد می ابد اما سطح مقطع به دلیل افزایش $J_c(T_L)$. کاهش می یابد [۲].

 T_{I} تابش: انتقال حرارتی تابشی برای یک جسم در دمای T_{L} ، از یک سطح بسته در دمای T_{H} ، بهطور تقریبی از رابطهی زیر بهدست می آید [۳]:

$$Q_{r}(T_{L}) \approx \frac{\sigma(T_{H}^{*} - T_{L}^{*})}{\frac{1}{\varepsilon_{L}A_{L}(T_{L})} + \frac{1 - \varepsilon_{H}}{\varepsilon_{H}A_{H}}}$$
(£)

 $A_L e = A_H e^{-1}$ مساحت خارجی جسم سرد و مساحت سطح داخلی در دمای اتاق و $\Im e \sigma \phi$ ریب تابندگی و ثابت بولتزمن است. در محاسبه یا اتلاف ها در این مدل، فرض می شود که حجم جسم سرد متناسب با اندازه ی مگنت است و مساحت سطح خارجی جسم سرد سهم ۲/۳ توان حجمی اش را از ملاحظات ابعادی برای شکل های مشابه داراست. بنابراین وابستگی دمایی A_L بر حسب دمای مرجع W K به صورت زیر به دست می آید:

$$A_{L}(T_{L}) = A_{L}(YY \text{ K}) \left[\frac{J_{c}(YY \text{ K})}{J_{c}(T_{L})} \right]^{Y/\tau} \qquad (\diamond)$$

با کاهش T_L، صورت و مخرج در معادلهی (٤) افزایش مییابد و این به این معنی است که تابش در واحد سطح کاهش مییابد اما باید مساحت سطح خارجی مگنت نیز کاهش یابد [۲].

هادیهای جریان: انتقال حرارت به انتهای سرد هادیها، عامل اتلاف حرارتی است و میزان آن بسته به جنس مواد هادی و روش سردسازی متفاوت است. ابعاد هادیها میتواند بهینه شود به-طوریکه کمینه اتلاف سردسازی در واحد طول هادی، Q₁، طبق

قانون Wiedemann-Franz فقط تابعی از جریان کاری و دو دمای انتهایی است.

محاسبهی توان سردسازی

یک روش مؤثر برای صرفهجویی توان ورودی در سردسازی، استفاده از حایل حرارتی با دمای میانی T_I است. تخمین توان ورودی واقعی در مبرد دو مرحلهای نسبت به تکمرحلهای پیچیده-تر است. فرض میکنیم که توان کل برابر با جمع توان حایل حرارتی، W_I ، و توان سردسازی مگنت ، W_L ، است:

 $W(T_I, T_L) = W_L(T_I, T_L) + W_I(T_I, T_L)$ (V)

اتلاف سردسازی در دمای T_L ، ناشی از رسانش نگهدارنده، تابش و هادیهای جریان با جایگزین کردن T_H توسط T_I در معادلات (۱) و (٤) و (٦) بهدست می آید. توان مورد نیاز برای اتلاف در دمای T_L عبارت است از:

$$W_{L}(T_{I}, T_{L}) = \frac{1}{FOM_{L}} \left(\frac{T_{H}}{T_{L}} - 1 \right) \left[Q_{k1}(T_{I}, T_{L}) + Q_{r1}(T_{I}, T_{L}) + Q_{l1}(T_{I}, T_{L}) \right]$$
(A)

 T_L مه در آن اندیس ۱، نشاندهنده یا تلافهای حرارتی از T_I به T_I به T_L مراتی از T_I به T_L می است. در این جا بازدهی کارنوی مبرد را $1 = FOM_L$ در نظر می گیریم. سه جمله یاول در معادله ی بالا کمتر از مقدار به دست آمده اش در سردسازی یک مرحله ای است، زیرا T_I کمتر از T_H می باشد. به طور مشابه، نشت حرارتی از دمای اتاق به حایل با جایگزین کردن T_I توسط T_I به ترتیب در معادله های (۱) و (٤) و (۲) به دست می آید. اتلاف در حایل حرارتی باید حاصل تفاضل بین Q_{al} و P_{al}

$$W_{I}(T_{I}, T_{L}) = \frac{1}{FOM_{I}} \left(\frac{T_{H}}{T_{I}} - 1 \right) \{ [Q_{k2}(T_{I}) - Q_{k1}(T_{I}, T_{L})] + [Q_{r2}(T_{I}) - Q_{r1}(T_{I}, T_{L})] + Q_{l2}(T_{I}) \}$$

 T_{I} به T_{H} اندیس ۲، نشاندهندهی اتلافهای حرارتی از T_{H} به T_{I} به است. جملهی آخر در معادلهی بالا انتقال گرمای هادیها از دمای T_{I} به

(٩)

T_L را شامل نمی شود، زیرا گرادیان دمای محوری در انتهای گرم برای همه هادی های فلزی بهینه شده باید صفر باشد [٤]، [٥].

نتايج و بحث

مشخصههای مگنت D-شکل در مقیاس آزمایشگاهی و سرماپای آن و نیز نتایج محاسبات اتلافهای مرحلهی اول و دوم در K ۷۷ و ۲۰ K در جدول ۱ و ۲ آمدهاست.

جدول ۱ مشخصات سرماپای پیچهی D-شکل در ۷۷ K

| Bi | پیچەی D-شكل i-۲۲۲۳/AgMg | | | |
|---------------------------------|--|--|--|--|
| ٥ Kg | جرم در ۷۷ کلوین (M) | | | |
| ۰/۰ ۱٦ m ^۲ | مساحت سطح خارجی در K ۷۷ (A _L) | | | |
| •/•۲ | تابن <i>د</i> گی پوشش نقره (٤ _L) | | | |
| نگەدارندە مكانيكى (استيل ضدزنگ) | | | | |
| ./£ m | طول (L_s) | | | |
| ۲۰۷×۱۰ [¬] Pa | تاب ارتجاعی (o _y) | | | |
| ۲. | ضریب ایمنی (S) | | | |
| | حفاظ تابشی (آلومینیوم) | | | |
| ٥٠cm | قطر محفظهي مرحله اول | | | |
| ٦٠cm | ارتفاع محفظهي مرحله اول | | | |
| •/9٤ m ^r | مساحت سطح در ۷۷ کلوین (A _R) | | | |
| •/1 | تابن <i>د</i> گی (<i>٤</i> _L) | | | |
| | سرماپا | | | |
| ٦٠cm | قطر خارجی محفظه در دمای اتاق | | | |
| ٧٠cm | ارتفاع محفظه در دمای اتاق | | | |
| ۱/۳ m ^۲ | مساحت سطح (A _H) | | | |
| • /AA | تابن <i>د</i> گی (<i>E_H</i>) | | | |

جدول ۲ برآورد اتلافها در جریان کاری ٤٠ آمپر

| اتلافهاي مرحلهي | اتلافهاي مرحلهي | پارامترها |
|--------------------|-----------------|--------------------|
| دوم در ۲۰ K | اول در ۷۷ K | |
| $\cdot / \wedge W$ | ۰/۹ W | هادیهای مسی جریان |
| •/•£ W | •/\ W | پروبهای اندازهگیری |
| •/•••٩ W | ٤٢/oW | تابش |
| •/•••V W | •/•• \ W | نگەدارندە |

ابررسانایHTS مورد استفاده، نوار Bi-۲۲۲۳/AgMg میباشد. چگالی جریان بحرانی، با دقت قابل قبولی بهصورت تابعی از دما عبارت است از [٦]:

$$J_c(T_L) = J_{c0} \left(1 - \frac{T_L}{108}\right)^{1.4} \tag{(1)}$$

 $J_c(T)$ چگالی جریان بحرانی در صفر کلوین است. نسبت $J_c(T)$ به $J_c(77K)$ به مورت زیر بیان شدهاست:

$$\frac{J_c(T_L)}{J_c(77K)} = \frac{(1 - \frac{T_L}{108})^{1.4}}{(1 - \frac{77}{108})^{1.4}} = 6.61(1 - \frac{T_L}{108})^{1.4}$$
(11)

رابطهی (۱۰) برای محاسبهی اتلاف برحسب اندازه مگنت در معادلات (۳) و (۵) مورد استفاده قرار میگیرد.

شکل ۱، توان مصرفی سه نوع اتلاف محاسبه شده را بهصورت تابعی از دمای کاری برای سردسازی یک مرحله ای نشان می دهد. در طراحی موردنظر در شرایط DC، بالای محدوده ی وسیعی از دما، اتلاف ناشی از هادی های جریان و تابش سهم غالبی دارد. با کاهش $_{L}T$ تا زیر $X \cdot 0$ ، توان مصرفی به صورت چشم گیری افزایش می یابد، زیرا هر دو کمیت اتلاف سردسازی و توان در واحد سردسازی افزایش می یابد. به عبارت دیگر، در شرایطی که $_{L}T$ تا $X \cdot 1$ افزایش می یابد (دمای بحرانی ابر سانای (HTS)، (T) ابر رسانای HTS کاهش می یابد و برای مقاصد کاربردی خاص به مگنت با ابعاد بزرگتر نیاز می شود. با اتلاف سردسازی بیشتر ناشی از رسانش حرارتی و تابش، توان مصرفی کل در دماهایی نزدیک به X ۸۰ افزایش می یابد. یک مقدار بهینه ی یکتا برای دمای کاری به منظور کمینه کردن توان مصرفی و جود دارد.

توان ورودی کل حایل حرارتی یا سردسازی دو مرحلهای، نه فقط تابعی از دمای مگنت، T_L ، بلکه تابعی از دمای حایل حرارتی، T_I ، نیز میباشد.

شکل ۲ توان محاسبه شده در معادله (۷) را به صورت تابعی از T_I وقتی در دمای ۲۰ کلوین ثابت است، برای مگنت DC نشان می دهد. در نزدیکی دمای ۲۰ K حمینه توان ۱۰ وات است. چنانچه T_I به صورت مجانبی به T_I کمینه توان ۱۰ وات صفر میل می کند و همین طور وقتی T_I به T_I میل می کند می توان از W_I میل می کند و همین طور وقتی اT به T میل می کند می توان آخر به سردسازی یک مرحله ای تبدیل شود، توان سردسازی کل باید مقدار کمینه ای را در دو دمای انتهایی داشته باشد. همچنین دمای حایل در یک مقدار بهینه طراحی می شود و توان کل برای سردسازی دو مرحله ای باید به صورت تابعی از T_I در نظر گرفته شود.



شکل ۳: توان مصرفی محاسبه شده برای مگنت DC (دمای میانی بهینهشده برای سردسازی دو مرحلهای).

در شکل ۳، توان سردسازی دو مرحلهای با حایل در دمای بهینه با یک سرماساز یک مرحلهای مقایسه شده است. بهینه دمای T_L در سرماساز دو مرحلهای حدود ۸۹ K است و توان کمینه تا I/EW اکاهش مییابد. یک مزیت آشکار سردسازی دو مرحلهای در دمای کمتر از K . در مصرف توان است.

مرجعها

[1] M. P. Oomen, B. Haken, M. Leghissa and J. Rieger; "Optimum working temperature of power devices based on Bi-2223 superconductors" Supercond. Sci. Technol., 13 (2000) 19–24.

[Y] H. M. Chang, Y. SukChoi and S. W. V. Sciver, "Optimization of operating temperature in cryocooled HTS magnets for compactness and efficiency", Cryogenics, 42 (2002) 787–794.

[^r] W. M. Rohsenow and H. Y. Choi, *"Heat, Mass, and Momentum Transfer"*, New Jersey, Prentice-Hall (1961) 332–51.

[*] H. M. Chang and SW. Van Sciver, "Thermodynamic optimization of conduction-cooled HTS current leads" Cryogenics, 38 (1998) 729–36.

[°] N. Wilson," Superconducting Magnets", Oxford University Press (1983).

[[†]] AM. Wolsky, "Cooling for future power sector equipment incorporating ceramic superconductors. The IEA Implementing Agreement for a Co-Operative Programme for Assessing the Impacts of High-Temperature Superconductivity on the Electric Power Sector", Argonne" National Laboratory Report (2002).



شکل ۱: توان مصرفی اتلافها بر حسب T_L برای مبرد یکمرحلهای.



شکل ۲: توان مصرفی W_L ، W_I ، W برحسب دمای میانی در T_L = ۲۰ K برای سردسازی دو مرحلهای.

در مگنتهای DC که اتلاف AC در سردسازی وجود ندارد، همان طورکه در شکل ۳ برای سردساز یک مرحله ی دیده می شود، توان سردسازی مورد نیاز در $T_L = 91$ تقریباً W ۷۰/۲ است. یکی از مهم ترین ویژگی ها در یک مگنت DC این است که انحنا برای توان مصرفی در بازه دمایی بین A ۰۸ و A ۹۰ حول دمای بهینه هموار می باشد. این اشاره به این موضوع دارد که یک دمای کاری خوب زیر دمای بهینه، افزایشی ناچیز در توان حالت پایا دارد ولی کاهشی قابل توجه در ابعاد و قیمت مگنت خواهد داشت. در به طور خاص به چرخهی ترمودینامیکی و ظرفیت سردسازی وابسته به طور خاص به چرخهی ترمودینامیکی و ظرفیت سردسازی وابسته است. بیشتر مبردهای کنونی در بازه ی دمایی موردنظر، مقادیری بین ۲/۰ تا ۳/۰ را دارا می باشد، بنابراین انتظار می رود که به عنوان نمونه توان واقعی در شرایط بهینه در یک مبرد از W ۵۰۰ تا N ۸/۰ ۲۵

تاثیر گرافن اکساید برمیزان جذب امواج الکترومغناطیسی کامپوزیت های برپایه (پلی آنیلین/ابر رسانای YBa₂Cu₃O₇)

قربانی بلوک آباد ، مرتضی ٰ ؛ پاک نیاکان، سپیده ٰ ؛صدقی گمیچی، حسن ؓ ؛کشی پور ،سجاد ُ

^ا پژوهشکاره نانو فناوری، دانشگاه ارومیه ، ارومیه ۲ پژوهشکاره نانو فناوری، دانشگاه ارومیه ، ارومیه ۴ گروه فیزیک، دانشگاه ارومیه، ارومیه ٤ پژوهشکاره نانو فناوری، دانشگاه ارومیه ، ارومیه

چکیدہ

گرافن ومشتقات آن به علت خواص فیزیکی فوق العاده وتوانایی های منحصر به فرد آن از جمله مواد پرکاربرد در ساخت کامپوزیت های جاذب امواج الکترومغناطیسی محسوب میشوند(۱).با این وجود دستیابی به تطبیق امپدانس مناسب این ماده در کنار مواد مغناطیسی وسایر مواد تقویت کننده از بزرگ ترین چالش های ساخت پوشش های کامپوزیتی محسوب میشود.در اینجایک رویکرد جدید وتازه برای پردازش گرافن اکساید ونانو ذرت مغناطیسی در پلیمر ابر رسانای (پلی آنیلین/ابر رسانای VBCO)مورد بررسی قرار گرفت.ذرات VBCOتحت یک فرایند حرارتی از فلزات کربنات دار در دمای ۲۰۰۰تادرجه کلوین سنتز شد(۱).پلی آنیلین از طریق پلیمریزاسیون اکسایشی شیمیایی بدست آمد(۳) وطی یک فرایند خاص با VBCOترکیب شده وتشکیل پلیمر PANI/مورد نهایت گرافن اکسایشی شیمیایی بدست آمد(۳) وطی یک فرایند خاص با PAN مواد کامیوزیت بدست آمده توسط آنالیز اسپکتروسکوپی مادون قرمز شناسایی شد.همچنین میزان جذب امواج ماکروویو در ناحیه باند ایکس مورد بررسی قرار گرفت ونشان داده شد که وجود گرافن اکساید باعث بهبود عملکرد جرین میاسی شد.همچنین میزان جذب امواج ماکروویو در ناحیه باند ایکس مورد بررسی قرار گرفت ونشان داده شد که وجود گرافن اکساید باعث بهبود عملکرد جرین میناسایی شد.همچنین میزان جذب امواج ماکروویو در ناحیه باند ایکس مورد بررسی قرار گرفت ونشان داده شد که وجود گرافن اکساید باعث بهبود عملکرد

The effect of GO on the of electromagnetic wave absorption properties of PANI/SuperconductureYBa₂Cu₃O₇ based composites

Ghorbani blook abad, Morteza¹; pakniakan, Sepideh²;Sedghi,hasan³;Keshipoor,Sajjad⁴

¹ Department of Nano technolog, Urmia University, Urmia,

² Department of Nano technology, Urmia University, Urmia,

³ Department of Physics, Urmia University, Urmia,

⁴ Department of Nano technology, Urmia University, Urmia,

Abstract

Graphene and its derivatives are considered to be the most important physical properties and unique properties of the materials used in the manufacture of electromagnetic absorbent composites(1). However, achieving the

appropriate impedance of this material along with the magnetic materials and other reinforcing materials of the largest The challenge is to make composite coatings. In this regard, a new approach was developed for the processing of graphene oxide and nanoscale magnetic nano particles in superconducting polymer (poly aniline / superconductor YBCO). The YBCO particles undergo a thermal process of carbonate metal materials at 1000 to 1300 ° K was synthesized (r). Poly Aniline by The chemical oxidation polymerization was obtained by

combining a particular process with YBCO and forming the superconductive polymer(PANI/YBa2Cu3O7) (r).

Finally, the graphene oxide was synthesized by the Hoomers Method (£) and the coupling with superconductive

polymer. The composite obtained was detected by infrared spectroscopy. Also, the absorption of microwave waves in the region The X band was studied and it was found that the presence of graphene oxide improves the absorption performance of superconductor composites, which is mainly attributed to the impedance matching and the geometric effects of graphene oxide).

مقدمه

با پیشرفت های جدید در فناوری وعلوم نوین،پوشش های نانو جاذب امواج الکترومغناطیسی در محدوده باند X(۲,۸تا ۱۲,٤گیگا هرتز) از اهمیت ویژه ای برخوردار شدند.

علیرغم اینکه این پوشش ها که برای محافظت انسان ها ومحیط زیست از آلودگی های امواج الکترومغناطیسی نیز کاربرد دارد ،اصلی ترین کاربرد این پوشش ها مربوط به مقاصد نظامی و مخفی کردن مواد و ادوات ازشناسایی رادار ها مربوط می شوند.

اخیرا با پیشرفت هایی که در ساخت پلیمر هاصورت گرفته است،پلیمر هایی ابر رسانا نیز ساخته شده وبه منظور جذب امواج الکترومغناطیسی مورد تحقیق و پژوهش توسط دانشمندان قرار گرفته اند.پلیمر(YBa₂Cu₃O₇/PANI)از جمله پلیمر های ابر رسانای دمای پایین است که بااستفاده از مواد تقویت کننده متفاوت به منظور جذب امواج الکترومغناطیسی مورد استفاده قرار گرفته اند.

در این طرح همانند اغلب پوشش های جاذب امواج الکترومغناطیسی از نانو ذرات (Fe₃O₄)استفاده میشود.تاثیر مکانیک کوانتوم باعث میشود که جهت گشتاور های مغناطیسی در حرکت منظم الکترونها در ساختار پوشش های جاذب بطور متناوب تغییر بکند واندازه گشتاور مغناطیسی کل،غیر صفر شود.تغییر جهت گشتاور مغناطیسی در اثر بر هم کنش با موج،منجر به جذب انرژی می شود.

اخیرا، نانو مواد کربنی نظیر کربن نانو تیوب ها ،گرافن ومشتقات آن همچون گرافن کوانتوم دات وگرافن اکساید و... از جمله موادی هستند که بعلت ویژگی های فیزیکی والکتریکی و حرارتی واپتیکی مناسب، بیشترین توجه هارا به خود جلب کرده اند و برای بهبود عملکرد پوششهای جاذب مورد استفاده میتوانند قرار گیرند. ونمونه هایی از پوشش های جاذب های امواج بااستفاده از کربن نانو تیوب ها،وپلیمر رساناساخته شده اند که جذبی در حدود – استدسی بل از خود نشان داده اند. نمونه ای از نانو کامپوزیت های جاذب امواج را با میزان جذب امواج الکترومغناطیسی آورده ایم که

در آنها از مواد گرافنی با پلیمر های مختلف آورده شده اند.که از میان آنها باجذب ٤٤دسی بل، ترکیب (پلی اترایمید/گرافن) دارای بیشترین میزان جذب میباشد(جدول۱).

بهترین پوشش های جاذب ،جاذب هایی هستند که علاوه بر استحکام بالای فیزیکی وشیمیایی وحرارتی،امپدانس تطبیق مناسبی هم داشته باشند.

هرچه توان جذب مولفه مغناطیسی ومولفه الکتریکی یک پوشش جاذب به یک نسبت باشد،پوشش جاذب امپدانس تطبیق مناسبی خواهد داشت واین عملکرد باعث بهبود عملکرد جذبی امواج خواهد شد.

در این طرح،برای ساخت کامپوزیت پایه ابر رسانا ابتدا،با استفاده ازروش های حرارتی نانو ذرات (YBCO)را سنتز میکنیم.سپس برای سنتز پلی آنیلین از روش پلیمریزاسیون اکسایشی شیمیایی مونومر های آنیلین بهره میبریم در نهایت طی یک روش خاص مخلوط پلی آنیلین و(YBCO)را ترکیب میکنیم. سپس نانو ذرات محلوط پلی آنیلین و روش رسوب شیمیایی سنتز میکنیم.در نهایت نانو ذرات گرافن اکساید را بااستفاده از گرافیت طبیعی و طبق روش هامر سنتز میکنیم.

سپس نانو کامپوزیت نهایی را بااستفاده از ترکیب این موادستنز شده در محیط پارافنی که عاری از هر گونه خاصیت جذبی می باشد قالب گیری میکنیم.

به منظور مقایسه میزان تاثیر گرافن اکساید بر عملکرد پوشش های جاذب امواج از نانو مواد مختلف نظیر گرافن کوانتوم دات،گرافن اکساید کاهش یافته،اکسید روی،سولفید مس واکسید مس در ساختار نانو کامپوزیت استفاده میکنیم ودر نهایت مشاهده میکنیم که وجود گرافن اکساید باعث بهبود عملکرد مناسب در میزان جذب وباعث بهبود ناحیه جذبی در محدوده فرکانسی باند X میشود.

در نهایت این طرح منجر به ساخت یک نانو کامپوزیت جاذب امواج الکترومغناطیسی با یک روش ساده وکم هزینه با قابلیت جذبی بالا با ضخامت کم از پوشش جاذب وجذب در محدوده طبیعی و ۲٫۵گرم پتاسیم نیترات بود،در یک حمام یخی که تحت همزن مغناطیسی قرار داشت اضافه میکنیم. پس از رسیدن دمای ماده به دمای صفر درجه سانتی گراد ۱۵ گرم پتاسیم پرمنگنات را به تدریج به محلول بالایی میافزاییم. بطوزیکه دمای محلول از ۲۰درجه افزایش پیدانکند. سپس مخلوط را پس از اتمام افزودن پتاسیم پرمنگنات، بمدت ۷ساعت دردمای ۳۵ درجه تحت همزن مغناطیسی قرار میدهیم. سپسدوباره ۱۵گرم پتاسیم پرمنگنات را به محلول اضافه میکنیم. و ۱۲ساعت دیگر مخلوط در دمای ۳۵ درجه هم میخورد. سپس دمای مخلوط را به دمای اتاق رسانده و بصورت آهسته به درون بالنی از آب مقطر یخ زده به مقدار ۲۰۰میلی لیتر میریزیم. رنگ مخلوط از سبز لجنی به قهوه ای تیره تغییر میکند.

میریزیم روح معوو مر میبر عبی به مود کی یو عیو می میر می مین بعد از گذشت نیم ساعت ۵میلی لیتر آب اکسیژنه ۳۰٪ را بصورت قطره قطره به محلول اضافه میکنیم ونیم ساعت دیگر عمل هم زدن ادامه پیدا میکند.محلول حاصله را ٤بار سانتریفیوژ کرده وبا آب مقطر ویک بار باهیدروکلرودیک ٥درصد . دو بار دیگر با آب مقطر مقطر ویک بار باهیدروکلرودیک ٥درصد . دو بار دیگر با آب مقطر شستشو میدهیم وبمدت ٢٤ساعت در دمای ٢٠درجه در آون خشک شستشو میدهیم وبمدت ٢٤ساعت در دمای ٢٠درجه در آون خشک میکنیم(۱) وباتوجه به طیف R وجود گروه های عاملی $\mathrm{C=C}$ درطول موج¹-۲۵ مهراتید و C-۵ در داست ۵۰ میلی ۲۰ مانی ۲۰ مانی ۲۰ مانی شد(شکل۳).

برای سنتز نانوذرات ۲۹۵٬۹۰۹٬۵۰۴ گرم از FeCl2را با FeCl2رم از IFeCl3 در ۱۰۰ میلی لیتر آب دیونیزه مخلوط میکنیم ودردمای ۵۵درجه سانتی گراد بمدت ۱۵ دقیقه قرار میدهیم.سپس ۷٫۲میلی لیتر از سودسوز آور(NaOH)۳مولار میافزاییم.سپس مخلوط به مدت ٤٠ دقیقه در دمای ۵۵درجه تحت همزن مغناطیسی قرار میگیرد.سپس دما به میزان ۹۰درجه افزایش می یابدوبه مدت ۳۰ دقیقه عمل هم زدن ادامه می یابدپس از خنک سازی در دمای اتاق ماده سیاه رنگ جمع آوری شده وپس از ٤بار شستشو با آب دیونیزه در دمای ۱۰۵درجه در آون خشک میشود(۵).

حال به منظور تهیه کامپوزیت ابر رسانای سه تایی @GO@Fe₃O₄ همه مواد سنتزشده را به مقدار ۴۹،۰۶۰گرم Fe₃O₄هخلوط در دمای اتاق مخلوط کردیم ،سپس بامقادیر (۰۰:۰۰) پارافن ونانو کامپوزیت را مخلوط میکنیم درنهایت،کامپوزیت ساخته شده داخل فرکانسی گسترده تر از نمونه های مشابه می شود که عمدتا به بهبود امپدانس تطبیق واثر هندسی نسبت داده میشود.

بخش تجربى

برای سنتز پوشش های کامپوزیتی جاذب امواج الکترمغناطیسی بر پایه پلیمر ابررسانای(YBa₂Cu₃O₇)ومواد گرافنی ابتدا نانو ذرات (YBCO)را سنتز میکنیم.برای همین منظور،ابتدا ۲۱٫۲۹گرم باریم کربنات(BaCO₃)را با۲۱٫۲۹گرم ایتریوم اکساید (Y₂O₃) باریم کربنات(GaCO₃)را با۲۱٫۲۹گرم ایتریوم اکساید (Y₂O₃) محلوط کرده ودر دمای ۹۲۰– ۹۰۰درجه سانتی گراد جهت تشکیل ساختار اولیه کریستال WBa₂Cu₃O₆

سپس برای از بین بردن کربن از ترکیب،مخلوط حاصله را بمدت۱۸ساعت در دمای ۹۵۰–۹۷۵درجه سانتی گراد حرارت میدهیم.سپس دمای کوره را باسرعت۱۰۰درجه در ساعت کاهش میدهیم(۲).

برای سنتز پلیمر پلی آنیلین از روش پلیمریزاسیون اکسایش شیمیایی استفاده میکنیم.به همین منظور در یک بشر مقدار ۲میلی لیتر آنیلین(C₆H₅NH₂) را در ۲۰۰میلی لیتر اسید کلرودیک (HCl) یک مولارمیریزیم.در یک ظرف مشابه۲٫۲گرم آمونیوم پر سولفاتNH₄)2S₂O₈(NH₄)را در ۲۰۰میلی لیتر اسید کلرودیک یک مولار حل میکینم.سپس دوظرف را به مدت ٤٠ دقیقه باهم در دمای اتاق در همزن الکترکی هم میزنیم.بعد از رسوب گذاری وسانتریفیوژکردن درآون خشک در دمای ۲۰درجه سانتی گراد، میکنیم(۳).

برای تهیه پلیمر ابر رسانا،۲۵م YBCOرا با۲۵گرم پلی آنیلین مخلوط کرده ودر کوره بمدت۳ساعت در دمای ۲۰۰۰درجه سانتی گراد میگذاریم.سپس یک گرم پلی ونیل الکل (PVA)رادر ۱۰میلی لیتر آب مقطر حل کرده و ۲تاعقطره از آن محلول را به ترکیب حرارت داده شده مخلوط میکنیم وسپس به جهت تبخیر حرارت محلوط را تحت دمای ۱۵۰درجه در کوره قرار میدهیم.مخلوط حاصله پلیمر ابررسانای PANI/YBa₂Cu₃O₇ میباشد(٤).

برای سنتز گرافن اکساید از روش هامر ابتدا ۱۱۵میلی لیتر از سولفریک اسید غلیظ را به بالونی که حاوی ۵گرم پودر گرافیت

قالب های بطول ۲۲٬۸٦ وعرض۱۰٬۱۳قالب گیری وجهت انجام آنالیز جذب به بخش دستگاهی فرستاده شد. نتایج آزمایشگاهی از جذب ۹۵درصدی به میزان –۱۳دسی بل در فرکانس ۱۰گیگا هرتز در حضور گرافن اکساید را نشان میدهد.(شکل ۲). وعدم وجود گرافن اکسایدباعث کاهش جذب به میزان –۲٫۸دسی

به منظور مطالعه میزان تاثیر نانو ذرات گرافن اکساید،نانوذرات دیگرراطبق روش های درج شده در مراجع سنتز شدند نظیر:گرافن کوانتوم دات،گرافن اکساید کاهش یافته،زینک اکساید،اکسید مس،وسولفید مس ومورد بررسی قرار گرفتند که نتایج در جدول شماره(۳)آورده شده است.

جدولها ، شكلها

بل ميشود.



Waver

| | نام نانو كامپوزيت | ضخامت | فركانس | درصد جذب |
|---|-------------------|-------------|-----------|------------|
| ١ | PVA@GO@GNR | ۳, میلی متر | باند ایکس | ۱۹٫۵دسی بل |
| ٢ | PMMA@GO | ۹,۱میلی متر | باند ایکس | ۱۸دسی بل |
| ٣ | PEI@G | ۲میلی متر | باندايكس | ٤٤ دسی بل |

جدول۱ : نمونه کامپوزیت های جاذب امواج با مواد گرافنی(٦و ۷و۸)

جدول۲ :میزان جذب نمونه کامپوزیت های با مواد افزوده شده گوناگون

| | نام نانو كامپوزيت | تفاوت | درصد جذب | |
|---|---------------------|-----------|----------|------|
| ١ | PANI/YBCO@GO@ZnO | خود نمونه | ۱۰GHz | ۰۹۵/ |
| ۲ | PANI/YBCO @ZnO @CuS | +CuS | ۱۰,۳ | ۲.٤٨ |
| | | حذفGO | | |
| ۴ | PANI/YBCO@GO@ZnO | +CuO | ۱. | /٦. |
| | @CuO | | | |
| ٤ | PANI/YBCO@GO@ZnO | +RGO | ٨,٨ | 7.07 |
| | @RGO | | | |
| ٥ | PANI/YBCO@GO@ZnO | +CuO | 17251. | 7.2. |
| | @CuO@GQD | +GQD | | |
| | | | | |

نتيجه گيرى

طبق نتایج آزمایشگاهی،وجودگرافن اکساید,نسبت سایر مواد سنتز شده،باعث بهبود عملکرد نانو کامپوزیت ابررسانای /PANI مستز شده،باعث بهبود عملکرد نانو کامپوزیت ابررسانای / SBa2Cu₃O7 در جذب امواج الکترومغناطیسی به میزان ۱۳دسی بل وبه مقدار ۹۵درصد،درفرکانس ۱۰گیگا هرتز با نمونه هایی باضخامت ٤میلی متر شد.

مرجعها

- Zhu, Yanwu, et al. "Graphene and graphene oxide: synthesis, properties, and applications." Advanced materials 22.35 (2010): 3906-3924
- [Y] Xu, X. L., et al. "Synthesis of nanoscale superconducting YBCO by a novel technique." Physica C: Superconductivity371.2 (2002): 129-132.
- [r] Gospodinova, N., P. Mokreva, and L. Terlemezyan. "Chemical oxidative polymerization of aniline in aqueous medium without added acids." Polymer 34.11 (1993): 2438-2439.
- [1] Balamanigandan, B., et al. "Study of superconductive behavior on YBa2Cu307/polyaniline composite." Int. J. Sci. Eng. Appl. Sci 1 (2015): 168-180.
- [o] Sun, Jing, et al. "Synthesis and characterization of biocompatible Fe3O4 nanoparticles." Journal of biomedical materials research Part A 80.2 (2007): 333-341.
- [7] Joshi, Anupama, et al. "Graphene nanoribbon–PVA composite as EMI shielding material in the X band." Nanotechnology24.45 (2013): 455705.
- [V] Zhang, Hao-Bin, et al. "Tough graphene- polymer microcellular foams for electromagnetic interference shielding." ACS applied materials & interfaces 3.3 (2011): 918-924.
- [Λ] Ling, Jianqiang, et al. "Facile preparation of lightweight microcellular polyetherimide/graphene composite foams for electromagnetic interference shielding." ACS applied materials & interfaces 5.7 (2013): 2677-2684.

شكل۳ : طيفIRنانوكامپوزيتGO

اثر آلایش نانو ذرات دی اکسید تیتانیوم بر پارامترهای شبکه و دمای بحرانی ابررسانای YBa2Cu3O7-x

قهرمانی ، سیامک ؛ شمس، غلامعباس

گروه فیزیک، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

*چکید*ہ

در این تحقیق، تحلیل ساختاری نمونههای ابررسانای پلی کریستال ۲۳۵۷۲۵۷ که با نانو ذرات دی اکسید تیتانیوم آلایش یافتهاند، گزارش شده است. از آزمایش مقاومت الکتریکی برای تشخیص حالت ابررسانایی استفاده شد. برای شناسایی فاز و ساختار شبکه نمونهها از تصاویر میکروسکوپ الکترونی رویشی و الگوهای پراش پرتو ایکس با روش پالایش ریتولد استفاده شده است. نتایج نشان میدهد پارامترهای ابررسانایی، اندازه میانگین دانه و ارتورومبیسیتی به واسطهی اضافه کردن نانو ذرات دی اکسید تیتانیوم تحت تاثیر قرار میگیرند. با این حال، نتایج در ارتباط با مکانیزم و ساختار ابررسانای کپهای یه YBa2Cu3O7.

The Effect of Nanoparticles Titanium dioxide doping on critical temperature and lattice parameters of YBa₂Cu₃O_{7-x} Superconductor

Ghahramani, Siamak ; Shams, Gholamabbas

Department of Physics, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Abstract

In this study, we report structural analyses on $YBa_2Cu_3O_{7-x}$ (noted Y-123) polycrystalline samples superconductor doped with nano-sized Titanium dioxide particles. Electrical resistivity experiment was used to investigate the superconductivity state of the samples. Scanning Electron Microscopy (SEM), X-ray diffraction (XRD) with the Rietveld refinement technique were carried out to characterize phase identification and lattice structures of samples. Results reveal that the superconducting parameters, the average crystal size and orthorhombicity are affected by the addition of nano-sized Titanium dioxide particles. However, the results are discussed with relevance to the structural and mechanism of $YBa_2Cu_3O_{7-x}$ bulk superconductors.

PACS No.

پیوندهای بین دانه ی در ابرر ساناهای سرامیکی به وا سطهی آلایش به دلیل ایجاد نقائص اضافی می تواند منجر به افزایش چگالی جریان بحرانی شود [۱]. از زمان کشف ترکیب x-YBa₂Cu₃O_{7-x} پژوهش های بسیاری با آلایش ترکیب فوق با موادی از جمله پژوهش های بسیاری با آلایش ترکیب فوق با موادی از جمله تحقیقی که تو سط سالاما و همکاران وی انجام شده است ترکیب YBa₂Cu₃O_{7-x} با پنج ترکیب نانو ذرات اکسید فلزی در دو ردهی

مقدمه

پیشرفت علم ابررسانایی در حوزهی تجربی مستلزم ساخت نمونههای متعدد با روشهای تولید مختلف و تحقیق جامع بر روی آنها ست. آلایش یا جایگزینی عنصر یا ماده مرکب در ساختارهای بلوری به منظور بهبود خواص ساختاری، الکتریکی و مغناطیسی ابررساناهای اکسید مورد توجه یژوهشگران بوده است. بهینه سازی

مغناطیسی و غیر مغناطیسی آلایش یافته است، نتایج حاکی از بهبود خواص ابرر سانایی برای ترکیب آلایش یافته با نانوذرات مغناطیسی است [٥]. در پژوه شی که تو سط حمید و همکاران انجام شده اثر دی اکسید تیتانیوم بر روی ابرر سانای بر پایه بیسموت منجر به کاهش Tco و *j* شده و تغییری در ساختار بلوری BSCCO رخ نداده است [٦]. در پژوهش دیگر تاثیر دی اکسید تیتانیوم بر ابررسانای MgB2 با ده در صد وزنی ماده اضافه شده باعث افزایش قابل توجهی در چگالی جریان بحرانی شده است [٧]. مقدار مادهی ناخالصی باید به اندازهای باشید که منجر به تخریب دمای گذار و اتصال دانهها نشود، محدودیت ساختار شکننده ذاتی مواد سرامیکی و تحمل فشار مکانیکی حدی برای آلایش و یا اضافه کردن مادهای برای تولید مادهی جدید میتواند خود چالشی برای پژوهش در این حوزه باشد. پژوهش حاضر بر تاثیر افزودن دی اکسید تیتانیوم روی ابررسانای YBa₂Cu₃O_{7-x} از نقطه نظر اثر مقادیر متفاوت آلایش بر دمای بحرانی و ساختار نمونهها متمرکز شده است.

شرح آزمایش

خواص الکتریکی، مغناطیسی و حرارتی ابررساناهای دمای بالا وابسته به خلوص و شرایط فرآیند تهیهی نمونهها است. ابررسانای کویرات سرامیکی YBa2Cu3O7-x آلائیده با نانوذرات دی اکسید تيتانيوم با روش كلوخهاي به شيوهي واكنش حالت جامد تهيه گرديد. در این روش از اکسید ایتریوم، باریم کربنات و اکسید مس با خلوص بالا (٪۹۹/۹) به عنوان مواد اولیه و از نانوذرات دی اکسید تیتانیوم با در صدهای وزنی متفاوت ۰/۰، ۱/۰ و ۲/۰ استفاده شده است. با مخلوط کردن و سائیدن مواد پودر یکنواختی به رنگ سیاه حاصل شد. برای تهیهی مادهی همگن، از حلال اتانول به میزان مناسب به عنوان عامل بستگی ذرات پودر استفاده شد. پودرهای آماده شده درون قالبهایی تحت فشار ٤٠٠ بار به شکل قرصهایی به قطر و ضخامت به ترتیب ۳۰ و ٤ میلی متر در آمد. فرآیند ساخت محصول نهایی طی سه مرحله انجام شد که در بخش نخست، گرمادهی نمونهها در مرحله تكليس مطابق نمودار شكل ۱ نشان داده شده است. برای آمادهسازی نمونهها در مرحلهی کلوخهسازی ابتدا آنها در هاون دستی به مدت سی دقیقه سائیده و سیس یودرهای به دست







در این مرحله، قرصها درون کوره در بوتههای مخصوص تا دمای ۹۳۰ درجه سانتیگراد در معرض گرما قرار گرفت. عمل سختسازی به مدت ۲٤ ساعت در این دما ادامه پیدا کرد. دمای کوره با آهنگ ۲۰ درجهی سانتیگراد بر ساعت تا ۲۲۰ درجه سانتیگراد و سپس با آهنگ ۱۰ درجهی سانتیگراد تا دمای اتاق سرد شد. در مرحلهی نهایی، شارش اکسیژن از روی قرصها باعث می شود تا کمبود اکسیژن خارج شده در مرحلهی قبل را جبران کند. در شکل ۲ نمودار فرآیند اکسیژندهی نمونههای ساخته شده نشان داده شده است. ثابتهای شبکه و دمای گذار بحرانی در ابررساناهای اکسید به مقدار اکسیژن نمونه بستگی دارد [۸–۷].



شكل ۲ : نمايش نموداري شارش اكسيژن

با آمادهسازی نمونهها، الگوهای پراش نمونهی بدون آلایش و نمونه-های آلایش یافته با نانوذرات دی اکسید تیتانیوم توسط آزمون پراش پرتو ایکس با اسپکترومتر پیشرفته بروکر با استفاده از فیلتر Cu-Kα و تصاویر SEM توسط میکروسکوپ الکترونی روبشی تهیه شد.
ویژگیهای ترابردی نمونهها به واسطهی اندازهگیریهای وابستگی مقاومت ویژه با دما با کاربرد سنجش چهار نقطه تعیین گردید.

نتايج و بحث

شکل ۳ الگوهای پراش ابررسانای YBa₂Cu₃O_{7-x} با میزان متفاوت آلایش را نشان میدهد. پالایش ساختار بلوری با استفاده از روش ریتولد انجام گرفت. تحلیل الگوی پراش نمایانگر ساختار ارتورومبیک با تقارن pmmm است و افزودن نانو ذرات دی اکسید تیتانیوم بر ساختار محصول تاثیر نداشته است. جدول ۱ مقادیر ثابت شبکه و ارتورومبیسیتی نمونهها را نشان میدهد.

| نمونهها | ومبيسيتى | و ارتورو | های شبکه | پارامتر | جدول ۱ : |
|---------|----------|----------|----------|---------|----------|
|---------|----------|----------|----------|---------|----------|

| $\delta = b - a/b + a$ | c (Å) | b (Å) | a (À) | Z | نمونهها |
|------------------------|---------|--------|--------|-----|---------------------------|
| •/••٨٣٦٦٧٩ | 11/7771 | ٣/٨٩٢٨ | ٣/٨٢٨٢ | •/• | Y123 + |
| •/••٨٤٧٧٧٦ | 11/7770 | ۳/۸۸۹۹ | 3/120 | •/1 | z wt. TiO ₂ |
| •/••٧٥١٦٤٥ | 11/7788 | T/AAVT | ٣/٨٢٩٢ | •/٦ | |

نتایج حاکی از آن است با افزودن ناخالصی به میزان ۰/۱ در صد وزنی، ارتورومبیسیتی نسبت به نمونه یخالص افزایش و برای نمونه یآلایش یافته یا ۲/۱ در صد وزنی کاهش یافته است. تحقیق گروه سالاما و همکاران حاکی از بهبود خواص ابررسانایی با افزایش ارتورومبیسیتی نمونه ها است [٥].با استفاده از تحلیل الگوی پراش و کاربرد رابطه ی دبای شرر، میتوان اندازه ی میانگین بلورک (کریستالیت) در مواد کپه یان نانو بلوری به دست آورد [۹].

$$\mathbf{L} = \frac{K\lambda}{\beta\cos\theta} \tag{1}$$

در رابطهی شرر، L اندازه کریستالیت، ک طول موج آند دستگاه پراش

پرتو ایکس، K فاکتور شکل، *β* پهنای پیک در نیمهی ارتفاع بر حسب رادیان و *θ* مکان پیک روی محور افقی الگوی پراش است. بر این اساس اندازهی بلورک در نمونهی خالص حدود ۲۰ نانومتر و در نمونههای اضافه شده با ناخالصی حدود ۸۸ نانومتر به دست

آمد. کاسته شدن پهنای پیک در اثر ورود ناخالصی با افزایش تقریبا ۱/۵ برابری اندازهی کریستالیت مطابقت دارد.



شکل ۳ : الگوی پراش نمونههای ۲۶۰۵-YBa2Cu با آلایش دی اکسید تیتانیوم به میزان ۰/۰، ۰/۱ و ۲/۱ در صد وزنی ترکیب نخست

به منظور بررسی ریزساختار و ریختشناسی نمونههای ساخته شده، تصاویر SEM در شکل ٤ نشان داده شده است.



شکل ٤ : تصاویر میکروسکوپ الکترونی نمونههای YBa2Cu3O7.x با آلایش دی اکسید تیتانیوم به میزان ۰/۰ ، ۰/۱ و ۰/۲ در صد وزنی ترکیب نخست

فاز دیگری در نمونه اوارد نشده است و ساختار ارتورومبیک نمونه را تغییر نداده است. در مقایسه با نمونه خالص، ارتورومبیسیتی نمونه با مقدار آلایش ۰/۱ در صد وزنی، افزایش و برای نمونه با مقدار ۰/۱ در صد وزنی کاهش نشان داد. دیگر تاثیر ورود ناخالصی به ترکیب 2014 افزایش ٤٧ درصدی در میانگین اندازه بلورک را میتوان برشمرد. مقایسه یتصاویر SEM نمونه ها نشان از آن دارد که ساختار دانه ی ترکیب تغییر نکرده است. بررسی نمودارهای حاصل از اندازه گیری های ترابرد الکتریکی با روش سنجش چهار میله نشان از بهبود دمای بحرانی برای نمونه ی ابررسانای آلائیده با ۱/۱ در صد وزنی دارد.

مرجعها

[1] Y. Slimani, E. Hannachi, M.K. Ben Salem, A. Hamrita, A. Varilci, W. Dachraoui, M. Ben Salem and F. Ben Azzouz, Comparative study of nanosized particles CoFe2O4 effects on superconducting properties of Y-123 and Y-358, *Phys. B: Condens. Matter* **450** (2014) 7–15.

[Y] S. Dadras and Z. Gharehgazloo, "Effect of Au nano-particles doping on

polycrystalline YBCO high temperature superconductor," *Phys. B Condens. Matter*, **492**, pp. 45–49, Jul. 2016.

[Y] A. Mellekh, M. Zouaoui, F. Ben Azzouz, M. Annabi, M. Ben Salem, Nano-Al₂O₃ particle addition effects on YBa₂Cu₃O_y superconducting properties, *Solid State Commun.* 140 (2006) 318.

[⁴] N. M. Strickland, N. Long, E. Talantsev, P. Hoefakker, J. Xia, M. Rupich, T. Ko- denkandath, W. Zhang, X. Li, and Y. Huang,, "Enhanced flux pinning by BaZrO₃ nanoparticles in metal-organic deposited YBCO second-generation HTS wire," *Phys. C Supercond.*, **468**, no. 3, pp. 183–189, Feb. 2008.

[**o**] A.H. Salama, M.EL-Hofy, Y.S. Rammah and M. Elkhatib, Effect of magnetic and nonmagnetic nano metal oxides doping on the critical temperature of a YBCO superconductor, *Adv. Nat. Sci.: Nanosci.*

Nanotechnol. 6 (2015). [7] N.A. Hamid, R. Abd-Shukor, Effects of TiO₂ addition on the

superconducting properties of Bi-Sr-Ca-Cu-O system, J. Mater. Sci. 35 (2000) 2325–2329.

[V] Gaojie J. Xu, J.-C. Grivel, A.B. Abrahamsen and N.H. Andersen, Enhancement of the irreversibility field in bulk MgB₂ by TiO₂ nanoparticle addition, *Physica C* **406** (2004) 95–99.

[\land] T.G. Chen, S. Li, W, Gao, Z. Xianyu, H.K. Liu and S.X. Dou, The oxygenation kinetics of YBa₂Cu₃O_{7- δ} –(0–30%)Ag superconductors, *Supercond. Sci. Technol.* **11** (1998) 1193–1199.

[9] Scherrer P 1918 Mathematisch-Physikalische Klasse 191898.

ریزنگار نمونههای خالص و آلایش یافته با دی اکسید تیتانیوم حاکی از ساختار دانهای بوده و افزودن مادهی آلایشی بر مورفولوژی محصول نهایی تاثیری نگذاشته است. به نظر میرسد با افزایش مقدار آلایش، نانو ذرات دی اکسید تیتانیوم تمایل دارند به صورت تصادفی بر روی دانههای YBCO توزیع شوند. بهبود خواص ابررسانایی وابسته به مقدار مادهی ناخالصی است که به عنوان یو شش روی دانه عمل می کند، از این رو خصوصیات ابررسانایی در نمونه-های با مقادیر ناخالصی مختلف نیز متفاوت است. شکل ٥ نمودار تغييرات مقاومت ويژه بر حسب دما را نشان مي دهد. تجزيه و تحليل منحنیهای فوق به سرشت فلزی در حالت معمولی اشاره دارد و یس از آن گویای گذار تند به فاز ابررسانایی در دمای Tco است. در مقایسه با نمونهی غیر افزایشی، نمونهی با آلایش نانوذرات به میزان ۰/۱ در صد وزنی با دمای گذار بالاتر و مقاومت ویژه یائین تر است. بر این اساس افزودن نانو ذرات دی اکسید تیتانیوم با ۰/۱ در صد وزنی سبب بهبود دمای گذار نسبت به نمونهی خالص و نمونهی الائيده با ٦/٠ در صد وزني مي شود.



شکل ٥ : نمودار مقاومت ویژه بر حسب دما

نتيجه گيرى

نمونههای ابررسانای سرامیکی کپهای YBa₂Cu₃O_{7-x} با روش واکنش حالت جامد ساخته شد. دو نمونه افزایشی با نانو ذرات دی اکسید تیتانیوم با مقادیر ۰/۱ و ۰/۱ در صد وزنی به نمونهی غیرافزایشی آمیخته شد. تحلیل الگوهای پراش نشان از آن دارد که

اثر جرم مؤثر دو گونه اسپینی بر پتانسیل ترمودینامیکی ابرشاره های قلیایی

كبيرى، زينب؛ ابراهيميان، ندا

دانشکده علوم پایه،گروه فیزیک،دانشگاه شاهد، تهران، ۱۵۹- ۱۸۱۵، ایران

چکيده

بسط نظریه گینزبرگ-لاندائو (GL) ونیز معادلات بوگلیوبفبرای ابرشاره های قلیایی با دو گونه اسپینی را در نظر می گیریم. اثر جرم مؤثر دو گونه بر پتانسیل ترمودینامیکی این سیستم ها، با استفاده از محاسبات عددی و همچنین استفاده از مقادیر ثابت شدت برهم کنشدر ناحیه BCS، را به دست می آوریم.

The effect of effective mass of two spin species on the thermodynamic Potential of Alkali superfluids

Kabiri, Zeinab; Ebrahimian, Neda

Department of Physics, Faculty of Basic Sciences, Shahed University, Tehran, 18155-159, Iran

Abstract

The extension of Ginsburg-Landau (GL) theory and also the Bogoliubov equations for Alkali superfluids with two spin species are considered. The effect of effective mass of two species on the thermodynamic potential of these systems, by using the numerical calculations and also by using the constant values for interaction strengthin the BCS region, is obtained.

PACS No. 67,74

متداول متفاوت هستند. به طوری که تئوری BCS متداول (تئوری باردین، کوپر، شریفر) که برای ابرشارهها و ابررساناهای عادی به کار برده می شود در اینجا دیگر قابل استفاده نیست. به همین ترتیب هامیلتونی و انرژی سیستم نیز با فرم متداولی که در ابرشارههای معمولی به کار می رود متفاوت است. همچنین ساز و کار اتم گازهای

مقدمه

اتمهای گازهای قلیایی، یک عرصهٔ جدید در علم فیزیک میباشد که در آن به کشف برهمکنش کوانتومی سیستم پرداخته میشود. برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ چگالش بوز انیشتین(BEC) در اتم گازهای قلیایی مشاهده شد. گازهای قلیایی با ابرشارهها و ابررساناهای

برهم کنش دو گونه را با ثابت جفت شدگی،
$$\frac{\epsilon \pi a}{m_R}$$
 نشان
میدهیم که در آن $I = \hbar$ و a به عنوان طول پراکندگی در نظر گرفته
می شود و جرم مؤثر m_R را به صورت زیر تعریف می کنیم:
 $m_R = \frac{\tau m \uparrow m}{m \uparrow + m_{\perp}}$ (۱)

هم چنین تعاریف زیر را برای پتانسیل شیمیایی میانگین وغیرتعادلی داریم[۳]:

$$\mu_{\rm s} = \frac{\mu_{\uparrow} + \mu_{\downarrow}}{\tau} \tag{(7)}$$

$$\mathbf{h}_{\mathrm{s}} = \frac{\mu \uparrow - \mu \downarrow}{\tau}$$

بدون اینکه کلیت مسئله از بین رود، فرض میکنیم ۰< h_s است. همچنین داریم:

$$m_{R'} = \frac{\tau m_{\uparrow} m_{\downarrow}}{m_{\uparrow} - m_{\downarrow}} \tag{(7)}$$

$$\hat{H}_{eff} = \sum_{a} \int d^{3}r \{ \Psi^{\dagger}(\vec{r} \ i) H(\vec{r} \ i) \Psi(\vec{r} \ i) + U(r) \Psi^{\dagger}(\vec{r} \ i) \Psi(\vec{r} \ i) + \Delta(\vec{r}) \Psi^{\dagger}(\vec{r} \ \uparrow) \Psi^{\dagger}(\vec{r} \ \downarrow) + \Delta^{*}(\vec{r}) \Psi(\vec{r} \ \uparrow) \Psi(\vec{r} \ \downarrow) \}$$

$$(1)$$

که در آن Δ تابع گاف سیستم و U(r) پتانسیل هارتری فوک است. همچنین داریم:

$$H(\vec{r}\ i) = \frac{1}{2m_i} \left(-i\,\vec{\nabla}\right)^2 - \mu_i \qquad i = \uparrow, \downarrow \qquad (\circ)$$

با حل معادلات بوگلیوبف انرژی بخش ابرشاره چنین سیستمی را به صورت زیر به دست میآوریم[٥]:

$$E_{k} = +h_{s} - \frac{\vec{k}^{\gamma}}{\gamma m_{R'}} + \sqrt{\left(\frac{\vec{k}^{\gamma}}{\gamma m_{R}} - \mu_{s}\right)^{\gamma} + \Delta^{\gamma}}$$
(7)

قليايي بدين صورت است که با در نظر گرفتن يک ميدان مغناطيسي خارجی می توان برهم کنش ها را با استفاده از تشدید فشباخ کنترل کرده و امکان گذار سیستم از ناحیه BCS بهBEC را فراهم ساخت[۱]. توانایی کنترل قدرتبرهمکنش بین اتمها توسط میدان خارجی، امکان جالبی را برای مطالعه گذار بین دو حالت فراهم میکند. وقتی ۰ > a و ۱ << / / ۸، دو گونهٔ اتمی با یکدیگر به طور ضعیف برهمکنش میکنند و فاز ابرشاره از جفتهای کویر مقید ضعيف (و همپوشاني قوي) تشكيل مي شود كه اصطلاحاً مي گوييم در ناحیه BCS قرار دارند. در مقابل وقتی ۰ < a و ۱ ∧ N/k_Fa ا باشد سیستم به حالت چگالش بوز- انیشتین، BEC، معمول قرار می گیرد (a طول پر اکندگی است). در گذر از ناحیه BCS به یک ناحیه میانی یا شبه گاف وجود دارد که وجه تمایز میان ابرشاره های قلیایی با ابرشاره های قدیمی تر است[۲]. گازهای قلیایی به عنوان عرصه جدیدی در ابرشارگی بسیار جالب توجه و از موضوعات مهم و بحث برانگیزی هستند که در سال های اخیر ذهن فیزیکدانان را به خود جلب کرده است. محدوده دمایی مورد بررسی برای این نوع ابرشاره ها دماهای پایین است که با استفاده از لیزرهای پیشرفته قابل دسترسی است[٤-٣]. از طرفی یکی ازمسائل جالب توجه در زمینهٔ ابرشاره های قلیایی بررسی پتانسیل ترمودینامیکی برای این سیستمها میباشد که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

محاسبات تحليلي:

سیستم مورد بررسی یک گاز اتم قلیایی از نوع فرمیونی قطبیده در ناحیه BCS است.گاز فرمی قطبیده متشکل از دو گونه اسپینی a و dبا اسپینهای ↑و ل، جرمهای نابرابر ↑m و ل m و پتانسیل شیمیایی ↑µ و ل µ می باشد.

$$\begin{split} -\xi_k & \frac{m_R \Delta^r}{k^r} \Bigg] \frac{m_R \Delta^r}{\epsilon \pi a} \\ \\ \text{Solution} > k \in \mathbb{C} \ \text{Integral} \ \text{Solution} \ \text{Solutio$$

محاسبات عددى

معادلات بو گلیوبف در سیستم های بس ذره ای از جمله رویکردهای مفید و بسیار پرکاربرد هستند. با استفاده از حل معادلات بو گلیوبف برای سیستم فرمیونی با دو گونه اسپینی رابطه زیر را که رابطه میان طول پراکندگی ، تابع گاف، پتانسیل شمیایی و جرم مؤثر را نشان می دهد، به دست خواهیم آورد[۷]:

$$\frac{1}{m_{R}a^{T}} = -\frac{^{T}\mu_{s}}{\varsigma} P_{1/T}^{r}(\varsigma) \qquad (\Lambda)$$

$$(\Lambda)$$

$$\sum_{k=1}^{N} e^{T} = -\frac{^{T}\mu_{s}}{\varsigma} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{^{1}}{\varsigma} P_{1/2} = 2 \quad \text{Imm. } 1$$

$$\sum_{k=1}^{N} e^{T} P_{1/2} = \frac{1}{\varsigma} \left[\frac{1}{\kappa_{R}} \right]$$

$$(\Lambda)$$

$$= \frac{1}{k_{F}a} \sum_{k=1}^{N} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}} \left[\frac{1}{\kappa_{R}} \right]$$

$$(\Lambda)$$

$$= \frac{1}{k_{F}a} \sum_{k=1}^{N} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}} e^{T} P_{1/T}(\varsigma)$$

$$(\Lambda)$$

$$= \frac{1}{\kappa_{R}a} \sum_{k=1}^{N} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}} e^{T} P_{1/T}(\varsigma)$$

$$(\Lambda)$$

$$= \frac{1}{\kappa_{R}a} \sum_{k=1}^{N} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}a} e^{T} P_{1/T}(\varsigma)$$

$$(\Lambda)$$

$$= \frac{1}{\kappa_{R}a} \sum_{k=1}^{N} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}a} e^{T} P_{1/T}(\varsigma)$$

$$(\Lambda)$$

$$= \frac{1}{\kappa_{R}a} \sum_{k=1}^{N} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}a} e^{T} P_{1/T}(\varsigma)$$

$$(\Lambda)$$

$$= \frac{1}{\kappa_{R}a} \sum_{k=1}^{N} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}a} e^{T} P_{1/T}(\varsigma)$$

$$(\Lambda)$$

$$= \frac{1}{\kappa_{R}a} \sum_{k=1}^{N} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}a} e^{T} P_{1/T}(\varsigma)$$

$$(\Lambda)$$

$$= \frac{1}{\kappa_{R}a} \sum_{k=1}^{N} e^{T} P_{1/T}(\varsigma) = \frac{1}{\kappa_{R}a} e^{T} P_{1/T}(\varsigma)$$

$$(\Lambda)$$

$$= \frac{1}{\kappa_{R}a} e^{T} e^$$

با استفاده از مقادیر عددی مجاز به دست آمده برای m_R نمودار تغییرات پتانسیل ترمودینامیکی را برحسب جرم مؤثر برای سه μ_s مختلف رسم میکنیم. لازم به ذکر است که محدوده مجاز دمایی برای چنین سیستمی را با استفاده از مقادیر عددی محاسبه نمودیم که در محدوده TFF < T < ... ۹TF می باشد. در رسم نمودار زیر به دلخواه یک دمای ثابت را در محدوده ذکر شده در نظر گرفتیم.



 $T = \cdot \cdot \cdot \Delta T_F$ شکل ۱. نمودار Ω_s بر حسب m_R ، در دمای ثابت

این نمودار تأثیر جرم مؤثر دوگونه را بر پتانسیل ترمودینامیکی نشان میدهد.

با رسم نمودار مشاهده می شود در یک ۵^µ ثابت با افزایش جرم مؤثر دو گونه فرمیونی پتانسیل ترمودینامیکی سیستم کاهش می یابد. از طرفی در یک جرم مؤثر ثابت پتانسیل ترمودینامیکی با افزایش هر کاهش می یابد.

از آن جایی که پارامترهای اساسی و مهمی چون پتانسیل شیمیایی میانگین ۵٫ توسط میدان مغناطیسی فشباخ قابل کنترل است لذا میتوان ادعا کرد که پتانسیل ترمودینامیکی نقطهٔ زینی در ناحیه BCS ابرشاره توسط فرد آزمایشگر در آزمایشگاه قابل کنترل است.

مرجعها:

[1] H. Feshbach, Ann. Phys. 5, 357 (1958).

[2] A. J. Leggett. In Modern Trends in the Theory of Condensed Matter (Springer-Verlag, Germany, 1980).

[3] G. B. Partridge, W. Li, R. I. Kamar, Y.A. Liao and R. G. Hulet, Science. 311, 503 (2006).

[4] M. W. Zwerlein, A. Schirotzek, C. H. Schunck, and W. Ketterle, Science. 311, 492 (2006).

[°]N.Ebrahimian, Z.Safee, *Physica B* \bullet · \P , Υ ξ (Υ · Υ)

[¹] S. N.Klimin, J.Tempere, J.Deverrrse, *PhysicaC*, $\bullet \cdot \overline{\bullet}$. $1 \overline{\bullet} 1 \overline{\bullet} 1 \overline{\bullet} 1$.

[^V] N. Ebrahimian, M. Mehrafarin, R. Afzali, *Physica C*^t A · , ^t 9 (Y ·)Y).

بهبود خواص ترموالکتریکی در پیوندگاه های پایه گرافینی فرومغناطیس – ابررسانا کرباسچی، حسین؛ راشدی، غلامرضا گروه فیزیک دانشگاه اصفهان، اصفهان

چکیدہ

در این پژوهش به صورت نظری به بررسی خواص ترموالکتریکی پیوندگاه های پایه گرافینی فرومغناطیس-ابررسانا پرداخته ایم. فرومغناطیس و ابررسانایی در گرافین بواسطه اثر مجاورت در گرافین القا شده است. با استفاده از فرمالیسم بلاندر-تینکهام-کلاپویچ و حل معادله دیراک-بوگولیوبوف- دژن، ضرایب عبور عادی و آندریو بدست آمده است. با انتخاب مقادیر مناسب برای پارامترهای مختلف سامانه می توان به حالنی دست پیدا کرده ایم که در آن رسانندگی گرمایی سامانه افت قابل توجهی دارد در حالی که رسانندگی بار افزایش یافته است. در همین راستا توان خروجی و بازده ترموالکتریکی چنین سامانه ای را در دمایی پایین محاسبه نموده ایم. توجهی دارد در حالی که رسانندگی بار افزایش یافته است. در همین راستا توان خروجی و بازده ترموالکتریکی چنین سامانه ای را در دمایی پایین محاسبه نموده ایم. تایچ بدست آمده نشانگر بهبود قابل توجه و یژگی های ترموالکتریکی این سامانه ها می باشد.

Enhanced thermoelectric properties of graphene-based ferromagnetic-superconductor junctions

Karbaschi, Hossein; Rashedi, Gholamreza

Physics group, University of Isfahan, Isfahan

Abstract

In this research we have theoretically studied the thermoelectric properties of graphene-based Ferromagnetic/Superconductorjunction. Ferromagnetism and superconductivity in graphene are assumed to be induced via proximity effect. We calculate the normal and Andreev reflection probabilities using the BlonderTinkham-Klapwijk (BTK) formalism to solve the Dirac-Bogoliubov-de Gennes equation. By a special choice of system parameters it is possible to achieve a condition in which thermal conductance declines significantly while electrical conductance increases. We also calculate output power and thermoelectric power-conversion efficiency at low temperature based on such a structure. The obtained results show that the thermoelectric properties of such structures is strikingly enhanced.

PACS No. 72.80.Vp, 74.25.fg, 73.23.Ad.

محدود کرده است. کارایی ادوات ترموالکتریک گاهی بر اساس ضریب بدون بعد $X/(K^2GT) = ZT$ بیان می گردد که در آن *G* رسانندگی الکتریکی، *S* ضریب سی بک، *T* دما و *X* رسانندگی گرمایی است. بر همین اساس طراحی ادوات ترموالکتریک با ضریب *ZT* بالا نیازمند راهکارهایی جهت افزایش *G* و کاهش *X* است. در دهه اخیر جستجوی مواد و ساختارهایی با ضریب *ZT* بالا توجه زیادی را به خود جلب کرده است. بر همین اساس دو راهکار عمده پیشنهاد شده است. در راهکار اول تلاش می شود تا

مقدمه

ترموالکتریک پدیده ای است که منجر به تولید جریان الکتریکی بواسطه گرادیان دمایی (اثر سی بک) و یا ایجاد جریان گرمایی بواسطه اعمال میدان الکتریکی (اثر پلتیه) می گردد[1]. مولدهای جریان ترموالکتریک دارای مزایای متعددی نسبت به مولدهای جریان معمول هستند اما با وجود مزایای زیاد ادوات ترموالکتریک، پایین بودن توان خروجی و بازده، از لحاظ اقتصادی کاربرد آنها را

موادی با ساختار کریستالی پیچیده یافت شوند که این ساختار پیچیده عمدتا منجر به کاهش *K* و نهایتا افزایش *ZT* میشود. راهکار دوم کاهش ابعاد سامانه به دو، یک و یا صفر بعد است. راهکار اخیر در این مقاله با بررسی ویژگی های ترموالکتریکی یک پیوندگاه پایه گرافینی دنبال خواهد شد.

گرافین به عنوان یک دگرشکل دو بعدی از اتم کربن، یک صفحه از اتمهای کربن است که بواسطه پیوند بین اربیتال های هیبریدی SP² و در یک شبکه لانه زنبوری در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. ویژگی های خاص این ساختار ناشی از یک اربیتال P_z باقی مانده است که بواسطه آن الکترونها در صفحه گرافین با سرعت بسیار بالا حرکت می کنند. تقریب بستگی قوی نشان می دهد که گرافین یک نیمه رسانا با گاف انرژی صفر بین نوارهای رسانش و ظرفیت است. در انرژی های برانگیختگی کوچک رابطه پاشندگی حامل های بار در گرافین خطی است و این حامل ها شبیه به فرمیون های دیراک بدون جرم رفتار می کنند. ویژگی های جالب توجه گرافین، محققان زیادی را به بررسی خواص ترابردی الکترونی، گرمایی و اسپینی علاقه مند کرده است. رسانندگی الکترونی بالای گرافین این ماده را کاندید مناسبی برای استفاده در ادوات ترموالكتريك پيشنهاد مي كند اما اين ساختار به دليل بالا بودن رسانندگی گرمایی دارای خواص ترموالکتریک ضعیفی است. دراین مقاله ما به بررسی یک پیوندگاه فرومغناطیس– ابررسانا پایه گرافینی و در رژیم ترابرد پروازی می پردازیم و نشان خواهیم داد که رسانندگی گرمایی چنین ساختاری را می توان به شدت کاهش داد که این امر منجر به افزایش خواص ترموالکتریکی این ساختار خواهد شد. ساختاری که در این مقاله در نظر گرفته شده شامل دو صفحه گرافینی است که دارای یک همپوشانی کوچک روی هم هستند، شکل ۱. مطالعات پیشین نشان می دهد که در چنین ساختاری رسانش گرمایی شبکه به شدت کاهش خواهد یافت و این در حالی است که ویژگی های الکترونی آن تقریبا بدون تغییر باقی خواهد ماند [2]. از طرف دیگر به دلیل اینکه محاسبات ما به دمای پایین محدود شده است در ادامه تنها سهم الکترونی جریان بار و گرمایی را در نظر خواهیم گرفت و از سهم فونونی آن صرفنظر خواهيم كرد. ايده اصلي رهيافت اين مقاله بر اساس

افزایش رسانندگی بار و کاهش رسانندگی گرمایی بواسطه افزایش در مقدار بازتاب آندریو است. بازتاب آندریو یک نوع از پراکندگی ذرات است که در فصل مشترک مواد عادی و ابررسانا رخ می دهد. در این پدیده یک الکترون (حفره) با انرژی کمتر از انرژی گاف ابررسانا و از سمت ناحیه عادی پس از برخورد به فصل مشترک با ناحیه ابررسانا تولید یک زوج کوپر در ناحیه ابررسانا و یک حفره (الکترون) بازگشتی در ناحیه عادی میکند [3].



شکل۱: طرح ساختار پیوندگاه فرومغناطیس-ابررسانا پایخ گرافینی در نظر گرفته شده در این مقاله.

روش محاسبات

شکل ۱ طرح ساختار در نظر گرفته شده در این مقاله را نشان می دهد که فرومغناطیس و ابررسانایی بواسطه اثر مجاورت الکترودهای فرومغناطیس و ابررسانا در گرافین القا شده است. این ساختار در دو طرف به دو اتصال با دمای سرد $T_c = 10 K$ و دمای ساختار در ادو طرف به دو اتصال با دمای سرد $T_c = 10 K$ و دمای میاختار در ای $T_h = 12 K$ متصل شده است. نقطه شروع محاسبات حل معادله دیراک-بوگولیوبوف-دژن به شکل زیر است:

$$\begin{pmatrix} H_0 - \sigma h & \Delta \\ \Delta^* & -(H_0 - \bar{\sigma}h) \end{pmatrix} \begin{pmatrix} u_\sigma \\ v_\sigma \end{pmatrix} = \epsilon_\sigma \begin{pmatrix} u_\sigma \\ v_\sigma \end{pmatrix}$$
(1)

که در آن $E_F = -i\hbar V_F (\sigma_x \partial_x + \sigma_y \partial_y) - E_F$ است و \hbar ثابت پلانک، v_F سرعت فرمی و x_x و v_F ماتریس های پاولی هستند. همچنین σ انرژی نسبت به انرژی فرمی، \hbar انرژی تبادلی ناحیه فرومغناطیس و Δ گاف انرژی ابررسانایی است. مقدار σ برای اسپین های بالا و پایین به ترتیب برابر ۱ و ۱- می باشد و $\overline{\sigma} - = \sigma$. با حل معادله فوق توابع موج در نواحی فرومغناطیس به شکل زیر بدست می آید:

$$I = \frac{e}{\pi\hbar} \int d\epsilon \int \cos(\alpha) d\alpha \, T_{ch} M_{2D}^G \tag{17}$$

$$\times \left(f\left(\frac{\epsilon - \mu_h}{k_B T_h}\right) - f\left(\frac{\epsilon - \mu_c}{k_B T_c}\right) \right)$$

$$T_{ch} = \sum_{\sigma = \pm 1} 1 - |r_{N\sigma}|^2 + |r_{A\sigma}|^2 \tag{15}$$

$$Q = \frac{1}{\pi\hbar} \int d\epsilon \, (\epsilon - \mu) \int \cos(\alpha) d\alpha \, T_Q M_{2D}^G \tag{10}$$

$$\times \left(f\left(\frac{\epsilon - \mu_h}{k_B T_h}\right) - f\left(\frac{\epsilon - \mu_c}{k_B T_c}\right) \right)$$
$$T_Q = \sum_{\sigma = +1} 1 - |r_{N\sigma}|^2 - |r_{A\sigma}|^2 \tag{17}$$

در روابط فوق $M_{2D}^G = \frac{2w|\epsilon|}{\pi \hbar v_F}$ تعداد مدهای رسانندگی در T_Q و T_{ch} تبع توزیع فرمی دیراک است. همچنین T_{ch} و T_{ch} نمایانگر توابع عبور بار و گرمایی می باشند.

نتايج و بحث

شکل بهینه تابع عبور بار به منظور به حداکثر رساندن توان خروجی و بازده ترموالکتریک یک تابع مربعی شکل است که اجازه عبور به حامل های بار با انرژی هایی در یک محدوده خاص را بدهد [4]. از طرف دیگر بازده زمانی بیشینه خواهد شد که تابع عبور گرمایی در همین محدوده از انرژی بسیار کوچک باشد. با توجه به معادلات ۱۳–۱۲، بازتاب آندریو می تواند همزمان باعث بهبود در تابع عبور بار و کاهش تابع عبور گرمایی شود. از آنجایی که بازتاب آندریو در انرژی های کوچکتر از انرژی گاف ابررسانا قابل توجه است، با در نظر گرفتن این پدیده و با تغییر در پارامترهای مختلف سامانه، یک تابع عبور بار مربعی شکل و یک



 $\psi^{\pm}_{F\sigma e} = \frac{e^{(\pm ik_{Fe\sigma}x + iqy)}}{\sqrt{\cos\alpha_{F\sigma}}} \begin{pmatrix} 1\\ \pm e^{\pm i\alpha_{\sigma}}\\ 0\\ 0 \end{pmatrix}$ (Y)

$$\psi^{\pm}_{F\bar{\sigma}h} = \frac{e^{(\pm ik_{Fe\bar{\sigma}}x + iqy)}}{\sqrt{\cos\alpha_{F\bar{\sigma}}}} \begin{pmatrix} 0\\0\\1\\\pm e^{\pm i\alpha_{\bar{\sigma}}} \end{pmatrix} \tag{(7)}$$

$$k_{Fe\sigma} = \frac{\sqrt{(\varepsilon + E_F + \sigma h)^2 - (mv_F^2)^2}}{\hbar v_F} \cos\alpha_\sigma \tag{(1)}$$

$$k_{Fh\bar{\sigma}} = \frac{\sqrt{(\varepsilon - E_F + \bar{\sigma}h)^2 - (mv_F^2)^2}}{\hbar v_F} \cos\alpha_{\bar{\sigma}} \tag{(6)}$$

و برای ناحیه ابررسانا:

$$\psi^{\pm}_{Se} = e^{(iqy\pm i(k_0+i\chi)\chi)} \begin{pmatrix} e^{i\beta} \\ \pm e^{i(\beta\pm\gamma)} \\ 1 \\ \pm e^{i\gamma} \end{pmatrix}$$
(7)

$$\psi^{\pm}_{Sh} = e^{(iqy\mp i(k_0 - i\chi)x)} \begin{pmatrix} e^{-i\beta} \\ \mp e^{-i(\beta\mp\gamma)} \\ 1 \\ \mp e^{-i\gamma} \end{pmatrix}$$
(V)

$$\beta = \begin{pmatrix} \cos^{-1}\left(\frac{\varepsilon}{\Delta_{0}}\right), & \varepsilon \leq \Delta_{0} \\ -i\cos^{-1}\left(\frac{\varepsilon}{\Delta_{0}}\right), & \varepsilon > \Delta_{0} \end{pmatrix}$$
(A)

$$\gamma = \sin^{-1} \left(\frac{\hbar q v_F}{U_0 + E_F} \right) \tag{9}$$

$$k_0 = \sqrt{\left(\frac{U_0 + E_F}{\hbar v_F}\right)^2 - q^2} \tag{(1)}$$

$$\chi = \left(\frac{U_0 + E_F}{k_0 (\hbar v_F)^2}\right) \sin\beta \tag{11}$$

با اعمال شرایط مرزی به شکل زیر بر روی توابع موج می توان ضرایب عبور و بازتاب را محاسبه نمود:

$$\psi^{+}_{F\sigma e} + r_{N\sigma}\psi^{-}_{F\sigma e} + r_{A\sigma}\psi^{-}_{F\overline{\sigma}h}$$

$$= t_{e\sigma}\psi^{+}_{Se} + t_{h\overline{\sigma}}\psi^{-}_{Sh}$$

$$(17)$$

که $r_{N\sigma}$, $t_{e(h)\sigma}$ و $r_{A\sigma}$ به ترتیب ضرایب عبور الکترون (حفره) گونه، ضریب بازتاب عادی و ضریب بازتاب آندریو هستند. در رژیم پاسخگویی غیرخطی بازده ترموالکتریک مولد جریان به صورت کسر توان استخراجی بر روی گرمای از دست رفته از اتصال گرم سامانه تعریف می شود:

$$\eta = \frac{P}{Q_h} \tag{17}$$

توان خروجی از رابطه P = VI بدست می آید که V ولتاژ بایاس است و جریان هم از رابطه زیر محاسبه می شود:

محاسبات رژیم پاسخگویی خطی با استفاده از توابع عبور بدست آمده در شکل ۲ نشان می دهد که چنین توابع عبوری منجر به کاهش شدید رسانندگی گرمایی و افزایش چشمگیر رسانندگی بار می شود، شکل ۳.



در شکل ٤، توان خروجی، جریان گرمایی خروجی از اتصال گرم و بازده ترموالکتریک سامانه با استفاده از توابع عبور اشاره شده و بر حسب V و μ رسم شده اند. همانگونه که در قسمت (ب) این شکل مشخص است با درنظر گرفتن بازتاب آندریو و در یک بازه مشخص از V و μ گرمای خروجی از اتصال گرم بسیار کوچک خواهد بود و انتخاب نقطه کار در این بازه به شرط بالا بودن توان خروجي منجر به بهينه شدن بازده ترموالكتريك سامانه خواهد شد. در این شکل نقاط برچسب زده شده با ستاره نقطه بیشینه توان $P_{max}/_W = 4.02 imes$ خروجی را نشان می دهد که در آن و بازده در این نقطه برابر با ۸ درصد است که چیزی $10^{-4} W/m$ در حدود نصف بازده کارنو در محدوده دمایی انتخاب شده است. همچنین نقاط برچسب زده شده بوسیله علامت "+" مکان بیشینه بازده را نشان می دهد که در آن بازده برابر با ۱۵ درصد است که در حدود ۹/۰ بازده کارنو است. با توجه به اینکه توان خروجی در مى باشد و اين $P_{\eta max}/_W = 3.8 \, imes 10^{-4} \, W/_m$ مى باشد و اين توان نزدیک به توان خروجی بیشینه است انتخاب این نقطه به عنوان نقطه کار سامانه ترموالکتریک مناسبتر است.



سکلی. (انف) نوان خروجی، (ب) جریان درمایی خروجی از انصال درم، (بازده ترموالکتریک.

نتيجه گيرى

دراین مقاله خواص ترموالکتریکی یک پیوندگاه فرومغناطیس-ابررسانا پایه گرافینی در دمای پایین مورد بررسی قرار گرفته است. با در نظرگرفتن بازتاب آندریو و با تغییر پارامترهای مختلف سامانه به توابع عبور بار و گرمایی تقریبا بهینه ای دست یافتیم که منجر به بیشینه شدن توان خروجی و بازده ترموالکتریکی (و رسانش بار، ضریب سی بک و ضریب *ZT* در رژیم پاسخگویی خطی) شده است.

مرجعها

- [1] D. M. Rowe, ed., *Thermoelectrics Handbook: Macro to Nano*, CRC press, 2006.
- [2] V. Hung Nguyen ant etc., Applied Physics Letters **105**(13),133105 2014.
- [3] C. W. J. Beenakker, Phys. Rev. Lett. 97, 067007, 2006.
- [4] H. Karbaschi and etc., Phys. Rev. B 94, 115414, 2016.

بررسی گذار فاز کوپراتهای LSCO و BSCCO با مدل الیاشبرگ

کریمی، فرید ؛ صاحب سرا ، پیمان دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان

چکیدہ

در این پژوهش سازوکار جفتشدگی الکترونهای ابررسانایی، توسط هامیلتونی الیاشبرگ که برهمکنشهای الکترون-الکترون و الکترون-فونون را مدلبندی میکند، بررسی میشود. مجموعه معادلات بدست آمده در مدل الیاشبرگ پارامترهای زیادی نظیر پارامتر نظم ¢، تابع بازبهنجارسازی جرم Z و تابع جابهجایی انرژی X را توضیح دهند. ابتدا به کمک معادلات الیاشبرگ برای تعدادی از ابررساناهای دمای بالا، پارامتر طیفی (۵ (۲ (برمبنای دو روش مختلف تحلیلی محاسبه کرده و به کمک آن دمای گذار ابررسانایی را به دست میآوریم. این محاسبات در غیاب ناخالصی انجام شده و مواد مورد مطالعه دارای تقارن موج – B هستند.

Study of phase transition in BSCCO and LSCO by Eliashberg model

Karimi, Farid ; Sahebsara, Peyman

Department of Physics, Isfahan University of technology, Isfahan

Abstract

The superconducting properties of a material can be described by Eliashberg model. As well as electron-phonon pairing, electron-electron coupling mechanism, is crucial for transition to superconductivity below critical temperature. Ellishberg equations drives many parameters such as order parameter ϕ , mass renormalization function Z, the energy shift χ . In this paper, by using these equations, we calculate Eliashberg spectral function $\alpha^{\gamma}F(\omega)$, using two different methods. Consequently, we calculate Transition temperature for cuprate high-temperature superconductors. These calculations are carried out in the absence of impurities and the materials studied have d-wave symmetry.

انرژی ابررسانایی یکی از چالشها و کاستیهای این نظریه است. باید توجه داشت که به دلیل استفاده از تقریبهای متعدد در این نظریه تنها جفتشدگیهای ضعیف در نظر گرفته میشوند. توسعه نظریه BCS به مدل الیاشبرگ میانجامد. نظریه الیاشبرگ به خوبی میتواند ویژگیهای فیزیکی ابررساناهای کلاسیک فونون-واسطه را توجیه کند. همچنین این نظریه میتواند ویژگیهای ترمودینامیکی ابررساناهای دمای بالا را نیز توجیه کند. علاوه بر این مدل الیاشبرگ توصیف خوبی برای ابررساناهای با جفتشدگی قوی خواهد بود. نقطه آغازین نظریه الیاشبرگ هامیلتونی الکترون-فونون فروهلیش است، که جفت شدگی الکترون و فونون را توصیف میکند. عموماً

ساز و کار اصلی در ابررسانایی تشکیل حالتهای همدوس بر اساس زوج الکترونهای کوپر است. ابررساناهای دمای بالا در سال ۱۹۸٦ کشف شدند. تقریباً ۷۰ سال پس از کشف ابررساناهای دمای پایین که فیزیک آنها توسط نظریه BCS ^۱قابل توضیح بود. نظریه BCS با سادهسازی برهمکنشها موفق می شود که یک فرمولبندی بر مبنای جفتشدگی ایجاد کند. یکی از ویژگیهای نظریه BCS جهان شمول بودن آن است بدین معنی که ابررساناهای متعارف و غیرمتعارف را از هم تمیز نمی دهد [۸]. به همین دلیل در ابررساناهای جدید پیشبینی ویژگیهای ابررسانایی نظیر دمای گذار و یا گاف

مقدمه

Fröhlich Hamiltonian

'Bardeen-Cooper-Schrieffer

مدل

به کار می روند.

برای دستیابی به معادلات الیاشبرگ از هامیلتونی فروهلیش

$$H = \sum_{k} \varepsilon_{k} \Psi_{k}^{\dagger} \sigma_{r} \Psi_{k} + \sum_{q\lambda} \Omega_{q\lambda} b_{q\lambda}^{\dagger} b_{q\lambda} + \sum_{kk'\lambda} g_{k,k',\lambda} \varphi_{k-k',\lambda} \Psi_{k'}^{\dagger} \sigma_{r} \Psi_{k} + \frac{1}{\gamma} \sum_{k,k_{\gamma}k_{\gamma}k_{\xi}} \left(k_{r}k_{\xi} | V_{c} | k_{\lambda}k_{\gamma} \right) \left(\Psi_{k_{\gamma}}^{\dagger} \sigma_{r} \Psi_{k_{\lambda}} \right) \left(\Psi_{k_{\xi}}^{\dagger} \sigma_{r} \Psi_{k_{\chi}} \right)$$
(1)

شروع کرده و آن را در نمایش نمبو مینویسیم. در نمایش نمبو Ψ_k^{\dagger} و ملگرهای خلق و فنای الکترونی به ترتیب در عملگرهای خلق و فنای فونون را در عملگر φ_q مینویسد

در این رابطه $m{ heta}$ انرژی تک الکترونای است σ_3 ماتریس پاوولی، Ω فرکانس فونونی و مهمترین عنصر $g_{k,k',\lambda}$ ماتریس الکترون فونون نامیده می شود.

برمبنای این هامیلتونی ماتریس تابع گرین ۲×۲ نوشته میشود. این ماتریس از دو تابع گرین ماتسوبارا بر روی قطر اصلی و دو تابع گرین گورکوف³بر روی عناصر غیرقطری تشکیل شدهاست.

به کمک معادلات دایسون تابع گرین را به صورت زیر میتوان نوشت

 $\hat{G}^{-1}(k,i\omega_n) = \hat{G}^{-1}(k,i\omega_n) - \hat{\Sigma}(k,i\omega_n)$ (٤) $\Sigma_n \omega_n$ فرکانس ماتسوبارا معرفی شده و به صورت $i\omega_n \omega_n = i(rn+1)\pi/\beta$ به کمک نمودارهای فاینمن و هامیلتونی فروهلیش خودانرژی

الکترونی که از دو بخش توزیع الکترون-فونونی و توزیع کولونی تشکیل شدهاست نوشته میشود

Nambu representation

Gorkov Green's function *

$$\Sigma(k, i\omega_n) = \frac{\gamma}{\beta} \sum_{k'n'\lambda} \sigma_r G(k', i\omega_{n'}) \sigma_r [|g_{k,k',\lambda}|^{\gamma} D_{\lambda}(k - k', i\omega_n) - i\omega_{n'} + V_c(k - k')]$$

$$(\diamond)$$

 $D_{\lambda}(q, i\omega_n) = \tau \omega_{q\lambda}/[(i\omega_n)^{\tau} - \omega_q^{\tau}\lambda]$ در این معادله $[J_{\lambda}(q, i\omega_n) = \tau \omega_{q\lambda}/[(i\omega_n)^{\tau} - \omega_q^{\tau}\lambda]$ پوش انتشار گر فونونی نامیده می شود. با قراردادن این خودانرژی در معادله تابع گرین و البته بر این اساس که هم خودانرژی و هم تابع گرین ماتریسهای ۲×۲ای هستند می توان آنها را به کمک ماتریسهای پاولی بازنویسی کرد تا نهایتا به صورت معادلات الیاشبر گ نوشته شوند به صورت معادلات الیاشبر گ نوشته شوند $[G(k, i\omega_n)\sigma_{\tau} + [\varepsilon_k + \chi(k, i\omega_n)\sigma_{\tau}] - (G(k, i\omega_n)\sigma_{\tau})$

با کمک این تابع گرین و البته معادله خودانرژی که ذکر شد به مجموعهای از سه دسته معادله جفتشده برای¢، Z و X دست مییابیم.

در این معادلات به کمک ماتریس جفتشدگی الکترون-فونون تابعی تعریف میشود که تابع طیفی الکترون-فونون یا تابعطیفیالیاشبرگ° نامیده میشود که به صورت زیر معرفی میشود[۱]

 $\alpha^{Y}F(\omega) = N_{F}\sum_{\lambda} |g_{k,k',\lambda}|^{Y} \delta(\omega - \omega_{k-k',\lambda})$ (۷) $\Delta \xi_{y}(1)$ این مواد که ابررسانای شبهدوبعدی در نظرگرفته می شوند دارای این مواد که ابررسانای شبهدوبعدی در نظرگرفته می شوند دارای لایههای جفت شده از کوپراکسید ۲۰۵۰ هستند که ابررسانایی در این لایهها رخ می دهد و به همین دلیل است که آنها را شبهدوبعدی درنظر می گیریم.

Bi2212 و LSCO دو نمونه از این مواد هستند. ساختار این دو ماده شبه پروسکایتی است. ساختار آنها در شکل ۱ رسم شدهاست. در این دو نمونه با تقارن d موجی مواجه هستیم.

بهدست آوردن (٦) ما را در محاسبه گاف ابررسانایی و دمای گذار ابررسانایی یاری میکند. ولی این محاسبه به صورت عمومی کمی پیچیده خواهد بود.

یکی از روش های محاسبه تابع الیاشبرگ توسط گروه امارینو و گونلی ارائه شدهاست [۲]. در این روش تابع الیاشبرگ براساس این حقیقت که ابررسانایی تنها در نزدیکی سطح فرمی مشاهده میشود بسط داده می شود. زوایای سمتالرأس^۲در این بسط نقش مهمی دارند. و توابع $\psi_i(\phi)$ که ϕ زاویه سمتالرأس بردار k در صفحه

[\]Azimuthal angle

Eliashberg function °



شكل 1: تابع طيفى الكترون-فونون برحسب فركانس رسم شاره است [۲].

و $\lambda = \tau \times \omega e^{-\omega/\delta}$ است. x آلایش و δ ثابت است و برای مواد مختلف مقدار متفاوتی دارد [٤]. راهکار دوم که توسط کرسین ارائه شده است به گونه زیر است [۲] $T_c = \cdot_1 \times \overline{\omega} \exp(\frac{\tau}{\lambda_{eff}} - 1)^{1/\gamma}$ (۱۱) (۱۱) در این عبارت $\gamma(\omega)d\omega$ $\sigma = (\frac{\tau}{\lambda}\int_{-\infty}^{\infty}\omega\alpha^{\gamma}F(\omega)d\omega)$ در این عبارت $\lambda_{eff} = (\lambda - \mu^*)(1 + \tau\mu^* + \frac{\tau}{\gamma}\lambda\mu^*e^{\cdot/\tau\lambda})$

نتايج

به کمک دو راهکار برای محاسبه تابع الیاشبرگ و دو راهکار برای محاسبه دمای گذار می توان دمای گذار را برای کوپراتها محاسبه کرد. در شکل ۲ نمودار تابع طیفی الیشابرگ برحسب فرکانس رسم شدهاست. شکل ۳ برای دمای گذار به عنوان تابعی از پارامتر جفتشدگی الیاشبرگ برای Bi۲۲۱۲ رسم شده است.

شکل ٤ دمای گذار LSCO را به عنوان تابعی از Λ نشان می دهد. در تمامی این محاسبات شبه پتانسیل کولونی مقدار معمول خود راکه $\pi/1^{\circ} = *\mu$ است برگزیده است [۵]. این محاسبات نشان می دهد که $T_{c} = * \mu$ است برگزیده است [۵]. این محاسبات نشان می دهد موارد بستگی کمی هم به روش مورد استفاده در محاسبه تابع موارد بستگی کمی هم به روش مورد استفاده در محاسبه تابع الیشابرگ دارد. بهینهآلاییده برای Bittit که $\pi/1^{\circ} = x$ است در الیشابرگ دارد. بهینهآلاییده برای ۲۲۱۲ که $\pi/1^{\circ} = x$ است در دمایی نزدیک به می نزدیک به ۸۰ کلوین تقریب خوبی با نتایج تجربی دارد حال آن که روش [٤] در بهینه آلاییده دمایی به نسبت پایین تر را حاصل می شود. اما در حالت های کمینه آلاییده و بیشینه آلاییده در مقایسه این نمودارها با دادههای تجربی برای Bittit ، در حالی که



شکل ۲: الف) ساختار بلوری LSCO نشان داده شدهاست. ۷ یه های کوپراکسید در بالا و پایین ساختار نمایش داده شدهاند. در این ساختار ۳٫۷۸ = a = b ۱۲٫۱۲ = c است که منجر به ساختار تتراگونال می شود.

ب) ساختار بلوریBSCCO نشان داده شدهاست.در این ساختار ^۱۶۴۶ م^o = a و ۵۸۶ م^o = b و ۲۹^۸ ۲۰^۹ = c که این موضوع منجر به ساختار هگزاگونال در این ماده می شود. ولی برای سادگی این ساختار تتراگونال یا دقیق تر شبه تتراگونال در نظرگرفته شده است.

ab است جانشین بردارهای موج می شوند. نتیجه به صورت زیر خواهد شد [۲]

 $\alpha^{\mathsf{v}}(\omega,\phi,\phi')F(\omega) = \alpha^{\mathsf{v}}_{s}F(\omega) + \alpha^{\mathsf{v}}_{d}F(\omega)\psi_{\mathsf{v}}(\phi)\psi_{\mathsf{v}}(\phi')$ (V)

شاخص S به معنای تقارن موج-S و شاخص d به معنای تقارن موج- d است. از آنجایی که کار کردن با زوایای سمتالرأسی به پیچیدگی کار میافزاید پس به کمک روابطی که این زوایا با بردارهای موج دارند می توانیم عبارت را به صورت زیر بازنویسی کنیم

 $\alpha^{\mathsf{Y}}(\omega, k, k')F(\omega) = \alpha_s^{\mathsf{Y}}F(\omega) + \alpha_d^{\mathsf{Y}}F(\omega)[\cos(k_x) - \cos(k_y)][\cos(k'_x) - \cos(k'_y)] \qquad (\Lambda)$

 $lpha_{d}^{
m Y}F(\omega)=g_{d}lpha_{s}^{
m v}f(\omega)$ برای سادگی به کمک تقریب میگدال ((Λ) میگذاریم. و در معادله ((Λ) میگذاریم.

دومین روش برای سادهسازی (٦) راهکار گروه اسلام است [۳]، در این روش جفتشدگی الکترون-فونون (۵^۲ (۵ را ساده میکنیم. این سادهسازیها در نهایت منجر به عبارت زیر میشود

 $\alpha^{Y}F(\omega) = [\omega\alpha_{s}^{Y} + \omega_{eff}\delta(\omega - \omega_{eff})]F(\omega)$ (۹)
حال برای محاسبه دمای گذار از دو راهکار متفاوت که توسط کرسین
و مکمیلان ارائه شدهاست استفاده میکنیم [٤و٦].
معادله مکمیلان به صورت زیر خواهد بود[٤]

$$T_{c} = \frac{\omega_{1}}{\nu_{1}\nu^{r}} \exp[-\nu_{1} \cdot i \frac{\nu+\lambda}{\lambda - \mu^{*}(\nu+\nu_{1}\nu_{1}\lambda)}] \qquad (1.)$$

$$\omega_{1} = \frac{\nu}{\lambda} \int_{\cdot}^{\infty} \alpha^{\nu} f(\omega) d\omega. \delta(\omega) d\omega d\omega$$

$$(1.)$$



شکل ٤: نمودار دمای بحرانی برحسب پارامتر جفت شادگی الکترون-فونون برای LSCO رسم شادهاست. در این نمودار هم، هماننا. شکل ۳ از دو راهکار مختلف برای دمای بحرانی و دو راهکار مختلف برای تابع الیاشبرگ بهره بردهایم.

مراجع

- [1] E. R. Margine, and G. Feliciano, *Physical Review* B 87, Y (Y • Y Y) 024505.
- [^Y] G. A. Gonnelli, R. S. Ummarino, and V. A. Stepanov, *Physica* C: Superconductivity 275, 1-2 (1997) 162.
- [$^{\circ}$] A. T. M. N. Islam, and A. K. M. A. Islam, *Journal of Superconductivity* **13**, 4 ($^{\circ}$ ···) 559.
- [^ε] W. L. McMillan, *Phys. Rev.* **167** (۱۹٦٨) 331.
- [°] P. B. Allen, and B. Mitrović, Solid State Physics, 37, (19AT) 1.
- [¹] V. Z. Kresin, *Physics Letters* A122, ^A (19AY) 434.
- [\forall] A. A. Kordyuk et al., *Physical Review Letters* 97, 1 ($\forall \cdot \cdot \forall$) 017002.
- [^A] I. Askerzad, "Unconventional Superconductors", Springer Series in Materials Science (Y · YY).



شکل ۲: نمودار دمای گذار بر حسب پارامتر جغت شدگی الکترون فونون برای Bittitt رسم شدهاست. همان طور که در شکل مشخص است نمودارهای با رنگ های مختلف از دو روش متفاوت برای محاسبه دمای بحرانی مکمیلان T_c^M یا کرسین T_c^K ، و دو روش متفاوت برای محاسبه تابع الیاشبرگ بهره بردهاند. مقایسه دماهای متمایز به دست آمده و همچنین مقایسه آنها با نتایج تجربی جالب است .

محاسبات تجربی [۷] نشان میدهد $T_c^{\lambda=7/1} = \Lambda_c^{1}$ ، میبینیم که نتایج روش [٤] از تقریب خوبی برخوردار است به خصوص زمانی که تابع الیاشبرگ توسط تقریب [۳] انجام گرفته است (به عدد با مطابقت خوب $\Lambda_c^{2} = \Lambda_c^{2}$ میرسیم). آنچه از نمودار و نتایج تجربی مشخص است این است که روش [٤] در شرایط بهینه آلاییده نتایج خوبی را به ما نمیدهد در $\Lambda_c^{2} = X$ این روش دمایی بین نتایج خوبی را به ما نمیدهد در $\Lambda_c^{2} = X$ این روش دمایی بین به ۹۰ کلوین متفاوت است. ولی تقریب خوبی که این روش در مقیاس کمینهآلاییده و بیشینهآلاییده دارد قابل توجه است.

این نتیجه در مورد LSCO نیز تا حدودی صدق میکند دادههای تجربی به عنوان نمونه برای $\lambda = 7/70$ دمای بحرانی ٤٠ کلوین را نشان می دهد که در مقایسه با نتایج نمودار مشاهده می شود که در مواردی که از روش [۳] برای محاسبه تابع الیاشبرگ استفاده شده به مواردی که از روش [۳] برای محاسبه تابع الیاشبرگ استفاده شده به $r_c^M = \epsilon_7$ کلوین می رسیم در مقایسه روش [۲] به دمای $T_c^M = m$ منجر می شود. تنها تفاوت اینجاست که راهکار [۲] تقریباً در تمام آلایش ها دمای بحرانی بسیار بالاتری از حد انتظار و مقادیر تجربی نمایش می دهد.

سنتز ابررسانای MgB₂ و بررسی خواص ترابردی آن

کیافیروزکوهی، نرجس سادات ؛ کمیلی، مجتبی ؛ قربانی، شعبان رضا ، * ؛ عربی، هادی ا

^۲ زمایشگاه مواد و الکتروسرامیک، گروه فیزیک، دانشکاـهی علوم پایه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد ^۲ زرمایشگاه انرژیهای تجدیدیدیر، مغناطیس و نانوتکنولوژی، گروه فیزیک، دانشکاـهی علوم پایه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد

چکيده

نمونهی ابررسانای منیزیم دیبراید به روش حالت جامد سنتز شد. بررسی الگوی پراش پرتوی ایکس نشان داد که ساختار منیزیم دیبراید به خوبی شکل گرفته است. مقاومت ویژهی الکتریکی نمونه بر حسب دما در میدانهای مغناطیسی مختلف اندازه گیری شد. پهنای دمای گذار از حالت عادی به حالت ابررسانایی حدود ۰/۰ کلوین بود که نشان دهندهی کیفیت بسیار خوب نمونه میباشد. با اندازه گیری مغناطش بر حسب میدان مغناطیسی، حلقههای هیسترزیس و در نتیجه چگالی جریان بحرانی با استفاده از مدل بحرانی بین محاسبه شد. نتایج به دست آمده با دادههای گزارش شده توافق خوبی را نشان می دهد.

The Synthesis and Transport Properties of MgB₂ Superconductor

Kia Firoozkoohi, Narjess Sadat¹; Komeili, Mojtaba²; Ghorbani, Shaban Reza^{1,*}; Arabi, Hadi²

¹Materials and Electroceramic Lab, Department of Physics, Faculty of Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad ² Renewable Energies, Magnetism and Nanotechnology Lab, Department of Physics, Faculty of Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Abstract

Superconducting sample of MgB_2 was prepared by the solid state method. The x-ray diffraction (XRD) patterns, which were recorded using Cu Ka radiation shows that the MgB_2 sample was crystallized in the MgB_2 structure as the major phase. The resistivity of the sample has measured as a function of magnetic field at different temperatures. The transition width was roughly 0.5 K, which was shown high quality of the sample. The magnetic hysteresis loop has measured as a function of magnetic field. The critical current density has calculated by using the critical bean model. Results are well in agreement with the reported critical current density values.

PACS No. 74

بحرانی نسبتا زیاد (در مقایسه با ابررساناهای دمای پایین) از علل توجه به این ابررسانای فلزی است که میتواند برای استفادههای کاربردی، گزینهی مناسبی باشد. ساخت ابررسانای MgB₂ همواره با مشکلاتی روبهرو بوده است. واکنش پذیری بالای منیزیم با بیشتر عناصر، به خصوص اکسیژن، از جملهی این مشکلات میباشد، به طوری که اکسید منیزیم به عنوان مقدمه

ترکیب فلزی منیزیم دی براید در سال ۲۰۰۱ توسط گروهی از محققان ژاپنی به عنوان مادهی ابررسانا با دمای بحرانی، *T*۰، ۳۹ کلوین کشف شد[۱]. این مادهی ابررسانا از همان روزهای اول کشف، مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفت. ساختار سادهی این ترکیب، ارزان و در دسترس بودن مواد اولیه، طول همدوسی و همسانگردی نسبتا زیاد (در مقایسه با ابررساناهای دما بالا) و دمای

فاز ثانویه در ساختار، میزان حجم مادهی ابررسانا را در نمونهها کاهش میدهد. در این مقاله روش ساخت ابررسانای MgB₂ و برخی از اندازهگیریهای خواص ترابردی بررسی خواهد شد.

مراحل ساخت نمونه



شکل ۱. شمایی از روش ساخت ابررسانای منیزیم دیبراید.

الگوی پراش اشعهی ایکس نمونه – با فازهای ثانویهی مشخص– در شکل ۲ نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می شود، ساختار شش گوشهی تنگ پکیدهی منیزیم دیبراید به خوبی تشکیل شده است. فاز ناخالصی اکسید منیزیم، فاز ثانویهی اجتناب ناپذیر در سنتز این نمونه است، چراکه حذف کامل گاز اکسیژن و بخار آب موجود در محیط، کار دشواری است. وجود منیزیم سیلیسید در ساختار نمونه، به دلیل استفاده از لولهی کوارتز

به عنوان اتوکلاو و واکنش منیزیم درون قرص با سیلیکون درون کوارتز است.

مغناطش نمونه بر حسب میدان مغناطیسی در دماهای مختلف با استفاده از سیستم اندازهگیری خواص مغناطیسی (Quantum با استفاده از سیستم اندازه گیری خواص مغناطیسی (PPMS, Design گردید.



شکل ۲. الگوی پراش پرتوی ایکس نمونهی منیزیم دیبراید. فازهای ثانویه با علائم نشان داده شدهاند.

نتايج و بحثها

مقاومت ویژه ی الکتریکی نمونه به روش چهارمیله، در دماهای پایین و در میدانهای مغناطیسی مختلف اندازه گیری شد. شکل ۳، تغییرات مقاومت ویژه را بر حسب دما نشان می دهد. گذار به حالت ابررسانایی به وضوح در شکل، برای تمام میدانها مشاهده می شود. دمای گذار در میدان صفر تسلا، برابر ۳۷/۳۷ کلوین است. این دما به عنوان دمایی که در آن افت خطی مقاومت ویژه آغاز می شود، در نظر گرفته شده است. با افزایش میدان مغناطیسی، دمای گذار کاهش می یابد، به طوری که برای میدان ۱ تسلا، دمای بحرانی ۳٤/۷۱ کلوین و برای میدان ۲ تسلا، دمای بحرانی میدان صفر کلوین به دست آمد. دمای گذار گزارش شده برای میدان صفر

Physical Properties Measurement System

کلوین، اندکی کمتر از مقادیر گزارش شده است [٤-٢]. این تفاوت به دلیل ناخالصی اندک موجود در نمونه است.



شکل ۳. تغییرات مقاومت ویژهی الکتریکی به صورت تابعی از دما در میدانهای مغناطیسی مختلف.

شکل ٤، حلقههای هیسترزیس M-H را در دماهای مختلف نشان میدهد. همانطور که مشاهده می شود، سطح هر حلقه با افزایش دما کاهش می یابد که نشان از کاهش میزان مغناطش با افزایش دما دارد.



جریان بحرانی نمونه با استفاده از مدل بحرانی بین^۲از روی پهنای حلقههای هیسترزیس درمیدانهای مغناطیسی مختلف بر اساس روابط (۱) و (۲) محاسبه گردید. (۱) $J_c = \alpha \Delta M$ که در آن $J_c = \alpha \Delta M$ پهنای حلقهی مغناطش نمونه که در آن J_c جریان بحرانی، $M \Delta$ پهنای حلقهی مغناطش نمونه است و α به شکل هندسی نمونه و نحوهی اعمال میدان بستگی دارد. برای نمونهی مورد بررسی داریم: (۲)

که در آن a و b ابعاد نمونه هستند.

شکل ۵، چگالی جریان محاسبه شده را بر حسب میدان مغناطیسی اعمالی و در دماهای مختلف نشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود با افزایش دما، چگالی جریان بحرانی نمونه در میدانهای مغناطیسی کوچک و دماهای پایین ثابت است ولی با افزایش میدان کاهش می یابد. مقدار چگالی جریان بحرانی در میدان صفر برابر A/cm² °۱۰×۲ است که در حدود مقادیر گزارش شده است[۲, ۸–۵]. وجود ناخالصی، چگالی جریان بحرانی را بهبود می بخشد، چراکه این ناخالصیها باعث ایجاد مراکز میخکوبی و میخکوبش گردشارهها و در نتیجه افزایش چگالی جریان بحرانی می شود[۱۱–۹]؛ بنابراین نیازی به حذف کامل ناخالصی برای ساخت نمونههای صنعتی نیست، چراکه با وجود ناخالصیها کیفیت نمونه از نظر میزان جریان عبوری (کمیتی که در کاربرد ابررسانا بسیار مهم است) بهبود می یابد.

Bean model ^{*}

۱۱ و ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ – دانشگاه تهران

[^Δ] V. P. S. Awana, A. Vajpayee, M. Mudgel, V. Ganesan, A. M. Awasthi, G. L. Bhalla, H. Kishan, *Physical proprty characterization of bulk MgB2 superconductor*, Eur. Phys. J. B **62** (2008) 281.

[^{*}] K. Vinod, R. G. Abhilash Kumar, U. Syamaprasad, *Prospects for MgB2 superconductors for magnet application*, Supercond. Sci. Technol. 20 (2007) R1.

[Y] M. Eisterer, Magnetic properties and critical currents of MgB2, Supercond. Sci. Technol. 20 (2007) R47.

[^A] J. C. Wei., T. J. Yang, Current Distribution and Vortex-Vortex Interaction in a Superconducting Film of Finite Thickness, Jpn. J. Appl. Phys. 35 (1996) 5696.

[⁴] M. Eisterer, Calculation of the volume pinning force in MgB2 superconductors, Phys. Rev. B **77** (2008) 144524.

[1] S. R. Ghorbani, X. L. Wang, S. X. Dou, Sung-IK Lee, M.S.A. Hossain, *Flux-pinning mechanism in Silicon-oil-doped MgB2: Evidence for charge-carrier mean free path fluctuation pinning*, Phys. Rev. B **78** (2008) 184502.

[¹] N. S. Kia, s. r. Ghorbani, H. Arabi, M.S.A. Hossain, *Effect of magnetic field on the flux pinning mechanism in Al and SiC co-doped MgB2 superconductor*, Solid State Communications **275** (2018) 48.



شکل ۵. چگالی جریان بحرانی بر حسب میدان مغناطیسی در دماهای مختلف.

نتيجه گيرى

نمونهی منیزیم دیبراید به روش حالت جامد ساخته شد. مقاومت ویژهی الکتریکی نمونه بر حسب دما و میدان مغناطیسی اندازه گیری و انتقال به حالت ابررسانایی برای نمونه در دمای بحرانی ۳۷/۳۷ کلوین دیده شد که کمتر از مقادیر گزارش شده برای نمونههای خالص یعنی حدود ۳۹ کلوین است. چگالی جریان برای نمونههای خالص یعنی حدود ۳۹ کلوین است. چگالی جریان در دماهای مخالص یعنی حدود ۲۹ کلوین است. چگالی جریان پحگالی با استفاده از مدل بحرانی بین، از روی حلقههای مغناطش در دماهای مختلف، بر حسب میدان مغناطیسی محاسبه گردید. چگالی جریان بحرانی به دلیل وجود ناخالصیها کاهش چندانی نسبت به مقادیر گزارش شده نداشت، چراکه این ناخالصیها مانند مراکز میخکوبی عمل کرده و چگالی جریان بحرانی را افزایش

مرجعها

J. Nagamatsu, N. Nakagawa, T. Muranaka, Y. Zenitani, J. Akimitsu, Superconductivity at 39 K in magnesium deboride, Nature 410 (2001) 63.
 C. Buzea, T. Yamashita, Review of superconducting properties of MgB2, Sci. Technol. 14(11) (2001) R115.

^{[&}lt;sup>r</sup>] H. J. Choi, D. Roundy, H. Sun, M. L. Cohen, S. G. Louie, *The Origin of the Anomalous Superconducting Properties of MgB2*, Nature **418** (2002) 758.

^[*] D. K. Finnemore, J.E. Ostenson, S.L. Bud'ko, G. Lapertot, P.C. *Canfield, Thermodynamic and transport properties of superconducting MgB2*, Phys. Rev. Lett. **86** (2001) 2420.

اثر افزودنی نانو پودر اکسید تیتانیوم بر دمای گذار ابررسانایی Bi-2223 مظفری، مرتضی' ؛ شاتوتی، سارا' ^{اگروه فیزیک، دانشگاه اصفهان، اصفهان}

چکیدہ

در این پژوهش ابررسانای بیسموتی (BSCCO- ۲۲۲۳) با فرمول Bi_{1.6}Pb_{0.4}Sr_{1.9}Ca_{2.1}Cu₃O₁₀₋₆ با روش حالت جامد تهیه و اثر افزایش درصدهای گوناگون نانوپودر اکسیدتیتانیوم بر دمای گذار فاز (BSCCO- ۲۲۲۳) بررسی شد. پراش پرتو ایکس نمونهی بیافزودنی نشان میدهد که فاز (BSCCO- ۲۲۲۳) تشکیل شده است. دمای گذار نمونه ها به حالت ابررسانایی، با رسم منحنی مقاومت - دما به دست آمد. نتایج اندازه گیرها نشان میدهد که با افزایش درصد نانوپودر اکسیدتیتانیوم گذار نمونه ها به حالت ابررسانایی، با رسم منحنی مقاومت - دما به دست آمد. نتایج اندازه گیرها نشان میدهد که با افزایش درصد نانوپودر اکسیدتیتانیوم گذار به مقاومت صفر نمونه ها نخست افزایش و سپس کاهش می یابد. همچنین برای درصدهای افزودنی بالاتر فازهای ابررسانایی با دمای گذار بالاتر دیده شد که مربوط به فازهای ابررسانایی است که در الگوی پراش پرتو ایکس قابل شناسایی نبود.

The Effect of Titanium Oxide Nanopowder as an Additive on Transition Temperature of Superconductor Bi-2223

Mozaffari, Morteza¹; Shatooti, Sarah¹

¹ Department of Physics, Isfahan University, Isfahan

Abstract

In this work, bismuth based superconductor with chemical formula of $Bi_{1.6}Pb_{0.4}Sr_{1.9}$ $Ca_{2.1}Cu_3O_{10-\delta}$ (BSCCO-2223) were synthesized by solid state reaction and the effect of TiO_2 nanopowder percent, as an additive, on the transition temperature (T_c) of (BSCCO-2223) phase was studied. X-ray diffraction of additive- free sample showed that (BSCCO-2223) phase formed. Transition temperatures of the samples to superconducting state were obtained by plotting of resistance-temperature curves. The results show that by increasing of TiO_2 nanopowder, the transition temperature to zero resistance increased firstly and then decreased. Also for higher percent of additives, some superconducting phases with higher T_c observed that attributed to other superconductor phases, which were not identifying by x-ray diffraction.

PACS No. 74

Bi-۲۲۱۲ ، Bi-۲۲۱۲ و Bi-۲۲۲۲ برچسب زده می شوند [۲]. امیدبخش ترین ابررساناها برای ساخت سیمها و نوارهای ابررسانایی با دماهای بالاتر از دمای نیتروژن مایع، فازهای Bi-۲۲۱۲ و ۲۲۲۲– (BSCCO) هستند. دماهای گذار برای فازهای ابررسانایی Bi₂Sr₂CuO₆₊₈ هستند. دماهای گذار برای فازهای ابررسانایی Bi₂Sr₂Ca، Bi₂Sr₂CuO₆₊₈ و K و δ_{10+6} بهترتیب پیرامون ۲۰، ۹۰ و IN است[۳]. در این فازها، یونهای بیسموت می توانند جایگاههای استرانسیوم را پرکنند و یونهای کلسیم و

مقدمه

ابررساناهای سرامیکی پایه ی بیسموتی با دمای بحرانی پیرامون $T_{\rm C}=$ ۱۱۰K ، $T_{\rm C}=$ ۱۱۰K ، پتانسیل کاربرد در ابزارهای ابررسانایی با دمای کاری نیتروژن مایع را دارند. پس از کشف ابررسانایی در سامانه BSCCO Bi-Sr-Ca-Cu-O (BSCCO)، تلاش های بسیاری برای بهبود ویژگی های ابررسانایی آن انجام شده است [1]. سامانه BSCCO چند فازی است و هر فاز با فرمول کلی سامانه و بهترتیب با

از آسیاب در یک هاون چینی و گذراندن از یک الک ۱۸۰میکرونی، با ۱۰ درصد وزنی محلول ۵ درصد PVA مخلوط و با فشار ۲ ton/cm² به صورت قرص هایی به قطر ۵۰ و بلندی ۵ میلی متر درآورده شد. این قرص در دمای ۸۲۰°C به مدت ۱۲ ساعت برشته و سپس همان مراحل خردایش، شکلدهی و برشتن در دماهای ۸۳۰، ۸۳۰، ۸۳۵ ۸٤۰ و °C ۸٤۵ به مدت ۱۲ بر روی آن ها انجام شد. سرانجام قرص های برشته شده در دمای ۸٤۵°C، خرد و از الک ۱۸۰ میکرونی گذرانده و پس از افزودن صفر،۱، ۳ و ۵ درصد وزنی نانوپودر اکسیدتیتانیوم از شرکت TECNAN از کشور اسپانیا به صورت میله شکل داده شدند. میلهها به طول ۱۵، عرض ٤ و بلندی ۳ تا ٤ میلی متر با فشار ton/cm² ایرس شدند. میلهها در یک کوره ی الکتریکی با آهنگ گرمایش C /min ه تا دمای ۸۵۰°C گرم و به مدت ۱۰۰۰ تفجوشی شدند. این نمونهها با آهنگ سرمایش ۵°C /min تا دمای ۳۰۰° در کوره سرد و سپس با خاموش شدن کوره تا دمای اتاق همراه با کوره سرد شدند. نمونه های با صفر، ۱، ۳ و ۵ درصد افزودنی نانوپودر اکسید تیتانیوم و بهترتیب با Bi₃ ،Bi₁ و Bi₅ برچسب زده شدند. الگوهای پراش پرتو ایکس (XRD) نمونهها با یک دستگاه پراش سنج پرتو ایکس ساخت شركت بروكر مدل (D8 ADVANCED) و لامپ مسی ($\lambda = 1.5406$ Å) Cu-Klpha مسی شکیل ($\lambda = 1.5406$ Å) شده با نرم افزار اِکسپرت (Expert) تعیین شد. دماهای گذار نمونهها به روش چهار میلهای اندازهگیری شد.

نتايج و بحث

شکل ۱ الگوی پراش پرتو ایکس نمونهی Bi₀ را نشان می-دهد. همانگونه که دیده میشود قله های اصلی با ترکیب ابررسانای بیسموتی فاز BSCCO-۲۲۲۳ همخوان است. افزون بر آن قله های کم شدتی در الگو دیده می شود که قابل شناسایی نبود.

استرانسیوم می توانند با یکدیگر جایگزین شوند به گونهای که جمع آنها سه شود. در سامانههای بیسموتی، فاز ۲۲۲۳ - Bi به دلیل دمای گذار ابررسانایی بالاتر بیشتر مورد توجه است [٤]. اما ازکاستی های این فاز بهدست آوردن نمونهی تک فاز آن، پیوندهای ضعیف میان دانهای و میخکوبی ضعیف شار است[٥]. پژوهشگران اثر جانشانی همانند Sb ،La ،Al و Sb را بر ویژگیهای ابررساناهای پایهی بیسموتی گزارش کردهاند. سرب (Pb) مهمترین عنصر جانشانی است که بر ریزساختار و تشکیل فاز مورد نظر اثر مهمی می گذارد [7]. در این فاز می توان کمی سرب را جانشین بیسموت کرد و روشن شده که این جانشانی برای دستیابی به نمونه ی تک فاز ۲۲۲۳- Bi ضروری است. وجود ناخالصیها و ایجاد کاستیهای بلورین به افزایش مرتبهی طول همدوسی و نیز افزایش میخکوبی شار می انجامد [٥]. ابررساناهای سرامیکی به روش های گوناگون تهیه می شوند، روش حالت جامد یکی از روش های معمول ساخت این گونه از ابررساناها است که اکسیدهای فلزی و کربناتها در آن بهکار برده میشوند. در این پژوهش اثر افزودن نانوذرات اکسیدتیتانیوم بر ویژگیهای ابررسانایی فاز BSCCO-۲۲۲۳ مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تجربى



شكل ٢: نمودار مقاومت بر حسب دماى نمونه ها، الف) Bi₁، ب) ، Bi₁، ت) Bi₃ و ث) Bi₅ و



در شکل ۲(الف، ب، پ و ت) نمودار تغییرات مقاومت - دما برای نمونههای گوناگون آمده است. پایین ترین دمای گذار ابررسانایی هر ترکیب (گذار به مقاومت صفر) تعیین و در جدول ۱ آمده است. همانگونه که دیده می شود دمای گذار نخست با افزودن نانوپودر اکسیدتیتانیوم افزایش و پس از آن کاهش می یابد. همانگونه که در شکلهای ۲ (پ و ت) دیده می شود چند پلهی مشخص در نمودار مقاومت بر حسب دما وجود دارد که می تواند به فازهای ابررسانایی دیگر با دماهای گذار ۲۲۵ و ۲۰۵۲ برای نمونهی Bi₃ و دماهای گذار ۱۸۰ و مرابط باشد.



[Y] A. Aftabi, M. Mozaffari, "Intergranular Coupling, Critical Current Density, and Phase Formation Enhancement of Polycrystalline Bi_{1.6}Pb_{0.4}Sr₂Ca₂Cu₃O_{10-y}Superconductors by α -Al₂O₃", J. Superconduct. Novel Magn.**28** (2015) 2337-2343.

جدول ۱: دمای گذار به مقاومت صفر نمونهها

| Sample | Bi_0 | Bi_1 | Bi ₃ | Bi ₅ |
|------------------------|--------|--------|-----------------|-----------------|
| $T_c(K)\pm \textbf{0}$ | 118 | 114 | 1.5 | ٩٥ |

نتيجه گيرى

ابررسانای بیسموتی با فرمول Bi_{1.6} Pb_{0.4} Sr_{1.9} Ca_{2.1}Cu₃O_{10-δ} با روش حالت جامد ساخته شد. افزایش درصد نانوپودر اکسیدتیتانیوم نخست باعث افزایش دمای گذار به مقاومت صفر و سپس کاهش آن شد، همچنین به افزایش شمار فاز ابررسانایی در نمونهها انجامید.

مرجعها

 [1] Indu Verma,R. Kumar, V. Ganesan, A. Banergee, B.Das, "Synthesis and Magnetic Properties of Bi_{1.6}Pb_{0.4}Sr_{1.9} Ca_{2.1}Cu₃O₁₀₋₈ superconductor", J Superconduct. Novel Magn. 25 (2012) 785-789.

[۲] فلاح آرانی، حسام؛ صدقی، آرمان؛ باغشاهی، سعید؛ ریاحینوری، نسترن؛ کوهانی، حسین؛ «بهینهسازی دمای سینترینگ سیستم ابررسانایی بیسکو»؛ ۳۲مین کنفراس بین المللی برق، تهران، ایران، سال ۱۳۹۲

[r] I.H.Gul, F.Amin, A.Z.Abbasi, M.Anis-ur-RehmanA.Maqsood, "Effect of Ag2CO3 Addition on the Morphology and Physical Properties of Bi-based (2223) High-Tc Superconductors", Physica C:, 449 (2006) 139-147.

[^{*}] R, Wesche, "High-Temperature Superconductors: Materials, Properties, and Applications", 1998 Springer Science+Business Media New York, pp. 230-231.

[[†]] Gul, I.H., Rehman, M.A., Ali, M., Maqsood, A "Temperature dependence of thermal and electrical conductivity of Bi-based high-Tc (2 2 2 3) superconductor", Physica C 432, (2005) 71–80.

مدل SSH غیر هرمیتی با پتانسیل چشمه یا چاه روی نصف تمام زنجیره

ناصرپور آسیابری، ویدا؛ حسینی، میر وحید

دانشکده علوم، دانشگاه زنجان ، زنجان

چکيده

در این پژوهش بصورت نظری مدل سو-شریفر-هگر (SSH) تعمیم یافتهی غیر هرمیتی دارای تقارن وارون فضا زمان (PT) را بررسی کردیم. در این مدل اختلاف پتانسیل موهومی مثبت در سرتاسر سمت چپ زنجیره، به عنوان چاه و اختلاف پتانسیل موهومی منفی در سمت راست زنجیره غیرهرمیتی به عنوان چشمه اعمال شده است. اختلاف پتانسیل، عامل خارج شدن از حالت ایزوله می باشد. مدل SSH یکی از سادهترین مدل های دو نواری شناخته شده برای توصیف پلی استیلن است که دارای فاز بادیهی و غیر بادیهی توپولوژیکی است. حالتهای غیر بادیهی توپولوژیکی موجب شکست تقارن حالتهای مقیاد می را می گردد. در این پژوهش مشاهده شده است که با افزایش اختلاف پتانسیل، فاز غیر بادیهی توپولوژیکی موجو شکست مقیاد می مود و این شکست منجر به گذار PT می گردد. در این پژوهش مشاهده شده است که با افزایش اختلاف پتانسیل، فاز غیر بادیهی توپولوژیکی به تاریج کاهش یافته و از بین می رود. در این مقاله طیف ویژه مقادیر حقیقی و موهومی، حالتهای لبه ای و مقید، فازهای بادیهی و غیر بادیهی توپولوژیک در مدل بیان شده، مورد مطالعه قرار گرفته است.

Non-Hermitian SSH model with Potential gain and lose on at least an entire half of the chain

Naserpour Asiabari, Vida; Hosseini, Mir Vahid

Department of Physics, University of Zanjan, Zanjan,

Abstract

In this work, we study non-Hermitian Su-Sherifer-Heeger (SSH) model in a system with the parity-time reversal (PT) symmetry. By applying positive imaginary potential difference to the left side and negative one to the right side of a chain, can consider a non-Hermitian Hamiltonian for investigating the system in SSH model. Applying this kind of potential, make system get out of isolation mode. The SSH model is known as one of the simplest two-band topological for describing polyacetylene which has trivial and non-trivial phases. Non-trivial topological states cause to break the bound state then lead to PT transition. Therefore, with increasing potential difference, non-trivial topological phase decay slowly until vanish. At last we study real and imaginary parts of energy spectrum, bound and edge states, topological trivial and non-trivial edge states.

PACS No. 73.00

مورد استفاده قرار گیرند. عایقهای توپولوژیکی یکی از مواردی هستند که میتوانند میزبان فازهای توپولوژیکی باشند از این سیستم در کامپیوترهای کوانتومی که فضای هیلبرت بسیار بزرگ دارند مورد استفاده قرار میگیرد. این سیستم عاملی برای نوشتن و خواندن اطلاعات است.

بر اساس فرمولبندی دیراک-فون نویمن، برای اطمینان از یکانی بودن تحول زمانی و حقیقی بودن طیف انرژی همهی مشاهده

مقدمه

پس از کشف اثر کوانتمی هال، مفهوم توپولوژیکی بسیار محبوبیت یافت[1]، اخیرا رشد قابل توجه علاقه به مطالعه سیستمهای غیر هرمیتی ایجاد شده[3-2] پیدا کردن پدیدههای غیر بدیهی توپولوژیک یک موضوع مهم برای فیزیک دانان بوده است[4]. فازهای توپولوژیک به دلیل پایداری در مقابل اختلالهای محیطی، می توانند در محاسبات توپولوژیکی-کوانتومی

پذیرهای فیزیکی باید توسط عملگر هرمیتی بیان شوند. اما در گستره وسیعی از هامیلتونیهای غیرهرمیتی اگر تقارن PT داشته باشند، طیف ویژه مقادیر حقیقی کاملی از خود نشان میدهد [5-6]. سیستم ممکن است بطور جداگانه تقارن پاریته و الکترون خفره نداشته باشد اما دارای تقارن PT باشد. در سیستمهای غیرهرمیتی، سامانه از حالت منزوی خارج میشود. حالتهای موهومی ناشی از ارتباط سیستم با محیط به روشهای گوناگون ایجاد میشود؛ بطور مثال اختلال از طریق اعمال لیزر یا میدان مناطیسی و غیره میتواند وارد سیستم شود. در سیستم مورد و چاه مشخص میشوند. در مقایسه با سیستمهای هرمیتی، سیستمهای غیرهرمیتی طیف تبهگنی خاصی ارائه میدهند که به عنوان نقاط استثنایی شناخته میشوند[7-3].

مدل

در سرتاسر یک زنجیره SSH یک بعدی دو پارشی N اتمی اختلاف پتانسیل موهومی اعمال کرده ایم بطوری که از ابتدای زنجیره تا اتم N/2، زنجیره دارای چشمههایی با اختلاف پتانسیل $\gamma i - e$ از اتم 1 + (2/N) تا انتهای زنجیره دارای چاههایی با اختلاف پتانسیل $i \gamma$ می باشد، و تعداد سلول واحد در آن N/2 است، که در شکل 1 بصورت شماتیک نمایش داده شده است.





در همسایگیهای اول به صورت یکی در میان هاپینگهای (مین هاینگهای داده $t(1\pm\Delta\cos\theta)$ قرار دارند که با رنگ سبز و مشکی نشان داده شدهاند، و اختلاف پتانسیلها با رنگ آبی و قرمز در هر اتم نمایش داده شدهاند.



هاميلتونى مرتبط با شكل 1 بصورت معادله 1 نوشته مى شود.

$$H = \sum_{j}^{N-1} t[1 + (-1)^{j} \Delta \cos \theta] (c_{j}^{t}c_{j+1} + c_{j+1}^{t}c_{j})$$

$$+ \sum_{m=1}^{N/2} i\gamma c_{m}^{t}c_{m} - \sum_{L=N/2}^{N} i\gamma c_{L}^{t}c_{L}$$
(1)
(1)

مستند. این سیستم j عملگرهای خلق و فنا در مکان $c_j^r(c_j)$ ملگرهای تقارن پاریته و معکوس زمان میباشد و به بطور جداگانه دارای تقارن پاریته و

ترتیب در روابط $rit^{-1} = c_{j}P^{-1} = c_{N+1-j}$ مدق میکند و در نتیجه دارای تقارن معکوس فضا-زمان بشکل $TP(\mathbf{H})T^{-1}P^{-1} = H$ برای معادله 1 نیز است. این مدل فاقد تقارن انتقالی و انعکاسی است لذا قابلیت بررسی در شرط مرزی دورهای در فضای وارون را ندارد و تنها در فضای مستقیم مورد مطالعه قرار می گیرد.

با قطری کردن 1.25= γ طیف ویژه مقادیر حقیقی و موهومی انرژی بر حسب پارامتر مدوله شده هاپینگ با استفاده از نرم افزار متلب، همانطور که در شکل 2 نشان داده شده، محاسبه و رسم شده است.

حالتهای لبهای توپولوژیکی در سیستمهایی که بطور کلی غیر هرمیتی هستند ناپدید میشوند اما، در سیستمهایی که بطور جایگزیده غیرهرمیتی هستند پایدار باقی میماند. اگر احتمال حالتهای لبهای در مرز زنجیره جایگزیده باشند بنابراین حالتهای لبهای از اختلالهای موجود در زنجیره SSH ایمن باقی میمانند و فاز غیربدیهی توپولوژیکی سیستم حفظ میشود.

در شکل 2 (الف) سیستم را با تعداد سلولهای واحد فرد به ازای در نظر گرفتیم چنانچه در شکل قابل رویت است $\gamma=0.25$ هیچ حالت لبهای و جایگزیدهی برای تهداد سلولهای فرد وجود ندارد اما در شکل 2 (ب) برای تعداد اتمهای زوج و برای در بازهی $\gamma = 0.25 - \pi/2 \prec \theta \prec \pi/2$ در بازهی $\gamma = 0.25$ تبهگن و دو جایگزیده در سیستم وجود دارد که شامل فاز غيربديهي توپولوژيک است. دو بازه $\pi/2 \prec -\pi/2$ و فازهای بدیهی توپولوژیک هستند. نقطهی $\pi/2\!\prec\!\theta\!\prec\!\pi$ که در آن گذار فاز توپولوژیکی رخ میدهد نقطه $heta=\pm\pi/2$ گذار PT نام دارد. وقتی γ را افزایش میدهیم فاز غیر بدیهی توپولوژیکی کاهش مییابد چنانچه در شکل های 2 (پ) و (ت) با مقادیرگامای $\gamma=0.75=\gamma$ و $\gamma=1.25$ مشاهده می شود که به ترتیب $-0.2\pi \prec \theta \prec 0.2\pi$ و $-0.4\pi \prec \theta \prec 0.4\pi$ بازەھاى -0.4 π فازهای غیر بدیهی توپولوژیکی هستند. نهایتا با افزایش مقدار اختلاف پتانسیل به مقدار $1.42 pprox \gamma$ فاز غیر بدیهی توپولوژیک از بین میرود چنانکه در شکل 2 (ث) برای 1.5= γ مشاهده می شود که هیچ حالت لبهای توپولوژیکی وجود ندارد.

در شکل 3 طیف ویژه مقادیر موهومی و حقیقی را بر حسب تغییرات $0 = \theta$ برای سیستم در نواحی متفاوت توپولوژیکی بدست آوردیم. در شکل 3 (الف) به ازای $\pi - = \theta$ هیچ گونه فاز غیربدیهی توپولوژیکی مشاهده نمی شود، اما در $0 = \theta$ به ازای کوچکترین مقدار γ گذار فاز توپولوژیکی در γ_r بحرانی در حدود $0 = \gamma$ رخ میدهد و با افزایش اختلاف پتانسیل در γ_c ، 1.42 میستم کاملا در فاز بدیهی توپولوژیکی قرار می گیرد. دو ستاره سیستم کاملا در فاز بدیهی توپولوژیکی قرار می گیرد. دو ستاره روی شکل 3 (ب) نشان دهنده سیستم در 0.55 = γ است.



حالتهای جایگزیدهی مقید و لبه ای را در شکل 4 بررسی میکنیم. شکل 4 با توجه به اختلاف پتانسیلهای طیفهای رسم شده در شکل 2 رسم شده است.

در این شکل دو حالت مقید برای $\theta = 0$ در $1.4
ightarrow \gamma
ightarrow 0$ وجود دارد و در $\pi \pm \theta = \pm \pi$ هیچ گونه حالت لبهای مشاهده نمی شود لذا در شکل 4 هیچ حالت لبهای یا مقیدی برای $\pi \pm \theta = \pm \pi$ بدست نیامده که کاملا با نتایج بدست آمده در شکل های 2 و 3 مطابقت دارد. نتيجه گيرى

در این پژوهش مدلSSH غیرهرمیتی دارای تقارن PT دارای اختلاف یتانسیل ±iy اعمال شده در سرتاسر زنجیره مطالعه شد، بطوری که سمت راست زنجیره دارای اختلاف یتانسیل منفی و سمت چپ دارای اختلاف یتانسیل مثبت است. پس از قطری کردن هامیلتونی، طیف حقیقی و موهومی انرژی برحسب تغییرات heta و γ بترتیب محاسبه و رسم شد سیس نمودار حالتهای لبهای و جایگزیده را رسم کردیم. گذار فاز توپولوژیکی ناشی از تغییر فاز سیستم است که از شکست تقارن PT حالتهای مقید منجر می شود. در هر سه نمودار رسم شده در این مقاله متفقا مشاهده شد که حالت های لبهای به طبع آن فاز غیربدیهی توپولوژیکی برای در بازه $\gamma = 0.25 - \pi/2 \prec \theta \prec \pi/2$ در بازه $\gamma = 0.25$ مقید نیز در این بازه مشاهده شدند با افزایش γ بازهی حالتهای لبهای و مقید کاهش یافت و نهایتا در γ≈1.4 فاز بدیهی توپولوژیکی کاملا نایدید شد. این مدل دارای تقارن انتقالی نیست لذا تنها در فضای مستقیم مورد بررسی قرار گرفت. مرجعها

- [3] P. G. Debendetti and E. H. Stanley; "Supercooled and Glassy Water"; Physics Today 56, No. 3 (2003) 40-46.
- K. Klitzing and G. Dorda and M. Pepper; "New Method for High-Accuracy Determination of the Fine-Structure Constant Based on Quantizzed Hall Resistance" Physical Review Latters 45, Agu. 11 (1980) 494-497.
- [2] C. M. Bender; "Making Sense of Non-Hermitian Hamiltinians" Reports on Progress in Physics 70, Mar. 9 (2007) 947-1018.
- [3] W. Hu and P. P. Shum and Y.D. Chong; "Exceptional Point in a Non-Hermitian Topological Pump" Physical Review B 95, May. 25 (2017) 184306-184313.
- [4] D. J. Thouless and M. Kohmoto and M. P. Nightingale and M. D. Nijs; "Quantized Hall conductance in a two-Dimensional Periodic Potential" Physical Review 49, Agu. 9 (1982) 405-408.
- [5] B. Zhu and R. Lü and Sh. Chen; "PT symmetry in the non-Hermitian Su-Shrieffer-Heeger model with complex boundary potentials" Physical Review B 89, Ju. 3 (2014) 062102-1-062102-6.
- [6] C.M.Bender and D. C. Brody and H. F. Jones; "Must a Hamiltonian be Hermitian?" American Jornal of Physics 95, Oc. 13 (2003) 1095-1102.
- [7] C. Yin and H. Jiang and L. Li and R. Lü and Sh. Chen; "Geometrical meaning of winding number and its characterization of topological phases in one-dimensional chiral non-Hermitian systems" Physical Review A 97, Feb. 13 (2018) 052115-1-052115-7.



شکل 4 : حالتهای جایگزیدهی لبهای و مقید با شرایط 100 = N , t = 1 , N = 100 شکل 4 : حالتهای جایگزیدهی لبهای و در اختلاف پتانسیل های (الف) 1.4 racapha > 0 (ب) $\Delta = 1/2$ و در اختلاف پتانسیل های (الف) 1.4 racapha > 0 (ب) $\Delta = 1/2$ و در اختلاف پتانسیل های (الف) 2.4 racapha > 0 (ب) $\gamma = 3/4$ مشاهده می شود

انرژی برانگیختگی شبه ذرات با بررسی القای اثر مجاورت ابررسانایی با تقارن اسپینی تکتایی و تابع موج-۶ در شبه فلزهای وایل (WSM/SC)

نوروزی، میلاد؛ کارآمد، علیرضا؛ سیدیزدی، جمیله گروه فیزیک، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

چکیدہ

در این پژوهش به صورت نظری به بررسی القای اثر مجاورت ابررسانایی در شبه فلزهای وایل با شبه-میدان زیمان ذاتی می پردازیم. هامیلتونی دیراک-بوگولیوبوف-دوژن برای ساختارهای وایل با اثرمجاورت ابررسانای تقارن اسپینی تکتایی موج-۶ (WSM/SC) از لحاظ تقارنهای کوانتومی و جفت شدگی اسکالر و شبه اسکالر تحت تبدیلات لورنتس بررسی می شود. در نهایت تأثیر جملات دیراکی و شبه-میدان زیمان ذاتی را در انرژی برانگیختگی مربوط به شبه ذره-حفره را مورد مطالعه قرار می دهیم.

Investigation of quasiparticle excitation energy with proximity effect of superconductor s-wave spin singlet symmetry in Weyl semimetals (WSM/SC)

Norouzi, Milad; Karamad, Alireza; Seyedyazdi, Jamileh Department of Physics, Faculty of Science, Vali-e-Asr University of Rafsanjna, Iran.

Abstract

In this study, we investigate proximity-induced superconductivity in Weyl semimetals with intrinsic Zeeman fieldlike theoretically. Dirac-Bogoliubov-de Gennes Hamiltonian has been studied for Weyl structures with proximity effect of spin-singlet scalar and pseudo-scalar s-wave superconducting pairing based on quantum symmetries. Finally, the effect of Dirac terms and intrinsic Zeeman field-like on energy excitation for quasi-particle-hole has been investigated.

PACS No. (74.20)

دیگر یا مکان انرژی متفاوتی قرار دارند. سادهترین هامیلتونی که فیزیک ساختارهای شبه فلزی وایل (WSM)^۱ سه بعدی را با سرعت فرمی همسانگرد v_f مربوط به حاملهای بار را توصیف میکند، به صورت زیر میباشد: $H_0 = \hbar v_f \sigma \cdot k$ که در این رابطه $\sigma = (\sigma_x, \sigma_y, \sigma_z)$ ماتریس های پائولی در فضای

که در این رابطه $\sigma = (\sigma_x, \sigma_y, \sigma_z)$ ماتریس های پائولی در فضای اسپین است. اخیراً خواص مغناطیسی مربوط به گره شبه فلزهای شبه فلزهای دیراک و وایل، سیستمهایی سه بعدی هستند که توپولوژی غیربدیهی دارند. اخیراً برخی از این مواد توسط تصویر برداری اسپکتروسکوپی و اسکن تونلزنی میکروسکوپی مورد مطالعه قرار گرفتهاند. به دلیل شکستن تقارن معکوس زمانی یا تقارن پاریته تبهگنی دوگانه، یک گره دیراک شکسته شده و دو گره وایل بدست می آید. این دو نقطه از یکدیگر جدا بوده و در یک تکانهی

مقدمه

Weyl Semimetals

که در رابطه بالا $i\sigma_y \otimes I \otimes I_s = \Delta_s I$ پارامتر نظم ابررسانای اسکالر تکتایی با موج-8 است. در حد غیر نسبیتی ماتریس پائولی به فرم $i\sigma_y$ بیانگر ماتریس معکوس زمانی است. در فرمالیسم نسبیتی، اندیس اسپین σ با نشانههای چهار مولفهای اسپینور دیراک جایگزین می شود. زیرا اسپینورهای دیراک عملگرهای میدان چهار مولفهای هستند. در این صورت شانزده فرم برای جفت شدگی می توان ساخت که آنها نیز مشابه حالتهای غیر نسبیتی بر پایه یک مجموعه از ماتریسها خواهند بود. ماتریس جفت شدگی مربوط به پارامتر نظم شبه اسکالر ابررسانایی تحت تبدیلات لورنتس را می توان با توجه به ماتریسهای دیراک به صورت زیر نوشت [۰۰–۸]. $\Delta = \Delta_{pseudo} \gamma^1 \gamma^3 \gamma^5$

- که در آن $\sigma_j \otimes \sigma_j \otimes \sigma_j = \sigma_3 \otimes I \otimes \gamma^j = i\sigma_2 \otimes \sigma_j$ ها ماتریس های پائولی هستند. تقارن حفره-ذره را میتوان با عملگر زیر تعریف کرد.

$$\Gamma = \begin{pmatrix} \underline{0} & \underline{1} \\ \underline{1} & \underline{0} \end{pmatrix}$$

هامیلتونی رابطه (۱) تقارن حفره-ذره را به صورت زیر حفظ میکند.

 $\Gamma \mathcal{H}(\boldsymbol{k})\Gamma = -\mathcal{H}^*(-\boldsymbol{k})$ برای محاسبه انرژی برانگیختگی فرمیونها (شبه الکترونها و شبه حفرهها) از حل مسأله ویژه مقداری هامیلتونی (۲) استفاده میکنیم. در نتیجه برانگیختگی فرمیونها در حضور WSM/SC، با پارامتر نظم ابررسانای اسکالر تکتایی با موج-۶، ویژه مقدار انرژی به صورت زیر محاسبه می شود.

$$\begin{split} \mathbf{E}(\mathbf{k}) &= \gamma \sqrt{2\beta b \sqrt{A} + B} \\ A &= \left(\hbar v_f k_z \right)^2 + \Delta_s^2 + m^2 \\ B &= \left(\hbar v_f k_z \right)^2 + b^2 + \Delta_s^2 \\ &+ m^2 + \hbar v_f \left(k_x + i k_y \right) \left(k_x - i k_y \right) \end{split}$$
(E) and showing the set of the set of

²Dirac-Bogoliubov-de Gennes

وایل سه بعدی با سه مدل پارامتر که شامل پارامتر سرعت فرمی، پارامتر جرم دیراک ، شبه-میدان زیمان ذاتی که از مغناطیسی بودن سیستم ناشی می شود، مور مطالعه قرار گرفته است. TaAs و NbAs نیم رسانای وایل با شکست تقارن پاریته و همچنین YbMnBi2 نیم-رسانا با شکست تقارن معکوس زمانی می باشند [٥-١]. در این مقاله با در نظر گرفتن اثر مجاورت ابرسانا با شبه فلز وایل با توجه به تقارنهای فیزیکی هامیلتونی و انرژی برانگیختگی حفره-ذره سیستم را مورد مطالعه قرار می دهیم.





شکل ۱: شماتیک مربوط به اثر مجاورت شبه فلزهای وایل با ابررسانایی.

هامیلتونی ٤×٤ انرژیهای پایین برای شبه فلزهای وایل با سرعت فرمی همسانگرد و خاصیت ذاتی مغناطیسی به صورت زیر میباشد [۱].

$$H_0(\boldsymbol{k}) = \hbar v_f \tau_x \boldsymbol{\sigma} \cdot \boldsymbol{k} + m \tau_z + b \sigma_z \qquad (1)$$

در اینجا σ و τ دو بردار ماتریس های پاولی سه بعدی هستند. همچنین پارامتر *v_f سرعت فرمی،* m پارامتر جرم دیراک و d شبه-میدان زیمان ذاتی است.

سیستمی با اثر مجاورت شبه فلز وایل با مغناطیس ذاتی به همراه ابررسانای با تقارن اسپینی تکتایی و تابع موج-s (WSM/SC) را میتوان با هامیلتونی ۸×۸ دیراک-بوگولیوبوف-دوژن (DBdG)^۲ به صورت زیر توصیف میشود [۷و٦].

$$\mathcal{H}(\boldsymbol{k}) = \begin{pmatrix} H_0(\boldsymbol{k}) & \Delta \\ \Delta^{\dagger} & -H_0^*(-\boldsymbol{k}) \end{pmatrix}$$
(1)

E(k) H_{1} H_{2} H_{2}



شکل ۳: انرژی برانگیختگی حفره-ذره ابررسانا پارامتر نظمهای مختلف با جفتشدگی اسکالر.

در شکل ۳ با توجه به بسته شدن گاف انرژی توپولوژی سیستم عوض میشود. نکته قابل توجه در این ساختار این است که خاصیت ذاتی مغناطیسی، مانند ابررسانای توپولوژیکی با همزیستی فرومغناطیس عمل میکند.

نتيجه گيرى

در این پژوهش انرژی پاشندگی مربوط به اثر مجاورت شبه فلز وایل با مغناطیس ذاتی به همراه ابررسانای با تقارن اسپینی اسکالر و شبه اسکالر تکتایی و تابع موج-s (WSM/SC) مورد مطالعه قرار گرفت. خاصیت ذاتی مغناطیسی و جرمدار شدن نقاط دیراک باعث شکافتگی نمودار انرژی پاشندگی حفره-ذره می شود. نتایج نشان می دهد که با توجه به جفت شدگی شبه اسکالر پارامتر نظم

$$\begin{split} \mathbf{E}(\mathbf{k}) &= \gamma \sqrt{2\beta b \sqrt{A} + B} \\ A &= \left(\hbar v_f k_z \right)^2 + \left(\Delta_{Pseudo} \right)^2 + m^2 + \gamma 2m \Delta_{Pseudo} \\ B &= \gamma 2m \Delta_{Pseudo} + \left(\hbar v_f k_z \right)^2 + b^2 + \left(\Delta_{Pseudo} \right)^2 \\ &+ m^2 + \hbar v_f \left(k_x + i k_y \right) \left(k_x - i k_y \right) \quad (\mathbf{0}) \end{split}$$

رابطه بالا $\pm = \gamma$ مربوط به شبه ذرات و شبه حفرهها میباشد و همچنین $\beta = \pm$ مشخص کننده نوار رسانش و نوار ظرفیت میباشد.

بحث و نتایج نمودار انرژی برانگیختگی مربوط به شبه ذره-حفرههای ساختار WSM/SC با توجه به رابطه ٤ به صورت زیر بدست میآید.



شکل ۲: انرژی برانگیختگی حفره-ذره ابررسانا با جفتشدگی اسکالر مربوط به ساختار WSM/SC به ازای پارامتر جرم دیراک مختلف.

ش کل ۲ انرژی برانگیختگی حفره-ذره برای نوار رسانش (خط تیره) و نوار ظرفیت (خط پر) مربوط اثر مجاورت شبه فلز وایل، با سرعت فرمی همسانگرد و به ازای مقادیر مختلف پارامتر جرم دیراک (m) و شبه-میدان زیمان ذاتی (b) نمایش داده شده است. به ازای d>m و پارامتر نظم ابررسانای ۰/۱ حالتهای برانگیختگی ذره-حفره نمایش داده می شود. در شکل ۲ نمودار انرژی

ابررسانایی، جمله $\gamma 2m\Delta_{Pseudo}$ در انرژی پاشندگی ظاهر _{می}شود. **مرجعها**

[1] C. J. Tabert, and J. P. Carbotte. "Optical conductivity of Weyl semimetals and signatures of the gapped semimetal phase transition." *Phys. Rev. B* 93(8) (2016) 085442.

[2] T. Meng, and L. Balents. "Weyl superconductors." Phys. Rev. B 86(5) (2012) 054504.

[6] C. Ching-Kai, M. J. Gilbert, and T. L. Hughes, "Vortex lines in topological insulator-superconductor

heterostructures." Phys. Rev. B 84(14) (2011) 144507. [3] L. X. Yang, Z. K. Liu, Y. Sun, H. Peng, H. F. Yang, T. Zhang, B. Zhou et al. "Weyl semimetal phase in the non-centrosymmetric compound TaAs." Nat. Phys. 11(9) (2015) 728.

[4] H. Weng, Ch. Fang, Zh. Fang, B. A. Bernevig, X. Dai, "Weyl semimetal phase in noncentrosymmetric transition-metal monophosphides." Phys. Rev. X 5(1) (2015) 011029.

[5] S. Borisenko, O. Gibson, D. Evtushinsky, V. Zabolotnyy, B. Büchner, and R. J. Cava, "Experimental realization of a three-dimensional Dirac semimetal." Phys. Rev. Lett. 113(2) (2014) 027603.

[7] C. Timm, "Theory of superconductivity." Institute of theoretical Physics Dresden. (2012).

[8] M. Salehi, S. A. Jafari, "Sea of Majorana fermions from pseudo-scalar superconducting order in three dimensional Dirac materials." Sci. Rep. 7(1) (2017) 8221.

[9] Z. Faraei, S. A. Jafari, "Superconducting proximity in three-dimensional Dirac materials: Odd-frequency, pseudovector. pseudoscalar. and tensor-valued superconducting orders." Phys. Rev. B 96(13) (2017) 134516.

[10] K. Capelle, E. K. U. Gross, "Relativistic framework for microscopic theories of superconductivity. I. The Dirac equation for superconductors." Phys. Rev. B 59(10) (1999) 7140.

سنتز و مشخصه یابی نانو کامپوزیت اکسید آهن عاملدار /اکسید گرافن با نسبت های مختلف و بررسی خواص مغناطیسی آن ها ابراهیمی تزنگی، فاطمه؛ حکمت آرا، هدی؛ سیدیزدی، جمیله گروه فیزیک دانشگاه ولی عصر رفسنجان (عج)

*چکید*ہ

در این پژوهش نانوذرات مگتیت به روش همرسوبی تهیه شد و سپس با استفاده از گروههای آمین عاملدار شده و در نهایت بر روی صفحات اکسیدگرافن قرار گرفت. نانوکامپوزیتهای GO/Fe3O4-NH2 با سه ترکیب مختلف با نسبتهای جرمی ۱: ۱، ۲: ۱، ۳: ۱ به منظور مقایسه خواص مغناطیسی آنها تهیه شده است. کیفیت نمونههای سنتز شده با استفاده از مشخصهیابیهای KRD، EDS، XRD و FTIR مورد تأیید واقع شد. نتایج نشان میدهد که نانوکامپوزیتهای سنتز شده رفتار ابرپارامغناطیس نشان میدهند و اشباع مغناطیسی بیشینه به دست آمده در دمای اتاق در حدود Mug و ۷۰٫۵ ما ۲۰٫۵ که در مقایسه با نانوذرات Fe3O4 با اشباع مغناطیس تشان میدهند و اشباع قابل ملاحظه می باشد.

Synthesis and characterization of amine-functionalized Fe₃O₄/graphene-oxide magnetic nanocomposite with different ratios and investigation of their magnetic properties

Ebrahimi Tazangi;Fatemeh, Hekmatara; Hoda, Seyedyazdi; Jamileh

Department of Physics, Faculty of Science, University of Vali-e Asr, Kerman,

Magnetite nanoparticles prepared by co-precipitation method and functionalized by amine groups prior hybridization with graphene oxide. The resulted Fe_3O_4 -NH₂/GO nanocomposites prepared with three different compositions with mass ratios of 1:1, 2:1, 3:1 in order to compare their magnetic properties. Different characterization techniques have been used to confirm the quality of the synthesized samples such as Fourier-transform infrared spectrum, X-ray diffraction pattern, scanning electron microscopy, VSM and EDS. The results show that the synthesized nanocomposites exhibited superparamagnetic behavior with the maximum value of saturation magnetization of about ~70.5 emu/g at room temperature that is considerable in comparison with Fe_3O_4 nanoparticles with ~73.4 emu/g.

PACS No. (75.20)

نموده است. نانوکامپوزیتهای بر پایه گرافن با ویژگیهای خاص، نویدبخش کاربردهای بسیاری در آینده است. بعنوان نمونهای از این نانوکامپوزیتها میتوان به ترکیب گرافن با مواد پلیمری، ماتریسهای سرامیکی و نانوذرات مغناطیسی اشاره کرد [۱-۳]. نانوذرات مغناطیسی کاربردهای زیادی در زمینه شارههای مغناطیسی، ذخیره دادهها، کاتالیستها وتصویربرداری تشدید

گرافن و اکسیدگرافن (GO) از مواد کربنی جدید و جالب با ویژگیهای عالی هستند. گرافن، تک لایهای دو بعدی از اتمهای کربن، با ساختار ششگوشی و هیبرید ^sp²، بدلیل ویژگیهای جالب الکتریکی، گرمایی و مکانیکی که اخیراً توجه بسیاری از پژوهشگران در تمام زمینهها و بهویژه نانوفناوری را به خود جلب

مقدمه

مغناطیسی دارند. در بین نانوذرات مغناطیسی، نانوذرات اکسیدآهن F³⁺ بدلیل وجود کاتیونهای آهن در دو حالت ظرفیتی F²⁺ در ساختار اسپینل معکوس، بیشترین توجه را به خود جلب کردهاند. Fe₃O₄ باید از نظر شیمیایی پایدار، سازگار با محیط زیست، و همچنین دارای درجه پراکندگی بالا در محیطهای مختلف مایع در مقادیر مختلف PH میباشد. همچنین به دلیل ماندگاری سریع و موثر، سمیت کم، تراکم ذاتی درونی، فراوانی زیاد و دمای کوری بالا، مزایای منحصر به فردی دارد. Fe₃O₄ با ساختار اسپینل معکوس مکعبی به طور گستردهای در کاربردهای بیوداروئی، تصویربرداری رزونانس مغناطیسی کاربردهای صنعتی و محیطی، جداسازی سلول و سایر اهداف بیولوژیکی مورد استفاده قرار گرفته است [۳–۲].

نشاندن این نانوذرات مغناطیسی بر روی ورقهای اکسیدگرافن و سنتز نانوکامپوزیت از آنها به روشهای مختلف، بهبود قابل توجهی در خواص فیزیکی و شیمیایی هر دو ایجاد کرده و آنها را برای کاربردهای خاصی مناسب میسازد. نسبت گرافن به اکسید فلزی یک پارامتر کلیدی است که باید برای بهبود عملکرد کامپوزیت با عملکرد بالا و سریع تنظیم شود. لازم به ذکر است که RGO و GO مواد ایدهآلی هستند که میتوانند به عنوان زیرلایه برای نشاندن نانوذرات استفاده شوند [۵–7].

سنتز اكسيدگرافن

برای تهیه این ترکیب ابتدا m ۳۶ اسید سولفوریک به همراه 9,0,0 پودر گرافیت در یک حمام یخ با دمای 2° ۵-۰ گذاشته تا هم بخورد. سپس ۲۵/۰۲ پرمنگنات پتاسیم به آرامی به آن اضافه می شود تا به مدت ۲ ساعت در این دما هم بخورد. سپس مخلوط به حمام روغن با دمای 2° ۲۶ منتقل می شود تا به مدت ۲ ساعت مع مطوط مگنت همزده شود. سپس طی ۴ مرحله m ۲3 آب به مخلوط اضافه شده تا 1/0 ساعت تحت تکان شدید بهم بخورد. در نهایت مغلوط خردلی روشن شود. محصول بدست آمده با آب و اتانول

شستشو داده شده و جهت خشک شدن در آون تحت دمای °۶۰ قرار میگیرد.

سنتز اكسيدگرافن /اكسيدآهن عاملدار

به طور خلاصه، ۰٫۰٦ گرم FeCl₃.6H₂O در آب دیونیزه با فرآیند اولتراسونیک به مدت ۳۰ دقیقه حل و سپس با نسبت مولی [FeCl₃.6H₂O:FeCl₂.4H₂O]:[۲:۱] به محلول تحت گاز N2 اضافه شد. سیس ۳ میلی لیتر محلول آمونیاک با ۲۰ میلی لیتر آب ديونيزه رقيق شده و به آب اضافه مي شود. پس از آن، محلول به مدت ۲ ساعت در دمای ۸۰ درجه سلسیوس همزده شد. ذرات مگنتیت سیاه به دست آمده با اتانول چند بار شسته شده و با یک آهنربا جدا شده و سیس به مدت ۵ ساعت در دمای ۲۰ درجه سلسیوس خشک می شوند. سپس ۰٫۷ گرم نانوذرات Fe₃O₄ و ۰٫۳ میلی لیتر APTMS در ۲۵ میلی لیتر تولوئن خشک حل شدند تا یک محلول (۳۰ میلیلیتر) تهیه شود. این مخلوط به مدت ۲٤ ساعت رفلاکس شد. ذرات حاصل توسط یک آهنربا جدا شده و سپس با تولوئن شسته شدند. سپس محصول به مدت ۱۰ ساعت در دمای ۲۰ درجه سلسیوس خشک شد تا ذرات Fe₃O₄ فعال شده توسط گروه آمینی بدست آیند. سپس ۲۰٬۰ گرم Fe₃O₄-NH₂ در ۲۰ میلی لیتر آب مقطر پراکنده شده و به محلول GO (با مقادیر مختلف جرم و ۱:۱، ۲:۱ و ۳:۱) در محیط N₂ اضافه شد و سیس همخوردن به مدت ۳۰ دقیقه ادامه یافت و پس از آن ۸ میلی لیتر NH4OH و ۲۰ میلی لیتر آب مقطر با مخلوط کردن به مدت ۱ ساعت در دمای ۸۰ درجه سلسیوس به آن اضافه شد. در نهایت، محصول با اتانول و آب دیونیزه شسته شد و به مدت ۲٤ ساعت در دمای ٦٠ درجه سلسيوس خشک مي شود.

شکل ۱ قلههای تیز و شدید اکسیدآهن Fe₃O₄ را نشان می دهد (۳۰٫۰ ۱۸٫۱[°]=۲۹، ۳۰٫۲، ۳۰٫٤، ۲۰٫۶ و ۲۲٫۷ بترتیب منطبق با صفحات (۱۱۱)، (۲۲۰) (۳۱۱)، (۲۰۰)، (۲۲۲)، (۵۱۱) و (٤٤٠)، نشان دهنده ساختار اسپینل معکوس نانوذرات Fe₃O₄ سنتز شده و

بلورینگی بالای آنهاست. پس از اصلاح Fe₃O₄ توسط ۳-آمینوپروپیل تری متوکسی سیلان (APTMS) با نسبتهای مختلف GO، شدت قلهها در نانوکامپوزیتهای حاصل تغییری نداشت و ساختار بلوری Fe₃O₄ حتی پس از عاملدار شدن حفظ شد (b,c). متوسط اندازه بلورکها به ترتیب ۱۳٬۳۰، ۱۳٬۹۱، ۱۳/۱۰، ۱۲٬۵۸ و ۱۱/۱۹۰ بهدست آمد. اندازه ذرات در Fe₃O₄-NH2 در مقایسه با Fe₃O₄ بهدلیل وجود NH2 افزایش یافته و همچنین هیچگونه ناخالصی در نمونهها دیده نمی شود. الگوی XRD نشان می دهد که شدت قله نانوکامپوزیت GO-Fe₃O₄-NH2 نسبت به Fe₃O₄ کاهش می یابد که نشان دهنده کاهش اندازه بلورک می باشد (b-e). اندازه بلورکها از معادله شرر محاسبه شده است:

 λ نلبت است، $B = K\lambda/\beta \cos\theta$ اندازه متوسط ذرات، K ثابت است، β طول موج پرتو ایکس (۰/۱۵٤۰ nm) عرض قله در نیمارتفاع، و θ زاویه پراش است.



مغناطش نمونه ها با استفاده از مغناطیس سنج نمونه ارتعاشی Fe₃O₄-NH₂/GO و Fe₃O₄-NH₂ در میدان مغناطیسی اعمالی ۲۰- تا ۲۰ کیلو اورستد، با استفاده از تحلیل نتایج VSM به دست می آید. دیده می شود که منحنی نشاندهنده پایداری صفر بوده و همه الگوها اساساً به صورت S شکل ظاهر می شوند. اشباع مغناطیسی نمونه ها به ترتیب ۵۸٬۵۲ «۷۰/۵ ها ۵۸٬۵۵ و ۵۱٬۵۲ به ترتیب d، c، b و ع، کمتر از مقدار مربوط به Fe₃O4 خالص به ترتیب V۳٬٤۳ emu/g و نمونه ها رفتار معمولی ابرپارامغناطیس را نشان

میدهند. اشباع مغناطیسی با افزایش نسبت Fe₃O₄-NH₂ افزایش مییابد.



توزیع اندازه یکنواخت نانوذرات Fe₃O₄-NH₂ از FESEM یافت شد. شکل نشان می دهد که نانوذرات Fe₃O₄ به صورت کروی شکل با اندازه متوسط در حدود ۲۵ نانومتر بر روی صفحات GO قرار دارند. با افزایش نسبت Fe₃O₄-NH₂ به GO، صفحات GO کاملاً با Fe₃O₄-NH₂ پوشیده شدهاند. اندازه متوسط بلورکها که توسط DXT از طریق معادله شرر کمتر از ۱۳ نانومتر به دست آمد، نتایج حاصل از FESEM را تأیید می کند. در بزرگنمایی بالاتر، تجمع نانوذرات مغناطیسی به وضوح قابل مشاهده است. توزیع نانوذرات اگلومره بر روی صفحات GO همگن است. علاوه بر این، مناطق زیادی از صفحات GO بدون پوشش نانوذرات بر این، مناطق زیادی از صفحات GO بدون پوشش نانوذرات



شكل ٣: تصوير ميكروسكوپ الكتروني روبشي (SEM) نمونـه a):b، Fe₃O₄-NH₂:(a) نمونـه d):GO:Fe3O4-NH2(1:2) (c ·GO:Fe₃O₄-NH₂(1:1) GO:Fe3O4-NH2(1:2) (d)

از شکل ٤ دیده می شود که دو باند گسترده در ¹- ۲۹۲۸ و NH2 از شکل ٤ دیده می شود که دو باند گسترده در ¹- NH2 و NH2 مربوط می شود که نشان دهنده اصلاح سطح موفقیت آمیز بوده است. برای قلههای Fe₃O₄-NH₂/GO در ¹- ۲۰۳۳ و بهترتیب به ارتعاش = H-C و کشش O-C اختصاص یافته است. ارقام مربوط به ارتعاش کششی پیوند O-C اختصاص یافته است. به ۱ ۵۸۵ سانتیمتر افزایش یافت به دلیل افزایش Fe₃O₄-NH2 و ۱۰۰۵ در مراحل دیگر. برای GO، پیکهای ¹⁻ ۲۰۳۲ مانتی ۵۳۲ و مراحل دیگر. برای GO، پیکهای ¹⁻ ۲۰۱۲ مانتی ۵۳ و ۱۰۰۵ برای H-O-H خمشی، ارتعاش H-C و کشش O-C و ۵۷۳ به H-O اختصاص داده شده است.





شکل ۵: تصویر EDS از نمونههای سنتز شده.

همان طور که در شکل ۵ مشاهده می کنیم حضور مقدار ۸٬۵۵٪ کربن، ۸٬۵۵٪ آهن نشان از کربن، ۲۰٬۴۰٪ آهن نشان از سنتز موفقیت آمیز OO/Fe₃O₄-NH₂ دارد.

نتیجهگیری نتایج ما نشان میدهد که نانوکامپوزیتهای سنتز شده رفتار ابرپارامغناطیس با اشباع مغناطیسی نسبتاً بالا دارند. با افزایش نسبت اکسیدآهن به اکسیدگرافن اشباع مغناطیسی افزایش پیدا میکند.

مرجعها

[1] X. Hu, Y. Zhao, H. Wang, X. Tan, Y. Yang and Y. Liu, "Efficient removal of tetracycline from aqueous media with a Fe_3O_4 nanoparticles@graphene oxide nano sheets assembly"; *Int. J. Environ. Res. Public Health* 14 (**2017**) 1495.

[2] M. Tavakoli, M. Hajimahmoodi, F. Shemirani, A. Shiralizadeh Dezfuli, M. Khanavi, "Application of Fe₃O₄/RGO nanocomposite as a sorbent of pesticide"; *Chromatographia* **80** (2017), 1423-1432.

[3] R. Fu1, M. Zhu, "Synthesis and characterization of structure of Fe₃O₄@graphene oxide nanocomposite"; *Adv. Compos. Lett.*, **25**, **6** (2016) 143-146.

[4] F. Zhul Y. Wangl, Y. Zhang, W. Wang, "Synthesis of Fe3O4 Nanorings/amine-functionalized reduced graphene oxide composites as supercapacitor electrode materials in neutral electrolyte"; *Int. J. Electrochem. Sci.*, **12** (2017) 7197-7204.

[5] R. Li, L. Liu and F. Yang., "Polyaniline/reduced graphene oxide/Fe₃O₄ nano-composite for aqueous Hg(II) removal"; *Wat. Sci. Tech.* 72.11 (2015) 2062-2070.

[6] M. A. Farghali, T. A. Salah El-Din, A. M. Al-Enizi, R. M. El Bahnasawy, "Graphene/magnetite nanocomposite for potential environmental application"; *Int. J. Electrochem. Sci.*, **10** (2015) 529 - 537

مغناطومقاومت ناهمسانگرد در فیلم نازک چند لایهی پرمالوی/ پلاتین

احمدى گورجى، خديجه ! سيد ابراهيمى، سيد على ! ؛ محسنى، سيد مجيد !

^ادانشکاده مهندسی متالورژی و مواد، دانشگاه تهران، تهران ۲ دانشکاده فیزیک، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

چکیدہ

فیلم های بسیار نازک مغناطیسی چند لایه ۱۰×[پرمالوی/ پلاتین (انانومتر)] توسط کندوپاش مگنترون در دمای محیط آماده شد. پاسخ مغناطومقاومت طولی تحت جاروب یک میدان مغناطیسی درون صفحه ای در زوایای مختلف نسبت به جریان برای سه نمونه گوناگون با تغییر ضخامت پرمالوی از ۱ تا ۲ نانومتر مورد ارزیابی قرار گرفت. مغناطومقاومت با افزایش ضخامت پرمالوی افزایش می یابد. در حالیکه تغییرات زاویه ای مغناطومقاومت برای نمونه ی پرمالوی با ضخامت ۲ نانومتر بیشتر است. نتایج بدست آمده متاثر از جفت شدگی قوی لایه پرمالوی با پلاتین در لایه های بسیار نازک می باشد.

Anisotropic Magnetoresistance in Thin Film Permalloy/Platinum Multilayer

Ahmadi Guraji, Khadijeh¹; Seyed Ebrahimi, Seyed Ali¹, Mohseni, Seyed Majid²

¹School of Metallurgy and Materials Engineering, University of Tehran, Tehran, ²Department of Physics, Shahid Beheshti University, Tehran

Abstract

Multilayer magnetic ultra-thin films of [permalloy/platinum (1 nm)]×10 were prepared by magnetron sputtering method at ambient temperature. The magnetoresistance response was investigated under an in-plane magnetic field sweep for three different samples with permalloy thickness changes between 1 and 3 nm, at different angles with respect to the current direction. We observe that the magnetoresistance changes with increasing permalloy thickness. However, variation of magnetoresistance is higher for multilayer with permalloy (2nm) layer. Results represent the role of strong coupling of permalloy and platinum layer in ultra-thin layers.

مغناطومقاومت ناهمسانگرد وابستگی مقاومت به جهت جریان الکتریکی نسبت به جهت گیری مغناطش در مواد است. بطور کلی، مقاومت درصورتیکه جریان و میدان مغناطیسی به موازات (عمود) هم باشند با افزایش میدان افزایش (کاهش) می یابد. [۱]. منشأ ذاتی مغناطومقاومت ناهمسانگرد، جفت شدگی اسپین مدار است که به موجب آن شکل ابرالکترونی الکترون تغییر کرده و یک ناهمسانگردی موضعی در هر حوزه مغناطیسی ایجاد می شود [۲].

مقدمه

تغییر در مقاومت الکتریکی مواد مغناطیسی تحت میدان مغناطیسی خارجی اثر مغناطومقاومت نامیده می شود. مطالعات بر روی انواع مواد مغناطیسی منجر به کشف انواع مغناطومقاومت جهت استفاده در زمینه های کاربردی مختلف از قبیل حافظه های مغناطیسی، سنسور، ابزارهای اسپینترونیکی و پتاسیلی برای محاسبات کوانتومی شده است.

مغناطومقاومت در سیستم های دانه ای و همچنین ساختارهای چندلایه شامل لایه های فرومغناطیس جدا شده توسط لایه غیرمغناطیسی، مغناطومقاومت عظیم نامیده می شود. منشأ این نوع مغناطومقاومت، پراکندگی وابسته به اسپین الکترون های در حال عبور از لایه غیرمغناطیسی می باشد. پراکندگی زمانیکه مغناطش لایه های فرومغناطیسی جهت گیری موازی (پادموازی) دارند مینیمم (ماکزیمم) است. وجه تمایز مغناطومقاومت عظیم و مغناطومقاومت ناهمسانگرد بزرگی دامنه اش نیست بلکه، در تمامی جهت گیری های میدان طولی، عرضی و عمود با افزایش میدان کاهش می یابد [۳].

از لحاظ پدیده شناختی، مغناطومقاومت ناهمسانگرد با رابطه (۱) بیان می شود:

(1) $\rho_{long} = \rho_{\parallel} + (\rho_{\parallel} - \rho_{\perp}) \cos^{2} \theta$ (1) $\rho_{long} = \rho_{\parallel} + (\rho_{\parallel} - \rho_{\perp}) \cos^{2} \theta$ $\rho_{long} = \rho_{\parallel} + \rho_{\parallel}$

فیلم های پرمالوی(آلیاژ آهن- نیکل) بدلیل داشتن ویژگی هایی همچون فرو مغناطیس نـرم بـودن، هیسترزیس کـم، میـدان اشباع پایین و ضریب مگنتواستریکشـن کوچـک نقـش مهمـی در مواد مغناطومقاومت بازی می کنند.

لایه پرمالوی/تانتالوم که بطور ویژه در سنسور مغناطومقاومت ناهمسانگرد استفاده می شود، کاهش شدید درصد مغناطومقاومت در ضخامت های کم پرمالوی و افت محسوس ممان مغناطیسی مخصوصاً پس از آنیل از خود نشان می دهد. با افزودن لایه نازک پلاتین در فصل مشترک، بدلیل پراکندگی قوی اسپین مدار در فصل مشترک و همچنین جلوگیری از تشکیل لایه غیرمغناطیسی بدلیل نفوذ تانتالوم در لایه پرمالوی در فصل مشترک، میزان مغناطومقاومت ناهمسانگرد برای فیلم نازک پرمالوی بطور قابل توجهی افزایش می یابد [۴].

بهبود میزان مغناطومقاومت ناهمسانگرد در دولایه پلاتین/فلز فرومغناطیس با استفاده از تئوری مغناطومقاومت اسپین هال و

ممان مغناطیسی القا شده پلاتین در فصل مشترک بدلیل اثر همجواری مغناطیسی (اثر جفت شدگی تبادلی در فصل مشترک) قابل توجیه نیست. بلکه می توان این افزایش مغناطومقاومت را به ممان های مغناطیسی پلاتین در باند رسانش که توسط الکترون های رسانش پلاریزه اسپینی منتشر شده از لایه فرومغناطیس القا شده اند، نسبت داد. در حقیقت الکترون های رسانشی که از لایه پرمالوی وارد لایه پلاتین می شوند، بواسطه پراکندگی پلاریزه اسپینی از لایه پرمالوی، پلاریزه اسپینی می توانند باشند و یک فرومغناطیس ضعیف در لایه پلاتین ایجاد کنند و از این طریق اثر مغناطومقاومت ناهمسانگرد اضافی القا می گردد. [۵].

در این مطالعه بر روی رفتار مغناطومقاومـت ناهمسـانگرد فـیلم نازک چند لایه پرمـالوی/پلاتین در جهـت گیـری هـای مختلـف جریان و مغناطش متمرکز می شویم.

روش تجربى

ساختار چند لایه تانتالوم(۵nm)/پلاتین (۶nm) پرمالوی(x)/پلاتین(۱nm)]/ طلا(۳nm) با ضخامت های مختلف پرمالوی۳ و ۲،۲ = x نانومتر (به ترتیب بعنوان نمونه ۶۱، ۶۲ و (S۳) بر روی زیر لایه سیلیکون اکساید در دمای محیط توسط سیستم کندوپاش مگنترون DC تحت فشار ^{۸-} ۱۰ تور لایه نشانی گردید. در این ساختار، دولایه پرمالوی/پلاتین با ده مرتبه تکرار آماده شده است. از تانتالوم و طلا به ترتیب بعنوان لایه بافر و محافظ استفاده گردید. نمونه ها به شکل مستطیل در ابعاد ۲ × ۱۰ میلی مترمربع برش داده شدند.

اثر مغناطومقاومت با اندازه گیری مقاومت طولی بصورت دوپروب در دمای اتاق با اعمال جریان مستقیم ۱۰ میلی آمپر در زوایای مختلف جریان و میدان مغناطیسی اعمالی ۶ میلی تسلا مورد بررسی قرار گرفت. نسبت مغناطومقاومت طبق رابطه AR/R مورد Rmin/Rmin] = محاسبه گردید. Rma و Rmin به ترتیب متناظر با مقاومت اشباع برای مغناطومقاومت مثبت و منفی است.

بحث و نتایج پاسخ مغناطومقاومت، تحت جاروب یک میدان مغناطیسی درون


شکل ۱: نمودار مغناطومقاومت برای میدان مغناطیسی در حال جاروب به موازات صفحه در زاویای مختلف نسبت به جریان

صفحه ای برای سه نمونه با ضخامت مختلف لایه پرمالوی در زوایای مختلف نسبت به جهت جریان در شکل ۱ نشان داده شده است. با توجه به رفتار گوناگون مغناطومقاومت در زاویای مختلف، رفتار ناهمسانگرد قابل مشاهده می باشد.

تمامی نمونه ها با ضخامت ثابت پلاتین (۱ نانومتر) و ضخامت متغیر پرمالوی از ۱ تا ۳ نانومتر در زاویه صفر و نود درجه به ترتیب مغناطومقاومت مثبت و منفی از خود نشان دادند. بعبارتی در تمامی نمونه ها یک رفتار معمول مغناطومقاومت ناهمسانگرد مشاهده گردید. ویژگی فیزیکی فیلم پرمالوی به شرایط لایه نشانی بسیار حساس است. این مقادیر می تواند با توجه به میکروساختار فیلم همچون توزیع اندازه دانه، مورفولوژی پلی کریستالی و بافت ترجیحی تغییر کند [۶]. از آنجاییکه در حین لایه نشانی، با توجه به اینکه لایه های مورد نظر بسیار نازک هستند و در روش کندوپاش معمولا لایه بصورت کلاستر روی زیرلایه می نشیند، احتمال شکل گیری حفره در لایه وجو دارد بطوریکه از این طریق، ارتباطی بین لایه های همجوار فرومغناطیس ایجاد می گردد. با این شرایط

و نمونه چند لایه، رفتاری همچون ماده بالک و توده ای از خود نشان می دهد. از اینرو در این نمونه صرفا رفتار مغناطومقاومت ناهمسانگرد ظاهر شده است.

مغناطومقاومت نیز در نمونه S۳ در برخی زوایا همچون °۳۵، ۱۲۵۰ و ۱۴۵۰ رفتار پیچیده تری مانند جهش ناگهانی مقاومت نشان داده است که این پدیده به تغییر پیکربندی حوزه های مغناطیسی نسبت داده می شود [۷]. چون ممانها ترجیح می دهند در وضعیتی قرار گیرند که مجموع انرژی مگنتواستاتیک، آنیزوتروپی، انرژی تبادلی و همچنین انرژی زیمان مینیمم شده و در حالت پایدار و تعادل قرار گیرند [۸].

وجود عدم تقارن، به توزیع حوزه های مغناطیسی متفاوت در هر لایه از این ساختار نسبت داده می شود بعبارتی همبستگی خوبی بین حوزه های مغناطیسی متناظر در لایه های همجوار وجود نخواهد داشت. نمودار نامتقارن بیانگر جفت شدگی ضعیف تر و در نتیجه چرخش مغناطیسی مستقل برای هر لایه است. در مقابل وجود تقارن بهتر در نمودار مربوط به چرخش همدوس لایه



نتيجه گيرى

وابستگی مغناطومقاومت به زاویه بین میدان اعمالی و جریان بررسی شد. نتایج نشان داد رفتار مغناطومقاومت تحت تأثیر ضخامت لایه قرار می گیرد. با افزایش ضخامت لایه فرومغناطیس، درصد مغناطومقاومت نیز افزایش یافت. همچین وابستگی زاویه ای تغییرات مقاومت برای نمونه ۲ نانومتری بیشتر بود که بیانگر وجود جفت شدگی قویتر پرمالوی و پلاتین در لایه های نازک بود.

مرجعها

- G. Sung, C. Park, K. Shin, G. Sung, C. Park, and K. Shin, "Transition of the anisotropic magnetoresistance of permalloy films from the negative to the positive along with thickness Transition of the anisotropic magnetoresistance of permalloy films from the negative to the positive along with thickness," J. Appl. Phys., vol. 85, no. 1999, pp. 10–13, 1999.
- [2] F. Lesmes, A. Salcedo, J. J. Freijo, D. Garcia, A. Hernando, and C. Prados, "Influence of the interfaces on the anisotropic magnetoresistance of Ni / Co multilayers," *Appl. Phys. Lett.* 69, vol. 69, no. October, pp. 2596–2598, 1996.
- [3] C. L. Chien, J. Q. Xiao, and J. S. Jiang, "Giant negative magnetoresistance in granular ferromagnetic systems," J. Appl. Phys. 73, vol. 5309, no. 1993, 2012.
- Y. F. Liu, J. W. Cai, and L. Sun, "Large enhancement of anisotropic magnetoresistance and thermal stability in Ta / NiFe / Ta trilayers with interfacial Pt addition," *Appl. Phys. Lett.* 96, pp. 9–11, 2010.
- [5] J. X. Li, M. W. Jia, Z. Ding, J. H. Liang, Y. M. Luo, and Y. Z. Wu, "Pt-enhanced anisotropic magnetoresistance in Pt / Fe bilayers," *Phys. Rev. B* 90, vol. 214415, pp. 1–5, 2014.
- [6] S. Stavroyiannis, "Planar Hall effect and magnetoresistance in Ni81Fe19 and Co square shaped thin films," *Solid State Commun.*, vol. **125**, no. 6, pp. 333–336, 2003.
- [7] Y. K. Kim, "Magnetoresistance of Thin-Film NiFe Devices Exhibiting Single-Domain Behavior - Magnetics, IEEE Transactions on," *IEEE Trans. Magn.*, vol. **31**, no. 6, pp. 3358– 3360, 1995.
- [8] A. O. Adeyeye and R. L. White, "Magnetoresistance behavior of single castellated Ni80Fe20nanowires," J. Appl. Phys., vol. 95, no. 4, pp. 2025–2028, 2004.
- [9] S. C. Lima and M. N. Baibich, "Influence of sample width on the magnetoresistance and planar Hall effect of Co/Cu multilayers," J. Appl. Phys., vol. 119, no. 3, 2016.



های مغناطیسی بدلیل وجود جفت شدگی بین لایے ای قویتر می

شکل ۲: تغییرات مغناطومقاومت حاصل در زوایای مختلف برای سه نمونه

نتایج حاصل از اندازه گیری مغناطومقاومت در زوایای مختلف در شکل ۲ ترسیم شده است. بالاترین درصد مغناطومقاومت ۰/۳۷ درصد برای نمونه S۳ در زاویه نود درجه، ۱۲/۰ و ۱۰/۰۱۵ به ترتیب برای S۲ و S۱ در زاویه صفر درجه حاصل گشت. طبق نمودار زیر روند تغییرات مغناطومقاومت بر حسب زاویه برای نمونه S۳ نسبت به S۲ و S۱ متفاوت است.

نسبت مغناطومقاومت ناهمسانگرد نیز طبق رابطه تجربی *P***/** *∧* برای نمونه S۲، S۱ و S۳ به ترتیب ۰/۰۸ ، ۰/۴۲ و ۶/۳ درصد محاسبه گردید. نتایج نشان داد که این نسبت با افزایش ضخامت پرمالوی افزایش می یابد. همچنین وابستگی زاویه ای تغییرات مقاومت (شکل۳) مورد بررسی قرار گرفت.

طبق این شکل وابستگی زاویه ای ΔR برای نمونه S۲ بیشتر از S۳ می باشد. در S۱ با توجه به ضخامت بسیار کم، تغییرات مقاومت ناچیز بوده و قابل صرف نظر کردن است. در نمونه S۲ جفت شدگی بین لایه های پرمالوی و پلاتین بیشتر بوده و ممانها در لایه تحت اعمال میدان می توانند بطور همدوس با یکدیگر چرخیده و همراستا با هم قرار گیرند. در نمونه ۳۳ نیز این جفت شدگی ضعفیتر بوده و با توجه به ضخامت بیشتر پرمالوی ممانهای مرکزی مستقل عمل کرده و صرفا جفت شدگی در ممانهای نزدیک در فصل مشترک پلاتین وجود دارد. بعبارتی نتایج حاصله نشان می دهد در لایه نازکتر جفت شدگی بین پرمالوی و پلاتین در فصل مشترک بیشتر است.

سنتز و مشخصه یابی نانو کامپوزیت مغناطیسی (PEG) (CuO@Fe₃O₄

ایراننژاد، فاطمه؛ حکمت آرا، هدی؛ سیدیزدی، جمیله گروه فیزیک دانشگاه ولی عصر (عج)

چکیدہ

در این پژوهش ساختار هسته-پوستهی (PEG)، CuO@Fe₃O₄(PEG)، با استفاده از روش سلووترمال سنتز گردیده و ویژگی فوتوکاتالیستی این کامپوزیت مورد بررسی قرار گرفت. نمونهی آماده شده جهت بررسی تشکیل پیوندها و ویژگیهای ریختشناسی و ساختاری توسط پراش سنجی پرتو X (XRD)، طیف سنجی تبدیل فوریه فروسرخ (FTIR)، مغناطیس سنج نمونه ارتعاشی (VSM)، میکروسکوپ الکترونی عبوری (TEM)، طیف سنجی پراش انرژی پرتو ایکس (EDX) و طیف سنج مرئی-فرابنفش (VITR)، مغناطیس ند آنالیز WSM اشباع مغناطیسی کامپوزیت (CuO@Fe₃O₄(PEG) را O+۲۲ emu/g و میدان وادارندگی آن را IT/۲۲ Oe نشان میدهد. بررسی عملکرد فوتوکاتالیستی نمونه، تخریب ۲۳٪ رنگ متیلن آبی را در مدت زمان ۱۰۰ دقیقه در حضور کاتالیزور مغناطیسی گزارش میکند.

Synthesis and Characterization of CuO@Fe₃O₄(PEG) Magnetic Nanocomposites

Irannezhad, Fatemeh; Hekmatara Hoda; Seyedyazdi, Jamileh

Department of Physics, Faculty of Science, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Iran.

Abstract

In the present study, core-shell structure of $CuO@Fe_3O_4(PEG)$ has been synthesized by solvothermal method and its photocatalytic activity have been investigated. Prepared sample have been characterized by X-ray diffraction pattern (XRD), Fourier-transform infrared spectroscopy (FTIR), vibrating sample magnetometer (VSM), transmission electron microscope (TEM), Energy dispersive X ray (EDS) and UV-vis to prove purity of the sample. The measured saturation magnetization of the sample is about 50.22 emu/g with 12.22 Oe coercivity. The photocatalytic activity of magnetic nanocomposite as a photocatalyst shows 63% degradation of methylene blue during 100 min time interval.

PACS No. (75.20)

سازگاری بالا با محیط زیست در زمینههای بیومغناطیس به طور گستردهای مورد استفاده قرار گرفتهاند [۳]. در سالهای اخیر اکسیدمس (CuO) نیمرسانای نوع p با گاف نواری I/۲ eV توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. CuO را می توان به طور بالقوه در حسگرهای گازی، سلولهای خورشیدی، مواد کاتدی الکترونیکی و کاتالیزورها استفاده کرد [٤]. متیلن بلو رایجترین ترکیب رنگی مورد استفاده به منظور رنگ آمیزی پنبه،

اکسیدهای فلزی نقش بسیار مهمی در بسیاری از زمینههای شیمی، فیزیک و علم مواد بازی میکنند. عنصرهای فلزی میتوانند تنوع زیادی از ترکیبات اکسید را تشکیل دهند. آنها میتوانند سه ساختار متفاوت، رسانا، نیمرسانا و عایق داشته باشند [۱و۲]. نانوذرات مغناطیسی اکسیدآهن (Fe₃O₄) به علت ویژگیهای مغناطیسی، ایجاد مقدار کمی مسمومیت، توانایی جذب بالا و

مقدمه

پشم و ابریشم است. استنشاق این ترکیب می تواند سبب اختلال در تنفس شده همچنین تماس مستقیم با آن می تواند باعث بروز آسیب های دائمی به چشمهای انسان و حیوانات، سوختگیهای موضعی، تهوع و استفراغ، افزایش تعریق و اختلالات ذهنی شود [0و7]. هدف از انجام این پژوهش سنتز نانوکامپوزیت مغناطیسی دوتایی هسته-پوسته (PE3O4(PEG) و بررسی ویژگی فوتوکاتالیستی آن با توجه به تأثیر آن بر تخریب رنگ متیلنآبی میباشد.

روش آزمایش

در این آزمایش، نانوکامپوزیت مغناطیسی (PEG) (PEG) (معاور ابه این با استفاده از روش سلووترمال سنتز شده است. روش کار به این شرح بود که ابتدا اکسیدآهن توسط پلیاتیلنگلیکول (PEG) عاملدار شد و پس از آن gr ۱/۵ نیترات مس سه آبه معاملدار شد و پس از آن J،۵ gr و پس از آن مقدار gr یاکنده و پس از آن مع مراکنده و پس از آن مقدار gr T/۳ gr از (Cu(NO₃)₂.3H₂O) به سوسپانسیون بدست آمده اضافه مقدار gr توسط یک همزن مکانیکی بیش از ۱۲ ساعت تحت همزن قرار و توسط یک همزن مکانیکی بیش از ۱۲ ساعت تحت همزن قرار گرفت. سپس با اضافه کردن مقداری NaOH ۱ مولار، Hq محلول به ۱۳ رسانده و پس از مدت کوتاهی به دلیل خاصیت مغناطیسی، کامپوزیت هسته پوستهی تشکیل شده توسط آهنربا جمع آوری و با آب شستشو داده شد [۷]. جهت بررسی ویژگی فوتوکاتالیستی، gr ا۰۰٬۰۱ از متیلن آبی در m ۳ آب حل شد و مقدار gr ۱۰٬۰۱ از نمونهی سنتز شده در m ۳ آب نیز پراکنده شد، سپس با یکدیگر مخلوط گشته و در فاصلهی ۱۹ ما از لامپ فرابنفش تحت همزن قرار داده شد.

نتايج و بحث

شکل ۱ آنالیز FTIR نانوکامپوزیت (PEG@Fe₃O₄(PEG) به میباشد که پیوند O-H و پیوندهای فلزی (Fe-O و Cu-O) به ترتیب در محدودهی ¹⁻۳٤۲٤ cm ۴۸۰ مشاهده میشوند.



شکل ۱: آنالیز FTIR نانوکامپوزیت (CuO@Fe₃O₄(PEG)، که پیوندهای فلزی Fe-O و Cu-O در موقعیت ¹⁻۵۸۳ cm و پیوندهای O-H در ۳۲۲۶ cm⁻¹ مشاهده میشوند.

شکل ۲ آنالیز XRD نانوکامپوزیت (EG@Fe₃O₄(PEG) را نشان میدهد که در آن قلههای موجود در ^{(۳}۳٬۳٬^۵, ۳۵٫۳٬^۹, ۳۷٫۱۰ ^{(۳}۲۶٬^۵, ۵۱٫۱۰) ^{(۳}۲۲)، ^{(۳}۲۲)، ۲۲۵۱)، ^{(۳}۲۵٫) مگنتیت میباشند. همچنین پیکهای موجود در ^{(۳}۳۳٬^۹, ۳۵٫۳٬^۹, ۲۵٫۶٬ ^{(۳}۲۰)، ^{(۲}۲۰)، ^{(۲}۲۰)، ^{(۲}۲۰)، ^{(۳}۲۰)، ⁽¹۲۰) ⁽¹۲۰)، ^{(۲}۲۰)، ⁽¹۲۰)، ^{(۲}۲۰)، ^{(۲}۲۰)، ⁽¹۲۰)</sup> ⁽¹۲۰)، ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰)</sup> ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰)</sup> ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰), ⁽¹۲۰)</sup>



شكل ۲: أناليز XRD نانوكامپوزيت (CuO@Fe₃O₄(PEG، حضور اكسيدآهن و اكسيدمس را در ساختار تأييد ميكند.

شکل ۳ اشباع مغناطیسی نانوکامپوزیت (CuO@Fe₃O₄(PEG) را در ۵۰٬۲۲ emu/g نشان میدهد. شکل (٤) مقدار وادارندگی مغناطیسی نمونه، (H_c)، را در حدود ۱۲/۲۲ Oe نشان میدهد. به دلیل حضور نانوذرات مغناطیسی اکسیدآهن (Fe₃O₄) با خاصیت

ابرپارامغناطیسی در موقعیت پوسته، رسیدن به اشباع مغناطیسی و کوچک بودن پسماند در نمودار بدیهی میباشد. ویژگی ابرپارامغناطیسی نمونه از آنالیز VSM مشاهده میشود.



شکل۳: آنالیز VSM نانوکامپوزیت CuO@Fe₃O₄(PEG)، اشباع مغناطیسی نمونه ۵۰٬۲۲ emu/g و ویژگی ابرپارامغناطیسی اکسیدآهن موجود در ساختار دیده می شود.



شکل ٤: آنالیز VSM نانوکامپوزیت CuO@Fe₃O₄(PEG)، در محدودهی میدانهای کوچک جهت تعیین وادارندگی مغناطیسی.

شکل ۵ آنالیز EDS کامپوزیت CuO@Fe₃O₄(PEG) میباشد. در این تصویر پیکهای مربوط به حضور آهن و مس دیده میشود که نشان دهنده سنتز موفقیتآمیز نمونهی مورد نظر میباشد.



شکل ه: آنالیز EDS نانوکامپوزیت (CuO@Fe₃O₄(PEG، حضور عناصر آهن، مس و اکسیژن را در ساختار را تأیید میکند.

شکل ۲ تصویر TEM نانوکامپوزیت (PEG)،CuO@Fe₃O₄ نمایانگر هسته-پوسته بودن ساختار نمونه است. در این تصویر تجمع نانوذرات به دلیل ویژگی مغناطیسی نسبتاً بالای نانوکامپوزیت تشکیل شده است.



200 nm Mag = 27.800 KX DayPetronic Company

شكل٦: تصوير TEM نانوكامپوزيت (CuO@Fe₃O₄(PEG. در تصوير كوچک بالای سمت راست ساختار هسته-يوسته اكسيدآهن⊣كسيدمس ديده می شود.

در این آزمایش جهت بررسی عملکرد فوتوکاتالیستی نمونه CuO@Fe₃O₄(PEG) در مدت زمان ۱۰۰ دقیقه، درصد تخریب رنگ متیلن آبی تحت لامپ فرابنفش مورد بررسی قرار گرفت (شکل ٦) که ٦٣٪ تخریب گزارش می شود.مشخصه ی جذب و آهنگ تخریب از رابطه های ۱ و ۲ محاسبه می شود. در شکل ۷ می توان نمودار تغییرات C/C و (C₀/C) و همچنین شکل ۸ نمودار مشخصه ی جذب بر حسب زمان را نشان می دهد.

- مرجعها
- N. A. Spaldin, "Magnetic Materials: Fundamentals and Applications"; Cambridge University Press (2010)
- [2] B. D. Cullity, C. D. Graham, "Introduction to Magnetic Materials"; John Wiley & Sons (2011).
- [3] L. Yu, H. Wu, B. Wu, Z. Wang, H. Cao, C. Fu and N. Jia, "Magnetic Fe₃O₄-Reduced Graphene Oxide Nanocomposites-Based Electrochemical Biosensing", *Nano-Micro Letters* 6(3) (2014) 258-267.
- [4] V. Scuderi, G. Amiard, S. Boninelli, S. Scalese, M. Miritello, P. M. Sberna and V. Privitera, "Photocatalytic activity of CuO and Cu₂O nanowires", *Materials Science in Semiconductor Processing* 42 (2016) 89-93.
- [5] V. Ponnusami, R. Madhuram, V. Krithika, S. N. Srivastava, "Effects of Process Variables on Kinetics of Methylene Blue Sorption onto Untreated Guava (Psidium guajava) Leaf Powder: Statistical Analysis", *Chemical Engineering Journal* 140 2008 609.
- [6] M. Rafatullah, O. Sulaiman, R. Hashim, A. Ahmad, "Adsorption of Methylene Blue on Low-cost Adsorbents A Review", *Journal of Hazardous Materials* 177 2010 70-78.
- [7] C. Sun, et al. "Magnetic CuO@Fe₃O₄ nanocomposite as a highly active heterogeneous catalyst of persulfate for 2, 4-dichlorophenol degradation in aqueous solution", *RSC Advances* 5(70) (2015) 57058-57066.

$$\frac{c_{\rm c}-c}{c_{\rm c}} \times 100 \tag{1}$$

$$\ln \frac{c_o}{c} = kt \tag{(Y)}$$



شکل ۷: نمودار طیف جذبی از تخریب متیلن آبی در حضور نانوکامپوزیت مغناطیسی CuO@Fe₃O₄(PEG).



شکل ۸ نمودار تغییرات C/C₀ و Ln(C₀/C متیلن آبی بر حسب زمان در حضور فوتوکاتالیست (CuO@Fe₃O₄(PEG.



شکل ۹: نمودار مشخصهی جذب و تخریب متیلن آبی بر حسب زمان در حضور فوتوکاتالیست (CuO@Fe₃O₄(PEG.

بررسی خواص مغناطیسی انبوهه اکسید روی آلاییده شده با مس ایرندگانی، عصمت؛ عباسنژاد، محدثه دانشکده فیزیک دانشگاه شهید باهنر کرمان ، کرمان

چکیدہ

در کار حاضر، محاسبات تئوری بر پایه نظریه تابعی چگالی و تقریب شیب تعمیم یافته به همراه پارامتر هابارد به منظور مطالعه خواص مغناطیسی اکسید روی آلاییده شده با مس انجام شده است. نتایج مغناطیسی نشاندهنده آن است که آلایش ساختار با مس، باعث ایجاد خاصیت مغناطیسی در ماده می شود و در آن اسپین بالا رفتار نیمرسانا و اسپین پایین رفتار فلزی نشان می دهند. ایجاد تهی جایی اکسیژن در اطراف مس خاصیت مغناطیسی را کاهش داد. همچنین آلایش، ثابت شبکه را به میزان اندکی افزایش داد و باعث کاهش قابل ملاحظه در گاف نواری شد.

Investigation of magnetic properties of Cu doped ZnO

Irandegani, Esmat; Abbasnejad, Mohaddeseh

Faculty of Physics, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman,

Abstract

In the present work, the theoretical calculations based on density functional theory (DFT) and generalized gradient approximation (GGA) within Hubbard parameter have been carried out to study the magnetic properties of Cu doped ZnO bulk. Based on the results, doping Cu leads to magnetic properties in structure such that spin up states show semiconductor behavior and spin down shows metal behavior. Oxygen vacancy induced the magnetic property, too. Moreover, doping Cu leads to the increase of lattice constants slightly and decrease of band gap significantly.

PACS No V.

کوبیتهای اسپینی برای کامپیوترهای کوانتومی شده است. نیاز اصلی بیشتر دستگاههای مبتنی بر اسپین، دستیابی به فرومغناطیس بالای دمای اتاق در ماده میزبان است [۲]. اولین بار امکان وجود فرومغناطیس دمای اتاق در نیمرساناهای رقیق شده توسط دیتل و همکاران بررسی شد. با استفاده از مدل فرومغناطیس زنر، بسیاری از مواد خاصیت فرومغناطیس را در دمای اتاق نشان میدهند. در بین این مواد اکسید روی به دلیل اینکه توسط آلایش با اکثر فلزات واسطه خاصیت فرومغناطیس را نشان میدهد، بسیار مورد توجه است. هنوز بحث برانگیز است اما اغلب به طور نظری می توان دریافت که ممکن است این فرومغناطیس از توزیع غیر یکنواخت ناخالصیها نشأت گرفته باشد [۳]. آزمایشهای تجربی و محاسبات تئوری متعددی

مقدمه

امکان استفاده همزمان از درجات آزادی بار و اسپین، شاخه جدیدی از الکترونیک بهنام "اسپینترونیک" را بهوجود آورده است. وجود حاملهای قطبی که اطلاعات را از طریق اسپین حمل میکنند، نیاز به نیمرسانای مغناطیسی را در کاربردهای اسپینترونیک بسیار بالا برده است. دستیابی به فرومغناطیس قوی در مواد نیمرسانا بسیار دشوار است. این درحالی است که رشد نیمرساناهای رقیق شده (DMS) نسبتاً راحت ر میباشد. در نیمرسانای مغناطیسی رقیق شده، تعداد کمی از کاتیونهای ماده توسط فلزات واسطه جایگزین میشود و میتواند فرومغناطیس را در نیمرسانا بهوجود آورد [۱]. کنترل وابستگی اسپینی در نیمرساناها باعث ایجاد دستگاههایی از قبیل دیودهای نور افشان اسپینی، ترانزیستورهای اثر میدان اسپینی و

وجود فرومغناطیس را در نیمرساناهای آلاییده شده با مس نشان دادهاند [٤, ٥]. در میان این آلیاژها، اکسید روی علاوه بر اینکه یکی از مواد امیدوار کننده برای فرومغناطیس دمای اتاق است، خواص متنوعی در زمینههای نیمرسانایی، پیزوالکتریک و اپتیک دارد [٦]. در کار حاضر خواص مغناطیسی انبوهه اکسید روی آلاییده شده با مس بررسی شده است.

روش محاسباتى

محاسبات ابتدا به ساکن در چارچوب نظریه تابعی چگالی و با استفاده از بسته محاسباتی کوانتوم اسپرسو(Quantum استفاده از بسته محاسباتی کوانتوم اسپرسو(ESPRESSO گرفت. در محاسبات، شبه پتانسیل فوق نرم برای توصیف بر هم کنش گرفت. در محاسبات، شبه پتانسیل فوق نرم برای توصیف بر هم کنش الکترون ها با یون انتخاب گردید. برای توصیف انرژی تبادلی همبستگی از تقریب شیب تعمیم یافته (GGA) با تابعی پردو-برک-ارزرهوف (PBE) استفاده شد. به منظور تصحیح جفت شدگی غیر فیزیکی برای اوربیتال های Tاتم T و T اتم O، از پارامتر هابارد ابتدیکی برای اوربیتال های T اتم T و T اتم O، از پارامتر هابارد استفاده شد [۷]. همچنین با توجه به وجود ترازهای D جایگزیده در استفاده شد [۷]. همچنین با توجه به وجود ترازهای D با تا بخاب شد [۸].

مقادیر بهینه انرژی قطع تابع موج و چگالی بار به ترتیب ۳۰ Ry و ۳۰۰ Ry و همچنین شبکهبندی نقاط k ۸×۸×۸ محاسبه شدند. در این محاسبات از ابریاخته ۲×۲×۲ شامل ۳۲ اتم (۱۱ اتم روی و ۱۹ اتم اکسیژن) استفاده شد. آلایش به ازای ۲۰۵۰/۰۳ (سیر 2n_{1-x}Cu_xO) یعنی معادل یک اتم Cu در ابریاخته بررسی شد (شکل ۱).

نتيجه و بحث

خواص ساختاری و الکترونی

انبوهه اکسید روی در شرایط محیطی در ساختار ورتسایت با گروه فضایی *p63mc* متبلور می شود. پارامترهای شبکه یاخته واحد بهینه شده به ازای *a* و *c* به ترتیب ۳/۲٤۱ و ۸/۱۸۵ آنگستروم محاسبه شد. همچنین مدول کپهای و مشتق آن از برازش به معادله حالت مورناگان، بهترتیب ۱٤٩/۸ GPa و ۶/٤۸ بهدست آمدند که در توافق با نتایج تجربی(۱۲/۶ GPa و ۳/۳) هستند [۹].

در نیمرساناهای مغناطیسی یکی از عواملی که خواص ماده را به شدت تغییر میدهد، جایگزینی اتمهای ناخالصی در محلهای مناسب است. در آلایش ساختار اکسید روی با مس که منجر به نیمرسانای نوع p میشود، جایگذاری اتم مس با روی، پایدارتر از سایر پیکربندیها گزارش شده و در توافق با مشاهدات تجربی میباشد [۱۰]. در ادامه محاسبات، اتم مس جایگزین اتم روی شده است.



شکل۱: انبوهه اکسید روی آلاییده شده با مس. گویهای بزرگ و کوچک به ترتیب معرف اتمهای روی و اکسیژن هستند.

به منظور بررسی قابلیت آلایش اکسید روی با مس، انرژی تشکیل سیستم طبق فرمول

 $E_{form} = E(ZnO:Cu) - E(ZnO) + \mu(Zn) - \mu(Cu)$ محاسبه شد که در آن (E(ZnO:Cu) انرژی کل ساختار آلاییده شده، (E(ZnO) انرژی کل ساختار خالص و $((Cu)) \mu$ و $((Zn)) \mu$ به ترتیب پتانسیلهای شیمیایی مس و روی هستند. مقدار انرژی تشکیل (E(ZnO) بهدست آمد. مطابق گزارش انجام شده [1]، استفاده از پارامتر هابارد بیش از P eV برای مس باعث کاهش قابل ملاحظه در پایداری ساختار آلاییده شده با مس شده است. به دلیل اینکه Cu دهنده بار کمتری نسبت به Zn است، جایگذاری آن با Zn، باعث کاهش قدرت پیوندهای اطراف مس می شود و به دنبال آن پارامتر شبکه به میزان اندکی افزایش می یابد.

مطابق شکل (۲)، محاسبات ساختار الکترونی نشان میدهند که ساختار نواری اکسید روی آلاییده شده با مس، رفتار نیمفلزی نشان میدهد و میزان گاف نیمفلزی ۲/٥ eV بهدست آمد که در مقایسه با حالت خالص با گاف نواری ۳/٤٤ eV، کاهش قابل ملاحظهای داشته است. اسپین بالا رفتار نیمرسانا و اسپین پایین رفتار فلزی دارد. به

εf O_{2s} O 2p -5 partial DOS (a.u) 4 Zn 4s -2 Zn 3d cu 4s .5 .5 Cu 3d -3 total DOS 40 0 -40 -80 -15 10 Energy (eV) شکل ۳: چگالی حالات کلی و جزئی اکسید روی آلاییده شده با مس برای اسپين بالا و پايين.

خواص مغناطيسي

همان گونه که بیان شد، ساختار نواری حالت فرومغناطیس، رفتار نیم فلزی با گاف نواری ۲/۵ الکترون–ولت را نشان می دهد. اسپین بالا رفتار کاملاً نیم رسانا و اسپین پایین رفتار فلزی دارد. بنابراین حامل ها ۱۰۰٪ قطبیده هستند. با افزودن Cu، گشتاور مغناطیسی معادل $_{\mathcal{H}}$ ۱ به دلیل نیم فلز شدن ساختار یافت شد. اتم Cu با گشتاور مغناطیسی $_{\mathcal{H}}$ ۱ به دلیل نیم فلز شدن ساختار یافت شد. اتم Cu با گشتاور مغناطیسی $_{\mathcal{H}}$ ۱ به دلیل نیم فلز شدن ساختار یافت شد. اتم Cu با گشتاور مغناطیسی $_{\mathcal{H}}$ ۱ به دلیل نیم فلز شدن ساختار یافت شد. اتم Cu با گشتاور مغناطیسی معادل $_{\mathcal{H}}$ ۱ به دلیل نیم فلز شدن ساختار یافت معناطیسی معادل اتم اکمی در تم اطراف اتم Cu که در چهار وجهی پاCu و مغناطیسی $_{\mathcal{H}}$ ۲۳۵/۰ و اطراف اتم مس قرار دارند با گشتاور مغناطیسی معادر اتم اکسیژن و مفید، اتم مس قرار دارند با گشتاور مغناطیسی در اتم اکسیژن اتم اکسیژنی که در بالای اتم مس قرار دارد با گشتاور معناطیسی در اتم اکسیژن و طبیده شدهاند. کوچک تر بودن گشتاور مغناطیسی در اتم اکسیژن بالای مس ناشی از توزیع چهار وجهی است و دلیل آن، بلند تر بودن پیوند O-Cu در اتم اکسیژن بالایی است. سایر اتم های اکسیژن دور از اتم مس و همچنین اتم های Zn با گشتاوری کمتر از هادند. دلیل این رفتار متفاوت، در حضور میدان مغناطیسی یک جریان اسپینی بهوجود خواهد آمد و ساختار کاملاً قطبی خواهد بود.

نوار تخت مشاهده شده در نزدیکی تراز فرمی در ساختار نواری اسپین پایین مربوط به اوربیتال ۳۵ مس و اوربیتالهای ۲۶ چهار اکسیژن اطراف مس هستند که منشاء مغناطش در ساختار میباشند. حالات نزدیک سطح فرمی اغلب اوربیتالهای ۲۵ اتم مس هستند که با اوربیتال ۲۶ اتم اکسیژن به شدت برهم کنش دارند. همچنین انتقال ساختار نواری مربوط به اسپین پایین به سمت انرژیهای پایینتر، بیانگر این است که ساختار آلاییده شده نیمرسانای نوع p است.



همانطور که اشاره شد و مطابق شکل (۳)، اوربیتالهای ۳۵ اتم مس و ۲۷ اکسیژن باعث ایجاد خاصیت نیمفلزی در ساختار آلاییده شده می شوند. برهم کنش بین اوربیتالهای ۲۷ اتمهای اکسیژن اطراف مس و اوربیتال ۳۵ اتم مس باعث کاهش گاف نواری و همچنین ایجاد خاصیت مغناطیسی در ساختار می شود. علاوه بر این، همانطور که در شکل (۳) نشان داده شده است، پیوند O-D به طور عمده از نوع کوالانی است. به همین دلیل، خاصیت یونی ساختار آلاییده شده در مقایسه با ساختار خالص کمتر است و باعث پایداری بیشتر ساختار آلاییده شده نسبت به نمونه خالص می شود.

- [r] Verma, A., S.J.J.o.M. Tripathi, and M. Materials, Magnetic Annealing temperature Modulated Room Temperature Ferromagnetism in Zn Doped ZnO Thin Film. 2019.
- [1] Ando, K., et al., Magneto-optical properties of ZnO-based diluted magnetic semiconductors. 2001. 89(11): p. 7284-7286.
- [o] Park, M.S. and B.J.P.R.B. Min, Ferromagnetism in ZnO codoped with transition metals: Zn 1-x (FeCo) x O and Zn 1-x (FeCu) x O. 2003. 68(22): p. 224436.
- [7] Huang, D., et al., *Magnetism and clustering in Cu doped ZnO*. 2008.
 92(18): p. 182509.
- [v] Calzolari, A., A. Ruini, and A.J.J.o.t.A.C.S. Catellani, Anchor group versus conjugation: toward the gap-state engineering of functionalized ZnO (1010) surface for optoelectronic applications. 2011. 133(15): p. 5893-5899.
- [A] Scanlon, D.O., et al., Effect of Cr substitution on the electronic structure of CuAl 1-x Cr x O 2. 2009. 79(3): p. 035101.
- [4] Desgreniers, S.J.P.R.B., S. Desgreniers, Phys. Rev. B 58, 14102 (1998).
 1998. 58: p. 14102.
- [1] Wahl, U., et al., Lattice location and stability of implanted Cu in ZnO.
 2004. 69 :(1)p. 012102.

با وجود اینکه بیشتر گشتاور مغناطیسی در داخل چهارگوشه ،CuO محدود شده است، جفت شدگی بین اتم Cu با چهار اتم اطراف آن، ممکن است برهمکنش فرومغناطیس را به اتمهای دورتر گسترش دهد و بنابراین فرومغناطیس را در ساختار افزایش دهد. ایجاد تهی جایی اکسیژن در چهارگوشه ،CuO باعث شکسته شدن یکی از پیوندهای Cu-O که تأثیر بسزایی در خاصیت مغناطیسی دارند، میشود و در نتیجه فرومغناطیس به طور قابل ملاحظهای کاهش مییابد. ایجاد تهی جایی اکسیژن به عنوان یک نقص نوع n الکترونهای ناخالصی که میتوانند حاملهای نوع p را خنثی کنند، فراهم میکند و سبب از بین رفتن رسانندگی ناشی از آلایش با Cu

نتيجه گيري

در کار حاضر خاصیت مغناطیسی ساختار اکسید روی آلاییده شده با مس با استفاده از محاسبات ابتدا به ساکن بررسی شد. محاسبات نشان دادند که افزودن مس به ساختار باعث القای خاصیت مغناطیسی میشود. بیشترین گشتاور مغناطیسی در Cu و سپس در چهار اتم اکسیژن اطراف آن، مشاهده شد. پیوند بین اتمهای اکسیژن و مس غالباً از نوع کوالانی می باشند و درنتیجه سیستم آلاییده شده پایدارتر از نمونه خالص می باشد. برهم کنش بین اور بیتال Th اتم مس و اور بیتالهای Th اکسیژن باعث ایجاد خاصیت مغناطیسی و ممچنین کاهش گاف نواری می شوند. به دلیل رفتار متفاوت اسپین بالا و پایین، هنگامی که این ساختار در میدان مغناطیسی قرار می گیرد، حاملها کاملاً قطبیده می شوند و در نتیجه می تواند گزینه مناسبی در کاربردهای تزریق اسپین باشد.

سپاسگزاری

بخشی از هزینههای این پژوهش توسط معاونت پژوهشی دانشگاه شهید باهنر کرمان تأمین شده است.

مرجعها

- Huang, L., A. Rosa, and R.J.P.R.B. Ahuja, *Ferromagnetism in Cudoped ZnO from first-principles theory*. 2006. 74(7): p. 075206.
- [Y] Pearton, S., et al., ZnO spintronics and nanowire devices. 2006. 35(5): p. 862-868.

مطالعه خواص مغناطیسی و الکترونی ترکیب PbFeO₃ در حالت انبوهه و سطوح (۱۰۰)، (۱۱۰) و (۱۱۱) با استفاده از محاسبات اصول اولیه

پاکیزہ، اسماعیل^{،**}

دانشکده نفت و گاز گچساران، دانشگاه یاسوج، گچساران ۲۰۰۱ ۵–۵۲، ایران e.pakizeh@yu.ac.ir; esmaeil_pakizeh@yahoo.com*

چکیدہ

ماده ی مولتی فروییک PbFeO₃ دارای دو خاصیت فروالکتریکی و مغناطیسی است و در زمینه های ذخیره اطلاعات، سنسورها و حافظههای مگتوالکتریک دارای کاربرد فراوان می باشد. در این مقاله با استفاده از نظریه ی تابعی چگالی و کد کوانتوم اسپرسو خواص مغناطیسی و الکترونی این ترکیب در فازهای تریگونال، تریکلینیک، مونوکلونیک و هگزاگونال مورد بررسی قرار گرفت. محاسبه ها با استفاده از روش امواج تخت با شبه پتانسیل فوق نرم انجام شده است. در این روش برای انرژی همبستگی – تبادلی از تقریب شیب تعمیم یافته GGA-PBE استفاده از روش امواج تخت با شبه پتانسیل فوق نرم انجام شده است. در این روش رسانا و در راستای سطح (۱۰۰) نیمه رسانا با گاف نواری Ve 50 می باشد. بررسی خواص مغناطیسی نشان می دهد، که گشتاور مغناطیسی کل ماده در راستای سطوح (۱۰۰)، (۱۰۰) و (۱۱۱) نسبت به حالت انبوهه بیشتر می شود. همچنین در حالت انبوهه با افزایش ثابت شبکه گشتاور مغناطیسی کل افزایش می یابد.

کلیدواژه: خواص مغناطیسی، گشتاور مغناطیسی کل، خواص الکترونی، نظریه تابعی چگالی

Study of magnetic and electronic properties of PbFeO₃ compound in bulk phase and (100), (110) and (111) surfaces by using first principle study

Pakizeh, Esmaeil^{1,*}

¹Faculty of Petroleum and Gas, Yasouj University, Gachsaran 75813-56001, Iran *Corresponding author: e.pakizeh@yu.ac.ir; esmaeil_pakizeh@yahoo.com

Abstract

The Multiferroic material of $PbFeO_3$ has two ferroelectric and magnetic properties, and in the field of information storage, sensors and magnetolectric memory is widely used. In this paper, by using the density functional theory and quantum espresso code, the magnetic and electronic properties of this compound were investigated in trigonal, triclinic, monoclinic and hexagonal phases. The calculations have been performed using plane wave sets with ultrasoft pseudopootential. In this method, for the exchange- correlation energy the generalized gradient approximation GGA-PBE is used. An analysis of the electronic band structure showed that this compound is conductive in bulk state and in (100) surface is semiconductor with a band gap of 0.5 eV. The investigation of magnetic properties shows that the total magnetic moment of the material increases along the surfaces of (100), (110) and (111) relative to the bulk state. Also in the bulk mode, the total magnetic moment increase with increasing lattice constant.

Keywords: Magnetic properties, Total magnetic moment, Electronic properties, Density functional theory PACS No. 70, 71, 73, 75.

مقدمه

مواد مولتی فروییک به خاطر وجود هم زمان نظم های مغناطیسی و فروالكتريكي داراي قابليت صنعتي بسيار بالايي مي باشند. در ايـن مواد قطبش الكتريكي توسط ميدان مغناطيسي القا مي شـود [٣-١]. این مواد در رادارهای مغناطیسی، محرک هـا، حسـگرها و صـنایع اسپین ترونیک کاربرد فراوانی دارند [٤،٥]. در میان مواد مولتی فروالكتريك، اكسيد هاي فلزات واسطه با ساختار پروسكايت مانند AlFeO₃, FeAlO₃, FeVO₃, BiFeO₃, PbFeO₃ خواص فروالكتريكي و مغناطيسي بسيار جالبي مي باشند [7]. ساختار پروسکایت به صورت ABO₃ می باشد که در آن A در گوشه ها، B در مرکز و O در مراکز وجوه مکعب قرار میگیرد. در این مقاله با استفاده از نطریـه تـابعی چگـالی بـه بررسـی خـواص الکترونی و مغناطیسی ترکیب PbFeO₃ در حالت انبوهه و سطوح (۱۰۰)، (۱۱۰) و (۱۱۱) پرداختیم. در این ترکیب سرب در گوشه ها، آهن در مرکز و اکسیژن در مراکز وجوح مکعب قرار میگیرنـد. این ماده به دلیل وجود جفت شدگی الکترون یونی Pb-O دارای خاصیت فروالکتریکی، و به خاطر اتم های آهن دارای خاصیت مغناطیسی می باشد [۷].

۱- ساختار بلوری و جزییات محاسباتی

ترکیب PbFeO₃ در حالت انبوهه دارای ساختار بلوری پروسکایت و گروه فضایی R-3m با شماره ۱٦٦ می باشد. شکل ۱ ساختار بلوری این ترکیب را در حالت انبوهه و سطوح (۱۰۰)، (۱۱۰) و (۱۱۱) نشان میدهد. در حالت انبوهه اتم های سرب، آهن و اکسیژن مطابق جدول ۱ در ساختار بلوری دارای فاز تریگونال قرار می گیرند.

| ، های اتمی بلور PbFeO ₃ در حالت انبوها | رل ۱: موقعیت | جدو |
|---|--------------|-----|
|---|--------------|-----|

| atom | Х | Y | Z |
|------|-----|-----|-----|
| Fe | 0.5 | 0.5 | 0.5 |
| 0 | 0.0 | 0.5 | 0.5 |
| 0 | 0.5 | 0.0 | 0.5 |
| 0 | 0.5 | 0.5 | 0.0 |
| Pb | 0.0 | 0.0 | 0.0 |

ترکیب PbFeO₃ در راستای سطوح (۱۰۰)، (۱۱۰) و (۱۱۱) مطابق شکل ۱ به ترتیب دارای ساختار، تریکلینیک، مونوکلینیک و هگزاگونال می باشد.



شکل۱: ساختار بلوری ترکیب PbFeO₃ در حالت انبوهه و سطوح بلوری مختلف.

محاسبات در چارچوب نظریه ی تابعی چگالی و روش شبه پتانسیل امواج تخت و با استفاده از کد محاسباتی -Quantum ESPRESSO انجام گرفت [٨]. از تقریب شیب تعمیم یافته به عنوان پتانسیل تبادلی همبستگی و شبه پتانسیل های فوق نرم برای محاسبات اولیه استفاده شد. انرژی قطع برای بسط ویژه مقادیر توابع موج را ۲۵ ریدبرگ انتخاب نمودیم. انتگرال گیری در منطقه ی اول بریلوین با سلول بندی بردارهای شبکه وارون (k-points) برای حالت انبوهه از مرتبه ۸×۸×۸ و برای سطوح (۱۰۰)، (۱۱۰) و (۱۱۱) به ترتیب از مرتبه ۸×۸×۱ ، ۸×۵×۱ و ۸×۱×۲ انجام گرفت. حد همگرایی انرژی برای محاسبات خودسازگار را از مرتبه 10-6 ریدبرگ قرار دادیم. برای انتگرال گیری بالای سطح فرمی از روش smearing با ميزان پهن شدگی 0.01 ريدربرگ استفاده نموديم. میزان مغناطش اولیه برای اتم های آهن مقدار 0.7 انتخاب گردید. برای یافتن ثابت شبکه بهینه (تعادلی) نمودار انرژی کل بر حسب ثابت شبکه را در حالت انبوهه مطابق شکل ۲ ترسیم نموده و میزان ثابت تعادلي Å 3.91 بدست آمد.



شکل ۲: ثابت شبکه تعادلی بلور PbFeO₃ در حالت انبوهه.

۲– نتایج و مباحث

۱-۲: ساختار نواري الکتروني

برای مشخصه یابی الکترونی ترکیب PbFeO₃، ساختار نواری الکترونی این ماده را در منطقه اول بریلوین و مسیر پرتقارن R-Γ-X-Μ-Γ برای همه حالات ترسیم نمودیم (شکلهای ۲-۳). مقیاس انرژی بر حسب الکترون ولت و انرژی نوارها نسبت به انرژی فرمی سنجیده شده است. مطابق شکل انرژی صفر بیانگر موقعیت تراز فرمی می باشد (خط چین قرمز). مقدار انرژی تراز فرمی در حالت انبوهه 9.64 eV می باشد. مطابق شکل ۳ نوارهای انرژی پایین ترین لایه رسانش و بالاترین لایه ی ظرفیت، تراز انرژی فرمی را قطع کرده اند. نتایج حاصله نشان می دهد که ترکیب PbFeO3 در حالت انبوهه رسانا می باشد. شکل ٤ نمودار ساختار نواری الکترونی ماده در رساتای سطح (۱۰۰) را نشان می دهد. در این حالت ماده دارای گاف انرژی از مرتبه ی 0.5 eV و نیمه رسانا می باشد. تعداد نوارهای انرژی در شکل ۲ و راستای سطح (۱۱۰) به خاطر افزایش تعداد اتم ها در یاخته اولیه افزایش می یابد. در این حالت هم چنان ماده خاصیت نیمه رسانایی خود را حفظ کرده و به حالت فلزی تمایل پیدا می کند. مطابق شکل ۲ در راستای سطح (۱۱۱) نوارهای لایه رسانش تراز فرمی را قطع کرده و ماده خاصیت رسانایی پیدا میکند. علت این امر افزایش اتم های آهن در یاخته اولیه سطح (۱۱۱) می باشد.



شکل ۳. نمودار ساختار نواری الکترونی PbFeO₃ در حالت انبوهه.





شکل ۵. نمودار ساختار نواری الکترونی PbFeO₃ در راستای سطح (۱۱۰).



نتيجه گيرى

در این تحقیق خواص الکترونی و مغناطیسی ترکیب PbFeO₃ در چارچوب نظریه تابعی چگالی و با استفاده از کد محاسباتی Quantum ESPRESSO بررسی گردید. ساختار نواری الکترونی نشان داد که این ترکیب در حالت انبوهه رسانا و در راستای سطح نشان داد که این ترکیب در حالت انبوهه رسانا و در راستای سطح مغناطش کل مربوط به سطح (۱۱۱) می باشد. با افزایش ثابت شبکه خاصیت مغناطیسی ماده در حالت انبوهه افزایش پیدا می کند.

مرجعها

- Makarova, L.A., et al., Elastically coupled ferromagnetic and ferroelectric microparticles: New multiferroic materials based on polymer, NdFeB and PZT particles. Journal of Magnetism and Magnetic Materials, 2019. 470: p. 89-92.
- [2] Ramam, K., et al., Magnetic properties of nano-multiferroic materials. Journal of Magnetism and Magnetic Materials, 2017. 442: p. 453-459.
- [3] Hou, X., X. Wang, and W. Mi, Progress in Fe3O4-based multiferroic heterostructures. Journal of Alloys and Compounds, 2018. 765: p. 1127-1138.
- [4] Kundu, A.K., M.M. Seikh, and P. Nautiyal, Bismuth centred magnetic perovskite: A projected multiferroic. Journal of Magnetism and Magnetic Materials, 2015. 378: p. 506-528.
- [5] Vopson, M.M., Fundamentals of multiferroic materials and their possible applications. Critical Reviews in Solid State and Materials Sciences, 2015. 40(4): p. 223-250.
- [6] da Silveira Lacerda, L.H., R. Augusto Pontes Ribeiro, and S.R. de Lazaro, Magnetic, Electronic, Ferroelectric, Structural and Topological Analysis of AlFeO3, FeAlO3, FeVO3, BiFeO3 and PbFeO3 materials: theoretical evidences of magnetoelectric coupling. Journal of Magnetism and Magnetic Materials, 2019 480: p. 199-208.
- [7] Erkişi, A., E.K. Yıldırım, and G. Gökoğlu, Electronic structure and magnetic properties of PbMO 3 (M= Fe, Co, Ni) magnetic perovskites: An ab initio study. International Journal of Modern Physics B, 2014. 28(29): p. 1450205.
- [8] Giannozzi, P., et al., QUANTUM ESPRESSO: a modular and opensource software project for quantum simulations of materials. Journal of physics: Condensed matter, 2009. 21(39): p. 395502.

مقاله نامه ششمین کنفرانس ملی پیشرفتهای ابررسانایی و مغناطیس



شکل ٦. نمودار ساختار نواری الکترونی PbFeO₃ در راستای سطح (۱۱۱).

۲-۲: خواص مغناظیسی

شکل ۷ مقدار مغناطش کل و مغناطش مطلق ترکیب PbFeO3 را در حالت انبوهه بر حسب ثابت شبکه نشان می دهد. مطابق شکل با افزایش ثابت شبکه خاصیت مغناطیسی ماده بیشتر می شود. این مغناطش ناشی از انتقال الکترون های پوسته ظرفیت ²48 اتم های Fe به پوسته ظرفیت ⁴29 اتمهای اکسیژن می باشد. در نتیجه این انتقال الکترونی، گشتاور کل مغناطیسی μ بدست می آید که بر روی اتم Fe جایگزیده است. در نتیجه خاصیت مغناطیسی این ماده ناشی از اتم های Fe می باشد. مطابق شکل ۸ بیشترین میزان مغناطش کل مربوط به سطح (۱۱۱) و کمترین مقدار آن برای سطح (۱۰۰) می باشد. نتایج حاصله نشان می دهد که خواص مغناطیسی ترکیب PbFeO₃ در راستای سطوح نسبت به حالت انبوهه بهبود می یابد.



بررسی اثرات ناخالصی آهن، نیکل و کبالت بر خواص الکترونی و مغناطیسی نانوریبون های گالیم نیترید

پاکیزه، اسماعیل^{۱،*} ^ادانشکده نفت و گاز گچساران، دانشگاه یاسوج، گچساران ۵۶۰۰۱–۷۵۸۱۴، ایران e.pakizeh@yu.ac.ir; esmaeil_pakizeh@yahoo.com*

چکیدہ

گالیم نیترید یکی از مواد نیمه رسانای غیرمغناظیسی بسیار معروف است. اگر مقداری عناصر مغناطیسی به صورت ناخالصی به آن اضافه کنیم به ماده مغناطیسی تبدیل می شود. در این مقاله خواص الکترونی و مغناطیسی نانوریبون های (GGA NI.xN (M=Fe, Co and Ni بررسی شده است. محاسبات بر پایه نظریه تابعی چگالی و روش امواج تخت به همراه شبه پتانسیل با استفاده از تغریب شیب تعمیم یافته (GGA) انجام گرفته است. همچنین شبه پتانسیل مورد استفاده برای انرژی تبادلی-همبستگی به روش فوق نرم تولید شده است. آنالیز ساختار نواری الکترونی با توجه به قطع شدن تراز انرژی فرمی توسط لایه رسانش نشان می دهد که ماده ی مهبستگی به روش فوق نرم تولید شده است. آنالیز ساختار نواری الکترونی با توجه به قطع شدن تراز انرژی فرمی توسط لایه رسانش نشان می دهد که ماده ی Ga_xM_{1-x}N رسانا می باشد. برای بررسی خاصیت مغناطیسی، گشتاور مغناطیسی کل ماده را در حالات مختلف محاسبه نموده برای نشان داد که نانوریبون های GaFeN دستان معناطیسی بهتری هستند. همچنین اثر اندازه سلول اولیه نانو ریبون ها بر خواص مغناطیسی این ماده مورد بررسی قران گرفت.

کلیدواژه: گالیم نیترید، خواص مغناطیسی، خواص الکترونی، نظریه تابعی چگالی

Investigation of the effects of Iron, Nickel and Cobalt impurities on the electronic and magnetic properties of Gallium Nitride nanoribbons

Pakizeh, Esmaeil^{1,*}

¹ Faculty of Petroleum and Gas, Yasouj University, Gachsaran 75813-56001, Iran *Corresponding author: e.pakizeh@yu.ac.ir; esmaeil_pakizeh@yahoo.com

Abstract

Gallium nitride is a well-known non-magnetic semiconductor material. However it can be transformed into magnetic material by adding magnetic elements as impurities. In this study, we investigated the electronic, and magnetic properties of $Ga_xM_{1-x}N$ (M=Fe, Co and Ni) nanoribbos. The calculations have been performed using plane wave sets with pseudopootential in framework of Density Functional Theory and Generalized Gradient Approximation (GGA). Also the pesudopotential for the exchange- correlation energy generated with ultrasoft method. An analysis of the electronic band structure with respect to the cutoff of the Fermi energy level by the conduction layer shows that the $Ga_xM_{1-x}N$ material is conductive. To investigate of the magnetic property, we calculated the total magnetic momentum in different states. The results showed that GaFeN nanoribbons had better magnetic properties. Also, the effect of the size of the unit cell of nanoribbons on the magnetic properties of this material was investigated.

Keywords: Gallium nitride, Magnetic properties, Electronic properties, Density functional theory PACS No. 70, 71, 73, 75.

مقدمه

امروزه مواد نیمه رسانای مغناطیسی به خاطر پتانسیل بالا در صنایع اسپین ترونیک مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفته اند. جدای از مزایای این مواد در حالت انبوهه، به خاطر اثرات سطح و محدودیت های کوانتومی، نیمه رساناهای مغناطیسی در اندازه نانو دارای خواص فیزیکی منحصر بفردی می باشند. نیمه هادی گالیم نیترید در حالت انبوهه با ساختار بلوری ورتزیت و دارای گاف نواری مستقیم می باشد. این ماده اولین بار در سال ۱۹۹۰ سنتز و در دیودهای نور گسیل (LED) مود استفاده قرار گرفت. به دلیل ساختار فیزیکی سخت، ظرفیت گرمایی و رسانندگی حرارتی بالا و گاف نواری پهن این ماده [۱]، از آن در تجهیزات اپتوالکترونیک و دستگاه های با فرکانس و قدرت بالا استفاده می شود [٥-۲]. در دهه اخیر بسیاری از محققین به بررسی خواص الکترونی و مغناطیسی این ماده در ساختارهای نانو پرداختند [۱۲–٦]. در ایس تحقیق در چارچوب نظریه ی تابعی چگالی و با استفاده از کـد كوانتوم اسپرسو [١٣] به مطالعـه خـواص الكترونـي و مغناطيسـي نانوریبون های گالیم نیترید آلاییده با اتم های آهن، کبالت و نیکل ير داختيم.

۱– ساختار بلوری و جزییات محاسباتی

ترکیب GaN در حالت انبوهه دارای ساختار ورتزیت و گروه فضایی P63mc می باشد. مطابق شکل ۱ ساختار بلوری نانوریبون های این ماده دارای ساختار اورترومبیک با ثابت های شبکه 10 Å 2.4 – 17.1 = می باشد. بردار کایرال برای شبیه سازی ساختاری این ترکیب را از مرتبه ۲×۲ در نظر گرفتیم. محاسبات در چارچوب نظریه ی تابعی چگالی (DFT) و روش شبه پتانسیل امواج تخت و با استفاده از کد محاسباتی -Quantum شبه پتانسیل امواج تخت و با استفاده از کد محاسباتی و شبه تعمیم یافته GGA برای جمله انرژی تبادلی همبستگی و شبه پتانسیل های فوق نرم (ultrasoft) استفاده شده است. انرژی قطع برای بسط ویژه مقادیر توابع موج را ۲۵ ریدبرگ انتخاب نمودیم.

شبکه وارون (k-points) از مرتبه ۸×۱×۱ انجام گرفت. حد همگرایی انرژی برای محاسبات خودسازگار را از مرتبه ⁶⁻¹⁰ ریدبرگ قرار دادیم. با توجه به رسانا بودن بودن ماده (M=Fe, Co and Ni) ویکی بالای انتگرال گیری بالای سطح فرمی از روش smearing با میزان پهن شدگی 0.02 ریدربرگ استفاده نمودیم.



شكل ١: ساختار بلورى نانوريبون هاى تركيب گاليم نيتريد.

۲ - نتایج و مباحث ۲-۱: ساختار نواری الکترونی

برای مشخصه یابی الکترونی نانوریبون های گالیم نیترید آلاییده شده با عناصر آهن، کبالت و نیکل، ساختار نواری الکترونی این ماده را در منطقه اول بریلوین و مسیر پرتقارن Z-Y-X-T برای همه حالات ترسیم نمودیم (شکلهای ٤-٢). مقیاس انرژی بر حسب الکترون ولت و انرژی نوارها نسبت به انرژی فرمی سنجیده شده است. مطابق شکل انرژی صفر بیانگر موقعیت تراز فرمی می باشد

(خط چین قرمز). مقدار انرژی تراز فرمی برای ترکیب GaCoN مقدار eV 3.25 - ، برای ترکیب GaNiN مقدار eV 3.27 - و برای ترکیب GaFeN مقدار eV 3.13 - محاسبه شده است. همچنین طول پیوند (M=Fe, Co and Ni را مقدار 1.869 آنگستروم در نطر گرفته ایم. مطابق این شکل ها نوارهای انرژی پایین ترین لایه رسانش و بالاترین لایه ی ظرفیت، تراز انرژی فرمی را قطع کرده اند. نتایج حاصله نشان می دهد که نانوریبون های (M=Fe, Co and Ni) اند. مانی (M=Fe, Co and Ni)



شكل ۲. نمودار ساختار نواري الكتروني نانوريبون هاي GaCoN.



شكل ٣. نمودار ساختار نواري الكتروني نانوريبون هاي GaFeN.



شکل ٤. نمودار ساختار نواری الکترونی نانوریبون های GaNiN.

۲-۲: خواص مغناظیسی

شکل ۵ مقدار مغناطش کل و مغناطش مطلق نانوریبون های GaFeN را بر حسب حجم سلول اولیه نشان می دهد. مطابق شکل با افزایش حجم شبکه خاصیت مغناطیسی ماده به حالت اشباع می رسد. این مغناطش ناشی از انتقال الکترون های پوسته ظرفیت $4s^2$ اتم های Fe به پوسته ظرفیت $2p^3$ اتمهای نیتروژن می باشد. در نتیجه این انتقال الکترونی، گشتاور کل مغناطیسی μ_B بدست می آید که بر روی اتم Fe جایگزیده است. در نتیجه خاصیت مغناطیسی این ماده ناشی از اتم های Fe می باشد. همین اتفاق را برای عناصر کبالت و نیکل نیز داریم. مطابق شکل ۹ بیشترین میزان مغناطش کل مربوط به نانوریبون های GaFeN و کمترین مقدار آن برای نانوریبون های GaNiN می باشد.



.GaFeN

- [4] A. Aissat et al., "Modeling and optimization of core (p-GaN)multishell (i-InxGa1-xN/i-GaN/n-Al0.1Ga0.9N /n-GaN) nanowire for photovoltaic applications"; Superlattices and Microstructures, **120** (2018) 209-216.
- [5] Zhao, C., et al., III-nitride nanowires on unconventional substrates: From materials to optoelectronic device applications. Progress in Quantum Electronics, 2018. 61: p. 1-31.
- [6] Jiang, H., et al., Piezoelectric and pyroelectric properties of intrinsic GaN nanowires and nanotubes: Size and shape effects. Nano Energy, 2018. 45: p. 359-367.
- [7] Sanders, N., et al., Electronic and Optical Properties of Two-Dimensional GaN from First-Principles. Nano Letters, 2017.
 17(12): p. 7345-7349.
- [8] Li, H., et al., Electronic Structures and Magnetic Properties of GaN Sheets and Nanoribbons. The Journal of Physical Chemistry C, 2010. 114(26): p. 11390-11394.
- [9] Shi, C., et al., Magnetic properties of transition metal doped AlN nanosheet: First-principle studies. Journal of Applied Physics, 2014. 115(5): p. 053907.
- [10] Ghorbanzadeh Ahangari, M., A. Fereidoon, and A. Hamed Mashhadzadeh, Interlayer interaction and mechanical properties in multi-layer graphene, Boron-Nitride, Aluminum-Nitride and Gallium-Nitride graphene-like structure: A quantum-mechanical DFT study. Superlattices and Microstructures, 2017. **112**: p. 30-45.
- [11] Salimifard, M., A.S. Rad, and K. Mahanpoor, Surface interaction of H2S, SO2, and SO3 on fullerene-like gallium nitride (GaN) nanostructure semiconductor. Solid State Communications, 2017. 265: p. 6-11.
- [12] Zhang, H., F.-S. Meng, and Y.-B. Wu, Two single-layer porous gallium nitride nanosheets: A first-principles study. Solid State Communications, 2017. 250: p. 18-22.
- [13] P. Giannozzi, et al., "QUANTUM ESPRESSO: a modular and open-source software project for quantum simulations of materials"; J. Phys. Cond. Mat. 21, (2009) 395502.



شکل۲: نمودار مغناطش کل و مطلق برحسب حجم شبکه برای نانوریبون های GaFeN. GaNin GaCon.

نتيجه گيرى

در این تحقیق خواص الکترونی و مغناطیسی نانوریبون های گالیم نیترید آلاییده شده با اتم های آهن، کبالت و نیکل در چارچوب نظریه تابعی چگالی و با استفاده از کد محاسباتی نواری الکترونی Quantum ESPRESSO نشان داد که این ترکیب در همه حالت رسانا می باشد. بیشترین میزان مغناطش کل مربوط به نانوریبون GaFeN می باشد. با افزایش حجم شبکه خاصیت مغناطیسی ماده به حالت اشباع می رسد.

مرجعها

- I. Akasaki, H. Amano "Crystal Growth and Conductivity Control of Group III Nitride Semiconductors and Their Application to Short Wavelength Light Emitters"; Japanese Journal of Applied Physics. 36, (1997) 5393.
- [2] L. Q. Zhang et al., "Degradation mechanisms of optoelectric properties of GaN via highly-charged 209Bi33+ ions irradiation"; Applied Surface Science, 440, 2018, 814-820.
- [3] M. Kumar et al., "GaN nanophosphors for white-light applications"; Optical Materials, **75** (2018) 61-67.

تأثیرفشار برخواص الکتریکی و مغناطیسی ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃

پیروند، فاطمه ؛ اعظمی، آزاده *

' گروه فیزیک، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

چکیدہ

در این پژوهش ویژگی های الکتریکی و مغناطیسی ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ با استفاده از محاسبات ابتدا به ساکن بر پایه نظریه ی تابعی چگالی و با استفاده از کدمحاسباتی کوانتوم اسپرسو بررسی شده است. نتایج حاصل از محاسبات انرژی برهمکنش تبادلی نزدیکترین همسایه ها در ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ نشان می دهد، علی رغم اینکه ترکیب بلوری LaTiO₃/SrTiO₃ و با استفاده از محاسباتی کوانتوم اسپرسو بررسی شده است. نتایج حاصل از محاسبات انرژی برهمکنش تبادلی نزدیکترین همسایه ها در ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ نشان می دهد، علی رغم اینکه ترکیب بلوری LaTiO₃ و SrTiO₃ از نظر مغناطیسی به ترتیب آنتی فرومغناطیس نوع G و پارامغناطیس هستند اما ابرشبکه ساخته شده از این دو ترکیب دارای پیکربندی فرومغناطیس و معناطیس نوع C و پارامغناطیس هستند اما ابرشبکه ساخته شده از این دو ترکیب دارای پیکربندی فرومغناطیس می باشد و از نظر الکتریکی نیم فلز است. اعمال فشار انبساطی و انقباضی به نسبت ۲۰۷٫ پارامتر شبکه در جهت محور z سبب تغییر پیکربندی مغناطیسی ابرشبکه از فرومغناطیس به آنتی فرومغناطیس می شود. نتایج محاسبات چگالی حالت نشان می دهد که با اعمال فشار انقباضی، فقط اندازه و پهنای قله ها تغییر کرده و از لحاظ الکتریکی ابرشبکه همچنان نیم فلز است ولی با وارد کردن فشار انبساطی گار فاز به عایق رخ می دهد.

Effect of pressure on the electrical and magnetic properties of LaTiO₃/SrTiO₃

Pirvand, Fatemeh¹; Aezami, Azadeh^{1*}

¹Department of Physics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Abstract

In this work, the electrical and magnetic properties of the $LaTiO_3/SrTiO_3$ superlattice have been investigated. Calculations were performed using density functional theory framework by Quantum-Espresso code. We have calculated exchange interaction energies of the nearest neighbors for $LaTiO_3/SrTiO_3$ superlattice. The results of the exchange interaction energy calculations show the ferromagnetic configuration & half-metal, while the calculation relevant to the density of states shows G-type antiferromagnetic configuration (insulator) for $LaTiO_3$ and paramagnetic (insulator) for $SrTiO_3$. The tensile and compressive pressure ($\pm 20\%$ in the z axis) applied to the $LaTiO_3/SrTiO_3$ superlattice caused a magnetic configuration change from ferromagnetic to antiferromagnetic. The size and width of peaks have only been changed by applying the compressive pressure. However, metal-insulator transition has been occurred in the tensile pressure.

مقدمه

تشکیل دهنده آنها است که سبب رسانش و خلق حالتهای الکترونی جدید می گردد [۲و۳]. مطالعات تجربی نشان می دهد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر خواص مغناطیسی و الکتریکی ابرشبکه ها انتخاب زیر لایه است. به عنوان مثال رشد ابرشبکه ما انتخاب زیر لایه است. به عنوان مثال رشد ابرشبکه (SrTiO₃)₂/(SrTiO₃)₂/(SrTiO₃)₂ می شود که پارامتر شبکه در صفحه xy بزرگتر از پارامتر شبکه در راستای محور z شده و تحت تأثیر نظم مغناطیسی اتمهای منگنز سبب ایجاد پیکربندی فرومغناطیس برای ابرشبکه می شود، در حالیکه

ابرشبکه، ساختاری متشکل از لایه های متناوب از دو یا چند ساختار مختلف است. یکی از زمینه های تحقیقاتی جدید در لایه های اکسید پروسکایت، بررسی خواص این ترکیبات بصورت ساختارهای چندگانه و ترکیبات لایه ای بصورت "ابرشبکه" است که خواص فیزیکی بسیار جالبی را در فصل مشترک لایه ها نشان می دهند [۱]. یک خصوصیت مهم ابرشبکه ها توزیع بار در فصل مشترک لایه ها به واسطه اختلاف پتانسیل الکتروشیمیایی بین مواد

اگر همان ابرشبکه بر روی زیر لایه LaAlO₃ رشد داده شود، پارامتر شبکه در صفحه xy کوچکتر از پارامتر شبکه در راستای محور z خواهد شد و پیکربندی مغناطیسی ابرشبکه (SrTiO₃)₂/(SrTiO₃)



شکل ۱: بطور شماتیک لایه های ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ را نشان می دهد.

روش انجام محاسبات

در این تحقیق محاسبات با استفاده از روش امواج تخت با شبه پتانسیل فوق نرم در چارچوب نظریه ی تابعی چگالی با نرم افزار کوانتوم اسپرسو [۶] وتقریب U+LDA انجام شده است. برای محاسبه پتانسیل تبادلی– همبستگی در تقریب چگالی موضعی هابارد (LDA+U) از روش پاسخ خطی، پارامتر هابارد برای اتم Ti را ۵ الکترون ولت بدست آوردیم که تطابق خوبی با سایر نتایج گزارش شده دارد[۷]. برای ساخت ابرشبکه سایر نتایج گزارش شده دارد[۷]. برای ساخت ابرشبکه فرومغناطیس نوع G و ترکیب بلوری SrTiO₃ با پیکربندی پارامغناطیس استفاده شده است. با فرض اینکه زیر لایه استفاده شده در ساخت ابرشبکه SrTiO₃ باشد، در ابرشبکه شده در ساخت ابرشبکه دون صفحه ای d=a را برابر شده در ساخت ابرشبکه دون صفحه ای d=ه را برابر شده در میکه زیرلایه (۲/۹۱۱ میکه درون صفحه ای d=ه دا برابر مهت محور z را طوری محاسبه کردیم که حجم محاسبه شده در هر بلور ثابت باقی بماند [۸].

پس از انجام محاسبات A درید=۳/۹۰۵ و C_{STO}=۴/۱۰۳ و C_{LTO}=۴/۱۰۳ محاسبات بدست آمد. شکل ۱ بطور شماتیک ساختار بلوری ابرشبکه بدست آمد. شکل ۱ بطور شماتیک ساختار بلوری ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃

از بهینه سازی پارامترهای اولیه ی ابرشبکه، انرژی قطع مربوط به ابرشبکه Ry ۳۰، تعداد نقاط ویژه k برابر ۱۰۸ و تابع پهن شدگی را mp با مقدار ۱۵/۰۰ درنظر گرفتیم. ابرشبکه بدست آمده با پارامترهای بهینه شده را تحت واهلش ساختاری قرار دادیم، نتایج حاصل نشان می دهد که فشار از مرتبه ۲/۰ کیلوبار و نیروی وارد بر هر یون از مرتبه ۱۰^{-۴} Ry/a-u

بحث و نتايج

برای بررسی اثر فشار خارجی بر روی ساختار مغناطیسی ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ ابتدا ساختار مغناطیسی و الکتریکی ابرشبکه را بدون اعمال فشار بررسی می کنیم. شکل ۲ چگالی حالت کل ترکیب بلوری LaTiO₃ و SrTiO₃ را نشان می دهد. همانگونه که نتایج نشان می دهد، ترکیب بلوری LaTiO₃ یک آنتی فرومغناطیس نوع G و ترکیب SrTiO₃ پارامغناطیس و هر دو ترکیب عایق هستند.





شکل ۲: (الف) چگالی حالت اتم Ti در حالت بلوری ترکیب LaTiO₃، (ب) چگالی حالت اتم Ti در حالت بلوری ترکیب SrTiO₃ را نشان می دهد.

با توجه به اینکه لایه های تشکیل دهنده ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ نسبت به حالتهای بلوری LaTiO₃ و SrTiO₃ متفاوت می باشند برای پیش بینی پیکربندی مغناطیسی ابرشبکه، انرژی برهمکنش تبادلی بین اتمهای همسایه در ابرشبکه را محاسبه

کردیم. انرژی برهمکنش تبادلی، اختلاف انرژی فرومغناطیس و پادفرومغناطیس هر دو اتم همسایه $(\downarrow_1 - E_{\uparrow \uparrow})$ است که از روی انرژی برهمکنش تبادلی می توان نوع پیکربندی مغناطیسی ابرشبکه را پیش بینی نمود. نتایج محاسبات نشان می دهد که در ابرشبکه مذکور انرژی برهمکنش تبادلی بین اتمهای Ti-Ti در راستای محور z (۸۲ meV) و در راستای محور xy (۸۳ meV)–) منفی است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که جهتگیری اسپینی بین لایه ها در ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ در همه راستاها موازی و پیکربندی مغناطیسی، فرومغناطیس است.



شکل ۳: چگالی حالت کل ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ بدون اعمال فشار (الف)، با اعمال فشار انقباضی (ب) و با اعمال فشار انبساطی (ج) را نشان می دهد.

بیشترین واهلش ساختاری در لایه TiO_2 در فصل مشترک ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ در فصل مشترک ابرشبکه ac الماق می افتد که یون Ti در لایه بالایی در اصل مشترک بصورت $Ti^{0/5}$ و در لایه پایینی بصورت $Ti^{1/5}$ است و ابر شبکه گرفتار یک آشفتگی شبه فروالکتریک در بار منفی یون O و بار مثبت یون Ti می شود. این آشفتگی سبب ایجاد یک گشتاور co دو قطبی می گردد و یک میدان کولنی توسط جاینشانی Sr^{2+} و LaTiO₃ به در حالت بلوری به Ti^{3+} در فصل srTiO باعث می شود. ای آ

مشترک ابرشبکه تبدیل شود و سبب رسانش در فصل مشترک می گردد. برای بررسی تأثیر فشار خارجی بر خواص الکتریکی و مغناطیسی ابرشبکه به نسبت ٪۲۰ پارامتر شبکه در راستای محور z به ابرشبکه ساخته شده، فشار وارد کردیم. در این تحقیق فشار مثبت (٪۲۰+) را فشار انبساطی و فشار منفی (٪۲۰–) را فشار انقباضی می نامیم. نتایج محاسبات در جدول ۱ نشان می دهد که در ابرشبکه مذکور با اعمال فشار خارجی (انبساطی و انقباضی) در راستای محور z پیکربندی مغناطیسی در ابرشبکه از فرومغناطیس به آنتی فرومغناطیس جهت گیری می کند. لازم به توضیح است که انرژی کل محاسبه شده در نظم مغناطیسی آنتی فرومغناطیس نوع C ، A و G به انرژی کل نظم فرومغناطیس بهنجار شده است. چگالی حالت کل در شکل ۳ برای ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ درهر سه حالت قبل و بعد از اعمال فشار انبساطی و انقباضی را نشان می دهد که با اعمال فشار انقباضی (شکل ۳ب) فقط اندازه و پهنای قله ها تغییر کرده، ولی از لحاظ الکتریکی ترکیب همچنان نیم فلز است. درحالیکه با وارد کردن فشار انبساطی گاف نواری ایجاد شده و خط فرمی چگالی حالات را در هردو کانال اسپینی قطع می کند و گذار فاز عایق مشاهده مي شود (شکل ۳ ج).

جدول۱. انرژیهای مربوط به ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ را در نظم های مغناطیسی مختلف و تحت تأثیر فشار انبساطی و انقباضی که نسبت به انرژی حالت فرومغناطیس بهنجار شده است را نشان می دهد.

| LaTiO ₃ /SrTiO ₃ | E _{FM} (eV) | E _{A-AFM} (eV) | E _{C-AFM} (eV) | E _{G-AFM} (eV) |
|--|-------------------------|----------------------------|----------------------------|----------------------------|
| بدون اعمال فشار | 0 | •/۴۵۲ | ۰ /۳۲ ۱ | •/٢٨٦ |
| فشار به نسبت %۲۰ | 0 | ۰/۱۸۶ | •/٢٣٢ | -•/147 |
| فشار به نسبت ۲۰%۔ | 0 | _•/4٣١ | •/144 | •/٢٩٨ |

از آنجائیکه رسانندگی در ابرشبکه به زنجیره Ti-O-Ti وابسته است، طول پیوند Ti-O با استفاده از نرم افزار xcrysden و واهلش سیستم محاسبه گردید. نتایج محاسبات که مربوط به هشت

¹ Tensile Pressure

² Compressive Pressure

اینکه در ترکیب LaTiO₃، نظم پادفرومغناطیس نوعG، پایدارترین حالت مغناطیسی است و ترکیب SrTiO₃ پارامغناطیس است اما ابرشبکه حاصل از لایه های این دو ترکیب دارای پیکربندی فرومغناطیس و از نظر الکتریکی نیم فلز است. با اعمال فشار انبساطی و انقباضی به نسبت ۲۰٬۲ پارامتر شبکه در امتداد محور Z تغییرات حجم درابرشبکه ایجاد می گردد و نوارهای انرژی شیفت پیدا می کنند. با اعمال فشار انقباضی به دلیل همپوشانی بیشتر توابع موج، هیبریدشدگی پیوندها بیشتر شده اندازه و پهنای قله ها تغییر کرده و از لحاظ الکتریکی ترکیب همچنان نیم فلز است ولی با وارد کردن فشار انبساطی، گذار فاز به عایق رخ می دهد.

مرجعها

[1] S. Piskunov, et al., "Bulk properties and electronic structure of SrTiO₃, BaTiO₃, PbTiO₃ perovskites: an ab initio HF/DFT study"; Computatioal Materials Science 29 (2004) 165-178.

[2] H. M. Liu, et al., "Magnetic orders and electronic structure in $LaMnO_3/SrTiO_3$ superlattices"; Journal of Applied Physics 113 (2013) 17D902.

[3] F. Cossu, et al.," High mobility half-metallicity in the $(LaMnO_3)_2/(SrTiO_3)_8$ superlattice"; Applied Physics Letters 102 (2013) 042401.

[4] S. Okamoto, et al., "Lattice Relaxation in Oxide Heterostructures: LaTiO3/SrTiO3 Superlattices"; Physical Review Letters 97 (2006) 056802.

[5] B. R. K. Nada , S. Satpathy., "Effects of strain on orbital ordering and magnetism at perovskite oxide interfaces: LaMnO3/SrMnO3"; Physical Review В 78 (2008)054427. [6] P. Giannozzi, S.Baroni, et al., "QUANTUM ESPRESSO: a Modular and OpenSource Software Project for Quantum Simulations of Materials"; of Physical Condens. Matter 21 (2009).Journal [7] A. Aezami, et al., " Effect of electron correlations application to Ti atoms on physical properties of (LaMnO₃)_m/(SrTiO₃)_n superlattices"; Journal of Magnetism and Magnetic Materials 406 (2016) 72-75. [8] B. R. K. Nanda, S. Satpathy., "Electronic and magnetic structure of the (LaMnO3)2n/(SrMnO3)n superlattices"; Physical Review B 79 (2009) 054428

[9] K. Shibuya, et al., "Metallic LaTiO₃/SrTiO₃ superlattice Films on the SrTiO₃ (100) surface"; Japanese Journal of Applied Physics 43 (2004) L1179-L1180.

وجهی های TiO₆ در ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ است در شکل ۴ آمده است. نتایج محاسبات در شکل ۴ نشان می دهد که در امتداد محور X با اعمال فشارهای انبساطی و انقباضی طول پیوند تقریبا ثابت است اما در راستای محور Z تغییرات طول پیوند برای فشارهای خارجی متفاوت خواهد بود.



شکل ۴: طول پیوند Ti-O در ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ برای هر سه حالت بدون اعمال فشار، با اعمال فشار انبساطی و فشار انقباضی در راستای صفحه Xy (الف) و در راستای محور z (ب) را نشان می دهد.

از آنجائیکه در محاسبات مربوط به ثابتهای شبکه در راستای محورهای X و Y ثابت های شبکه را برابر ثابت شبکه مربوط به زیرلایه در نظر می گیریم و ثابت شبکه هر لایه در راستای محور Z را طوری محاسبه می کنیم که حجم شبکه ثابت بماند، بنابراین تغییر در ثابت شبکه در راستای محور Z به معنی تغییر در حجم شبکه های تشکیل دهنده ابرشبکه و معادل با تغییر زیرلایه است. نتایج محاسبات نشان می دهد که تغییر زیر لایه بر نوع پیکربندی مغناطیسی و خواص الکتریکی ابرشبکه تأثیر گذاراست[۴و ۵و ۹].

نتيجه گيرى

در این تحقیق بدلیل وجود Ti از محاسبات با تقریب U+LDA استفاده کردیم و با استفاده از روش پاسخ خطی مقدار پارامتر هابارد را برای اتم Ti، V ۵ ۹ بدست آوردیم که در توافق خوبی با سایر نتایج گزارش شده است. خواص الکتریکی و مغناطیسی ابرشبکه LaTiO₃/SrTiO₃ با استفاده از کد محاسباتی کوانتوم اسپرسو و بر پایه نظریه ی تابعی چگالی مورد بررسی قرار دادیم. از نتایج محاسبات انجام شده می توان نتیجه گرفت که با وجود بررسی و کالیبراسیون خطای سمت قطبنمای مغناطیسی در مجاورت اشیا مغناطیسی تارقلی زاده، امیر؛ بابایی، بهار؛ همدرسی، الناز؛ غیبی، پارسا؛ سررشته داری، فرخ تهران، خیابان کارگر شمالی، دانشگاه تهران، دانشکده فیزیک، آزمایشگاه تحقیقاتی تشدید مغناطیسی

چکیدہ

با ساخت و بکارگیری از یک سیستم هلمهلتز سه محوره، نتایج کالیبراسیون یک قطبنمای مغناطیسی مبتنی بر حسگر anisotropic magnetoresistive در مجاورت جسم مغناطیسی مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا یک دیسک مغناطیسی با مشخصات مغناطیسی معین مورد استفاده قرار گرفته و تاثیر آن در میزان خطای سمت و توانایی سیستم کالیبراسیون در جبران سازی اثرآن بصورت تجربی و شبیه سازی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاصل شده نشان میدهند که جهت نسبی قرار گیری جسم نسبت به مگنتومتر، تعیین کننده میزان خطای سمت میباشد بطوری که وقتی موقعیت نسبی آنها حداکثر تقارن را دارد، حداقل خطای سمت ایجاد شده و الگوریتم کالیبراسیون با دقت بیشتری تصحیح را انجام میدهد. همچنین پروسه تجربی کالیبراسیون که توسط چرخش سه بعدی میدان مغناطیسی درون سیستم هلمهلتز صورت میگیرد، توسط نرم افزار کامسول شبیه سازی شده است که نتایج آن تطابق عملی دارند.

Investigation and calibration of the navigation heading error in a 3-axis magnetometer caused by magnetic objects

Amir Targholizadeh, Bahar Babaei, Elnaz Hamdarsi, Parsa Gheybi, Farrokh Sarreshtedari

Magnetic Resonance Research Laboratory, Department of Physics, College of Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

By implementing a 3D Helmholtz coil system and using a three axis AMR magnetometer, we have compensated the effect of nearby magnetic objects for decreasing the magnetic navigation heading error. In this regard, the effect of a magnetic disc with specified size and permeability on the heading of the magnetic compass is experimentally investigated and the effectiveness of the magnetic calibration on decreasing of the error is discussed. The obtained results show the dependence of the heading error to the relative geometry of the compass and the magnetic object. The heading error and the calibration effectiveness substantially increase when the object is in a symmetric position with respect to the magnetometer. The magnetic calibration method, which is experimentally accomplished using a rotating field in the Helmholtz system, has been also numerically simulated in COMSOL Multiphysics. It is shown that the simulated results have a very good agreement with the obtained experimental results.

بنابراین واجب است که سنسور ها را در مقابل اثرات سخت و نرم فلزات کالیبره کنیم. دراینجا میدان مغناطیسی مزاحم به دو دسته ثابت (فلز سخت) و آن هایی که توسط میدان مغناطیسی زمین بوجود آورده شده اند(فلز نرم) تقسیم میشوند. در این پروژه با استفاده از راهکارهای تجربی و شبیه سازی، کالیبراسیون سنسور های مغناطیسی را در مقابل اجسام مغناطیسی مزاحم بررسی کرده ایم. به همین دلیل یک کویل هلمهولتز سه محوره و همچنین درایور لازم برای چرخاندن میدان مغناطیسی اعمالی که برای

امروزه بیشتر سیستم های ناوبری از انواع مختلف قطبنما هایی که بر اساس سنسورهای مغناطیسی ساخته شده اند استفاده میشود. در این راستا برای تعیین کردن مسیر در صفحه با استفاده از میدان مغناطیسی زمین، سنسور های magnetoresistive میتوانند حدود ۲.۱ درجه چرخش را تفکیک دهند [1,2]. قطب نمای مغناطیسی، مولفه های میدان مغناطیسی زمین را اندازه گیری میکند که میتواند بوسیله اجسام الکترومغناطیسی دچار اختلال شود

مقدمه

الگوریتم کالیبره کردن نیاز است طراحی و ساخته ایم. همچنین خطای سمت (heading) سنسور قبل و بعد از کالیبراسیون به منظور بررسی کیفیت کالیبراسیون بررسی می شود. دراینجا سمت بصورت $\left(\frac{B_y}{B_x}\right)^{1}$ Heading = $\tan^{-1}\left(\frac{B_y}{B_x}\right)$ می شود. که e_x و x مولفه های X و Y میدان مغناطیسی هستند. همچنین منظور از خطای سمت در این مقاله، اختلاف بین درجه سمت قطب نمای مختل نشده و درجه سمت قطب نمای مختل شده بعد از کالیبراسیون است.

چیدمان آزمایشگاهی

برای کالیبره کردن سنسور های مغناطیسی لازم است سنسور در یک میدان ثابت در همه ی جهات چرخانده شود به طوری که میدان اندازه گیری شده، یک کره را جاروب کند. در این پروژه سنسور ثابت نگه داشته شده و میدان مغناطیسی روی سطح یک پوسته کروی چرخانده میشود. به این منظور یک کویل هلمهولتز ۳ محوره و درایور مربوطه طراحی و ساخته شده است که در شکل ۱ نشان داده شده است.





شکل ۱: کویل هلمهولتز ساخته شده برای چرخاندن میدان ثابت و درایور آن چندین دلیل برای ایجاد خطای دستگاهی در این سیستم وجود دارد که از جمله آن ها میتوان به متعامد نبودن محور جفت کویل ها اشاره کرد که باعث ایجاد میدان ناخواسته در جهت های مختلف می شود. لذا ابتدا برای ازبین بردن این میدان، طی یک پروسه کالیبراسیون برای هلم هلتز، جریان کویل ها را تصحیح می کنیم. اساس این روش درنظرگرفتن منبع خطای سیستمی به عنوان یک ماتریس است، که با ضرب ماتریس وارونش در جریان اعمالی، خطای دستگاهی از بین می رود.

$$\begin{pmatrix} a1 & a2 & a3\\ b1 & b2 & b3\\ c1 & c2 & c3 \end{pmatrix} * \begin{pmatrix} Ix\\ Iy\\ Iz \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} I'x\\ I'y\\ I'z \end{pmatrix}$$
(1)

$$\mathbf{A}^{*}(\mathbf{A}^{-1} * \mathbf{I}) = \mathbf{I} \tag{7}$$

که در اینجا A ماتریس خطا، I جریان اعمالی و 'I جریان منتسب به میدان ناخواسته ایجاد شده است. میدان مغناطیسی ایجادشده توسط'I قبل از حذف خطا به وسیله معادله ۳ نشان داده شده است.

$$\begin{pmatrix} \alpha & 0 & 0 \\ 0 & \beta & 0 \\ 0 & 0 & \gamma \end{pmatrix} * \begin{pmatrix} I'x \\ I'y \\ I'z \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} B'x \\ B'y \\ B'z \end{pmatrix}$$
(r)

که در اینجا ۵, β, γ ضرایب تبدیل جریان به میدان در کویل هلمهولتز است. با استفاده از معادله های ۱ و۳ ماتریس خطا قابل محاسبه است.

$$\begin{pmatrix} a1 & a2 & a3\\ b1 & b2 & b3\\ c1 & c2 & c3 \end{pmatrix} * \begin{pmatrix} Ix\\ Iy\\ Iz \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} B'x/\alpha\\ B'y/\beta\\ B'z/\gamma \end{pmatrix}$$
(1)

در این روش برای یافتن درایه های ماتریس باید جریان های متفاوت به کویل ها اعمال و میدان مغناطیسی را اندازه گیری کنیم و یک دستگاه ۹ معادله ۹ مجهول تشکیل دهیم. در این راستا برای بررسی میزان خطا جریان 100mA را به یک جفت کویل اعمال و سپس میدان مغناطیسی ای که در جهت های دیگر ایجاد می شود را اندازه گیری کرده ایم. شکل ۲ نتیجه این روش کالیبراسیون را قبل و بعد از اعمال ماتریس وارون نشان می دهد، به عنوان مثال با اعمال جریان 100mA به کویل در جهت های y و z ایجاد می شود که این مقدار بعد از اعمال ماتریس وارون به مقادیر می شود که این مقدار بعد از اعمال ماتریس وارون به مقادیر 0.8mG



شکل ۲: میدان مغناطیسی ناخواسته برای هر جفت کویل(قبل و بعد اعمال

وارون ماتريس خطا)

رابط کاربری سیستم هلمهلتز، با استفاده از ماتریس کالیبراسیون اشاره شده و با گرفتن پارامترهای شدت میدان و همچنین سرعت و دقت جاروب، با اعمال جریان های مناسب، میدان مغناطیسی درون هلمهلتز را به صورت کروی جاروب میکند.

جهت بررسی تاثیر اجسام مغناطیسی را برروی اندازه گیری سنسور مغناطیسی، یک استوانه از جنس استیل به عنوان جسم مغناطیسی اختلالی استفاده کرده ایم که اطلاعات آن ها در جدول ۱ آمده است.

| شده | استفاده | مغناطيسي | قطعه | مشخصات | :١ | جدول | |
|-----|---------|----------|------|--------|----|------|--|
|-----|---------|----------|------|--------|----|------|--|

 Steel grade
 μ_r Size (height, diameter) cm

 1
 Type 420(Martensitic)
 950
 h=2.8, d=10

 Vica μ_r Size (height, diameter) cm
 bit (μ_r bit (μ_r

 1
 Type 420(Martensitic)
 950
 h=2.8, d=10

 Vica μ_r Size (height, diameter) cm
 bit (μ_r bit (μ_r

 1
 Type 420(Martensitic)
 950
 h=2.8, d=10

 Vica μ_r Size (height, diameter) cm
 bit (μ_r

 1
 the formation of the second s

شبيه سازى

برای مقایسه با اندازه گیری های داده های تجربی، در شبیه سازی با کامسول دقیقا وضعیت چیدمان آزمایشگاهی را در نظر گرفتیم. به دلیل نیاز به چرخش در مکانیسم کالیبراسیون مغناطیسی در شبیه سازی کامسول، ما یک میدان اعمالی چرخان ایجاد کردیم در حالی که موقعیت و جهت سنسور مغناطیسی ثابت است. در اینجا ما پتانسیل های اسکالر مختلفی به وجه های مخالف یک مکعب با جنس هوا اعمال کردیم که یک میدان مغناطیسی نیز به اندازه میدان زمین (G) در نظر گرفته شده مخالفیسی نیز به اندازه میدان زمین (G) در نظر گرفته شده مغناطیسی نیز به اندازه میدان زمین (G) در نظر گرفته شده است. در این روش، پتانسیل صفر به یک وجه مکعب و پتانسیل میدان اعمال شده است که در آن لمیدان است. در میدان میدان میدان زمین (G) در شرک (G) در نظر گرفته شده مغناطیسی نیز به اندازه میدان زمین (G) در شده است که در آن لمیدان مکعب است. در این میدان میدان مکعب در می محالف اعمال شده است که در آن لمول یال مکعب است. با چرخاندن مکعب در همه جهات، یک میدان مغناطیسی دوار به صورت شکل ۳ بدست می آید.



نتایج و تحلیل داده ها

هنگامی که هیچ نمونه مغناطیسی اطراف مغناطیس سنج قرار ندارد، داده بدست آمده از چرخش کروی میدان مغناطیسی اعمالی در تمام جهات کاملا کره است. این در حالیست که با قرار دادن نمونه های ذکر شده در نزدیکی سنسور، نتیجه ی میدان مغناطیسی اندازه گیری شده به سطح بیضی گون تبدیل میشود که از مرکز نیز جابجا شده است. علت تغییر مکان، اثر فلز سخت و علت بیضوی شکل شدن آن اثر فلز نرم نمونه میباشد[3]. در اینجا شکل 44 داده های بدست آمده از اندازه گیری تجربی چرخش (طی کردن) سه نشان میدهد. پس از اعمال الگوریتم کالیبراسیون بر روی داده های اندازه گیری شده ی اختلال یافته شکل 44، داده های کالیبره شده در شکل 4b آورده شده اند. در فرایند کالیبراسیون پوسته ی مدا



شکل ۴: میدان مغناطیسی اندازه گیری شده توسط قطب نمای اختلال یافته و نتیجه کالیبره شده آن

همانگونه که قبلا بیان شد، برای تغییرات واضح پوسته کروی به بیضی گون به دلیل اختلال بوجود آمده توسط اثر فلز نرم، نمونه ای نسبتا بزرگ انتخاب شده است. با شبیه سازی تست مذکور، دقیقا همین نتیجه برای شبیه سازی نیز بدست می آید. شکل 58 و 58 به ترتیب نتیجه شبیه سازی برای اندازه گیری مختل شده و کالیبره شده را نشان میدهد.



شکل ۵: شبیه سازی میدان مغناطیسی قطب نمای اختلال یافته و کالیبره شده

بر اساس روش اشاره شده، ما بوسیله اندازه گیری تجربی و همچنین شبیه سازی خطای سمت قبل و بعد از کالیبراسیون مغناطیسی را برای موقعیتهای نسبی مختلف نمونه نسبت به حسگر بررسی کردیم. در شکل ۶ وضعیت نسبی نمونه و حسگر برای بررسی تاثیر زاویه در بازده کالیبراسیون نشان داده شده است. در این تست نمونه در فاصله ۸ سانتیمتری از مغناطیس سنج قرار گرفته و زاویه آن تغییر داده شده است. لازم به ذکر است که در شبیه سازی نیز دقیقا همین سیستم طراحی و مورد شبیه سازی قرار گرفته است.



شکل ۶: شماتیک هندسی اندازه گیری

در هر زاویه میدان مغناطیسی را اندازه گرفتیم و خطای سمت را محاسبه کردیم. شکل های ۷ و ۸ خطای سمت را برای اندازه گیری تجربی و شبیه سازی نشان میدهد.



با توجه به این شکل ها مشخص است که خطای سمت مشاهده شده برای تست تجربی و شبیه سازی رفتار یکسانی دارد. و همچنین قابل توجه است که کمترین خطای سمت درحدود زاویه ۴۵ درجه رخ میدهد. با بررسی نتایج تجربی و شبیه سازی مشاهده میگردد که هرچقدرمسئله متقارن تر میشود خطای سمت و خطای کالیبراسون کمتر میشود. به عنوان مشاهده دوم ما این جسم

مغناطیسی را در فواصل مختلف از سنسوردر راستای محور X قرار دادیم. شکل ۹ و ۱۰ نشان میدهد که با افزایش فاصله، تاثیر استیل به روی سنسور و خطای سمت کاهش میابد. لازم به ذکر است که با توجه نتایج حاصل شده، دریافت میشود که هرچقدر تاثیر جسم کمتر باشد الگوریتم کالیبراسیون نیز عملکرد بهتری دارد.



نتيجه گيرى

در این کار ما یک سیستم کویل هلمهولتز سه بعدی به همراه درایور آن برای کالیبراسیون مغناطیسی قطب نماهای مغناطیسی طراحی و ساخته ایم. ابتدا سیستم هلمهلتز کالیبره شده و سپس ازسیستم کویل جبران شده برای اعمال میدان مغناطیسی چرخان برای کالیبراسیون مغناطیس سنج در مجاورت اجسام مغناطیسی استفاده شده است. این در حالیست که از شبیه ساز COMSOL نیز برای شبیه سازی سیستم مذکور بهره برده بردیم. با تغییر موقعیت نسبی نمونه مغناطیسی و سنسور، میزان خطای سمت بررسی شده است و مشاهده گردید که با تغییر زاویه نمونه دیسک مغناطیسی با فاصله ثابت از سنسور، خطای سمت در زاویه ۵

مرجعها

- Michael J. Caruso, "Applications of Magnetoresistive Sensors in Navigation Systems," SAE Technical Paper 970602, 1997.
- [2] Michael J. Caruso, "Applications of magnetic sensors for low cost compass systems", Position Location and Navigation Symposium, IEEE 2000.
- [3] T,Ozyagcilar, "Layout reemmendations for PCBs using a magnetometer sensor," Doc.No.AN4247, vol. A247, Re. 3, March 2012.
- [4] J M G Merayo, P Brauer, F Primdahl, J R Petersen and O V Nielsen, "Scalar calibration of vector magnetometers", Meas. Sci. Technol. 11, 120–132, 2000.

تزویج گر پلاسمونیک تراهرتز مبتنی بر گرافن حاج حسینی، علیرضا^۱؛ پور محی آبادی، مریم^۲

^{ا را ا} ازمایشگاه الکترونیک نوری، دانشکاده فنی- بخش مهندسی برق، دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیدہ

در این مقاله یک تزویج گر پلاسمونیک مبتنی بر گرافن با نرخ انتقال بالا که در فرکانس تراهرتز عمل میکند، پیشنهاد شده است. طرح پیشنهادی، یک طرح پلکانی شامل لایههای گرافن، سیلیکا و نقره می باشد. دلیل استفاده از گرافن در ساختار، برخورداری از پلاسمون پلاریتونهای سطحی جهت افزایش سرعت و کاهش تلفات است. میزان انتقال در لایه گرافن خروجی با توجه به تغییر پتانسیل شیمیایی گرافن و همچنین ابعاد ساختار قابل کنترل می باشد. نتایج تحلیل عددی نشان می دهد که نرخ انتقال در خروجی نسبت به ساختارهای مشابه به میزان بیش از ۲۰ درصد بهبود یافته است. این ساختار دارای بازدهی تزویج حدود ۷۰ درصد است. ساختار پیشنهادی پتانسیل کاربرد در فیلترها، مالتی پلکسرها، سوئیچهای پلاسمونیکی و مدارهای مجتمع نوری را داراست. **کلیدوازه-**تزویج گر نوری، تزویج گر پلاسمونیکی، فیلتر، گرافن

Graphene-Based Terahertz Plasmonic Coupler

Hajhosseini, Alireza¹; Pourmahyabadi, Maraym²

^{1,2} Optoelectronic Laboratory, Electrical Engineering Department, Shahid Bahonar University of kerman

Abstract

In this paper, a graphene based coupler, operating at terahertz frequency range with a high transition rate has been proposed. The proposed design is a step shape structure consisting of graphene, silica and silver layers. The significant property of graphene is creating the surface plasmon polaritons, which give rises to increase the operating speed and to decrease the loss. The transmission rate is controllable by changing the graphene chemical potential and the structure dimensions. The numerical results revealed that the transition rate of this

structure has been improved by more than 20% compared to other structures. The proposed structure has a coupling efficiency of about 70%. In addition, it has the potential applications for filters, multiplexers, switches and photonic integrated circuits.

Keywords-Filter, Graphene, Optical Coupler, Plasmonic Coupler PACS NO.85

مدولاتورها و سوئیچهای نوری مبتنی بر پلاسمون پلاریتونهای سطحی طراحی شدهاند [۲]. تزویج گرهای پلاسمونیکی تقریبا از سال ۲۰۰۵ میلادی مورد مطالعه قرار گرفتند [۳]. استفاده از گرافن به عنوان فلز در ساختارهای پلاسمونیکی باعث بهبود و پیشرفت این نوع تزویج گرها شد. در سالهای اخیر گرافن به دلیل تلفات

پیشرفت و توسعه در زمینه محاسبات و مدارات مجتمع نوری، مستلزم سرعت بالا، تلفات کم، کوچک کردن و مجتمع سازی ادوات نوری می باشد. استفاده از پلاسمون پلاریتون های سطحی در مدارات مجتمع نوری، راهکاری جدید برای موارد ذکر شده است [1]. ادوات نوری مختلفی نظیر تزویج گرها، مقسمهای نوری،

مقدمه

کم، طول انتشار زیاد، قابلیت تنظیمپذیر بودن و ابعاد کمتر در مقابل عدمعبور پلاسمو سایر فلزات به شدت مورد توجه قرار گرفته است [٤]. ورودی، عدمتطا

> تغییر پتانسیل شیمیایی گرافن، باعث کنترل پراکندگی و افزایش یا کاهش ثابت انتشار پلاسمون های سطحی موضعی میشود. همچنین ویژگیهای گرافن اثر بسزایی در تنظیم نرخ انتقال، حذف اعوجاج ناشی از عدم تطبیق ثابت شبکه ساختار کلی دارد، علاوه بر این گرافن دارای عملکرد مناسب در بازه تراهزتری است.

> در این مقاله تزویج گر پلاسمونیکی مبتنی بر گرافن ارائه و مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج بدست آمده نشان میدهد که میزان انتقال در لایه گرافن خروجی، قابلتنظیم توسط پارامتر dı .h و همچنین پتانسیل شیمیایی لایه گرافن است. پتانسیل شیمیایی گرافن توسط اعمال ولتاژ خروجی تنظیم خواهد شد.

ساختار پیشنهادی و تئوری

ساختار پیشنهادی (شکل ۱) از چهار لایه گرافن، یک لایه بستر از جنس سیلیکا و یک لایه بسیار باریک نقره (زیر بستر لایه گرافن چهارم) جهت برقراری ولتاژ مورد نظر به گرافن تشکیل شده است. لایههای گرافن اول و دوم در فاصله d2 و به صورت متوالی قرار گرفتهاند. لایهی دوم و چهارم در فاصله d1 از لایه گرافن عمودی قرار دارند.



لایـههای گـرافن موجـود در سـاختار ارائـه شـده، پلاسـمون پلاریتونهای سطحی را در موارد زیر منتشر خواهند کرد: ۱- مدهای لبه ۲- مدهای متقارن و نامتقارن، که به دلیل عـدمتقارن توزیع میدان الکترومغناطیسی در سراسر فاصله بین دو لایه گـرافن مورد نظر ایجاد شده است [٥]. به دلیل فواصل کم تزویج برخی از پلاسمون پلاریتونهای سـطحی منتشـر شـده در انتهـای لایـههای

گرافن اول، دوم و سوم، بازتاب خواهند شد. یکی از دلایل

عدمعبور پلاسمون پلاریتونهای سطحی، در برخی طول موجهای ورودی، عدمتطابق امپدانس بین پلاسمونهای سطحی و لایه بستر (سیلیکا) می باشد.

بنابراین تنها طول موجهایی بین لایه های گرافن ساختار پیشنهادی تزویج خواهند شد که شرط رزونانس لایههای دوم و سوم را تامین کنند. با توجه به ابعاد ساختار و همچنین پتانسیل شیمیایی گرافن برخی از طول موجها در بازههای مشخص حذف و باقی طول موجها با نرخ خوب انتقال پیدا خواهند کرد. میزان رسانایی گرافن توسط فرمول کوبو به صورت زیر تعریف میشود [7]:

$$\sigma(\omega,\mu_{c},\Gamma,T) = \frac{je^{2}}{\pi\hbar^{2}(\omega-j\,2\Gamma)} \int_{0}^{\infty} \varepsilon \left(\frac{\partial f_{d}(\varepsilon)}{\partial \varepsilon} - \frac{\partial f_{d}(-\varepsilon)}{\partial \varepsilon} \right) d\varepsilon \qquad (1)$$
$$-\frac{je^{2}(\omega-j\,2\Gamma)}{\pi\hbar^{2}} \int_{0}^{\infty} \frac{f_{d}(-\varepsilon) - f_{d}(\varepsilon)}{(\omega-j\,2\Gamma)^{2} - 4(\varepsilon/\hbar)^{2}} d\varepsilon$$

$$\sigma_{int\,ra} = -j \frac{e^2 k_B T}{\pi \hbar^2 (\omega - j \, 2\Gamma)} \left[\frac{\mu_c}{k_B T} + 2\ln\left(e^{\left(-\mu_c/k_B T\right)} + 1\right) \right] \quad (r)$$

$$\sigma_{\text{inter}} \approx \frac{-je^2}{4\pi\hbar} \ln \left(\frac{2|\mu_c| - (\omega - j \, 2\Gamma)\hbar}{2|\mu_c| + (\omega - j \, 2\Gamma)\hbar} \right) \tag{ξ}$$

در ناحیه $2\mu_c \approx 2\mu_c \propto k_B T \ll |\mu_c|$ ، بخش حقیقی رسانایی \mathcal{R}_c ارفن به گرافن مقداری کوچک و بخش موهومی آن مثبت است. گرافن به عنوان دیالکتریک ناهمگن با ضریب نفوذپذیری \mathcal{E}_{eq} شناخته می شود [۷]:

$$\varepsilon_{eq} = 2.5 + i \, \frac{\sigma_g}{\omega \varepsilon_0 \Delta} \tag{(b)}$$

¹ Kubo

² Fermi-Dirac

 Δ ضخامت لایه گرافن است. در ساختار پیشنهادی ضخامت تمامی لایههای گرافن 1nm در نظر گرفته شده است. مقدار ضخامت لایه گرافن در میزان نفوذپذیری الکتریکی آن بسیار تاثیرگذار میباشد. در ناحیه $\Delta m = k_B r \ll |\mu_c|$ ، $\hbar \omega \ll 2\mu_c$ رسانایی میانباند گرافن تقریبا برابر صفر شده و رسانایی کلی برابر با رسانایی درونباند می باشد:

$$\sigma \approx \sigma_{\inf m} \approx \frac{ie^2 \mu_c}{\pi \hbar^2 (\omega + i \tau^{-1})} \tag{7}$$

همچنین درون این ناحیه _{وو}ع دارای مقداری منفی و قسمت موهومی کوچک و به دنبال آن گرافن را می توان به عنوان ماده با خاصیت پلاسمونیک نیز در نظر گرفت. ابعاد ساختار به صورت d2=10nm .h=400nm .h=400nm .h=400nm به=100nm و monter. فخامت لایه نقره (زیر بستر لایه گرافن چهارم) نیز nnn می باشد. همانطور که بیان شد میزان رسانایی لایه گرافن ارتباط مستقیمی با غلظت حاملهای آن دارد. تغییر غلظت حاملها از طریق اعمال ولتاژ خارجی انجام خواهد گرفت. غلطت حاملها به صورت زیر تعریف می شوند:

$$n_{s} = \frac{2}{\pi \hbar^{2} v_{F}^{2}} \int_{0}^{\infty} \varepsilon (f_{d}(\varepsilon) - f_{d}(\varepsilon + 2\mu_{c})) d\varepsilon \qquad (v)$$

 $\mu_c = 0.45 \text{ eV}$ و $\mu_c = 10000 \text{ cm}^2/(\text{V.s})$, $\nu_F = 10^6 m / s$ نظر گرفته شده است. با اعمال ولتاژهای مختلف به لایههای گرافن میزان پتانسیل شیمیایی کنترل خواهد شد. با توجه بـه متغیـر بـودن پتانسیل شیمیایی، میزان رسانایی گـرافن نیـز متغیـر بـوده و انتشـار پلاسمون پلاریتونهای سطحی کنترلپذیر است.

شبیه سازی و نتایج

تحلیل ساختار با استفاده از نرمافزار "FDTD انجام شدهاست. شکل ۲ طیف انتقال (T=(Pout/Pin) را برای فواصل مختلف d و در بازهی طول موج ۷µm الی ۱٦µm نشان میدهد. طول L ثابت و با تغییر طول لایه گرافن دوم و چهارم، فاصله d تنظیم خواهد شد. لایه گرافن ۱ به عنوان ورودی و لایه ٤ خروجی ساختار در نظر گرفته شدهاند.

³ Finite Difference Time Domain

شكل ۲ ميزان انتقال خروجی را برحسب طول موج و با تغيير فاصله d_1 نشان میدهد. با افزايش ميزان d_1 نرخ انتقال هم كاهش يافته است اما اين كاهش انتقال در طول های تزويج 60nm و 85nm به خوبی قابل مشاهده است. با تغيير فاصله تزويج 1 شرط تشديد لايه گرافن دوم تغيير میكند و برخی طول موجها بدليل عدم نزديكی به طول موج تشديد لايه های دوم وسوم، حذف خواهند شد. در اين طيف (شكل ۲) فاصله تزويج 2b ثابت و برابر 10nm در نظر گرفته شده است. شكل ۳ توزيع ميدان مغناطيسی H_z را نشان می دهد.







شکل ۳: توزیع میدان Hz الف: طول موج $\lambda = 8 \mu m$ ، ب: طول موج شکل ۳: $\lambda = 11.33 \mu m$

شکل ٤ منحنی انتقال ساختار را با تغییرپارمتر h در حالی که سایر پارامترها به صورت L₁=100nm .w=10nm ، p=1µm

پ و ب ر ب ر ب ر ب ر ب ی و ب ب ی و g=100nm ،d₂=10nm ،d₁=10nm میدهاند را نشان میدهد. همان طور که مشاهده می شود بهترین خروجی در h=400nm بدست خواهد آمد و هر چه طول لایه گرافن عمودی افزایش یابد خاصیت فیلترینگ مدار، مخصوصا در بازه Δμm الی ۱٤μm بهبود پیدا میکند.



شکل ٤:طیف انتقال ساختار برحسب تغییرات طول لایه گرافن سوم شکل ۵ مشخصه انتقالی ساختار را برحسب طول موج و براساس تغییر پتانسیل شمیایی لایههای گرافن نشان میدهد. مشاهده میکنیم که با کاهش پتانسیل شمیایی لایههای گرافن، پیک انتقال دربازه طول موج مورد نظر و همچنین ثابت انتشار پلاسمونهای سطحی کاهش یافته است.



شكل ٥:طيف انتقال ساختار برحسب تغييرات پتانسيل شيميايي

نتایج نشان میدهد که در ابعاد $d_1=10$ و h=400nm طیف انتقال در طول موج $\lambda=11.33$ یک قله تشدید از خود نشان خواهد داد. همچنین طول موجهای ۸µ۸ الی ۱۰µ۳ به دلیل عدم تطبیق امپدانس حذف خواهند شد. طول موجهای ورودی در این بازه همچنین بدلیل عدم نزدیکی به طول موج تشدید لایههای ۲ و ۳ اجازه عبور پیدا نخواهند کرد. درنتیجه تزویج گر پیشنهادی در بازه طول موج Mµ۸ الی ۱٤µ۳ مشابه یک فیلتر نوری عمل میکند.

نتيجه گيري

در این مقاله ساختار یک تزویج گر پلاسمونیکی مبتنی برگرافن ارائه و تحلیل شده است. طیف انتقال برحسب تغییر پارامتر های (hgdl) و هم چنین تغییر پتانسیل شیمیایی بررسی شد. همانطور که نتایج نشان میدهد، میتوان با تغییر پتانسیل شیمیایی لایه گرافن از طریق اعمال ولتاژ خروجی به آن، توان خروجی را به خوبی کنترل کرد.

بیشترین نرخ انتقال ساختار فوق برای ساختاری با ابعاد d₁=20nm و h=400nm در حدود ۷۰ درصد بدست آمد. نتایج نشان میدهد که ساختار فوق در قیاس با ساختار های متناظر آن دارای بهبود بیش از ۱۹ الی ۲۰ درصد میباشد [۸].

مراجع

[1] Wu, Wenjun, Junbo Yang, and Dingbo Chen. "Plasmonic Beam Deflector and Optical Coupler," *IEEE Photonics Technology Letters, vol.* **29**, No. 18, pp.1592-1595, 2017.

[2] He, Meng-Dong, Kai-Jun Wang, Lei Wang, Jian-Bo Li, Jian-Qiang Liu, Zhen-Rong Huang, Lingling Wang, Lin Wang, Wei-Da Hu, and Xiaoshuang Chen. "Graphene-based terahertz tunable plasmonic

directional coupler," Applied Physics Letters, vol. 105, No. 8, pp. 081903, 2014.

[3] Shalaev, Vladimir M. "Coupling light to nanostructures via plasmons," In 2005 IEEE LEOS Annual Meeting Conference Proceedings, pp. 280-281, 2005.

[4] Chamanara, Nima, Dimitrios Sounas, and Christophe Caloz. "Non-reciprocal magnetoplasmon graphene coupler," *Optics express, vol.* **21**, No. 9 ,pp.11248-11256, 2013.

[5] Wang, Bing, Xiang Zhang, Xiaocong Yuan, and Jinghua Teng. "Optical coupling of surface plasmons between graphene sheets," *Applied Physics Letters*, vol. **100**, No. 13, pp. 131111, 2012.

[6] Hanson, George W. "Dyadic Green's functions and guided surface waves for a surface conductivity model of graphene," *Journal of Applied Physics, vol.* **103**, No. 6 ,pp. 064302, 2008.

[7] Xiao, Binggang, Runliang Sun, Jinlong He, Kang Qin, Sheng Kong, Jing Chen, and Wang Xiumin. "A terahertz modulator based on graphene plasmonic waveguide," *IEEE Photonics Technology Letters, vol.* **27**, No. 20, pp. 2190-2192, 2015.

[8] Li, Hong-Ju, Ling-Ling Wang, Zhen-Rong Huang, Bin Sun, and Xiang Zhai. "Tunable mid-infrared plasmonic anti-symmetric coupling resonator based on the parallel interlaced graphene pair," *Plasmonics, vol.* **10**, No. 1, pp. 39-44, 2015.

ناهمسانگردی مغناطیسی در ساختارهای نامتجانس یک و دو لایه کبالت/ فسفرین

حسینی ، سیدحمیدرضا ؛ حمدی، محمد ؛ حدادی، فاطمه ؛ رحیمی، کورش ؛ برکاتی، بهراد ؛ صادقی، علی ؛ محسنی ، سید مجید ٔ

^ادانشکده علوم پایه، دانشگاه تربیت مدرس ، تهران ۲ دانشکده فیزیک، دانشگاه شهید بهشتی ، تهران

چکیدہ

افزایش ناهمسانگردی مغناطیسی عمودی در ساخت ابزارهای جدید اسپیترونیکی مانند اتصالات تونلی مغناطیسی اهمیت فراوانی دارد. در این پژوهش ناهمسانگردی مغناطیسی یک ساختار دو لایهای متشکل از یک و دو لایه کبالت/ فسفرین را با استفاده از نظریه تابعی چگالی مورد بررسی قرار دادهایم. نتایج نشان می دهد که با وجود برهم کنش اسپین-مدار ضعیف فسفرین در ساختارهای نامتجانس مورد بررسی، ناهمسانگردی مغناطیسی کبالت به دلیل هیپریدشدگی اوربیتالها در فصل مشترک به میزان قابل توجهی افزایش می بابد. این ناهمسانگردی در ساختار تک لایه کبالت/ فسفرین در جهت موازی با صفحه و در ساختار دو لایه کبالت/ فسفرین عمود به صفحه ساختار است.

Magnetic anisotropy in single and bilayer Cobalt / Phosphorene heterostructures Hoseiney, Seyyed Hamidreza¹; Hamdi, Mohammad²; Haddadi, Fatemeh²; Rahimi, Kourosh¹; Barakati, Behrad¹; Sadeghi, Ali²; Mohseni, Seyed Majid²

¹ Faculty of basic science, University of Tarbiat modares, Tehran, ² Department of Physics, Shahid Beheshti University, Tehran

Abstract

Perpendicular magnetic anisotropy enhancement in fabrication of new spintronic devices such as magnetic tunnel junctions are of great importance. In this research magnetic anisotropy in a bilayer system consisted of single- and bi-layer Cobalt/Phosphorene is considered using density functional theory (DFT). Results show that in spite of weak spin-orbit interaction of Phosphorene, in this heterostructures magnetic anisotropy of cobalt atoms significantly increases because of orbital hybridization. This anisotropy is in plane in the monolayer Cobalt/Phosphorene and perpendicular in the double layer Cobalt/Phosphorene heterostructures.

PACS No.

گردیده است که این ناهمسانگردی می تواند حتی در حضور مواد با برهم کنش اسپین-مدار کاملا ضعیف نیز در این نوع ساختارهای نامتجانس به وجود آید. علت این امر که با محاسبات دست اولی هم تایید گردیده است هیبریدشدگی اوربیتالها بین اکسیژن و فلز مغناطیسی در فصل مشترک است[۲]. از طرفی مشخص گردیده که برای تغییر مغناطش یک ماده فرومغناطیس با استفاده از جریان قطبشی بر روی صفحه در فصل مشترکها بیشترین سهم مربوط به گشتاورهای شبه میدان ناشی از برهمکنش تبادلی S-8 است و این گشتاور به ضخامت دو لایه بستگی ندارد[۳]. به همین لحاظ مطالعه

مقدمه

یکی از اهداف مهم در پژوهشهای اسپینترونیک، طراحی ساختارهای چند لایهای مغناطیسی در ابعاد نانو با ناهمسانگردی مغناطیسی عمود به صفحه (PMA) به منظور ساخت ابزارهای مبتنی بر گشتاورهای اسپین-مداری (SOT) و یا گشتاورهای انتقالی اسپینی (STT) است[۱]. ناهمسانگردی مغناطیسی معمولا در موادی مشاهده می شود که برهم کنش اسپین-مدار بزرگی داشته باشند. اما با مشاهده می مواد مغناطیسی/ اکسیدهای فلزی مشخص

بر روی ساختارهای دولایهای متشکل از مواد فرومغناطیس و مواد دوبعدی از اهمیت به سزایی برخوردار است. در این بین فسفرین به دلیل داشتن گاف نواری مناسب و همچنین تحرک الکترونی نسبتا بالا میتواند گزینه مناسبی جهت ساخت ابزارهای اسپینترونیکی باشد[٤].

در این پژوهش ما ناهمسانگردی مغناطیسی را در دو ساختار دولایهای متشکل از یک لایه کبالت/فسفرین شکل ۱ (الف و ب) و دولایه کبالت/فسفرین شکل ۱ (پ)، مورد بررسی قرار دادهایم. نتایج به دست آمده نشان میدهد با وجود برهم کنش اسپین-مدار ضعیف فسفرین، هیبریدشدگی اوربیتالی در فصل مشترک کبالت/فسفرین به دلیل ایجاد برهم کنش اسپین-مدار راشبا باعث تقویت قابل ملاحظه ناهمسانگردی مغناطیسی کبالت شده اما جهت مغناطش لایه کبالت را تغییر نمیدهد.



شکل ۱ : سوپرسل (الف) و ساختار تک لایه کبالت فسفرین(ب)، ساختار دولایه کبالت/فسفرین (پ). در سوپرسل ساخته شده در راستای محور z به اندازه ۱۵ انگستروم فاصله گذاشته شده تا از برهم کنش با لایه های دیگر جلوگیری شود.

روشهای محاسباتی

محاسبات در چارچوب نظریه تابعی چگالی (DFT) و روش شبه پتانسیل و با استفاده از بسته نرم افزار کوانتوم اسپرسو اجرا شده است. به دلیل ناهمگونی ساختار هندسی شبکه کبالت (شش ضلعی) و فسفرین (اورترومبیک) سوپرسل تشکیل شده به صورت اورترومبیک با تعداد ۲۰ اتم برای ساختار تک لایه کبالت/فسفرین

و ۲۸ اتم برای ساختار دولایه کبالت/فسفرین به دست میآید. جهت کمینه کردن نیرو و تشکیل ساختار بهینه از شبه پتانسیلهای فوق نرم با گرید بندی ۲۱×۲×۱ در راستای X, ۷ و Z استفاده شده است. استرین وارد بر لایه فسفرین در حدود ۱٫۵ درصد و فاصله به دست آمده بین دو لایه در ساختار ریلکس شده ۲٫۳ آنگستروم میباشد. برای انجام محاسبات خود سازگار با در نظر گرفتن برهم کنش اسپین-مدار از پتانسیلهای نسبیتی و روش موج افزایش یافته تصویری PAW استفاده شده است. مغناطش ساختار به صورت غیر هم ردیف در نظر گرفته شده و برای جمله تبادلی-همبستگی در معادله کوهن-شم از تقریب شیب تعمیم یافته GGA بهره گرفته شده است. به منظور به دست آوردن حالت پایه سیستم و بنابراین جهت مرجح مغناطش در ساختار، محاسبات یک بار با مغناطش عمود به صفحه و یک بار با مغناطش روی صفحه انجام و

نتايج

در محاسبات انجام شده بر مبنای شبه پتانسیل مورد استفاده مقدار انرژی قطع برای تابع موج برابر Ry 60 و برای انرژی جنبشی الکترونی برابر 250 Ry در نظر گرفته شد. محاسبات در سه جهتگیری مختلف مغناطیسی عمود به صفحه، بر روی صفحه با زاویه سمتی صفر و بر روی صفحه با زاویه سمتی ۹۰ اجرا گردید. نتایج به دست آمده برای ساختار تک لایه کبالت/فسفرین در جدول یک نشان داده شده است. همچنین در این جدول نتایج مربوط به یک تک لایه کبالت به منظور مقایسه آورده شده است.

جدول۱ : انرژی کل در زوایای مختلف مغناطش در ساختار تک لایه کبالت/فسفرین و انرژی ناهمسانگردی مغناطیسی به دست آمده.

| | - | | - |
|---------|-----------------|--|---------------|
| جهت | | $(\mathbf{P}_{\mathbf{Y}})$ $\boldsymbol{\zeta}$ $\dot{\boldsymbol{z}}$:1 | زاويه |
| مغناطش | ΔΕ(θ(90)-(θ(0)) | الرزی کل (۲۷) | مغناطش |
| | | -3680.21876200 | Θ=0 |
| بر صفحه | ~ -1.71 mev | -3680.21888767 | Θ=90 ;φ=0 |
| بر صفحه | ~ -1.19 mev | -3680.21884972 | Θ=90 ;φ=90 |
| بر صفحه | ~ -0.5 mev | ک لایه کبالت | تک |

برای این منظور چگالی حالات تصویر شده اوربیتال ۳۵ یک عنصر کبالت در ساختار دولایه کبالت/فسفرین را که در شکل ۱ (پ) با دایره قرمز مشخص شده، مورد بررسی قرار میدهیم. با در نظر گرفتن برهم کنش اسپین-مدار در هامیلتونی سیستم، اوربیتال ۳۵ به دو اوربیتال با اندازه حرکتهای زاویهای کل 2/2=J و2/2=J شکافته می شود. هامیلتونی اسپین-مدار را می توانیم به صورت زیر بنویسیم:

$$H = -\alpha \langle L.S \rangle \tag{1}$$

$$\left\langle L\right\rangle = \left\langle L_{\prime\prime}\right\rangle + \left\langle L_{\downarrow}\right\rangle \tag{7}$$

با توجه به این هامیلتونی، اگر تکانه زاویهای مداری در سیستم را با دو مولفه عمود به صفحه و موازی با صفحه xy در نظر بگیریم چنانچه هر کدام از این دو مولفه بزرگتر باشد جمله L.S در آن جهت بزرگتر بوده و می توان پیش بینی کرد که اسپینها و در نتیجه مغناطش سیستم در آن راستا قرار میگیرد. اندازه حرکت زاویهای مداری در سیستم با رابطه زیر به دست میآید:

$$\left\langle L_{x,y,z} \right\rangle = \sum_{N_i} \sum_{j,m_j} \int D(\varepsilon) \left\langle L_{x,y,z}^{j,m_j} \right\rangle d\varepsilon$$
 (r)

که در آن مقدار چشمداشتی اندازه حرکت زاویهای در هر راستا بصورت انتگرال حاصلضرب چگالی حالات انرژی (E) در مقدار چشمداشتی اندازه حرکت زاویهای اتمی وسپس جمع بر روی همه حالات کوانتومی و در نهایت جمع بر روی تمام اتمها Ni به دست میآید.

در شکل ۲، PDOS مربوط به اوربیتال ۳۵ را برای J=3/2 در دو زاویه مختلف مغناطش بر روی صفحه (θ=90, φ=0) و عمود به صفحه (θ=0) رسم کردهایم.

مشاهده می شود که میزان جداشدگی نمودارهای PDOS برای mj=±1/2 و 3/2±=m در حالت مغناطش عمود به صفحه بیشتر از حالت مغناطش بر روی صفحه است. این موضوع به معنی بزرگتر بودن ضریب چگالی حالات در اندازهگیری مقدار اندازه حرکت زاویهای عمود به صفحه در رابطه (۳) و در نتیجه نشان ملاحظه می شود که حالت پایه انرژی مربوط به مغناطش بر روی صفحه با زاویه سمتی صفر است. از نتایج به دست آمده می توان مشاهده کرد که در اثر هیبریدشدگی اوربیتالها در فصل مشترک ساختار جهت مغناطش تغییری نکرده ولی مقدار آن از 0.5 mev به 1.71 mev در حالت پایه انرژی رسیده است.

به دلیل ساختار نامتقارن فسفرین محاسبات را برای یک سمتگیری دیگر مغناطش با زاویه سمتی ۹۰ درجه نیز انجام دادهایم. مقدار انرژی به دست آمده کمتر از حالت با مغناطش عمود به صفحه است ولی مقدار آن از حالت پایه بیشتر است.

نتایج مربوط به ساختار دولایه کبالت/فسفرین در جدول ۲ نشان داده شده است. در مورد یک دولایهای کبالت، جهت مغناطش به دست آمده عمود به صفحه است. باز هم مشاهده می شود که با اضافه شدن لایه فسفرین و هیبرید شدگی در فصل مشترک این ناهمسانگردی در مغناطش کبالت همچنان عمود به صفحه است ولی مقدار آن افزایش می یابد.

ناهمسانگردی مغناطیسی عمود به صفحه به دست آمده در این ساختار قابل مقایسه با ناهمسانگردی ساختارهای متشکل از عناصر سنگین مانند Co/Pt است در صورتی که اتم فسفر در مقایسه با پلاتین دارای برهم کنش اسپین-مدار بسیار کوچکتری است. در واقع در اینجا به دلیل شکل گیری یک ساختار نامتقارن برهم کنش اسپین-مدار راشبا نقش مهمی ایفا میکند. به منظور توجیه تغییرات ناهمسانگردی در ساختارهای مورد مطالعه می توان از چگالی حالات تصویر شده (PDOS) اتمهای کبالت در ساختار بهره گرفت.

جدول۲ : انرژی کل در زوایای مختلف مغناطش در ساختار دو لایه کبالت فسفرین و انرژی ناهمسانگردی مغناطیسی به دست آمده.

| جهت مغناطش | $\Delta E(\theta(90)-(\theta(0))$ | انرژی کل (Ry) | زاويه |
|--------------|-----------------------------------|----------------|---------------|
| | | | مغناطش |
| | | -6694.39476381 | Θ=0 |
| عمود به صفحه | ~ 1.48 mev | -6694.39468147 | Θ=90 ;φ=0 |
| عمود به صفحه | ~ 1.12 mev | -6694.39465530 | Θ=90 ;φ=90 |
| عمود به صفحه | ~ 0.96 mev | دو لايه كبالت | |

دهنده افزایش میزان ناهمسانگردی مغناطیسی عمود به صفحه در این ساختار است.

در شکل (۳) چگالی حالات تصویری مربوط به اوربیتال j=5/2 را برای در دو جهتگیری مغناطیسی بر روی صفحه و عمود به صفحه نشان دادهایم. باز هم جدا شدگی مقادیر مربوط به mj یکسان با علامت مخالف در حالت مغناطش عمود به صفحه بسیار چشمگیرتر است. در واقع برای مغناطش بر روی صفحه مقادیر مختلف jm در جمع رابطه (۳) یکدیگر را خنثی میکنند که این مسئله باعث به وجود آمدن مغناطش عمود بر صفحه می گردد.



شکل۲ : چگالی حالات تصویر شده انرژی برای اوربیتال ۳d با اندازه حرکت زاویهای کل J=3/2 برای دو جهتگیری مغناطش(الف) بر روی صفحه θ=90 و (ب) عمود به صفحه θ=θ

نتيجه گيرى

در این پژوهش ناهمسانگردی مغناطیسی را در یک ساختار دولایهای متشکل از یک و دولایه کبالت/فسفرین مورد مطالعه قرار دادیم. مشاهده شد که هیبریدشدگی اوربیتالها در فصل مشترک این ساختارهای نامتقارن به دلیل بروز برهم کنش اسپین-مدار راشبا باعث افزایش قابل ملاحظهای در ناهمسانگردی مغناطیسی

لایه فرومغناطیس می شود که این ناهمسانگردی در مورد ساختار تک لایه کبالت/ فسفرین موازی با صفحه ساختار بوده و در مورد ساختار دولایه کبالت/ فسفرین عمود به صفحه می باشد. این نتایج می توانند در طراحی ابزارهای تونلی مغناطیسی (MTJs) مورد توجه قرار گیرند.



مرجعها

- [1] B. Dieny and M. Chshiev; "Perpendicular magnetic anisotropy at transition metal/oxide interfaces and applications" *REVIEWS OF MODERN PHYSICS, V 89; 2017*
- [Y] Monso, S. et al; "Crossover from in-plane to perpendicular anisotropy in Pt/CoFe/AIOx as a function of the Al degree of oxidation"; *Appl. Phys. Lett.* 80, 4157–4159 (2002)
- [r] V. P. Amin and M. D. Stiles; "Spin transport at interfaces with spin-orbit coupling: Formalism"; PRB 94, 104419 (2016)
- [1] Z. S. Popovi'c et al; "Electronic structure and anisotropic Rashba spin-orbit coupling in monolayer black phosphorus"; PRB 92, 035135 (2015)

بهبود جذب مایکروویو با استفاده از نانوپوشش های نیکل بر روی پارچه های پلی استر

حقوقی فرد، صدیقه

بخش فيزيك، مركز أموزش عالى اقليد، اقليد

*چکید*ہ

پارچه های پلی استر توسط لایه نازکی از نانوساحتار فلز نیکل با ضخامت ۲۰۰ نانومتر به روش الکترولس پوشش دهی شده اند. در این پژوهش تاثیر افزودنی ساخارین را در حمام الکترولس بر مورفولوژی، اندازه دانه بندی، خاصیت بلوری، مقاومت سطحی و خواص مغناطیسی که همگی حفاظ سازی مایکروویو را تحت تاثیر قرار می دهند، بررسی خواهیم کرد.

Improving the microwave absorption with Ni nano covers on the polyester fabrics

Hoghoghifard, Sedigheh

Department of Physics, Higher Education Center of Eghlid, Eghlid

Abstract

Polyester fabrics are coated uniformly by Nickel thin film nanostructure with 200 nm thickness by electroless plating method. This study investigates the effect of saccharin as an additive in plating solution, on the morphology, grain size, crystallinity, surface resistivity and magnetic properties of the coated fabrics which influences the microwave shielding strongly.

PACS No. 61, 68.

نیکل و کبالت از جمله عناصر فرومغناطیس میباشند [۱]. لایهنشانی لایه نازکی از این فلزات بر روی بسترهای مختلف، میتواند سطحی با خاصیت جذب امواج الکترومغناطیسی را ایجاد کند. بسترهای پارچهای از جنس پلی استر با توجه به سبک، انعطاف پذیر و مقاوم بودن در محیط واکنش های شیمیایی، میتوانند گزینه مناسبی به این منظور باشد. لایهنشانی به روش الکترولس در حمامهای شیمیایی از جمله سادهترین روش های لایهنشانی به صورت کاملا یکنواخت بر روی سطوح نارسانا میباشد [۳ و۲]. در اینجا نیکل به عنوان یک فلز فرومغناطیس به جهت لایه نشانی بر روی بسترهای پارچهای پلی استر مورد استفاده قرار گرفته است.

روش کار

مقدمه

در میان انواع مواد مغناطیسی، فرومغناطیسها و فریمغناطیسها زمانی که در معرض یک میدان مغناطیسی خارجی قرار گیرند، به دلیل همراستایی گشتاورهای دوقطبی مغناطیسی اتمهای تشکیل دهنده و در نهایت وجود برایند گشتاور مغناطیسی غیر صفر گزینههای مناسبی به منظور استفاده به عنوان جاذب امواج الکترومغناطیسی مطرح می شوند. گشتاور مغناطیسی در هر یک از حوزههای تشکیل دهنده یک ماده فرومغناطیس در حضور میدان با یکدیگر هم راستا و با افزایش شدت میدان فرودی، به تدریج گرفته و کل ماده تبدیل به یک تک حوزه مغناطیسی می گردد. با حذف میدان فرودی، پس از مدت زمان کوتاهی ماده خاصیت مغناطیسی خود را از دست داده و به حالت اولیه باز می گردد. آهن،

در این پژوهش، لایه نشانی لایه ای نازک و یکنواخت از فلز نیکل بر روی بستر پارچه ای پلی استر عایق با ضخامت ۲۰۰ نانومتر با استفاده از روش نشست الکتروشیمیایی صورت گرفته است. این فرایند از سه مرحله اصلی شامل سونش شیمیایی سطح، فعال سازی و لایه نشانی نیکل تشکیل می گردد.

سونش شیمیایی سطح به منظور ایجاد حفرههایی بر روی سطح که از نظر شیمیایی فعال بوده و نقاط مناسبی برای جذب فعال کننده و رسوبات شیمیایی فلزات از طریق افزایش چسبندگی مکانیکی باشند، صورت می گیرد. در اینجا بسترها به مدت ۳۰ ثانیه در محلولی شامل سولفوریک اسید، کلریدریک اسید و آب اکسیژنه در دمای 20 درجه سانتیگراد قرار گرفته و پس از شستشو با آب مقطر، جهت از بین بردن یون های موجود بر روی نمونه، بستر به مدت ۳۰ ثانیه در محلول ۲۰٪ سولفوریک اسید در دمای ۲۰ درجه سانتیگراد قرار می گیرد. در مرحله بعد، فعال سازی سطوح با مورت گرفته و به این منظور، بسترها را در حدود ۲ دقیقه در محلول ۲۰ درجه سانتیگراد قرار داده و در پی احیای یون های حوارت گرفته و به این منظور، بسترها را در حدود ۲ دقیقه در محلول ۲۰ درجه سانتیگراد قرار داده و در پی احیای یون های

 $Sn^{+2} + Pd^{+2} \to Sn^{+4} + Pd^{0}$ (1)

محلول نیکل الکترولس جهت لایه نشانی لایه نازک نیکل شامل نیکل سولفات و سدیم هیپوفسفیت هر یک با غلظت ($\frac{8}{Lit}$ ٥) بوده و به منظور تنظیم pH محیط در حدود ۸–۷/۷ به هر لیتر از محلول ٤٠ میلی لیتر آمونیوم هیدراکسید اضافه میکنیم. لایه نشانی در دمای اتاق و با غوطه وری بستر به مدت ۳–۲ دقیقه انجام می شود. هر ذره پالادیوم، مرکز تجمع ذرات فلز نیکل به دور خود گردیده و نهایتا فلز نیکل در سطح قطعه احیا می گردد.

 $3NaH_2PO_2 + 3H_2O + NiSO_4 \rightarrow 3NaH_2PO_3 + H_2SO_4 + 2H_2 + Ni^0$ (۲) در مرحله ای دیگر ساخارین به عنوان یک افزودنی آلی با فرمول شیمیایی $C_7H_5NO_3S$ به حمام نیکل الکترولس افزوده و تاثیر آن در ساختار و خواص

الکترومغناطیسی پوشش های ایجاد شده مورد بررسی قرار گرفته است.

نتايج

مواد افزودنی از طریق جذب بر روی سطح کاتـد، بـر نحـوه ی تشکیل بلورها و فرایند ایجاد پوشش تاثیر می گذارند. این مواد پس از جذب بر روی سطح زیر لایه، با تغییر پارامترهایی مانند غلظت مکانهای رشد بر روی سطح، انرژی جذب سطحی و ضریب نفوذ ماده موجب تغییر فرایند رشد می گردند. جذب سطحی این مواد به دو صورت جذب فیزیکی و شیمیایی صورت می گیـرد [۸ و ۲، ۵]. تصاویر گرفته شده از سطح پارچه های پوشش دهـی شـده نشان دهنده تغییر مورفولوژی ساختار از کروی شکل به سمت تیغه ای و همچنین کاهش اندازه ذرات می باشد. افزودنی با غلظت ٥ گرم در لیتر منجر به ایجاد لایه ای یکنواخت و پیوسته بـر روی سطح با میانگین اندازه دانه بندی برابـر بـا ١٠٤ـ۸ نـانومتر و ضـخامتی در حدود ۲۰۰ نانومتر گردیده است.



شکل ۱: تصاویر میکروسکوپ الکترونی روبشی از سطح الیاف پوشش دهی شده در حضور افزودنی ساخارین با غلظت های مختلف، الف) بدون افزودنی، ب) غلظت ۲، پ) غلظت ٥ و ت) غلظت ۱۰ گرم بر لیتر.

همچنین اندازه گیری ها بیانگر کاهش مقاومت سطحی نمونه ها با افزایش غلظت افزودنی تا ۵ گرم بر لیتر می باشد. این پدیده در نتیجه تغییر مورفولوژی ساختار، یکنواختی و پیوستگی
نانوساختار ایجاد شده بر روی سطح در حضور افزودنی می باشد که منجر به بهبود حرکت و انتقال الکترون های آزاد و رسانندگی الکتریکی ساختار می گردد.



شکل ۲: مقاومت سطحی میانگین در حضور افزودنی با غلظت های مختلف.

نتایج حاصل از پراش پرتو ایکس از سطح نمونه ها (شکل ۳) نشان دهنده بلوری تر و ریزتر شدن ساختار در حضور افزودنی می باشد که این مسئله در پی سرعت رشد پایین تر و نرخ جوانه زنی بالاتر در حضور افزودنی می باشد که اتم های نیکل زمان کافی برای تشکیل یک شبکه بلوری را دراختیار دارند.



گردد.همچنین میدان وادارندگی و مغناطش مانده در حضور افزودنی مقدار بیشتری دارد. از آنجا که میدان وادارندگی در اثر تغییر در ناهمسانگردی بلوری و ناهمسانگردی شکلی در ساختار



به وجود می آید و با توجه به یکسان بودن ساختار بلوری هر دو نمونه، افزایش میدان وادارندگی در حضور افزودنی در نتیجه ناهمسانگردی شکلی ایجاد شده در ساختار می باشد.

با توجه به مطالب مطرح شده و مقایسه ویژگیهای فیزیکی دو نمونه ها از جهات مختلف، بدیهی است که تفاوتهای ایجاد شده در خواص الکتریکی و مغناطیسی میتواند بر رفتار پوششها در حضور امواج و میزان حفاظسازی امواج توسط آنها تاثیرگذار باشد. نتایج حاصل از اندازهگیریهای مایکروویو نمونهها در بازه فرکانسی ۱۸–۸/۲ گیگاهرتز در شکل ۵ نشان داده شده است.



شکل ٥: حفاظ سازی توسط لایه نازک نیکل بر روی بستر پارچه ای در حضـور افزودنی و بدون افزودنی.

با توجه به نتایج اندازه گیری های انجام شده، در عدم حضور افزودنی بازتاب (٪۵۰–۷۲) به عنوان فرایند غالب در حفاظسازی امواج فرودی عمل میکند. در حالی که ٪۳۰–۲۱ از امواج فرودی توسط این نمونه جذب می گردد. نمونه ی لایهنشانی شده در حضور افزودنی، در حدود ٪۲۰ از امواج فرودی را جذب و ٪۳۳-20 آن را بازتاب میکند که در این مورد جذب به عنوان فرایند غالب در حفاظسازی مورد توجه می باشد.

نکته قابل توجه در نتایج، افزایش جذب پارچههای پوششدهی شده به وسیله لایه نازکی از فلز نیکل در حضور افزودنی ساخارین میباشد که این امر میتواند به دلیل عوامل زیر رخ دهد:

۱- همزمان با افزایش رسانندگی ساختار در حضور افزودنی، عمق پوسته کاهش و جریان اضافی ایجاد شده در اثر قانون القای فارادی افزایش یافته و این امر در زمینه افزایش جذب و اتلاف امواج فرودی از طریق اتلاف جریان اضافی تاثیرگذار میباشد.

۲- بهدنبال افزایش سطح حلقه پسماند در حضور افزودنی، اتـلاف پسماند مغناطیسی با شدت بیشتری اتفاق میافتد.

۳- رفتار مغناطیسی نرمتر در برابر میدان مغناطیسی اعمالی در حضور افزودنی سبب میشود گشتاورهای دوقطبی در ماده موردنظر با اعمال میدان کوچکتری همراستا گردیده و در نتیجه قادر خواهند بود میدان فرودی را هر چند با شدت پایین به راحتی جذب کنند.

٤- وجود ناهمسانگردی شکلی در ساختار تشکیل یافته موجب تقویت و افزایش میدان وادارندگی از ۲/۰ اورستد به ۱۳/۷ اورستد گردیده و این قضیه موجب افزایش جذب در بازه موردنظر می گردد.

٥- ناهمسانگردی شکلی در نتیجه ساختار تیغهای شکل رشد یافته در جهتهای مختلف نیز میتواند در بهبود جذب ساختار تاثیر گذار باشد.

درنتیجه ساخارین به عنوان یک افزودنی موثر موجب تغییر برخی از خواص لایه نازک ایجاد شده بر روی سطح گردیده و جذب امواج را تقویت کرده است. در نهایت در حضور افزودنی ٪۸۵-۹۳ و در عدم حضور افزودنی ٪۹۰-۹۸ از مایکروویو فرودی توسط پوشش ایجاد شده از طریق دو فرایند بازتاب و جذب، تضعیف و حفاظسازی می گردند.

نتيجه گيرى

در این پژوهش لایه نازک و یکنواختی از نانوساختار نیکل باضخامت ۲۰۰ نانومتر بر روی سطح پارچه پلی استر به روش الکترولس قرار گرفته است. بررسی تاثیر افزودنی ساخارین بر خواص الکترومغناطیسی پوشش ها نشان دهنده کاهش مقاومت سطحی با افزایش غلظت افزودنی تا ٥ گرم در لیتر بوده که اتلاف از طریق جریان اضافی را در پی خواهد داشت. همچنین تغییر مورفولوژی و در نتیجه آن بروز ناهسانگردی شکلی، تغییر مغناطش نانوساختار نیکل از طریق رشد در جهت آسان مغناطیسی، بالاتر رفتن مقدار وادارندگی و سطح حلقه پسماند همگی در تضعیف موج فرودی نقش بسزایی دارند. نکته قابل توجه تقویت سازوکار جذب امواج فرودی در مقایسه با بازتاب در حضور افزودنی می باشد که در نهایت منجر به تقویت حفاظ سازی از افزودنی می باشد که در نهایت منجر به تقویت حفاظ سازی از

مرجعها

- [1] T. Hyeon. "Chemical synthesis of magnetic nanoparticles", *Chem. Commun*, (2003) 927–934.
- [Y] Hu. Bonian, S. Ruixue, Yu. Gang, L. Lingsong, Xi. Zhihui, H. Xiaomei, Z. Xueyuan. "Effect of bath pH and stabilizer on electroless nickel plating of magnesium alloys", *Surf. Coatings Technol* 228, (2013) 84–91.
- [^{*}] E. Moti, M.H. Shariat, M.E. Bahrololoom. "Electrodeposition of nanocrystalline nickel by using rotating cylindrical electrodes", *Mater. Chem. Phys* **111**, (2008) 469–474.
- [*] Y.W. Li, X.X. Huang, J.H. Yao, X.S. Deng. "Effect of Saccharin Addition on the Electrodeposition of Nickel from a Watts-Type Electrolyte", Adv. Mater. Res 189, (2011) 911–914.
- [⁵] A.M. Rashidi, A. Amadeh. "Effect of Electroplating Parameters on Microstructure of Nanocrystalline Nickel Coatings", J. Mater. Sci 26, (2010) 82–86.
- [[†]] Sh. Xin, W. Yuxin, Lu. Xin, Li. Chuming, G. Wei. "Parameter Optimization for Electroless Ni-W-P Coating", *Surf. Coatings Technol* 276, (2015) 195-201.
- [V] D. Ghodgaonkar, V. Varadan, and V. Varadan, "Microwave absorption in X and Ku band frequency of cotton fabric coated with Ni-Zn ferrite and carbon formulation in polyurethane matrix", *Journal* of Magnetism and Magnetic Materials **362**, (2014) 216–225.
- [A] S. Hoghoghifard, H. Mokhtari."Improving the microwave absorption in Ni-coated fabrics by saccharin addition in plating bath", *Journal of Industrial Textiles*, (2018) doi:10.1177/1528083718787525.

مطالعه برهم کنش مغناطیسی اتم کبالت با تهی جای کاتیونی در اکسید روی

دارابی ، عادله ؛ افشار، مهدی

آزمایشگاه شبیهسازی مواد، دانشکده فیزیک دانشگاه علم و صنعت ایران، نارمک، تهران

چکیدہ

با استفاده از روش پتانسیل کامل اربیتال موضعی در چارچوب نظریه تابعی چگالی، برهمکنش مغناطیسی بین دو نوع جفت همسایه نزدیک تهیجای کاتیونی و اتم کبالت در نیمرسانای اکسید روی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافتههای ما تهیجای کاتیونی حالت مغناطیسی دارد و با ناخالصی کبالت به صورت فرومغناطیس جفت می شود. همچنین برای بهبود محاسبات در اربیتالهای ۲۵ با برهمکنش های کولنی همبسته قوی از تقریب GGA+U استفاده شد.

A DFT study of magnetic interaction of Co with cation vacancy in ZnO

Darabi, Adeleh; Afshar, Mahdi

Materials Simulation Laboratory, Department of Physics, Iran University of Science and Technology, Narmak, Tehran

Abstract

The magnetic interactions between two types of nearest neighbor cation vacancy and cobalt pair in zinc oxide semiconductor were investigated by a full potential local orbital method in the framework of density functional theory. We found that cation vacancy was in a magnetic state and coupled ferromagnetically with cobalt. The GGA+U method was also applied to accurately include strong Coulomb interactions in 3d orbital of cobalt impurity.

PACS No. (11 Times New Roman, italic)

گرفت [۸-۲]. اگرچه برخی مشاهدات فرومغناطیس گزارش شده است [۵-۳]، نتایج بسیاری نیز مبنی بر رفتار آنتی فرومغناطیس [۸-۲] یا حتی عدم وجود نظم مغناطیسی [۲] وجود دارد. در چنین شرایطی مطالعات نظری بر پایه نظریه تابعی چگالی در تلاش است تر ابه درک درستی از مکانیسم و فیزیک رفتار مغناطیسی این ترکیبات دست یابد. بررسی جفت شدگی تبادلی همسایه نزدیک یونهای مغناطیسی در ZnO با در نظر گرفتن همبستگی الکترونها در اربیتال ۳d نشان داده است جفتهای همسایه نزدیک منگنز و کبالت به صورت آنتی فرومغناطیس با یکدیگر جفت می شوند [۹]. بر این اساس در صورتی که اکسید روی تنها حاوی ناخالصی مغناطیسی باشد و نقص دیگری در شبکه موجود نباشد، نمی توان

مقدمه

منبع اسپینی یک عنصر اساسی در قطعات اسپینترونیکی است. نسل اول اسپینترونیک برای تزریق اسپین شامل اتصالات فلز فرومغناطیس/ نیمرسانا است. در نسل بعدی توجه به نیمرساناهای فرومغناطیس است. نیمرساناهایی که با میزان کمی یون مغناطیسی آلاییده شده (نیمرسانای مغناطیسی رقیق، 'DMS) و یک منبع اسپینی سازگار با فناوری کنونی نیمرسانا هستند. پس از پیشبینی دیتل مبنی بر فرومغناطیس دمای بالا در اکسید روی، ZnO [۱]، مطالعات تجربی و نظری بسیاری روی نیمرساناهای مغناطیسی رقیق بر پایه اکسید روی بهویژه ZnO:Mn و ZnO: انجام

Diluted Magnetic Semiconductor

نشان داده است که تهی جای کاتیونی در ZnO حالت مغناطیسی اسپینی سهگانه (1 = S) دارد و این حالت به خوبی از حالت غیر مغناطیسی جدا شده است [۱۰]. در نتیجه نقصهای شبکه می-توانند نقش مهمی در ایجاد حالت مغناطیسی داشته باشند. جانوتی^۲ و همکارانش با بررسی جامع نقصهای نقطهای ذاتی در اکسید روی نشان دادهاند که تهی جای کاتیونی یا تهی جای Zn محتمل-ترین نقص نقطهای است [۱۱]. نتایج تجربی نیز وجود تهی جای روی در اکسید روی نوع n را تایید کردهاست [۲۲]. ما نیز با توجه به نتایج مطالعات پیشین، اثر تهی جای کاتیونی بر رفتار مغناطیسی نزدیک تهی جا– کبالت مورد بررسی قرار دادیم. به منظور توصیف نزدیک تهی جا– کبالت مورد بررسی قرار دادیم. به منظور توصیف درست تر و دقیق تر سیستم به دلیل وجود اربیتالهای جایگزیده ۳۵ همبستگی قوی الکترونی در اربیتال ۳۵ با اعمال پتانسیل هابارد U در نظر گرفته شد.



شکل ۱ : طرحواره سوپرسلهای (الف) A با جفت همسایه نزدیک درصفحه و (ب) B با جفت همسایه نزدیک خارجازصفحه. جفتهای تهیجا- کبالت با خطچین نشان داده شدهاند.

روش محاسباتی

بهمنظور بررسی اثر جفت تهیجا – کبالت، (Co-vacancy) محاسبات ساختار الکترونی و مغناطیسی در دو سوپرسل اکسید روی، ZnO با ساختار ورتسایت به صورت سوپرسل A (۱×۲×۳) و سوپرسل B (۲×۲×۲) انجام شد. ساختار سلول واحد اکسید روی گروه تقارنی P63mc با ثابتهای شبکه Å a = b = ۳٫۲٤۲۷ و Å ۸۹۹/۵ = c را داراست [۱۳]. در ساختار ورتسایت دو نوع

جفت تهیجا- اتم مغناطیسی میتوان در نظر گرفت؛ یکی به-صورت جفت درصفحه^۳ در سوپرسل A و دیگری جفت خارج از صفحه^ئ در سوپرسل B (شکل ۱). در وارد کردن تهیجا و آلاینده مغناطیسی کبالت، نقصهای جایگزینی خالص درنظر گرفته شده و از اثرات واهلش⁶ شبکه صرفنظر شده است.

محاسبات در چارچوب نظریه تابعی چگالی، DFT و با استفاده از نسخه نسبیتی اسکالر روش ساختار نواری اربیتال موضعی پتانسیل کامل، بسته FPLO [۱٤] انجام گرفته است. در این کد بسط توابع موج بر پایه توابع موج اربیتال های اتمی است، که در ساختارهای شامل عناصری با اربیتالهای جایگزیده مانند اربیتال ۳d موجب افزایش سرعت همگرایی محاسبات میشود. مجموعه اربیتال های پایه برای روی (کبالت) و اکسیژن به ترتیب (۲s,۳p,۳d,٤s,٤p,٤d,٥s) و (۱s,۲s,۲p,۳s,۳p,۳d) می باشند. برای تابعی تبادلی- همبستگی از تقریب گرادیان تعمیم یافته (GGA) استفاده شده است. این تقریب در توصیف برهم کنشهای کولنی در اربیتالهای جایگزیده کاستیهایی دارد؛ در نتیجه برای بهبود محاسبات و تصحیح ترازهای انرژی ۳d از روش GGA+U در حد اتمی استفاده شده است [۱۵،۱٦]. انتگرالهای اسلیتر (Fⁱ, i $(F^2 \, _{0} \, = U \, _{0} \,$ برای اربیتال ۳d برای اربیتال $F^4/F^2 = 0.625 + F^4)/14 = J$ شدهاند [۱۷]. مقدار J بر اساس مرجع [۹] انتخاب شده است. بررسی همگرایی انرژی کل نسبت به مشبندی فضای k برای هر دو نوع سوپرسل نشان داد که تعداد ۵۱۲ = $A \times A \times A$ نقطه k برای انجام محاسبات کافی است.

نتایج و بحث و بررسی

ساختار سوپرسلهای A و B به همراه جفت تهیجا- کبالت، A ماختار سوپرسل ۵ در شکل ۱ نشان داده شده است. در سوپرسل جفت (Co-vacancy) در صفحه عمود بر محور c ساختار

In-plane ^{*}

Out-of-plane ¹

relaxation $^{\circ}$

نوار رسانش از اربیتالهای ٤s و ٤p روی تشکیل شده است. همانطور که در تمامی نمودارها مشخص است، حالتهایی در بالای نوار ظرفیت و نزدیک خط فرمی وجود دارند. این حالتها به دلیل وجود تهیجا در گاف نواری ZnO ایجاد شدهاند و به دلیل نیمه پر بودن و نزدیکی به نوار ظرفیت می توانند پذیرای الکترون باشند. در نتیجه تهیجای کاتیونی (بدون وجود دیگر ناخالصی و نقصها) اکسید روی را به یک نیمرسانای نوع p تبدیل میکند. اثر اعمال U بر تغییر موقعیت اربیتال،های ۳d اتم کبالت کاملا واضح است. در تقریب GGA حالتهای ۳۵ درون گاف نواری قرار دارند. با اعمال U حالتهای ۳d به داخل نوار ظرفیت کشیده می-شوند. با افزایش مقدار U میزان این شیفت انرژی بیشتر میشود. بهعلاوه شکافتگی اربیتال ۳d تحت اثر میدان بلور واضح تر می شود. همان طور که از شکل ۱ مشخص است به دلیل متفاوت بودن پیکربندی جفت Co-vacancy در سوپرسل های A و B، نوع شکافتگی و میزان شکافتگی اربیتالهای ۳d در آنها نیز متفاوت است.



شکل۲ : نمودار چگالی حالتها بر حسب انرژی برای سوپرسل A (سمت راست) و سوپرسل B (سمت چپ) در تقریب GGA و U+GGA. چگالی کل با رنگ سیاه (حالت اسپینی اکثریت) و قرمز (حالت اسپینی اقلیت) و چگالی حالتهای اربیتال ۳۵ اتم کبالت با رنگ سبز (حالت اسپینی اکثریت) و آبی (حالت اسپینی اقلیت) نشان داده شدهاند.

ورتسایت و در سوپرسل B در جهت محور c واقع شدهاند. در ساختار ورتسایت هر اتم، ٤ همسایه نزدیک از اتم نوع دیگر دارد. مقادیر محاسبه شده ممان مغناطیسی اسپینی کل و اتم مغناطیسی کبالت در جدول ۱ فهرست شدهاند. ممان اسپینی اتم کبالت در حدود ${
m S}$ و متناظر با ${
m S}$ = ${
m 7/7}$ است. اختلاف مقدار ممان اسپینی کل و ممان اسپینی اتم کبالت در حدود X $\mu_{
m B}$ است. بهجز اتم مغناطیسی کبالت تنها چهار اتم اکسیژن همسایه نزدیک تهی جا ممان غیر صفر دارند. ممان مغناطیسی دیگر اتمها بسیار کوچک و قابل صرف نظر کردن است. در نتیجه اکسیژنهای همسایه نزدیک تهیجا سهم عمده را در اختلاف ممان کل و اتم کبالت دارند. بنابر مطالعات قبلی نقص نقطهای تهی جا در ساختار ZnO بدون نقص و یا ناخالصی در حالت اسپینی سهگانه، ۱ = S است [۱۰]. نتایج بهدست آمده از محاسبات ما نیز نشان میدهد تهیجا در حضور ناخالصی مغناطیسی کبالت همان حالت اسپینی سه گانه، S = ۱ با ممان مغناطیسی در حدود ۲ $\mu_{
m B}$ را دارد. علاوه بر آن ممان اسپینی تهیجا و ناخالصی مغناطیسی در هر دو تقریب GGA و GGA+U به صورت فرومغناطیس با یکدیگر جفت شدهاند. همان طور که از داده های جدول ۱ مشخص است اعمال تصحیح U هابارد تاثیر چندانی در مقدار ممان اسپینی و همچنین خواص مغناطیسی ساختار ندارد.

جدول۱ : ممان مغناطیسی کل و ممان مغناطیسی اتم کبالت در رژیم نسبیتی اسکالر

| $M_{Co}\left(\mu_{B} ight)$ | $M_{Total}\left(\mu_{B} ight)$ | U (eV) | سوپرسل |
|-----------------------------|--------------------------------|--------|--------|
| ۲/٩. | ٥/٠٠ | • | ۲×۲×۲ |
| ۳/۰۱ | ٤/٩٩ | ٦ | |
| ٣/٠٤ | ٤/٩٨ | ٨ | |
| ۲/٩. | ٥/٠٠ | • | ٣×٢×١ |
| ٣/٠٠ | ٤/٨٤ | ٦ | |
| ٣/•٤ | ٤/٩٣ | ٨ | |

برای بررسی بیشتر اثر همبستگی الکترونی در ساختار الکترونی، نمودار چگالی حالتها (DOS) بر حسب انرژی به ازای ۸ eV و ۲ و ۰ = U برای هر دو سوپرسل A و B در شکل ۲ رسم شده است. نوار ظرفیت عمدتا از اربیتالهای ۲p اکسیژن و nearest-neighbor exchange coupling in Co- and Mn-doped ZnO"; *Phys. Rev. B.* **73**, (2006) 134418

- [1•] T. Chanier, I. Opahle, M. Sargolzaei, R. Hayn, and M. Lannoo; "Magnetic State around Cation Vacancies in II-VI Semiconductors"; *Phys. Rev. Lett.* **100**, (2008) 026405
- [11] A. Janotti, and C. G. Van de Walle; "Native point defects in ZnO"; *Phys. Rev. B.* 76, (2007) 165202
- [11] F. Tuomisto, K. Saarinen, D. C. Look, and G. C. Farlow; "Introduction and recovery of point defects in electron-irradiated ZnO"; *Phys. Rev. B.* 72, (2005) 085206
- [19] T. M. Sabine, and S. Hogg; "The Wurtzite Z Parameter for Beryllium Oxide and Zinc Oxide"; Acta Crystallogr., Sect. B: Struct. Crystallogr. Cryst. Chem. 25, (1969) 2254-2256
- [11] K. Koepernik, and H. Eschrig; "Full-potential nonorthogonal localorbital minimum-basis band-structure scheme"; *Phys. Rev. B.* 59, (1999) 1743, see http://www.FPLO.de
- [10] H. Eschrig, K. Koepernik, and I. Chaplygin; "Density functional application to strongly correlated electron systems"; J. Solid state Chem. 176, (2003) 482-495
- [17] V. I. Anisimov, J. Zaanen, and O. K. Andersen; "Band theory and Mott insulators: Hubbard U instead of Stoner I"; Phys. Rev. B 44, (1991) 943
- [1V] V. I. Anisimov, I. V. Solovyev, M. A. Korotin, M. T. Czyzyk, and G. A. Sawatzky; "Density-functional theory and NiO photoemission spectra"; *Phys. Rev. B* 48, (1993) 16929

نتيجه گيرى

محاسبات اسکالر نسبیتی در ZnO با حضور جفت همسایه نزدیک تهی جای کاتیونی و یون مغناطیسی کبالت در دو پیکربندی درصفحه و خارجازصفحه نسبت به محور C بلور انجام گرفت. حضور اتم مغناطیسی کبالت تاثیری در حالت مغناطیسی سهگانه تهی جای کاتیونی که در حالت عدم حضور ناخالصی گزارش شده بود، نداشت. همچنین جفتشدگی ممان مغناطیسی اسپینی تهی جا و اتم ناخالصی در هر دو نوع پیکربندی به صورت فرومغناطیس بهدست آمد. اعمال پتانسیل هابارد U با دو مقدار VP ۸ و 7 در روش U+GGA اگرچه موقعیت انرژی حالتهای اربیتال M اتم کبالت را اصلاح کرد، تاثیری در مقدار ممانهای اسپینی و خواص مغناطیسی سیستم نداشت.

سپاسگزاری

از حمايت مالي دانشگاه علم و صنعت ايران صميمانه تشكر ميكنيم.

مرجعها

- T. Dietl, H. Ohno, F. Matsukura, J. Cibert, and D. Ferrand; "Zener model description of ferromagnetism in zinc-blende magnetic semiconductors"; *Science* 287, (2000) 1019-1022
- [Y] K. Ueda, H. Tabata, and T. Kawai; "Magnetic and electric properties of transition-metal-doped ZnO films"; *Appl Phys. Lett.* 79, (2001) 988
- [^r] H. J. Lee, S. Y. Jeong, C. R. Cho, and C. H. Park; "Study of diluted magnetic semiconductor: Co-doped ZnO"; *Appl. Phys. Lett.* 81, (2002) 4020
- [٤] W. Prellier, A. Fouchet, B. Mercey, C. Simon, and B. Raveau; "Laser ablation of Co:ZnO films deposited from Zn and Co metal targets on (0001) Al₂O₃ substrates"; *Appl. Phys. Lett* 82, (2003) 3490
- [o] P. sharma, A. Gupta, K. V. Rao, F. J. Owens, R. Sharma, R. Ahuja, J. M. O. Guillen, B. Johansson, and G. A. Gehring; "Ferromagnetism above room temperature in bulk and transparent thin films of Mn-doped ZnO"; *Nat. Mater.* 2, (2003) 673-677
- [7] G. Lawes, A. S. Risbud, A. P. Ramirez, and R. Seshadri; "Absence of ferromagnetism in Co and Mn substituted polycrystalline ZnO"; *Phys. Rev. B.* 71, (2005) 045201
- [V] P. Sati, R. Hayn. R. Kuzian, S. Regnier, S. Schafer, A. Stepanov, C. Morhian, C. Deparis, M. Laugt, M. Goiran, and Z. Golacki; "Magnetic Anisotropy of Co²⁺ as Signature of Intrinsic Ferromagnetism in ZnO:Co"; *Phys. Rev. Lett.* **96**, (2006) 017203
- [A] S. W. Yoon, S. -B. Cho, S. C. We, S. Yoon, B. W. Suh, H. K. Song, and J. J. Shin; "Magnetic properties of ZnO-based diluted magnetic semiconductors"; J. Appl. Phys. 93, (2003) 7879
- [9] T. Chanier, M. Sargolzaei, I. Opahle, R. Hayn, and K. Koepernik; "LSDA+U versus LSDA: Toward a better description of the magnetic

تاثیر افزودنی نانو آلومینا بر ویژگی های مغناطیسی فریت نیکل _ روی داودی ، محمد'؛ مظفری ، مرتضی'

گروه فیزیک, دانشگاه اصفهان, اصفهان

چکيده :

در این پژوهش نخست پودرفریت نیکل – روی (Ni _{0.5} Zn _{0.5} Fe₂O₄) به روش متداول سرامیکی ساخته وسپس اثر افزودنی نانوپودر فاز آلفای آلومینا (α-Al₂O₃) بر ویژگیهای مغناطیسی آن بررسی شد. پراش سنجی پرتوی ایکس تشکیل فریت نیکل روی را تایید میکند. پس از ۱۰ ساعت آسیاب کاری پودر تک فاز فریت نیکل – روی ، افزودنی نانوآلومینا با مقادیر گوناگون (از صفر تا ٥ درصد وزنی) به فریت افزوده و پس از شکل دهی، در دماهای گوناگون از ۱۰۵۰ تا C[°] اتا تفجوشی شد. تراوایی مغناطیسی اولیه در بازهی بسامدی HHz اتا NHz اندازه گیری و اثر افزودنی برآن بررسی شد.گفتنی ست که نانوآلومینای به کار رفته به عنوان افزودنی، به روش سل ژل ساخته شد و پراش سنجی پرتوی ایکس تشکیل فاز آلومینا را تایید کرد.

کلید واژه : فریت نیکل روی ، اثر افزودنی ، نانوآلومینا ، ویژگیهای مغناطیسی

The effect of nano Alumina powder addition on the magnetic properties of Nickel-Zinc ferrite

Davoodi, Mohammad¹; mozaffari, morteza¹

¹Department of Physics, University of Isfahan, Isfahan

Abstract

In this study, first the conventional ceramic technique was used to prepare nickel-zinc ferrite powders with a nominal formula of Ni0.5Zn0.5Fe2O4 and then the effect of nanoalumina (α -Al2O3) addition on the magnetic properties of the ferrite has been investigated. X-RAY diffraction (XRD) confirms ferrite phase formation. After 10 h milling of the single phase nickel-zinc ferrite, different amounts of nanoalumina (from 0 to 5 wt.%), were added to ferrite and after shaping, they sintered at various temperatures from 1050 to 1360 °C. The initial permeability was measured in the frequency range of 1 kHz to 1 MHz and the effect of the additive on it was studied. It should be mentioned that the nanoalumina was made by sol-gel method and X-ray diffractometry confirmed the formation of the alumina phase.

شود. ویژگیهای فیزیکی ، به ویژه ویژگیهای مغناطیسی فریتها به شدت به چگونگی پخش یونها در این دو جایگاه بستگی دارد[۱] .از میان فریت های اسپینلی ، فریت نیکل _ روی با فرمول عمومی-Inx-Ni یکیاز پرکاربردترینها است[۲] .از ویژگیهای این ماده می توان به مقاومت ویژه الکتریکی بزرگ ، مقاومت در برابر خوردگی بالا، هزینه ی تولید پایین، تلفات دی الکتریک ک_م، سختی مکانیکی زیاد، دمای کوری بالا، پایداری شیمیایی، ثابت دی الکتریک بالا و

۱.مقدمه

AFe₂O₄ عمومی فریتهای اسپینلی به صورت AFe₂O₄ است که در آن A معمولا یک یا ترکیبی از چند کاتیون دو ظرفیتی است. در اسپینلها دو زیر شبکه وجود دارد، که یکی چهاروجهی یا جایگاه A است که با ٤ یون اکسیژن دوره و دیگری جایگاه هشت وجهی یا جایگاه B است که با ۲ یون اکسیژن دوره می

١

نفوذپذیری مغناطیسی بالا اشاره کرد . به دلیل این ویژگیها فریتهای نیکل-روی کاربردهای بسیاری در دستگاه های الکتریکی و الکترونیکی مانند ترانسفورماتورها والقاگر ها دارند [۳] . به علت مغناطش اشباع نسبتا پايين فريتها در مقايسه با فرومغناطیس،های فلزی، کاربرد فریت،ها محدوديتهايي دارد . بنابراين بايستي به دنبال راهي برای بهبود این ویژگیها بود. جانشانی یونهای دیا-مغناطیس در فریتهای ساده راهی برای افزایش مغناطش است که مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است[۲-٤]. مقدار افزودنیها می تواند اثر چشم گیری بر ویژگیهای فریتها داشته باشد . پژوهشهایی که پیرامون بررسی اثرهای مواد افزودنی بر روی فریت نیکل _ روی انجام شده است نشان میدهند که در بیـشــتر موارد، افزودنیها ویژگیهای مغناطیــسی فريت نيكل – روى مانىنىد تىراوايى مغىناطيسى، تـلـفات جريان گردابي، تلفات پسماند و ديگر ویژگی های مغناطیسی را بهبود می بخشند[٥]. این پژوهشها تا کنون بیشتر بر روی اثر افزودنیهای با اندازه ی میکرونی انجام شده است[۷-۹]. در ایـن یـ ژوهش تـ أثیر افـ زودن درصدهای گوناگون (از صفر تا ٥ درصد وزنی) نانوپودر فاز آلفای آلومینا بر ویژگیهای مغناطیسی فریت نیکل – روی مورد بررسی قرارگرفته است.

۲.روش ها و دستگاه ها

در این پژوهش فریت نیکل – روی Fe₂O₄ می اکسید آهن به روش سرامیکی [۱۰] با مواد اولیه ی اکسید آهن اصلاح شده ی مجتمع فولاد مبارکه با خلوص ۸۹/۹٪ و اکسیدهای نیکل و روی شرکت مرک آلمان با کمینه خلوص ۹۹ درصد ساخته شد.مواد اولیه با نسبت های استوکیومتری توزین و پس از مخلوط کردن در دمای ۱۳۵۰ ۲ به مدت ۵ ساعت برشته شد. شناسایی فاز نمونه با روش پراش سنجی پرتو ایکس (XRD) انجام شد. پراش سنجی با یک دستگاه XRD فیلیپس مدل

X/PERT PRO در دانشگاه کاشان انجام شد. سپس پودرهای برشته شده با یک دستگاه آسیاب سیاره ای و با نسبت گلوله به مواد ۱۰ به ۱ ، به مدت ۱۰ ساعت به روش تر آسیاب گردید. پس از انجام آسیاب کاری تر مواد در آون خشک و در دمای ۲۰۰ به مدت ۵ ساعت بازیخت شدند.

۳.نتايج و بحث

۱.۳ فازيابي

شکل ۱ الگوهای پراش پرتوی X فریت نیکل روی است که تشکیل آن را تایید می کند.



$Ni_{0.5} \ Zn \ _{0.5} \ Fe_2O_4$

فازیابی نمونه ها با نرم افزار Xpert HighScore انجام شد. شکل ۲ الگوی پراش پرتوی X نانو آلومینا ی برشته

شده در دمای C [°]۱۱۰۰ را نشان میدهد. میانگین اندازه بلورک های نانو پودر آلومینا با فرمول شرر برآورد شد که برابر با ۲۱nm به دست آمد.



شکل۲. الگوی پراش پرتوی X نانو آلومینا

۲.۳ ویژگی های مغناطیسی

شکل ۳ نتایج مربوط به اندازه گیری تراوایی مغناطیسی نمونه های تفجوشی شده در دماهای گوناگون را نشان می دهد. همان گونه که دیده می شود، افزودن نانو یودر آلومينا تا نيم درصد وزني ، تراوايي را افزايش مي دهد و پس از آن با افزایش میزان افزودنی تا 5 درصد وزنی مقدار تراوایی کاهش می یابد. با توجه به عکسهای ميكروسكوپ الكتروني تهيه شده از نمونه ها ، كه دو نمونه از آنها در شکل ٤ آمده است ، اندازه ی متوسط دانه ها به روش آماری محاسبه گردید[۱۲]. همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می شود با افزایش درصد افزودنی تا نيم درصد اندازهمتوسط دانهها و تراواييمغناطيسي افزايش می یابد و سپس با افزایش درصد افزودنی از نیم درصد تراوایی و اندازهی متوسط دانه ها کاهش می یابد. تغییرات تراوایی مغناطیسی بر حسب تراوایی می تواند برآمده از رشد دانه ها و کاهش مرز دانه ها و کاهش آن نیز با افزایش افزودنی از نیم درصد وزنی می تواند به دلیل افزایش حفره های درون دانه ای باشد . همچنین به دلیل اینکه وجود مرزدانه ها از حرکت آزاد دیواره ی حوزه ها جلوگیری می کند با افزایش مرزدانه ها مغناطش وتراوایی کم می شود و به این دلیل با افزایش اندازه ی دانه ها تراوایی مغناطیسی بیشتر می شود[۱۲, ۱۳].





جدول ۱.تراوایی مغناطیسی و میانگین اندازهی دانهها با درصد افزودنیهای گوناگون نمونهی تفجوشی شده در دمایC [°] ۱۳٦۰

۳.۳ريخت شناسي

شکل ٤ ریخت نمونه های سنتز شده با درصد افزودنی گوناگون را نشان می دهد. همان گونه که در جدول ۱ نیز دیده می شود با افزایش درصد افزودنی از صفر درصد (شکل الف) تا نیم درصد (شکل ب)اندازه ی دانه ها افزایش می یابد. با افزایش مرزدانه ها (کاهش اندازه دانه ها) ، مغناطش کاهش یافته و تراوایی کوچک تر می شود. به همین دلیل با افزایش اندازه دانه ها تراوایی افزایش می یابد[17, ١٤].

پژوهش های دیگری در زمینه ی بهینه سازی اثر افزودنی بر ویژگی های مغناطیسی فریت نیکل روی در حال انجام است. .4 Y. Dasan, B. Guan, M. Zahari, and L. Chuan, "Influence of La3+ Substitution on Structure, Morphology and Magnetic Properties of Nanocrystalline Ni-Zn Ferrite," PloS one **12**, e0170075.(2017)

.5 M. Ali, M. Uddin, M. Khan, F.-U.-Z. Chowdhury, and S. Haque, "Structural, morphological and electrical properties of Snsubstituted Ni-Zn ferrites synthesized by double sintering technique," Journal of Magnetism and Magnetic Materials **424**, 148-.(2017) 154

.6 F. Meng, X. Shang, W. Zhang, and Y. Zhang, "Effect of In3+ substitution on structural and magnetic properties of Ni ferrite nanoparticles," Physica B: Condensed Matter **504**, 69-73 (2017)

.7 K. Sun, Z. Lan, Z. Yu, L. Li, J. Huang, and X. Zhao, "Effects of SnO2 addition on the microstructure and magnetic properties of NiZn ferrites," Journal of Magnetism and Magnetic Materials **320**, 3352-3355 (2008)

.8 O. Mirzaee, "Influence of PbO and TiO2 additives on the microstructure development and magnetic properties of Ni– Zn soft ferrites," Journal of King Saud University-Engineering Sciences **26**, 152-158 (2014)

.9 N. Rezlescu, L. Rezlescu, P. Popa, and E. Rezlescu, "Influence of additives on the properties of a Ni–Zn ferrite with low Curie point," Journal of magnetism and magnetic materials **215**, 194-196 (2000)

.10 A. J. Moulson, and J. M. Herbert, *Electroceramics: materials, properties, applications* (John Wiley & Sons, 2003.(

.11 W. Zeng, L. Gao, and J. Guo, "A new sol-gel route using inorganic salt for synthesizing Al2O3 nanopowders,"
Nanostructured Materials 10, 543-550 (1998).
.12 T. Inui, and N. Ogasawara, "Grain-size effects on microwave ferrite magnetic properties," IEEE Transactions on Magnetics

13, 1729-1744 (1977)

.13 F. G. Brockman, "Method of manufacturing a magnetic ferrite core," (Google Patents, 1956)

.14 B. D. Cullity, "Elements of X-ray diffraction, Addison," Wesley Mass (1978)

الف



شکل ٤ – ریخت نمونه های سنتز شده در دمای C[°] ۱۳۹۰ با درصد افزودنی مختلف الف) صفر درصد ب) نیمدرصد ٤. **نتیجه گیری**

در این پژوهش اثر افزودنی نانو آلومینا بر فریت نیکل-روی بررسی شد. پس از بررسی اثر افزودنی تراوایی مغناطیسی اولیه نمونه ها ، مشاهده شد که نانو آلومینای به کار رفته به عنوان افزودنی تا ۰/۰ درصد وزنی سبب افزایش تراوایی و سپس با افزایش افزودنی تا ۰ درصد سبب کاهش تراوایی مغناطیسی نمونه ها می شود.

٥.مراجع

.1 A. H. Morrish, "The physical principles of magnetism," The Physical Principles of Magnetism, by Allan H. Morrish, pp. 696. ISBN 0-7803-6029-X. Wiley-VCH, January 2001., 696 (2001).

.2 N. Chen, and M. Gu, "Microstructure and microwave absorption properties of Ysubstituted Ni-Zn ferrites," Open Journal of Metal **2**, 37 (2012).

.3 M. Shima, K. Oguri, Y. Ohya, M. Gomi, Y. H. Ikuhara, Y. Sasaki, Y. Hishikawa, and K. Kawabe, "Synthesis and Magnetic Behavior of Nickel Zinc Ferrite Nanoparticles Coated Onto Carbon Microcoils," IEEE Transactions on Magnetics **49**, 4824-4826 (2013)

۴

اثر میدان مغناطیسی بر خواص نانو کامپوزیت مغناطیسی CMC/Fe3O4 دهقانی ، نیلوفر¹؛ بابامرادی ، محسن¹؛ ملکی ، علی² ¹دانشکده فیزیک دانشگاه علم وصنعت ، تهران

² آزمایشگاه تحقیقاتی کاتالیزورها و سنتز آلی، دانشکاره شیمی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

چکیدہ

در این مقاله نانوکامپوزیت مغناطیسی اکسید آهن و کربوکسی متیل سلولز (CMC) در دو حالت بدون حضور میدان مغناطیسی و در حضور میدان مغناطیسی ساخته شد. خواص مغناطیسی نانوکامپوزیت توسط دستگاه مغناطیس سنجی نمونه ارتعاشی (VSM) برای بررسی ویژگیهای سوپر پارامغناطیسی ذرات و تاثیرحضور میدان بر خواص مغناطیسی کامپوزیت، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این آنالیز نشان داد که حضور میدان مغناطیسی در هنگام ساخت باعث افزایش 51 درصدی مغناط اشباع می شود. نتایج الگوی پراش اشعه ایکس (XRD) بلورینگی نانوذرات مغناطیسی را در هر دو حالت ساخته شده نشان میدهد. افزایش مغناطش اشباع و بلورینگی را می توان به اثر میدان مغناطیسی در جهت دهی دوقطبی های مغناطیسی در هنگام ساخت است نشان میدهد. افزایش م

Effect of magnetic field on the properties of magnetic nanocomposite CMC/Fe₃O₄

Dehghani, Niloofar¹; Babamoradi, Mohsen¹; Maleki, Ali²

¹Department of Physics, University of Science and Technology, Tehran, ²Catalysts and Organic Synthesis Research Laboratory, Department of Chemistry, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Abstract

In this paper, iron oxide nanoparticles and carboxymethyl cellulose (CMC) composition as magnetic nanocomposite were synthesize in presence and absence of magnetic field. The magnetic properties of the nanocomposite were study by Vibrational Sampling Magnetometer (VSM) to investigate the paramagnetic properties of the particles and the effect of the magnetic field on the magnetic properties of the nanocomposite. The results showed that the presence of magnetic field during the synthesizing increases the saturation magnetization about 51% in compare of synthesized sample in absence of magnetic field. X-ray diffraction (XRD) results confirmed the crystallinity of the magnetic nanoparticles in the two samples. The increase in saturation magnetization value can be attribute to the magnetic dipole alignment to the magnetic field direction during the synthesizing process.

PACS No. 75, 81

اکسید آهن را می توان به عنوان رایج ترین و پرکاربردترین این دسته نام برد. از جمله کاربردهای نانوذرات مغناطیسی اکسید آهن می-توان به کاربرد در زیست پزشکی به عنوان عامل ضد سرطانی و حفاظت در مقابل خوردگی در رنگها و پوششها اشاره کرد[7_4]. خواص نانوذرات اکسید آهن به سایز و ساختار ذرات بستگی دارد

امروزه، نانوذرات اکسید فلزی به عنوان یکی از شاخههای مهم فنآوری نانو در گستره وسیعی از صنایع به دلیل خواص اپتیکی، مغناطیسی و الکتریکی آنها، به شدت مورد توجه قرار گرفته-اند[1_]. از میان انواع نانوذرات مغناطیسی، نانوذرات مغناطیسی

مقدمه

و تحقیقات گستردهای برای بهبود خواص مغناطیسی نانوذرات اکسید آهن انجام شده است. به دلیل جاذبه بین نانوذرات مغناطیسی، نانوذرات مغناطیسی به یکدیگر چسبیده، کلوخهای شده و کارایی نانوذرات مغناطیسی کاهش مییابد. یکی از راهکارها برای حل این مشکل و همچنین به دست آوردن خاصیت جدیدی علاوه بر خاصیت مغناطیسی نانوذرات، استفاده از کامپوزیت می-باشد.

کربوکسی متیل سلولز (CMC) مادهای سفید رنگ، بیبو و قابل حل در آب، یکی از مشتقات سلولز است که به طور گستردهای به دلیل زیست سازگاری و قیمت پایین مورد توجه قرار گرفته است[8]. کاربردهای گستردهٔ این ماده، از مصارف خوراکی و دارویی تا مصارف نساجی ، رنگ و شویندهها را در برگرفته است [21_9].

نانوکامپوزیتهای مغناطیسی اکسید آهن با کربوکسی متیل سلولز (CMC)، بعلت توانایی خاص CMC در تغییر سطح نانوذرات مغناطیسی در مورد از بین بردن سلول های سرطانی و تشخیص سرطان کبد با تصویربرداری تشدید مغناطیسی (MRI) با کنتراست بسیار بالا و همچنین برای سیستم دارورسانی هدفمند در پزشکی و نیز برای حذف آلاینده های آلی و غیر آلی از آب در محیط زیست، توجهات بسیاری را به سمت خود جلب کرده است[16_12]. ذرات مغناطیسی میتوانند به مولکولهای دارو، پروتئین و آنزیم متصل شده و با استفاده از یک میدان خارجی به بافت هدف برسند.

به دلیل اهمیت نانوکامپوزیت ها سالاما و همکاران نانوکامپوزیت اکسیدآهن و CMC را ساختند[17].

در این پژوهش از CMC به عنوان بستری برای قرار دادن نانو ذرات مغناطیسی اکسید آهن استفاده شد که هم عاملی برای جلوگیری از به هم چسبیدن نانوذرات مغناطیسی میباشد و هم اینکه خواص کامپوزیت زیست سازگار مغناطیسی مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش، تاثیر میدان مغناطیسی خارجی در هنگام ساخت نانوکامپوزیت برای اولین بار مورد بررسی قرار گرفته است.

تهیه نانو کامپوزیت مغناطیسیFe3O4 با CMC : کربوکسی متیل سلولز (CMC) از شرکت سیگما آلدریچ انگلستان خریداری شد. همچنین FeCl₂.4H₂O، FeCl و NH₄OH از محصولات شرکت Merck مورد استفاده قرار گرفتند.

ابتدا نانو ذرات اکسید آهن به روش همرسوبی ساخته شد و سپس با CMC ترکیب گردید[8].

 $FeCl_2.4H_2O$ از 2/7 g مولار و 2/7 G مولار 3/2 1/7 g ابتدا، 3/70/1 مولار بهصورت جداگانه تهیه شد. سپس این دو پودر درون بشر با 100 cc آب مقطر ریخته شد و در دمای C°80 به مدت 1 ساعت به وسیله همزن مکانیکی، محلول همزده شد تا کاملا محلول یکسانی تشکیل شود. بعد از گذشت 1 ساعت محلول شفاف زرد رنگی بوجود آمد. با استفاده از محلول 25٪ بازی هیدروکسید آمونیوم pH محلول به 11 رسانده شد؛ به اینصورت که 10 cc آمونیاک را با 10 cc آب مقطر رقیق کرده و بصورت قطره قطره به محلول به مدت 10 دقيقه اضافه شد. بعد از گذشت 10 دقيقه و اضافه كردن كل مقدار هيدروكسيد آمونيوم رنگ محلول به رنگ سیاه در آمد ونانوذرات Fe₃O₄ تشکیل گردید. برای تشکیل بهتر نانو ذرات، عمل بهم زدن محلول به مدت 30 دقيقه ادامه يافت. بعد از گذشت 30 دقيقه عمل همزدن را متوقف کردیم و اجازه دادیم رسوب ته نشین شود. مجددا برای رساندن pH محلول به 7، محلول با استفاده از آب مقطر چندین مرتبه شست و شو داده شد. سیس رسوب حاصل به کمک یک آهنربای معمولی از محلول جدا شده و حرارت دهی به مدت یک شب در آون در دمای 80°C برای به دست آوردن پودر نانو ذرات اکسید آهن انجام شد.

در مرحله بعد به نسبت 1:2 پودرهای CMC و Fe₃O4 برای ساخت نانوکامپوزیت مورد استفاده قرار گرفت. 1g از CMC و 2g از Fe₃O4 را در 20 CC آب مقطر حل کرده و به مدت 30 دقیقه در دمای 2°80 همزده شد. بعد از گذشت این زمان محلول به حالت ژله ای تبدیل شد. نیمی از محلول را در بشر دیگری ریخته و در میدان مغناطیسیT 4/4 در همان دما و تحت عمل همزدن قرار دادیم و نیمی دیگر از محلول را برای مقایسه در

شرایط معمول قرار دادیم. بعد از گذشت 1 ساعت از هر دو محلول، یکی تحت اعمال میدان مغناطیسی و دیگری در شرایط معمولی، خشک شدند.

نتايج و بحث:

آنالیز (Xray Diffraction) برای شناسایی ساختار بلوری محصولات و همچنین تائید تشکیل فاز و عدم حضور ناخالصی، استفاده شد. دستگاه پراش اشعه ایکس مدل BORON-8 ساخت شرکت Bourevestni مورد استفاده قرار گرفت. نتایج MRD برای نمونههای ساخته شده در شرایط عادی و در حضور میدان مغناطیسی در شکل I آورده شده است. برای مقایسه، از الگوی پراش اشعه ایکس یک نمونه مرجع استفاده شد; JCPDS (JCPDS که نشان داد نمونه عادی با الگوی پراش اشعه ایکس ماده مغناطیسی اکسید آهن (Fe₃O4) کاملا تطابق دارد و ساختار مکعبی نانوذرات اکسید آهن حفظ شده است.



شكل 1 : الكوى XRD نانوذرات مغناطيسي اكسيد آهن اصلاح شده بدون حضور ميدان (a) با حضور ميدان (b)

از مقایسه دو شکل الگوی پراش شکل 1 میتوان دریافت که حضور میدان مغناطیسی خارجی در هنگام ساخت نانوذرات بلورینگی نانوذرات را تغییر نداده است و هر دو نمونه ساختار بلورینگی یکسانی دارند.

خواص مغناطیسی نانو ذرات مغناطیسی اکسید آهن بوسیله دستگاه VSM (vibrating sample magnetometer) مورد بررسی قرار گرفت. دستگاه مغناطیس سنج ارتعاشی مدل MDK ساخت شرکت مغناطیس دانش پژوهش بود. در شکل 2 نمودار a منحنی

پسماند مغناطیسی نمونه ساخته شده در شرایط معمولی رسم شده است. منحنی مغناطش از مبدا عبور میکند و میدان وادارندگی و مغناطش پسماند نیز مشاهده نمی شود، بنابراین می توان گفت که ذرات ساخته شده در دمای اتاق ابریار امغناطیس هستند [18].



شکل 2: منحنی پسماند مغناطیسی نانوکامپوزیت Fe₃O4 پوشش داده شده ساخته شده در شرایط معمولی و بدون حضور میدان (a) ساخته شده در حضور میدان مغناطیسی(b)

نمودار d در شکل 2 مربوط به نانو کامپوزیت مغناطیسی ساخته M_s نشده در حضور میدان مغناطیسی میباشد. مغناطش اشباع M_s شده در حضور میدان مغناطیسی میباشد. مغناطش اشباع مانوکامپوزیت از مقدارd emu/g (در شرایط ساخت عادی) به مقدارd emu/g میدان مغناطیسی در حضور میدان مغناطیسی در هم جهت مناطیسی افزایش یافته است. اثر میدان مغناطیسی در جهت میدان مغناطیسی در نمونه و مغناطیسی خارجی عامل ایجاد نواحی مغناطیسی قوی در نمونه و افزایش مغناط

شکل 3 تصاویر (Scanning Electron Microscopy) نانوکامپوزیت را نشان میدهد. برای این منظور از دستگاه میکروسکوپ الکترونی روبشی مدل Vega2 ساخت شرکت TESCAN استفاده شد. همانطور که در شکل دیده میشود گستره اندازه ذرات در حالت حضور میدان مغناطیسی در حین ساخت، نسبت به حالت ساخت در شرایط معمولی باریکتر شده و شکل ذرات یکنواخت تر وهمگن تر شده است و به طور کلی ذرات با ابعاد کوچک تری تولید شده است. همچنین ذرات از حالت کلوخه [2] Y. Wei, B. Han, X. Hu, Y. Lin, X. Wang, X. Deng; "Synthesis of Fe3O4 nanoparticles and their magnetic properties"; *Chinese Materials Conference* (2011).

[3] D. Lisjaka and A. Mertelj; "Anisotropic magneticnano: A review of their properties, syntheses and potential application"; *Progress in Materials Science* (2018).

[4] J. C. Miller, R. Serrato, J. M. Cardenas, G. Kundahl; "Hand book of Nano technology"; wiley Inter science, (2005).

[5] G. Sharma, A. Kumar, S. Sharma, Mu. Naushad, R. P. Dwivedi, Z.A. ALOthman, G.T. Mola; "Novel development of nanoparticles to bimetallic nanoparticles and their composites: A Review"; *Journal of King Saud University - Science* (2017).

[6] A. Rios, M. Zougagh; "Recent advances in magnetic nanomaterials for improving analytical Processes"; *Journal of Trends in Analytical Chemistry* (2016).

[7] G. Simonsen, M. Strand, G. Øye; "Potential applications of magnetic nanoparticles within separation in the petroleum industry"; *Journal of Petroleum Science and Engineering* (2018).

[8] N. Habibi; "Preparation of biocompatible magnetite-carboxymethyl cellulose nanocomposite"; *Molecular and Biomolecular Spectroscopy* **131** (2014) 55–58.

[9] O. Veiseh, J.W. Gunn, M. Zhang, *Adv. Drug Delivery Rev* **62** (2010) 284.

[10] L. Gang, W. Zhiyong, L. Jian, X. Chunchao, G. Fabao, G. Qiyong, S Bin, Z. Xuna , S. Xintao , C. Xiaoyuan , A. Hua, G. Zhongwei , *Biomater* 32 (2011) 528.

[11] M. Uva, M. Tambasco, G. Grassi, I. Corsi, G. Protano, A. Atrei; "Carboxymethyl cellulose hydrogels cross-linked with magnetite nanoparticles for the removal of organic and inorganic pollutants from water"; *Journal of Environmental Chemical Engineering* **5** (2017) 3632– 3639.

[12] C. Pilapong, Y. Keereeta, S. Munkhetkorn, S. Thongtem, T. Thongtem; "Enhanced doxorubicin delivery and cytotoxicity in multidrug resistant cancer cells using multifunctional magnetic nanoparticles"; *Colloids Surf. B. Biointerfaces* **113** (2014) 249–253.

[13] J. Gallo, N. Genicio, S. Penadés; "Uptake and intracellular fate of Fluorescent -magnetic glyco-nanoparticles"; *Adv. Healthc. Mater.***1** (2012) 302–307.

[14] D. R. Biswal, R. P. Singh; "Characterisation of carboxymethyl cellulose and polyacrylamide graft copolymer"; *Carbohydr. Polym.***57** (2004) 379–387.

[15] M. M. Miller, G. A. Prinz, S. F. Cheng, S. Bounnak, *Appl. Phys. Lett* 81 (2002) 2211.

[16] S. Sitthichai, C. Pilapong, T. Thongtem, S. Thongtem; "CMC-coated Fe3O4 nanoparticles as new MRI probes for hepatocellular carcinoma"; *Applied Surface Science* **356** (2015) 972–977.

[17] A. Salama, S. M. Etri, A. A. Salah, M. El-Sakhawy, "Carboxymethyl cellulose prepared from Mesquite tree: New source for promising nanocomposite materials"; *Carbohydrate Polymers* (2018).

[18] D. Maity, D. C. Agrawal; "Synthesis of iron oxide nanoparticles under oxidizing environment and their stabilization in aqueous and non-aqueous media"; *Journal of Magnetism and Magnetic Materials* **308** (2007) pp 46–55.

ای خارج شده و شکل کروی و همگن تری به خود گرفته اند که به علت وجود بستر کامپوزیت از بهم چسبیده شدن نانوذرات مغناطیسی جلوگیری به عمل آمده است.



شکل 3: نمایSEM ذرات ساخته شدهFe₃O4 اصلاح شده بدون حضور میدان مغناطیسی(a)و با حضور میدان مغناطیسی(b)

نتيجه گیری

نانو ذرات اکسید آهن به روش همرسوبی شیمیایی تهیه شدند. نتایج پراش پرتو ایکس نشان داد که در حضور میدان مغناطیسی شدت صفحات ساختار بلوری کاهش یافته ولی همچنان ساختار بلورینگی نانوذرات حفظ شده است. از تصاویر میکروسکوپ الکترونی روبشی میتوان دریافت که ذرات به دلیل جهت گیری در راستای میدان مغناطسی اعمالی کمتر به یکدیگر چسبیده و کلوخه-مای کوچکتری تشکیل شده است. همچنین نتایج تحلیل دستگاه NSM نشان داد که ساخت نانوذرات در حضور میدان مغناطیسی، موجب افزایش 51 درصدی مقدار مغناطش اشباع میشود. این پارامترهای مطلوب و مورد نیاز محققان برای نانوذرات مغناطیسی و کاربردهای نانوکامپوزیتهای مغناطیسی راهگشا باشد.

مرجعها

[1] A. V. B. Reddy, Z. Yusop, J. Jaafar, Y. V. M. Reddy, A. B. Arisa, Z. A. Majid, J. Talib, G. Madhavi; "Recent progress on Fe-based nanoparticles: Synthesis, properties, characterization and environmental applications"; *Journal of Environmental Chemical Engineering* **4**, (2016) 3537–3553.

اصلاح سطحی نانوکامپوزیت مغناطیسی Fe₃O4@ZnO/GO با استفاده از پلیمر رسانای پلیآنیلین و ارزیابی عملکرد فوتوکاتالیزوری آن

دهقانی دشتابی، مهدیه؛ حکمت آراء، هدی؛ سیدیزدی، جمیله

گروه فیزیک دانشگاه ولی عصر رفسنجان (عج)

چکیدہ

در این پژوهش نانوکامپوزیت مغناطیسی Fe₃O₄@ZnO-GO/polyaniline از پلیمریزاسیون درجای مونومرهای آنیلین در حضور نانوکامپوزیت Fe₃O₄@ZnO-GO تهیه شد. از نانوذرات مغناطیسی Fe₃O₄ به علت پایداری شیمیایی زیاد و سمیت کم به عنوان هسته مغناطیسی استفاده شد. انرژی سطحی بالای این نانوذرات منجر به کلوخه شدن و از بین رفتن ابعاد نانو شده و بنابراین فعالیت فوتوکاتالیزوری را بشدت کاهش میدهد. برای رفع این مشکل اصلاح سطح نانوذرات با استفاده از پوشش اکسیدروی به بدلیل توانایی اکسیداسیون قوی مورد استفاده قرار گرفت. از اکسیدگرافن که دارای گروههای عاملی اکسیژندار میباشد، به عنوان سومین ماده استفاده از شد. از آنجاییکه مواد معدنی اصلاح شده با GO فعالیت فوتوکاتالیزوری را افزایش میدهند، اصلاح سطح این نانوکامپوزیت با استفاده از پلیآنیلین رسانا که دارای پایداری زیست محیطی و اندرکنش الکترونیکی قوی با نانوذرات است، انجام شد. نتایج نشان داد که نانوکامپوزیت سنتز شده عدانی اصلاح شده با GO فعالیت فوتوکاتالیزوری را افزایش میدهند، اصلاح سطح این نانوکامپوزیت با استفاده از پلیآنیلین رسانا که دارای پایداری زیست محیطی و اندرکنش الکترونیکی قوی با نانوذرات است، انجام شد. نتایج نشان داد که بازده تخریب رنگ به دست آمده Fe₃O₄@ZnO-GO/polyaniline در ای در در اینوزی با استفاده از معناطیسی بدست آمد.

Surface modification of Fe₃O₄@ZnO/GO magnetic nanocomposite using polyaniline as a conductive polymer and evaluation of its photocatalytic performance

Dehghani Dashtabi, Mahdieh; Hekmatara, Hoda; Seyedyazdi, Jamileh

Department of Physics, Faculty of Science, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran.

Abstract

In this study, $Fe_3O_4(@ZnO-GO/polyaniline magnetic nanocomposite has been synthesized via in-situ polymerization of aniline monomers in presence of <math>Fe_3O_4(@ZnO/GO$ nanocomposite. Fe_3O_4 magnetic nanoparticles were used as a magnetic core due to their high chemical stability and low toxicity. The high surface energy of these nanoparticles results in agglomeration and nano-dimensional loss of the nanoparticles, and therefore the photocatalysis activity is greatly reduced. To solve the problem, surface modification using an oxidation coating applied due to its strong oxidation ability. Graphene oxide, which contains oxygen species, was used as the third agent. Since modified GO-based minerals increase photocatalytic activity surface modification performed using conductive poly-aniline, which has a stable environmental and strong electronic interaction with nanoparticles. The results showed that the synthesized nanocomposite $Fe_3O_4(@ZnO-GO/polyaniline$ has a better photocatalytic activity than in the absence of polymer. The highest removal efficiency of the obtained paint was obtained as 91.66%, which was obtained after 40 minutes at initial concentration of dye and magnetic nanocomposite.

PACS No (75.20)

مقدمه

با افزایش رشد جمعیت و توسعه صنعت، مواد خطرناک و آلاینده دفع شده از کارخانهها و خانهها افزایش یافته است. بنابراین حذف و یا تخریب آنها یک چالش جهانی قابل توجه است، و از این رو روشهای متنوعی برای حذف آلایندهها گزارش شده است، از قبيل اكسيداسيون فيزيكي، شيميايي، تجزيه فوتوكاتاليستي و تكنولوژي غشايي، كه از اين ميان روش فوتوكاتاليستي براي تخریب مواد زائد آلی و معدنی با توجه به هزینه کم و عملکرد بالا و آسان بسیار مورد توجه قرار گرفته است [۱]. نانوذرات اکسیدآهن (مگنتیت)، در مقیاس نانو دارای خاصیت ابرپارامغنایس میباشند که منجر به ظرفیت جذب بالا، آسان و سریع در عملکرد فوتوكاتاليستى مىشوند. نيمرساناها مىتوانند خواص ورقەھاى گرافن را تغییر دهند. ترکیب گرافن با نیمرساناها برای بهبود عملكرد فوتوكاتاليستي در تصفيه فاضلابها مورد توجه قرار گرفته است. از آنجایی که گرافن به عنوان نیمرسانایی با گاف نواری صفر، دارای گروههای عاملی اکسیژندار میباشد، به همین دلیل قابلیت انحلال عالی در آب داشته و سازگار با محیط زیست بوده و همچنین دارای خواص عالی الکترونیکی در ذخیره و حمل الكترون مىباشد كه تركيب أن با ZnO و Fe₃O₄ منجر به بهبود فعالیت فوتوکاتالیستی آنها شده است و حضور نانوذرات در سطح گرافن مانع تجمع لایههای گرافن میشود و از این رو سطح مؤثر برای حذف آلایندهها از محلولهای آبی افزایش مییابد [۲-۳]. استفاده از پلیمرهای رسانا روشی مناسب برای اصلاح سطح نیم-رساناهاست. پلیمرهای هادی شاخهای از پلیمرها هستند که خاصیت الکتریکی در بازهای شامل عایق تا رسانا از خود نشان میدهند. در میان آنها پلیانیلین بدلیل پایداری زیست محیطی، مونومر ارزان، آسانی سنتز، هدایت قابل تنظیم و ویژگیهای کاتالیزوری، توجه زیادی را به خود جلب کرده است [٤].

یروری و. وی وی و بی و بی و بی و و بی و و می و متیلن بلو نوعی رنگ شیمیایی آروماتیک کاتیونی پُرکاربرد و بسیار مهم در صنایع نساجی است. این ترکیب رنگی، به منظور رنگآمیزی پنبه، پشم و ابریشم مورد استفاده قرار می گیرد. استنشاق این ترکیب می تواند سبب اختلال در تنفس شده و همچنین مواجهه مستقیم با آن می تواند باعث بروز آسیبهای دائمی به

چشم انسانها و حیوانات، سوختگیهای موضعی شود. از این رو تخلیه بیش از حد آن در پسابهای نساجی برای سلامت انسان و محیط زیست خطرناک میباشد. در این زمینه نانوذرات و نانوکامپوزیتهای مغناطیسی میتوانند نقش مهمی در احیای آب-های آلوده داشته باشند [٥].

روش انجام آزمایش: سنتز نانوکامپوزیت Fe₃O₄@ZnO/GO

برای سنتز نانوذرات هسته/پوسته ابتدا g ۰/۱ نانوذره Fe₃O₄ را در ۲۵ میلیلیتر اتانول حل کرده و تحت حمام فراصوت قرار میدهیم تا نانوذرات به طور کامل پراکنده شوند. سپس به کمک استیرر هم زده شده و به مدت ۱ ساعت تحت دمای [°]۲۰ قرار گرفت. پس از آن آمونیاک به قدری اضافه شد که pH محلول به ۱۰ رسید. بعد از آن ۰/۰۵گرم استات روی در ۱۰ میلی لیتر اتانول به طور جداگانه حل و قطره قطره به محلول اضافه شد و سپس به مدت ۳ ساعت تحت دمای ۲°۸۰ قرار گرفت. در آخر محلول با آب دیونیزه شستشو داده شد و تحت دمای C°۲ خشک گردید. سیس مقدار ۰/۰۱ گرم از نانوصفحات اکسید گرافن را همراه با آب دیونیزه در حمام آلتراسونیک قرار گرفت تا به طور یکنواخت یراکنده شود. سپس به مدت ۳۰ دقیقه در دمای °°۵۰ با کمک همزن مغناطیسی همزده شد. پس از آن مقدار ۲/۲ گرم از نانوذرات هسته/پوسته بصورت جداگانه با ۱۰ میلی لیتر آب دیونیزه مخلوط شده و تحت حمام فراصوت قرار گرفت تا بصورت يكنواخت پراكنده شود. اين محلول را به صورت قطره قطره به محلول اکسیدگرافن اضافه شد و به مدت ٤ ساعت تحت رفلاکس با دمای ۲°۸۰ قرار گرفت. در نهایت محلول شستشو داده شد و تحت دمای C°۰۰ خشک گر دید.

سنتز و بررسی نانوکامپوزیت مغناطیسی چهارتایی Fe₃O₄@ZnO-GO -PolyAniline:

مقدار مشخصی از نانوذرات Fe₃O₄@ZnO/GO به ۳۰ میلی لیتر از محلول ۱ مولار هیدروکلریک اسید که حاوی ۰/٤ میلیلیتر آنیلین بود اضافه شد و تحت حمام آلتراسونیک قرار گرفته سپس به کمک استیرر به شدت هم زده شد. محلول آمونیوم پرسولفات

حل شده در هیدروکلریک اسید به صورت قطره قطره به آن اضافه شد و واکنش پلیمریزاسیون به مدت ۷ ساعت در حمام یخ در دمای ۲°C انجام شد و رسوب سبز رنگ به دست آمده پس از شستشو در دمای ۲۰ درجه خشک گردید.

آزمایش های فو توکاتالیزوری:

از متیلن آبی به عنوان نمونه یآلاینده برای بررسی رفتار فوتو کاتالیزوری نانو کامپوزیت Fe₃O₄@ZnO-GO و اصلاح شده با پلی آنیلین استفاده شد. به این صورت که ابتدا محلول ۳ m N رنگ متیلن آبی تهیه و پس از آن مقادیر ۲ میلی گرم از نانو ذرات مرت ۳۰ دقیقه و پس از آن مقادیر ۲ میلی گرم از نانو ذرات مدت ۳۰ دقیقه در محیط تاریک قرار داده شد تا جذب سطحی مدت ۳۰ دقیقه در محیط تاریک قرار داده شد تا جذب سطحی توسط نانو ذرات انجام شود. جذب ماده و اکنش دهنده روی سطح کاتالیست از مهمترین گامهای افزایش عملکرد فوتو کاتالیزوری میباشد. پس از آن در زمانهای مختلف تحت لامپ UV، با توان آبی در mm ۲۰۰ نانومتر در طول زمان مشاهده گردید. میزان تخریب برای تمامی نمونهها در زمانهای مختلف با استفاده از دستگاه UV-vis اندازه گیری شد.

نتايج و بحث:

نتایج الگوی پراش پرتوی X (شکل ۱۵) نشان دهنده قلههای مشخصه در زوایای ۲۰،۲۵، ۲۰،۲۲، ۳۵،۲۵، ۲۵،۳۵، ۱۰/۵۰ و ۲۰۸٫۲۰ درجه، به ترتیب مربوط به صفحات (۲۰۱)، (۳۱۱) (۳۰۱)، (۲۰۱) و (۱۰۳) از فازهای اسپینل معکوس مکعبی از اکسیدآهن و هگزاگونال اکسیدروی از نانوکامپوزیت مشخصه و هگزاگونال اکسیدروی از نانوکامپوزیت مشخصه ی پلیآنیلین در زوایای، ۲۰٫۰۳، ۹٫۷۰، و ۳۲٬۰۳۳ دیده می شود که نشان دهنده سنتز موفقیت آمیز پلیآنیلین بر روی نانوکامپوزیت مغناطیسی می باشد. اندازه متوسط نانوبلورکها با استفاده از معادله دبای-شرر (βcosθ)/۹۶–D با توجه به شدیدترین قله بترتیب ۲٫۹ و ۱۷ نانومتر بدست آمد.



شكل۱: الگوی XRD از a) نانوكامپوزیت Fe₃O₄@ZnO-GO و b) نانوكامپوزیت Fe₃O₄@ZnO-GO/Polyaniline.

شکل ۲ به وضوح ساختار هسته/پوسته نانوذرات Fe₃O₄@ZnO را نشان می دهد. تصاویر TEM نشان می دهند که ساختار هسته/پوسته تقریباً کروی است، پراکندگی نانوذرات کم بوده و این را می توان به خاصیت مغناطیسی ذرات نسبت داد که تمایل زیادی برای اتصال به هم و تشکیل خوشه را دارند. اکثر ذرات دارای شکل تقریباً کروی بوده با توجه به چگالی الکترونی بالای اکسیدآهن نسبت به اکسیدروی، در تصاویر هسته تیرهتر از پوسته دیده می شود.



شكل۲: تصاویر TEM از نانوذرات Fe₃O₄@ZnO.



شکل ۳:تصاویر FESEM مربوط به نانوکامپوزیت مغناطیسی .Fe3O4@ZnO-GO/Polyaniline

همچنین شکل (۳)، تصویر FESEM ناوکامپوزیت Fe₃O₄@ZnO-GO/Polyaniline نانوذرات هسته/پوسته کروی به شکل همگن بر روی صفحات گرافن همراه با پوشش دهی پلی آنیلین قرار گرفتهاند. بررسی رفتار مغناطیسی نمونهها با مغناطیس سنج نمونه ارتعاشی در دمای اتاق و در میدان ۱۰ kOe تا ۱۰ انجام شد، منحنی پسماند مغناطیسی بدست آمده (شکل ٤)، طبیعت ابرپارامغناطیس بودن سیستم در مقیاس نانو را نشان می دهد و مقدار مغناطش اشباع برای نانوکامپوزیت ۱۳/۸۲ و مقدار مغناطش اشباع برای آنیلین، ۱۳/۸۲ emu/g Fe₃O₄@ZnO-GO مغناطیسی بدلیل آنیلین، یاتر می مناطیسی آنیلین روی سطوح نانوذرات می باشد. همچنین خواص مغناطیسی ذرات به اندازه و شکل آنها بستگی دارد.



شکل ٤: آنالیز VSM نانوکامپوزیتهای Fe₃O₄@ZnO-GO و Fe₃O₄@ZnO-GO/Polyaniline

شکل⁰: نمودار درصد تخریب رنگ با استفاده از نانوکامپوزیت Fe₃O₄@ZnO-GO/Polyaniline و نانوکامپوزیت Fe₃O₄@ZnO-GO/Polyaniline

از شکل ۵ میزان تخریب نانوکامپوزیت Fe₃O₄@ZnO-GO و Fe₃O₄@ZnO-GO/Polyaniline با غلظت ۲ میلی گرم در محلول متیلن آبی پس از گذشت ٤٠ دقیقه به ترتیب ۲۷،۵۸ و ۹۱/٦٦ درصد بدست آمد که با حضور پلی آنیلین به مراتب افزایش یافته است. بازده تخریب نوری متیلن آبی توسط نانوذرات کاتالیست بصورت زیر محاسبه می شود: 100 × $(C_0-C)/C_0$ و C به ترتیب

میزان جذب محلول رنگ قبل و بعد از تابش میباشد.

نتيجه گيري:

در این پژوهش سنتز موفقیت آمیز نانو کامپوزیت مغناطیسی XRD یا Fe₃O₄@ZnO/GO با روش هیدرو ترمال از نتایج آنالیز XRD و تصاویر TEM تأیید شد. اصلاح سطحی این نانو کامپوزیت با استفاده از پلی آنیلین رسانا با روش پلیمریزاسیون درجا انجام گرفت. متوسط اندازه نانوذرات به ترتیب ۲٫۸ و ۱۷ نانومتر محاسبه شد که با حضور پلی آنیلین اندازه نانوذرات افزایش یافت. نانو کامپوزیت Fe₃O₄@ZnO-GO/Polyaniline درای رسانایی و خاصیت ابرپارامغناطیس می باشد، تخریب فوتو کاتالیزوری رنگ متیلن بلو با استفاده از نانو جاذب Fe₃O4 (گرفت. نتایج نشان داد که متیلن بلو با استفاده از نانو جاذب Fe₃O4 (گرفت. نتایج نشان داد که متیلن بلو با استفاده از نانو جاذب Fe₃O4 (گرفت. نتایج نشان داد که متیلن بلو با استفاده از نانو جاذب Fe₃O4 (گرفت. نتایج نشان داد که متیلن بلو با استفاده از نانو جاذب GO-GO (گرفت. نتایج نشان داد که متیلن بلو با استفاده از نانو جاذب GO-GO (گرفت. نتایج نشان داد که متیلن بلو با استفاده از نانو جاذب GO-GO (گرفت. نتایج نشان داد که متیلن بلو با استفاده از نانو جاذب GO-GO (گرفت. نایز کار رایز دانو دار مای مای در مای مای داد که متیلن بلو با استفاده از نانو جاذب GO-GO-GO (گرفت. تایج نشان داد که متیلن بلو با استفاده از نانو جاذب GO-GO

مرجعها:

 M. N. Chong, B. Jin, C. W. Chow, and C. Saint, "Recent developments in photocatalytic water treatment technology: A review", Water Res. 44 (2010) 2997-3027.

[2] S. Ghanbarnezhad, S. Baghshahi, A. Nemati, and M. Mahmoodi, " Preparation, magnetic properties, and photocatalytic performance undernatural daylight irradiation of Fe₃O₄-ZnO core/shell nanoparticles designed on reduced GO platelet" Mat. Sci. Semicon. Proc. 72 (2017) 85-92

[3] Q. Feng, S. Li, W. Ma, H. J. Fan, X. Wan, Y. Lei, Z. Chen, J. Yang, and B. Qin, "Synthesis and characterization of Fe₃O₄/ZnO-GO nanocomposites with improved photocatalytic degradation methyl orange under visible light irradiation" J. Alloys Compd. 737 (2018) 197-206

[4] Xiaoyuan Zhang, Jianning Wu, Guihua Meng, Xuhong Guo, Chang Liu and Zhiyong Liu, "One-step synthesis of novel PANI-Fe₃O₄@ZnO core-shell microspheres: anefficient photocatalyst under visible light irradiatio", Appl. surf. Sci., 366 (2016) 486-493

[5] H. Chenn, N. Chen, Y. Gao and C. Feng, "Photocatalytic degradation of methylene blue by magnetically recoverable Fe₃O₄/Ag6Si₂O₇ under simulated visible light", J. Powder Technology., 326 (2018) 247-257.

مطالعه ساختاری و بررسی ویژگی های مغناطیسی و رنگ زدایی نانوکامپوزیت های

Zn0.5CoxMg0.5-xFe2O4/MWCNT

شهیدی شهیدانی، حسین ؛ سیفی، مجید

گروه فیزیک، دانشکده علوم پایه، دانشگاه گیلان، رشت

*چکید*ہ

نانوكامپوزیت های مغناطیسی بر پایه نانولوله های كربنی و نانوفریت های مغناطیسی با موفقیت از روش هیدروترمال سنتز شدند. هدف از این كار پژوهشی، در ابتدا مطالعه تغییرات ساختاری نانوكامپوزیت ساخته شده اولیه حاوی نانولوله های كربنی چند دیواره و اكسید فلزات آهن، روی و منیزیم بود كه پس از افزودن تادریجی كبالت، فرمولاسیون نهایی این كامپوزیت ها به صورت Zno.5CoxMgo.5.xFe2O4/MWCNT درمی آید (4.0 O.2 and 0.4). الگوهای پراش پرتو ایكس (XRD) حاكی از ساختار بلوری اسپینلی نانوذرات مغناطیسی بوده كه محاسبات دبای-شرر نشان داد كه اندازه این ذرات سوپرپارامغناطیس كمتر از ۲۰ نانومتر می باشد. طیف سنجی تبدیل فوریه فروسرخ (FTIR) نشان داد كه گروه های عاملی آروماتیك كربنی و نیز پیوندهای اكسید فلزی در نانوكامپوزیت ها وجود دارند. ساختارهایی منظم و همگن در تصاویر میكروسكوپ الكترونی گسیل میدانی (FESEM) دیده شدند. با استفاده از نتایج مغناطیس سنج نمونه ارتعاشی (VSM) مشاهده شد كه با افزایش مقدار كبالت در نمونه ها، اندیس های معناطیسی و ویژگی های سوپرپارامغناطیس سنج نمونه ارتعاشی (VSM) مشاهده شد كه با افزایش مقدار كبالت در نمونه ها، اندیس های معناطیسی و ویژگی های سوپرپارامغناطیس سنج نمونه ارتعاشی (

$\begin{array}{l} Structural Study and Investigation of Magnetic and Removal Characteristics of \\ Zn_{0.5}Co_{x}Mg_{0.5-x}Fe_{2}O_{4}/MWCNT \ Nanocomposites \end{array}$

Shahidi Shahidani, Hossein; Seifi, Majid

Department of Physics, Faculty of Science, University of Guilan, Rasht

Abstract

Magnetic nanocomposites including carbon nanotubes and magnetic nanoferrites were successfully synthesized by using a hydrothermal route. The aim of this work was first to study of the structural change in the initiallysynthesized nanocomposites including multiwalled carbon nanotubes and metal (iron, zinc, and magnesium) oxides, which the resulting samples' formulae was in the form of $Zn_{0.5}Co_xMg_{0.5-x}Fe_2O_4/MWCNT$ (x=0, 0.2 and 0.4). The XRD patterns indicated the spinel crystalline structure of the magnetic nanoparticles. The FTIR spectroscopy showed that the aromatic carbonaceous functional groups as well as the metal-oxide bondings exist into nanocomposites structures. Regular and homogenous structures were observed in the field emission electron microscopy (FESEM) micrographs. It was found that increasing the cobalt value has a great influence on the magnetic indices and superparamagnetic characteristics of these nanocomposites. Besides that, methylene blue dye removal tests by using a UV-vis machine suggested that in one hand, all the nanocomposites benefit from a powerful dye removal capability, and on the other hand, the increase in cobalt value in the structures could enhance outstandingly the removal ability.

PACS No. 75.75.-c; 61.46.+w; 87.64.Gb; 95.75.Fg; 68.37.Hk.

دارای اهمیت بالای فناورانه از نظر خواص الکتریکی و مغناطیسی می باشند. نانولوله های کربنی به علت ویژگی های جذاب فیزیکی و کاربردهای فراوان خود در شاخه های مختلف تکنولوژی، به صورت گسترده ای مورد مطالعه قرار گرفته اند [۱–۳]. یکی از این زمینه های مورد علاقه مربوط به مغناطیسی کردن نانولوله های

مواد مغناطیسی که دارای ویژگی های الکتریکی و مغناطیسی منحصر به فردی هستند به عنوان فریت ها شناخته می شوند. اکسید آهن و اکسیدهای فلزی سازندگان اصلی فریت ها هستند. فریت ها مواد اکسید مغناطیسی با طبیعت نیمه رسانا هستند که

مقدمه

کربنی و استفاده از این نانولوله های مغناطیسی در اهداف مغناطیسی حوزه نانو از قبیل نانوسیم های مغناطیسی، فروفلویدها، آهنرباهای مولکولی و مواد فعال NMR می باشند [۴]. اهداف مورد نظر که در این کار پژوهشی دنبال خواهند شد عبارتند از: ۱-عاملدار کردن نانولوله های کربنی چند دیواره به منظور افزایش جذب نانوذرات مغناطیسی و بهبود دیسپرس شدن نانومواد سنتز شده حاوی نانولوله های کربنی، ۲- ساخت نانوکامپوزیت های شده حاوی نانولوله های کربنی، ۲- ساخت نانوکامپوزیت های فرمولاسیون بالا توسط کاهش درصد منیزیم و سنتز دو ساختاری و فیزیکی تمامی نمونه های کامپوزیتی سنتز شده، و ۵-نانوکامپوزیت جدید از این طریق، ۴- بررسی ویژگی های بررسی ویژگی های برجذب سه نمونه مای کامپوزیتی سنتز شده، و ۵-بررسی نقش کبالت در بهبود توانایی جذب رنگدانه های صنعتی.

عاملدار کردن نانولوله های کربنی چند دیواره به این صورت انجام گرفت: مقدار ۱ گرم از نانولوله های کربنی را در محلول ۳ به ۱ اسید سولفوریک (۳۰ میلی لیتر) و اسید نیتریک (۱۰ میلی لیتر) قرار داده و ترکیب حاصله را به مدت ۴ ساعت در اولتراسونیک با دمای ۶۰ درجه هم زدیم. سپس با استفاده از کاغذ صافی، قیف، ارلن مایر و پمپ خلا نانولوله های کربنی را شسته و استخراج کردیم. شستشوی نانولوله های کربنی تا جایی ادامه یافت که pH محلول به حدود ۶ تا ۷ (مقدار خنثی) برسد. در نهایت رسوب سیاه رنگ به دست آمده را در آون با دمای ۵۰ درجه سانتیگراد به صورت شبانه خشک کردیم. سنتز نانولولـه هـای مغناطیسـی: ابتـدا مقدار ۱۵۰ میلی گرم از نانولوله های کربنی عاملدار را در ۵۰ میلی ليتر آب ديونيزه به مدت ١ ساعت تحت امواج اولتراسونيک قرار دادیم. سپس ۱/۱۷۳ گرم نیترات آهـن ۶ آبـه، ۲۱۶٫۰ گـرم نیتـرات روی ۶ آبه و ۱۸۶۰ گرم نیترات منیزیم ۶ آبه را به همراه ۲۰ میلی ليتر آب ديونيزه به مدت ۳۰ دقيقه بـر روى مگنتيـک اسـتيرر هـم زديم. در ادامه، محلول نانولوله های کربنی را به محلول بالا اضافه کرده و به مدت ۱ ساعت به صورت مغناطیسی هم زدیم. بعد از گذشت این زمان، محلول هیدروکسید سدیم ۶ مولار را قطره قطره به ترکیب اضافه کرده تا pH محلول به عدد ۱۲ برسد. سپس

محلول حاصل را با استفاده از روش هیدروترمال به داخل اتوکلاو ریخته و به مدت ۲۰ ساعت در دمای ۱۸۰ درجه سانتیگراد گرما می دهیم. رسوب به دست آمده را با آب دیونیزه شستشو داده تا مقدار PH به عدد ۷ برسد. در انتهای کار، نمونه مغناطیسی ساخته شده (Zn0.5Mg0.5Fe2O4/MWCNT) را به صورت شبانه ساعت در دمای ۵۰ درجه سانتیگراد خشک کردیم. نمونه دوم همانند نمونه اول ساخته شد، با این تفاوت که مقدار نیترات منیزیم ۶ آبه ۲۱۱/۰ گرم و نیترات کبالت ۶ آبه ۲۰۸۴۵ گرم بوده و سایر مقادیر ثابت بود. به همین ترتیب برای نمونه سوم مقادیر به این شرح انتخاب شدند: نیترات کبالت: ۱۶۹/۰ گرم و نیترات منیزیم: شرح انتخاب شدند: نیترات کبالت: ۱۶۹/۰ گرم و نیترات منیزیم:

Zn0.5CoxMg0.5-xFe2O4/MWCNT کے مقادیر x بے ازای نمونه های اول تا سوم به ترتیب ۰، ۲/۰ و ۰/۴ می باشند.

طيف سنجى تبديل فوريه فروسرخ

نتایج طیف سنجی FTIR نانوکامپوزیت های سنتز شده در شکل ۱ آمده اند که گویای موفقیت سنتزهای انجام شده و حضور اکسیدهای فلزی در ماتریس کامپوزیت ها می باشند. گروه های عاملی مهم ازقبیل O-H کششی مربوط به رطوبت موجود در نمونه ها و نیز پیوندهای اکسیژنی تشکیل شده به دلیل وجود هیدروژن در بعضی از مکان های فرعی ساختارهای اسپینلی و یا آروماتیک، O=D کششی منسوب به گروه های کربوکسیل ایجاد شده به دلیل عاملدارسازی نانولوله های کربنی، C=C مربوط به حلقه های آروماتیک نانولوله های کربنی، FeOOH باقیمانده از فرایند هیدروترمال سازنده ساختارهای اسپینلی بر روی سطوح فرایند های کربنی، و همچنین پیوندهای اکسید فلزی مربوط به فریت های مغناطیسی موجود در نانوکامپوزیت ها در شکل دیده



شكل۲ : نتايج طيف سنجى FTIR نانوكامپوزيت هاى سنتز شده: (a) Zn_{0.5}Mg_{0.5}Fe₂O₄/MWCNT. (b) Zn_{0.5}Co_{0.2}Mg_{0.3}Fe₂O₄/MWCNT. (c)

الگوهای پراش پرتو ایکس

الگوهای XRD نمونه های ساخته شده، حاکی از موفقیت تمام سنتزها هستند. به این شرح که بر اساس شکل ۲، یک پیک قوی و بلند در حوالی ۲۶ درجه نشان دهنده وجود صفحات هگزاگونال کربنی (۲ • ۰) موجود در نانولوله های کربنی می باشد. نتيجه گرفته مي شود كه در فرايند هيدروترمال، ساختار نانولوله های کربنی بر اثر گرما و فشار به هم نمی ریزد. در تمامی منحنی ها، پیک های مربوط به ساختار های اسپینلی فریت ها در اطراف زوایه های ۳۱، ۳۵، ۴۳، ۵۷، ۵۷، و ۶۳ دیده می شوند که به ترتیب مربوط به صفحات بلوری (۲۲۰)، (۱۱۳)، (۰۰۴)، (۲۲۶)، (۵۱۱)، و (۴۴۰) مي باشند. بايد خاطر نشان شود كه عدم وجود صفحات بازتابی (۲۱۰)، (۲۱۱)، و (۳۰۰) دلیل محکمی مبنی بر این است که نانوذرات غیرمغناطیسی γ-A₂O₃ به عنوان محصول نهایی فرایند هیدروترمال تشکیل نشده اند که A نشان دهنده فلزات آهن، روی، منیزیم، و کبالت است. اندازه بلوری نانوذرات مغناطیسی موجود در نانوکامیوزیت ها با استفاده از رابطه دبای-شرر به دست آمد که نشان داد تمامی نانوذرات سنتز شده دارای اندازه هایی کمتر از ۲۰ نانومتر می باشند که این یکی از مشخصه های ذرات سوپرپارامغناطیس ساخته شده از فریت ها می باشد.



شكل ٢ : الگوهاى XRD نمونه هاى پودرى نانوكامپوزيت ها: (a): Zn_{0.5}Mg_{0.5}Fe₂O₄/MWCNT (b): Zn_{0.5}Co_{0.2}Mg_{0.3}Fe₂O₄/MWCNT (c)

تصاوير ميكروسكوپ الكترونى عبورى

شکل ۳ مربوط به تصاویر FESEM دو نمونه انتخابی از نانوکامپوزیت های مغناطیسی سنتز شده است که به ترتیب دارای مقدار مول های کبالت • و ۴/۰ در نانوکامپوزیت های سنتز شده هستند. در این شکل، پخش منظم و همگن نانوذرات مغناطیسی فریت در شبکه منظم نانولوله های کربنی مشاهده می شود. همانطور که از تصاویر پیداست، این نانوذرات مغناطیسی اندازه هایی در بازه کوچکتر از ۲۰ نانومتر دارند، که اولا، موید محاسبات دبای-شرر بوده، و ثانیا، تاییدی بر خاصیت سوپرپارامغناطیسی نانوکامپوزیت های ساخته شده هستند.



شکل۳: تصاویر FESEM نانوکامپوزیت های منتخب در مقیاس ۲۰۰ نانومتر: (a): Zn_{0.5}Mg_{0.5}Fe₂O₄/MWCNT (b): Zn_{0.5}Co_{0.4}Mg_{0.1}Fe₂O₄/MWCNT

مشخصه يابى مغناطيسى نانوكامپوزيت ها

فریت ها به دلیل تنوع بالا، قیمت پایین و عملکرد بالای الکترومغناطیسی، مواد مفید و پرکاربردی محسوب می شوند. استفاده همزمان از ویژگی های منحصر به فرد نانولوله های کربنی و نانوذرات مغناطیسی مختلف می تواند به بهره وری از مواد هوشمند جدید جهت کاربرد در حوزه های بالاسطحی تکنولوژی کمک نماید [۵]. شکل ۴ نتایج VSM سه نانوکامپوزیت سنتز شده مغناطیسی را نشان می دهد. همانطور که از نمودارها مشخص است، مقادیر مغناطش اشباع بسیار بالا و مقادیر وادارندگی ناچیز است، که دلیلی بر سوپرپارامغناطیس بودن نمونه هاست. بالاترین مقدار مغناطش اشباع مربوط به نمونه حاوی کبالت با ضریب ۴/۰

مول است (۴۴emu/g)، و کمترین مقدار آن به نمونه اولیه فاقد کبالت (۲۵emu/g) می باشد. مقدار مغناطش باقیمانده نمونه ها بسیار ناچیز است، به طوری که تقریبا هیسترزیس وجود ندارد.



شكل[¢] : نمودارهای VSM نانوكامپوزیت های پودری ستنز شده: (a): Zn_{0.5}Mg_{0.5}Fe₂O₄/MWCNT (b): Zn_{0.5}Co_{0.2}Mg_{0.3}Fe₂O₄/MWCNT (c)

قابليت برجذب رنگدانه متيلن بلو

شکل ۵ مربوط به قدرت برجذب ذرات متیلن بلو حل شده در آب، توسط نانوکامپوزیت های سنتز شده مختلف می باشد. مستطیل های آبی متعلق به غلظت های ۲۰ppm و مستطیل های قرمز هم مربوط به غلظت های ۴۰ppm محلول های متیلن بلو هستند. مشاهده می شود که تمامی نمونه ها در غلظت ۲۰ppm قدرت بالایی در برجذب رنگدانه های صنعتی متیلن بلو را دارند. پس موفقیت اول یعنی قابلیت چشمگیر برجذب رنگدانه حاصل شده است. نتیجه بسیار مهم و مورد علاقه دیگر این است که با افزایش کبایت، قابلیت برجذب این رنگدانه افزایش چشمگیری



شکل۵: نمودارهای ستونی برجذب رنگدانه های متیلن بلو حل شده در آب با غلظت های ۲۰ (آبی) و ۴۰ (قرمز) پی پی ام (ppm):

 $Zn_{0.5}Mg_{0.5}Fe_2O_4/MWCNT$:(a) $Zn_{0.5}Co_{0.2}Mg_{0.3}Fe_2O_4/MWCNT$:(b)

 $Zn_{0.5}Co_{0.4}Mg_{0.1}Fe_2O_4/MWCNT$ (c)

نتيجه گيرى

نانوکامپوزیت های مغناطیسی فریت/نانولوله کربنی چند دیواره از روش هیدروترمال و با افزودن تدریجی کبالت برای سنتز هر نمونه جدید ساخته شدند. در این پژوهش، اولین نوآوری، ورود همزمان روی، منیزیم، و کبالت به درون ساختار اسپینلی با مقادیر مختلف کبالت بود. نوآوری بعدی، مطالعه اثر این کامپوزیت ها در برجذب رنگ های صنعتی و مهم تر از آن بررسی اثر افزایش کبالت بر میزان برجذب این رنگدانه ها بود. نتیجه گرفته شد که از میان نمونه های سنتز شده، نمونه حاوی کبالت با مقدار مول ۲/۰ دارای قوی ترین خاصیت مغناطیسی و بالاترین بازده برجذب رنگدانه متیلن بلو می باشد.

مرجعها

[1] Omidi, M. H., Azqhandi, M. H. A., & Ghalami-Choobar, B. (2018). Sonochemistry: a good, fast and clean method to promote the removal of Cu (ii) and Cr (vi) by MWCNT/CoFe 2 O 4@ PEI nanocomposites: optimization study. *New Journal of Chemistry*, **42**(**19**), 16307-16328.

[2] Ramesh, C., Prasanna, S. C., & Maridurai, T. (2018). MICROWAVE SHIELDING, DIELECTRIC AND MAGNETIC BEHAVIOUR OF MWCNT/Fe3O4 PRO-HYBRID NANO OXIDES REINFORCED NATURAL RUBBER COMPOSITE IN E, F, I & J BAND FREQUENCIES. *DIGEST JOURNAL OF NANOMATERIALS AND BIOSTRUCTURES*, **13**(4), 1103-1110.

[3] Ikram, S., Arshad, M. I., Mahmood, K., Ali, A., Amin, N., & Ali, N. (2018). Structural, magnetic and dielectric study of La3+ substituted Cu0. 8Cd0. 2Fe2O4 ferrite nanoparticles synthesized by the co-precipitation method. *Journal of Alloys and Compounds*, **769**, 1019-1025.

[4] Gangaswamy, D. R. S., Bharadwaj, S., Varma, M. C., Choudary, G. S. V. R. K., & Rao, K. H. (2018). Unusual increase in permeability in cobalt substituted Ni-Zn-Mg ferrites. *Journal of Magnetism and Magnetic Materials*, *468*, 73-78.

[5] Bayat, M., Javanbakht, V., & Esmaili, J. (2018). Synthesis of zeolite/nickel ferrite/sodium alginate bionanocomposite via a coprecipitation technique for efficient removal of water-soluble methylene blue dye. *International journal of biological macromolecules*, **116**, 607-619.

سنتز ساختارهای گرافن/فلزی مغناطیسی مورد استفاده در ادوات مگنتوالکترونیکی شیخی فرد ، زهرا^۱ ؛ محسنی، سید مجید^۱ ^{(دانشکاره فیزیک دانشگاه شهید بهشتی ، اوین ، تهران}

چکیدہ

ساخت ادوات مدرن مگتوالکترونیکی به منظور رقابت با گسترش بازار، نیازمند یک سری الزامات ویژه نظیر عملکرد خوب، تولید ساده، قابلیت اطمینان و هزینه کم می باشد. استفاده از مواد دویعدی-مغناطیسی ساخته شده با روش الکترونهشت، یک نوع تکنولوژی ساده و مقرون به صرفه می باشد که توانایی عبور از روش های سنتی و پر هزینه تولید ادوات مگتتوالکرونیکی را به خوبی دارد و اخیرا توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. در این پژوهش ساختارهایی بر پایه گرافن/ترکیبات فلزی با روش الکترونیکی را به خوبی دارد و اخیرا توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. در این پژوهش ساختارهایی بر پایه گرافن/ترکیبات فلزی با روش الکترونهشت به منظور استفاده در ساخت ادوات کاربردی مگتوالکترونیکی تولید شده اند. فازهای تشکیل شده در این نانوساختارها با استفاده از تحلیل ARD مورد مطالعه قرار گرفته است. مورفولوژی سطح نمونه نیز با تحلیل AFM بررسی شده است. همچنین مشخصهیابی پاسخ مغناطیسی نانوساختارها با کمک آنالیز GMR در حالتهای میدان موازی و عمود بر جریان صورت گرفته است.

Synthesis of Graphene/Metallic Magnetic Nanostructures Used in Magnetoelectronic Devices

Zahra, Sheykhifard¹; S.Majid, Mohseni¹

¹ Department of Physics, University of Shahid Beheshti, Tehran,

Abstract

Development of modern magnetoelectronic devices requires a number of special requirements, such as good performance, simple production, reliability and low cost to compete in the expansion of the market. Electrodeposition of 2D-magnetic materials is a simple and cost-effective methods which does not have the challenges of the costly and traditional methods of generating magnetoelectronic devices, and has recently attracted the attention of many researchers. In this study, nanostructures based on 2D-magnetic materials by the use of electrodeposition method were developed for use in the manufacturing of the magnetelectronic devices. XRD analysis was used to investigate various crystal phases. In addition, sample surface morphology was examined by AFM analysis. The magnetic response of nanostructures is also characterized by GMR analysis in parallel and perpendicular magnetic fields to the electrical current.

PACS No. 70,75

حسگرهای میدان مغناطیسی، زمانی که با انواع جدیدی از قطعات الکترونیکی ادغام می شود و امکان حس کردن و پاسخ دادن به میدان مغناطیسی خارجی را فراهم می کند، مورد استفاده قرار گرفته است. وجود محدودیت هایی در انتخاب مواد، مدیریت گرما و انطباق سریع در وسایل الکترونیکی انعطاف پذیر و شفاف باعث

آمادهسازی بهینه بستههایی از قطعات الکترونیکی و حساس به مغناطیس در مقیاس میکرو/نانو در چند سال اخیر به یک مساله جدی تبدیل شده و توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. تا کنون تکنولوژیهای گوناگونی برای ساخت

مقدمه

یژوهش های اخیر نشان میدهد فعالیتهای قوی وجود دارد که به سمت تولید حسگرهای انعطاف پذیر حساس به میدان مغناطیسی میرود. مگنتوالکترونیکهای مربوط به زمینههای اسپینترونیک و بـه ویـژه اثـر مقاومـت مغناطیسـی خیلـی بـزرگ (GMR)، اثر امیدانس مغناطیسی خیلی بزرگ (GMI) و اثر هال باعث جذابیت های تحقیقاتی بسیار زیادی شده است. به عنوان مثال در آن دسته از حسگرهای بر یایه GMR متشکل از لایههای متناوب فرومغناطس و رسانای غیرمغناطیسی، نشان داده می شود که جهت گیری اسپین وابسته به پراکندگی الکترون میباشد. پاد-فرومغناطیسی که بین لایههای فرومغناطیس همسایه جفت شده، می تواند با میدان مغناطیسی خارجی تنظیم شود و در نتیجه مقاومت به صورت تابعی از میدان خارجی تغییر مے کند ^{4–6}. در این پژوهش امکان تولید آرایههای مگنتوحسگری بر پایه کریستال-های دو بعدی گرافن /آهن /مس با روش الکترونهشت، به راحتی فراهم شده است. نانوساختارهای دوبعدی-مغناطیسی به دست آمده به کمک آنالیزهای الگوی پراش پرتو ایکس (XRD) (دستگاه STOE-STADI)، میکروسکوپ نیروی اتمی (AFM) (دستگاه Nanosurf) و مقاومت مغناطیسی بزرگ (GMR) مشخصەيابى شدەاند.

روش آزمایش

برای ساخت نانوساختارهای دوبعدی-مغناطیسی گرافن-آهن-مس (Gr/Fe/Cu) به روش الکترونهشت، در محلول یونی شامل سولفید آهن با غلظت M ۱/۰ و سولفید مس با غلظت ۲۸۰۰/۰، از یک پلاتین به عنوان کاتد و یک میله گرافیتی به عنوان آند استفاده شده است. با اعمال جریان به الکترودها انرژی لازم جهت فرایند سایش تامین می شود. ابتدا به مدت ۲ دقیقه جریانی به اندازه A ۲۰/۰ اعمال شده تا صفحات کریستالی گرافن روی سطح نانوذرات فلزی و مغناطیسی، ابتدا جریانی به اندازه A ۲۰/۰ به مدت ۱۰ ثانیه اعمال شده تا نانوذرات آهن روی سطح الکترود کاتد که پوشیده از صفحات گرافن است، رسوب کرده و بلافاصله بعد از آن جریانی به اندازه A ۲۰۰/۰ به مدت ۰۰ ثانیه اعمال می-شود تا نانوذرات مس روی لایه قبلی رسوب کند و به این صورت

شده تا روش های تولید سنتی با چالش هایی روبه رو شوند. امکان استفاده از تکنیکهای کمهزینه، چند منظوره و ساده نظیر تكنولوژي لايەنشاني الكتريكي باعث كاهش ضايعات، كاهش هزینه های تجهیزات، کاهش تعداد مراحل کار، پردازش همزمان چند ماده و سادهسازی بخش فرایند ساخت ادوات الکتریکی و مغناطیسی میشود. استفاده از طیف وسیعی از مواد و آلیاژها و همچنين اجازه بازيابي تركيبات داخل محلول الكتروشيميايي، عدم نیاز به تجهیزات گران قیمت و شرایط محیطی خاص نیز مهمترین مزیت این روش میباشد. با این روش می توان مواد کاربردی مورد نظر را در شرایط محیطی، بدون آسیب گرمایی و با هزینه کم تولید کرد ¹. تولید نانوساختارهایی بر پایه مواد دوبعدی یا نانوذرات فلزی و مغناطیسی با این روش میتواند به راحتی مقیاس پذیر بوده و برای تولید یک سیستم چند موادی و چند منظوره به کار رود. رسيدن به چنين ادواتي قابليت ادغام مدارات الكترونيكي قدرت مانند اجزای مقاومتی و هسته های مغناطیسی را دارد ². این ویژگی-های منحصر به فرد به محققان اجازه میدهد تا راههای جدیدی را برای پردازش مواد و گسترش حسگرها و سیستمها ایجاد کنند ^{2,3}.

مشکلات مربوط به عدم پایداری مناسب، اکسیداسیون سریع، نیاز به حلالهای ویژه، دمای بالا و کیفیت پایین قطعات الکترونیکی تولیدی باعث شده تا با عرضه مواد مغناطیسی ترکیب با مواد دوبعدی ، یک تحول اساسی در ساخت ادوات الکترونیکی به وجود آید. این گروه جدید مواد، نظیر نانوساختارهای دو بعدی بر پایه گرافن برای استفاده در ابزارهای الکترونیک انعطاف پذیر بسیار امیدوار کننده به حساب میآید. به دلیل ضخامت اتمی این مواد، امکان کنترل الکترواستاتیک، شفافیت نور، انعطاف پذیری مکانیکی و حساسیت به حداکثر میرسد. از آنجا که کریستالهای دو بعدی دارای برهمکنشهای واندروالس هستند میتوانند به راحتی در یک توده چند لایه ترکیب شوند و امکان تولید

ساختارهای چند لایهای از نانوساختارهای مغناطیسی ایجاد می-شود. این چرخه ۱۲ بار تکرار شده و کل فرایند آزمایش حدود یک ساعت طول میکشد. در نهایت پودر محصول با آب شست-وشو داده شده و در دمای ۲[°] ۸۰ به مدت ۲۰ ساعت خشک می-شود. در شکل ۱ نمودار تغییرات ولتاژ و جریان بر حسب زمان را برای تولید نانوساختارهای کریستالی Gr/Fe/Cu میتوان مشاهده کرد. توضیحات مربوط به هر چرخه در پنجره داخل این شکل نشان داده شده است.

نتايج و بحث

XRD

به منظور مشخصهیابی ساختار بلوری و فازهای کریستالی تشکیل شده، از نانوساختارهای Gr/Fe/Cu، الگوی پراش پرتو ایکس گرفته شده است (شکل ۲). طبق این الگو ساختار کریستالی مکعبی ساده مربوط به صفحه کریستالی (110) فاز آهن فلزی در JCPDS No: 01-085 در نمونه به دست آمده این نمونه به خوبی قابل مشاهده است -Fe₃O4 در نمونه به دست آمده وجود دارد (JCPDS No: 01-077-1545). به ازای زاویای وجود دارد (JCPDS No: 01-077-1545). به ازای زاویای مس فلزی مشاهده می شود (JCPDS No: 01-085-1326). همچنین یک قله پهن حدود زوایای ۲۳۰ =

AFM

به منظور بررسی مورفولوژی سطح و چگونگی قرار گرفتن نانوذرات فلزی و مغناطیسی نسبت به صفحات گرافن، ابتدا مقداری از پودر محصول به دست آمده را در آب حل کرده و سپس روی یک زیرلایه از جنس سیلیکون خشک نموده تا قسمتهای مختلف آن با کمک میکروسکوپ نیروی اتمی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. طبق شکل ۳ مشاهده می شود ذرات فلزی به صورت پراکنده بر روی صفحات گرافن و بین آنها قرار ساختارهای لایهای از نانوصفحات دوبعدی-مغناطیسی با استفاده از این روش کاملا موفقیت آمیز بوده است. اندازه صفحات گرافنی در

در این نمونه متفاوت بوده و بسته به جنس آن بین nm ۳۰–۰۳



شکل ۱: نمودار تغییرات ولتاژ و جریان بر حسب زمان



شکل ۲: الگوی پراش پرتو ایکس نانوساختارهای دوبعدی-مغناطیسی



شکل ۳: مورفولوژی سطح با استفاده از میکروسکوپ نیروی اتمی نانوساختارهای دوبعدی-مغناطیسی

GMR

به منظور مطالعه پاسخ مغناطیسی نانوساختارهای دوبعدی-مغناطیسی از آنها آنالیز GMR در دمای اتاق و میدانهای ضعیف تا Tm در هر دو حالت میدان مغناطیسی عمود و موازی با جریان گرفته شده است. برای این کار از پودر به دست آمده بعد از خشک کردن یک قرص با قطر Tmm و ضخامت mm ساخته شده و تغییرات مقاومت آن با یک مدار دو پروبه اندازه-گیری شده است. نتایج حاصل از این آنالیز نشان میدهد با اعمال میدان مغناطیسی و تغییر آن، مقاومت الکتریکی نمونه نیز در حال تغییر میباشد. نسبت GMR در چنین سیستمی مطابق با معادله زیر محاسبه میشود ¹².

 $\left(\frac{\Delta R}{R}\right) = \frac{R(H) - R_{max}}{R_{max}}$ (1) asless

در این معادله، (H) مقاومت نمونه در میدانی با شدت H و R max بیشترین ضریب مقاومت نمونه می باشد. برای نانوساختارهای دوبعدی-مغناطیسی میزان درصد MR گرفته شده در حالتهای موازی و عمود بر جریان به ترتیب برابر با ۰/۰٪ و ۰/۰٪ به دست آمده است.

با توجه به رفتار مشاهده شده در شکل ٤ می توان گفت، ترکیب مواد دوبعدی با نانوذرات فلزی و مغناطیسی می تواند پراکندگی ها را افزایش داده و در نتیجه باعث مشاهده پاسخ مغناطیسی به صورت تغییر مقاومت در برابر تغییر میدان مغناطیسی خارجی در دمای اتاق شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت تولید این دسته از نانوساختارهای دوبعدی-مغناطیسی با روش الکترونهشت، یک روش تک مرحلهای ساده، مقرون به صرفه و کاربردی برای استفاده در ساخت ادوات مگنتوالکترونیکی به شمار می رود.

نتيجه گيرى

در این پژوهش ما توانستیم با استفاده از یک روش تک مرحلهای و ساده با صرف هزینه و زمان کم، نانوساختارهای دوبعدی-مغناطیسی تولید کنیم که میتواند در ساخت ادوات کاربردی مگنتوالکترونیکی مورد استفاده قرار گیرد. مورفولوژی سطح با کمک AFM مورد مطالعه قرار گرفته است. طبق این تصاویر وجود نانوساختارهای لایهای از مواد دوبعدی-مغناطیسی تایید شده است. الگوی XRD وجود فازهای آهن فلزی، اکسید

آهن، مس و گرافن را تایید میکند. نتایج حاصل از GMR نیز نوید بخش تولید محصولی کاربردی برای استفاده در ساخت ادوات مگنتوالکترونیکی میباشد.



شکل ٤: نمودار میزان MR بر حسب میدان مغناطیسی (a): میدان مغناطیسی موازی با جریان و (b): میدان مغناطیسی عمود بر جریان

مرجعها

- ['] Chen, X., Liu, X., Childs, P., Brandon, N. and Wu, B; "A Low Cost Desktop Electrochemical Metal 3D Printer"; Adv. Mater. Technol. 2, (2017).
- [Y] Yan, Y., Chao Ding, Ngo, K. D. T., Mei, Y. and Lu, G.-Q; "Additive manufacturing of planar inductor for Power Electronics applications"; in 2016 International Symposium on 3D Power Electronics Integration and Manufacturing (3D-PEIM) 1, (2016) 1-6.
- [^r] Cummins, G. & Desmulliez, M. P. Y; "Inkjet printing of conductive materials: a review"; *Circuit World* 38, (2012) 193– 213.
- [*] Karnaushenko, D. *et al*; "High-performance magnetic sensorics for printable and flexible electronics"; *Adv. Mater.* 27, (2015) 880–885.
- [^Δ] Wang, Z. *et al*; "Highly Sensitive Flexible Magnetic Sensor Based on Anisotropic Magnetoresistance Effect"; *Adv. Mater.* 28, (2016) 9370–9377.
- [[†]] Ben Gur, L., Tirosh, E., Segal, A., Markovich, G. & Gerber; "A. Extraordinary Hall-effect in colloidal magnetic nanoparticle films"; J. Magn. Magn. Mater. 426, (2017) 178–182.

بررسی اثر جانشانی همزمان کاتیون های نیکل و مس بر خواص ساختاری و الکترومغناطیسی هگزافریت Co₂Y

صمدپور، الهام ^{او۲}؛ شمس، محمدحسين ^{او۲}؛ كياني، اسماعيل ^{او۲}

ا مجتمع دانشگاهی علوم کاربردی، مرکز تحقیقات علوم و فناوری نانوفیزیک، دانشگاه صنعتی مالک اشتر ، اصفهان ، شاهین شهر ^۲دانشکده الکتروسرام و مهندسی برق، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، اصفهان، شاهین شهر

چکیدہ

هگزافریت باریوم نوع Y با ترکیب شیمیایی Fe₁₂O₂₂(NiCu)_xFe₁₂O₂₂ با مقادیر ۲و ۱/۵، ۱، ۵/۵، ۲۰ به روش سل-ژل تهیه شد. تاثیر جانشانی همزمان کاتیونهای نیکل و مس بر ویژگیهای ساختاری و مغناطیسی و الکترومغناطیسی نمونه ها توسط آنالیزهای پراش پرتو ایکس XRD، میکروسکوپ الکترونی روبشی SEM دستگاه مغناطش سنج ارتعاشی VSM و تحلیلگر شبکه برداری VNA مورد بررسی قرار گرفت. الگوهای پراش پرتو ایکس تشکیل ساختار هگزاگونال نوع Y را به ازای تمامی مقادیر x تایید کرد. تصاویر میکروسکوپ الکترونی روبشی تشکیل ذرات ورقه ای شکل شش گوشی را با محدوده اندازه ۵–۱ میکرومتر و ضخامت ۱۵۰ – ۵۰ نانومتر نشان داد. مغناطش اشباع و نیروی وادارندگی نمونه ها با افزایش مقدار جانشانی ، به ترتیب از P ۹ مناد به ترتیب از PA/۸۶ می بالاتر جابجا شد.

Investigation the effect of Cu and Ni substitution on the structural and electromagnetic properties of Co₂Y hexaferrite

Samadpour, Elham^{1,2}; shams, Mohammad Hosein^{1,2}; Kiani, Esmail^{1,2}

¹ Faculty of Applied Sciences, Research Center of Nano-Physics, University of Malek Ashtar, Shahin Shahr, Isfahan, Iran ² Faculty of Electroceramic and Electrical Engineering, University of Malek Ashtar, Shahin Shahr, Isfahan, Iran

Abstract

Y-type barium hexaferrites with chemical composition of $Ba_2Co_{2-x}Ni_{x/2}Cu_{x/2}Fe_{1/2}O_{2/2}$ (x=0,0.5,1,1.5,2) were prepared by sol-gel method. The effect of Ni²⁺ and Cu²⁺ substituting on structural and electromagnetic properties of samples were investigated by X-rey diffraction (XRD), scanning electron microscopy (SEM), vibrating sample magnetometer (VSM)) and vector network analyzer (VNA). The X-rey diffraction patterns confirmed single phase Y-type hexaferrites. All samples showed hexagonal platelet-like shape with particles size 1-2 µm and thickness of 50-150 nm. Saturation magnetization (M_s) and coercivity (H_c) of samples were reduced from 35.13 emu/g and 651 Oe to 19.86 emu/g and 84 Oe respectively, as the Ni²⁺ and Cu²⁺ contents increased. Magnetic permeability decreased and the peak of ferromagnetic resonance moved towards higher frequency.

PACS No. 75

و همچنین خواص مغناطیسی نرم بسیار خوب، دارای کاربرد گسترده در محدوده فرکانس های گیگاهرتز هستند. در این پژوهش هگزافریت باریوم Co₂Y با فرمول شیمیایی x=۰،۰/۵،۱،۱/۵٫۶ به ازای ۲و۵/۱،۱/۵،۰۰۰ به به روش سل-ژل تهیه شد. وجه تمایز این پژوهش با سایر تحقیقات انجام شده، تاثیر جانشانی همزمان کاتیونهای ۲۰ Ni^{*} و ۲۰ مقدمه

+Co² بر خواص ساختاری، مغناطیسی و الکترومغناطیسی آن است. نمونه های جانشانی شده با کاتیونهای مورد نظر، در دما و زمان مناسب کلسینه شدند و خواص ساختاری و مغناطیسی آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

روش نمونه سازى

برای تهیه ذرات هگزافریت باریوم نوع Y با فرمول شیمیایی Ba₂Co_{2-x}Ni_{x/2}Cu_{x/2}Fe₁₂O₂₂ به روش سل-ژل ، ابتدا محلولهایی با مولاریته برابر از نیترات باریم Ba(NO₃)₂ ، نیترات کبالت Co(NO₃)₂.6H₂O، نیترات آهن Fe(NO₃)₃.9H₂O، نیترات مس Cu(NO₃)₂.6H₂O نیترات نیکل، Cu(NO₃)₂.3H₂O با حل کردن مقدار استوكيومترى آنها در آب مقطر تهيه شد. محلولها روى گرمکن الکتریکی در دمای ۴۰°C با یکدیگر مخلوط شدند. دمای محلول به °C °C رسانده شد و سیتریک اسید به عنوان عامل سوخت به محلول اضافه شد. از آمونیاک به منظور کنترل pH محلول در حالت خنثی استفاده شد. با کنترل دمای سل و pH در PH=۷ و PH=۷، بعد از حدود ۱۵ ساعت آب اضافی محلول تبخیر و ژل غلیظ با ویسکوزیته ی بالا تشکیل شد و به مدت ۴۸ ساعت در دمای C°۸۰ در خشک کن قرار گرفت. پودر ژل خشک شده به مدت سه ساعت در دمای C°۹۵۰ کلسینه شد و محصول پودری بسيار نرم و متخلخل به دست آمد. به منظور مشخصه يابي ساختاری، از آنالیز پراش پرتو ایکس XRD استفاده شد. مورفولوژی ذرات توسط میکروسکوپ الکترونی روبشی SEM و ویژگیهای مغناطیسی و الکترومغناطیسی آن به تریتب توسط دستگاه های مغناطش سنج ارتعاشی VSM و تحلیلگر شبکه برداری VNA مورد بررسی قرار گرفت.

تحليل نتايج

شکل ۱ الگوهای پراش پرتو ایکس نمونه های کلسینه شده در دمای ۲[°]۹۵۰ به مدت سه ساعت را به ازای مقادیر ۲، ۱/۵، ۱، ۸/۵، ۰۰ x=۰ نشان می دهد. نتایج حاکی از تشکیل فاز هگزاگونال نوع Y به همراه مقادیر بسیار کمی از فازهای میانی CoFe₂O₄ و BaFe₂O₄ در مقادیر جانشانی ۵/۰و ۰=x است. با افزایش مقدار x، فازهای میانی به تدریج کاملا حذف شده اند و الگوهای پراش

نمونه های مربوط به ۲و ۲،۱/۵ x=۱ با الگوی استاندارد با کد ۲۰۲۰-۲۰۰۸۲ نطابق کامل دارند و هیچ پیک مربوط به فازهای ناخالصی که شامل ترکیبات عناصر نیکل و مس باشد مشاهده نمی شود. می توان استنباط کرد که افزایش مقدار جانشانی کاتیون های $^{+2}$ g Ni²⁺ توان استنباط کرد که افزایش مقدار جانشانی کاتیون های $^{+2}$ g Ni دمای تشکیل فاز فریت هگزاگونال نوع Y را کاهش می دهد. میانگین اندازه بلورکها از داده های الگوی پراش ایکس و با استفاده از رابطه ویلیامسون-هال محاسبه شد.

 $\beta = \frac{k\lambda}{D\cos\theta} + 2\varepsilon \tan\theta \tag{1}$

در این رابطه D اندازه بلورک بر حسب آنگستروم، λ طول موج پرتو ایکس بر حسب آنگستروم، β پهنای پیک فاز مورد نظر در نصف ارتفاع بیشینه ی آن بر حسب رادیان، θ زاویه ای که پیک در آن ظاهر شده و k ضریب شکل است که برای ساختار هگزاگونال برابر با ۸۹/۰ در نظر گرفته می شود.



شکل ۱ : الحوی پراش پر بو ایخس سویه های کلسینه شده در دمای ۲ ۹۵۰ به مدت سه ساعت به ازای مقادیر مختلف X

پارامترهای شبکه a و c و حجم سلول واحد V نیز با استفاده از روابط زیر محاسبه شد. این مقادیر در جدول ۱ آمده است.

$$d = \left(\frac{4}{3}\frac{h^{2} + hk + k^{2}}{a^{2}} + \frac{l^{2}}{c^{2}}\right)^{-\frac{1}{2}}$$
(Y)

$$V = a^{2}c \sin 120$$
(Y)

تغییرات ثابتهای شبکه به علت اختلاف شعاع یونی کاتیونهای ([°]A N[°]) ماست. Ni^{۲+} (۰/۶۹ و ([°]N N^{۲+}) (۰/۷۳ A[°]) به جای ([°]N N⁺) (۰/۷۳ A[°]) است. روند نامنظم این تغییرات، مربوط به محل قرارگیری کاتیونهای جانشانی شده در مکانهای هشت وجهی و چهار وجهی در ساختار

بلوری است. مشخص شده است که یون های کبالت در هگزافریت نوع Y، مکان های هشت وجهی را پر می کنند[۱]. کاتیونهای نیکل به عنوان کاتیون دو ظرفیتی در ساختار هگزافریت نوع Y، دارای یک توزیع آماری در جایگاههای چهار وجهی و هشت وجهی است، اما اغلب مکان هشت وجهی را ترجیح می دهد و جایگزینی $^{+2}$ OD با *7 IN در مکانهای هشت وجهی اتفاق می افتد[7]. در همین زمان ممکن است یونهای $^{+6}$ Fe از مکان های چهار وجهی به هشت وجهی مهاجرت کنند و یونهای *1 IN در مکان های چهار وجهی باقی بمانند[7]. از طرفی نزدیک بودن شعاع یونی کاتیون *1 Du با *0 Cu را پر کنند[*1 J.

| مقادير مختلف جانشاني | ها با ه | ن نمونه | ساختاري براي | ' : پارامترهای | عدول ا |
|----------------------|---------|---------|--------------|----------------|--------|
|----------------------|---------|---------|--------------|----------------|--------|

| Х | D(nm) | a(nm) | c(nm) | c/a | $V(nm^3)$ |
|-------|-------|-------|---------------|------|-----------|
| X=• | 30/14 | ۵/۸۵ | ۴۳/۴ ۸ | ٧/۴٢ | 189./12 |
| X=∙/۵ | 41/22 | ۵/۸۶ | 42/40 | ۷/۴۱ | 1898/90 |
| X=١ | ۵۹/۵۶ | ۵/۸۵ | 47°/44 | ۷/۴۲ | ۱۲۸۹/۳۸ |
| x=1/Δ | 90/79 | ۵/۸۴ | 43/48 | ٧/۴۴ | 1774/40 |
| X=۲ | 90/79 | ۵/۸۶ | ۴۳/۳۱ | ٧/۴۰ | 1740/09 |

تصاویر میکروسکوپ الکترونی روبشی نمونه های کلسینه شده در شکل۲ ذراتی با اشکال صفحه ای شش گوش را برای تمام نمونه ها نشان می دهد. شکلهای ورقه مانند یا به اصطلاح پولکی شکل هگزافریتها، دارای نفوذپذیری مغناطیسی بالایی هستند و می توانند به عنوان پوشش جاذب امواج مایکروویو مورد استفاده قرار گیرند. مشاهده می شود با افزایش مقدار جانشانی ذرات رشد کرده اند. اندازه ذرات در محدوده ۲ ۲ - ۱ و ضخامت آنها در حدود جانشانی می شود، در حین فرآیند کلسیناسیون، مس ذوب می شود و یک فاز مایع به وجود می آورد[۴]. از آنجا که انرژی مورد نیاز برای ورود کاتیونهای جانشانی شده به مرزدانه ها، از خود دانه ها مناطق درون ماده نفوذ می کند. بنابراین مس افزوده شده، به سمت مرزدانه ها حرکت کرده و با ایجاد فاز مایع باعث چسبیدن دانه ها

ویژگیهای مغناطیسی نمونه های تهیه شده با دستگاه مغناطش سنج ارتعاشی با بیشینه میدان اعمالی ۱۰ KOe و در دمای اتاق

اندازه گیری شد. منحنی های پسماند مغناطیسی نمونه ها در شکل۳ نشان داده شده است. با افزایش مقدار جانشانی نمونه ها در میدان اعمالی کمتری به اشباع می رسند. پارامترهای مغناطیسی شامل مغناطش اشباع، مغناطش باقیمانده، نیروی وادارندگی در جدول ۲ آمده است.



شكل ۲ : مقايسه تصاوير ميكروسكوپ الكتروني روبشي نمونه هاي كلسينه شده



شکل۳: مقایسه حلقه های پسماند نمونه های کلسینه شده هگزافریت نوع Y، دارای هشت مکان هشت وجهی با اسپین بالا، دو مکان هشت وجهی و چهار مکان چهار وجهی با اسپین پایین است [۵]. با توجه به توضیحاتی که در مورد محل قرارگیری کاتیون ها داده شد، جانشانی (۲/۸۸ μ_B با کاتیونهای (

Ni^{T+}(۲/۸۳ و (μ_B (μ_B) و (μ_B) و (μ_B) و (μ_B) معاطیسی، سهم اسپین های بالا را کنشهای ابرتبادلی میان یونهای مغناطیسی، سهم اسپین های بالا را با احتمال بیشتری کاهش می دهد. بنابراین مغناطش خالص نمونه ها با افزایش مقدار جانشانی کاهش می یابد. در ذرات چند حوزه ای، افزایش اندازه ذرات باعث کاهش موانع مرزدانه ای می شود و هنگام اعمال میدان مغناطیسی، چرخش بردار مغناطش و حرکت دیواره حوزه ها آسانتر صورت می گیرد. در نتیجه با افزایش مقدار نیکل و مس ذرات رشد کرده و نیروی پسماندزدا کاهش می یابد.

جدول۲ : پارامترهای مغناطیسی برای نمونه ها با مقادیر مختلف جانشانی

| Х | M _s (emu/g) | M _r (emu/g) | H _c (Oe) | f _r (GHz) |
|-------|------------------------|-------------------------|---------------------|----------------------|
| X=* | 30/14 | 18/47 | 801 | ٣/١۶ |
| X=•/۵ | M./QA | ۱۳/۸۴ | 799 | ۶/•۶ |
| X=1 | 29/60 | 11/89 | ۲۴۳ | V/AY |
| X=1/Δ | 73/97 | $\Lambda/\Delta\Lambda$ | 147 | 17/•9 |
| X=۲ | 19/AV | ۶/۴۰ | ٨۴ | 17/77 |

شکل ۴ طیف فرکانسی گذردهی الکتریکی و نفوذپذیری مغناطیسی را برای کامپوزیت فریت-پارافین (۸۰ درصد وزنی فریت) از نمونه ها در محدوده فرکانسی ۱۸–۱۰ نشان می دهد. منشأ قله های مشاهده شده در طیف نفوذپذیری مغناطیسی، پدیده تشدید فرومغناطیس است. رابطه بین فرکانس تشدید فرومغناطیس با میدان ناهمسانگردی H_a توسط رابطه زیر بیان می شود [۵]:

 $f_{r} = \frac{\gamma}{2\pi} H_{a}$ (*)

میدان ناهمسانگردی با مغناطش اشباع رابطه عکس دارد. با افزایش مقدار جانشانی و کاهش مغناطش اشباع، میدان ناهمسانگردی مطابق رابطه(۴) افزایش یافته و فرکانس تشدید از ۳/۱۶ GHz برای نمونه ۰=x به ۱۲/۸۸ GHz برای نمونه ۲=x جابجا شده است. مقادیر فرکانس تشدید برای هر نمونه در جدول ۲ آمده است. همچنین نفوذپذیری مغناطیسی در فرکانس I GHz از مقدار ۱۸۶ به ۱/۱ کاهش یافته است. در محدوده فرکانسی I GHz از مقدار نمونه با مقدار جانشانی ۱=x بیشترین مقدار نفوذپذیری مغناطیسی را دارد. مقادیر حقیقی گذردهی الکتریکی برای هر نمونه با محدوده ی فرکانس X=۲ دارای کمترین مقدار حقیقی و بیشترین مقدار مقدار جانشانی ۱=x دارای کمترین مقدار حقیقی و بیشترین مقدار

موهومی در طیف گذردهی الکتریکی است و بیشترین تلفات دی الکتریکی را نسبت به نمونه های دیگر دارد.



هگزافریت باریم Ba₂Co_{2-x}Ni_{x/2}Cu_{x/2}Fe₁₂O₂₂ به روش سل-ژل تهیه و در دمای C⁰ ۹۵۰°C به مدت سه ساعت کلسینه شد. با افزایش مقدار جانشانی مس و نیکل، دمای تشکیل فاز کاهش یافت و ذرات به شکل صفحات شش گوشی با اندازه μm ۲–۱ تولید شد. مغناطش اشباع از γ۵۱۱۴ emu/g به ۱۹/۸۷ emu/g و نیروی وادارندگی از ۵۵۱ ۹C به ۸۴ Oe کاهش یافت و فرکانس تشدید فرومغناطیس به سمت فرکانسهای بالاتر جابجا شد.

مراجع

- S. H. Mahmooda, n, F. S. Jaradatb and A. F. Lehloohb; "Structural properties and hyperfine interactions in Co-Zn Y-typehexaferrites prepared by sol-gel method"; Ceramics International 40 (2014)5231– 5236
- [Y] Y. Alizad Farzin, O. Mirzaee, A. Ghasemi; "Influence of Mg and Ni
- substitution on structural, microstructural and magnetic properties of $Sr_2Co_{2,x}Mg_{x,2}Ni_{x,2}Fe_{1,2}O_{2,2}$ (Co_2Y) hexaferriter"; Journal of Magnetism and Magnetic Materials **371** (2014) 14–19.
- [٣] Y. Bai, J. Zhou, Zh. Gui, Zh. Yue, L. Li; "Preparation and magnetic characterization of Y-type hexaferrites containing zinc, cobalt and copper"; Materials Science and Engineering B99 (2003) 266–269.
 - [۴] احمدپور، قادر؛ قاسمی، علی؛ پایمزد، ابراهیم ؛ «تاثیر دمای تفجوشی و افزودنی مس بر خواص ساختاری و مغناطیسی فریت نیکل -روی»؛ *مجلهٔ مواد پیشرفته در مهندسی*، سال ۳۲ ، شمارهٔ ۲، پاییز ۱
- [Δ] R. C. Pullar; "Hexagonal ferrites: A review of the synthesis, properties and applications of hexaferrite ceramics"; Progress in Materials Science 57 (2012) 1191–1334

خواص ساختاری و الکترونی بلور پروسکایت NaTaO3 در فاز اورتورمبیک در گروههای فضایی مختلف

علیدوستی ، خلیل ؛ مختاری ، علی ؛ سلیمانیان ، ویشتاسب گروه فیزیک، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد

چکیدہ

در کار حاضر به بررسی و مطالعه بین فازهای مختلف اورتورمبیک ترکیب پروسکایت NaTaO3 میپردازیم. در این کار با روش های محاسباتی در چارچوب نظریه تابعی چگالی (DFT) و با تقریب شیب تعمیم یافته (GGA) به محاسبه پارامترهای ساختارهای بهینه شده، انرژی بهینه شبکه، مدول حجمی و مشتق مدول حجمی و انرژی همدوسی و همچنین رفتار خواص الکترونی مثل نوارهای انرژی، چگالی حالتها و همچنین گاف انرژی میپردازیم. نتایج کار به درستی فاز پایدار این ترکیب با گروه فضایی Pnma که با تجربه سازگار میباشد را نشان میدهد. گاف نواری مستقیم به اندازه VATeV بدست میآید.

The structural and electronic properties of the NaTaO₃ perovskite compound in different space groups of the orthorhombic phase

Alidusti, khalil ; mokhtari, ali ; soleimanian, vishtasb

Department of Physics, Shahrekord University, Shahrekord

Abstract

In the present work, we have studied the $NaTaO_3$ perovskite compound in different orthorhombic phases. The calculations are performed using density functional theory (DFT) and generalized gradient approximation (GGA) to obtain the optimized structural parameters, minimum of the energy, bulk moduls and it's pressure derivative, cohesive energy and behavior of the band structure and density of states. Our results are in good agreement with the experimental data. The direct band gap about 2.86 eV are obtained for the pnma phase.

خواص الکترونی، مغناطیسی، اپتیکی و کاتالیستی را موجب شده است. از دیگر خواص جالب پروسکایتها امکان گذار فازی می-باشد که در اثر اختلالاتی مثل گرما روی می دهد که باعث علاقه پژوهشگران به این دسته از بلورها شده است. تانتالات سدیم یا NaTaO3 یکی از بهترین کاتالیستها میباشد. این ماده در سه فاز مکعبی، تتراگونال و اورتورمبیک در چند گروه فضایی خاص متبلور میشود. در دمای اتاق در فاز اورتورمبیک با گروه فضایی هmm قرار دارد و با افزایش دما به گروه فضایی Cmcm

ABX₃ پروسکایتها دستهای از بلورها با فرمول شیمیایی ABX₃ هستند که در آن A کاتیون بزرگتر و این جایگاه میزبان فلزات قلیایی و قلیایی خاکی از جدول تناوبی میباشد، B کاتیون کوچکتر و این جایگاه میزبان عناصر واسطه از جدول تناوبی است و X آنیون متصل به کاتیون ها میباشد. این جایگاه معمولاً توسط اکسیژن، کربن و نیتروژن اشغال میشود. کاتیون A عامل پایداری حرارتی و کاتیون B عامل فعالیت کاتالیستی میباشد[۲-۱]. تنوع

مقدمه

مکعبی گذار انجام میدهد. در کار حاضر به فاز اورتورمبیک این بلور که خود در چند گروه فضایی مثل Amm2 و Pc2₁n و Pnma و Cmcm متبلور می شود متمرکز شدهایم و محاسبات خود را در این چهار گروه فضایی مربوط به فاز ارتورومبیک انجام دادهایم. پارامترهای شبکهای بهینه شده هر چهار گروه، مدول حجمی و مشتق مدول حجمی و انرژی همدوسی آنها را بدست آوردهایم. نوارهای انرژی را برای حالت پایدار Pnma و چگالی حالتهای هر چهار گروه فضایی را در ادامه در شکلهای مربوطه ترسیم شده است.

روش محاسباتی

مطالعه و بررسی این بلور با نظریه تابعی چگالی(DFT) [۲-۳] و با استفاده از کد محاسباتی اسپرسو [٥] و با تقریب شیب تعمیم یافته (GGA) انجام شد و نتایجی که بدست آمد با نتایج تجربی سازگاری است. اصول کار به این صورت میباشد که ما با استفاده از تقریب بورن اوپنهایمر، سامانه بس ذره ای را به دو سامانه بس يونى و بسالكترونى جداسازى مىكنيم و با تقريب تک الكترون برای حل سامانه بسالکترونی به معادله شرودینگر تک الکترونی مىرسيم. با حل اين دسته معادلات خود سازگار به روش كوهن-شم با تقریب شیب تعمیم یافته (GGA) به انرژی های سامانه، توابع موج، چگالی الکترونی و پتانسیل خارجی میرسیم، سپس می توانیم از روی انرژی ها به نیروهای بین ذرات یا یونها دست یافته و موقعیتهای جدید یونی را به دست آوریم، با داشتن موقعیت جدید، سامانهی جدیدی داریم که مجدداً این محاسبات را تکرار میکنیم. این چرخه را تا زمانی ادامه میدهیم که نیروها تقريباً به صفر همگرا شوند. به اين نوع معادلات، معادلات خود سازگار میگویند. در واقع روش خود سازگار برای معادلات تک ذره کوهن-شم استفاده میشود تا ویژه توابع و ویژه مقادیر همگرا شده را بدست آورد.

در این حالت موقعیتهای اتمی در حالت بهینه قرار میگیرند و ثابتهای شبکهی بهینه بهدست میآیند و انرژی شبکه در حالت کمینه خود قرار میگیرد. میتوان مدول حجمی و مشتق مدول حجمی و انرژی همدوسی را بدست آورد.

روش اجرا

ترکیب NaTaO₃ در فاز اورتورمبیک در گروههای فضایی Pnma ،Pc2₁n ،Amm2 و Cmcm متبلور می شود. گروههای Pc2₁n و Pc2₁n شبکه ساده و دو گروه Amm2 و Cmcm شبکه مرکز سطحی می باشد. برای شروع محاسبات از پارامترهای داخلی، ثابتهای شبکه و موقعیتهای اتمی تجربی در دسترس استفاده می کنیم. گروه فضایی Amm2 شامل دو مولکول با ۱۰ اتم در سلول بسیط و گروههای فضایی Pc21n و Pnm۹ و Cmcm شامل چهار مولکول با ۲۰ اتم در سلول بسیط با موقعیتهای اتمی که براساس جدول ۱ و همچنین در کتاب وایکوف [۲] و یا سایتهای اینترنتی مرسوم که برای بلورشناسی وجود دارد وارد می شود. سپس کد اسپرسو اجرا می شود و نتایج بدست آمده را با نتایج

| مكان | جایگاههای وایکوف | مختصات |
|------------|------------------|--|
| كاتيون A | (4c) | $\pm \left[(u, v, \frac{1}{4}), (\frac{1}{2} - u, v + \frac{1}{2}, \frac{1}{4}) \right]$ |
| آنيون A | (4b) | $\pm \left[(\frac{1}{2}, 0, 0), (\frac{1}{2}, \frac{1}{2}, 0), (0, 0, \frac{1}{2}), (0, \frac{1}{2}, \frac{1}{2}) \right]$ |
| آنيون (O(1 | (4c) | $\pm \left[(m,n,\frac{1}{4}), (\frac{1}{2}-m,n+\frac{1}{2},\frac{1}{4}) \right]$ |
| آنيون (O(2 | (8d) | $\pm \begin{bmatrix} (x, y, z), (\frac{1}{2} - x, y + \frac{1}{2}, \frac{1}{2} - z), \\ (-x, -y, z + \frac{1}{2}), (x + \frac{1}{2}, \frac{1}{2} - y, -z) \end{bmatrix}$ |

جدول ۱ : موقعیت اتمها در پروسکایت اورتورمبیک

u,v,m,n به ساختار خاص مطرح شده بستگی دارند.

برای فاز Pnma مقادیر تجربی m، v، u و n به ترتیب ۹۸۹۷۱، ، ۸۹۸ ، ۲/۲۳۷۱ و ۱/۱۰۱۲ میباشد. در جدول بالا اتمهای اکسیژن از لحاظ تقارنی و همسایههای پیرامونی خود به دو دسته تقسیم می-شوند به همین دلیل دو نوع اکسیژن با مختصات ذکر شده در جدول بالا را داریم.

نتايج محاسبات خواص ساختارى

نتایج محاسبات خواص ساختاری در جدول ۲ آورده شده است که با تجربه سازگار است. منحنی انرژی بر حسب حجم که برازش آن با معادله مورناگون انجام گرفته در شکل ۱ ترسیم شده است که فاز پایدار Pnma با توجه به انرژی کمینه در آن مشخص است.

| ى | جدول۳ : مقایسه گاف انرژی محاسبه شده بر حسب الکترون ولت در فازهای | | | | | | |
|---|---|------|---------------|------|------|-----------|--|
| | مختلف ترکیب پروسکایت NaTaO ₃ در تقریب (GGA) با گاف تجربی | | | | | | |
| | | Amm2 | $P_{c}2_{1n}$ | Pnma | Cmcm | گاف تجربی | |

| فاز | Amm2 GGA | Pc21n GGA | Pnma GGA | Cmcm GGA | گاف تجربی [۱۰–۸] (eV) |
|-----------|-------------|--------------|-------------|-------------|--------------------------|
| گاف انرژی | * 7 * | ۲ ۸٦ | ۲ ۸٦ | * 1 * | 6 XV |
| کار حاضر | 17.00 | 1//// | 1//// | 1/11 | 2/14 |

نوارهای انرژی در فاز پایدار Pnma در مسیرهای تقارنی در شکل ۲ ترسیم شده است. تانتالات سدیم یک نیمرسانا می باشد و مقدار گاف انرژی مستقیم آن در کار حاضر ۲/۸۶ eV بدست آمده است.



شکل۲ : نمودار نوارهای انرژی برای نقاط تقارنی خاص برای فاز Pnma

چگالی حالتهای ترکیب NaTaO₃ در فازهای مختلف و چگالی حالت جزئی به طور مجزا برای هر اتم در شکل های ۳ تا ٦ ترسیم شده است.



شکل۳ : نمودار منحنی چگالی حالتها برای فاز Amm2 و چگالی حالتهای جزئی هر اتم به تفکیک

| جدول۲ : پارامترهای شبکه مدول حجمی و مشتق آن برحسب فشار و انرژی | |
|--|----|
| ممدوسی به ازای واحد مولکول برای چهار فاز اورتورمبیک | \$ |

| گروه فضايي | پارامترها | نتايج كار حاضر | نتایج تجربی [۷-۶] |
|------------|-----------|----------------------|--------------------|
| | a,b,c (Å) | ۷۲/۰۱ و ۷۷/۵ و ٤/۰۷۸ | ۵/۵۲ و ۵/٤۸ و ۳/۸۸ |
| | B(Gpa) | 127/2 | - |
| Amm2 | В | ٥/٣١ | - |
| | Ecoh(Ry) | ۲/٦. | - |
| | a,b,c (Å) | ۵/۶۸ و ۷/۹۸ | ۵/۵۱ و ۷/۸ و ۷/۶۹ |
| Dolum | B(Gpa) | و ۱۸۵ <i>۲</i> ۵ | - |
| FC2III | в | ٣/٨٩ | - |
| | Ecoh(Ry) | 7/71 | - |
| | a,b,c (Å) | ۷/۹۸ و ۵/۵۸ و ۵۷۲/۵ | ۷/۸٤ و ۷۳/۵ و ۵۷/۵ |
| Damo | B(Gpa) | 111/7 | - |
| Fiilia | в | ٣/٤٩ | - |
| | Ecoh(Ry) | ۲ / ۶ ۱ | - |
| | a,b,c (Å) | ۷۷/۵ و ۵/۲۶ و ۵۲۲/۵ | ٥/٥٦ و ٥٥/٥ و ٥٤/٥ |
| Cmcm | B(Gpa) | 1E1/V | - |
| Cilicili | В | ٤/٣٠ | - |
| | Ecoh(Ry) | ۲ / ۶ ۱ | - |



شکل ۱ : برازش انرژی کل برحسب حجم مربوط به یک مولکول، توسط معادله مورناگون برای فازهای مختلف اورتورمبیک ترکیب پروسکایت NaTaO3 .

نتايج خواص الكترونى

در نظریه تابعی انرژی نوارهای انرژی از حل خودسازگار معادلات کوهن-شم و با استفاده از تقریب شیب تعمیم یافته (GGA) در مسیرها یا نقاط تقارنی مرسوم (k_point) در فضای وارون بدست میآید. گاف انرژی در این کار برای هر فازی در جدول ۳ آورده شده است. مقدار گاف بدست آمده از مقدار تجربی آن کمتر می-باشد که علت آن تقریبهایی است که استفاده میکنیم. در هر چهار فاز چگالی حالتها به دو قسمت تقسیم شده است که در انرژیهای دورتر از سطح فرمی هیبرید همه اتمها صورت گرفته است. اما در نواحی نزدیک سطح فرمی سهم اتمهای Ta و O غالبتر از سهم اتمهای Na است. بالاترین نوار پر را نیز ناشی از اربیتالهای اتمهای اکسیژن بدست آوردهایم.

نتيجه گيرى

مرجعها

با توجه به پژوهش انجام گرفته ثابتهای شبکه بدست آمده با مقادیر تجربی سازگار است. فاز پایدار این ترکیب فاز Pnma بدست آمده که این نتیجه هم با تجربه سازگار است. بلور پروسکایت NaTaO3 یک نیمرسانا است که به خوبی در شکل نوار انرژی و چگالی حالتها مشاهده می شود. این نتیجه با خاصیت فوتوکاتالیستی این ماده سازگار است. گاف انرژی در حالت پایدار Pnma گاف مستقیم می باشد که مقدار آن را از مقدار تجربی کمتر بدست آورده ایم. دلیل آن هم استفاده از تقریب هایی است که در حل معادلات کوهن-شم به کار برده شده است.



- [Y] A. kudo, et al.; "Strategies for the Development of Visible-Light-driven photocatalysts for Water Spliting"; chemistry letters 33, (2004) 1534-1539
- [r] P. Hohenberg and W. kohn; "Inhomogeneous Electron Gas"; Phys. Rev. 136, (1964) B864-871
- W. Kohn and L. Sham; "Self-Consistent Equations Including Exchange and Correlation Effects"; Phys. Rev. 140, (1965) A1133-1138
- [6] P. Giannozzi et al.; "Quantom Espresso: a modular and open-source software project for quantum simulations of materials"; Journal of Physics 21, (2009) 395502 1-19
- [7] R. W. Wyckoff; "Crystal Structures"; 2th edition, Inc. (1963)
- [v] Y. Shiozaki et al.; "Perovskite-type Oxides and LiNbO3 Family"; Springer-Verlag Berlin Heidelberg 36, No. 1A-4 (2001) 1-14
- [A] H. Langhuan, et al.; "preparation of sodium tantalite with different structures and its photocatalytics activity for H₂ Evolution from water splitting"; Chinese journal of Catalysis 32, (2011) 1822-1830
- [9] B. Modak, et al.; "Band gap engineering of NaTaO₃ using density functional theory: a charge compensated codoping straregy"; Phys. Chem. Chem. Phys 16, (2014) 17116-17124
- [1] E. Ece Eyi, and S. Cabuk; "Ab initio study of the structural, electronic and optical properties of NaTaO₃"; Philosophical magazine 90, (2010) 2965-2976



شکل ٤ : نمودار منحنی چگالی حالتها برای فاز Pc21n و چگالی حالتهای جزئی هر اتم به تفکیک



شکل۵ : نمودار منحنی چگالی حالتها برای فاز Pnma و چگالی حالتهای جزئی هر اتم به تفکیک



شکل۳ : نمودار منحنی چگالی حالتها برای فاز Cmcm و چگالی حالتهای جزئی هر اتم به تفکیک

تاثیر نوع گاز و فشار بر زمان پینچ شدگی در دستگاه پلاسما کانونی

عنایتی، پروین ؛ مومنی، مهدی

دانشکاده فیزیک و مهندسی هسته ای دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود

چکیدہ

برای دستیابی به انرژی ناشی از واکنش های هم جوشی هسته ای و ایجاد شرایط مناسب برای این واکنش ها نیاز به ساخته شدن دستگاه های پلاسمای کانونی ایجاد شد که تولید اشعه ایکس و نوترون در این دستگاه مستلزم وقوع پینچ در سیستم است. در این پژوهش، تاثیر نوع گاز و فشار بر زمان تشکیل پینچ در دستگاه پلاسما کانونی شاهرود (SHUPF) مورد بررسی قرار گرفته است. آزمایش ها برای دو گاز آرگون و نیترژن در فشارهای مختلف انجام گرفت. نتایج آزمایش ها نشان داد که زمان تشکیل پینچ برای گاز نیتروژن کمتر از گاز آرگون است و همچنین افزایش فشار کانونی شدن پلاسما را به تاخیر می اندازد.

Investigation of the effect of pressure and type gas on pinching time in plasma focus device

Parvin, Enayati ;Mahdi, momeni

Faculty of Physics and Nuclear Engineering, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran

Abstract

The plasma focus device used in this research is Mather type with $1, 1 \circ kJ$ energy which a source for producing x-rays, neutrons, and charged particles. Optimum conditions depend on Pinch synchronization with maximum current and symmetry of the plasma front.

The main purpose of this paper is investigation the effect of pressure and type gas on the pinch time. The results show that increasing the pressure will increase the pinch time, and also the type of gas has a significant effect on the pinch time.

Keywords: Plasma Focus, Pinch time, Type gas

هندسی سیستم به گونه ای است که میدان مغناطیسی تولید شده لایه ذرات یونیزه شده را محاصره کرده و آن را به سمت یک نقطه (نوک آند) میراند. به عبارت دیگر پلاسما محاصره شده و به شدت تحت فشار قرار می گیرد. فشار وارده به حدی است که منجر به تولید پلاسما داغ و چگال ³⁰ cm⁻³ با طول عمربسیار کوتاه 2000s – 50 می شود[1].

پلاسمای فشرده شده می تواند باعث تولید پرتوهای ایکس، یونی، الکترونی و نیز انجام گداخت هسته ای و به دنبال آن آزاد شدن نوترون های پرانرژی شود. دستگاه پلاسما کانونی در لیتوگرافی پرتو الکترونی[۳] رادیوگرافی نمونه های بیولوژیک[٤] مقدمه

یکی از راههای فشرده سازی پلاسما ایجاد میدان مغناطیسی در اطراف پلاسما است که فشار مغناطیسی ناشی از میدان سبب فشرده شدن آن می شود. دستگاه پلاسما کانونی اولین بار به طور مستقل و با هندسه ای متفاوت در سال ۱۹٦۵ در ایالات متحده آمریکا توسط مدر[۱] و در اتحاد جماهیر شوروی سابق توسط فیلیپوف[۲] ساخته شد. در هر دو مدل دستگاه پلاسما کانونی، یک تپ ولتاژ قوی از بانک خازنی به گاز خنثی موجود در محفظه که بین دو الکترود هم محور قرار گرفته است اعمال می شود، جریان الکتریکی باعث تولید یک میدان مغناطیسی می شود. ساختار

پوشش فلز با اسپری شدن یون[٥] استفاده شده است. در صورتی که از گاز کاری دوتریم استفاده شود دستگاه به عنوان چشمه نوترون کار می کند، که از آن می توان در فعال سازی نوترونی، آنالیز مواد و تولید رادیوایزوتوپ ها استفاده نمود؛ همچنین ابزار مناسبی برای مطالعه فرآیندهای پلاسما[٦] و درک مفاهیم بنیادی در زمینه های مختلف به ویژه پلاسما، اسپکتروسکپی، فیزیک اتمی، ترمودینامیک، الکترومغناطیس، و فیزیک هسته ای می باشد.

دستگاه پلاسماکانونی شاهرود(SHUPF)

دستگاه پلاسما کانونی شاهرود نوع مدر است و با انرژی ۱.15kJ ساخته شده است که مشخصات کامل آن در جدول ۱ آورده شده است.

| سه فتوتی شاهر | .)ų 10 a. 1 C |
|---------------|------------------|
| پارامترها | مقادير |
| ظرفيت خازن | $C_0 = 16 \mu f$ |
| ماكزيمم ولتاژ | $V_0 = 12kv$ |
| اندوكتانس | $L_0 = 200 n H$ |
| امپدانس سیستم | $z_0 = 0.111$ |
| تعداد كاتد | 6 |
| طول كاتد | 6cm |

جدول۱ : مشخصات دستگاه پلاسما کانونی شاهرود

آند از جنس مس به طول ۲۵۳ با سطح مقطع دایره به قطر ۱۹mm است، در اطراف آند عایقی از جنس پیرکس به طول ۲۹m3 قرار گرفته است که قابلیت تعویض دارد. کاتد از جنس برنج است که بر روی صفحه دایروی برنجی ثابت شده است و در اطراف آند روی صفحه پایه قرار می گیرد. در شکل ۱ تصویری از دستگاه پلاسما کانونی شاهرود نشان داده شده است.



شکل ۱ : تصویری از پلاسمای کانونی شاهرود ۱. درب بالایی دستگاه، ۲.محفظه خلاء، ۳.پنجره برای مشاهده و نسب ابزار تشخیصی، ٤.واحد کنترل، ۵.سیستم تزریق گاز و خلاء

چيدمان آزمايش

در این آزمایش از گازهای آرگون و نیتروژن در فشار های ۸,۰ تا ۲۰۲۲ استفاده شده است برای بررسی تاثیر فشار بر روی زمان پینچ تمامی پارامتر های تاثیر گذار بر روی زمان از قبیل جنس و طول عایق، طول آند و کاتد، ولتاژ کاری و شکل انتهای آند ثابت هستند. برای شروع فرآیند ابتدا با استفاده از پمپ روتای مدل مدت VE۲۸۰N توسط سیستم تزریق به درون محفظه هدایت می شود. برای ثابت نگه داشتن فشار گاز درون محفظه سیستم، شار گاز ورودی از طریق شیر سوزنی به درون محفظه با شار گازخروجی توسط پمپ با هم برابر است. با توجه به ولتاژ کار دستگاه که بین ۹ تا ۱۱ کیلو ولت است ولتاژ کاری در این آزمایش ۱۰ کیلو ولت در نظر گرفته شده است و تخلیه به صورت تک شات انجام پذیرفته. برای جلوگیری از ایجاد خطا در آزمایش ها به ازای هر فشاری از گاز خاص بیش از ۱۵ شات زده شده است.

ابزار تشخیصی استفاده شده شامل پیچه روگوفسکی و پروب ولتاژ است. پروب ولتاژ مقدار اختلاف پتانسیل میان دو قسمت ولتاژ بالای سیستم پلاسما کانونی را اندازه گیری می کند که به صورت تقسیم کننده ولتاژ از نوع مقاومتی می باشد که قادر است مقدار ولتاژ را تا ۱۰۰ برابر کاهش می دهد، این تقسیم کننده ولتاژ با یک لوله مسی پوشیده شده است که نقش کاهنده نویز را ایفا می کند؛ یکی از منحنی های خیلی مهم در تحلیل داده ها سیگنال مربوط به ولتاژ الکتریکی است که توسط اسیلوسکوپ مدل مربوط به ولتاژ الکتریکی است. شکل ۲ نمونه ای از منحنی ولتاژ




از دیگر وسایل اندازه گیری مورد استفاده پیچه روگوفسکی است که قادر به اندازه گیری جریان و مشتق جریان می باشد و بر مبنای قانون آمپر کار می کند.

پیچه استفاده شده در دستگاه پلاسما کانونی شاهرود شامل ۲۸۰ دور سیم با قطر ۱.۰mm است که برای آشکار سازی و اندازه گیری جریان استفاده می شود. فاصله زمانی بین دو پیک نشانگر مدت زمانی است که لایه جریان در فازهای شعاعی و محوری سپری کرده است تا پلاسما تنگیده شود، به عبارتی زمان پینچ را نشان می دهد.

دینامیک پلاسما در فاز شعاعی توسط روابط ۱ و ۲ بیان می شوند. dr_s -1 $\int \mu(\gamma+1) \left[I_{p} \right]$

$$\frac{\frac{dr_s}{dt}}{dt} = \frac{1}{4\pi} \sqrt{\frac{r_e}{f_{mr}} n_0 m_i} \left[\frac{r_p}{r_p} \right]$$

$$\frac{2}{2} r_e dr_e - r_p q_e - r_e^2 dI = 1 - r_p q_e - r_e^2 dZ_f$$
(1)

 $\frac{dr_{p}}{dt} = \frac{\frac{2}{\gamma + 1} \frac{r_{s}}{r_{p}} \frac{dt_{s}}{dt} - \frac{r_{p}}{\gamma} (1 - \frac{r_{s}}{r_{p}^{2}}) \frac{dt}{dt} - \frac{1}{(\gamma + 1)} \frac{r_{p}}{Z_{f}} (1 - \frac{r_{s}}{r_{p}^{2}}) \frac{dz_{f}}{dt}}{\frac{\gamma - 1}{\gamma} + \frac{1}{\gamma} \frac{r_{s}^{2}}{r_{p}^{2}}}$ (Y)

در این روابط $\frac{dr_s}{dt}$ و $\frac{dr_p}{dt}$ به ترتیب سرعت موج ضربه و سرعت پیستون مغناطیسی (لایه جریان)، f_{mr} فاکتور جرم γ ظرفیت گرمایی ویژه n_0 چگالی تعداد اتم ها m_i ها کمی گاز را نشان می دهد؛ پلاسما را به صورت لوحه ای با شعاع بیرونی(موقعیت پیستون مغناطیسی) r_p و شعاع درونی(جبهه ضربه) r_s و طول T_s در نظر گرفته می شود و I_p مقدار جریانی که از پلاسما شارش می کند را نشان می دهد.

به کمک منحنی های خروجی از دستگاه اسیلوسکوپ و اندازه گیری دقیق زمان پینچ می توانیم نمودار تغییرات زمان پینچ برحسب فشار در نرم افزار Origin رسم کنیم و روند تغییر زمان را برای گازهای آرگون و نیتروژن بررسی کنیم و که به کمک روابط ۱ و ۲ می توان رفتار پلاسما ایجاد شده توسط دو گاز را تحلیل کرد.

نتايج آزمايش

در این اندازه گیری ها برای بررسی فشار گاز روی زمان کانونی شدن پلاسما برای گاز آرگون در ولتاژ۱۰ کیلو ولت در فشارهای ۰٫۸ تا ۱٫۲ تور شاهد کانونی شدن پلاسما در سیستم بودیم اما با

افزایش فشار هیچ پینچی توسط دستگاه اسیلوسکوپ ثبت نشده است.



شکل۳ : تغییرات زمان پینچ برحسب فشار در ولتاژ ۱۰ کیلو ولت برای گار کاری آرگون

اما برای گاز کاری نیتروژن بازه فشار اعمالی به سیستم از ۰٫۸ تا ۲ تور بوده است و به ازای تمامی فشارها پلاسما موجود در دستگاه تنگیده شده است.



شکل٤ : تغییرات زمان پینچ برحسب فشار در ولتاژ ۱۰ کیلو ولت برای گار کاری نیتروژن

با توجه به شکل های ۳ و ٤ مشاهده می شود فارغ از نوع گاز هرچه میزان گاز تزریقی به درون سیستم افزایش یابد زمان پینچ پلاسما در دستگاه افزایش می یابد که روند این تغییرات با استفاده از روابط دینامیکی دستگاه قابل توجیه است.

افزایش فشار باعث تأخیر در زمان وقوع فاز شعاعی می شود یعنی فاز محوری افزایش یافته است. افزایش فشار باعث افزایش چگالی گاز موجود در سیستم می شود که این اتفاق باعث کاهش سرعت

لایه جریان شده و نهایتا زمان های فاز محوری و شعاعی افزایش می یابد و پلاسما دیرتر تنگیده می شود. شکل ٥ تغییرات زمان پینچ برحسب فشار را بطور همزمان برای هر دو گاز آرگون و نیتروژن را نشان می دهد که مشاهده می شود زمان پینچ در گاز نیتروژن در تمامی فشارها کمتر از گاز آرگون است.



شکل٥: تغییرات زمان پینچ برحسب فشار برای گارهای اَرگون و نیتروژن

این روند تغییر زمان پینچ برحسب فشار را با کمک دینامیک پلاسما که وابسته پارامترهای مثل نسبت گرمایی ویژه و چگالی جرمی دو گاز در فاز شعاعی است می توان توجیه کرد. جدول ۲ مشخصات گازها را نشان می دهد.

جدول۲ : مشخصات گاز کاری مورد آزمایش

| ظرفیت گرمایی ویژه | انرژی یونش | چگالی جرمی | نوع گاز |
|-------------------|------------|------------|---------|
| ١,٦٦٦ | 1070,7 | ١,٧٨٤ | آر گون |
| ١,٤ | 12.7,7 | 1,701 | نيتروژن |

برای توجیه رفتار گازها لازم است به این نکته توجه کرد که تفاوت در چگالی جرمی گازها در یک فشار معین مثلا ۸٫۰ تور، میزان جرم ورودی گاز نیتروژن کمتر از آرگون است و باعث می شود فاز محوری سریعتر طی شود و زمان پینچ کاهش یابد. فرآیند یونیزاسیون موجب اتلاف انرژی و کاهش دما می شود که برای گازهای مختلف متفاوت است یونیزاسیون با ظرفیت گرمایی ویژه نسبت عکس دارد، زمانی که یونیزاسیون در گاز افزایش می یابد میزان انرژی لازم برای افزایش دما کاهش می یابد. با توجه به

روابط ۱و۲ سرعت در فاز شعاعی بیشتر شده و پیستون مغناطیسی سریع تر پلاسما را متمرکز می کند و در نهایت زمان فاز شعاعی کاهش می یابد و زمان پینچ کاهش می یابد.

نتيجه گيري

براساس نتایج بدست آمده در اثر افزایش فشار گاز درون SHUPF سیستم، زمان پینچ افزایش می یابد و این روند افزایشی زمان در اثرافزایش فشار برای هر دو گاز آرگون و نیتروژن رخ می دهد.

نیتروژن گازی مولکولی و دارای انرژی اولین یونش و چگالی جرمی کمتری نسبت به گاز نجیب آرگون است. تمایل شرکت در واکنش نیتروژن نسبت به آرگون بیشتر است و انرژی اولین یونش نیتروژن کمتر از آرگون است پس درنتیجه دما نیتروژن پایین تر خواهد بود. با توجه به رابطه ۲ سرعت پیستون مغناطیسی با دما رابطه عکس دارد زمانی که گاز کاری نیتروژن است سرعت پیستون مغناطیسی بیشتر می شود نهایتا سرعت در فاز شعاعی افزایش و زمان پینچ برای گاز نیتروژن نسبت به آرگون کاهش می یابد.

مرجعها

[1] J. W. Mather," Investigation of the High-Energy Acceleration Mode in the Coaxial Gun"; *The Physics of Fluids*, $(197\xi) 7A-7\xi$.

[Υ] N. V. Filippov, T.I. Filippova, A. N. Filippov, M. A. Karakin, E. Y. Khautiev, V. I. Krauz and V. P. Vinogradov; "Experimental simulation of the collisionless shock wave by plasma focus"; *Czechoslovak Journal of Physics*, ($\Upsilon \cdots$) $\Upsilon \Upsilon - \Upsilon \sigma$.

[γ] Y. Kato and S.H. Be," Generation of soft x rays using a rare gas hydrogen plasma focus and its application to x-ray lithography"; *Applied physics letters*, $\{\lambda, 1\}, (19\lambda1), 1\lambda1, 1\lambda\lambda$.

[\sharp] F. Castillo-Mejía, M. M. Milanese, R. L. Moroso, J. O. Pouzo and M. A. Santiago," Small plasma focus studied as a source of hard X-ray" *IEEE transactions on plasma science*, Y9,7, (Y···) 9Y1-9Y7.

[°] H. Kelly, A. Lepone, A. Marque, D. Lamas and C. Oviedo," Coating on metallic samples produced by a small energy plasma focus"; *Plasma Sources Science and Technology*, o, t, (1997) Y. t.

[$\]$ T. Zhang, X. Lin, K. A. Chandra, T. L. Tan., S. V. Springham, A. Patran and R. S. Rawat," Current sheath curvature correlation with the neon soft x-ray emission from plasma focus device"; *Plasma Sources Science and Technology*, 15, Y, (Y...o) Υ

رفتار نیم فلزی در ترکیب Ni-Pr-Bi بر اساس اصول اولیه

فتحى، مهسا¹ ؛ ميكائيل زاده، ليلا² ؛ توانا،على¹

الكروه فيزيك، دانشگاه محقق اردبيلي، اردبيل

²دانشکده فیزیک، دانشگاه زنجان، زنجان

چکیدہ

خواص ساختاری و الکترونی و مغناطیسی در ترکیب های نیمه هویسلر Ni-Pr-Bi بر اساس نظریه ی تابعی چگالی مورد مطالعه قرار گرفته اند. پارامترهای شبکه بهینه، چگالی حالت ها، نوارهای انرژی و گشتاور های مغناطیسی محاسبه شده اند. نتایج نشان می دهند که یک گشتاور مغناطیسی صحیح برای این ترکیب در فاز β وجود دارد که باعث قطبش اسپینی صد در صد در سطح فرمی و در نتیجه منجربه خاصیت نیم فلزی می شود.

Half metallic behavior in Ni-Pr-Bi system based on first principles

Fathi, Mahsa¹; Mikaeilzadeh, Leila²; Tavana, Ali¹

¹Department of Physics, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil ²Department of Physics, University of Zanjan, Zanjan

Abstract

Structural, electronic and magnetic properties of the Ni-Pr-Bi half-Heusler systems are investigated by the means of the density functional theory. Optimized lattice parameters, density of states, band structures and magnetic moments are calculated. Results show that there is an integer magnetic moment in the β phase of this compound, which results in half-metallic behaviour.

PACS NO. 61.00, 71.00, 75.00

مقدمه

در کاربردهای اسپینترونیکی مورد استفاده قرار گیرد[5]. در این قبیل کاربردها وجود یک جریان قطبیده ی اسپینی نقش بنیادی دارد که برای دستیابی به آن نیاز است تا ترکیبی نیم فلزی داشته باشیم. برای ترکیبات نیمه هویسلر با توجه به ترتیب قرار گرفتن اتم ها سه پیکربندی متفاوت وجود دارد که فازهای α و β و γ نامیده می شوند[7-6]. در این پژوهش خواص ساختاری، الکترونی و مغناطیسی ترکیبات نیمه هویسلر Ni-Pr-Bi در دوفاز α و β مورد بررسی قرار می گیرد. ترکیبات هویسلر نخستین بار در سال 1903 توسط هویسلر کشف شدند[2-1]. این ترکیبات با توجه به خواص منحصربفردشان از جمله رفتار نیمه فلزی، اثر حافظه شکلی مغناطیسی و ترموالکتریک توجه زیادی را به خود جلب کردهاند [4-3]. در مواد نیمه فلز نوارهای انرژی در دو کانال اسپینی رفتار متفاوتی دارند به طوری که در کانال اسپین اکثریت رفتار فلزی و در کانال اسپین اقلیت رفتار نیمه هادی باگاف در سطح فرمی دیده می شود. وجود این گاف در سطح فرمی منجر به قطبش اسپینی صد درصد می شود که می تواند

روش های محاسباتی

بسته ی شبیه سازی Wien2k برای مطالعه ی خواص ساختاری الکترونی و مغناطیسی ترکیب Ni-Pr-Bi استفاده شده است. محاسبات ساختار الکترونی بر پایهی نظریهی تابعی چگالی به روش موج تخت بهبود یافته ی پتانسیل کامل (FP-LAPW) و تقریب شیب تعمیم یافته در پارامتربندی PBE96 برای پتانسیل همبستگی – تبادلی، انجام شده اند[8]. شعاع های مافین – تین برای نیکل، پروسدمیوم و بیسموت به محاسبات انتگرال گیری منطقه ی بریلوئن با استفاده از 2000 نقطهی k انجام گرفته اند که به ازای آن یک شبکه k به صورت 12 12x12k ایجاد شده است. معیار همگرایی برای انرژی کل Ry 10000 و همگرایی بار 0.016 است.

ساختار بلورى

به طور کلی یک آلیاژ نیمه هویسلر ساختار XYZ، C1_b دارد که مشابه ساختار هویسلر کامل L2، X_2 YZ است که یکی از اتم های X آن حذف شده است. عناصر X و Y فلز واسطه هستند در حالی که اتم Z یکی از عناصر گروه اصلی در جدول تناوبی است[9]. شکل 1 ساختارهای بلوری دو فاز α و β را نشان می دهد. در فاز اول اتم نیکل و در فاز دوم اتم یروسدمیوم در مکان های X قرار دارند.



 $egin{aligned} \label{eq:bised} \mbox{``nbised} \ \mbox{``nbise$

خواص ساختاري

شكل 2 انرژی كل نسبت به تغییرات حجم برای فاز β تركیب NiPrBi را نشان می دهد. ثابت های شبكه بهینه به ترتیب \dot{A} 7.05 e \dot{A} 6.64 \dot{A} برای فازهای α و β به دست آمده اند. ثابت های شبكه بهینه، انرژی كل و گشتاورهای مغناطیسی كل و تك تك اتم ها در جدول 1 خلاصه شده است. تركیب نیمه هویسلر Ni-Pr-Bi کا کترون ظرفیت دارد كه با استفاده از قانون اسلیتر-پائولی برای آلیاژهای نیمه هویسلر، فاز دوم به دست می آید كه منطبق بر منحنی اسلیتر-پائولی است. این موضوع منجر به نیم فلز شدن این فاز می شود. در حالی كه گشتاور مغناطیسی كل در فاز α برابر μ 1.5 است و از قانون اسلیتر-پائولی تبعیت نمی كند و بنابراین رفتار نیم فلزی در فاز α این تركیب مشاهده نمی شود. با توجه به فلزی در فاز α این تركیب مشاهده نمی شود. با توجه به



شکل2: نمودار انرژی بر حسب تغییرات حجم برای ترکیب PrNiBi با استفاده از تقریب های مختلف.

جدول 1: ثابت های شبکه، انرژی کل و گشتاورهای مغناطیسی کل و تک تک اتم ها برای دو فاز α و β آلیاژ نیمه هویسلر NiPrBi.

| | فاز | ثابت | انرژی | گشتاورمغناطیسی | گشتاورمغناطیسی | گشتاورمغناطيسي |
|--------|-----|---------|-----------------|----------------|---|------------------------------|
| | | شبکه(Å) | کل(Ry) | کل(µ_B)کک | $\Pr\left(\boldsymbol{\mu}_{\boldsymbol{B}}\right)$ | Ni (µ _B) |
| NiPrBi | α | 7.06 | -64690.31 | 1.5 | 1.99 | -0.5 |
| PrNiBi | β | 6.64 | -64690.49 | 2 | 2.02 | -0.11 |

دارند که نظم پاد فرومغناطیس نسبت به هم داشته باشند که این نظم پاد فرومغناطیس در فاز اول بیشتر است. به دلیل این که حالت پایدار سیستم فاز PrNiBi است فرو مغناطیس در این سیستم از یون Pr نشات می گیرد اما فاصله ی اتم های Pr از هم زیاد است و در نتیجه برهمکنش تبادلی بین گشتاورهای مغناطیسی به صورت غیر مستقیم است.

چگالی حالت ها

شکل 3 نمودارهای چگالی های حالت های کل و تک تک اتم ها را برای ترکیب PrNiBi نشان می دهد. با توجه به شکل چگالی حالت های کل در کانال اسپین اکثریت سطح فرمی را قطع کرده است که نشان دهنده ی رفتار فلزی است اما در کانال اسپین اقلیت یک گاف انرژی مشاهده می شود.

سهم های غالب مربوط به اوربیتال های f اتم پروسدمیوم و b اتم نیکل اند. اوربیتال های s و q اتم بیسموت در چگالی حالت های بلور سهم بسیار ناچیزی دارند. منشاء گاف در آلیاژ نیمه هویسلر PrNiBi را می توان به این صورت توضیح داد که اوربیتال b اتم نیکل به دو اوربیتال g^{9} و t_{2g} شکافته می شود، اوربیتال های g^{9} اتم نیکل با اوربیتال های f اتم پروسدمیوم هیبرید شده و تشکیل اوربیتال های پیوندی و پاد پیوندی می دهند که منشاء اصلی گاف جدایی بین حالت های پیوندی و پاد پیوندی تشکیل شده است.

ساختار نوارى

همانطور که از شکل 4 مشخص است، در کانال اسپین اکثریت نوار ظرفیت سطح فرمی را قطع کرده است بنابراین



شکل 3: نمودار چگالی حالت های کل و تک تک اتم ها برای آلیاژ نیمه هویسلر PrNiBi. شکل سمت چپ کانال اسپین اکثریت و شکل سمت راست کانال اسپین اقلیت را نشان می دهد.

این نشان دهنده ی این است که نیکل گشتاور مغناطیسی بسیار کمی دارد.

نتيجه گيري

نتایج محاسبات با استفاده از تقریب GGA برای آلیاژ نیمه هویسلر NiPrBi خاصیت نیم فلزی در فاز دوم این ترکیب را پیش بینی می کنند و فاز اول این سیستم رفتار فلزی از خود نشان می دهد. لذا بررسی تجربی خواص ترابرد این سیستم حساس به فاز تشکیل شده است و مطالعات تجربی نیاز به بررسی دقیق تری دارند. به دلیل اینکه برای سامانه-های حاوی الکترون های با همبستگی قوی در اوربیتال های f و b تقریب GGA ممکن است منجر به نتایج غیر دقیق شود برای بررسی دقیق تر خواص این ترکیب، تقریب شود برای می بایست مورد استفاده قرار گیرد.

مرجع ها

Heusler F., Starck W., Haupt E., Verh. D. P. G., 5 (1903) 220.
 Heusler F., Verh. D. P. G., 5 (1903) 219.

[3] de Groot R. A., Mueller F. M., van Engen P. G., Buschow K. H. J., *Phys. Rev. Lett.*, **50** (1983) 2024.

[4] Krishnaveni, S., Sundareswari, M., Deshmukh, P. C., Valluri, S. R., & Roberts, K., Band structure and transport studies of half Heusler compound DyPdBi: An efficient thermoelectric material. Journal of Materials Research, 31(9) (2016) 1306–1315.
[5] Casper, F., Graf, T., Chadov, S., Balke, B., & Felser, C., Half-Heusler compounds: Novel materials for energy and spintronic applications. Semiconductor Science and Technology, 27(6) (2012).

[6] Huang, W., Wang, X., Chen, X., Lu, W., Damewood, L., & Fong, C. Y., Structural and electronic properties of half-Heusler alloy PdMnBi calculated from first principles. Materials Chemistry and Physics, 148 (2014), 32–38.

[7] Huang, W., Wang, X., Chen, X., Lu, W., Damewood, L., & Fong, C. Y., Structural and electronic properties of half-Heusler alloys PtXBi (with X=Mn, Fe, Co and Ni) calculated from first principles. Journal of Magnetism and Magnetic Materials, 377 (2015) 252–258.

[8] P. Blaha, K. Schwarz, G.K.H. Madsen, D. Kvasnicka and J. Luitz, WIEN2k, An Augmented Plane Wave + Local Orbitals Program for Calculating Crystal Properties (Karlheinz Schwarz, Techn. Universit at Wien, Austria), 2001. ISBN 3-9501031-1-2.
[9] Graf T., Felser C., Stuart S., *Progress in Solid State Chemistry*, **39** (2011) 1.



شکل 4: نمودار ساختار نواری برای ترکیب PrNiBi در کانال اسپینی اکثریت (سمت چپ) و اسپین اقلیت (سمت راست) مشخصه یابی شده برای حالت های Prf (بالا) و Nid-t2g (پایین).

در این کانال رفتار فلزی را مشاهده می کنیم. در حالی که در کانال اسپین اقلیت رفتار نیمه هادی با یک گاف در سطح فرمی مشاهده می شود که این گاف یک گاف غیر مستقیم است. انرژی فرمی کمی بالاتر از بیشینه نوار ظرفیت قرار دارد. ضخامت های خطوط نشان دهنده ی میزان سهم نوارها از اوربیتال های *f* اتم پروسدمیوم اند. در نتیجه در یک کانال اوربیتال های *f* خیلی بالاتر از سطح فرمی تشکیل شده اند ولی در کانال دیگر این اوربیتال ها نزدیک به سطح فرمی تشکیل شده اند و جایگزیده هستند. اوربیتال های *t*₂₈ اتم نیکل به سطح فرمی نزدیک تر شده اند و کاملا پر هستند و

مقایسه یمیان بایاس های تبادلی در سامانه های نانو ساختار Co-CoO و Co-CoO و Co-Co

قشنی، مارال ^۱؛ مظفری، مرتضی^۱، خوزه انخل دی تورو^۲

المحروه فیزیک، دانشکاـهی علوم ، دانشگاه اصفهان ،دروازه شیراز، اصفهان ۲ گروه فیزیک کاربردی، دانشگاه کاستییا لامناچا، اسپانیا

چکیدہ

در این پژوهش برای ساخت نانوساختارهای دومغناطیسی Co-CoO و Co-CoO، نخست هیاروکسید کبالت به روش همرسویی تهیه و سپس در هیاروژن و اکسیژن بهترتیب احیا و اکسید شدند. بدینمنظور نخست نانوذرات Co ستزشده به روش احیای مستقیم در هیاروژن، در زمان و دمای معین در اکسیژن اکسید شدند و سپس در یک کوره ی لولهای در دو زمان گوناگون ، برای تشکیل پوسته دوم با ضخامتهای گوناگون، در هیاروژن بازاحیا شدند. آنالیز XRD تغییر درصد فازهای کبالت و اکسید کبالت را با زمان بازاحیا نشان میدهد. میانگین اندازه بلورکها در این نانوساختارها پیرامون M است. بررسی ویژگیهای مغناطیسی نشان داد که افزودن لایه ی دوم کبالت به یک جابجایی افقی اندک در منحنی پسماند می انجامد و مقدار این جابجایی به درصد فاز Co

A comparison between exchange biases in Co-CoO and Co-CoO-Co nanostructures

Ghoshani, Maral¹; Mozaffari, Morteza¹, Jose A, De Toro²

¹ Department of Physics, Faculty of science, University of Isfahan, Isfahan ² Departamento de Física Aplicada, Universidad de Castilla-La Mancha, 13071 Ciudad Real, Spain

Abstract

In this research, to synthesize bimagnetic nanostructures of Co-CoO and Co-CoO-Co, cobalt hydroxide was prepared by the precipitation method and is then reduced and oxidized in hydrogen and oxygen atmospheres, respectively. To obtain the bimagnetic nanostructures, first synthesized Co nanoparticles, were oxidized in oxygen at a specific time and temperature, and then reduced in hydrogen in a tube furnace in two different times to form a second shell with various thicknesses. XRD analysis shows that cobalt and cobalt oxide changed by final reduction time. The mean crystallite sizes of these nanostructures are around 150 nm. Magnetic properties investigations show that addition of the second cobalt layer cause to small shift in hysteresis loop and value of this shift depends on the Co phase percentage.

PACS No. 75

هسته/پوسته^۱ با شکل و اندازهی دلخواه ساخت. در چنین ساختارهایی برهمکنش میان لایهها و نانوذرات نقش مهمی در تعیین ویژگی آنها بازی میکند. یکی از این برهمکنشها که در مواد مغناطیسی خود را نشان میدهد، برهمکنش تبادلی^۲ است که می تواند درجه یا درجههای آزادی و درپی آن ناهمسان گردی

¹ Core/Shell

² Exchange interaction

مقدمه

امروزه نانوساختارهای مغناطیسی به دلیل کاربردهای گسترده در قلمروهای گوناگون صنعت بسیار مورد توجه و مطالعه قرارگرفته-اند [۱]. در چنین اندازههایی نانومواد ویژگیهای تازهای از خود بروز میدهند که برآمده از نسبت سطح به حجم بزرگ و/یا اثر اندازه است [۱]. امروزه با گسترش و پیشرفت روشهای شیمیایی ساخت نانوذرات، میتوان با کنترل دقیق عاملهای رشد، ساختارهای چندلایهای و چندفازی، مانند ساختارهای به گونه ای چیده می شوند که بر اساس نظم پادفر و مغناطیس، مغناطش کل پادفر و مغناطیس صفر شود. هنگامی که جهت میدان کاربستی وارون می شود، گشتاورهای فرومغناطیس برای هم سوشدن با میدان، می خواهند شروع به چرخش کنند، اما برهم کنش تبادلی در مرز دو فاز میان گشتاورهای فرومغناطیس و پادفر و مغناطیس با این چرخش مخالفت می کند. بدین تر تیب برای چرخاندن کامل گشتاورهای فرومغناطیس و هم راستا شدن کامل آنها با میدان یا به عبارتی برای اشباع نمونه در جهت منفی H، نیاز به میدان بزرگتری (در مقایسه با همان فرومغناطیس بی جفت شدگی با پادفر و مغناطیس) برای چیرگی برگشتاور میکروسکوپی است. این شود [٤]. با به کاربردن این مقدارها می توان بایاس تبادلی He میدان وادارنده ی بزرگ شده ی Hc را تعریف کرد [٥]، که در این تعریف ای Hc و چرخه پسماند محور X (میدان مغناطیسی) را قطع می کند:

$$H_{c} = \frac{|H_{c1}| + |H_{c2}|}{2} \tag{1}$$

$$H_{ex} = \frac{|H_{C1}| - |H_{C2}|}{2}$$
(7)

با توجه به این که در نانوذرات اثرهای سطحی اثر چشم گیری بر ویژگیهای مغناطیسی دارند، در این پژوهش نانوساختارهای افزایش مساحت سطح مشترک و بررسی تغییرات ویژگیهای مغناطیسی، سنتز شده است. در این راستا نخست نانوذرات هیدرواکسید کبالت را به روش شیمیایی ساخته و با کنترل پارامترهای موثر در روند ساخت، نانوذرات با اندازهی دلخواه و توزیع نسبتاً یکنواخت ساخته شد. سپس با احیا در هیدروژن و اکسایش در اکسیژن در زمان و دمای مشخص، پوستهی CoO را روی هسته رشد داده و سرانجام با بازاحیای پوسته اکسیدشده، نمونهها در دمای K و بای سادازهای گوناگون باعث تغییر نایج نشانمی دهند که تغییرات در مونه ها شد. آزمایشگاهی

مغناطیسی^۳ تازهای به ساختار بیافزاید. بیشتر ویژگیهای نانوذرات هسته/ پوسته مغناطیسی با ویژگیهای تک تک فازهای سازندهی آن، متفاوت است. بدین ترتیب می توان با کنار هم قراردادن فازهای گوناگون، ساختارهای مغناطیسی تازهای را با ویژگیهای مغناطیسی بهبودیافته و با کاربردهای تازهای ساخت [۱]. رفتار فراگیر چنین نانوساختارهایی را میتوان برپایهی شناخت ویژگیهای ذاتی هر یک از فازهای مغناطیسی و نیز شناخت برهمکنش های میان آنها پیش بینی کرد [۱] . در این ساختارها بسیاری از پدیدههایی که آشکار می شود برآمده از اثرهای سطحی مرز مشترک دو فاز مغناطیسی است. بنابراین برای بهبود ویژگیهای آنها تلاش می-کنند برهمکنش میان فازهای همسایه در مرز مشترک را افزایش دهند [۱, ۲]. یکی دیگر از ویژگی های سامانه های چندلایه ای چندفازی، جابجایی چرخهی پسماند یا بایاس تبادلی^٤ است. سامانههای بایاس تبادلی، سامانههایی هستند که از کنار هم قرارگرفتن دستکم دو فاز مغناطیسی بهوجود میآید. بارزترین ویژگی این سامانههای بایاس تبادلی جابجایی چرخه پسماندش در راستای افقی است که اولینبار در سال ۱۹۵۶ در ذرات بسیار ریز کبالت بصورت سامانهی Co/CoO دیده شد [۳]. یدیدهی بایاس تبادلی برآمده از برهمکنش گشتاورهای دو فاز پادفرومغناطیس و فرومغناطیس است که از دمای بالاتر از دمای گذار فاز پادفرومغناطیس(T_N) به دماهای زیر آن در یک میدان مغناطیسی(FC) سرد شدهاند. هنگامی که یک میدان مغناطیسی به اندازهی کافی بزرگ روی نمونه در گسترهی دمایی TN<T<Tc به کاربسته می شود، گشتاورهای فاز فرومغناطیس با میدان همسو می-شوند، درصورتی که گشتاورهای فاز پادفرومغناطیس (که درواقع در این بازهی دمایی پارامغناطیس است.) جهت گیری کاتورهای دارند. هنگامی که در بود میدان، دما به زیر T_N کاهش یابد، بهسبب برهم-کنش گشتاورهای فرومغناطیس و پادفرومغناطیس در مرز مشترک-شان، اولین سری از گشتاورهای یادفرومغناطیس همسو با گشتاور-های فرومغناطیس میشوند و گشتاورهای دیگر در پادفرومغناطیس

³ Magnetocrystalline anisotropy⁴ Exchange bias

۲۶.

نخست با روش شیمیایی رسوبگیری، رسوب 2(OH) ساخته شد. بدین منظور پیشسازهی Co(NO₃)₂.6H₂O با خلوص ۹۹٪ از شرکت مرک و سدیم هیدورکسید صنعتی برای رسوب-گیری به کار رفت. سپس این رسوب در یک کورهی الکتریکی در دمای ٤٥٠°C اکسید و اکسید کبالت Co₃O₄ با میانگین اندازهی بلورکهای ۷۰nm بهدست آمد. برای بهدست آوردن نانوذرات کبالت روش احیای مستقیم در هیدروژن بهکار گرفته شد. برای جلوگیری از کلوخهای شدن نانوذرات، شرایط ساخت باید کاملا پایش شود. پارامترهایی مانند دما و زمان احیا و نوع گاز احیاکننده می تواند بر آن ویژگی ها تاثیر بگذارند. بدین منظور یک دستگاه شارسنج جرمی بهکارگرفته شد که میزان حجم گاز ورودی را کنترل میکرد. با توجه به نتایج این گام، زمان مورد نیاز برای احیای کامل نانوذرات اکسید کبالت و تبدیل آن به نانوذرات کبالت بهدست آمد. برای ساخت نانوساختارهای کبالت/اکسید کبالت، روش اکسایش مستقیم بهکارگرفته شد. در این گام نیز باید پارامترهای دما، زمان و شار اکسیژن مورد نیاز برای دستیابی به پوستهی اکسیدکبالت با ضخامتهای مورد نظر تعیین میشد. با توجه به این پارامترها محاسبات انجام و نانوذرات کبالت در دمای ثابت C دانوساختارهای شاخت نانوساختارهای شاخت نانوساختارهای كبالت/اكسيدكبالت/كبالت، همان نمونه در بازههاى زماني معين احیا شد. در این پژوهش برای بررسی اثر درصد فاز کبالت در بیرونی ترین لایه، نمونهی Co/CoO را در دو زمان ۹۰ ثانیه و ۳۹۰ ثانیه بازاحیا کرده و آنها را Co-CoO-Co-1 و Co-CoO Co-2 نامگذاری کردیم.

فازیابی نمونههای ساخته شده با روش پراش سنجی پرتو ایکس و پراش سنج بروکر با لامپ مس (CuKα; λ=1.5406Å) انجام شد. فازیابی با نرم افزارهای X'pert و Maud انجام شد. پارامترهای مغناطیسی در نمونهها با یک دستگاه اسکویید (MPMS مغناطیسی در نمونهها با یک دستگاه اسکویید (

بحث و بررسی

در شکل ۱، الگوهای پراش پرتو ایکس نمونههایCo-CoO و Co-CoO-Co-1 و Co-CoO-Co-1 نشان داده شده است. همانگونه که دیده می شود فازهای کبالت و اکسید کبالت در هر

سه نمونه وجود دارد که شدت قلههای آنها گوناگون است. از مقایسه شدت قلهها میتوانیم بپذیریم که در نمونههای -Co-CoO شدت قله کبالت افزایش پیدا کرده است که ناشی از بازاحیای نمونههاست. میانگین اندازهی بلورکها با از نرم افزار Maud برآورد و در بازهی ۱۵۰nm بهدست آمد.



شکل ۱. الگوهای پراش نانوساختارهای کبالت/ اکسید کبالت و کبالت/ اکسیدکبالت/ کبالت او ۲، قلههای هر فاز جداگانه برچسب زده شده اند. منحنی های پسماند نمونه ها در دمای کلاه رسم و پارامترهای وادارندگی و بایاس تبادلی به دست آمد. این پارامتر ها در جدول ۱ آمده است. بایاس تبادلی در نمونه ی Co-CoO بایاس تبادلی در حد دقت اندازه گیری دستگاه است، ولی نمونه های Co-CoO Co-بایاس تبادلی کوچکی دارند. این بایاس را می توان به ضخامت نازکی از کبالت که در اثر بازاحیای نمونه ها روی سطح تشکیل شده است نسبت داد.

جدول ۱: بایاس تبادلی و وادارندگی برای نمونهها

| میدان وادارندگی | میدان بایاس تبادلی | زمان بازاحيا | نام نمونه |
|-------------------|--------------------|--------------|-------------|
| (H _c) | (H _{ex}) | | |
| ۲۷۲ | 1,07 | * | Co/CoO |
| *** V | 117,0 | ٩. | Co/CoO/Co-1 |
| ٣٧٦ | ٩,٦٦ | ٣٦. | Co/CoO/Co-2 |

نکته جالب توجه این است که در نمونهای که به مدت ۹۰ ثانیه احیا شده است در مقایسه با نمونهای که ۳۹۰ ثانیه احیا شده، بایاس بزرگتری داریم. پس میتوان نتیجه گرفت که اگر ضخامت لایه کبالت بیرونی از حد معینی بیشتر شود، بایاس کاهش مییابد. البته با توجه به آنکه این لایه فرومغناطیس است، این نتیجه با دادههایی که در پژوهشهای دیگر در مورد فاز فرومغناطیس در سیستمهای لایه نازک گزارش کردهاند همخوانی دارد[۱]. در این

پژوهش ها با کمینه کردن مقدار انرژی بر یکای سطح در یک سامانه لایه نازک رابطهای بدست می آید که مقدار بایاس با ضخامت لایه فرو نسبت عکس دارد [۷]:

 $H_E = -J_{INT} / \mu_0 M_{FM} t_{Fm} \tag{(7)}$

با توجه به اینکه بر پایهی آنالیز الگوهای پراش نمونهها، میانگین اندازهی بلورکها بزرگ است و با توجه به اینکه در هستههای فرومغناطیس بایاس تبادلی با افزایش قطر هسته کاهش مییابد [۸]، یکی از دلایل کوچک بودن بایاس تبادلی در این سیستم وجود مقدار چشمگیری فاز فرومغناطیس است. در واقع بایاس اندکی که در این نمونهها می بینیم بر آمده از بر همکنش تبادلی در مرز مشترک میان لایهی نازک کبالت بیرونی و فاز کبالت اکسید است.



شکل ۲. الف) چرخه پسماند نمونهها ب) تغییرات بایاس تبادلی، وادارندگی و درصد فاز کبالت در نمونهها بر حسب زمان احیا برپایهی نتایج بدست آمده از ساختار و مغناطش نمونهها، به نظر

می رسد که برای ذرات درشت Co3O4 به دلیل نیاز به دمای بالا

برای احیای نمونهها، این ذرات کلوخهای شده و روند اکسایش در مرحله دوم بسیار کندتر از پیشبینیهاست. بنابراین در این روش کنترل کمی در روند رشد لایهها داریم که به شدت بر روی رفتار مغناطیسی نمونهها، به ویژه بایاس تبادلی تاثیر دارد.

نتيجه گيري

در این پژوهش نانوذرات کبالت اکسید به روش همرسوبی ساخته و سپس با اکسایش و کاهش، به ترتیب ساختارهای -Co و Co-CoO-co با دو ضخامت گوناگون کبالت سنتز شد. بررسی ویژگیهای مغناطیسی نشان داد که به دلیل برهمکنش تبادلی میان پوسته نازک کبالت و فاز کبالت اکسید منحنی پسماند در نمونههای Co-CoO-co اندکی جابجا شده است. با افزایش ضخامت پوسته بایاس تبادلی کاهش مییابد.

مرجعها

- [1] A. Lopez-Ortega, M. Estrader, G. Salazar-Alvarez, A. G. Roca, and J. Nogues, "Applications of exchange coupled bi-magnetic hard/soft and soft/hard magnetic core/shell nanoparticles," Physics Reports 553, 1-32 (2015).
- [Y] J. A. De Toro, D. P. Marques, P. Muñiz, V. Skumryev, J. Sort, D. Givord, and J. Nogués, "High temperature magnetic stabilization of cobalt nanoparticles by an antiferromagnetic proximity effect," Physical review letters 115, 057201 (2015).
- [r] W. H. Meiklejohn, and C. P. Bean, "New magnetic anisotropy," Physical review 102, 1413 (1956).
- [٤] J. Nogués, J. Sort, V. Langlais, V. Skumryev, S. Surinach, J. Munoz, and M. Baró, "Exchange bias in nanostructures," Physics Reports 422, 65-117 (2005).
- [] A. Biternas, "Study of the training effect in exchange bias using the domain state model," (University of York, 2009).
- [7] J. Nogues, and I. K. Schuller, "Exchange bias," Journal of Magnetism and Magnetic Materials 192, 203-232 (1999).
- [v] J. Nogues, and I. K. Schuller, "Exchange bias," Journal of Magnetism and Magnetic Materials 192, 203-232 (1999).
- [A] O. Iglesias, A. Labarta, and X. Batlle, "Exchange bias phenomenology and models of core/shell nanoparticles," Journal of nanoscience and nanotechnology 8, 2761-2780 (2008).

شبیهسازی تابع همبستگی اسپینی بین لایهای در Bi₃Mn₄O₁₂(NO₃) به دو روش مونت کارلوی

کلاسیکی و مبادلهی پیکربندیها

کریمی، هما؛ رضایی، نفیسه؛ اعلایی، مجتبی

دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان

چکیدہ

Bi3Mn4O12(NO3) با نام اختصاری BMNO یک ساختار دو لایهی لانهزنبوری پادفرومغناطیس است، که علی رغم دمای کوری-وایس نسبتاً بزرگی که دارد، هیچ نظم مغناطیس بند، بردی را نشان نمی دهد. علت بی نظمی در این ترکیب، حضور آن در مرز بینابینی دو پیکربندی اسپینی خطی (ساختارهای N و N) گزارش شده است. در هر دو حالت، در صفحه های نده را نشان نمی دهد. علت بی نظمی در این ترکیب، حضور آن در مرز بینابینی دو پیکربندی اسپینی خطی (ساختارهای N و N) گزارش شده است. در هر دو حالت، در صفحه این نمی دهد. علت بی نظمی در این ترکیب، حضور آن در مرز بینابینی دو پیکربندی اسپینی خطی (ساختارهای N) و N) گزارش شده است. در هر دو حالت، در صفحه های لانهزنبوری نظم نیل برقرار است اما جهتگیری گشتاورهای مغناطیسی بین لایه می در این موازی (N2) و در دیگری پادموازی (N) است. در مفحه های لانه زنبوری نظم نیل برقرار است اما جهتگیری گشتاورهای مغناطیسی بین لایه ای در یک پیکربندی موازی (N2) و در دیگری پادموازی (N) است. در منه مقاله به منظور بررسی حالت پایه هامیلتونی، تابع همبستگی اسپینی بین لایه ای را در دمای پایین، به دو روش مونت کارلوی ساده و ماده یو بیکربندی ها به کمک یک که مونت کارلو که در دانشگاه صنعتی اصفهان توسعه یافته است، محاسبه کرده و با مقایسه ی نتایج حاصل، روش مبادله ی پیکربندی ها به کمان و روشی به برای بررسی BMNO معرفی شده است. مبادله ی پیکربندی ها به کمک یک که مونت کارلو که در دانشگاه صنعتی اصفهان توسعه یافته است، محاسبه کرده و با مقایسه یا تایج حاصل، روش مبادله ی پیکربندی ها به کمک یک که مونت کارلو که در دانشگاه صنعتی اصفهان توسعه یافته است، محاسبه کرده و با مقایسه ی نتایج حاصل، روش مبادله ی پیکربندی ها به عنوان روشی به برای بررسی BMNO معرفی شده است.

Classical Monte Carlo and Parallel Tempering simulations of inter-layer spin correlation function in Bi₃Mn₄O₁₂(NO₃)

Karimi, Homa; Rezaei, Nafiseh; Alaei, Mojtaba

Department of Physics, Isfahan University of Technology, Isfahan

Abstract

 $Bi_3Mn_4O_{12}(NO_3)$ (BMNO) is a honeycomb bilayers antiferromagnet, not showing any ordering down to very low temperatures despite having a relatively large Curie-Weiss temperature. The absence of long ranged ordering in this compound is due to competition between two collinear spin states. Both states have Néel type magnetic ordering in each honeycomb layer, but the magnetic moment orientations of two-layer in N_1 is anti-parallel while in N_2 is parallel. To speculate about the ground state of the Hamiltonian, the interlayer spin correlation function at a low temperature is calculated by two Classical Monte Carlo and Parallel Tempering algorithms using a Monte Carlo code which is developed at the Physics department of Isfahan University of Technology. By comparing the results, the Parallel tempering method has been introduced as an optimal method for studying BMNO.

وابستگی دمایی پذیرفتاری مغناطیسی علی رغم مقدار بزرگ دمای کوری-وایس، ۲۵۷- کلوین، هیچ نظم بلندبردی را تا دمای پایین ٤/٠ کلوین نشان نمی دهد [۲و۱]. این فقدان نظم بلندبرد با اندازه-گیری های گرمای ویژه [۲و۱]، پراکندگی نوترونی [۳] و تشدید اسپین الکترونی [٤] نیز تایید شده است. مطالعات ابتدا به ساکنِ نظریهی تابعی چگالی، برای این ترکیب یک هامیلتونی اسپینی مؤثر را پیشنهاد

مقدمه

BMNO ساختار جدیدی با شبکهی مغناطیسی دو لایه، متشکل از صفحههای لانهزنبوری است که خواص مشابهی با سیستمهای ناکام مغناطیسی از خود نشان میدهد. شکل ۱ نمایی از ساختار بلوری و شبکهی مغناطیسی لانهزنبوری آن را که متشکل از اتمهای مغناطیسی 4+Mn با اسپین 3/2=S است، نشان میدهد. کارلوی ساده، تابع همبستگی اسپین – اسپین را بین دو لایهی شبکه-های لانهزنبوری، با میانگین گیری روی مقادیر حاصل از شبیهسازی-های مونت کارلوی متعدد با شرایط اولیهی متفاوت محاسبه کردهاند و نشان دادهاند که مقدار تابع همبستگی اسپینی بین لایهای برای BMNO بسیار ناچیز و نزدیک به صفر است. علاوه بر آن، با افزایش (کاهش) جزئی در مقدار برهمکنشهای بین لایهای، مقدار تابع همبستگی اسپینی متناظر با یکی از ساختارهای N1 (N2) می شود. در نتیجه سیستم در مرز بین این دو حالت قرار دارد که باعث ایجاد ناکامی و عدم حضور نظم بلندبرد مغناطیسی در حالت پایهی آن

هدف

از آنجا که وجود ناکامی در یک سیستم برای مقایسه یا انواع روش های مونت کارلو مناسب است و همچنین با توجّه به کار انجام شده در مرجع [٦]، در این مقاله یک هامیلتونی هایزنبرگ پادفرومغناطیس کلاسیکی به صورت $J_{ij}S_{i}.S_{j} - = \mathcal{H}$ درنظر گرفته ایم و تابع همبستگی اسپین – سپین بین لایه ای را به دو روش مختلف مونت کارلو یعنی با استفاده از الگوریتم متروپلیس ساده و الگوریتم مبادله ی پیکربندی ها محاسبه میکنیم و نتایج آنها را با یک دیگر مقایسه میکنیم.

در حقیقت به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا می توان در روش مبادلهی پیکربندیها، بدون تکرار شبیهسازیها با شرایط اولیهی متفاوت، به نتیجهای قابل اعتماد از رفتار واقعی BMNO دست یافت؟ بدین منظور برای انجام شبیهسازیها از یک بستهی محاسباتی مونت کارلو [۷] که در دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان توسعه یافته است، استفاده کردهایم.

الگوریتم متروپلیس و الگوریتم مبادلهی پیکربندیها

یکی از معروفترین روش های حل عددی در مکانیک آماری و محاسبه ی خواص سیستم های بس ذرّمایی، روش های شبیه سازی مونت کارلو است. رهیافت مونت کارلو برای حل مسائلی هم چون محاسبه ی تابع پارش و مقدار چشمداشتی یک کمیّت، استفاده از نمونه های تصادفی است [۸]. الگوریتم متروپلیس یا نمونه برداری با اهمیّت یکی از روش های مونت کارلو برای انتخاب نمونه های میدهد، که تنها شامل جملهی برهمکنش های اسپینی پادفرومغناطیس هایزنبرگ میان نزدیک ترین همسایهها است [۶و٥].



شکل ۱ : (الف) نمای کلّی از لایهها ساختار BMNO . (ب) شبکهی لانهزنبوری با خطوط تیره مشخص شدهاند و اتمهای مغناطیسی Mn⁺⁴ را به یکدیگر متصل میکنند[۲و۱].

تا کنون آزمایش ها و مطالعات زیادی برای بررسی علّت ظهور ناکامی روی این ترکیب، انجام شده است. در آخرین گزارش ارائه شده، در مرجع [٦]، عدم حضور نظم بلندبرد مغناطیسی، ناشی از رقابت بین دو پیکربندی اسپینیِ مشخص شده در شکل ۲ است. این دو ساختار دارای مقدار انرژی نزدیک به یکدیگر هستند و در بین سایر ساختارهای مغناطیسیِ ممکن برای این ترکیب، کمینهترین مقدار را دارند. در هر یک از این ساختارها، درون صفحههای لانه-زنبوری نظم نیل برقرار است. آرایش اسپینها در بین دو صفحه لانهزنبوری، در ساختار ا/۱، پادموازی با یکدیگر و در ساختار دار موازی با یکدیگر است.



شکل ۲ : دو پیکربندی اسپینی محتمل برای ترکیب BMNO [۲]. تابع همبستگی اسپین-اسپین، $< S_i.S_j >$ ، میزان وابستگی جهتگیری دو اسپین در موقعیّتهای مختلف را مشخص میکند. به عنوان مثال در یک فرومغناطیس که اسپینها همجهت با یکدیگر قرار دارند، مقدار این تابع مثبت است، در حالیکه در پادفرومغناطیسها، اسپینها نسبت به یکدیگر پادموازی و مقدار تابع منفی می شود. آنها نیز در کار خود با استفاده از شبیهسازی مونت

تصادفی است. در این الگوریتم طی یک فرآیند مارکوف، زنجیرهای از حالتهای سیستم بهطور تصادفی و با احتمال گذار $(\nu \to \mu) P$ ایجاد میشوند[۸]. طبق رابطهی (۲)، این احتمال را میتوان به صورت حاصل ضرب دو احتمال انتخاب و احتمال پذیرش تعریف کرد [۸].

$$P(\mu \to \nu) = g(\mu \to \nu)A(\mu \to \nu) \tag{7}$$

برای یک سیستم اسپینی و با فرض دینامیک چرخش تک اسپین، مقدار این دو احتمال مطابق با روابط (۳) و (٤) تعریف می شوند. یعنی اسپینها با احتمال ($v \to \mu$) و، برای ایجاد تغییر در حالت سیستم انتخاب می شوند، سپس حالت جدید با احتمال ($v \to \mu$) پذیرفته یا رد می شود. این چرخه تکرار شده و میانگین گیری روی حالتهای مختلف صورت می گیرد [۸].

$$g(\mu \to \nu) = \frac{1}{N} \tag{(7)}$$

$$A = \begin{cases} e^{-\beta(E_{\nu} - E_{\mu})} &, (E_{\nu} - E_{\mu}) > 0 \\ 1 &, (E_{\nu} - E_{\mu}) < 0 \end{cases}$$
(£)

در سیستمهای ناکام مغناطیسی، سیمای سطح انرژی در فضای فاز، دارای تعداد زیادی کمینههای موضعی است؛ یعنی دارای تعداد زیادی از درّهها است که توسط قلّههایی با ارتفاعهای مختلف از یک دیگر جدا شدهاند [۸]. هنگام شبیهسازی این سیستمها با الگوریتم متروپلیس، به خصوص در دماهای پایین، احتمال گذار به سایر حالتهای پایدار به صورت نمایی کاهش مییابد، زیرا سیستم در یکی از این درّهها به دام افتاده و زمان تعادل بسیار طولانی خواهد بود[۸]. از طرف دیگر، اگر چندین شبیهسازی با حالتهای اولیهی متفاوت اجرا شود، ممکن است در هر مرتبه اجرا، سیستم در ناحیهی متفاوتی به دام افتد و پاسخ متفاوتی از رفتار سیستم را نشان دهد. بابراین لازم است تا از تکنیکهای نمونهبرداری کامل تری استفاده شود که از میان آنها می توان به الگوریتم مبادلهی پیکربندیها اشاره

دراین الگوریتم، مطابق شکل ۳، شبیهسازی روی چندین نسخه از یک پیکربندی سیستم در دماهای مختلف و بهصورت همزمان انجام میشود [۱۰]. پس از طی تعداد مشخصی گام مونتکارلو، پیکربندیهای سیستم در دماهای مجاور را با احتمالی مطابق با رابطهی (۵) جابهجا میشوند [۸]. در نتیجه پیکربندی در دمای بالاتر

به پیکربندی در دمای پایین کمک میکند تا از سدهای انرژی عبور کند و در دمای پایین نیز امکان نمونهبرداری از تمام فضای فاز وجود وجود داشته باشد.



شكل ٣: شماى الگوريتم مبادلهي پيكربنديها [١٠].

$$A = \begin{cases} e^{-(\beta_{low} - \beta_{high}) \Delta E} &, (E_{high} - E_{low}) > 0 \\ 1 &, (E_{high} - E_{low}) < 0 \end{cases}$$
(\$)

نتایج حاصل از شبیه سازی شبکهی BMNO

در این بخش نتایج حاصل از شبیهسازیهای مونت کارلو را به ازای هر یک از الگوریتمهای به کارگرفته شده بیان میکنیم. همان طور که گفته شد، یک مدل کلاسیکی هایزنبرگ را با توجه به مقادیر برهم کنش های پادفرومغناطیس گزارش شده در مرجع [7]، تعریف کردهایم. مطابق شکل ٤، این مقادیر شامل برهم کنش های نزدیک ترین همسایه های درون لایه ای تا مرتبه ی سوم و بین لایه ای تا مرتبه ی چهارم می شود.



شکل ٤: برهمکنشهای تعریف شده برای تعریف هامیلتونی [٦]. محاسبات در روش متروپلیس با دینامیک چرخش تک اسپین و اعمال شرایط مرزی دورهای، روی یک ابریاختهی ۱×۲٤×۲٤، شامل ۲۳۰٤ اتم Mn، انجام شده است. تعداد ۲۰۱×۵ گام مونت کارلو برای تعادل گرمایی و پس از آن تعداد ۲۰۱×۵ گام مونت کارلوی دیگر برای نمونهبرداری درنظر گرفته شده است. به منظور کاهش میزان همبستگی بین کمیّتها، اندازه گیریها پس از طی هر ۵ گام مونت کارلوانجام میشوند. محاسبهی تابع همبستگی بین لایهای در دمای ۲ کلوین انجام شده است. همان طور که در شکل ۵ مشاهده میشود، مقدار تابع همبستگی اسپینی بین لایهای به دست آمده از یک مرتبه

اجرای شبیهسازی متروپلیس به ازای شرط اولیهی متفاوت، یکسان



شکل^۵ : تابع همبستگی اسپینی بین لایه ای در الگوریتم متروپلیس به ازای مقدار بذر ۱، نظم ساختار _۱N و به ازای بذر ۲۹، نظم ساختار _N2 را نشان میدهد. بنابراین مقدار تابع همبستگی را با متوسط گیری روی نتایج حاصل از شبیه سازی های متروپلیس که به ازای **۵۶** شرط او^تلیه ی متفاوت انجام شده است، محاسبه کرده ایم که در شکل ۲ نشان داده شده است.

در گام بعدی، مقدار این تابع را با الگوریتم مبادله یپکربندی ها محاسبه کرده ایم. برای انجام این الگوریتم ، لازم است تا تعداد دمای بهینه و بهترین بازه ی دمایی برای انجام شبیه سازی ها محاسبه شوند. در محاسبات ما، شبیه سازی به ازای تعداد 3 دما در بازه ی دمایی ۲ تا ۱۰ کلوین انجام شده است و پس از هر ۸ گام مونت کارلو امکان جابه جایی پیکربندی ها فراهم شده است. برای مقایسه ی بهتر، مقدار تابع همبستگی اسپینی بین لایه ای به دست آمده در الگوریتم مبادله ی پیکربندی ها نیز در شکل ۲ نشان داده شده است. هم چنین مقدار با یک مرتبه اجرای شبیه سازی حاصل شده است. هم چنین مقدار تابع همبستگی، $S_i.S_i$ ، نسبت به الگوریتم مروپلیس خیلی نزدیک تر به صفر است که دقت بالای این الگوریتم را نشان می دهد.



نتیجه گیری

در این مقاله به منظور بررسی حالت پایهی BMNO، تابع همبستگی اسپین-اسپین را بین دو صفحهی لانهزنبوری با دو الگوریتم متروپلیس ساده و الگوریتم مبادلهی پیکربندیها محاسبه کردیم.

مشاهده شد که در الگوریتم متروپلیس، تابع همبستگی اسپینی بین لایهای به ازای شرایط اولیهی مختلف نه تنها پاسخ یکتایی را نشان نمی دهد، بلکه مقدار این تابع در هر مرتبه اجرا، به طور تصادفی، متناظر با نظم مغناطیسی بین لایهای در یکی از ساختارهای N یا N یا N است. برای دستیابی به پاسخی درست از مقدار این تابع، میانگین نتایج مربوط به اجراهای متعدد الگوریتم متروپلیس محاسبه شد. در الگوریتم مبادلهی پیکربندی ها، بدون تکرار محاسبات و تنها با یک مرتبه اجرای الگوریتم، نتیجه ای مشابه با مقدار تابع همبستگی اسپینی بین لایه ای میانگین گیری شده در روش متروپلیس به دست آوردیم. بنابراین در این الگوریتم، با حجم کمتری از محاسبات، نتیجهی دقیق تر و نزدیک تر به رفتار حقیقی BMNO به دست می آید و نسبت به الگوریتم متروپلیس، روش مناسبتری برای مطالعهی این

- Smirnova, Olga, et al. "Synthesis, crystal structure, and magnetic properties of Bi3Mn4O12(NO3) oxynitrate comprising S=3/2 honeycomb lattice." *Journal of the American Chemical Society*131.23 (2009): 8313-8317.
- [Y] Onishi, N., et al. "Magnetic ground state of the frustrated honeycomb lattice antiferromagnet Bi3Mn4O12(NO3)." *Physical Review B* 85.18 (2012): 184412.
- [r] Matsuda, M., et al. "Disordered Ground State and Magnetic Field-Induced Long-Range Order in an S=3/2 Antiferromagnetic Honeycomb Lattice Compound Bi3Mn4O12(NO3)." *Physical review letters* 105.18 (2010): 187201.
- [٤] Okubo, Susumu, et al. "High-field ESR measurements of S=3/2 honeycomb lattice antiferromagnet Bi3Mn4O12(NO3)." Journal of Physics: Conference Series. Vol. 200. No. 2. IOP Publishing, 2010.
- [o] Kandpal, Hem C., and Jeroen van den Brink. "Calculation of magnetic exchange couplings in the S= 3/2 honeycomb system Bi3Mn4O12NO3 from first principles." *Physical Review B* 83.14 (2011): 140412.
- [7] Alaei, Mojtaba, et al."Origin of magnetic frustration in Bi3Mn4O12(NO3)." *Physical Review B* 96.14 (2017): 140404
- [v] n-rezaee@ph.iut.ac.ir
- [A] Newman, M., and G. Barkema. Monte carlo methods in statistical physics chapter 1-4. Oxford University Press: New York, USA, 1999.
- [٩] Marinari, Enzo, and Giorgio Parisi. "Simulated tempering: a new Monte Carlo scheme." *EPL (Europhysics Letters)* 19.6 (1992): 451.
- [1.] Yucesoy, Burcu. "Replica exchange Monte Carlo simulations of the ising spin glass: Static and dynamic properties." (2013).

مرجعها

Fe3O4@GO سنتز و بررسی خواص ساختاری و مغناطیسی نانوکامپوزیت GO مرادیان ، رستم^۱ ؛ منوچهری ، ایرج^۲ ؛ سلیمانی ، بهاره^۳ ^۱ گروه فیزیک، دانشگاه رازی، کرمانشاه ^۲ گروه فیزیک، دانشگاه رازی، کرمانشاه

چکیدہ

نانوذرات مغناطیسی Fe3O4 و نانوکامپوزیت GO®Fe3O4 به روش همرسویی تهیه شدند. ساختار و رفتار مغناطیسی نمونهها با استفاده از FTIR XRD و VSM مورد ارزیابی قرار گرفت. آنالیز XRD تشکیل مگنتیت را نشان داد و اندازه بلوری حدود ۱۴ نانومتر بود. طیف FTIR تشکیل نانوکامپوزیت و ساختار اسپینلی معکوس مگنتیت را تأیید کرد. مغناطش سنج ارتعاشی نمونه رفتار ابرپارامغناطیسی نمونه ها را تأیید کرد. در آزمایش خواص مغناطیسی، نمونه ها به سرعت در مجاور آهنربای دائمی جمع شدند. نانوکامپوزیتهای با رفتار ابرپارامغناطیس بالا می توانند در انتقال هدفمند دارو و حامل دارو استفاده شوند.

Synthesis and characterization of structure and magnetic properties of Fe3O4@GO nanocomposites

Moradian, Rostam¹; Manouchehri, Iraj²; Soleimani, Bahareh³

['] Department of Physics, Razi University, Kermanshah ['] Department of Physics, Razi University, Kermanshah [']Department of Physics, Razi University, Kermanshah

Abstract

Magnetic magnetite (Fe3O4) nanoparticles and Fe3O4@GO nanocomposites synthesized by chemical coprecipitation. Structure and magnetic behavior of samples were characterized using XRD, FT-IR and VSM. The XRD analysis showed the formation of Fe3O4 and the crystal size of Fe3O4 is about 14 nm. The FTIR spectrum confirmed the formation of nanocomposites and inverse spinel structure of magnetite. The vibrating sample magnetometer (VSM) confirmed superparamagnetic behavior of samples. In the test for magnetic properties, the samples gathered rapidly in the vicinity of the permanent magnet. The nanocomposites, with high superparamagnetism, can be used in drug tatgeting transports and drug carrier.

میدهد و در دمای اتاق فری مغناطیس است. ذرات مگنتیت متخلخل نیستند و انحلال آنها از هر اکسیدآهن سه ظرفیتی خالص دیگری سریعتر اتفاق میافتد.این ماده بهواسطه گاف انرژی نسبتاً کوچک رفتار شبهفلزی از خود نشان میدهد. مگنتیت کاربردهای بالقوهای در بیوپزشکی/پزشکی، مهندسی محیط زیست، میکروسیال و میدانهای مکانیکی-الکتریکی و... دارد [۱و۲]. گرافن نام یکی از

نانوذرات مغناطیسی به خاطر ویژگیهای یکتایشان هم از دیدگاه آزمایشگاهی و صنعتی موضوع مورد علاقهی پژوهشگران و دانشمندان است. در بین انواع نانوذرات مغناطیسی، به ویژه مگنتیت به دلیل عدم سمیت و زیست سازگاری بالا بیشترین کاربردها رادر زمینههای مختلف داشتهاند. مگنتیت مغناطیس دائم از خود نشان

مقدمه

آلوتروپهای کربن است که دارای ساختار بلوری دو بعدی لانه زنبوری است و در آن هر اتم کربن به کمک سه الکترون ظرفیت خود، با سه پیوند Sp2 به سه اتم کربن دیگه متصل شده است. یک الکترون ظرفیت باقیمانده نیز بر روی کل صفحه ٔ گرافن و بين تمام اتمها به اشتراک گذاشته شده و الکترون آزاد است. گرافن به علت داشتن خواص فوقالعاده در رسانندگی گرمایی، رسانندگی الكتريكي، چگالي بالا، رسانندگي اپتيكي، خواص مكانيكي و تحرک پذیری حامل های بار به مادهای منحصربه فرد تبدیل شدهاست. این سامانه جدید حالت جامد به واسطه این خواص فوقالعاده به عنوان کاندید بسیار مناسب برای جایگزینی سیلیکان در نسل بعدی قطعههای فوتونیکی و الکترونیکی در نظر گرفته شدهاست و از این رو توجه کم سابقهای را در تحقیقات بنیادی و کاربردی به خود جلب کردهاست. ورقههای گرافن خالص با وجود ویژگی های عالی که دارد، کاربرد بسیار محدودی از آنها دیده می-شود بنابراین جذابیت نانوکامپوزیتهای گرافنی برای محققان بسیار افزایش می یابد.گرافن و نانوکامپوزیتهای پایه گرافنی عامل-دار شده با فلز، اکسیدهای فلزی، کالکوژن ها ، کوانتوم دات و ... خواص شیمیایی، نوری، الکترونی و مکانیکی منحصربه فرد دارند که می توانند بنیان و اساسی برای گسترش محدوده مواد نانوساختار باشند. گرافن آبگریز است که مانع کارایی آن در آب میشود. برای بهبود خاصیت انحلال آن ، گرافن می تواند از طریق اکسیداسیون به اکسید گرافن تبدیل شود . صفحات اکسید گرافن به خاطر گروهای عاملي اكسيژن دار (هيدروكسيل ، كربوكسيل ، اپوكسي ، كربونيل) موجود روی سطح خود به راحتی می تواند با نانوذرات دیگر ترکیب شده و کامپوزیتهای پایه گرافنی را تشکیل دهد [۳و۴]. در سالهای اخیر ترکیب مگنتیت و گرافن و تشکیل کامپوزیت به علت ویژگیهای جدید و یا افزایش یافته ای که به واسطه ی هردوجزء به تنهایی بدست نمیآید یک موضوع نویدبخش برای آينده است.در اين تحقيق نانوذرات مگنتيت و نانوكامپوزيت گرافناکسید/مگنتیت به روش همرسوبی تهیه شدند و خواص مغناطیسی و ساختاری نمونهها با FTIR ،VSM و XRD بررسی شده است.

بخش تجربی

مواد و دستگاه ها:

اکسید گرافن (GO) ، کلرید فریک ۶ آبه، کلرید فروس ۴ آبه، هیدروکسید سدیم، آب دو بار تقطیر، اسپاتول، آون، ترازوی دیجیتالی، آهنربا، دستگاه همزن، کپسول نیتروژن و دستگاه های XRD،VSM و FTIR مواد و تجهیزات استفاده شده در این کار تحقیقاتی بودند.

سنتز نانوذرات مغناطيسي Fe3O4 :

نانوذرات مغناطیسی مگنتیت با استفاده از روش همرسوبی تهیه شدند. ابتدا ۲ گرم از FeCI3.6H2O و ۱ گرم از FeCI2.4H2O مخلوط شده و در ۱۰ میلی لیتر آب دو بار تقطیر حل شدند. محلول حاصل در دمای اتاق با استفاده از یک همزن مغناطیسی کاملاً زده شد. سپس ۱۰ میلی لیتر از سدیم هیدروکسید به صورت قطره قطره و تحت عبور گاز نیتروژن به محلول حاصل اضافه شد. بلافاصله رسوب سیاه رنگی در انتهای ظرف تشکیل شد که نشان دهندهی تشکیل نانوذرات مغناطیسی آهن بود. بعد از ۱۵ دقیقه همزدن با قرار دادن آهنربا زیر ظرف واکنش رسوب حاصل جمع آوری شد و سه بار با آب مقطر شست و شو داده شد.

سنتز نانو کامیوزیت Fe3O4@GO :

ابتدا ۲۰۰۵ گرم گرافن اکسید در ۱۰ میلی لیتر آب دوبار تقطیر حل شد و به مدت ۳۰ دقیقه تحت اولتراسونیک قرار گرفت. سپس یک محلول تشکیل شده از ۲/۰ گرم FeCl3.6H2O و ۲/۰ گرم FeCl2.4H2O به گرافن اکسید اضافه شد و به مدت ۳۰ دقیقه همزده شدند. سپس ۱۰ میلی لیترسدیم هیدروکسید قطره قطره و تحت عبور گاز نیتروژن به محلول فوق اضافه شد و به مدت ۳۰ دقیقه همزده شد. رسوب حاصل با یک آهنربا از محلول جدا شده و سه بار با آب مقطر شستوشو داده شد.

نتایج ساختاری و مغناطیسی

ساختار و ترکیب نمونه های آماده شده با استفاده از الگوهای پراش اشعه ایکس (XRD) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همانطور که در شکل ۱ نشان داده شده است الگوی XRD برای نانوذرات مگنتیت هشت قله مشخص در ۱۸.۵، ۲۰۰۶، ۳۵.۹، ۴۳.۷، ۵۰.۵ ۵۷.۵ ۲۰۰۶ و ۷۴.۷ درجه مربوط به بازتاب صفحات بلوری(۱۱۱)،(۲۲۰)،(۳۱۱)،(۴۲۰)،(۴۲۱)،(۴۲۰)،(۵۳۳) مطابق با داده های استاندارد XRD برای بلورهای اسپینلی مکعبی مرکز وجهی مگنتیت را نشان می دهد.قله های پراش پهن نشان می-دهدکه اندازه نانوذرات کوچک است. میانگین اندازه ی بلوری از مقدار آن ۱۴ نانومتر است.



شكل ۱ : الگوى XRD نانوذرات مگنتيت

به منظور بررسی ترکیب مگنتیت و گرافن اکسید، طیفهای FTIR از نمونه ها جمع آوری شد. همانطور که در شکل ۲ نشان داده شده است. در طیف FTIR مگنتیت قله جذبی ظاهر شده در ۵۷۰ به ارتعاش کششی باند O-Fe مربوط می باشد. همچنین قله جذبی در ۳۴۱۶ در هر دو طیف به ارتعاش کششی باند OH- مربوط می باشد. باند در به دلیل ارتعاش زاویه H-O است. برای طیف FTIR نانوکامپوزیت گرافن اکسید/مگنتیت قلههای در حدود ۱۵۵۴ و ۱۲۱۱ به ترتیب به گروههای COOH و ارتعاش کششی O-C اپوکسی مربوط می باند. قله آشکار در حدود ۵۷۰ می تواند به باند

Fe-O مربوط باشد که نشان دهندهی حضور نانوذرات مگنتیت است. ظهور قلههای جدید نشان میدهد که نانوکامپوزیت به طور موفقیتآمیز سنتز شده است.



شكل ٢ : طيف FTIR نمونهها: مكنتيت(a)و كرافن اكسيد/مكنتيت(b)

منحنیهای هیسترزیس مغناطیسی مگنتیت و نانوکامپوزیت گرافن اکسید/مگنتیت در دمای اتاق با استفاده از VSM اندازه گیری شدند. همانطور که در شکل ۳ نشان داده شده است منحنیهای هیسترزیس نمونهها منحنیهای S شکل هستند و تقریباً از مبدأ عبور میکنند و این نشان میدهد که نمونهها دارای میدان وادارندگی و مغناطش پسماند ناچیزهستند. این نتایج نشان دهندهی رفتار ابرپارامغناطیسی ذرات سنتز شده است. مقدار مغناطش اشباع مگنتیت و نانوکامپوزیت به ترتیب ۵۹ میا و ۱۱۸۵ و ۱۹۸۶ نانوکامپوزیت در مقایسه با مگنتیت را نشان داد که دلایل مختلف از جمله وجود ورقههای غیر مغناطیسی گرافن اکسید میتواند داشته باشد.

- منابع
- [1] Wu, Wei, Zhaohui Wu, Taekyung Yu, Changzhong Jiang, and Woo-Sik Kim. "Recent progress on magnetic iron oxide nanoparticles: synthesis, surface functional strategies and biomedical applications." *Science and technology of advanced materials* 16, no. 2 (2015): 023501.
- [Y] Yadollahpour, Ali. "Magnetic nanoparticles in medicine: a review of Synthesis methods and important characteristics." *Oriental Journal of Chemistry* 31, no. Special Issue 1 (2015) (2015): 271-277.
- [٣] Singh, Virendra, Daeha Joung, Lei Zhai, Soumen Das, Saiful I. Khondaker, and Sudipta Seal. "Graphene based materials: past, present and future." *Progress in materials science* 56, no. 8 (2011): 1178-1271.
- [*] Fu, Ruimin, and Mingfu Zhu. "Synthesis and characterization of structure of Fe 3 O 4@ graphene oxide nanocomposites." *Adv. Comp. Lett* 25 (2016): 143-146.

است. کاهش در مقدار مغناطش اشباع می تواند به وجود ورقههای غیرمغناطیسی GO، ناخالصیها بر روی سطح نانوذرات مگنتیت و همچنین مقدار بارگذاری کمتر مگنتیت مرتبط باشد.



نتيجه گيرى

آنالیز ساختاری پراش اشعه ایکس تشکیل فاز اسپینلی و بلورینگی نانوذرات را تأیید کرد. همچنین نتایج FTIR به خوبی نشان داد که نانوذرات مگنتیت و نانوکامپوزیت گرافن اکسید/مگنتیت به طور موفقیت آمیز سنتز شدند. آنالیز مغناطیسی کاهش در مغناطش اشباع

آشوب کوانتومی درزنجیره XXZ اسپین –1/2در حضورمیدان مغناطیسی عرضی سپیده مشفق¹؛ عاطفه عاشوری¹؛ سعید مهدوی فر¹ ^آگروه فیزیک دانشگاه گیلان، رشت

چکیدہ

مدل زنجیره یک بعدی ناهمسانگرد XXZ اسپین – 1/2 انتگرال پذیر بوده وتوسط حدس بته قابل حل دقیق است،انتگرال پذیری در این مدل با اعمال یک میدان عرضی شکسته می شود و دیگر حل دقیق ندارد.یک مقدار استثنایی از میدان عرضی وجود دارد که فاکتور میدان fh نامیده می شود، جایی که نوسانات کوانتومی از میدان عرضی خنثی می شوند و حالتهای پایه با حل دقیق بدست می آیند.ما در این مقاله اثر میدان عرضی را برای گذار انتگرال پذیر به آشوب در مدل زنجیر XXX اسپین 1/2 بررسی می کنیم. با اجرای روش قطری سازی دقیق، مشخصههای آشوب کوانتومی، از قبیل توزیع فضایی ترازهای انرژی و ساختار ویژه حالتها را در هامیلتونی با اندازه متناهی از زنجیره بررسی می نماییم. به محض اعمال میدان عرضی در سیستم، تقارن شکسته شده و حل دقیق امکان پذیر نمی باشد و سیستم آشوبناک می شود.در ناحیه h > h سیستم آشوبناک می ماند، ودر نقطه فاکتور میدان fh گذاراز آشوب به انتگرال پذیری صورت می گیرد.نتایج تعدادمولفه های آشوبناک می شود.در ناحیه h > h سیستم آشوبناک می ماند، ودر نقطه فاکتور میدان fh گذاراز آشوب به انتگرال پذیری صورت می گیرد.نتایج تعدادمولفه های اصلی، این گذار را تایید می نماید.

Quantum chaos in a spin-1/2 transverse-_field XZZ chain Moshfegh, sepideh¹; Ashouri, Atefeh¹; Mahdavifar, Saeed¹

¹ Department of Physics, University of Guilan

Abstract

One-dimensional (1D) spin-1/2 XZZ model is integrable and can be exactly solved by the Bethe ansatz. The exact integrability is lost when the symmetry-breaking transverse magnetic field (TF) is applied. There is an exceptional value of the TF called factorized field, h_f , where the quantum uctuations are compensated by the TF and the ground state will be obtained exactly. Here, we study the effect of a TF on the integrable to chaotic transition in the XXZ chain. We use the numerical full diagonalization method and calculate the eigenvalues and eigenstustes of the Hamiltonian in finite size chains. As soon as the TF is applied the spectrum exhibits repulsion of the energy levels as a main signature of quantum chaos. The system remains chaotic in the region h < hf and undergoes a transition into the non-chaotic region at the factorized field. Results of the number of principal components confirm the mentioned transition .

PACS No.

اعمال شود حل دقیق امکان پذیر نیست. نظریه آشوب و انتگرالپذیری در سیستمهای اسپین کوانتومی در چند دهه گذشته توجه محققان زیادی را به خود جلب کرده است [4-3]. یکی از مهمترین نشانههای آشوب در سیستمهای کوانتومی در توزیع فاصله میان ترازهای انرژی مجاور میباشد. توزیع ترازهای انرژی از قانون جهانی پیروی مینماید [5]، که بسته به مشخصه انتگرالپذیری یا آشوبناکی سیستم، از توزیع پواسونی، (5]، به

مقدمه

یک زمینه مناسب برای مطالعه گذارهای فاز کوانتومی دمای صفر، سیستمهای اسپینی در میدانهای مغناطیسی خارجی هستند.اثر میدان مغناطیسی روی زنجیره پاد فرو مغناطیس از نقطه نظر دیدگاه نظری بسیار جالب می باشد.ساده ترین مدل پاد فرو مغناطیس نا همسانگرد یک بعدی مدل XXZ اسپین 1/2 است.این مدل در میدان طولی به طور کامل بررسی شده است[2-1].که به طور دقیق با روش حدس بته حل می شود، به طوری که وقتی میدان عرضی به عنوان انتخاب اول، هامیلتونی معادله (1) را در غیاب میدان عرضی در نظر می گیریمh=0، که انتگرال پذیر بوده و بر اساس حدس بته قابل حل است. برای این زنجیره که با هامیلتونی فوق توصیف می شود، اسپین کل:

 $S^{z} = \sum_{n=1}^{L} S_{n}^{z}$

در جهت Z پایسته می باشد. D = [H,S z] که یک تقارن سیستم را نشان می دهد به این معنی که تعداد کل برانگیختگیها در سیستم ثابت می ماند و هامیلتونی تنها می تواند بر انگیختگی را در سیستم پیش ببرد. زیر فضای سیستم 1= S^z است.بهترین بردارهای پایه ای که برای این سیستم در نظر گرفته می شود آرایه ای از اسپینهای بالا وپایین در جهت محور Z می باشد که بردارهای پایه تک سایتی نامیده می شوند.

اسپین کل را بر روی رفتار توزیع فضایی و توزیع NPC متناظر، تحت شرایط ذکر شده، بررسی کردیم.

همانطوری که از رفتار توزیع فضایی (P(s) ،مشاهده می شود برای مقادیر مختلف پارامتر ناهمسانگردی، توزیع فضایی رفتاری پواسونی دارد(نمودارهای بالا از شکل 1)،

در نمودارهای پایین از شکل **1**، رفتار توزیع NPC را بر حسب انرژی در پایههای تک سایتی بررسی کردیم.همانطور که از شکل دیده می شود دارای نوسانات زیادی هستند. ما طیف انرژی را برای زنجیر با طولهای مختلف وبرای پارامتر ناهمسانگردی مختلف میانجام دادیم، مشاهده می شود که سیستم رفتاری انتگرال پذیر دارد. توزیع ویگنری، $(P_{WD}(s) = (p s / 2) exp(-p s^2 / 4) = (s)$ ، در سیستمهای کاملاً آشوبناک تغییر مییابد. همچنین، در این مقاله برای شناسایی ظهور آشوب کوانتومی، ساختار ویژه حالتها را نیز بررسی کردیم. تعداد مولفههای اصلی، NPC، یکی دیگر از روشهایی است که برای تشخیص رفتار آشوبناکی سیستم به کار میرود [7]. در سیستمهای انتگرالپذیر، نوسانات بزرگی در NPC مشاهده میشود، در حالیکه در سیستمهای آشوبناک، به تابعی آرام بر حسب انرژی تبدیل میشود.

هامیلتونی مدل XXZ ناهمسانگرد در حضور میدان مغناطیسی عرضی به صورت زیر نوشته میشود:

 $\mathbf{H} = J \sum_{i=1}^{L-1} (S_i^{\mathcal{X}} S_{i+1}^{\mathcal{X}} + S_i^{\mathcal{Y}} S_{i+1}^{\mathcal{Y}} + \Delta S_i^{\mathcal{Z}} S_{i+1}^{\mathcal{Z}}) +$

$$h\sum_{i=1}^{L}S_{i}^{x}$$
 (1)

که در آن S_n^{x,y,z} عملگرهای اسپین-۲ / ۱ در سایت n-ام میباشند. J > 0 معرف برهمکنش پادفرومغناطیس ۵،پارامتر نا همسانگردی و h میدان مغناطیسی عرضی میباشد.

زنجیره اسپینی XXZ ، ساده ترین مدل حل پذیر دقیق میباشد که توزیع فضایی ترازهای انرژی آن از رفتار پواسونی پیروی مینماید. در غیاب میدان مغناطیسی خارجی(h=0)

در رژیم شبه – آیزینگ یعنی I< Δ،حالت پایه انتگرال پذیر بوده و دارای حل دقیق است [8].در رژیم I>Δ>I- حالت پایه فوق در فاز سیال – اسپینی است وهیچ گاف انرژی در طیف سیستم وجود ندارد.در ناحیهI->Δ حالت پایه این مدل در فاز فرومغناطیس است که در طیف انرژی آن گاف وجود دارد [6].با اعمال میدان عرضی، سیستم حل دقیق ندارد و انتگرال پذیر نمی باشد.

نتايج محاسبات عددى



شکل**1**: نمودارهای بالا و پایین، توزیع فضایی ترازهای انرژی (P(s و تعداد مولفههای اصلی (NPC(E به طور متناظر برای هامیلتونین معادله (1) برای زنجیرهای به طول L=14 . در غیاب میدان مغناطیسی ستون سمت چپ 0.5 =Δ و ستون سمت راست 5. 1=Δ , ویژه مقادیر با پاریته جدا شده اند. ^۸ اسپین در جهت Z مثبت قرار دارند. در هر دو نمودار توزیع فضایی، نمودارهای با خط قرمز و سبز متناظر با منحنیهای تئوری و نمودار آبی مربوط به نتایج عددی می باشند.

در حظور میدان عرضی

به عنوان انتخاب دوم در ادامه، اثر مقادیر مختلف میدان عرضی h و پارامتر ناهمسانگردی Δ را در شکست انتگرال پذیری بررسی مینماییم. توزیع فضایی ترازهای انرژی (P(s و تعداد مولفه های اصلی

 Δ 0/3 در شکل (2) برای دو مقدار پارامتر ناهمسانگردی NPC(E) = $\sqrt{5}$ که فاکتور میدان عرضی به ترتیب $h_f = \sqrt{2.5}$ و $h_f = 1/5$ $h_f = h_f$ می باشد،رسم شده است.

همانطوری که در شکل مشاهده می شودبرای مقادیر h < hf رفتار توزیع فضایی (P(s ، نمودارهای بالا، ترازهای انرژی شروع به دفع همدیگر مینمایند، تا اینکه توزیعی شبیه به توزیع ویگنر-دایسون حاصل میشود،

در نمودارهای پایین از شکل.2 رفتار توزیع NPC را بر حسب انرژی در پایههای تک سایتی بررسی کردیم. در گذار از آشوب به انتگرال پذیری، نوسانات بیشتری مشاهده میکنیم و همچنین میزان غیرجایگزیدگی به طور قابل ملاحظهای در حوزه انتگرال پذیری کاهش مییابد.در واقع زنجیر XXZ اسپین 1/2 در نقطه فاکتور میدان،انتگرال پذیر می شود و گذار از آشوب به انتگرال پذیری صورت می گیرد.همانطور که از شکل مشاهده می شود برای مقادیر hf da سیستم رفتار پواسونی از خود نشان می دهد وانتگرال پذیر می شود.



شکل2 : نمودارهای بالا و پایینی، توزیع فضایی ترازهای انرژی (s)Pو تعداد مولفههای اصلی (NPC(E به طور متناظر برای هامیلتونین معادله (1) برای زنجیرهای به طول L=14 و برای مقادیر مختلف میدان عرضی و پارامتر ناهمسانگردی رسم شده است . در هر دو نمودار توزیع فضایی، نمودارهای با خط قرمز و سبز متناظر با منحنیهای تئوری و نمودار آبی مربوط به نتایج عددی می باشند.

 $\left[{^V} \right]$ $\,$ V. Zelevinsky, B. A. Brown, N. Frazier, and M. Horoi, "The nuclear

shell model as a testing ground for manybody quantum chaos," Phys. Rep. 276, 85–174 (1996).

[8] Takahashi, M., Thermodynamics of one-dimensional solv-

able models. Cambridge University Press (2005).). 1] C. N. Yang and C. P. Yang, Phys. Rev. B. 150, 321 (1966).

به عنوان آخرین انتخاب ، سیستم را برای پارامتر ناهمسانگرد 4=ک مورد بررسی قرار دادیم که برای همه مقادیر میدان عرضی مدل انتگرال پذیر بوده و دارای حل دقیق می باشد.



شکل**3** : نمودارهای توزیع فضایی ترازهای انرژی (P(s) به طور متناظر برای هامیلتونین معادله (1) برای زنجیرهای به طول L=14 و برای مقادیر **8** اسپین در جهت Z مثبت و برای مقادیر مختلف میدان عرضی و پارامتر ناهمسانگردی با مقدار ثابت 1=Δ. در هر دو نمودار توزیع فضایی، نمودارهای با خط قرمز و سبز متناظر با منحنیهای تئوری و نمودار آبی مربوط به نتایج عددی می باشند...

نتيجه گيرى

با استفاده از تکنیک قطری سازی دقیق، زنجیره اسپینی XXZ با اسپین 1/2 در حضور میدان عرضی مورد بررسی قرار گرفت. هدف اصلی، بررسی نقاط گذار از آشوب به انتگرال پذیری در حضور میدان عرضی و پارامتر نا همسانگردی Δ بود. نشان دادیم که بدون در نظر گرفتن میدان عرضی سیستم انتگرال پذیر بوده ودارای حل دقیق می باشد. با اعمال یک میدان عرضی سیستم آشوب ناک شده ودیگر حل دقیق ندارد. در ناحیه h > h سیستم آشوبباک می ماند، ودر نقطه فاکتور میدان h

مرجعها

[1] C. N. Yang and C. P. Yang, Phys. Rev. B. 150, 321 (1966).
[2] C. N. Yang and C. P. Yang, Phys. Rev. B. 150, 327 (1966).
[3] L. F. Santos, G. Rigolin, and C. O. Escobar, Phys. Rev. A 69, 42304 (2004).

- [[¢]] L. F. Santos, Phys. Rev. A. **67**, 062306 (2003).
- [4] NATO Les Houches Lecture Notes 1981, Chaotic Behavior of Deterministic Systems, eds. G.Ioss, R.Helleman and R.Stora (North-Holland, Amsterdam, 1983)
- [^{*}] L. F. Santos, F. Borgonovi, and F. M. Izrailev, Phys. Rev. Lett. 108, 094102 (2012).

تاثیر زمان آسیاب کاری پر انرژی تر بر ویژگی های مغناطیسی نانوذرات هماتیت مظفری ، مرتضی ؛ شاتوتی، سارا ^۱

ا گروه فیزیک، دانشگاه اصفهان، اصفهان

چکیدہ

در این پژوهش نانوذرات هماتیت با آسیاب کاری پر انرژی تر هماتیت کپهای که یک محصول فرعی از مجتمع فولاد مبارکه بود تهیه شد. آسیاب کاری با یک آسیاب اسپکس ملل D 8000 در زمانهای آسیاب کاری گوناگون از ۲ تا ۱۰ ساعت و با نسبت جرمی گلوله به پودر ۱۰ انجام شد. برخی از ویژگیهای فیزیکی نانوذرات بهدست آماده با روشهای پراش سنجی پرتوایکس (XRD) و مغناطش سنجی نمونه لرزشی (VSM) اندازه گیری و تغییرات آنها بررسی شد. همچنین دمای کوری نمونه ها با یک دستگاه ترازوی فاراده در یک میدان ضعیف اندازه گیری شد. نتایج پراش سنجی پرتو ایکس نمونهی ده ساعت آسیاب کاری شده ندان می دهد که افزون بر فاز هماتیت، یک فاز اسپینلی به هنگام آسیاب کاری تشکیل شده است همچنین میانگین اندازه ی بلورکها با روش شرر برآورد و در بازه ی ۲۵ مان بهدست آماد. اندازه گیری های مغناطیسی نشان می دهد که با افزایش زمان آسیاب کاری تا ده ساعت آسیاب کاری شده نشان می افزون بر فاز هماتیت، یک فاز اسپینلی به منگام آسیاب کاری تشکیل شده است همچنین میانگین اندازه ی بلورکها با روش شرر برآورد و در بازه می ۲۰ انوم تر به دست آماد. اندازه گیری های مغناطیسی نشان می دهد که با افزایش زمان آسیاب کاری تا ده ساعت یک مغناطش اشباعی به بزرگی ۹۰ سایل می دار است.

The Effect of Wet High Energy Milling Time on the Magnetic Properties of Hematite Nanoparticles

Mozaffari, Morteza¹; Shatooti, Sarah¹

¹ Department of Physics, Isfahan University, Isfahan

Abstract

In this work hematite nanoparticles were prepared via wet high energy milling of a bulk hematite, which is a byproduct of Mobarake Steel Complex. Milling was carried out by a SPEX 8000D mill at different milling times from 2 to 10h, using a ball to powder mass ratio 10. Structural and physical properties of the nanoparticles were measured by X-ray diffractometer and vibrating sample magnetometer (VSM), respectively, and their changes were investigated. Also Curie temperatures of the samples in a weak magnetic field were measured by a Faraday balance. The results of XRD show that in addition to hematite a spinel phase was formed after 10 h milling. Mean crystallite sizes of the milled samples estimated by Scherrer's formula, which are in the range of 25-65 nm. Magnetic measurements showed that by increasing milling time up to 10 h a saturation magnetization of as high as 90emu/g was achieved. This high magnetization has been assigned to presence of the spinel phase and different cation distribution of hematite.

PACS No. Vo

دست یافت [۲]. هماتیت (α -Fe₂O₃) یکی از اکسیدهای نامغناطیسی آهن است که ساختار بلوری رمبوهدرال دارد و تنها از کاتیونهای $^{+6}$ Fe³ تشکیل شده و از دیدترمودینامیکی یک ترکیب پایدار است [۳]. هماتیت با روشهای گوناگونی همانند هیدروترمال [٤]، همرسوبی [٥] و آسیابکاری [٦] تهیه می- شود. هماتیت با گرما دادن مگهمایت در دماهای بالاتر از C $^{\circ}$ C

مقدمه

آسیابکاری مکانیکی، آلیاژسازی مکانیکی و فرآیند مکانوشیمیایی، فرآیندهای آسیابکاری پرانرژی هستند که مواد اولیه به گونهای مکرر شکسته شده و دوباره جوش سرد میخورند تا محصول مورد نظر بهدست آید [۱]. با این فرآیندها میتوان افزون بر آلیاژها، به ترکیبهای گوناگون دیگر همانند اکسیدها

و/یا آسیابکاری تهیه می شود[۷، ۸]. هماتیت در دماهای کم تر از ۲۳۲K یک پادفرومغناطیس و در بازهی دمایی ۲۵ ۲۵ ۲۳۳ک یک فرومغناطیس ضعیف است. نیل پیشنهاد کرد که کاستی ها و/یا ناخالصی مگنتایت ممکن است به این ویژگی ضعیف فرومغناطیسی و مغناطش خودبه خودی ضعیف بینجامد. لی پیشنهاد کرد که گشتاورهای جبران نشده در دیوارههای حوزهی مغناطیسی که حوزههای پادفرومغناطیس را از یکدیگر جدا میکنند، ممکن است آن مغناطش خودبه خودی را ایجاد کرده باشند [۹]. در این پژوهش نانوذرات هماتیت با آسیابکاری پرانرژی تر هماتیت کپه-ای محصولی فرعی از مجتمع فولاد مبارکه اصفهان در زمانهای آسیابکاری گوناگون تهیه و ویژگی های فیزیکی آنها بررسی شده است.

روش تهيه

نانوذرات هماتیت با آسیابکاری پرانرژی تر هماتیت کپهای که محصول فرعی از مجتمع فولاد مبارکه اصفهان بود تهیه شد. شکل ۱الگوی پراش پرتو ایکس پودر هماتیت اولیه را نشان میدهد. همانگونه که دیده میشود همهی قلههای پراش با فاز هماتیت همانگونه که دیده میشود همهی قلههای پراش با فاز هماتیت دمانگونه که دیده میشود همهی قلههای پراش با فاز محاتیت درو. $(\alpha-Fe_2O_3)$ بر پایهی کارت استاندارد 300 - 10 - 0 - 0 - 0 هم خوانی دارد. شکل ۲ منحنی پسماند هماتیت اولیه را نشان میدهد. مغناطش تا بیشینه میدان کاربستی ۱۸kOe ± به اشباع نرسیده است و مغناطش ناچیزی (0.3 emu/g) دارد که رفتار فرومغناطیس ضعیف هماتیت در دمای اتاق را تایید میکند.

آسیابکاری با یک دستگاه آسیاب پر انرژی اسپکس مدل D آسیابکاری با یک دستگاه آسیاب پر انرژی اسپکس مدل D قو000 انجام شد. هر بار9 / ۲۸ از هماتیت همراه با ۳۸۶ گلوله ی فولادی سخت شده با اندازه های گوناگون در یک ظرف فولادی من از همان جنس با حجم ۸۰ الدازه های گوناگون در یک ظرف فولادی جرمی گلوله به پودر ۱۰ شود. همچنین ۲۰۰۱ آب دو بار تقطیر به هماتیت افزوده شد و برای مدت زمانهای ۲، ٤، ۲، ۸ و ۱۰ ساعت آسیابکاری تر شدند. رنگ نمونه ها با افزایش زمان آسیابکاری از قرمز به قهوه ای و پس از آن به مشکی تغییر کرد. برای بازیابی فاز هماتیت، نمونه های آسیابکاری شده در دمای C $^{\circ}$ ۲۰۳ برای دو ساعت براش سنج پرتو ایکس (XPP TPO MPD) با لامپ مسی - Cu

لم افزار الم الم و فازهای تشکیل شده و ثابت شبکه $\lambda = 1.5406$ Å) K α با نرم افزار اکسپرت (Expert) تعیین شد. میانگین اندازهی بلورک-ها با فرمول شرر : $0.9\lambda/\beta \cos\theta = 0.9\lambda/\beta$ بر آورد شد، که در آن میانگین اندازهی بلورکها، گر پهنای قلهی پراش در نیم بیشینهی شدت، θ زاویهی براگ و λ طول موج پرتو ایکس است. اندازه-شدت، θ زاویهی براگ و λ مول موج پرتو ایکس است. اندازه-گیریهای مغناطیسی با یک مغناطیس سنج نمونه لرزشی (VSM) گیریهای مغناطیسی با یک مغناطیس است (Lake Shore Cryotronics, 7407 model) مغناطیسی الم الاح در دمای اتاق انجام شد. دمای کوری نمونهی ۱۰ ساعت آسیابکاری شده با ترازوی فاراده تعیین شد.



شکل ۱: الگوی XRD پودر هماتیت اولیه: قلهها بر پایهی کارت استاندارد ۱۳۳۰-۱۳-۰۰ برچسب زده شدهاند.



بحث و نتیجهگیری

شکل ۳ (الف و ب) بهترتیب الگوهای پراش نمونههای آسیابکاری و بازپخت شده در زمانهای ۲، ٤، ۲، ۸ و ۱۰ ساعت را نشان میدهند. همانگونه که دیده میشود افزون بر قلههای پراش هماتیت، قلههای دیگری پدیدار شده که با فاز اسپینل هم-خوانی دارند. این پدیده پیامدی از واکنش هماتیت با آب بههنگام آسیابکاری است که به تشکیل فاز اسپینل انجامیده است. اگر چه تشخیص آن که این فاز مگنتایت و/یا مگهمایت دشوار است، ولی با توجه به رنگ مشکی نمونهها فاز مگنتایت محتمل تر است.

الگوهای پراش XRD قلههای پهن با شدت پایین دارند که نشانهی ریز بودن و کرنیده بودن نانوذرات است [۱۰]. شکل ٤ تغییر میانگین اندازهی بلورکهای هماتیت و فاز اسپینل را بر حسب زمان آسیابکاری نشان میدهد. همانگونه که دیده میشود، میانگین اندازهی بلورکهای هر دو فاز با افزایش زمان آسیابکاری کاهش مییابد، که پیامدی از تغییر شکل مومسان (پلاستیک) به-هنگام آسیابکاری و بهدنبال آن افزایش سختی و پس از آن افزایش تردی است. از سوی دیگر وجود آب بههنگام آسیابکاری





شکل ۳(الف و ب): الگوی XRD نمونههای آسیابکاری تر و بازپخت شده در زمانهای ۲، ۵، ۲، ۸ و ۱۰ ساعت جوشخوردگی را کاهش میدهد که می تواند به کاهش برخورد-

های و بهدنبال آن کاهش بازدهی آسیابکاری بینجامد [۱۱،۱۲].



شکل ٤: تغییر میانگین اندازهی بلورکهای هماتیت و فاز اسپینل شکل ٥ تغییر ثابتهای شبکهی هماتیت (c،a) را برحسب زمان آسیاب کاری نشان میدهد. همانگونه که دیده میشود ثابتهای شبکه با افزایش زمان آسیابکاری کاهش مییابد که بهخاطر ریز شدن و افزایش نسبی انرژی سطحی نانوذرات است[١٣]. شکل ٦ تغییرات مغناطش بر حسب دمای نمونهی ۱۰ ساعت



شکل ۵: تغییر ثابتهای شبکهی هماتیت (c،a) را برحسب زمان آسیابکاری شده بر حسب زمان آسیابکاری بههنگام گرمایش از دمای اتاق تا ۵۹۰۴۵ و سرمایش پس از آن را نشان میدهد. همانگونه که دیده می شود دمای کوری نمونه C^۹۰۲ ±۰۰۰ است و بههنگام سرد شدن مغناطش نمونه بر نمی گردد.



شکل(۷ الف) منحنیهای پسماند نمونههای آسیابکاری شده در زمانهای ۲، ٤، ۲، ۸ و ۱۰ ساعت و شکل(۷ ب) همان منحنی ها پس از بازپخت در دمای C[°]۲۰۰ را نشان میدهند. همانگونه که دیده می شود، مغناطش نمونه های آسیاب کاری شده نسبت به مغناطش هماتیت اولیه بسیار بالا است و در بیشینه میدان کاربستی (± ۱۸ kOe) به اشباع رسیدهاند. این رفتار پیامدی از حضور فاز اسپينلي و/ يا توزيع متفاوت كاتيوني در نانوذرات هماتيت نسبت به نمونهی کیهای است. از آنجا که درصد وزنی فاز اسیینل ناچیز است، این مغناطش بزرگ بیشتر پیامدی از توزیع متفاوت کاتیونی در نانوذرات هماتیت است. تغییرات مغناطش اشباعی $\sigma_{
m s}$ و نیروی وادارندگی H_C نمونههای آسیابکاری و بازپخت شده برحسب زمان آسیاب کاری بهترتیب در شکل ۸(الف و ب) آمده است. همان گونه که دیده می شود با افزایش زمان آسیاب کاری در حالی كه مغناطش اشباعي افزايش يافته، نيروي وادارندگي كاهش يافته است که پیامدی از تک حوزه بودن نمونهها است [۱٤]. به عبارت دیگر، برای نمونههای بازپخت شده نیروی وادارندگی نخست تا ٦ ساعت آسیاب کاری، افزایش و پس از آن کاهش یافته است که نشان مي دهد ميانگين اندازهي بلور کهاي آن پيرامون اندازهي

نتایج این پژوهش نشان میدهد که آسیابکاری پرانرژی ویژگیهای هماتیت کپهای را به شدت مورد تاثیر قرار میدهد، به-گونهای که نانوذرات بهدست آمده ویژگی فریمغناطیس با مغناطشی به بزرگی ۹۰ emu/g دارند. اگر چه بخشی از این مغناطش بزرگ به فاز اسپینل تشکیل شده مربوط است، اما بخش بزرگتر به توزیع کاتیونی متفاوت نانوذرات هماتیت کپهای مربوط میشود.

 C. Suryanarayana, "Recent developments in mechanical alloying", Review on Advancend Materials Science 18, (2008) 203-211.

مرجعها

- [Y] A. Hasanpour, M. Mozaffari, J. Amighian, "Preparation of Bi-Fe₃O₄ nanocomposite through reduction of Bi₂O₃ with Fe via high-energy ball milling", Physica B 387, (2007) 298-301.
- [r] M. M. Can, M. Coşkan, T. Firat, "A comparative study of nanosized iron oxide particle; magnetite (Fe3O4), maghemite (γ- Fe2O3) and hematite (α- Fe2O3) using ferromagnetic resonance", Journal of Alloys and Compounds. 542, (2012) 241-247.
- [1] M. Zhu, Y. Wang, D. Meng, X. Qin, and G. Diao, "Hydrothermal synthesis of hematite nanoparticles and their electrochemical properties", The Journal of Physical Chemistry C, 116 (2012) 16276– 16285
- [o] A, Lassoued, B, Dkhil, A, Gadri, S, Ammar, "Control of the

shape and size of iron oxide (α -Fe₂O₃) nanoparticles synthesized through the chemical precipitation method", Results in Physics **7** (2017) 3007–3015

[٦] S. GH. Hosseini, "Synthesis of α-Fe2O3 nanoparticles by dry

high- energy ball-milling method and investigation of their catalytic activity", Journal of Thermal Analysis and Calorimetry, **128** (2017) 915–924

- [7] J. Xue, Z. Zhou, John Wang, "Nanocrystalline Maghemite (γ-Fe2O3) in Silica by Mechanical Activation of Precursors", Journal of American Ceramic Society., 85, 4, (2002) 807–11.
- [^A] N. Randrinantoandro, A. M. Mercier, M. Hervieu, J. M. Grenèche, "Direct phase transformation from hematit to maghemite during high energy ball milling", Materials Letters 47 (2001) 150-158.
- [9] A. H. Morrish, The Physical Principles of Magnetism, IEEE Press, (2001), 479.
- [1] S. D. Shenoy, P. A. Joy, "Effect of mechanical milling on the structural, magnetic and dielectric properties of zinc ferrite", Journal of Magnetism and Magnetic Material 269, (2004) 217—226.
- [11] R. M. Daivis, B. McDermott, C. C. Koch, "Mechanical alloying of brittle materials", Metal. Trans. A19, (1988) 2867-2874.
- [Y] J. M. D.Coey, Magnetism and Magnetic Materials, Cambridge University Press, UK, (2010) 203.
- [19] R. M. Cornell, U. Schwertmann, The Iron oxides: structure, properties, reactions, occurrence and uses, Wiley- VCH, Weinheim, (2003) 123.
- [19] B. D. Cullity, C. D. Graham, Introduction to Magnetic Materials, John Wiley & Sons, New Jersey, (2009) 360.



شکل ۷: منحنی پسماند الف) نمونههای آسیاب کاری تر و ب) بازپخت شده در ۲۰۰۵

بحرانی تک حوزه است[۱٤]. مغناطش اشباعی σ_s نمونههای بازپخت شده پایینتر از نمونههای آسیابکاریشده است، که پیامدی از بازگشت کاتیونها به توزیع کپهای است.



شکل ۸: منحنی تغییرات مغناطش اشباعی و نیروی وادارندگی الف) نمونههای آسیاب کاری تر و ب) بازپخت شده در ۲۰۰°

نتيجه گيري

ساخت نانوكامپوزيت مغناطيسي Bentonite/Fe₃O₄ در حضور ميدان مغناطيسي

مقدم ضیابری، سید اشکان ؛ بابامرادی، محسن ؛ ملکی، علی ؟ ؛ حاجیزاده، زلیخا

دانشکاه فیزیک دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران ^۲ آزمایشگاه تحقیقاتی کاتالیزورها و سنتز آلی، دانشکاه شیمی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

چکیدہ

در این مقاله نانوکامپوزیت Bentonite/Fe₃O4 در حضور یک میدان مغناطیسی خارجی ساخته شد و اثر میدان مغناطیسی در حین ساخت نمونه مورد بررسی قرار گرفت. نانوکامپوزیت های ساخته شده در حضور میدان به کمک آنالیزهای VSM و SEM مشخصه یابی و با نمونه های ساخته شده بدون حضور میدان مغناطیسی مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج آنالیز VSM نشان داد که مغناطش اشباع از مقدار ۲۳ emu/g برای نمونه سنتز شده بدون حضور میدان به مقدار میدان مغناطیسی مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج آنالیز VSM نشان داد که مغناطش اشباع از مقدار ۳۳ emu/g برای نمونه سنتز شده بدون حضور میدان به مقدار SPM emu/g برای نمونه سنتز شده در حضور میدان مغناطیسی افزایش پیدا میکند. نتایج آنالیز XRD بلورینگی نانوذرات را در هر دو حالت تائید میکند. تصاویر SEM پخش یکسان نانوذرات در کامپوزیت را نشان میدهد.

Magnetic nanocomposite Bentonite/Fe₃O₄ synthesizing in the presence of external magnetic field

Moghadam Ziabari, Seyed Ashkan¹; Babamoradi, Mohsenh¹; Maleki, Ali²; Hajizadeh, Zoleikha²

¹ Department of Physics, Iran University of Science and Technology, Tehran

²Catalysts and Organic Synthesis Research Laboratory, Department of Chemistry, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Abstract

In this paper, Bentonite/Fe3O4 nanocomposites synthesized in the presence of an external magnetic field and the effect of the magnetic field in synthesizing sample was investigated. Synthesized nanocomposites in the presence and absence of the external magnetic field characterized by SEM, XRD, VSM analyzes and compared with each other. VSM results revealed the magnetization saturation for the synthesized samples in the absence and presence of the external magnetic field as 23emu/g and 58emu/g, respectively. The XRD pattern confirmed the crystallinity of the all samples. The SEM images showed the dispersing of nanoparticles in the composite.

در سنسورها دارند را معرفی کرده است [۱]. دستهای از این نانوکامپوزیتها، نانوکامپوزیتهای مغناطیسی هستند که در زمینههای وسیعی به کار گرفته شدهاند که به عنوان نمونه به ذخیره سازی اطلاعات می توان اشاره کرد [۳و۲]. از طرف دیگر، ساخت مواد ابرپارامغناطیس زیست سازگار، در صنعت زیست پزشکی بسیار

نانوکامپوزیتها به دستهای از مواد گفته می شود که در آنها یکی از اجزاء ابعاد نانومتری داشته باشد. هیبرید های طبیعی و معدنی نسل جدیدی از کامپوزیتها که کاربردهای مختلفی از قبیل کاربرد کاتالیستی، کاربرد در دستگاههای الکترونیکی و فوتونیکی و کاربرد

مقدمه

مورد توجه قرار گرفته است که از کاربردهای آن می توان به دارو رسانی، گرمادرمانی ضدسرطان و بی حرکت سازی آنزیم ها اشاره کرد. پیشرفت های اخیردر زمینهٔ علم پلیمر نشان می دهد که امکان ساخت گسترهٔ وسیعی از مواد با کنترل پذیری در خواص مکانیکی، حرارتی و الکتریکی به وجود آمده است اما ساخت مواد طبیعی و زیست سازگار پلیمری با خاصیت مغناطیسی و پذیرفتاری های بالا در قیاس با مواد صنعتی مطالعات ویژه ای را می طلبد. ساخت نانوکامپوزیت های مغناطیسی، به منظور ترکیب پلیمرهای طبیعی پیشنهاد شده است [٤].

بنتنیت (Bentonite) یک نوع رس طبیعی ارزان و سنتی است که به سبب ساختار خاصی که دارد، پتانسیل بالایی برای حذف یون های فلزی سنگین از پسابها را دارد. در مقایسه با انواع دیگر رسها، بنتنیت خواص جذبی فوق العادهای دارد و این خواص ناشی از فضای بین لایهای این ماده همانند سطوح و صفحات خارجی آن است. از این رو بنتینت به عنوان یکی از کاندیداهای مناسب برای کامپوزیتهای مغناطیسی شمرده می شود [۸–۵].

در این مقاله نانوکامپوزیت Bentonite/Fe₃O₄ به منظور بررسی خواص آن ساخته شد و برای اولین بار به کمک اعمال یک میدان مغناطیسی در حین ساخت نانوکامپوزیت، برای خواص مغناطیسی آن افزایش چشمیگیری بهدست آمد.

روش انجام آزمایش

روش تهيهٔ Fe₃O₄

٤,۷ گرم از FeCl₂ ۲ آبه و ۲,۰ مولار و ۲,۷ گرم از FeCl₂ ۶ آبه و ۲,۰ مولار را با ۱۰۰ میلی لیتر آب مقطر درون بشری ریخته و در دمای ۸۰ درجه سانتی گراد به مدت ۱ ساعت به وسیلهٔ یک همزن مکانیکی هم زده شد. بعد از گذشت یک ساعت، ۱۰ میلی لیتر آمونیاک به صورت قطره قطره و به مدت ۱۰ دقیقه به محلول اضافه شد تا کاملا به رنگ تیره در بیاید. پس از ۳۰ دقیقه، هم زدن متوقف شد و رسوب آن ته نشین گردید. سپس رسوب چندین بار توسط آب مقطر شسته شد و سرانجام رسوب حاصله توسط یک

آهنربا جداشده و ۲٤ ساعت در دمای ۸۰ درجه قرار گرفت تا خشک شود.

روش تهیه ی نانوکامپوزیت Bentonite/Fe₃O₄

برای تهیه نانوکامپوزیت ابتدا ۲.، گرم از مادهٔ بنتنیت به همراه ۲.، گرم Fe₃O₄ به نسبت ۱ به ۱ با مقداری آب مقطر درون بشری به مدت نیم ساعت توسط یک همزن مکانیکی در دمای اتاق هم زده شد و سپس محلول حاصله، به مدت ۱ ساعت یکبار درون میدان مفناطیسی ۲.۰ تسلا و در دمای **۲۰** درجهٔ سانتی گراد و یکبار هم بدون اعمال میدان مغناطیسی خارجی با همان دما قرار گرفت تا نانوکامپوزیت تشکیل شود.

نتايج و تحليل ها

شکل ۱، تصاویر SEM از نمونه ی Bentonite/Fe₃O₄ و در حضور میدان خارجی شده در عدم حضور میدان خارجی (a) و در حضور میدان خارجی (b) را نشان میدهد. با توجه به تصاویر، میتوان وجود نانوذرات در بستر پلیمری را مشاهده کرد. همچنین میتوان مشاهده کرد که در شکل (b)، توده ها کمی متراکم تر از توده های نشان داده شده در شکل (a)، هستند. این افزایش حجم کلوخهها به دلیل نیروی جاذبهٔ قویتر بین نانوذرات مغناطیسی در نمونه تولید شده در حضور میدان مغناطیسی میباشد. اما تفاوت قدرت مغناطیسی از تصاوی اس ای ام آنچنان مشخص نمیشود. از طرفی عکس های خوبی در بنتونیت توزیع شده اند و نانوکامپوزیت های تقریبا یکنواختی تشکیل شده است. به عبارت سادهتر، اعمال میدان نکرده است [۱۰و ۹].



شکل ۱) تصاویر SEM نمونه های تولید شده a) در عدم حضور میدان مغناطیسی خارجی b) در حضور میدان مغناطیسی خارجی. در شکل ۲، نتایج آنالیز XRD را برای دو نمونه ساخته شده در حضور و عدم حضور میدان مغناطیسی خارجی نشان میدهد. قله-های ۷٫۵٦ و ۱۹٫۸۳ و ۲٦٫٤۷ درجه در هر دو نمودار مربوط به بنتونیت میباشند (با شماره کارتهای 9-2 و 649-1) و قلههای مربوط به نانوذرات Fe₃O4 در زوایای ۳۰٫۸ ، ۳٦٫۵ ، ۷٫٤۶ و ۱٫۳۲ درجه (با نتایج استاندارد TPOF0449 JCPD) در هر دو نمودار مشخص شدهاند [۱۳–۱۱].



شکل ۲) طیف آنالیز XRD از نانوکامپوزیت تولید شده بدون اعمال میدان مغناطیسی (۱) و ساخته شده در حضور میدان مغناطیسی (۲).



شکل ۳) آنالیز VSM برای نمونه تولید شده بدون اعمال میدان مغناطیسی(۱) و برای نمونه تولید شده در حضور میدان مغناطیسی خارجی (۲).

درشکل ۳، نمودار ۱ منحنی آنالیز VSM را برای نمونهٔ تولید شده در غیاب میدان مغناطیسی و نمودار ۲ برای نمونهٔ تولید شده در حضور میدان مغناطیسی را نشان میدهد. همان طور که در شکل دیده می شود، هر دو نمودار در دمای اتاق از صفر عبور کردهاند که این نشان میدهد پسماند مغناطیسی و میدان وادارندگی در این دما

وجود ندارد و بنابراین هر دو نمونه سوپر پارامغناطیس میباشند [۱۵و۱۵]. برای نمونهٔ تولید شده در غیاب میدان مغناطیسی خارجی، مغناطش اشباع ۲۲,۹۵ emu/g و برای نمونهٔ تولید شده در حضور میدان مغناطیسی خارجی، ۲۹,۹۲ emu/۵ بهدست آمد. دلیل افزایش مغناطش اشباع را میتوان به جهت گیری هرچه بهتر دو قطبیهای مغناطیسی در راستای میدان مغناطیسی خارجی در حین ساخت مربوط کرد. در حین ساخت در حضور میدان مغناطیسی، تعداد بیشتری از دو قطبیهای مغناطیسی با میدان مغناطیسی هم جهت شده و قدرت مغناطیسی نمونه افزایش پیدا کرده است.

نتيجه گيرى

برای اولین بار به وسیله اعمال میدان مغناطیسی در حین ساخت نانوکامپوزیت مغناطیسی Bentonite/Fe₃O4 مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آنالیز VSM افزایش حدود ۱۰۰ درصدی مغناطش اشباع را نشان داد. میدان مغناطیسی در حین ساخت نانوکامپوزیت باعث بیشتر هم جهت شدن نانوذرات مغناطیسی شده و بنابراین خاصیت مغناطیسی کامپوزیت افزایش چشم گیری خواهد داشت. این نتایج در بهبود خواص نانوکامپوزیتهای مغناطیسی و کاربرد وسیعتر آنها می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

مراجع

[¹] Liu, P. and Su, Z., 2006. Preparation and Characterization of PMMA/ZnO Nanocomposites via In-Situ Polymerization Method. Journal of Macromolecular Science, Part B: Physics, 45(1), pp.131-138.

[Y] Pyun, J., 2007. Nanocomposite materials from functional polymers and magnetic colloids. Polymer Reviews, 47(2), pp.231-263.

[Y] Bull, M.M., Chung, W.J., Anderson, S.R., Kim, S.J., Shim, I.B., Paik, H.J. and Pyun, J., 2010. Synthesis of ferromagnetic polymer coated nanoparticles on multi-gram scale with tunable particle size. Journal of Materials Chemistry, 20(29), pp.6023-6025.

[[¢]] Bajpai, A.K. and Gupta, R., 2010. Synthesis and characterization of magnetite (Fe3O4)—Polyvinyl alcohol-based nanocomposites and study of superparamagnetism. Polymer composites, 31(2), pp.245-255.

[⁴] Feng, G., Ma, J., Zhang, X., Zhang, Q., Xiao, Y., Ma, Q. and Wang, S., 2019. Magnetic natural composite Fe3O4-chitosan@ bentonite for removal of heavy metals from acid mine drainage. *Journal of colloid and interface science*, *538*, pp.132-141.

[⁵] Zhu, R., Chen, Q., Zhou, Q., Xi, Y., Zhu, J. and He, H., 2016. Adsorbents based on montmorillonite for contaminant removal from water: A review. *Applied Clay Science*, *123*, pp.239-258.

[^V] Yuan, P., Fan, M., Yang, D., He, H., Liu, D., Yuan, A., Zhu, J. and Chen, T., 2009. Montmorillonite-supported magnetite nanoparticles for the removal of hexavalent chromium [Cr (VI)] from aqueous solutions. *Journal of Hazardous materials*, *166*(2-3), pp.821-829.

[^A] Hosterman, J.W., 1985. *Bentonite and Fuller's earth resources of the United States* (No. 92).

^[4] Zhou, W. and Wang, Z.L. eds., 2007. Scanning microscopy for nanotechnology: techniques and applications. Springer science & business media.

[1.] Laudate, T., 2003. Imaging guidelines for scanning electron microscopy. Advanced materials & processes, 161(7), pp.23-25.

[¹] Gilberto, T.J., Marçal, L., Silva, J.M., Rocha, L.A., Ciuffi, K.J., Faria, E.H. and Nassar, E.J., 2016. Hybrid materials based on bentonite functionalized with amine groups via the hydrolytic sol-gel method. *Journal of the Brazilian Chemical Society*, 27(5), pp.933-940. [¹] Cullity, B.D., Elements of X-ray Diffraction. 1978.

[17] Ruíz-Baltazar, A., Esparza, R., Rosas, G. and Pérez, R., 2015. Effect

of the surfactant on the growth and oxidation of iron nanoparticles. *Journal of Nanomaterials*, 16(1), p.202.

[1^{*}] Maity, D. and Agrawal, D.C., 2007. Synthesis of iron oxide nanoparticles under oxidizing environment and their stabilization in aqueous and non-aqueous media. *Journal of Magnetism and Magnetic Materials*, 308(1), pp.46-55.

[14] Cullity, Bernard Dennis, and Chad D. Graham. Introduction to magnetic materials.John Wiley & Sons, 2011.

طراحی سوئیچ چند طول موج مبتنی بر شفافیت القایی ناشی از اثر پلاسمونیک

ملایی برجهری ، مهسا ؛ پورمحی آبادی، مریم ا

¹ *آزمایشگاه الکترونیک نوری، دانشکاده فنی- بخش مهندسی برق، دانشگاه شهید باهنر کرمان* ۲ آزمایشگاه الکترونیک نوری، دانشکده فنی- بخش مهندسی برق، دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکيده

در این مقاله یک سوئیچ چند طول موج مبتنی بر اثر شفافیت القایی نا شی از پلا سمونیک ^ا (PIT)، که از یک موجبر MIM تزویج شده با تشدیدگرهای رو شن-تاریک-تاریک تشکیل شده، ارائه شده است. ساختارپیشنهادی بااستفاده از روش FDTD تحلیل و شبیه سازی شده است. پدیده TIT معمولی و دوگانه در طیف انتقال ساختار، مشاهده و تغییرات پنجره TITنسبت به تغییر پارامترهای مختلف ساختار از جمله شعاع نانوکاواک حلقوی یا طول نانوکاواک بررسی شده است. نتایج نشان می دهد که ساختار می تواند با افزودن نانوکاواک های مختلف، در طول موج های مختلف مانند یک سوئیچ پسیو عمل کند. ساختار پیشنهادی پتان سیل کاربرد در ملارات مجتمع نوری را داراست.

كليد واژه- تشديدگر، سوئيچ پلاسمونيک، شفافيت القايي، نانوكاواک

Design of Multi-wavelength switch based on Plasmonic Induced Transparency

Molaee Barjahri, Mahsa¹; Pourmahyabadi, Maryam²

¹ Optoelectronic Laboratory, Electrical Engineering Department, Shahid Bahonar University

² Optoelectronic Laboratory, Electrical Engineering Department, Shahid Bahonar University

Abstract

Abstract - In this paper, an multi-wavelength switch based on Plasmonic Induced Transparency (PIT) effect, consisting of a MIM waveguide coupled with light/dark/dark resonators, is presented. The proposed structure has been analyzed and simulated using the FDTD method. The typical and dual PIT phenomenon has been observed in the transition spectrum of the structure. Also, the switching performance of structure is shown for different wavelengths. The results revealed that the structure can be operated by adding different nanocavities at different wavelengths such as a passive switch. The proposed structure has the potential applications in optical integrated circuits.

Keyword-Induced Transparency, Nanocavity, Plasmonic Switch, Resonator. PACS No. 85

¹ Plasmonic Induced Transparency

^Y Metal- Insulator-Metal

^{*} Finite Difference Time Domain

مقدمه

نوري پهن باند هستند [۱].

یک موجبر MIM که انتشار پلاریتونهای پلاسمون سطحی (SPPها) در سطح مشترک فلز-عایق را پشتیبانی میکند و نور را در مقیاس زیر طول موج تنظیم میکند، میتواند بهعنوان یک عنصر نوری ایده آل در ادوات پلاسمونیک مجتمع شده در نظر گرفته شـود. در سـالهای اخیر تحقیقات زیادی در زمینه سـاختارهای پلاسمونیک مبتنی بر موجبرهای MIM انجام شده است. در بین این سـاختارهای پلاسمونیک، سـوئیچها و مدولاتورها مهم ترین اجزای مورد استفاده برای مسیریابی و سوئیچینگ نور در ارتباطات

ش...فافیت القایی ناش...ی از الکترومغناطیس (EIT) که یک حالت خاص از رزونانس فانو اس...ت، که از تداخل مخرب کوانتومی بین دو مسیر تحریک متفاوت در یک سیستم اتمی چند سطحی، ناشی می شود. به تازگی شفافیت القایی ناش...ی از پلاس..مون(PIT)، به عنوان یک اثر شبه EIT در سیستم های پلاسمونیک به شدت مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس پدیدهی تداخل مخرب بین مود رو شن و تاریک، PIT فقط به شرایط آزمای شگاهی نوری معمولی نیاز دارد و می تواند بر روی فرامواد و موجبرهای پلاس..مونیک با مساحتهای کوچک بدست آید [۲]، که این امر، مجتمعسازی ادوات کاربردی چندگانه مانند سنسورها، فیلترها و ادوات نور کند را نوید می دهد.

در این مقاله، PIT قابل تنظیم پویا، بصورت تئوری بر اساس موجبر پلاسمونک MIM تزویج شده با تشدیدگر duts و تشدیدگر حلقوی دایروی (SRR) بررسی شده است. پنجره های PIT تکی و دوگانه، می توانند با تزویج بین مودهای تاریک و روشن محقق شده و با تئوری تابش چند تشدیدگری تجزیه و تحلیل شوند [۳]. در اینجا، از روش FDTD برای آنالیز ساختار پیشنهادی استفاده می شود. نتایج شبیه سازی نشان می دهد که پنجره انتقال شبه EIT معمولی می تواند در سیستم های پلاسمونیک مجتمع شده، محقق شود. با استفاده از ویژگی های طیفی PIT، سوئیچینگ پسیو چند طول موجه در ساختار پیشنهادی بدست آمده است.

ساختار پیشنهادی و تئوری

ساختار پیشنهادی که شامل سه نانوکاواک و یک موجبر اصلی است، در شکل ۱ نشان داده شده است. هر سه نانوکاواک (تشدیدگر stub و تشدیدگر حلقوی و تشدیدگر مستطیلی) و موجبر اصلی از ساختار MIM ساخته شده اند. بستر از جنس Si است و یک لایه نقره روی آن قرار گرفته است. موجبر اصلی و نانوکاواک ها درون لایه ی نقره ایجاد شده اند و از جنس هوا با ضریب گذردهی 1=i هستند. رابطه گذردهی نسبی نقره با مدل درود توصیف می شود: (۱)

 $\varepsilon_m = \varepsilon_{\infty} - \frac{\omega_p^2}{\omega^2 + j\omega\gamma}$



شکل ۱ : طرح ساختار پیشنهادی

اثر PIT از تداخل بین مود روشن (مود تحریک شده بصورت مستقیم) و مود تاریک (مود تحریک شده بصورت غیرمستقیم)، در سیستم پلاسمونیک حاصل می شود. برای تعریف اثر PIT در سیستم پلاسمونیک مجتمع، یک موجبر MIM کوپل شده از کنار به یک نانوکاواک روشن و چند نانوکاواک تاریک را در نظر می گیریم. نانوکاواک اول بهعنوان نانوکاواک روشن، بهصورت مستقیم به موجبر

اصلی تزویج شده است، نانوکاواک دوم بهعنوان نانوکاواک تاریک، بهصورت ناپایدار به نانوکاواک اول تزویج شده است، نانوکاواک سوم بهعنوان نانوکاواک تاریک، بهصورت ناپایدار به نانو کاواک دوم تزویج شده است و غیره. بهعبارت دیگر، j امین نانوکاواک فقط با (j-1) و (j-1) امین نانوکاواک اندرکنش دارد. در این مورد، یک نظریه چند عاملی تحلیلی، ارائه شده است که از سیستم دو تشدیدگری معمولی بدست می آید، که در آن،

$$D_{j} = 1 - \left(\frac{\omega}{\omega_{j}}\right)^{2} - i\gamma_{j}\left(\frac{\omega}{\omega_{j}}\right)$$
(Y)

و ($j=1,2,\ldots,N$) است [ه]. $_{i}\omega$ فرکانس رزونانس jامین نانوکاواک و $j_{j}(\omega)$ فاکتور میرایی j امین نانوکاواک است که با تحریک $h_{j}(\omega)$ توصیف شده است. نانوکاواک روشن با نیروی خارجی $f(\omega)$ تحریک شده است. سیستم میتواند با معادله ماتریس هارمونیک ترویج شده، بهصورت زیر توصیف شود:

$$h_{j}(\omega) = \frac{f(\omega)}{D_{1} - \frac{k_{1}^{2}}{D_{2} - \frac{k_{2}^{2}}{\vdots}}}$$
(°)
$$D_{N-1} \frac{k_{N-1}^{2}}{D_{N}}$$

 k_j نیروی تزویج بین j امین و j+1 امین نانوکاواک است. پاسخ مؤثر با هدایت پذیری سیستم توصیف می شود، که برای این سیستم با N نانوکاواک (یک نانوکاواک روشن و N-1 نانوکاواک تاریک) بهصورت زیر است:

$$\sigma_N = -i\omega h(\omega)$$

$$\sigma_{N} = \frac{-i\omega}{D_{1} - \frac{k_{1}^{2}}{D_{2} - \frac{k_{2}^{2}}{\vdots}}}$$
(٤)
$$D_{N-1} \frac{k_{N-1}^{2}}{D_{N}}$$

ضریب انتقال و ضریب شکست گروهی این سیستم بهصورت زیر نوشته می شود:

$$T_N = \frac{2}{2 + Z\sigma_N} \tag{6}$$

$$n_{g} = \frac{\tau_{N}.c}{l} = \frac{1}{2} \frac{c}{l} Im \left[T_{N} \frac{d(Z\sigma_{N})}{d\omega} \right]$$
(7)

که درآن c سرعت نور در خلأ، l طول موجبر MIM، T_N تأخیر Z_p گروهی سیستم با N نانوکاواک و Z امپدانس موج است که از \mathcal{E}_1 گروهی سیستم با N نانوکاواک و Z امپدانس موج است که از \mathcal{E}_1 \mathcal{E}_1 \mathcal{E}_2 استخراج شده است، \mathcal{E}_0 گذردهی خلا، \mathcal{E}_1 \mathcal{E}_1 \mathcal{E}_2 استخراج شده است، \mathcal{E}_0 گذردهی خلا، \mathcal{E}_1 گذردهی ماده پرشده درون نانوکاواک ها، (w) ثابت انتشار در نانوکاواک های MIM است و با استفاده تانوکاواک های MIM است و با استفاده انوکاواک های معادله \mathcal{E}_1 می توان سرعت گروهی در این سیستم را بدست آورد که می تواند برای مطالعه نور کند استفاده شود. انتقال ساختار با معادله \mathcal{E}_1 محاسبه می شود که از Pin توان فرودی در پورت ورودی و mit و با استفاده شود. انتقال مساختار با معادله \mathcal{E}_1 محاسبه می شود که از Pin توان فرودی در بورت ورودی و mit و

از روش FDTD برای آنالیز و شبیه سازی این ساختار استفاده شده است. شکل ۲ طیف انتقال ساختار را برای حالت های یک و ۲ و ۳ کاواکه نشان می دهد. مشاهده می شود که یک پنجره PIT معمولی در حالت دوکاواکه (شکل۲ب) و یک PIT دوگانه در حضور سه کاواک در طیف انتقال ظاهر شده است.





شكل۲) طيف انتقال الف) فقط در حضور نانوكاواك رو شن(تشديدگر STUB) ب) در صورت وجود تشديدگر STUB و تشديدگر حلقوی ج) درحضور هر سه تشـــديگر د-۱تــــــــــــــل توزيع ميـدان در ســــه طول موج 750nm، 12nmهو20nm

در حالت حضور همزمان کاواک اول و دوم، با توجه به نتایج، می بینیم که ساختار دو عمق در طول موجهای ۸۰۰nm و ۹۵۰nm نشان می دهد با توجه به اینکه در حالت حضور فقط کاواک شاخهای (کاواک۱)، طیف انتقال فقط در طول موج ۸۰۰nm یک عمق نشان داده است، بنابر این ساختار در حالتهای حضور و عدم حضور کاواک۲ در طول موج ۹۵۰nm عمل کرد سوئیچینگ دارد.

با توجه به نتایج شکل ۲ مشاهده می شود که با تعریف کاواک ۳ در ساختار، طیف انتقال علاوه بر طول موج ۸۰۰nm و ۹۵۰n۳ در طول موج ۷۵۰nm نیز یک عمق نشان می دهد، با توجه به اینکه در حالت حضور فقط کاواک ۱، طیف انتقال فقط در طول موج ۸۰۰nm معمق نشان داده است، بنابراین ساختار در حالتهای حضور و عدم حضور کاواک۳ در طول موج ۷۵۰nm و ۹۵۰nm عملکرد سوئیچینگ دارد که نتایج در جدول ۱ نشان داده شده است.

نتيجهگيري

در این مقاله یک ساختار سوئیچ پلاسمونیک پسیو شامل یک موجبر MIM کوپل شده از کنار به نانوتشدیدگرهای روشن-تاریک-تاریک (stub-حلقوی و مستطیلی) پیشنهاد شده است.

نتایج نشان میدهد که، پدیده PIT معمولی در حضور دو تشدیدگر stub (روشن) و تشدیدگر حلقوی (تاریک) اتفاق می افتد. همچنین با اضافه کردن تشدیدگر مستطیلی (تاریک)، پدیده PIT دوگانه قابل مشاهده است. باتوجه به نتایج بدست آمده ساختار پیشنهادی خاصیت سوئیچینگ در طول موج های مختلف را از خود نشان می دهد. مشاهده می شود که PIT در ساختار پیشنهادی مقادیری تا دهد. مشاهده می شود که PIT در حالی که ساختارهای قبلی [٥] پیک انتقال حداکثر تا حدود ٥٤/۰ را از خود نشان می دهند، همچنین ساختار نرخ خاموشی بالای ۱۹/۸۲dB را از خود نشان داده است.

جدول۱: عملکرد سوئیچینگ پلاسمونیک ساختار در طول¬موج ۹۵۰ نانومتر در حالت حضور و عدم حضور کاواک۳

| موج (nm) | عدم وجود کاوا ک۳ و ۲ | | | در حضور کاواک ۳ و ۲ | | | |
|-------------|----------------------|------------|--------|---------------------|------------|--------|-------------------|
| | انتقال | روشن/خاموش | باينرى | انتقال | روشن/خاموش | باينرى | نرخ خاموشی(dB) |
| Y٥٠ | ۰/۳۳ | روشن | ۱ | •/•٣ | خاموش | • | 17/14 |
| ٨ | •/•••1 | خاموش | • | •/•••1 | خاموش | • | - |
| ٩0٠ | •/٩٦ | روشن | 1 | •/•1 | خاموش | • | 19/85 |

مراجع

- [1] Y. Huang, C. Min, and G. Veronis, "Compact slitbased couplers for metal-dielectric-metal plasmonic waveguides," *Optics express*, vol. 20, pp. 22233-22244, 2012.
- [2] S. Zhang, D. A. Genov, Y. Wang, M. Liu, and X. Zhang, "Plasmon-induced transparency in metamaterials," *Physical Review Letters*, vol. 101, p. 047401, 2008.
- [3] S.-L. Yang, D.-M. Yu, G.-D. Liu, Q. Lin, X. Zhai, and L.-L. Wang, "Perfect Plasmon-Induced Absorption and Its Application for Multi-Switching in Simple Plasmonic System," *Plasmonics*, vol. 13, pp. 1015-1020, 2018.
- [4] Z. Zhang, J. Yang, X. He, Y. Han, J. Zhang, J. Huang, et al., "All-optical multi-channel switching at telecommunication wavelengths based on tunable plasmon-induced transparency," *Optics Communications*, vol. 425, pp. 196-203, 2018.
- [5] Z. He, H. Li, S. Zhan, B. Li, Z. Chen, and H. Xu, "Tunable multi-switching in plasmonic waveguide with Kerr nonlinear resonator," *Scientific reports*, vol. 5, p. 15837, 2015.

تأثیر افزایش غلظت کلسیم بر خواص ساختاری و مغناطیسی نانو بلورهای فریت کلسیم- کادمیم

وفايي، سميه؛ ناصري، محمود

دانشکده علوم پایه، گروه فیزیک، دانشگاه ملایر

چکیدہ

در این تحقیق نا نو بلورهای فریت کلسیم -کادمیم با فرمول کلی Ca_{1-x}Cd_xFe₂O4 به روش عملیات گرمایی در دمای ۷۷۳ کلوین سنتز شد. مشخصات ساختاری به وسیله پراش پرتو ایکس (XRD) و میکروسکوپ الکترونی روبشی (FESEM) تعییین گردید. خواص مغناطیسی این نانو بلورها مانند مغناطش اشباع (M_s) و پسماند (M_r) توسط دستگاه مغناطیس سنج نمونه ارتعاشی (VSM) در دمای اتاق بررسی شد. اندازه این نانو بلورها با استفاده از رابطه شرر و میکروسکوپ الکترونی روبشی برای یکی از نمونه ها مقایسه گردید که توافق بسیار خوبی با یکدیگر داشتند.

The effect of increasing the concentration of calcium on the structural and magnetic properties of Calcium-Cadmium ferrite nanocrystals Vafaei, Somayeh; Naseri, Mahmoud;

Department of Physics, Malayer University, Malayer

Abstract

In this research, Calcium-Cadmium ferrite nanocrystals with the general formula $Ca_{1-x}Cd_xFe_2O_4$ were synthesized by thermal treatment method at 773 K. Structural characterization were determined by X-ray diffraction (XRD) and filed electron scanning microscopy (FESEM). The magnetic properties of these nanocrystals, such as saturated magnetization (M_s) and remanent (M_r), were investigated by a vibrational sample magnetometer (VSM) at room temperature. The size of these nanocrystals for one of the samples was compared by the Sherer relation and filed electron scanning microscopy which had good agreement with together.

PACS No. 7520

پرداختهاند. نانو بلورهای مغناطیسی بهعنوان گروهی از مواد نانومقیاس، انقلاب عظیمی را درروشهای تشخیص و درمان در دانش پزشکی ایجاد کردهاند. علاوه بر تشخیص پزشکی، در داروسازی هدفمند، در ابزارها و وسایل الکترونیکی در ذخیرهسازی اطلاعات کاربرد دارند[۱]. امروزه با توجه به ویژگیهای مفید و منحصربهفرد نانو بلورهای مغناطیسی، استفاده از آنها در حوزههای مختلفی مورد توجه قرارگرفته است. در این میان نانوبلورهای فریتهای اسپینلی با فرمول عمومی MFe₂O4 که در آن M ترکیبی از یک یا چند یون دو ظرفیتی میباشد از پرکاربردترین انواع نانو ۱-مقدمه:

صنعت مغناطیس یکی از شاخههای بسیار مهم در عرصههای مختلف علمی و صنعتی، زیست محیطی و پزشکی می باشد که بانفوذ فناوری نانو دستخوش تغییرات بسیاری شده است. باوجود پژوهشهای صورت گرفته ی فراوان و پیشرفت های بسیار بزرگ در زمینه ی نانو بلورهای مغناطیسی، این شاخه از علم هنوز دارای قابلیت های بسیاری برای توسعه و پیشرفت بیشتر می باشد. به دلیل جذابیت و اهمیّت کاربردی نانو بلورها ، تاکنون پژوهشگران زیادی به تحقیق و مطالعه بر روی نانو بلور و ویژگی های گوناگون آن ها

مواد هستند که ویژگیهای منحصربه فردشان موجب کارایی خاص آنها نسبت به سایر نانو ساختارها می شود[۲-۵]. به ویژه این که در سالهای اخیر استفاده از این نانو بلورها در درمان های پزشکی با استفاده از رفتارهای مغناطیسی آن ها جلوه خاصی به این زمینه مطالعاتی داده است[۶و۷].

ویژگیهای مغناطیسی فریتها به نوع کاتیونها و توزیعشان در میان جایگاههای چهاروجهی و هشتوجهی بستگی دارد [۸]. چگونگی توزیع یونهای فلزی در جایگاههای هشتوجهی و چهاروجهی به عواملي همچون شعاع يوني، ظرفيت يـونهـا، سـاختار الكترونـي و انرژی الکترواستاتیکی در ساختاراسپینلی بستگی دارد. فریـت کلسـیم - کادمیم یک فریت اسپینلی آمیخته است که در آن یـون.هـای Fe⁺³ و Fe^{+3} و Ca^{+2} و Ca^{+2} در جایگ
اه B در یک شبکه Cd^{+2} و اسپینلی جایگاه مکعبی قرار میگیرند[۹]. برای ساخت فریت، روش های گوناگونی از جمله سل -ژل، سنتز با ریزموج، واکنش حالت جامد، روش تجزيهٔ گرمایی، مکانو شیمیایی، هیـدروترمال و... به کار گرفته شده است. در میان این روش ها، که هـر کـدام معـایبی دارد روش عملیات گرمایی به دلیل برتریاش به سبب ویژگیهای منحصر به فردی از قبیل غیر سمی بودن، متناسب با محیط زیست، زمان واکنش کم و بازدهی بالا که معایب روش های فـوق را نـدارد یک روش مفید برای تهیهٔ نانو بلور است که در این پژوهش برای تهیهٔ نمونه ها به کار گرفته شد [۱۰و ۱۱].

۲- بخش تجربی:

۲–۱ مواد مورد نیاز:

برای تهیهی نانو بلور Ca_{1-x}Cd_xFe₂O₄ مواد اولیه مورد نیاز، نیترات آهن Fe(NO₃)_{3.9}H₂O ، نیترات کادمیم Cd(NO₃)_{2.6}H₂O و و نیترات کلسیم PVP ، Ca(NO₃)_{2.6}H₂O با درصد خلوص بالای Sigma Aldrich درصد مورداستفاده قرار گرفت که از شرکت Sigma Aldrich خریداری شد. از آب مقطر به عنوان حلال و از پلی وینیل پیرولیدون (PVP) برای جلوگیری از کپهای شدن مواد و عامل محدود کنندهی اندازهی بلورها استفاده شد مقادیر مورد نیاز در جدول ۱ ذکر شده است.

جدول ۱ مقادیر مواد موردنیاز

| وزن بر حسب گرم | مادہ |
|----------------|-----------------------|
| ۱. • میلی مول | نيترات كلسيم و كادميم |
| ۲. • میلی مول | نيتراتآهن اللا |
| ۴g | پلى وينيل پيروليدون |
| ۱۰۰ml | آب مقطر |

۲–۲روش انجام آزمایش:

ابتدا یک محلول با حل کردن ۴ گرم pvp در ۱۰۰میلیلیتر آب مقطر با دمای ۸۰ درجه روی یک همزن مغناطیسی همراه یک مگنت برای ایجاد مغناطیس و جلوگیری از به هم چسبیدگی مواد در درون بشر آماده شد. باگذشت زمان معین بافاصلهی کمی از هم مقدار معینی از نیترات آهن، کلسیم و کادمیم به آن اضافه شد. و به مدت ۲ ساعت روی هیتر قرار گرفت. محلول حاصل را به مدت ۲۴ ساعت درون آون قرار گرفت. بعد از خشک شدن محلول به مدت ۲۰ دقیقه نمونه آسیاب شد. نمونه اسیاب شده که به صورت پودر صاف و یکدست درآمد به منظور کلسینه شدن و شکل گیری نانو بلورها درون کوره در دمای ۵۰۰ درجه کلوین قرار گرفت.

۳– بحث و نتايج:

۲-۱ بررسی نتایج پراش پرتو ایکس(XRD):

الگوهای پراش اشعهی ایکس با استفاده از دستگاه پراش اشعهی X مدل Philips و PW1730 و با طول موج $\lambda=1.4^{\circ}$ أ*نگستروم* موردبررسی قرار گرفت. الگوی پراش پرتو ایکس اطلاعاتی راجع به آنالیز فازی، اندازهی بلورها و ذرات نانو مواد، نوع شبکه بلوری ماده، تعیین پارامترهای شبکه بلوری، اندازهی متوسط دانه های بلوری، وجود ناخالصی در نمونه و... در اختیارمان قرار میدهد شکل ۱ الگوی پراش پرتو ایکس نانو بلورهای فریت کلسیم – کادمیم را نشان میدهد که نمودار a مربوط به $Ca_{0.8}Cd_{0.2}Fe_2O_4$ می باشد.


الگوهای پراش X نمونههای پخت داده شده در دمای ۷۷۳ کلوین و با نسبتهای X برابر با ۲/۰ و ۸/۰ میباشد. نمونههای کلسینه شده در صفحات براگ (۲۲۰)، (۳۱۱)، (۵۱۱)، (۴۴۰)، (۳۳۱)، (۲۰۰)، (۳۳۱) در دو نمونه دیده می شود. در این صفحات تشکیل ساختار اور تورومبیک برای نمونهایی با ۲/۰=X و مکعبی برای نمونهای با ۸/۰=X تأیید شده است. که به ترتیب با الگوی استانداردcubic·ICDD:00-032-0168,Orthorhmic

CaFe₂O₄ مطابقت داشتند فازهای ناخالص ICDD:00-022-1063 در نانو بلورهای فریت کلسیم – کادمیم مشهود است[۱۱و۱۲]. همچنین نتایج حاصل از رابطه شرر(۱) که در جدول ۲ مشاهده می شود نشان داد که با افزایش کلسیم اندازه بلورها کوچکتر شده است.

 $D = \frac{k\lambda}{\beta cos\theta}$ (1) $D = \frac{k\lambda}{\beta cos\theta}$

خواص مغناطیسی نانوبلورها توسط مغناطیسسنج نمونه لرزان (VSM) شرکت مغناطیسی دقیق کویر موردبررسی قرارگرفته است. حلقههای پسماند نانو بلورهای مغناطیسی دو نمونه در دمای ۷۷۳ کلوین در شکل۲ نشان دادهشدهاند. نمونهای با ۲/۰=X و ۸/۰

کلسینه شده هر دو رفتار فرو مغناطیس از خود نشان دادند. شکل ۲ نمودار حلقه پسماند دو نمونه نشان داده شده است.



شكل ٢ نمودار حلقه يسماند نانو ذرات Ca_{1-x}Cd_xFe₂O₄ توزيع مجدد كاتيونها يكي از مهمترين پارامترهايي است كه مي تواند ویژگیهای مغناطیسی را نسبت به حالت تودهای تغییر دهد. در حالت تودهای فریت کادمیم، یک ساختار اسپینل عادی دارد که در آن²⁺²Cd و در جایگاه A و Fe⁺³ در جایگاه B قرار می گیرند با افزایش Ca⁺² سبب تغییر ساختار فریت کادمیم از اسپینل عادی به اسپینل ترکیبی میشود این توزیع مجدد کاتیون ها باعث میشود که برهمکنش گشتاورهای یونهای قرارگرفته در جایگاهای مختلف شبکه تغییر کند [۱۴]. در جدول ۲ نتایج حاصل از مغناطش اشباع و وادارندگی مغناطیسی آورده شـده اسـت. بررسـی هـا نشـان داد کـه مقادیر مغناطش اشباع و وادارندگی مغناطیسی با افزایش انـدازه نـانو بلورها کاهش یافته است. در بعضی از نانو فریت های مغناطیسی (همانند فریت کادمیم و فریت روی) به علت ساختار نرمال، با افزايش اندازه بلور، مغناطش اشباع كاهش مي يابد [١٢،١٥] . در حالیکه در نانو فریتهای با ساختار معکوس (همانند فریت کبالت و فريت نيكل) هنگامي كه اندازه بلورافزايش مي يابد مغناطش اشـباع

و فریت نیکل) هنگامی که اندازه بلورافزایس می یابد معناطس اسب[.] هم افزایش می یابد[۱۰،۱۶].

در دیگر فریت ها که ساختار ترکیبی دارند(همانند فریت کلسیم)[۱۱] بسته به اینکه کدام ساختار در ترکیب نهایی غالب می باشد (معکوس یا نرمال) مغناطش اشباع می تواند افزایش یا کاهش یابد. با توجه به اینکه فریت کادمیم یک فریت نرمال و فریت کلسیم

هم یک فریت ترکیبی می باشد میتوان گفت ساختار نهایی یک ایکس، تشکیل فازهای بلوری تأیید شد. نتایج دستگاه مغناطیس سنج ساختار متمایل به نرمال می باشد که با افزایش اندازه بلور مغناطش نمونه ارتعاشی (VSM) نشان داد که نانو بلور Ca_{0.8}Cd_{0.2}Fe₂O₄ و اشباع کاهش می یابد که آزمایش مغناطیس سنج نمونه ارتعاشمی نیـز نانو بلور Ca_{0.2}Cd_{0.8}Fe₂O₄ هر دو رفتار فرو مغناطیس داشتندوهمچنین به دلیل غلبه ساختار نرمالی فریت کادمیم ساختار جدول ۲ نتایج حاصل از (XRD) و(VSM) نهایی یک ساختار متمایل به نرمال می باشد که با افزایش اندازه بلور مغناطش اشباع كاهش مي يابد. با استفاده از تصوير ميكروسكوپ

مرجعها:

| نمونه | Ms (emu/g) | Hc (Oe) | XRD(nm) |
|---------------------------|------------|---------|---------|
| $Ca_{0.8}Cd_{0.2}Fe_2O_4$ | 12.722 | 44.795 | 18.6 |
| $Ca_{0.2}Cd_{0.8}Fe_2O_4$ | 4.180 | 7.938 | 38.8 |

آن را تایید نموده است.

[۱] ناصري، محمود، نادري، احسان ، سايون ، الياس "مطالعه خواص نانو ذرات فريت سنتز شده به روش عمليات گرمايي" (١٣٩٥) نانومقياس ، شماره يک بهار 1390

الكتروني روبشي اندازه و شكل توزيع بلورها مشخص گرديد.

[2]. R Raut, D Barkule, and K Shengule, Journal of Magnetism and Magnetic Materials 358 (2014) 87.

[3] D S Mathew and R S Juang, Chemical Engineering Journal 129 (2007) 51.

[4]. S Soibam Phanjoubam, and C. Prakash, Journal of Magnetism and Magnetic Materials 321 (2009) 2779.

[5] E De Fazio, P Bercoff, and S Jacobo, Journal of Magnetism and Magnetic Materials 323 (2011) 2813.

[6]. M E F Brollo, J M Orozco-Henao, R López-Ruiz, D Muraca, C S B Dias, K R Pirota, and M Knobel, Journal of Magnetism and Magnetic Materials 397 (2016) 20.

[7] V Peeples, Goornavar, C Peeples, D Spence, VParker, C Bell, D Biswal, G T Ramesh, and A K Pradhan, J. Nanopart. Res. 16 (2014) 2290.

[8]. K Maaz, W Khalid, A Mumtaz, S Hasanain, J Liu, and J Duan, Physica

E: Low-dimensional Systems and Nanostructures 41 (2009) 593. [9] M Rahimi, M Eshraghi, and P kameli, Ceramics Internationa 140

(2014)15569. [10] Naseri, M. G., Saion, E. B., Ahangar, H. A., Shaari, A. H., & Hashim, M. (2010). Simple synthesis and characterization of cobalt ferrite nanoparticles by a thermal treatment method. Journal of Nanomaterials, 2010, 75.

[11] Naseri, M., Naderi, E., & Sadrolhosseini, A. R. (2016). Effect of phase transformation on physical and biological properties of PVA/CaFe 2 O 4 nanocomposite. Fibers and Polymers, 17(10), 1667-1674.

[12] Naseri, M. (2015). Optical and magnetic properties of monophasic cadmium ferrite (CdFe2O4) nanostructure prepared by thermal treatment method. Journal of magnetism and magnetic materials, 392, 107-113. [13] V.R Palkar., S.K Malik, Solid State Commun. 134 (2005) 783-787

[۱۴] ناصري، محمود، نادري، احسان مقايسه خواص فيزيكي نانوكاميوزيتهاىCaFe₂O₄/PVA" و CdFe₂O₄/PVA) نانومقياس ، شماره

چهارم ، سال چهارم ، زمستان ۱۳۹۶.

[15] Mahmoud Goodarz Naseri, Synthesis and characterization of zinc ferrite nanoparticles by a thermal

treatment method, Solid State Communications 151 (2011) 1031-1035.

[16] Mahmoud Goodarz Naseri, Simple preparation and characterization of nickel ferrite nanocrystals by a thermal treatment method, Powder Technology 212 (2011) 80-88.

۳-۳ بررسی نتایج حاصل از میکروسکوپ الکترونے روبشی (FESEM):

دستگاه FESEM اندازه نانو بلورها را مشخص میکند. مقادیر اندازه نانو بلورها بر روی شکل۳ نشان داده شده شده است که این مقادیر توافق بسیار خوبی با نتایج حاصل از XRD و رابطـه شـرر موجود در جدول ۲ دارد. اندازه بلورهای به دست آمده از آزمایش FESEMثابت می کند کـه توزیـع بلورهـا یکنواخـت بـوده ودارای ریخت منظمی می باشـند. تجمـع وکلوخـه ای شـدن در پـاره ای از مناطق ناشی از برهمکنش های مغناطیسی بین بلورها باتوجه به خاصیت مغناطیسی نانو فریت که بـه طـور طبیعـی اتفـاق مـی افتـد است[١٢و ١١].



شكل۳ تصوير ميكروسكوب الكتروني براي Ca_{1-x}Cd_xFe₂O₄

نتىجە گىرى:

در این پژوهش نانوبلور ، Ca_{1-x}Cd_xFe₂O4 در حضور PVP به روش عملیات گرمایی سنتز شد. با استفاده از الگوی پراش پرتو